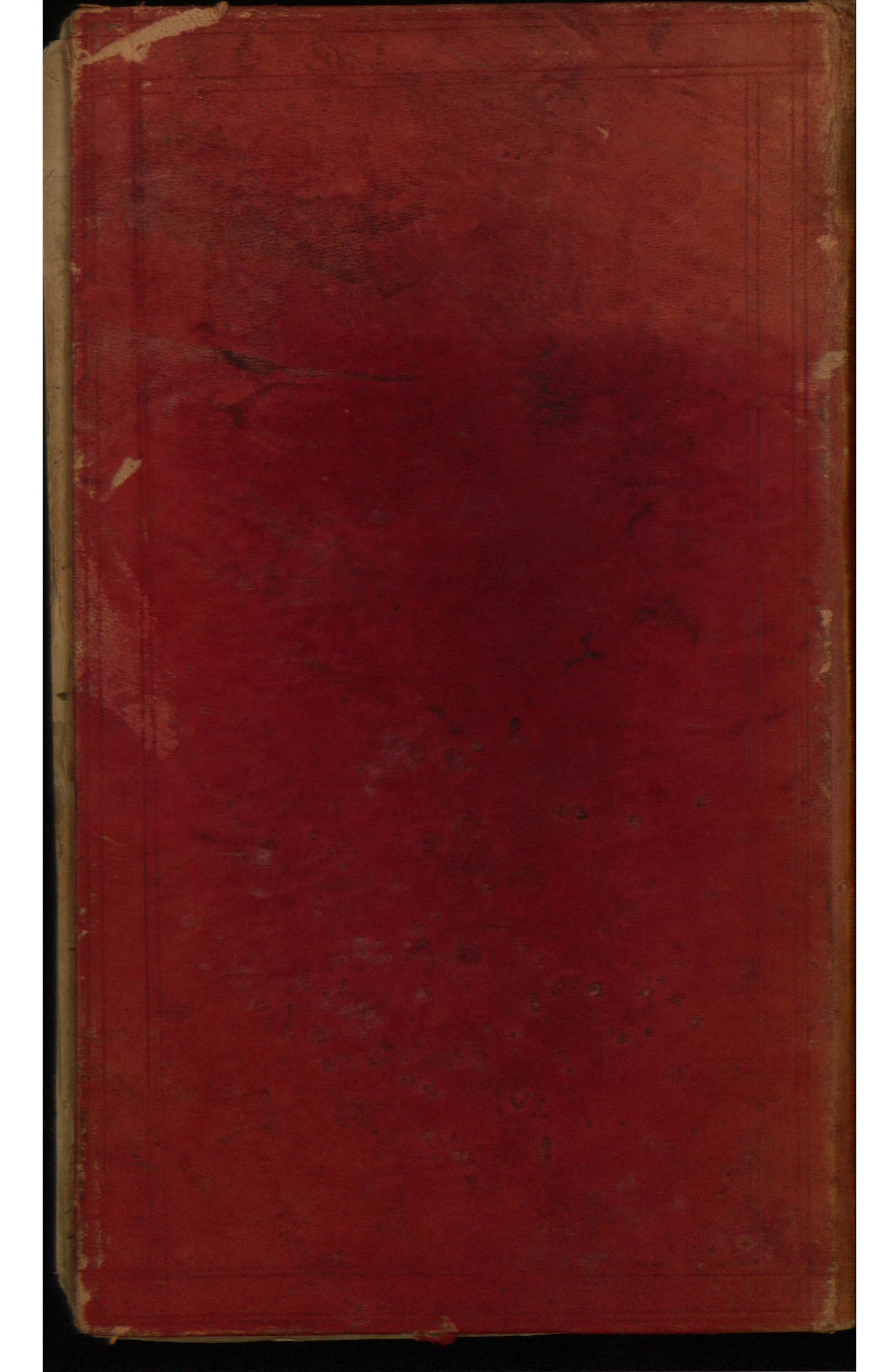
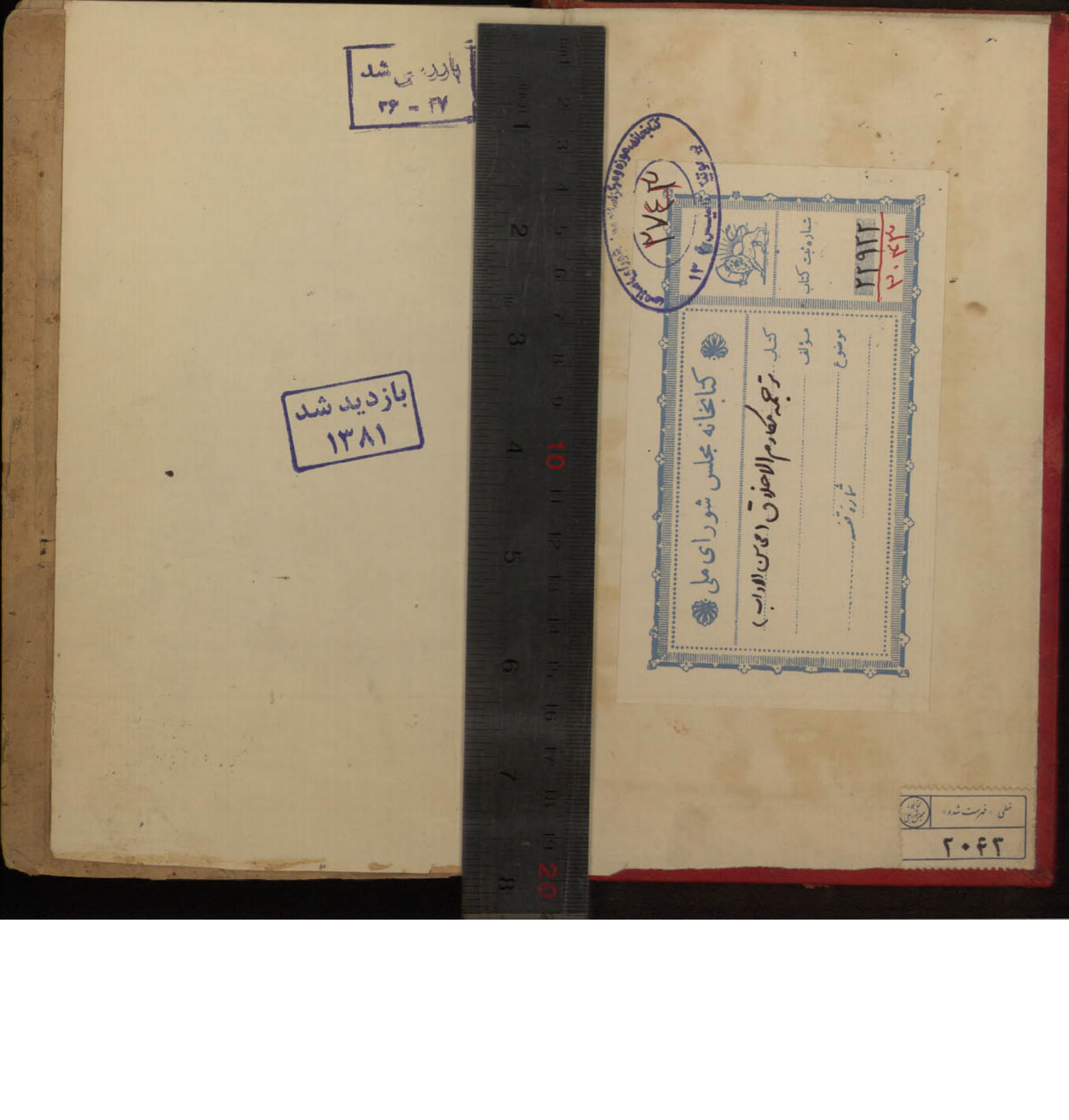
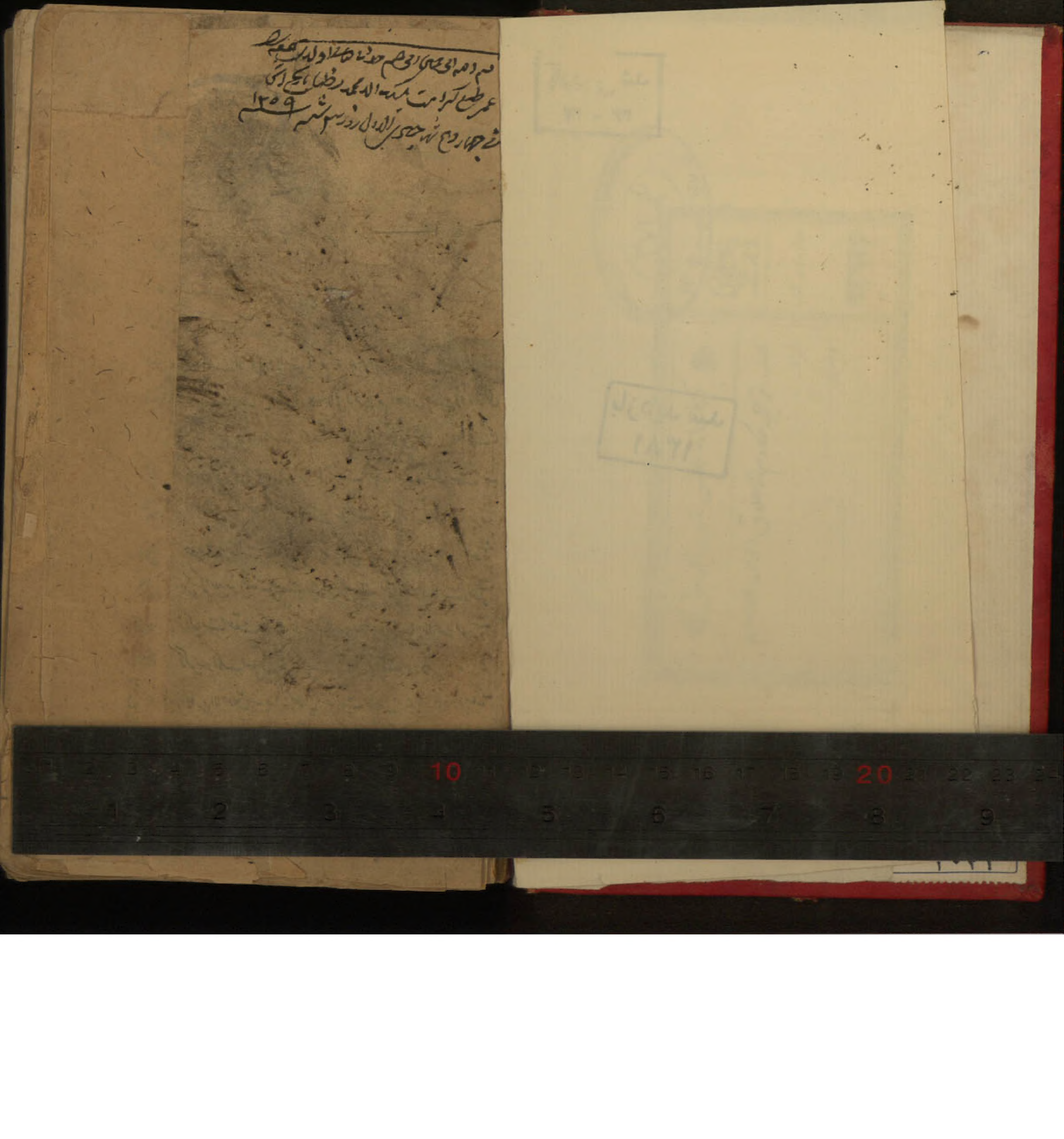



بازدید شد
۱۳۸۱
کتابخانه مجلس شورای ملی
۲۰۴۳



کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب مکارم الاخلاق حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
و سلم که ترجمه فارسی بمحاسن الآداب مسما شده

بسم الله الرحمن الرحیم

وعلیک الاعتماد و فی التتمیم یا کریم زواهر جواهر حمد و سپاس و نفائس
لآلی شکر بیقیاس نثار بارگاه خلاقی که مکارم اخلاق عبا و اثری
از آثار فیض جود اوست و محاسن آداب و اعمال خلائق شمه از لطف نا
محدود او کریمی که نوع انسان از قابلیت اتصاف بصفات حسنه
و اکتساب اخلاق مستحسنه ساخت رحیمی که متابعان و پیروان
حضرت رسالت پناه محمد را بنوید قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی
یحببکم الله بنواخت جلت آلاؤه و عمت نعماؤه و صلوات و صلوات
زاکیات و تحف تحیات نامیات بر سید کائنات و خلاصه موجودات
که کریمه وانک لعلی خلق عظیم نخته ایست از کمال ذات او و کلمه انما بعثت لاتمم
مکارم الاخلاق بنده از جلال صفات او عالی مسند بارگاه و ما ارسلناک
الا رحمة للعالمین صدرنشین صفه کنت نبیا و آدم بین الماء و الطین

آفتاب عالمتاب سپهر اصطفا بدر عالی قدر فلک اجتبا محمد مصطفی
صلی الله علیه و سلم و آله و عترته الطیبین الطاهرین

بنده شناه دین

باین فقیر کثیر البضاعت و حقیر عدیم الاستطاعت فخر الدین محمد
بن عبد الکریم الانصاری الاسترابادی غفر الله له و لوالدیه رسید که
کتاب مذکور را بلغت فارسی ترجمه کند تا عرایس ابکار مفهومات
و معانی از نقاب الفاظ و عبارات عربی چهره نماید و پرده خفا و اختفا
از عارض ظهور و رخسار وضوح گشوده گردد و آنحضرت همچنانکه بنام نامی
و اسم سامی حضرت رسالت پناهی موسوم است مکارم اخلاق و محاسن
آداب و اوصاف محمدیه را الکتاب فرموده بدان نیز متصف و منعوت
باشد و بیامن دولتش سایر امت محمد خواص و عوام از خواص فضایل و عموم
فواید آن محظوظ و بهره مند گردد و هر چند کمینه را قدرت ارتکاب باین امر
خطیر و قوت اشتغال باین شغل کبیر نبود بحکم المامور معذور امتثالا
لامره العالی استعانة از حضرت باری عز اسمه جسته و از ارواح مقدسه
حضرت سید المرسلین و حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین استمداد نموده و در آن شروع کرد
و این ترجمه را محاسن الآداب نام نهاد و ملتمس از مکارم اخلاق ناظرین و طرفا مکارم الاخلاق آنکه بنظر اصلاح

دیده اگر زلل و قصوری مطلع شوند قلم عفو بر ان کشیده راقم را معذور دارند
مسئول از ملک متعال آنکه توفیق اتمام کرامت فرماید و حضرت امیر و سایر مومنان را
باین ترجمه منتفع و مستفید گرداند و بگرداند این ترجمه را ذخیره از برای
مترجم یوم لا ینفع مال و لا بنون انه ولی ذلک و ما توفیقی الا بالله و هو حسبی
و نعم الوکیل

شروع در ترجمه کتاب

بسم الله الرحمن الرحیم ابتدا
میکنم بنام خدای که سزاوار پرستش نیک بخشنده بخلق بوجود حیات
بخشاینده برایشان بقا و محافظت از آفات هر چه که از ازل تا ابد
موجود و معلوم بوده و هست و خواهد بود جمله آن مر خدا را که مسمی
و موصوفست بهمه اسما و صفات کمال آن خدایی که یکیست بذات
و یگانه است بصفات بی نیاز است از همه و اوست پناه نیازمندان
و حاجتمندان نزاده کسی را و نزاده است از کسی و نیست و نبوده مر ورا
همتا و درود بر محمد که بنده و رسول و برگزیده اوست که فرستاد اورا
بتمام آفریدگان مژده دهنده است مومنان و مطیعان را به بهشت
و رحمت خدای تعالی و بیم کننده مر کافران و عاصیان را از دوزخ
و عقوبت او و خواننده مر بندگان بپرستش خدای تعالی
بفرمان و توفیق او و دلیل ظاهر بر وجود او و بر اهل بیت او که نشانهای
راه راست اند و به پیروی ایشان از ظلمت و تاریکی جهالت و ضلالت

نجات

نجات میتوان یافت همچنانک در تاریکی ظلمت شب بچراغ نور دهنده راه
بمقصود توان برد آنچنان اهل بیتی که خدای تعالی دور گردانیده است
از ایشان هر چیزی را که منکر و ناشایسته است و پاک و معصوم گردانیده است
ایشان را از جمیع گناهان و بر کسی سلام باد که متابعت کرد راه راست

اما بعد از حمد و ثنای خدا و صلوات بر رسول و آل او بدرستی که حق سبحانه
و تعالی چونکه گردانیده است پیروی حضرت پیغامبر را کلید خشنودی
خود و راه بسوی بهشت چنانکه گفته است لقد کان لکم فی رسول الله
اسوة حسنة یعنی بدرستی که مر شما را رسول خدا پیشوای نیکو است
لمن کان یرجو الله و الیوم الآخر یعنی مر کسی را که امید میدارد ثواب خدای
تعالی و نعمتهای آخرت را گردانیده است متابعان آنحضرت را
و پیروی کردن سنت او و آنچه از او روایت کنند سبب محبت و وسیله
رحمت خود چنانچه گفته است قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله
یعنی بگوی ای محمد اگر دوست میدارید شما خدای تعالی را پس متابعت کنید مرا
تا دوست دارد شما را خدای تعالی باعث شد این شکسته را بجمع
کردن کتابی که مشتمل باشد بر اخلاق کریمه حضرت پیغامبر صلوات الله علیه
و آله و آداب نجیبه آنحضرت و آنچه امر فرموده است بآن امت را پس گفته
آنحضرت را که انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق یعنی خدای تعالی مرا فرستاده است

به بندگان برای آنکه گردانیم مکارم اخلاق را که پیغمبران دیگر تمام نشده
و جمع کردن کتاب مذکور بجهة آنست که دانستن هر چیزی مقدم است
بر عمل کردن بان چیز پس یافتیم در کلام امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه
چیزی را که مشتمل است بر حقیقت روش پیغمبران علیهم السلام و آن بریدن
و دور بودن است بتمامی از مردمان و متوجه شدن بخدای تعالی در حالت امید
و ترس و قطع نظر کردن از دنیا و زینت او و توجه کردن بآخرت و آن صفت
را امیرالمؤمنین خاص گردانیده است از میان پیغمبران پیغامبر ما را
صلوات الله علیه و آله بر کمال این سیرت و روش و مبالغه و ترغیب
کرده است ما را بر اقتدا کردن بآنحضرت بعد از کلام هر کسی را که
دعوی دروغ میکرد که امید میدارد بخدای تعالی که بحق خدا دروغ میگوید
چیست حال او که ظاهر نمیشود امید او در عمل او هر که امید
میدارد بکسی شناخته میشود امید در عمل او مگر امید داشتن
بخدای تعالی که این از عمل او ظاهر نمیشود زیرا که هر که در امید خود
صادق است عملی میکند که بسبب آن عمل بمطلوب خود برسد
و بنده امید میدارد از خدای تعالی بهشت را و گناه می کند پس
امید در عمل او ظاهر نمیشود و هر ترسی که هست محقق و معلوم است
مگر ترس از خدای تعالی بدرستی که این معلوم نیست زیرا که

ترس

تمام

کرم

ترس بنده از خدای تعالی محقق می بود و مرتکب معاصی نمیشد امید
میدارد بنده از خدای تعالی امر بزرگ که آن بهشت و نعمتهای آخرت
و امید میدارد از بندگان خدای تعالی چیزی بی اعتبار که آن امور دنیویست
و با وجود این صرف می کند بسیاری از مال خود را و خدمت میکند بنده را تا آنکه
بمطلوب صغیر خود برسد و عبادت نمیکند پروردگار خود را و تصدق
نمیکند اندکی از مال خود تا آنکه بمطلوب بزرگ خود برسد پس چیست حال
خدای تعالی جل ثناؤه که تقصیر کرده میشود با او از آنچه کرده میشود به بندگان
او آیا میترسی که باشی در امید داشتن خود از خدای تعالی دروغ
گوی یا نمیدانی خدای تعالی محل امید و همچنین اگر کسی بترسد از بندگان خدا
میدهد با و از ترس خود چیزی که نمیدهد پروردگار خود را پس ترسیدن
آنکس از بندگان ظاهر میشود و ترسیدن او از آفریننده ایشان ظاهر
نمیشود و همچنین هر که دنیا در چشم او بزرگ است و وقعی وارد در دل
او اختیار میکند و برمیگزیند دنیا را بر خدای تعالی پس ترک میکند خدا را
و متوجه دنیا میشود و میگردد بنده دنیا بدرستی که رسول خدا کافی است
مر ترا در مقتدا بودن و دلیلست مر ترا بر مذمت دنیا و عیب او و بسیاری
رسوائیها و بدیهای او زیرا که آنحضرت متوجه دنیا و زینتهای او نشد و حق
سبحانه و تعالی دنیا و آرایشهای او را بآنحضرت نداد و بغیر حضرت داد اگر چه

بگویم بعضی از حالات حضرت موسی کلیم الله علیه السلام گفت رب انی لما انزلت
الی من خیر فقیر یعنی گفت پروردگارا بدرستی که آنچه فرو فرستادی بمن محتاجم
بآن یعنی خدا که طلب نکرد آنحضرت موسی علیه السلام از خدا مگر نان که بخورد
برای آنکه گیاه زمین میخورد و سبزی گیاه مینمود از تنکی پوست شکم حضرت موسی
بجهة لاغری و کم گوشتی واگر خواهی تتمه از حال حضرت داود علیه السلام بگویم
بدرستی که می بافت از برگ خرما زنبیل بدست خود و میگفت همنشینان
و مصاحبان خود را که آیا کدام از شما میخرد پس شیدا این زنبیل را برای آنکه
و میخورد دو قرص جو از بهای آن واگر خواهی تتمه بگویم از حال عیسی بن مریم علیه السلام
بدرستی که بالین خود از سنگ ساختی و درشت پوشیدی و نان خورش
او گرسنگی بود و چراغ او شب ماه بود و سایه و پناه او آنچه بود از گرم
میشد در زمستان مشرقها و مغربهای بود و میوه و ریحان او آنچه از زمین
میروید از برای حیوانات و نبود او را زنی که در فتنه اندازد او را و نه فرزندی
که اندوهگین کند او را و نه مالی که مشغول کرده اند او را و نه طمعی که حقیر کرده اند
او را مرکب او هر دو پای او بود و خدمتکار او دستهای او بود
پس اقتدا کن به پیغمبر خود که نیکوترین است هر کسی را که پیروی کند او را و از دوسترین
بندگان پیش خدا عز و جل کسی است که پیروی کند پیغمبر خود را و اقتدا کند
و متابعت نماید سنت او را و آنچه از وی روایت کنند و آنحضرت رغبت نکرد

بدنیا

بدنیا و نظر در دنیا نکرد و خالی و تهی بود از دنیا و گرسنه ترین اهل دنیا بود
شکم عرض کرده شد دنیا بر آنحضرت و دانست که خدا تعالی دشمن و حقیر
و صغیر داشت دنیا را پس آنحضرت نیز دشمن داشت دنیا را و اعتبار
نکرد و متوجه او نشد و اگر نبودی در ما هیچ گناهی مگر دوست داشتن ما
چیزی را که دشمن داشت خدا تعالی آنرا و تعظیم کردن و بزرگ داشتن
ما چیزی را که خدا تعالی اعتبار نکرد آنرا هر آیینه همین بس می بود در
مخالفت کردن بخدای تعالی و خلاف امر و فرمان کردن بدرستی که
حضرت صلی الله علیه و سلم و آله طعام میخورد بر زمین بی سفره و بجوانی می نشست
همچو نشستن بندگان و می دوخت بدست مبارک خود نعلین خود را
و پیوند میکرد بدست خود جامهٔ خود را و سوار می شد بر دراز گوش
برهنه و گاهی ردیف میساخت کسی را و بود پرده بر در خانه آنحضرت
و در آن پرده صورتها بود پس بفرمود یکی از زنان خود که ای فلانه دور
کن این پرده را از چشم من بدرستی که چون نظر میکنم در این پرده بیاد می آید
مرا دنیا و آرایشهای او پس آنحضرت اعراض کرد از دنیا بدل خود و دور
کرد یاد دنیا را از نفس خود و دوست داشت که غایب باشد زینت
دنیا از چشم او تا متوجه دنیا و زینتهای او نشود و اعتقاد نکند دنیا
را سرای قرار پس بیرون کرد دنیا و زینتهای او را از نفس خود و غایب

گردانید او را از چشم خود و همچنین هر که دشمن میدارد چیزی را دشمن
میدارد نظر کردن و یاد کردن آن چیز را و بدرستی که رسول خدا است
دلالت کننده و راه نماینده ترا به بدیها و عیبهای دنیا زیرا که گرسنه بود در دنیا
با خاصان خود و باز گرفته شد از وی آرایشها و زینتهای دنیا با وجود بسیاری
منزلت و قرب او بخدا پس باید که فکر کند عاقل که آیا خدای تعالی
اکرام کرد محمد را باین که نداد دنیا و زینتهای دنیا را با او یا اهانت
کرد و حقیر داشت او را پس اگر گوید که اهانت کرد بحق خدا که دروغ
گفته باشد و اگر گوید که اکرام کرد محمد را پس باید که بداند که خدای
تعالی اهانت کرد و حقیر داشت غیر او را زیرا که بگسترانید دنیا را از
برای غیر او و دور گردانید آنرا از نزدیکترین مردمان بخود پس باید که
اقتدا او پیروی نماید اقتدا کننده به پیغمبر خود و متابعت نماید اثر او را
و اگر پیروی نکند پیغمبر خود را ایمن نباشد از هلاکت بدرستی که خدای تعالی
گردانیده است محمد را نشان و علامت قیامت زیرا که آنحضرت پیغمبر
آخر الزمان است و بعد از و پیغمبری نخواهد بود که از پیروی او ایمن شوند
از هلاکت و آنحضرت بشارت دهنده است به بهشت و بیم کننده است
عقوبت و با وجود این علو مرتبه بیرون رفت از دنیا گرسنه و رسیده تا حجره
سالم و بی عیب و ننهاد سنگی بر بالای سنگی و خانه و منزل و عمارتی بنا نکرد تا

آنکه

تا آنکه از دنیا رفت و اجابت کرد خواننده پروردگار خود را پس خدای
تعالی را چه منت عظیم است بر ما که انعام کرد ما را به پیشوای و رهبری
چون محمد که متابعت و پیروی او کنیم و امیر المومنین علی کرم الله وجهه
میفرماید که بحق خدای که چندان پیوند کردم جامه خود را که شرم داشتم
از پیوند کننده آن مرا کسی گفت چرا نمی اندازی این جامه را پس گفتم
مر او را که دور شو از من در بینی که صباح ستایش میکنند قوم شب رفتن را
و معنی این سخن ظاهر است که اگر چه شب رفتن مشقت تمام دارد و در هنگام
رفتن ستایش نمیکنند اما صباح که بمنزل رسند ستایش میکنند شب رفتن را
همچنین آن کار که امیر المومنین علی علیه السلام میکرد از پیوند
کردن جامه اگر چه درین دنیا مشقت دارد و ستایش نمیکنند آنرا اما چون
بمنزل آخرت رسند ستایش خواهند کرد آنرا و خواهند گفت که کاشکی ما هم این عمل
می کردیم تا بحال فراغت میداشتیم پس این خطبه که روایت کرده شد از
امیر المومنین علی علیه السلام کافیست بطریق اجمال در مقصود ما که پیروی
کردن حضرت پیغمبر صلوات الله علیه و آله سبب نجاة است و ما ذکر میکنیم
بتفصیل مکارم اخلاقی را که مخصوص آنحضرت است در جمیع احوال و اعمال
و نشستن و برخاستن و سفر و حضر و خوردن و آشامیدن و جمیع آنچه روایت
کرده شده است از آنحضرت و حضرت ائمه معصومین و اهل بیت الطیبین الطاهرین

صلوات الله علیهم اجمعین در احوال مردمان بر سبیل عموم و سؤال میکنیم
از خدای تعالی که توفیق کرامت کند در تمام شدن این کتاب بسبب
که حق سبحانه و تعالی بر هرچه میخواهد قادر است و آسان گردانیدن
دشوار نزد او سهل و آسان است و گردانیدم این کتاب را دوازده باب
فهرست بابها باب اول در صفات ظاهری و باطنی حضرت پیغامبر
صلی الله علیه و آله و باقی حالات آنحضرت و درین باب پنج فصل است
فصل اول در صفات ظاهری و باطنی آنحضرت و روش او با نخستیان
فصل دویم در بیان بعض از اخلاق و از حالات آنحضرت
منقوله از کتاب شرف النبی و غیر آن فصل سیوم در صفت اخلاق
آنحضرت در طعام خوردن فصل چهارم در اخلاق آنحضرت در اثنای [illegible]
فصل پنجم در بیان مجملی از باقی احوال آنحضرت باب دویم
در آداب پاک کردن بدن و لباس و بوی خوش بکار بردن و سرمه
کشیدن و روغن مالیدن و مسواک کردن و درین باب سه فصل است
فصل اول در آداب پاک گردانیدن بدن و لباس و بوی
خوش بکار بردن و مانند آن فصل دویم در سرمه کشیدن
و روغن مالیدن فصل سیوم در مسواک کردن باب سیوم
در آداب حمام رفتن و آنچه متعلق است بآن و درین باب شش

فصل

فصل است فصل اول در کیفیت در آمدن بحمام فصل دوم در پوشیدن
عورت بحمام فصل سیوم در مالیدن خشت و روغن زیتون و آرد و غیر آن
در بدن فصل چهارم در تراشیدن سر و موی زهار و زیر بغل فصل
پنجم در سر شستن بخطمی و سدر فصل ششم در نوره مالیدن
باب چهارم در آداب ناخن گرفتن و شارب گرفتن و پیرستانه
کردن و نظر در آینه کردن و حجامت کردن و درین باب چهار فصل است
فصل اول در ناخن گرفتن فصل دویم در شارب گرفتن
و کر و ساختن محاسن و نظر در آینه کردن و آنچه متعلق است بآن
فصل سیوم در شانه کردن و آنچه متعلق است بآن فصل چهارم
در حجامت کردن باب پنجم در آداب رنگ کردن محاسن
و زینت کردن و انگشتری و آنچه متعلق است بآنها و درین باب شش فصل است
فصل اول در فضیلت و ثواب رنگ کردن و رغبت کردن
در آن فصل دویم در سیاه کردن محاسن و غیر آن فصل سیوم
در رنگ کردن محاسن بحنا و غیر آن و رنگ کردن دست زنان فصل
چهارم در کراهیت رنگ کردن جنب و حائض و در کراهیت پیوند
کردن موی زنان فصل پنجم در انگشتری و آنچه متعلق است
بآن فصل ششم در زینت کردن بزیور و آنچه در سر و دست میکنند از آلات

طلا و غیر آن **باب ششم** در آداب لباس و منزل و آنچه متعلق است
بآن هر دو و درین باب ده فصل است **فصل اول** در تجمل بلباس و
کیفیت پوشیدن آن **فصل دوم** در بلند گرفتن جامه از زمین و پاک
کردن آن **فصل سیوم** در پوشیدن از انواع لباس و اختلاف رنگهای
آن **فصل چهارم** در پوشیدن جامه ابریشمی و ردا و ازار و غیر آن
فصل پنجم در تکبیر کردن بجهت پوشیدن لباس و تواضع و فرو نمودن
فصل ششم در کراهیت لباس شهرت و نکته چند در لباس **فصل هفتم**
در عمامه و تاقیه و غیر آن **فصل هشتم** در پوشیدن موزه و نعلین
فصل نهم در خانه و منزل و آنچه جایز است از آن و آنچه متعلق است
بآن **فصل دهم** در زینت کردن خانه و متاع خانه و فرشهای آن و
فروتنی در آنها **باب هفتم** در آداب چیزی خوردن و آشامیدن
و آنچه متعلق است بآن هر دو و درین باب سیزده فصل است
فصل اول در فضیلت و ثواب طعام دادن و نیکویی کردن
و روزه سنت داشتن **فصل دوم** در آداب دست و شستن **فصل سیوم**
در آداب طعام خوردن و آنچه متعلق بآن **فصل چهارم** در آداب
آشامیدن و آنچه متعلق بآن **فصل پنجم** در آداب خلال کردن
فصل ششم در فضیلت نان **فصل هفتم** در نفع آنها **فصل هشتم** در گوشتها

و ا...

و آنچه متعلق است بآن **فصل نهم** در شیرینیها **فصل دهم** در میوه ها **فصل
یازدهم** در سبزیها **فصل دوازدهم** در حبوبات **فصل سیزدهم** در طعامهایی که نادر
باب هشتم در آداب نکاح و آنچه متعلق است بآن و درین باب
ده فصل است **فصل اول** در رغبت کردن بنکاح و زن مبارک و شوم
در اصناف زنان و اخلاق ایشان **فصل دوم** در مناسبت زن و شوهر
با یکدیگر و نکته چند در نکاح **فصل سیوم** در آداب زفاف و مباشرت کردن
و غیر آن **فصل چهارم** در حق شوهر بر زن و حق زن بر شوهر **فصل پنجم**
در فرزندان و آنچه متعلق است بآن **فصل ششم** در عقیقه و آنچه متعلق است
بآن **فصل هفتم** در ختنه کردن و آنچه متعلق است **فصل هشتم** در خصلتها
که متعلق است بزنان **فصل نهم** در چیزهایی در کراهیت نکاح
باب نهم در آداب سفر و آنچه متعلق است بآن و درین باب ... فضیلت
فصل اول در سفر و بیان اوقاتی که سفر کردن به است **فصل دوم** در افتتاح
کردن سفر بصدقه و غیر آن **فصل سیوم** در بیان آنچه سنت است بجا آوردن
نزد بیرون رفتن **فصل چهارم** در اخلاق نیکو در سفر **فصل پنجم** در نگاه داشتن متاع
خود در سفر و استخاره کردن و حاجت طلبیدن **فصل ششم** در آداب راه رفتن
در کراهیت تنهایی در سفر و دعاهایی که در سفر باید خواند **فصل هفتم** در رعایت
کردن مرکب و حق او بر صاحب **فصل هشتم** در چیزهایی که در سفر باشد

و باطن

و باطن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و در شمائل آنحضرت با منتسبان خود و بیان
احوال آنحضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم و آله ~~و روایت کرده است محمد بن ابراهیم~~
و باطن آنحضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم و آله روایت کرده است محمد بن ابراهیم
بن اسحاق الطالقانی در کتاب خود از جماعتی که معتمد و راست گو بودند ایشان
روایت کرده اند که گفت حضرت امام حسن علیه السلام که پرسیدم از خال خود
هند ابن ابی هاله تمیمی از صورت و شکل حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و خال
من نیکو مردی بود وصف کننده و من آرزو داشتم که صفت کند برای من
بعضی از حلیه آنحضرت را که بدانم و حفظ کنم آنرا پس گفت خال من که بود رسول
خدا صلی الله علیه و آله عظیم و بزرگ و در دلها و چشمها روی مبارکش چون خورشید
چو درخشیدن ماه شب چهارده و آنحضرت درازتر از میانه بالا و کوتاه تر از
بلند بالا بود سر مبارکش بزرگ بود و موی سرش مجعد بود و کشیده و وقتی که موی
سر آنحضرت بخود و فرقش میشد میگذاشت بهمان طریق و درین حال
میگذشت از نرمه گوش و اگر خود و فرقش نمیشد آنحضرت جمع میکرد و در هم
می پیچید او را و میگذشت از نرمه گوش رنگ [illegible] مبارکش درخشیده
و نورانی بود و پیشانی نورانیش [illegible] بود و ابروهایش باریک و خم دار و تمام
و کشیده بود و پیوسته نبود و در میان دو ابرو رگی داشت که در وقت
غضب بر می خاست [illegible] آنحضرت کشیده و بلند بود و طرف بینی که [illegible]

باریک بود و بینی آنحضرت را نوری بود که چون کسی که فکر و تأمل نمی‌کرد
در آن گمان می‌برد که بینی مبارکش بلند است محاسن آنحضرت انبوه بود
و در روی انورش هموار و سیاهی چشمش بغایت سیاه و سفیدی بغایت سفید
بود و دهانش فراخ و دندانهایش سفید و آبدار و گشاده بود و از سینه تا ناف
آنحضرت خط باریکی از موی کشیده بود و گردنش گویا گردن صورتی بود از
نقره خام ریخته و درخشنده و سفید و در غایت اعتدال و نهایت حسن
و جمال اعضایش معتدل و متناسب و بزرگ و در هم بسته بود و سینه و
شکمش هموار است بود و سینه مبارکش پهن بود و دو شانهایش از هم دور
بود و استخوانهایش بزرگ بود و هرگاه آنحضرت برهنه شدی بدنش
سفید و نورانی بود و از سینه تا نافش خط باریکی از موی کشیده بود و
سینه و شکمش موی نداشت بغیر آن موی باریک و ساعدهایش از فوق
تا آرنج و دوشها و بالای سینه‌اش موی بسیار داشت و استخوانهای بزرگ
آن حضرت درست و دراز بود و کف دستهایش کشاده بود و استخوانهای ساق
دراز بود و دستها و پاهایش پر گوشت بود و انگشتانش دراز بود و زیر
قدمش بر داشته بود چنانچه که در حالت راه رفتن بزمین نرسیدی
پشت پایش نرم و هموار بود بحیثیتی که آب از آنجا بریختی در حالت
راه رفتن پاها را درست از زمین بر داشتی و میل به پیش کردی و قدمها

بر زمین

بر زمین نهادی به رفق و نرمی و از یکدیگر دور نهادی و تند رفتی گویا از بالا
پست آمدی و هرگاه متوجه کسی شدی بتمام بدن خود متوجه شدی
چشم خود را خوابانیدی و متوجه باطراف و جوانب نشدی نظر در زمین
بیشتر فرمودی که در آسمان بیشتر نظر در چیزی بگوشه چشم کردی در حالت
رفتن پیش داشتی اصحاب را و خود در عقب ایشان رفتی و پیش گرفتی به سلام
کسی را که ملاقات کردی فرمود که گفتم هند بن ابی هاله را که صفت کن
از برای من سخن کردن حضرت رسول صلی الله علیه و سلم گفت هند بن ابی هاله
که بود رسول خدا صلی الله علیه و سلم همیشه حزین و اندوهناک و بحالت دایم
الفکر در امور آخرت بود و او را حتی بجهت طاعت و عبادت بغیر حاجت
نگفتی بیشتر اوقات خاموش بودی افتتاح سخن و ختم آن بگوشه دهن کردی
و تکلم کردی بکلامی که لفظ او اندک بود و معنی بسیار داشت و سخن را روشن
گفتی که حاضران همه میدانستند و آنحضرت چیزی نگفتی بزیادتی و نقصان در
سخن آنحضرت نبود و خوش خلق بود و جفا کننده و اهانت کننده نبود و بزرگ
داشتی نعمت را اگرچه اندکی بودی و مذمت نکردی هیچ نعمت را و عیب
نکردی و مدح نگفتی هیچ خوردنی را و غضب نیاوردی آنحضرت را امور
دنیوی پس هرگاه کسی ظلم کردی آنحضرت غضب شدی و هیچ کس
آنحضرت را نشناختی و هیچ چیز تسکین ندادی غضب آنحضرت تا انتقام

کشیدی از ظالم و از برای نفس خود غضب نگشتی و انتقام نکشیدی و وقتی
که اشاره کردی و گاهی که تعجب کردی دست خود را گردانیدی و وقت سخن
کردن اشاره بدست خود کردی بباطن انگشت بزرگ دست چپ را کف دست راست
زدی وقتی که در غضب شدی اعراض نمودی و روی گردانیدی و مبالغه کردی در
غضب و گاهی که فراخ داشتی خوابانیدی چشم خود را بیشتر خنده آنحضرت
تبسم بود و درین حالت ظاهر شدی دندانهای آنحضرت مثل ژاله در سفیدی
و صفا گفت حسن علیه السلام که پوشیده داشتم این اوصاف را از امام حسین
رضی الله عنه بعد از ان بامام حسین رضی الله عنه گفتم پس یافتم او را که پرسیده
بود این اوصاف را از هند بن ابی هاله پیش از من و پرسیده بود
از پدر خود صلی الله علیه و آله از کیفیت بودن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
در خانه خود نشستن و شکل آنحضرت در حالت نشستن و اینها هیچ
فرو گذاشت نکرده بود گفت حسین صلوات الله علیهما پرسیدم
از پدر خود حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در وقتی که در خانه خود میرفت
چه کار میکرد امیر المومنین علی کرم الله وجهه گفت هرگاه حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله بمنزل خود رفتی اوقات خود را سه قسم ساختی قسمی بطاعت
خدا صرف کردی و قسمی بمعاشرت اهل خود بردی و قسمی مهمات خاصه
خود ساختی و آن قسم که تعلق بنفس آنحضرت داشت قسمت کردی میان

حسن

خود و میان مردمان بر عام و خاص و آنحضرت می آمدند و فایده میگرفتند
و پنهان نداشتی از ایشان هیچ چیز و بود از سیرت آن حضرت
که اختیار کردی اهل فضل را در اذن دادن بمنزل خود و فایده رسانیدی
بایشان بقدر فضل و دانش ایشان در دین پس بعضی از ایشان یک حاجت
داشتی و بعضی دو حاجت و بعضی حاجتها پس آنحضرت مشغول شدی
بایشان و مشغول ساختی ایشانرا در آن چیز که صلاح ایشان و امت در آن
بود و سوال کردی از ایشان و اخبار کردی ایشانرا بچیزی که لایق و سزاوار
بود مر ایشانرا و میفرمود آنحضرت که هر کسی که حاضر است در مجلس من از شما
می شنود باید غایبان را برساند و میفرمود که برسانید بمن حاجت
آنکس را که استطاعت و قدرت ندارد که برساند بمن حاجت خود را
بدرستی که هر کس برساند بسلطانی حاجت کسی را که استطاعت و
قدرت ندارد که برساند حاجت خود را بسلطان ثابت و محکم گرداند
خدای تعالی قدمهای او را روز قیامت بر پل صراط ذکر کرده نمیشد
نزد آن حضرت مگر حاجت آنکسی را که استطاعت رسانیدن حاجت
خود بآن حضرت نداشت و قبول میکرد آنحضرت از کسی غیر آن و می آمدند
مردمان نزد آن حضرت و طلب حاجت خود میکردند و بیرون نمی رفتند مگر آنکه
بمطلوب میرسیدند و علم و دانش اقتباس میکردند از انوار نبوت و بیرون میرفتند از آنجا رهنمایان

حضرت امام حسن که پرسیدم از پدر خود که حضرت پیغامبر صلی الله علیه و آله در حالتی
که بیرون بود از خانه چکار میکرد گفت امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه که رسول
خدا صلی الله علیه و آله نگاه میداشت زبان خود را مگر در چیزی که ضرورت
داشتی امت را با یکدیگر الفت دادی و مصاحبت و موانست میفرمودی
و ایشان را از یکدیگر متنفر نساختی و اکرام و تعظیم کردی بزرگ هر قوم را
و او را والی ساختی بر ایشان و ترسانیدی مردمان را از عذاب خدای تعالی
و خود را نگاه داشتی از ایشان بی آنکه روی درهم کشد و کج خلقی نماید
و چون یکی از اصحاب غایب بودی پرسش و جست و جوی او فرمودی
و پرسیدی مردمان را از حال مردمان پس نیک را نیک داشتی و تقویت
کردی و بد را بد داشتی و بی اعتبار گذاشتی احوال آنحضرت مختلف نبود
بلکه بر یک منوال و در حد اعتدال بود و غافل نشدی از اصلاح احوال مردمان
که ایشان غافل شوند یا میل کنند و بگردانند از حق و در حال اسباب جمیع
عبادات نزد حضرت مهیا بود و تقصیر نکردی و در نگذشتی از حق آنانی که
نزدیک آنحضرت بودند فاضلترین مردمان نزد آن حضرت آنانی بودند
که بیشتر نصیحت میکردند مردمان را و بزرگترین مردمان نزد آن حضرت
از روی مرتبه و منزلت آنها بودند که مواسات و معاونت ایشان مردمان را بهتر بود
و گفت حضرت امام حسین علیه السلام که پرسیدم پدر خود را از کیفیت نشستن حضرت

مجلس

پیغامبر صلی الله علیه و آله گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که رسول خدا هیچ
نمی نشستی و برنخاستی مگر بذکر خدای تعالی و وطن نساختی جاها را و نهی فرمودی
امت را از وطن ساختن جاها و چون میرسیدی بقومی می نشستی بجائی که
مجلس آنحضرت منتهی گشتی و امر فرمودی امت را بآن و دادی هر یک از
همنشینان خود را حظ و بهره او بودی و گمان نبردی همنشین آنحضرت که
دیگری از او بزرگتر باشد نزد آنحضرت هر کسی که با آنحضرت نشستی یا ایستادی
بجهت حاجتی آن حضرت صبر کردی تا آنکس رفتی و آنکسی که طلب کردی
از آنحضرت حاجت او بر آوردی یا جوابی از روی رفق و مرحمت گفتی
لطف و مرحمت آنحضرت به مردمان بنوعی بود که گویا ایشان را پدر بود و همه
مردمان در حق نزد آنحضرت یکسان بودند مجلس آن مجلس صبر و امانت
و حیا و حلم بود و در مجلس آنحضرت آواز بلند نشدی و ظاهر نشدی در مجلس آنحضرت نقص
چیزی از حرام و اگر در مجلس آنحضرت امر ناخوشی واقع شدی و خطای دیگری
مذکور نشدی و شایع نگشتی و اهل مجلس آن حضرت رعایت تعادل میکردند
و با یکدیگر موافق بودند تفضیل ایشان بر یکدیگر در مجلس آنحضرت بتقوی
بودند بخیری دیگر و با یکدیگر تواضع متعرض میبودند تعظیم میکردند در مجلس
پیر خویش را و از روی رحم میکردند بر خوردان و رعایت میکردند صاحب حاجت را و محافظت
احوال غریبان میکردند و گفت حضرت امام حسین که پرسیدم از پدر خود که چگونه

بود سیرت و روش حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله با همنشینان امیر المؤمنین علی ع
فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله دایم گشاده روی خوش و ملایم بود
و درشت خو و بلند آواز و دشنام دهنده و عیب کننده و مدح کننده نبود و تغافل
کردی از آنچه نخواستی و نا امید نساختی کسی را از آن چیز و آنحضرت سه چیز را
ترک کرده بود و دور داشته بود از نفس جدال کردن بسیار گفتن آنچه را
که نخواستی و ترک بود نسبت بمردمان سه چیز را مذمت هیچکس کردی
و هیچکس را سرزنش کردی و طلب عیب کسی را و آنحضرت سخن نگفتی مگر در
جا امید ثواب داشتی و وقتی که آنحضرت سخن گفتی اهل مجلس خاموش میشدند
و سرها در پیش می افکندند که گویا بر سر ایشان مرغ نشسته بود و کاهی که
آنحضرت خاموش شدی اهل مجلس سخن می گفتند و نزاع و جدال در سخن
نمیکردند نزد آنحضرت هر کس سخن اول ایشان بود یعنی آنحضرت در آخر
مجلس نیز گوش میکردند بسخنان ایشان و ملال نمیشدند چنانکه در اول مجلس خنده کردی
از آنچه اهل مجلس میخندیدند و تعجب میفرمودند از آنچه ایشان تعجب مینمودند
و از غریب حق را با آنحضرت رسیدن بجهة سخن کردن و خبر رسیدن صبر می فرمودی
تا آنکه اصحاب آنکس را از مجلس آنحضرت بیرون میبردند آنحضرت میگفت هرجا
که حاجتمندی ببینید کسی را که طلب حاجت میکند یاری کنید او را و بس نمانید در
برآوردن حاجت او و قبول نمودی ستایش را که زیاده از رتبه آنحضرت بودی

ط

مگر ثنائی که خود را آنحضرت بودی قبول کردی و قطع نمودی سخن کسی را مگر آنکه
از حد درگذشتی پس منع کردی آنکس را از سخن کردن یا از مجلس برخاستی
گفت حضرت امام حسین علیه السلام که پرسیدم پدر خود را از کیفیت خاموشی
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه گفت
خاموشی آنحضرت چهار فایده بود و حذر و تقدیر و تفکر اما تقدیر آن بودی
که بر همه کس نظر برابر کردی و سخنان همه کس را برابر استماع کردی اما تفکر
کردن آنحضرت در چیزی بود که باقی میماند که آن امور آخرت و علوم است
و در چیزی که فانی میشود که آن بعض امور خوردنی دنیویست جمع شده بود
در آن حضرت علم و صبر پس به غضب نیاوردی و سبک نکردی آنحضرت را هیچ
چیز و جمع شده بود آنحضرت را حذر در چهار چیز در فرا گرفتن چیزهای نیکو تا مردم
اقتدا کنند و آنحضرت ترک کرد چیزهای قبیح تا دیگران باز ایستند
از آنها و جهد کردن و فکر کردن در چیزهای که صلاح امت در آن است و سعی کردن
در چیزهای دنیا و آخرت است فصل دوم در بیان بعضی از احوال و صفات
معنوی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله منقول از کتاب شرف النبی و غیره
در بیان تواضع و حیای حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت است
از انس بن مالک که گفت که رسول صلی الله علیه و آله پرستش میکرد بیمار را
و از عقب جنازه و اگر مملوکی آنحضرت را بطعام مطلبید قبول مینمود

و بود در ته گوشت سر دست میشه و در روز جنگ خیبر در روزی که با کفار بنی
قریظه و بنی النضیر جنگ می کرد بود از گوشت سر دست ابو و کر افسار و پالان
این از لیف خرما بود و در حدیث از انس بن مالک که گفت که هیچ شخصی نزد اصحاب
رسول دوستتر نبود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و چون میدیدند آنحضرت
را بر نمیخواستند بتعظیم آنحضرت بجهة آنکه میدانستند که آن حضرت را
بد می آید و در حدیث از ابن عباس که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله
بر زمین می نشست و بر زمین چیزی میخورد و خود علف میداد گوسفند را
از انس بن مالک که گفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گذشت بر جماعه
کودکان و بر ایشان سلام کرد در حال آنکه بشتاب میرفت و در حدیث
از اسما بنت یزید که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم گذشت بر جماعه
زنان و سلام کرد بر ایشان و در حدیث از ابن مسعود که گفت که آمد مردی
نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سخن گفت با آنحضرت و از هیبت آنحضرت
و لرزه در آمد گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سخن گفت بآن مرد که بر تو باکی
نیست من پسر زنی ام که گوشت خشک میخورد و در حدیث از ابی غفاری که
گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان اصحاب می نشست غریبی که می
نمیدانست که آنحضرت کدامست تا آنکه می پرسید تا التماس کردیم از حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله که جای بسازد در جایی که اگر غریبی باید بشناسد آنحضرت را

کرمن با دو شاهی

کی خوا

پس قبول فرمود و جا کردیم صفه از گل و آنحضرت بر آنجا می نشست و ما دو
جانب او می نشستیم و در حدیث که پرسیده شد از عایشه که پیغمبر صلی الله
علیه و آله چه کار میکرد در خانه خود چون تنها بود گفت عایشه که میدوخت
جامه و نعلین خود و میکرد آنچه میکنند مردان با اهل خانه خود و در حدیث
از عایشه که گفت دوستترین کارها نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله چیزی دوختن
بود و در حدیث از کتاب النبوة که گفت ابی عبدالله که آنحضرت بر سالة پیغمبری
صلی الله علیه و آله بگذشت زنی بذیه و آنحضرت نشسته بود و طعام
میخورد و آن زن گفت یا رسول الله تو چیزی میخوری مثل خوردن
بنده و می نشینی مثل نشستن ایشان آنحضرت فرمود وای بر تو
کدام بنده از من بنده تر است آن زن گفت یک لقمه از این طعام
که میخوری بمن ده آنحضرت یک لقمه طعام باو داد آن زن گفت بحق
خدا که نمیخواهم مگر آن لقمه که در دهان تست آن حضرت لقمه که در دهان
داشت بیرون آورد و بآن زن داد و آن زن آن لقمه را خورد حضرت امام
علیه السلام میفرمایند که ببرکت آن لقمه صفت بذی از آن زن زائل شد
و بعد از آن بذی نکرد تا از دنیا رفت و در حدیث از انس بن مالک که
گفت که خدمت کردم حضرت پیغمبر را صلی الله علیه و آله نه سال و در مدت
هرگاه در خدمتی که کردم هرگز نگفت آنحضرت صلی الله علیه و آله که چرا این کار

کردی و هرگز هیچ کار مرا عیب نکرد [illegible] از انس که گفت که سالها
با آن حضرت بودم و هرگز بوی خوشتر از دست او نشنیده‌ام هیچ بوی خوش مثل
بوی آنحضرت نبود و چون یکی از اصحاب ایستادی و انگشت آنحضرت بگرفتی
و چون یکی از اصحاب دست آنحضرت را گرفتی دست خود را نکشیدی تا آنکس
دست خود را نکشیدی و چون با جماعتی نشستی زانوهای آنحضرت
پیش از زانوی ایشان نبودی و هرگز پیش از آنکه مجلس برخیزند
برنخواستی [illegible] از انس که حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله
برای میرفت از عقب آنحضرت اعرابی آمد و ردای آنحضرت را محکم کشید تا
آنکه دیدم گردن آنحضرت را که اثر کرده بود از کناره ردای از محکم کشیدن
او و گفت یا محمد امر کن تا از مال خدا که نزد توست چیزی بمن دهند
آنحضرت روی با او کرد و خندید و امر کرد تا با او چیزی بدهند
از مال [illegible] از ابی سعید خدری که گفت که هیچکس هیچ چیز
از آنحضرت نطلبیدی مگر آنکه بدادی از غایت شرم که داشت و هم
[illegible] از ابی سعید خدری که حیا و شرم حضرت رسالت پناه صلی الله
علیه بیشتر بود از شرم و حیای دختران بکر و چون آنحضرت چیزی را مکروه
داشتی از روی حضرت معلوم شدی [illegible] از ابن مسعود که
گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که مرسانید خبری از یکی از

اصحاب

اصحاب من بمن چیزی که من دوست میدارم که بیرون آیم از خانه بسوی شما
و سلیم الصدر باشم یعنی خاطر من بهر شما صاف باشد و از هیچ کس رنجشی
نداشته باشم [illegible] چون حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible] که گفت
امیر المومنین علی علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله گشاده روترین
مردمان بود و نرمترین ایشان بود و هر کس که با آنحضرت اختلاط میکرد قدر
و منزلت آنحضرت میدانست میداشت آنحضرت [illegible]
از کتاب النبوة که گفت ابن عباس که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود
که پروردگار حق سبحانه و تعالی امر کرده است مرا باین بجا آوردن و هرچند [illegible]
امر کرده مرا بجا آوردن امر کرده مرا خدا تعالی بسخاوت و نیکوئی کردن نهی
کرده است از بخیلی و جفا کردن و نیست هیچ چیز بدتر نزد خدا تعالی از بخیلی
کردن و بد خلق بودن بدرستی که بد خلقی فاسد و ضایع میکرد اند عمل را چنانکه
ضایع میکرد اند که عسل را [illegible] از امیر المومنین علی علیه السلام در وصف
کردی رسول خدا را صلی الله علیه و آله که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله گشاده‌روترین
و بجرأت‌ترین و بوفاترین و خوش خلق‌ترین مردمان بود
و قبیله آنحضرت بزرگترین قبیلها بود و هر کس اول مرتبه آنحضرت را میدید
ترسیدی از هیبت آنحضرت و چون با آنحضرت اختلاط کردی دوستش داشتی
دوست داشتی او را ندیدم مثل آنحضرت نه پیش از و نه بعد از و

علیه و آله و در حدیث معتبر از ابن عمر که گفت ندیدم هیچکس را سخی‌تر و بهادرتر و دلیرتر
از رسول خدا صلی الله علیه و آله و در حدیث معتبر از جابر بن عبدالله که گفت رسول
خدا صلی الله علیه و آله هرگز در جواب سؤال هیچکس نه نگفت و در حدیث معتبر از ابن
عباس که گفت مسلمانان نظر نمیکردند به ابوسفیان و با وی نمی‌نشستند ابوسفیان
نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد گفت یا رسول الله سه مدعا دارم
میخواهم که قبول فرمایی یکی آنکه ام حبیبه که دختر منست و خوش‌شکل‌ترین زنان
عربست بنکاح خود درآوری حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که چنین
باشد دیگر آنکه معاویه که پسر منست کاتب خود سازی آنحضرت فرمود که چنین
باشد دیگر آنکه امر کنی مرا که با کافران جنگ کنم چنانکه با مسلمانان جنگ کردم
حضرت قبول فرمود که چنین باشد ابن زمیل که یکی از راویان حدیث است گفته
که پیغمبر صلی الله علیه و سلم هیچ یکی از این مدعات ابوسفیان را اجابت نمیکرد
و رد نمیداشت اگر او نمیطلبید و چون مطلب او را آنحضرت قبول فرمود زیرا که
آنحضرت را عادت این بود که هر کس از آنحضرت چیزی التماس میکرد قبول میفرمود
مردی نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و چیزی از آنحضرت طلب کرد
آنحضرت هیچ چیز از آن حاضر نداشت فرمود که هیچ چیز نزد من نیست اما بر من چیزی بخر
و بهای او را بر من حواله کن هر گاه چیزی بدست آید ادا کنم عمر حاضر بود گفت
یا رسول الله تکلیف نکرده است خدا تعالی بر تو چیزی را که قادر نیستی بر آن چرا

خود را بتکلیف می‌اندازی و باین طریق باین شخص چیزی میدهی حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله را این سخن از عمر بسیار بد آمد سائل گفت یا رسول الله چیز
بده و مترس از اینکه خدای تعالی ترا درویش کند پس رسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم تبسم نمود و خوشحال شد از سخن آن شخص چنانکه اثر خوشحالی از روی آنحضرت
معلوم شد و در شجاعت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله در حدیث معتبر از امیرالمؤمنین
علی علیه السلام که گفت در روز جنگ بدر پناه میگرفتیم بحضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله نزدیکتر بود بدشمنان از ما و در آن روز آنحضرت از همه بیشتر جنگ
کرد با کافران و در حدیث معتبر از امیرالمؤمنین علی علیه السلام که گفت
در روز جنگ چون جنگ بسیار میشد و لشکرها بسیار بهم میرسیدند پناه می
بردیم برسول خدا صلی الله علیه و آله و هیچکس نزدیکتر بدشمن از آنحضرت نبود
و در حدیث از انس که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله دلیرتر و خوبتر
و بخشنده‌تر بود از همه مردمان و یک شبی بحوالی مدینه بعضی از کفار آمدند
و مردم مدینه چون خبر یافتند در فریاد شدند و طلب مینمودند چون دیگر
مدینه متوجه آن جماعت شدند بهمان طرف که آواز استماع می‌آمد چون حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله خبر یافت ابوطلحه حاضر بود و آن اسب بی پالان
و کمند رو بود در آنحال بر آن اسب سوار شد و شمشیر خود را حمایل کرد و از آن جماعت
را متوجه شده بود در گذشت و بان جماعت که در فریاد آمده بودند

و میگفت مپیر سید و فریاد میگیند و آنحضرت فرمود که این مهیا در ساعت
یعنی در غایت تندیست ایضاً علامت خشنودی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
و در حدیث از ابن عمر که گفت خشنودی و غضب حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
از روی او معلوم شدی چون خوشحال شدی روی آنحضرت در غایت درخشندگی
شدی چنانچه که دیوارها در روی آنحضرت نمودی و چون در غضب شدی رنگ روی
آنحضرت تیره شدی و در حدیث از کعب بن مالک که گفت چون چیزی حضرت
پیغمبر را صلی الله علیه و آله خوشحال ساختی روی آنحضرت درخشنده
شدی چون ماه شب چهارده و گفت و در حدیث از امیر المومنین علی علیه السلام
گفت چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چیزی دیدی که آنرا دوست داشتی
میفرمود الحمد لله الذی بنعمته تتم الصالحات یعنی سپاس و ستایش مر خدای را
که بنعمت او تمام میشود و کامل می یابد چیزهای خوب و در حدیث از عبد الله بن مسعود
مرقوم است که گفت چون رسول خدا صلی الله علیه و آله در غضب شدی روی
مبارک آنحضرت سرخ شدی و در حدیث حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله را عادت
بود و در حدیث از انس بن مالک که گفت هرگاه یکی از اصحاب حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله نزد آنحضرت نرسیدی آنحضرت احوالش پرسیدی اگر در
سفر بودی دعا میفرمودی برای او و اگر در حضر بودی بدیدن او رفتی و در حدیث
از جابر بن عبد الله که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله در یکی از جنگ

بعضی

بعضی بعیش خود بکار کرد و حرز و در نورد جنگ حاضر بودم و در روز جنگ
پس یکی از شبها که با آنحضرت بودم و در بعضی غزوات شترم مانده شده و سست
در آمد و رسول خدا صلی الله علیه و آله در عقب مردمان بود و در روایتی سیاست
ضعیف را دعا میکرد از برای مردمان پس رسید بمن میگفتم ای فریاد
رس بس است مرا شترم بیهوش و ضعیف است آنحضرت گفت کیست گفتم
منم جابر پدر و مادرم فدای تو باد یا رسول الله آنحضرت گفت چیست حال تو
گفتم شترم مانده است آنحضرت گفت آیا با تو عصای هست گفتم
بلی پس بزد شتر مرا بآن عصا و برانگیخت شتر را پس از آن خوابانید شتر را
و پای مبارک خود بر دست شتر نهاد و گفت سوار شو پس سوار شدم و رفتم
با آنحضرت و شترم پیش از شتر آنحضرت میرفت و آنحضرت استغفار طلب
آمرزش میکرد از برای من در آن شب بیست و پنج نوبت پس گفت مرا
پدر تو چند پسر گذاشته است بغیر تو گفتم هفت دختر گذاشته است
گفت از پدر تو قرض مانده است گفتم بلی گفت وقتی که بیایم بمدینه مقاطعه
کن با قرض خواهان پدر خود و اگر ابا کنند و قبول نکنند مقاطعه را چون
وقت بریدن خرما رسد و انکار کنند مرا خبر کن آنحضرت گفت ای جابر نکاح
کرده و زن خواسته گفتم بلی گفت که را خواسته گفتم فلانه دختر
فلانه که زن بیوه بود در مدینه آنحضرت گفت چرا از زنان جوان نخواستی

[illegible] گفتم یا رسول الله خواهران من هیچ کار نمی‌توانستند کرد
نخواستم که بیاورم نزد ایشان زنی که هیچ نتواند کرد و گفتم این زن بیوه
بهتر است از برای ایشان جمع کردن کارهای من آنحضرت گفت خوب کردی
پس گفت آیا [illegible] شتر [illegible] پس گفتم نزد من دویست درهم از طلا آنحضرت
گفت [illegible] حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بمدینه رسید شتر را
بخدمت آنحضرت [illegible] شتر را با [illegible] بقرض [illegible]
[illegible] دویست درهم از طلا زیاده [illegible] و شتر او را باز داد پس حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت آیا مقاطعه کردی بقرض دار [illegible]
گفتم نه یا رسول الله گفت آیا [illegible] از چیزی [illegible] از [illegible]
گفت چون وقت خرما بریدن اعلام کن [illegible] خرما بریدن رسید
اعلام کردم آنحضرت را پس آمد و دعا کرد از برای ما بریدیم خرما را پس صرف کردیم
بهمه قرض خواهان ما و قرض ایشان ادا شد و باقی ماند از برای ما [illegible]
[illegible] می‌بریدیم و حاصل می‌کردیم بیشتر از [illegible] پس گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله [illegible]
خرما را کیل میکنند [illegible] [illegible] ابن عباس
گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله هر که [illegible]
[illegible] ابن عمر [illegible] حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله [illegible] یا رسول الله آنحضرت گفت لبیک [illegible]

[illegible] روایت [illegible] بن ثابت که هرگاه ما می‌نشستیم نزد حضرت [illegible] علیه و آله
اگر سخن آخرت می‌کردیم آنحضرت اتفاق میکرد با ما و اگر سخن دنیا میکردیم آنحضرت
موافقت مینمود با ما و اگر ذکر طعام و شراب میکردیم موافقت میکرد با ما پس همه
اینها که ذکر کردم روایت میکنم از رسول صلی الله علیه و آله [illegible] ابی الحمیسا
گفت که مبایعت کردم حضرت پیغمبر را صلی الله علیه و آله پیش از آنکه مبعوث
شود پس وعده کردم بآنحضرت که فلان روز در فلان [illegible] ملاقات خواهم کرد
و فراموش کردم آن روز و روز دیگر و روز سیوم آمدم آنحضرت گفت که ای جوان
در مشقت انداختی مرا سه روز است که من اینجا ساکن ام [illegible] جریر بن عبدالله
که گفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در آمد بخانه از خانهای خود پس خانه
پر شد از مردم و جای کسی دیگر نماند پس در آمدم و چون جای نبود برگشتم و در خانه
بیرون نشستم چون آنحضرت دید مرا که بیرون خانه بر روی زمین نشسته ام جامه خود را
در هم پیچید و پیش من انداخت و گفت بالای این جامه بنشین من جامه
آنحضرت را گرفتم و بر روی خود مالیدم و بوسیدم [illegible] از سلمان
فارسی که گفت رفتم نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آنحضرت تکیه کرده
بود بر بالشی انداخت آن بالش را بجانب من و گفت یا سلمان مسلمانی که بیاید
نزد برادر مسلمان خود پس بعد از آن بالش را بجهت اکرام برادر مسلم البته خدای
تعالی بیامرزد [illegible] فراخ کردن و خنده حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله

در روایت که رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت که من مزاح کردم و نمیگویم در مزاح
مگر سخنی حق در روایت که مردی پرسید از ابن عباس که آیا حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله مزاح میکرد ابن عباس گفت بلی مزاح میکرد در روایت از حسین بن علی
علیهما السلام که گفت پرسیدم حال خود هند را از صفت رسول خدا صلی الله
علیه و آله گفت هند که وقتی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در غضب شدی اعراض
کردی و روی گردانیدی و مبالغه کردی در غضب و گاهی که فرح داشتی
میخوابانیدی چشم خود را بیشتر خندهٔ آنحضرت صلی الله علیه و آله تبسم بودی و در
حالت خنده کردن ظاهر شدی دندانهای آنحضرت مثل تگرگ در سفیدی و صفا
در روایت از انس بن مالک که گفت که دیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله تبسم کرد
تا آنکه ظاهر شد دندانهای آنحضرت در روایت از ابو ذر که گفت که چون
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله سخن کردی تبسم نمودی در حال سخن کردن در روایت
از یونس شیبانی که گفت که از من پرسید ابو عبد الله علیه السلام که چگونه است
مزاح کردن بعضی از شما با بعضی گفتم کم است ابو عبد الله ع گفت که چنین
مکنید زیرا که مزاح کردن از حسن خلق است و تو خوشحال میکردی بسبب
مزاح کردن برادر مؤمن را و حضرت پیغمبر صلوات الله علیه مزاح میکرد
با مردم و قصدش این بود که ایشان خوشحال شوند در روایت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله وسلم در روایت از انس بن مالک که گفت که دیدم ابراهیم

پسر رسول

پسر رسول خدا را در حالت نزع پیش آنحضرت میگریست و میگفت چشم اشک میریزد
و دل محزون و اندوهناک است و نمیگوییم مگر آن چیزی که رضای پروردگار ما باشد
و ما بجهت تو ای ابراهیم محزون و غمگینیم در روایت از خالد بن سلمهٔ مخزومی که گفت
که چون زخم خورد زید بن حارثه رفت رسول خدا صلی الله علیه و آله بخانهٔ
او چون دختر او دید رسول خدا را آغاز گریه کرد و گریست آنحضرت با او از بلند
گریست یکی از اصحاب گفت بآن حضرت که سبب این نوع گریستن چه بود یا
رسول الله آنحضرت گفت که سبب این شوق دوست است بدوست در روایت در
راه رفتن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در روایت از امیر المؤمنین علی
بن ابی طالب کرم الله وجهه که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله در وقت
رفتن میل به پیش کردی و پاها را بقوت از زمین برداشتی گویا از بالا بشیب
آمدی تیم قبل آنحضرت نه پیش از آنحضرت و نه بعد از آن حضرت در روایت
از جابر که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی که بیرون
آمدی از منزل و بجایی رفتی اصحاب در پیش آنحضرت میرفتند و عقب
آنحضرت را بجهت فرشتها میگذاشتند در روایت از ابن عباس که گفت که رسول
خدا صلی الله علیه و آله وقتی که راه رفتی معلوم شدی از رفتار آنحضرت که
نیست رفتن او بعجز و نه رفتن کسی که خسته باشد و نه رفتن بجهت کسی که کاهل باشد
در روایت از انس که گفت که وقتی می آمدم بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله

می‌نشستم جلوی [illegible] که رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی که سوار بود
نمیگذاشت کسی را که با او پیاده برود تا آنکه آنکس را سوار میکرد با خود و اگر آنکس ابا
میکرد از سوار شدن با آنحضرت میگفت آنحضرت بآنکس که پیشتر از من برو و
در باب مرا جای میخواهی [illegible] که طلب کردند حضرت پیغمبر را صلی الله علیه و آله
قومی از اهل مدینه بجهت طعامی که برای آنحضرت تهیه بوده بودند و آنحضرت اجابت فرمود
دعوة ایشان را پس براه شخصی دیگر همراه ایشان شد چون نزدیک خانهٔ آن قوم رسید
آنحضرت گفت بآن مرد که در راه همراه ایشان شده بود که قوم ترا نخوانده‌اند
پس بنشین تا بگویم بقوم که تو طلب رخصت تو کنم از ایشان برای
تو **در بیان** مجملی از احوال و اخلاق پیغمبر صلی الله علیه و آله **منقولست**
از کتاب النبوة که گفت امیرالمؤمنین علی علیه السلام که مصافحه نکرد رسول
صلی الله علیه و آله با هر کسی هرگز که دست خود را از دست آنکس کشیده باشد
تا آنکه آنکس دست خود را از دست آنحضرت میکشید و هر کس با آنحضرت حاجتی داشتی
یا سخنی گفتی آنحضرت برنگشتی تا آنکس بازگشتی و نزاع نمیکرد آنحضرت در سخن
تا آنکه آنکس خاموش شدی و هرگز کسی ندید که آنحضرت پای خود را پیش
دراز کرده باشد و عرض نمیکرد بآنحضرت دو چیز را مگر آنکه اختیار میکرد آن
چیز را که مشقت آن زیاده بودی و یاری نمیکرد بنفس خود از ظلمی که
بجهت ظلم کرا آنحضرت واقع شدی تا آنکه از ظلم او حرامی ضایع شدی

پس این هنگام غضب آنحضرت برای خدا بودی و در مقام انتقام شدن و هرگز
تکیه کرده چیزی نخورد و در مدت عمر هیچ چیز را از آنحضرت کسی طلب ننمود که
نه گفت و هرگز حاجت هیچ سائلی را رد نکردی الا حاجت او را بر آوردی یا جوابی
از روی مرحمت و ملایمت گفتی و نماز آنحضرت سبکتر بود از نماز هر کس و با آنکه
تمام آنچه معتبر بود در نماز بجا آوردی و خطبه کوتاه‌تر بود از خطبه هر کس
دیگر و سخن بیفایده در سخنان آنحضرت نبود و هرگاه آنحضرت متوجه جانبی
شدی بسوی آنحضرت میدانستند توجه آنحضرت را و هرگاه آنحضرت طعام
با قومی خوردی پیش از ایشان ابتدا بطعام خوردن کردی و بعد از همه دست
از طعام کشیدی و هرگاه طعام خوردی از پیش خود خوردی و هرگاه خرما
خوردی از همه جای خوردی و هرگاه آب خوردی به سه مرتبه خوردی و اندک اندک
آب خوردی نه بسیار و آنحضرت بدست راست طعام و آب خوردی و چیزی
گرفتی و دادی میگرفت و میداد و چیز را مگر بدست راست و دست چپ
آنحضرت برای غیر اینها بود از بدن و دوست میداشت که ابتدا از جانب راست
کند در هر کاری و در جامه و نعلین پوشیدن و شانه کردن و هرگاه دعا
کردی بسیار دعا کردی و وقتی که سخن گفتی سخن را سه بار گفتی و هرگاه
اذن طلبیدی بجهت در آمدن در خانهٔ کسی سه بار اذن طلبیدی و سخنان آنحضرت
ظاهر بود هر کسی که شنیدی دانستی و فهمیدی و وقتی که سخن گفتی [illegible]

ظاهر میشد از میان دندانهای پیش آنحضرت و هرگاه کسی آنحضرت را دیدی
گمان میبردی که میان دندانهای آنحضرت گشاده است و حال آنکه گشاده
نبود و نظر آنحضرت بجز با گوشهٔ چشم بوده نگفتی بکسی سخنی که آنکس را بد آید از آن
سخن و وقتی که راه رفتی چنان رفتی که گویا از بالا بنشیب آمدی و آن حضرت
میگفت باصحاب که بهترین شما آنکسانیند که خلق ایشان بهتر باشد و هیچ خوردنی
را عیب نکردی و مدح نگفتی و نزاع میکردند اصحاب نزد آنحضرت در سخن گفتن و
وکسی که صفت کردی آنحضرت را گفتی ندیدم بچشم خود مثل آنحضرت نه پیش
از آن حضرت و نه بعد از آن حضرت صلی الله علیه و آله و در حدیث
از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی که
دیده شد در شب تاریک آنحضرت را نوری از آنحضرت ظاهر شدی که گویا آنحضرت
پارهٔ ماه بوده از ابی عبدالله علیه الرحمه که گفت که جبرئیل فرود
آمد نزد پیغامبر صلی الله علیه و آله و سلم و گفت که بدرستی که حق سبحانه و تعالی
بتو سلام میرساند و میگوید که سنگ ریزه‌ها و خاک مکه را از برای تو طلا
کنم حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بسوی آسمان نظر کرد و گفت نمیخواهم
پروردگار من لیکن میخواهم که یک روز سیر باشم تا حمد کنم ترا و یک روز گرسنه
باشم تا طلب چیزی کنم از تو و در حدیث از ابی عبدالله علیه السلام که گفت
که رسول خدا صلی الله علیه و آله میدوشید بزی را که در خانهٔ آنحضرت بود

از ابی

و در حدیث از ابی عبدالله علیه الرحمه که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که نیستم من که عار آید مرا سواری دراز گوش پالان دار و طعام خوردن
بر روی زمین با بندگان و چیزی دادن سائل را بدست خود و در حدیث
از جابر بن عبدالله که گفت که در رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چند خصلت
بود یکی آنکه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله هر راهی که رفتی و کسی در عقب آنحضرت
رفتی و دانستی که آن حضرت باین راه رفته است از بوی خوش دیگر آنکه آنحضرت
به هیچ سنگی و درختی نگذشتی مگر آن سنگ و درخت آنحضرت را سجده کردی
و در حدیث از ثابت بن انس بن مالک که گفت که رنگ رسول خدا صلی الله علیه و آله
سفید و روشن و درخشان بود بهمچو رنگ مروارید خوشتاب و نبوئیدم هیچ
مشکی و عنبری را که خوشبوی تر بوده باشد از بوی آنحضرت و مس نکردم هیچ
دیبا و جامهٔ ابریشمی را که نرم تر بوده باشد از دست آنحضرت و نماز آنحضرت
سبک تر بود از نماز همهٔ مردمان با آنکه معتبر بود و نماز تمام بجا آوردی
و در حدیث از جریر بن عبدالله که چون حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
مبعوث شده به پیغمبری آمدم نزد آنحضرت تا بیعت کنم با آنحضرت آنحضرت گفت
که ای جریر بچه کار آمدی گفتم که یا رسول الله که مسلمان شوم بدست تو آنحضرت
انداخت از برای من ردای خود را که بنشینم بر آن پس متوجه
باصحاب شد و گفت هرگاه بزرگ قومی نزد شما بیاید اکرام کنید او را

روایت از ابی عبدالله علیه الرحمة که گفت که رسول خدا صلی الله علیه وآله وعده
کرد مردی را بموضعی معین و گفت من اینجا ساکنم تا تو بیایی بجهة آفتاب بآنحضرت
مشقت رسید بعضی از اصحاب گفتند یا رسول الله کاشکی بجای بسایه آنحضرت
فرمود که اینجا وعده کرده ام اگر من او چون بجای دیگر روم روایت از عایشه
صدیقه که گفت که گفتم بحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که یا رسول الله هرگاه
بخلا میروی و می آیی و من در عقب تو میروم هیچ بول و غایط نمی بینم بلکه
بوی مشک می شنوم آنحضرت گفت ای عایشه ما که پیغمبرانیم مثل اهل بهشتیم
هر فضله که از ما جدا میشود زمین آنرا فرو میبرد روایت از ابن عباس
که عمر نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم آمد و آنحضرت بر روی حصیری
تکیه کرده فرموده بود و اثر حصیر در پهلوهای مبارک آنحضرت ظاهر شده بود عمر
گفت یا رسول الله کاشکی فرشی میداشتی آنحضرت گفت چه کار است مرا با دنیا
نیست مثل من و دنیا مگر همچو کسی که سوار باشد و میرفته باشد در روز
تابستان پس بگیرد زیر درختی سایه ساعتی از روز و بعد از آن برود
و بگذارد آن سایه را روایت از ابن عباس که گفت رسول خدا صلی الله
علیه وآله وفات کرد و درع آنحضرت و زره او نزد مردی از یهود گرو بود بیست صاع
جو که گرفته بود از برای معیشت عیال خود روایت از ابی رافع که گفت که شنیدم
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله میگفت که هرگاه که فرزند خود را محمد نام کنید

باو خوبی

باو خوبی کنید و فرزند او را گرامی دارید و برکت خانه که در او نام محمد باشد و برکت
اند جماعتی از رفیقان که در میان محمد نام باشد روایت نشستن حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله و امر کردن اصحاب را در راه آب نشستن
روایت که طفل صغیر را نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم می
آوردند که دعا کند از برای او برکت یا بنام نهد آن طفل را پس آنحضرت میگرفت
آن طفل را در کنار خود می نهاد بجهة اکرام اهل آن طفل و گاهی بول میکرد آن
صغیر در کنار آنحضرت پس فریاد میکردند بعضی که میدیدند از آنحضرت
قطع مکنید بول صبی را و بگذارید که بول را تمام کند پس آنحضرت فارغ میشد از
دعا کردن از برای آن طفل یا از نام نهادن و سبب این اهل آن طفل خوشحال
میشدند و بر ایشان ظاهر نمیشد که آنحضرت ایذا یافته باشد از بول آن طفل
و چون اهل آن صبی از خدمت آنحضرت برمیگشتند آنحضرت جامه خود را
میشست روایت که آمد مردی نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله آنحضرت
تنها نشسته بود پس دور شد از جای خود و آن شخص را جا داد آن شخص گفت یا
رسول الله جا گشاده است آنحضرت گفت صلی الله علیه وآله حق مسلمانان بر
مسلمان است که چون ببیند مسلمانی را که نزد او نشیند دور شود از جای
خود و او را جای دهد روایت که رسول خدا صلی الله علیه وآله گفت کسی که
دوست میدارد که مردم برای او برخیزند و تعظیم کنند جای او در دوزخ است

دیگر حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله با اصحاب که برمیخیزید بعضی از برای
بعضی و باکی نیست اگر حرکت کنید از جای خود و کسی از میان خود جا دهید
دیگر روایت از کتاب محاسن که ابی عبد الله علیه السلام گفت که هرگاه رسول
خدا صلی الله علیه و آله بمنزلی می آمد می نشست در پایین مجلس دیگر حدیث از ابی
عبد الله علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با اصحاب
فرمود که وقتی بیائید مجلسی باید که بنشینید آنجا که مجلس با منتهی شود دیگر حدیث
از ابی عبد الله علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت با اصحاب خود
فرمود که وقتی برخیزید از مجلسی باید که سلام کنید اهل مجلس را بدرستی که سلام
اول بهتر او است از سلام دویم دیگر حدیث از ابی عبد الله علیه السلام که رسول خدا
صلی الله علیه و آله گفت با اصحاب که وقتی که برخیزد یکی از شما از مجلسی بیرون
رود و باز بیاید جاید همان جای که نشسته بود دیگر حدیث که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله گفت با اصحاب که بدهید حق مجلس را کسی پرسید که چیست
حق مجالس یا رسول الله آنحضرت فرمود که حق مجالس آنست که چشمهای خود را
و جواب سلام بگویید و راه نمائید نابینا یا نرا و امر کنید بمعروف
و نهی کنید از منکر دیگر حدیث از ابی امامه که گفت رسول خدا صلی الله
علیه و آله می نشست باین طریق که کفهای پای خود را بر زمین می نهاد و هر دو
ساق پای خود را راست می داشت و هر دو دست خود را بپیش هر دو ساق

می او

می آورد و پس بیک دست خود محکم میگرفت ساق دست دیگر را منقولست
از کتاب مجالس که پیغمبر صلی الله علیه و آله سه نوع می نشست یکی تربع بطریقی که
مذکور شد و دیگر آنکه دو زانو می نشست و کف پای را بر بالای دیگر می نهاد
و ندیدند آنحضرت را که چهار زانو نشسته باشد دو زانو می نشست و یکی
وقت دو زانو نشستن فصل سیم در صفت اخلاق پیغمبر صلی الله
علیه و آله در طعام منقولست از کتاب موالید الصادقین که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله میخورد و از همه اصناف طعامها طعام میخورد
بر روی زمین و بر آن چیزی که مسلمانان طعام میخورند و از آن چیزی که ایشان
طعام میخوردند میخورد و آنچه حق سبحانه و تعالی حلال کرده است بر در با اهل
خود و خدمتکاران خود که مهمانی و با کسی که دعوت کردی آنحضرت را از
مسلمانان مگر وقتی که مهمانی برسیدی آنگاه طعام میخورد و با مهمان
و دوست‌ترین طعامها نزد آنحضرت طعامی بود که با جماعتی میخورد دیگر حدیث
که روزی گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وقتی که اصحاب نزد آنحضرت
بودند که اللهم انا نسألک من فضلک و رحمتک الذین لا یملکها غیرک
یعنی بار خدایا طلب میکنم از تو فضل و رحمت ترا آنچنان فضل و رحمتی که مالک
نیست آنها را در غیر تو پس در وقت دعا کردن شخصی گوسفندی
بریانی ارسال نمود بنزد آنحضرت صلی الله علیه و آله با اصحاب گفت که بسته بیاید

این را که از فضل خدا تعالی بما رسیده است و ما انتظار او میکشیم
و در حدیث که هرگاه خوان طعام پیش آنحضرت می نهادند میگفت بسم الله
اللهم اجعلها نعمة مشکورة تصل بها نعمة الجنة یعنی بار خدایا بگردان این
خوان طعام را نعمتی شکر کرده شده که برسد بسبب آن نعمت بهشت بما
و بسیار بود که وقتی که آنحضرت می نشست بطعام خوردن از پیش خود
طعام میخورد و جمع میکرد زانوها و قدمهای خود را بنحوی که کسی نماز میکند از
و می نشست یعنی دو زانو می نشست اما یک زانو را بالای زانوی دیگر
می نهاد و قدم را بالای قدم دیگر و میگفت که من بنده ام از بندگان
خدا که طعام میخورم و می نشینم بنحوی که ایشان می نشینند و در حدیث
از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که چیزی نخورد رسول خدا صلی الله
علیه و آله تکیه کرده از آن زمانی که فرستاد خدای تعالی آنحضرت را به پیغمبری
تا آنکه از دنیا رفت بجهت تواضع خدا تعالی و در حدیث که آنحضرت هرگاه
دست خود را بطعام نهادی گفتی بسم الله بارک لنا فیما رزقتنا و علیک
خلفه یعنی خدایا برکت ده ما را در آنچیزی که روزی ما کردی و بر تست
که بعد از این باز عوض بدهی منقول است کتاب مکارم الاخلاق
منقول است از کتابی که جمع کرده است [illegible] که امام جعفر صادق علیه السلام روایت
کرده است از پدران خود علیهم السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی

که روزه

که روزه افطار کردی گفتی که اللهم لک صمنا و علی رزقک افطرنا فتقبله
منا ذهب الظماء وابتلت العروق و بقی الاجر یعنی بار خدایا برای
تو روزه داشتیم و بر روزی تو افطار کردیم قبول کن از ما این روزه را رفت
تشنگی و تر شد رگها و باقی ماند اجر و در حدیث از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله طعام خورد در نزد قومی
و گفت افطر عندکم الصائمون و اکل طعامکم الابرار یعنی افطار
کردند نزد شما روزه داران و خوردند طعام شما را نیکان و آنحضرت
گفت که دعای روزه دار مستجاب میشود نزد افطار کردن او و در حدیثی
که وارد آمده که پیغمبر صلی الله علیه و آله افطار میکرد بخرما
و اگر نمی یافت میکرد بآب و در حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله افطار میکرد بشیرینی و اگر شیرینی
نمی یافت افطار میکرد بآبی که سرد نبود و نه گرم و میگفت که افطار کردن
بآب پاک میکند جگر و معده را و خوشبوی میکرداند دهن را و قوت
میدهد دندانها را و چشمها را و تیز میکند نظر را و می برد گناهان
را و تسکین میدهد رگهای را که حرکت میکنند و صفرا که غالب باشد
و قطع میکند بلغم را و می نشاند حرارت معده را و میبرد درد سر را
و در حدیث که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله نمیخورد طعام گرم را تا آنکه

میلیسید و میگفت که خدا تعالی نکرد ما را آتش پرستی که طعام گرم
می گشت پس خنک کنید طعام را در روایت که چون حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله چیزی میخورد بسم الله میگفت و بسه انگشت طعام میخورد و از
پیش خود میخورد و از پیش غیر خود نمیخورد و طعامی که نزد آنحضرت می آوردند
پیش از همه شروع در خوردن میکرد و [illegible] انگشت طعام میخورد
انگشت بزرگ و انگشت شهادت و انگشت میانه و گاهی بچهار انگشت
نیز طعام میخورد و گاهی بتمام دست طعام میخورد و بدو انگشت طعام
نمیخورد و میگفت که بدو انگشت طعام خوردن عمل شیطان است در روایت
که روزی بعضی از اصحاب برای رسول خدا صلی الله علیه و آله
پالوده آوردند آنحضرت میل کرد از آن پالوده و گفت از چه چیز است
این یا رسول الله گفت پدر و مادرم فدای تو باد روغن و عسل را در دیگ
میکنیم و دیگ را بر بالای آتش می نهیم و بجوش می آوریم و میگیریم مغز گندم
وقتی که آرد کرده باشند و میان آن می اندازیم روغن و عسل و آمیخته
میسازیم آنها را با یکدیگر تا آنکه پخته شود پس می آید بر وجهی که می بینی
پس حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible] طعام می پخت و میخورد و میشود
می پخت و میخورد و همه اینها را رسول خدا صلی الله علیه و آله [illegible] در روایت
گفت این طعام خوبی است   که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله هرگز نان

او نیز

[illegible] الحنطین در روایت گفت عیص بن قاسم که گفتم بامام جعفر
علیه السلام که حدیثی روایت میکنند از پدر تو علیه السلام و آن حدیث این است
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله هرگز نان گندم سیر نخورد آیا این حدیث
صحیح است گفت که این حدیث صحیح نیست بلکه هرگز حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله هرگز نان گندم نخورد و هرگز نان جو سیر نخورد و گفت عائشه که رسول خدا
صلی الله علیه و آله چیزی بر خوان نخورد تا آنکه از دنیا رحلت فرمود و نان [illegible]
نخورد تا آنکه از دنیا رفت و گفت عائشه که همیشه بر ما دشوار بود و دو ماه
بحضرت می گذشت تا آنکه قبض روح آنحضرت صلی الله علیه و آله شد پس چون
قبض روح آنحضرت شد دنیا بما فراخ شد در روایت از کتاب محاسن که
گفت ابی عبد الله علیه السلام که همیشه طعام رسول خدا صلی الله علیه و آله [illegible]
میکرد و در صورت بنده را و [illegible] خود [illegible] او را می نهاد طعام خود را
بر روی زمین و میخورد و خیار را با خرمای تر و خیار را با نمک میخورد و [illegible]
میوه تازه را آنحضرت خربزه و انگور بود و میخورد و خربزه را با نان و گاهی
با شکر میخورد و گاهی با خرمای تر میخورد و در هر حال [illegible]
در روایت که روزی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بود و خرما
تر میخورد و دست راست و هسته خرما را نگاه میداشت در دست چپ [illegible]
[illegible] آنحضرت میگذشت اشارت کرد [illegible]

که در دست آنحضرت بود که گوسفند نزدیک آنحضرت آمد و از دست آنحضرت
آن خرما را میخورد و آنحضرت بدست راست خرما میخورد و خسته را
بدست چپ می انداخت برای آن گوسفند تا آنکه آنحضرت فارغ شد از خرما
خوردن و این هنگام آن گوسفند باز گشت [حدیث] که رسول خدا صلی الله
علیه و آله وقتی که روزه داشتی افطار کردی بخرمای تر در وقتی که خرمای تر
بوده و گاهی انگور را اندر دهان خوردی و گاهی خوشه انگور را در دست گرفته
و کشیدی تا آنکه ... که فرو می آمد آب انگور بر محاسن آنحضرت و ... خربزه
آمد نیز ... [حدیث] که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میخورد طعامی را
که از مسکه و خرما ساخته شده و میخورد خرما را و آب بر بالای آن می
آشامید و بیشتر طعام آنحضرت خرما و آب بود و خرما را در شیر ترید میکرد و میخورد
و نام میکرد شیر و خرما را اطیبین یعنی هر دو چیز بهتر و میخورد شوربائی که از
آرد جو می پختند با پیه گداخته [حدیث] که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله سر را
بیشتر میخورد از چیزهای دیگر و سحر میخورد و نوبتی جبرئیل علیه السلام او را
از برای آن حضرت از بهشت پس آنحضرت سحر خورد از او ... آنحضرت بخورد
و در خانه ... میخورد ... تکلیف بود و هر چه ... میل میفرمود
رسول خدا صلی الله علیه و آله میخورد گوشت پخته را با نان و با نان و میخورد
گوشت بریان را با نان و میخورد گوشت ... را تنها و میخورد گاهی با نان نیز

و دو ...

طعامی نزد آنحضرت گوشت بود و میگفت که گوشت زیاده میکند قوت
و بینائی و شنوائی را [حدیث] که گفت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گوشت بهترین
طعامهاست در دنیا و آخرت و اگر میطلبیدم از پروردگار خود که هر روز
گوشت اطعام کند هر آینه میکرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله میخورد ... را
با کدو و گوشت و دوست میداشت کدو را و میگفت کدو درخت برادرم
یونس است علیه السلام و برمیچید کدو را از ظرفی که در آن طعام میخورد و
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میخورد مرغ خانگی را و گوشت شکاری و گوشت
مرغی را که صید میکردند و آنحضرت نمیخرید صید را و خود صید نمیکرد
و دوست میداشت ... و گوشت پخته برای او بیاوردند با پخته
بیاوردند ... می آوردند آنحضرت امر میکرد بپختن آن و میل آن میفرمود
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله هرگاه که گوشت میخورد سر خود را به پیش خود
می انداخت و گوشت را بر میداشت و پیش دهن خود می آورد و بدندان
میگرفت و میخورد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میخورد نان و روغن را و دوست
میداشت دست و شانه گوسفند را و از ... سرکه را و دوست میداشت
و از سبزیها کاسنی و بادروج ... را و بادروج نوعی از ریحان است
[حدیث] پیغمبر صلی الله علیه و آله میخورد ... و ... نار(?)
خورد و عسل که ... بود که در شکم زنبور باقی میماند ...

از درخت مانند صمغ و می اندازد از بخور و عسل و بعد از خوردن کل با
مانند بوی انجیر در دهن و خدمت میکرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله طعام را
هرگز هرگاه طعامی آنحضرت را خوش آمد میل بیشتر میفرمود و هرگاه کراهیت داشت
از طعامی میل میکرد از او رسول خدا صلی الله علیه و آله آن چیز را که کراهت
داشت حرام نمیکرد اینرا بر غیر خود و دشمن نمیساخت لکن از برای حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله بعد از طعام خوردن انگشت خود را بر طرف کشید
دهان خود می برد و میگفت برکت در طعام آخر کاسه است و رسول
خدا صلی الله علیه و آله چون فارغ میشد از طعام خوردن انگشتانی که با آن
طعام خورده بود در دهان خود میبرد و پاک میکرد از طعام پس از چیزی با دستمال
در انگشتها باز بعد بایستی میبرد تا آنکه پاک میکرد اینه انگشتها را و پاک نمی کرد دست
خود را بر دستمال و مانند آن تا آنکه انگشتها را یکیک به دهان میبرد و پاک
میساخت و میگفت که کسی نمیداند که برکت در کدام انگشت است در خبر است
که پیغمبر صلی الله علیه و آله میخورد دنگ را و میطلبید آن را از مجالس و صحاب
و میدادند از برای آنحضرت و میل میفرمود آنحضرت و میگفت نزد الله
خورده و نداز او حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میشست دستهای خود را
بعد از طعام خوردن انگشتانرا که پاک میشد و عیناً مانند بوی انجیر که خورده بود در دست
آنحضرت و رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه نان و گوشت خوردی دست خود را

پاک

پاک شستی و مسح کردی روی خود را بآن آبی که در دست آنحضرت مانده بود
و آنحضرت تنها چیزی نمیخورد تا ممکن بود در خبر است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
گفت باصحاب خود که آیا خبر دهم شما را به بدترین شما اصحاب گفتند بلی یا رسول الله
آنحضرت گفت که بدترین شما کسی است که تنها چیزی بخورد و میزند بنده خود را
و منع میکند یاری و بخشش خود را از مردم در صفت اخلاق حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله در آشامیدن در خبر است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
وقتی که آب خوردی ابتدا کردی ببسم الله و بعد از آن ظرف آب را بر دهن
نهادی و یکنوبت یا دو نوبت فرو بردی و بعد از آن آب را از دهان
برداشتی و حمد گفتی خدای تعالی را و بعد از آن بسم الله گفتی و آب را بدهان
نهادی و بعد از آن خدای تعالی را پس آنحضرت در مرتبه سیوم نیز
بسم الله گفتی و آب خوردی بعد از آن حمد گفتی خدای تعالی را آنحضرت در آب
خوردن سه نوبت بسم الله گفتی و بسیار حمد گفتی خدای تعالی را و حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله میمکید آب را و یکبار فرو نمیبرد و میگفت که درد جگر از فرو بردن آب
بسیار است یکبار و رسول خدا صلی الله علیه و آله نفس نمیزد در ظرف وقتی که آب
میخورد پس اگر میخواست که نفس بزند ظرف را دور میکرد از دهن خود و نفس میکشید
و گاهی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله می آشامید آب را بیک نفس تا آنکه فارغ میشد
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آب میخورد از قدحهای شیشه که از شام آورده بودند

میخورد از قدحی که میساختند از چوب و آب میخورد از ظرفی که از پوست
میساختند و از ظرف سفالی نیز آب میخورد باین کیفیت که آب را در دستهای
خود میریخت و میخورد و میگفت که هیچ ظرفی پاکتر از دست نیست و آب میخورد
از دهن مشک و مطهره بر نمیگردانید دهن مشک را که از آنجا آب خورد
و میگفت این نوع آب خوردن بد بو میکند مشک را و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
آب میخورد ایستاده و گاهی آب میخورد سواره و گاهی می ایستاد و از مشک یا
یا مطهره آب میخورد و آب میخورد در هر ظرفی که می یافت و بهر دو دست خود نیز
آب میخورد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله می نوشید الی آنکه بود شیر تازه
بودند و گاهی [illegible] از میان آن جدا کرده می آشامید و بهترین شربتها نزد آنحضرت
شربت شیرین بود [illegible] واقع است که دوسترین شربتها نزد رسول
خدا صلی الله علیه و آله شربت شیرین خنک بود و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
می آشامید آب را با عسل و نان را ترید میکرد و می آشامید و رسول خدا
صلی الله علیه و آله میگفت که بهترین شربتها در دنیا و آخرت [illegible] است
از انس بن مالک که بود رسول خدا صلی الله علیه و آله شربتی که افطار میکرد و آن شربتی
دیگر که سحری می آشامید و گاهی هر دو یکی بود و شربت آنحضرت شیر بود
گاهی شربت آنحضرت نان بود که در آب ترید میکرد [illegible] از انس که گفت
یکشب مهیا کردم از برای آنحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله شربتی پس آنحضرت دیر آمد و من

بردم که بعضی از اصحاب آنحضرت را دعوت کرده و خوردند آن شربت را که
برای آنحضرت مهیا کرده بودم پس آنحضرت بعد از خفتن بیک ساعت آمد
از بعضی که با آنحضرت بودند که آیا حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله افطار کرده
در جائی یا کسی که دعوت کرد آنحضرت را آن کس گفت بلی پس شبی بروز آوردم
که نمیداند آن شب غیر خدا تعالی از غم اینکه آنحضرت شربت را طلب نماید و من
ندیده باشد و گرسنه بخوابد و روزه دارد و آنحضرت نطلبید آن شب را و از کسی
آنرا ذکر نکرد تا این ساعت [illegible] که نزد حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
و آله سبو ظرفی آوردند که در آن شیر بود و ابن عباس بجانب راست
آنحضرت نشسته بود و خالد بن ولید بجانب چپ پس آنحضرت آشامید از آن
شیر و گفت عبد الله عباس را که این شربت از تست آیا اذن میدهی
که بدهم بخالد بن ولید ابن عباس گفت نه بحق خدا که نمیدهم نیم خورده
رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی دیگر پس ابن عباس گرفت قدح و آشامید
آن شربت را [illegible] که ابن خولی نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله ظرفی آورد
که در آن عسل و شیر بود آنحضرت ابا کرد از آشامیدن آن و گفت دو شربت را یکی
ساختید و خورشی که در دو ظرف [illegible] کرده در یک ظرف کرده پس آنحضرت
گفت حرام نمیگردانم این را ولیکن کراهت میدارم فخر را و حساب
روز قیامت از زیادتی دنیا و دوست میدارم تواضع را و هر که تواضع کند

انکسی که تواضع کند از برای خدا بلند کرده اند خدا تعالی مرتبه او را

فصل نهم

در صفت اخلاق حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در بوی خوش بکار بردن و روغن
مالیدن و پوشیدن جامه و غیر آن **در بیان** سر شستن حضرت رسالت پناهی
صلی الله علیه و آله **روایت** که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله چون سر و محاسن
خود را شستی با آب سدر شستی **در بیان** روغن مالیدن حضرت صلی الله علیه
و آله **روایت** که رسول خدا صلی الله علیه و آله دوست میداشت روغن مالیدن
را و مکروه میداشت ژولیدگی موی را و میگفت که روغن مالیدن میبرد
غم و اندوه را **در بیان** روغن مالیدن بهر اصناف روغنها و چون آنحضرت
روغن مالیدی ابتدا از سر مبارک خود کردی و دیگر محاسن خود را و روغن
مالیدی و میگفت که سر پیش از محاسن خود می باید مالید و آنحضرت
صلی الله علیه و آله بیشتر از روغن بنفشه مالیدی و میفرمود که روغن
بنفشه با دام بهترین روغنهاست و آنحضرت چون روغن مالیدی ابتدا
بر ابروی خود کردی و بعد از ان شارب خود را مالیدی بعد از ان روغن را
در بینی خود کشیدی و بوئیدی بعد از ان سر خود را روغن مالیدی و شارب
خود را روغن علاحده بر میداشت اکتفا نمی نمود بهمان روغنی که موی سر را
مالیده بود **در بیان** فرو گذاشتن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله موی خود را
روایت که سید رسالت پناهی صلی الله علیه و آله شانه کردی و فرو گذاشتی

آنحضرت

موی

موی سر خود را پیش نه و فرق بیکدیگر داشتند موی آنحضرت را تا نان او و زنان
او متعهد شانه کردن آنحضرت بودند وقتی که آنحضرت شانه میکرد و محاسن خود را
میگرفتند زنان آنحضرت موی را که جدا میشد در وقت شانه کردن
بر میداشتند و نگاه میداشتند و میگویند که موی آنحضرت که در دست
دوستان است از آن موهاست اما موی سر آنحضرت که تراشیده بود در وقت
عمره و حج جبرئیل علیه السلام فرود آمد و گرفت آن موها را و برد با آسمان **در بیان**
که آنحضرت محاسن خود را در روزی دو بار شانه کردی و آن حضرت چون شانه میکردی
می نهاد شانه را زیر بالش خود و میگفت که شانه کردن میبرد وبا را
حضرت چون محاسن خود را شانه کردی از زیر چهل نوبت کمان محاسن
خود را شانه کردی و بالای آن هفت نوبت و میفرمود که شانه کردن زیاده
میکند ذهن را و قطع میکند بلغم را **در بیان** بوی خوش بکار بردن
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم **روایت** که رسول خدا صلی الله علیه و آله مشک بکار میبرد
آن مقدار که درخشیدی در فرق مبارک آنحضرت ظاهر میشد ذکر طیب
بکار میبرد و مراد از ذکر طیب مشک و عنبر است **و روایت** که زنان
حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله بوی خوش بر جامه خود با آنحضرت
میمالیدند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بخور میکرد بعود قماری و عود [illegible]
بوی خوشی که از جانب [illegible] می آوردند [illegible] که حضرت پیغمبر را

صلی الله علیه و آله می‌شناختند در شب تاریک پیش از آنکه بنزد او برسند از بوی خوش
آنحضرت پس میگفتند اصحاب که این رسول خداست صلی الله علیه و آله روایت
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که خرج حضرت پیغمبر در عطر بیشتر بود از خرج
آنحضرت بطعام روایت امام باقر علیه السلام که رسول خدا را صلی الله
علیه و آله سه خصلت بود که در غیر آن حضرت نبود یکی آنکه آنحضرت را سایه
نبود دیگر آنکه آنحضرت بهر راهی که رفتی و کسی بان راه بعد از دو روز یا سه روز
گذشتی میدانستی که آن حضرت از این راه رفته است از بوی خوش آنحضرت و دیگر
آنکه نمی‌گذشت [illegible] مگر آنکه خوشبوی معطر میشد و گفت که بوی این خوش
در دست من از این [illegible] و اگر خوشبوی نمی‌ساخت خود را
بان بوی خوش [illegible] انگشت خود را و بعد از آن انگشت مبارک را بدهان
خود می‌نهاد و آن حضرت می‌گفت که لذت من در زنان و بوی خوش است
و روشنی چشم من در نماز و روزه است و آن حضرت در وقتی که میخواست
که از خانه بیرون آید متوجه [illegible] آمدن میشدند پیش از آنکه از خانه
آید میدانستند اصحاب که آنحضرت میخواهد که از خانه بیرون آید بجهة بوی
خوش آنحضرت و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بوی خوش را کار میبرد
در هر روز جمعه و اگر بوی خوش نمی‌یافت و میسر نمیشد میگرفت جامه از بعض
زنان خود و آن را با آب تر میساخت و میمالید بر دست و روی خود بجهة

بوی

بوی خوشی که در آن میبود روایت در بیان سرمه کشیدن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
روایت که رسول خدا صلی الله علیه و آله سرمه میکشید در چشم راست خود سه میل و در
چشم چپ خود دو میل و گفت که کسی که سرمه سه بار میکشد هر گاه که خواهد بکشد و اگر
کمتر از سه نوبت یا زیاده میکشد باکی نیست و گاه بودی که آنحضرت سرمه کشیدی در
روزی که روزه داشتی و آنحضرت را سرمه دانی بود که سرمه میکشید با آن در شب
و سرمه دان اصفهانی بود روایت در نظر کردن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
در آینه روایت که نظر کردی در آینه رسول خدا صلی الله علیه و آله و فرو
گذاشتی موی خود را و شانه کردی و گاهی در آب نظر کردی و خود را
زینت کردی و آن حضرت زینت دادی خود را بجهت اصحاب خود زیاده از زینت
دادن بجهة اهل بیت خود و زینت دادی خود را بجهت اصحاب گفت
عایشه در وقتی که عایشه از حجره خود دید آنحضرت را که نظر میکرد
در ظرفی که در او آب بود و راست می‌کرد موی خود را و میخواست که
بیرون رود بنزد اصحاب خود پس گفت عایشه با آنحضرت که پدر و مادرم
فدای تو باد نظر بطرف آب میکنی و موی خود را راست میکنی و حال آنکه
تو رسول خدایی و بهترین خلق آنحضرت فرمود که خدای تعالی دوست میدارد
از بنده خود که چون خواهد که بیرون رود بسوی برادران خود زینت کند از
برای ایشان روی خود را روایت در عطر مالیدن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله

که هرگاه کسی رسول خدا را صلی الله علیه و آله روغن می‌مالید چون می‌رسید
آزار آنحضرت خود را روغن می‌مالید خود را — و در حدیث — پیغمبر صلی الله علیه و آله
جدا نمی‌ساخت از خود در سفر شیشه روغن و سرمه‌دان و مقراض و آینه
و مسواک و شانه — و در حدیث — که در سفرها آن حضرت می‌بود در ریسمان و سوزن و [illegible]
و تسمه که میدوخت بآن ریسمان جامه خود را و پیوند میکرد و تسمه نعلین خود را
و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم چندان مسواک میکردی عوضاً مسواک میکردی
در بیان لباس حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله — و در حدیث — که رسول خدا صلی الله علیه و آله
می‌پوشید شمله را و لنگ می‌ساخت از او می‌پوشید گلیم پشمین را و پیغمبر [illegible]
می‌ساخت و آن گلیم حضرت پیغمبر را صلی الله علیه و آله که خوب می‌نمود بجهت سیاهی
آن گلیم و سفیدی آنچه ظاهر بود از ساقها و قدمهای آنحضرت — و در حدیث —
که آنحضرت از دنیا رحلت نمود از دو گلیم یا دو که در قبیله بنی عبد الاشهل بافته بودند
که پوشیدی از او کار بود که آنحضرت نماز میکرد در ان بردها و در لباس
آنحضرت شمله بود — و در حدیث — انس گاهی می‌دیدیم آنحضرت را که نماز پیشین
با ما میکرد و در لباس آنحضرت شمله بود که طرف بسیار آنرا در میان دو دوش
خود می‌انداخت — در بیان — عمامه و طاقیه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
— و در حدیث — که رسول خدا صلی الله علیه و آله پوشیدی طاقیه با دستار سفیدی
دستار و دستار با طاقیه می‌پوشید — و در حدیث — پیغمبر صلی الله علیه و آله

می‌پوشید

می‌پوشید طاقیه را و بر طاقیه نوعیت از طاقیه و می‌پوشید طاقیهای
و طاقیهای سفید مضری را و می‌پوشید طاقیها که گوشها داشت و در وقت
جنگ بعضی از ان طاقیها که از طیلسان سبز بود و گاهی بر می‌داشت طاقیه
خود را و می‌نهاد در پیش خود و نماز میکرد رو بجهت آنکه اگر کسی از پیش نماز بگذرد
گرده باشد — و در حدیث — پیغمبر صلی الله علیه و آله بسیار بود که دستار
سیاه بر سر می‌بست و دستره و غیر سفره تحت الحنک نمود و گاه بود که
آنحضرت دستار نمود پس محکم می‌بست سر بند را بر سر خود و بر پیشانی خود و
محکم بستن سر بند عادت آنحضرت بود و بسیار آنحضرت را باین طریق
می‌دیدند — و در حدیث — صلی الله علیه و آله دستاری بود که بر سر می‌بست که
آنرا سحاب میگفتند دستار را بامیر المؤمنین علی علیه السلام بخشید و گاهی که
حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام آن دستار را بر سر می‌نهاد و از خانه بیرون
می‌آمد پس حضرت پیغمبر علیه السلام در آنوقت باصحاب می‌گفت که
آمده است نزد شما علی در سحاب یعنی در دستاری که رسول خدا صلی الله علیه و آله
بآنحضرت بخشیده بود — و در حدیث — عائشه که رسول خدا صلی الله علیه و آله
جبه از پشم و دستاری از پشم پوشید و بیرون رفت و خطبه خواند برای
مردمان بر منبر و ندیدم هیچ چیز از چیزهائی که خدا تعالی آفریده است
بهتر بنظر از آنحضرت در این لباس — و در حدیث — جامه پوشیدن آنحضرت

صلی الله علیه و آله و روایت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله چون جامه نو پوشیدی
گفتی الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی و اتجمل به فی الناس یعنی سپاس و
ستایش مر خدای را که پوشانید جامه که بپوشانم عورت مرا و تجمل میکنم
باین جامه در میان مردمان و چون جامه را بیرون کردی اول از جانب
چپ بیرون کردی و چون جامه نو پوشیدی حمد گفتی خدای تعالی
را و بعد از آن طلب کردی مسکینی را و جامه کهنه را باو دادی و بعد از آن
گفتی که هر مسلمانی که از برای رضای خدای بپوشاند جامه مسلمانی دیگر از جامه
کهنه خود را الا آنکه در پناه خدا باشد ما دام که پوشیده باشد آن مسلمان
آن جامه را خواه آن شخصی که جامه داده است زنده باشد و خواه مرده روایت
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله چون جامه پوشیدی رو بقبله ایستادی پیش از آنکه از خانه بیرون
رود میگفت اللهم بک استترت و الیک توجهت و بک اعتصمت و علیک توکلت
اللهم انت ثقتی و انت رجائی اکفنی ما اهمنی و ما لا اهتم به و ما انت
اعلم به منی عز جارک و جل ثناؤک و لا اله غیرک اللهم زودنی
التقوی و اغفر لی ذنبی و وجهنی للخیر حیث ما توجهت یعنی بار
خدایا بسبب تو پوشیدم و بسوی تو توجه کردم و بتو چنگ در زدم و
توکل کردم و تو معتمد و امیدگاه منی بار خدایا کفایت کن مهمات مرا آنچه یاد
اهتمام نه دارم و آنچه دانا تری بآن از من عزیز است همسایه تو و

و بزرگ است ثنای تو و نیست معبودی بحق غیر تو بار خدایا توشه من گردان تقوی را
و بیامرز گناهان مرا و متوجه گردان مرا بخیر هر جای که متوجه شوم و بعد از آنکه
این دعا را خواندی متوجه حاجت خود شدی و حضرت پیغمبر را صلی الله علیه و آله
دو جامه بود که مخصوص نماز جمعه بود غیر از آن جامها که در غیر جمعه پوشیدی
و آنحضرت را خرقه و مندیلی بود که خود را خشک میکرد و روی خود را از وضو کردن وقتی
بود که آن حضرت مندیل نبود و خشک میکرد روی خود را باطراف ردائی که با آن
حضرت بود روایت انگشتری حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله انگشتری نقره در انگشت خود میکرد
و نگین آن سیاه رنگ بود و پس میکرد آن نگین را نزدیک بکف دست
و در انگشت میکرد و انگشتری نقره که نگین او فولاد بطریق بیرون ساخته
برای آنحضرت معاذ جبل و در آن انگشتری نقش کرده بود که محمد رسول الله
و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله انگشتری خود را در دست راست میکرد
و بعد از آن نقل میکرد بدست چپ و آن انگشتری که در دست آنحضرت بود
و آنحضرت از دنیا رحلت فرمود انگشتری نقره بود و در آن انگشتری نقش کرده بودند
که محمد رسول الله و آنحضرت استنجا میکرد بدست چپ و انگشتری در دست راست آن
آنحضرت بودی روایت که انگشتری همیشه در دست راست آنحضرت
بود تا وقتی که از دنیا رحلت فرمود و گاهی آنحضرت انگشتری خود را از دست بسبابه

خود میکرد و در بند دوم در انگشتی که پهلوی انگشت کوچک است که آن را
انگشت شهادت میگویند میکرد و بهمین طریق و گاهی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
بیرون می آمدند بنزد اصحاب و انگشتری آنحضرت ریسمانی بسته بود
تا بیاد آورد و باین ریسمان چیزی را و آنحضرت مهر میکرد با انگشتری خود بر نامها
که بکسی میفرستاد و میگفت مهر بر کتابت نگاه میدارد و از تهمت

در بیان نعلین حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت است که حضرت رسالت
پناهی صلی الله علیه و آله می پوشیدند نعلین را بدوالی که نعلین را بآن می بندند
و نعلین آنحضرت باریک میان بود و از نزد پاشنه هموار بود و بلندی نداشت
و بسیاری می پوشیدند نعلین را که از پوست دباغت کرده میدوختند
و آنحضرت چون نعلین میپوشیدند ابتدا بپای راست کردی و چون
بیرون کردی ابتدا بپای چپ کردی و امر میکرد که بپوشند هر دو نعل و ترک کنند
هر دو جهت آنکه کروه میداشت که کسی یک نعل بپوشد و دیگری را ترک کند
و آنحضرت می پوشیدند موزه ها را از هر نوعی در بیان فراش حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله روایت است که جامه خواب پیغمبر صلی الله علیه و آله در وقتی که
از دنیا رفت عبائی کهنه بود که روی آن لیفی ساخته بود و ... بود از
پشم شتر و بعضی گفته اند که درازی آن دو گز بود و نزدیک بان
و پهنای آن یک گز و یک وجب بود و روایت است از امیر المومنین علیه السلام

که جامه

که جامه خواب حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله یک نوع گلیمی بود که از موی بافته بودند
و بالش آن حضرت پوستی بود که پر کرده بودند از لیف خرما روایت است که گفت
امیر المؤمنین علیه السلام که آن گلیم را دو ته کردم یکشبی و در زیر حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله انداختم چون صباح شد منع کرد و از دیگر شب این جامه
خواب از آنکه بعد از آن فرمود که یک ته کنند آن گلیم را و حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله جامه خوابی بود از پوست که پر ساخته بودند از لیف خرما
و حضرت پیغمبر را صلی الله علیه و آله گلیمی بود که فرش خود میساخت هر جا
و گاهی دو ته میکرد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بسیار از اوقات
بالش خود میساخت بالشی را که از پوست بود و پر کرده بودند از لیف
خرما و بر آن نشست ... و آنحضرت را قطیفه را قطیفه بود که در فدک بود
می پوشید از او وقتی می شود و بان حضرت را قطیفه مصری بود و
آنحضرت را بساطی بود از موی که بر آن می نشست و گاهی بر آن نماز میکرد
در بیان خواب کردن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت است
که حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله خواب میکرد بر حصیر و در زیر آنحضرت
غیر از آن حصیر چیزی دیگر نبود و چون حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میخواست
که خواب کند مسواک کرد بعد از آن بجامه خواب میرفت و آنحضرت جای را
میگرفت بجامه خواب بپهلوی راست میخوابید و دست راست خود را در زیر

رخسار راست می نهاد و این دعا میخواند اللهم قنی عذابک یوم تبعث عبادک
یعنی بار خدایا نگاه دار مرا از عذاب خود در روزی که برانگیزی
بندگان خود را. در بیان دعای که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میخواند
نزد آمدن خواب بگاه. در حدیث که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله دعاها بسیار در
وقت خوابیدن میخواند از جمله آنها این دعاست اللهم انی اعوذ بک بمعافاتک
من عقوبتک و اعوذ برضاک من سخطک و اعوذ بک منک اللهم انی لا استطیع
ان ابلغ فی الثناء علیک و لو حرصت کما اثنیت علی نفسک و آنحضرت
در خواب کردن این دعا میخواند بسم الله اموت و احیا و الی الله المصیر اللهم
امن روعتی واستر عورتی و ادعنی امانتی. در بیان آنچه میگفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله نزد خواب کردن. در حدیث که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
آیة الکرسی میخواند نزد خواب کردن و میگفت که آمد پیش من جبرئیل علیه السلام
و گفت که ای محمد بدرستی که عفریتی از جن میخواهد که فریب دهد تو را
در وقتی که در خواب باشی بر تو باد که آیة الکرسی بخوانی در وقت خواب
کردن. در بیان آنچه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بجا می آورد در وقت بیدار
شدن از خواب. در حدیث از ابو جعفر علیه السلام که گفت هرگاه بیدار شد
رسول خدا صلی الله علیه و آله از خواب سجده میکرد حضرت حق سبحانه و تعالی
را. در حدیث که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله هرگاه خواب کرد مسواک زد

را آنحضرت

آنحضرت حاضر می بود چون برمیخواست از خواب ابتدا بمسواک میکرد
و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که امر کرده است خدای تعالی مرا بمسواک
کردن و مبالغه نموده است تا آنکه میترسم که واجب شود بر من. و دعائی که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میخواندند بعد از بیدار شدن از خواب این بود
که الحمد لله الذی احیانی بعد موتی ان ربی لغفور شکور و این دعا نیز میخواند
اللهم انی اسالک خیر هذا الیوم و نوره و اعوذ بک من شره و شر ما بعده. در بیان
مسواک کردن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله. در حدیث
که حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله مسواک میکرد در هر شب سه نوبت
یک نوبت پیش از خواب کردن و نوبت دیگر چون برمیخواست از خواب تهجد [illegible]
که داشت در شب و نوبت دیگر پیش از بیرون رفتن به نماز صبح
و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مسواک میکرد بچوب اراک و جبرئیل
امر کرده بود آنحضرت را باین. در حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
که مکروه میدارم که [illegible] فوت شود سنتی از سنتهای حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
[illegible] که بجای خود در [illegible] در باب پاک کردن [illegible]
[illegible] بیرون [illegible] و مسواک کردن و در
باب فضیلت [illegible] در باب پاک کردن بدن و لباس
از ابی عبد الله علیه السلام که گفت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب
کرم الله وجهه

که باکی نماید باب از بوی بد پرستی که خدا تعالی دشمن میدارد از بندگان
ناپاکی را و در حدیث از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که شستن جامه میبرد
غم و اندوه را و پاکیست از برای نماز و منقولست حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله انس را
گفت ای انس بسیار طهارت کن تا زیادت کرداند خدا تعالی عمرت را اگر توانی
و استطاعت داری که شب و روز با طهارت باشی بر طهارت باش
پرستی که وقتی که بمیری با طهارت باشی شهید مرده و منقولست از کتاب
روضة الواعظین که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که کسی که وضو
سازد و اعضای خود را خشک کند بدستمال دو نفر او را یک حسنه دارد
و اگر کسی که وضو سازد و اعضای خود را خشک نکند تا آنکه بخود خشک
شود سی حسنه دارد و در حدیث علی بن اسباط که گفت شنیدم از ابو الحسن علیه السلام
که گفت که چهار خصلت از اخلاق پیغمبرانست بوی خوش بکار بردن
و پاکیزه بودن و نوره کردن و بسیار جماع کردن و منقولست بوی خوش بکار
بردن گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که بوی خوش قوت میدهد
دل را و منقولست از امالی شیخ ابو جعفر طوسی رحمة الله علیه که حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام گفت که خدا تعالی دوست دارد شکل خوب و زینت و تجمل
و مکروه میدارد دشمنی را و پریشانی داشتن خود را و هرگاه که انعام کند
خدای تعالی بر بنده خود نعمتی دوست میدارد که اثر آن نعمت دیده شود

و مروی است که پرسیدند از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که چگونه اثر آن نعمت
دیده شود گفت امام علیه السلام که جامه پاکیزه بپوشد و بوی خوش بکار برد
و خانه خود را گچ سفید کند و جاروب کند در سرای خود را تا آنکه چراغ روشن
کردن پیش از غروب رفتن آفتاب درویشی را میبرد و زیاده میکند روزی را
و در حدیث از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که چهار چیز از سنتهای پیغمبرانست
و ... پاک کردن و غسل کردن و بوی خوش بکار بردن و دوست
داشتن زنان و در حدیث از ابی عبد الله علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه
و آله بوی خوش بکار میبرد و در هر روز جمعه و هرگاه بوی خوش نیافت
میگرفت مقنعه بعضی از زنان خود را و آب میزد بر آن و بر روی خود میمالید
و در حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که بهره‌ام از دنیا مگر زنان و بوی خوش و در حدیث از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت کسی که خرج میکند در بوی خوش اسراف نیست و در حدیث از امام
جعفر صادق علیه السلام که گفت که چون بیارند بنزد شما ریحانی ببویید
و بگذارید آن را و بنهید بر چشمهای خود و بر سر که ریحان از بهشت
و منقولست از کتاب روضة الواعظین که گفت هرگاه که حضرت ابو
عبد الله علیه السلام ریحانی بآنحضرت میدادند آن را میبوئید و بر چشم مینهاد
و گفت که هر کسی که بگیرد ریحانی را و ببوید و بنهد بر چشم خود و بگوید اللهم صل علی محمد

و آل محمد مسفوز آن ریحان و روییت او باشند که آمرزیده شود روایت از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت که وقتی که به هیچ کدام برادر مومن خود ریحانی
باید که رد نکند آن ریحان را زیرا که ریحان از بهشت منقول است
از صحیفه رضا که امام رضا روایت کرده است از پدران خود علیهم السلام
و ایشان روایت کرده اند که گفت امیر امیرالمومنین علی علیه السلام که بوی
خوش تعویذ است و غسل تعویذ است و نظر کردن به سبزه تعویذ است و سواری
تعویذ است منقول است از امام علی بن الرضا علیه السلام که گفت که می‌دیدند
مردمان جای امام جعفر صادق را علیه السلام در مسجد به بوی خوشش از جای موضع
سجده روایت از امام رضا علیه السلام از اخلاق پیغمبران بوی خوش بکار
بردن است روایت امام جعفر صادق علیه السلام که دو رکعت نماز که با بوی خوش
بکند آدمی بهتر از هفتاد رکعت نماز است که بی بوی خوش بگذاری روایت است
از امام جعفر علیه السلام که گفت که چهار چیز است از سنت پیغمبران نوره کردن
و بوی خوش بکار بردن و بسیار جماع کردن روایت که رسید بدانی عبد الله
و ابی الحسن را علیهما السلام از حال مردی که میکند بوی خوش را ایشان
گفتند که اگر کسی که رد میکند بوی خوش را رد کرده نمیشود و رخصت اند و
نمیکند کرامت را اگر کسی که بی عقل باشد روایت از ابی عبد الله علیه السلام
که بوی خوش در شارب بکار بردن کار پیغمبرانست و کار کرام الکاتبین است

یعنی آن دو فرشته که موکل آدمی اند روایت از امام رضا علیه السلام
که گفت علی بن الحسین علیه السلام ظرفی داشت که مشک در آن بود آنرا از جلوی
خود در آن ظرف مشک بود چون میخواست که بیرون رود و در جای نشسته
جامهای خود را میگرفت آن ظرف را و میمالید بر روی خود منقول است
از کتاب عیون الاخبار که روایت کرده است صولی از جد خود که جده او
زنی بود که بسیار از احوال حضرت امام رضا علیه السلام که گفت
بیاد دارم از احوال حضرت امام رضا علیه السلام چیزی که غیر این که
بخور میکرد به عود هندی و استعمال میکرد بعد از آن گلاب و مشک منقول است
از مسموعات سید ناصح الدین ابو البرکات که رسول خدا صلی الله علیه و آله
گفت که بر شما باد که استعمال کنید عود هندی را بدرستی که در و هفت نوع شفاست
بهترین بوها بخورش است و گفت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که خرج رسول خدا صلی الله علیه و آله در بوی خوش بیشتر بود از خرج آنحضرت
بطعام و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله با امیرالمومنین علی علیه السلام
که یا علی بر تو باد که بوی خوش بکار بری در هر جمعه که این سنت من است
و حضرات بر تو مینویسد از برای تو حسنات مادام که بوی از تو می‌آید و گفت
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت که باید که هر روز چیزی از بوی خوش
بکار برد و اگر هر روز میسر نشود یک روز در میان این کند و اگر میسر نشود در هر

جمعه بوی خوش بکار برد روایت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت که هر کسی
که بوی بکار برد و بعد از آن بیرون رود از خانه لعنت کرده میشود در وقتی که
باز گردد بخانه خود هرگاه باز گردد روایت خوشبوی کردن زنان روایت
از معمر از کسی که گفت که رفتم با ابوالحسن علیه السلام بحمام چون بیرون آمد بجامه
مجمری طلبید و بوی خوش بخور کرد و گفت که بوی خوش بخور کنید از برای مرا زنم
مرا زنم میگوید که اگر کسی دیگر خواهد که بگیرد نصیب شود از این بوی بخور کرد
حضرت امام علیه السلام گفت که آری روایت از ابی عبدالله علیه السلام که گفت
که باید که هر کسی بخور کند از برای جامه کند وقتی که قدرت داشته باشد
روایت که دختر مامون از دختر خود و دختر او زوجه امام حسین علیه السلام بود
دختر گفت خواندم این زبیر حضرت امام حسن را بطعام که از برای عروسی مهیا ساخته بود
حضرت امام علیه السلام رفت بضیافت او و روزه داشت ابن زبیر گفت که حضرت
امام حسن علیه السلام که چه بخور روزه دار بخور روزه دار این است بیاورم
پس مجلس مبارک حضرت امام را روغن مالید و بخور کرد جامه او را گفت
حضرت امام علیه السلام که بخور کن بخور زینت که روزه داشته باشد نماز کرد
و بخور کردن جامه او را روایت از ابی عبدالله علیه السلام از پدران خود علیهم
که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که بوی خوش زنان آن است که ظاهر شود
رنگ او و مخفی باشد بوی او و بوی خوش مردان آن است که مخفی باشد رنگ او

و ظاهر

و ظاهر باشد بوی او تا اینجا از این باب اختیار کرده شده است از کتاب لباس
که منسوب است بعیاشی رحمة الله علیه روایت گل گلاب منقولست از طبیب الائمه
که گفت حسین بن منذر که چون حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله را باسمان بردند
زمین حزین و اندوهناک شد از مفارقت آن حضرت و رو بالا کرد که چون
آن حضرت مراجعت فرمود زمین خوشحال شد و رویانید گل سرخ را روایت
دیگر و آنست که چون حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله باسمان رفت
عرق کرد آنحضرت بزمین چکید و رویانید زمین از آن حضرت گل سرخ را پس
گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی که میخواهد دریابد بوی مرا باید که ببوید گل
سرخ را روایت از کتاب فردوس که گفت انس که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود گل سفید مخلوق شده است از عرق من در شب معراج و گل سرخ از عرق
جبرئیل و گل زرد از عرق براق روایت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت
که گلاب گل سفید زیاده میکند تازگی روی را و میبرد درویشی را روایت
کرده است ابی حمزه ثمالی از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت که کسی که
مسح کند روی خود را بگلاب ایمن باشد در آن روز از درویشی و آن کسی
که خواهد که مسح کند بگلاب باید که مسح کند بان او را و بگیرد دست خود را
و صلوات بفرستد بر نبی و آل او روایت از حسین بن علی علیهما السلام
که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم داد گل سرخ را بمن بهر دو دست خود

و گفت که این سید دنیا و آخرت **و در روایت دیگر** روایت کرده است حسین بن منذر
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که در بوئید نرگس را و روغن او که فضل
بسیار است و چون آتش افروخت نمرود و آتش را برای حضرت ابراهیم علیه السلام و خدا
آن آتش را بر ابراهیم خنک و سلامت گردانید از آن آتش نرگس را و اصل نرگس از این
نرگسیست که روییده است بهشت خدای عزوجل و [illegible] **روایت** [illegible]
از انس که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که بر شما باد که ببوئید مرزنگوش را
بدرستی که نیکو است از برای گرفتگی دماغ **روایت** از انس که گفت که از ریحانها
خوش میداشت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله می بوئید و [illegible] مرزنگوش
و آزاد رو نیز میکرد **روایت** از امام موسی کاظم علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه
و آله فرمود که خوب ریحانیست مرزنگوش میروید در زیر ساق عرش و آب او
شفای چشم است **فصل ۱۲** در سرمه کشیدن منقول است از کتاب من لا یحضره
الفقیه که امام محمد باقر علیه السلام که گفت که سرمه کشیدن نظر را [illegible] تیز
و تیز میکرد [illegible] سجده [illegible] **روایت** از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت که آمد نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله اعرابی که او را
قلیب بود و چشمهای او بسیار درد میکرد گفت پیغمبر صلی الله علیه و آله که [illegible]
را از چشمهای تو آب میرود [illegible] سرمه بکش بدرستی که سرمه [illegible]
و منقول است از طب الائمه که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که مسواک [illegible]

جلا میدهد

جلا میدهد چشم او سرمه کشیدن می برد بوی دهن **روایت** از امام رضا علیه
السلام که گفت هر کسی که چشم او ضعیف شده باشد باید که هفت میل سرمه بکشد
چهار میل در چشم راست و سه میل در چشم چپ بدرستی که سرمه میرویاند موی مژه را
[illegible] جلا میدهد چشم را [illegible] سرمه کشیدن [illegible] سال
روایت امام رضا علیه السلام که گفت که هر کسی که ایمان دارد به خدا
و بروز قیامت باید که سرمه بکشد **روایت** پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible] که بر تو
باد که بدرستی که سرمه [illegible] جلا میدهد چشم را و میرویاند مژه چشم را
و خوشبو میکند دهن و زیاده میکند قوت جماع را **روایت** از امام رضا علیه السلام
که گفت که کسی را که چشم ضعیف شود باید که هفت میل سرمه بکشد
نزد خواب کردن چهار در چشم راست و سه در چشم چپ **روایت** از امام جعفر
صادق علیه السلام که سرمه کشیدن میرویاند مژه را و [illegible] میکند آب دهن
چشم را و خوش میکند آب دهن را و جلا میدهد چشم را **روایت**
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که سرمه کشیدن خوشبو میکند دهن را
روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که سرمه کشیدن در شب خوشبو میکند
دهن را و منفعت آن می ماند تا چهل روز **روایت** که [illegible] سرمه کشیدن امام
جعفر علیه السلام در شب [illegible] و سه میل می کشید در هر چشمی **روایت** از امام [illegible] علیه
که گفت که سرمه کشیدن در وقت خواب [illegible] آب در چشم

سرمه میکشید

از کتاب لباس که گفت امام جعفر علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله

وقتی که میخواست که خواب کند روایت از ابن فضال که گفت که حسن ابن جهم

میل [illegible] از [illegible] که گفت که این میل از ابی الحسن علیه السلام مانده و او سرمه کشیده با

میل و من نیز سرمه کشیدم روایت از [illegible] که گفت ابی الحسن علیه السلام

که بعضی از کسانی که با او بودند که سرمه کشیدند گفت عرض کرد که دوست

میدارم [illegible] حضرت امام علیه السلام فرمود [illegible] از خدا او سرمه کشیدن

دوست میدارم سرمه کشیدن را روایت رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر کسی که سرمه

میکشد باید که عدد سرمه کشیدن او طاق باشد اگر کسی این کار کند نیکو کرده است

و اگر کسی که این کار نکرده [illegible] روایت از امام جعفر صادق

علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که

آنکسی که سرمه میکشید باید که عدد سرمه کشیدن او طاق باشد و کسی که بوی

خوش بکار برد و بخور میکند باید که عدد بخور کردن او طاق باشد و کسی که استنجا میکند

باید که عدد [illegible] استنجا میکند [illegible] و کسی که استخاره میکند خدای تعالی را باید که عدد

استخاره کردن طاق باشد روایت از امام جعفر علیه السلام

که گفت [illegible] که سرمه بکشید [illegible] سرمه کشیدن چشم را [illegible]

دهن را [illegible] که مسواک کردن [illegible]

[illegible]

جلا میدهد

جلا میدهد چشم را گفت امام جعفر صادق علیه السلام که زیرا که هرگاه کسی مسواک

کند بلغم فرو می‌آید از دماغ پس جلا میدهد چشم را و هرگاه که [illegible] بلغم میبرد و دهن

خوشبو میشود دهن روایت که چون سرمه کشید بگو این دعا را میخواند اللهم انی اسئلک

بحق محمد و آل محمد تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل النور فی بصری و البصیرة فی دینی

و الیقین فی قلبی و الاخلاص فی عملی و السلام فی نفسی و فی دینی و السعة

فی رزقی و الشکر لک ابدا ما ابقیتنی روایت منقول است از شیخ سعید ابن جعفر

بن بابویه که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که هرگاه روغن بر سر

روغن بر دست خود بگو اللهم انی اسئلک الزین و الزینة فی الدنیا

و اعوذ بک من الشین و الشنان فی الدنیا و الاخرة روایت از امام جعفر صادق

علیه السلام که گفت که روغن نرم میکند پوست بدن را و قوت میدهد دماغ را

و آسان میکند مجاری آب را و میبرد درویشی و خشکی را و روشن میکند

رنگ را روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که هر که روغن مالد

مسلمانی را بنویسد خدا از برای او بهر مویی که در بدن او هست

نوری در روز قیامت روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت

روغن مالیدن [illegible] روایت از امام جعفر صادق علیه السلام

روغن بنفشه [illegible] روایت از امام جعفر صادق

علیه السلام که روغن بنفشه بهترین روغنهاست و گفت حضرت [illegible]

در وصیتی که حضرت امیر المومنین علی علیه السلام را کرده بود که یا علی بخور روغن
زیتون را و بمال بر بدن خود بدرستی که هر کسی که بخورد روغن زیتون را و بمالد بر بدن
خود نزدیک نمیشود او را شیطان چهل روز [حدیث] امیر المؤمنین علی
ع روغن بنفشه بکار برید بدرستی که او خنک است در تابستان و گرم است
در زمستان [حدیث] از امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
ع فضل روغن بنفشه بر روغنهای دیگر همچو فضل اسلام است بر باقی ادیان
از امام جعفر صادق ع که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده که فضل روغن
بنفشه بر روغنهای دیگر همچو فضل ما است بر باقی خلایق [حدیث] از امام
جعفر صادق علیه السلام که گفت که روغن بمالید یک روز در میان و در
یک هفته بعد وقات [فصل چهارم] در مسواک کردن منقول است از کتاب من لا یحضره
الفقیه که رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت که همیشه جبرئیل وصیت میکرد مرا بمسواک کردن
تا آنکه ترسیدم که دندانهای من سوده شود و باید بریزد و همیشه جبرئیل وصیت
میکرد مرا در رعایت حال همسایه تا آنکه گمان بردم که میراث خواهد داد
و وصیت میکرد مرا برعایت احوال مملوک تا آنکه گمان بردم که تعیین میکند از برای
مملوک مدتی که آزاد شود بعد از آن مدت [حدیث] موسی بن جعفر ع که خوردن
اشنان میکند از دهن ... بخیه مالیدن کهنه و ... میکند ... را
کردن در الخلا بو میکند دهن را [حدیث] از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که

رسول خدا صلی الله علیه و آله [گفت] که مسواک کردن زیادت میکند فصاحت را
که هر که روزه دار باشد مسواک کند در صباح و مسواک نکند در آخر روز که روزه دار را
که خشک باشد لبهای او در آخر روز نوری در میان دو چشم او خواهد بود
روز قیامت [حدیث] حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که خوب مسواکیست
مسواکی که از چوب زیتون باشد زیرا که زیتون درخت مبارک است
و مسواک کردن با زیتون بود و تابع ... و در زیتون مسواک من و مسواک
پیغمبرانیست که پیش از من بوده اند [حدیث] حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که چهار چیز از سنتهای پیغمبران مرسل است ختنه کردن و بوی خوش بکار بردن
و جماع کردن و مسواک کردن [حدیث] امام جعفر صادق علیه السلام که چهار
چیز از سنتهای پیغمبرانست بوی خوش بکار بردن و مسواک کردن
و زنان و خلال [حدیث] از کتاب روضة الواعظین که گفت ابو
الحسن علیه السلام که احتیاج دارد شیعه ما بچهار چیز سجاده که نماز
بر او کنند و انگشتری که در انگشت کنند و مسواکی که مسواک کنند بآن و تسبیحی که از
خاک قبر ابی عبدالله الحسین علیه السلام که در آن تسبیح سی و سه دانه باشد هرگاه
بگرداند آن تسبیح را و ذکر حق سبحانه و تعالی بگوید می نویسد خدای تعالی بعدد دانه
چهل حسنه از برای او و هرگاه تسبیح را از روی سهو بگرداند و ذکر خدای تعالی
نگوید می نویسد حضرت حق تعالی از برای او بعدد هر دانه بیست حسنه

حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در وصیتی که کرد امیر المؤمنین را صلوات الله علیه
که یا علی بر تو باد که مسواک کنی نزد هر وضو و فرمود حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که مسواک کردن جزو وضو است و گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که چون مردم برخیزند آیند در بین گروه گروه قبیله قبیله از بهشت آیند که آن
قبیله را از و میکشند و قت قلب ایشان بیش از همه بود و دهن ایشان
خوشبوتر از همه مردمان دیگر پس شخصی گفت یا رسول الله و قت
بهتر است پس چرا دهن ایشان خوشبوتر است حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
گفت که بجهت آنکه ایشان مسواک میکردند پیش از آنکه اسلام آورده بودند و گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که هر چیز را پاک کننده است و پاک کننده دهن
مسواک است و گفت ابو جعفر علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله
بسیار مسواک میکرد و مسواک کردن واجب نیست پس ضرر نمیکند ترک آن
آن در بعضی از روزها و باکی نیست که مسواک کند روزه دار در ماه رمضان
در هر وقت از روز که خواهد و همچنین باکی نیست مسواک کردن کسی را که
او را امر سنه است از برای حج و مکروه است مسواک کردن در حمام
بجهت آنکه وبای دندانها است و روایت است که حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق
علیهما السلام فرموده اند که دو رکعت نماز با مسواک فاضلتر است از هفتاد
رکعت نماز بی مسواک و گفت امام محمد باقر که واگذارید

در هر سه روز اگر چه یکبار مسواک در دهن بگردانید و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که
که هر که نکند بعد از طاقت مسواک کند بطریق عرض و روایت است از امام جعفر
صادق علیه السلام که حضرت پیغمبر مسواک کردن را ترک کرد پیش از آنکه از دنیا برود
بده سال و این بنابر آن بود که دندانهای مبارک آنحضرت ضعیف شده بود
و روایت است که سید علی بن جعفر از برادر خود موسی بن جعفر علیهما السلام از
حال مردی که مسواک میکرد با انگشت خود و وقتی که بر میخواست بنماز شب و از
نماز بود و بر مسواک کردن گفت موسی بن جعفر علیهما السلام که اگر ترسد
که صبح شود باکی نیست و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که اگر نه مشقت
می افتاد امت من هر آینه امر میکردم ایشان را بمسواک کردن نزد وضو
هر نماز و روایت است که خانه کعبه شکایت کرد بخدای عز و جل از بوی بد
نفس مشرکان بسبب آنکه ... بجانب کعبه و گفت قرار کعبه ...
که بدل کند این قوم را بقومی که پاکی باشند ... پس چون
فرستاد حضرت حق سبحانه و تعالی پیغمبر خود محمد را صلی الله علیه و آله
فرود آمد بر او جبرئیل و آورد مسواک و خلال را و گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که در مسواک کردن دوازده خصلت است سنت پیغمبر است
و پاک میکند دهن را و جلا میدهد چشم را و خوشنود میکند خدای تعالی را
و سفید میکند دندانها را و میبرد بخاری دندانها را و محکم میکند گوشت

بیخ دندانها را و اشتهای طعام می آورد و میبرد بلغم را و زیاده میکند حفظ را
و مضاعف کرد اند حسنات را و خوشحال میکرداند فرشتها را و در روایت
که امام جعفر رضا علیه السلام را خوابیده بود که در بیخ مسواک بود و شسته بود
منقول است از کتاب طب الائمه که امام رضا علیه السلام گفت که مسواک کردن
روشن میکند چشم را و میرویاند موی مژه و میبرد آب زده چشم و در روایت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله امیر المومنین علی را صلوات الله علیه
گفت یا علی بر تو باد که مسواک کنی و اگر استطاعت و قدرت داری که کم نگذاری
پس کم مکن مسواک کردن را از برای پیش هر نمازی که گذاری مسواک فاضلتر است از چهل
روز نمازی که بگذاری بی مسواک منقول است از کتاب لباس که حریز ابی العز عبا
روایت کرده است ابی جمیله که ابی عبدالله علیه السلام گفت که فرود
آمد جبرئیل با خلال و حجامت و مسواک و روایت از ابی عبدالله علیه السلام
از پدر خود که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که گرد آمدند
اصحاب گفتند یا رسول الله چیست راه قرآن آنحضرت فرمود دهنهای شما
اصحاب گفتند چه چیز پاک کنیم آنحضرت فرمود که بمسواک و گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که پاک کنید دهنهای خود را از برای
که دهنهای شما راه تسبیح است منقول است از کتاب تهذیب الاحکام
که ابی عبدالله علیه السلام گفت

که خوردن

پاک

که خوردن اشنان میکند دندان را و خشت پخته مالیدن دندان
کهنه و صفا میکند دهن را و مسواک کردن در آبخانه بدبوی میکند دهن را
و در روایت از امیر المومنین علی علیه السلام که مسواک کردن موجب خشنودی خداوند
عز و جل است و سنت حضرت پیغمبر است صلی الله علیه و آله و خوشبو کننده دهن و در روایت
از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که مسواک در آبخانه بوی دهن می آورد
امام جعفر صادق علیه السلام از پدر خود و پدر او روایت کرده است
که گفت امیر المومنین علی علیه السلام که سه چیز است که بلغم را می برد و حفظ را
زیاده میکند مسواک کردن و روزه داشتن و قرآن خواندن مستحب است
در حمام و آنچه متعلق بست بیان در این باب شش فصلست در کیفیت در آمدن
بحمام منقول است از کتاب من لا یحضره الفقیه روایت کرده است
محمد بن حمران که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که چون در آئی بحمام در
وقتی که میکنی جامه خود را بگو اللهم انزع عنی ربقة النفاق و ثبتنی علی الایمان
و هرگاه در آئی بخانه اول از حمام بگو اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی و استعیذ بک
من اذاه و وقتی که در آئی بخانه دوم بگو اللهم اذهب عنی الرجس النجس و طهر
جسدی و قلبی و بردار آب گرم و بریز بر میان سر خود و اگر میتوانی
خورد از آب گرم جرعه بخور درستی که پاک میکند مثانه را و درنگ کن در خانه
دوم ساعتی و چون در آئی بخانه سیوم بگو نعوذ بالله من النار و نسألک الجنة

باب ششم در آداب حمام

و پرهیز کن از خوردن آب خنک و فقاع
در حمام بدرستی که فاسد میکند معده را و مریز آب خنک بدرستی که آب خنک
ضعیف میکند بدن را و بریز آب خنک بر پاهای خود در وقت بیرون آمدن
از حمام بدرستی که آب خنک ریختن بر پا در وقت بیرون آمدن از حمام
دور میکند درد را از بدن تو و چون بیرون آئی از حمام و بپوشی لباس خود را
بگو اللهم البسني التقوى وجنبني الردى و جز این کارهائی که گفته شده است مستحبی
از هر دردی و باکی نیست قرآن خواندن در حمام مادامی که مئزر [illegible]
و لنگ داشته باشی و در حدیث است که پرسید محمد بن مسلم از امام جعفر صادق علیه السلام
که امیر المومنین صلوات الله علیه منع میکرد از قرآن خواندن در حمام امام جعفر
صادق علیه السلام فرمودند باک نیست منع میکرد از قرآن خواندن در حمام
وقتی که کسی برهنه بوده باشد اما وقتی که برکمی لنگ باشد باکی نیست و گفت علی بن
یقطین با امام موسی کاظم علیه السلام که قرآن میخوانم در حمام و جماع میکنم
آیا قصوری دارد حضرت امام علیه السلام گفت باکی نیست و گفت امیر المومنین
علی علیه السلام که خوب خانه ایست حمام زیرا که یاد می آید در وا آتش دوزخ
و میبرد چرک را و امیر المومنین علی علیه السلام گفت که بد خانه ایست حمام
زیرا که میدرد ستر را و میبرد شرم و حیا را و گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که خوب خانه ایست حمام زیرا که یاد می آورد حرارت دوزخ را و از او زایل میشود چرک

در نه خود را یا خود بحمام نبرد تا نظر در عورت او نکنند و گفت رسول خدا
صلی الله علیه و آله که کسی که ایمان دارد بخدا تعالی و بروز قیامت باید
که زن خود را بحمام نگذارد و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله منع زنان امت کرد
خود را از حمام رفتن و گفت امام موسی کاظم علیه السلام که بحمام مرو بر ناهار
تا آنکه چیزی بخوری و منقول است از کتاب محاسن که ابی عبد الله علیه السلام گفت
بتحقیق که مرو بحمام مگر وقتی که در اندرون تو چیزی باشد که فرو نشاند حرارت
معده را و چیزی خورده باشی و بعد از آن بحمام رفتن قوت میدهد بدن را
و بحمام مرو وقتی که طعام بسیار خورده باشی و منقول است از ابا عبد الله علیه السلام
که گفت که باکی نیست قرآن در حمام خواندن وقتی که از برای خدا و اراده
نکرده باشی که بشنوند آواز او چگونه است و منقول است از ابی الیعفور که گفت
که پرسیدم از ابی عبد الله علیه السلام که آیا اگر برهنه شود کسی نزد [illegible]
و عورت او را ببیند یا آب بر او بریزد و او ببیند عورت مرد را آیا قصوری
دارد فرمود آن حضرت گفت که برهنه مکروه میدانست این را از همه کس و منقول است
امام جعفر صادق علیه السلام که نباید که بر پشت بخوابید شما در حمام بدرستی
که بر پشت خوابیدن میگدازد پیه گرده را و منقول است که بیرون آمد امام
صادق علیه السلام از حمام و جامه پوشید و عمامه بر سر نهاد و گفت که ترک
نکرده ام عمامه بر سر نهادن را نزد بیرون آمدن از حمام در زمستان و تابستان

و گفت موسی بن جعفر علیهما السلام که حمام رفتن یک روز در میان گوشت بدن را زیاد میکند و هر روز رفتن میکداخند و پیه گرده را و گفت عبدالرحمن بن مسلم که بودم در حمام در خانه میانی پس در آمد ابوالحسن موسی بن جعفر لنگی بسته بود بر بالای نوره پس گفت السلام علیکم و من جواب سلام گفتم و رفتم در خانه که در او حوض بود و غسل کردم و بیرون رفتم و روایت است از امام علیه السلام که گفت که اگر بشوئید پای خود را بعد از حمام بیرون رفتن باکی نیست و اگر نشوئید هم باکی نیست و روایت است که بیرون آمد حسن بن علی علیهما السلام از حمام پس گفت مردی طاب استحمامک یعنی خوش باد ترا آب گرم و شستن تو حضرت امام حسن علیه السلام گفت که ای مرد نیم چکار داری باست اینجا پس آن مرد گفت طاب حمامک یعنی خوش باد حمام تو امام حسن گفت وقتی که خوش باد حمام پس چیست راحت بدن آن مرد گفت طاب حمیمک امام حسن گفت وای بر تو نمیدانی که حمیم عرق را گویند آن مرد گفت با امام چه بگویم امام حسن علیه السلام گفت که بگو طاب ما طهر منک یعنی خوش باد بدن تو و روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام که هرگاه بیرون آمده باشی از حمام و بگوید برادر او مؤمن که طاب حمامک یعنی خوش باد حمام تو پس بگوی برادر را که نعم الله بالک یعنی خوش کرداند خدا تعالی حال ترا و روایت است از علی بن ابی طالب صلی الله علیه و آله که در پنج است دوا از جمله حجامت در صفراء و بلغم دوای حجامت بلغم حمام و دوای صفرا رفتن

امام حسن

و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که سه چیز است که فربه می سازد آدمی را و سه چیز است که لاغر میسازد اما آن چیزها که فربه می سازد مداومت حمام است و بوئیدن بوی خوش و پوشیدن جامه نرم و اما آن چیزها که لاغر میسازد مداومت خوردن تخم مرغ و ماهی هر روز بحمام رفتن هر بیستی که اگر کسی هر روز بحمام رود کم میشود گوشت بدن او و روایت است از امام محمد باقر علیه السلام که گفت که آب حمام نیست باکی یعنی نجس نیست در وقتی که او را ماده بوده باشد که کر باشد یا زیاده و مراد حمام ان آبی است که در حوض های خورد است که کمتر از کر باشد و روایت است از محمد بن مسلم که گفتم با ابی عبدالله علیه السلام که چه میگوئی در آب حمام که بجواب رسد گفت که حضرت گفت باکی نیست مراد حضرت امام از آب حمام آبیست که او را ماده بوده باشد و گفت محمد بن مسلم که گفتم با ابی عبدالله علیه السلام که غسل میکنم جنب در حجرت یا غسل بکنم از آن آب حمام آن حضرت گفت که غسل بکن باکی نیست که غسل کند جنب از آب حمام محمد بن مسلم گفت که غسل کردم در آب حمام و بعد از آن نشستم پای خود را بجهت آنکه گل خشک شده بود بر پای من و روایت است از او که گفت که دیدم امام محمد باقر را علیه السلام که بیرون آمد از حمام و رفت جائی که بوده پای خود را بشست و نماز کرد و روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که بشوئید پاهای خود را بعد از آنکه از حمام بیرون آمده در رستی که شستن پا بعد از بیرون آمدن از حمام می برد درد دیگر وقتی که بیرون آمد بعد از حمام عمامه بر سر نهید و روایت است از محمد بن مسکان

که گفت که امام محمد باقر و امام جعفر صادق ع وقتی که بیرون آمدند از حمام
عمامه بر سر می نهادند در زمستان و در تابستان و میگفتند که عمامه بر سر نهادن
در وقت بیرون آمدن از حمام امانست از درد سر و در حدیث که چون کسی در آید
بحمام و حرارت بر وی غلبه کند باید که آب خنک بر خود بریزد تا حرارت او بشکند
منقول از کتاب طب الائمه که گفت امام حسن ع که بگیرید ناخن خود را
روز سه شنبه و حجامت کنید روز چهارشنبه و بحمام روید روز پنجشنبه و بهترین
بوهای خوش بکار برید روز جمعه منقول از کتاب خصال که گفت امام حسین
ع که بگیرید ناخنهای خود را روز سه شنبه و بحمام روید روز چهارشنبه
و حجامت کنید روز پنجشنبه و بهترین بوها بکار برید روز جمعه منقول است
از کتاب لباس که گفت سعدان بن مسلم که آمد نزد ما امیر المؤمنین علی علیه السلام
که ما در حمام بودیم بحضرت سلام کرد پس برخاستیم [illegible] و غسل کردیم و بیرون رفتیم
و در حدیث کرده است از حنان سدیر از پدرش که گفت در آمدم من و پدرم و جدم
و عمم در حمام مدینه در جامه کن حمام بود گفت شما از کدام قومید گفتیم
اهل عراقیم گفت از شهر عراق گفتیم از اهل کوفه ایم گفت السلام ای اهل کوفه
خوش آمدید [illegible] لنگ نمی بندید در حمام چه خیر است که باز میدارد شما را از لنگ
بستن بدرستیکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده که دیدن عورت
مسلمانان بر مسلمانان حرام است پس عمم کرباسی بدرید و چهار پاره کرد

و هر کدامی

و هر کدامی که از ما یک پاره را گرفتیم و لنگ کردیم چون آمدیم بیرون پرسیدیم که این مرد
که بود گفتند که علی بن الحسین علیهما السلام و پسر او امام محمد باقر علیه السلام با او
بود فصل دوم در پوشیدن عورت منقول است که از کتاب من لا یحضره الفقیه
که گفت رسول خدا صلی الله علیه و سلم که هر کسی که ایمان دارد بخدا و بروز
قیامت باید که در نیاید بحمام مگر آنکه لنگ بسته باشد و نهی و منع کرد حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله از در آمدن با آب روان بی لنگ و گفت در آب
که در آب جماعتی ساکن اند و گفت ابی عبد الله علیه السلام از پدران خود
علیهم السلام که گفت امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه که وقتی که برهنه شوید نظر میکند
شیطان بشما و طمع میکند و شما بپوشانید خود را و در روایت از ابی عبد الله علیه السلام که
گفت که نهی کرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله از در آمدن مردان در حمام بی لنگ
و در روایت کرده است امام محمد باقر علیه السلام از پدر خود و پدران او روایت کرده است
که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که محمد بن عبد الملک در آمد بحمام با کسان
خود امیر المؤمنین علی علیه السلام گفت که باکی نیست وقتی که او و کسان او
لنگ بسته باشند و برهنه نباشند همچون خران که بعضی نظر میکنند بعورت بعضی
و در روایت از امام جعفر علیه السلام که گفت که مکروه است نظر کردن بعورت مسلمانان
اما نظر کردن بعورت کسی که مسلمان نباشد مانند نظر کردن بعورت دراز گوش
و در روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که باید کسی نظر نکند بعورت

برادر مومن در حمام و اگر مخالف او بیند در مذهب باکی نیست و در حدیث
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت ران داخل عورت نیست و منقول است
که گفت ابی بصیر که گفتم بابی عبد الله علیه السلام که آیا جایز است که مرد برهنه
غسل کند حضرت امام علیه السلام گفت که وقتی او را هیچکس نبیند باکی نیست
منقول است از کتاب تهذیب الاحکام که گفت حذیفه بن منصور که گفتم بابی عبد الله
علیه السلام که میگویند مردمان که عورت مومن بر مومن حرام است حضرت امام
علیه السلام گفت که نیست که مردم برهنه شده اند و گمان برده اند و لیکن عورت
مومن آنست که چیزی ناخوشی از مومن واقع شود یا سخنی بگوید که عیب کند او را
یا آن سخن را حفظ کند بجهت آنکه مومن را سرزنش کند با آن روزی و در حدیث
از ابی عبد الله سنان که گفت پرسیدم ابی عبد الله را علیه السلام از این حدیث
که عورت مومن بر مومن حرام است پس گفت آنحضرت بلی چنین است گفتم مراد ازو
پس و پیش اوست حضرت امام علیه السلام گفت که چنین نیست که تو گمان بردی
بلکه فاش کردن سر مومن بر مومن حرام است و در حدیث وارد است یزید بن
که گفت ابی عبد الله علیه السلام مراد از این حدیث که عورت مرد بر مومن حرام است
این نیست که برهنه شود مومن و دیده شود عورت او بلکه مراد آنست که
خوار داری مومن را یا عیب کنی او را فصل سیوم در مالیدن خشت پخته و دیگر
وارد و غیر اینها در بدن منقول است از کتاب من لا یحضره الفقیه که گفت امیر المومنین

علی علیه السلام که باید که بر پشت نخوابید در حمام و مرهمی که خوابیدن در حمام
میکند از چه گرده را باید که مالید خشت پخته در پای خود بجهت آنکه چه دوا بود
و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که مالیدن خشت پخته را بر بدن خود که
برص می آورد و مالیدن حوله که کتانی کرده بر روی خود زیرا که میبرد صفا و طراوت
رو را و در حدیث که گل مصر و خشت شام است که برص و جذام می آورد و گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت گفت که از خشت پخته بر بدن مالیدیم که ما
کشته و ضعیف میکرد اندرون طراوت میکند و ما دلگیرید بر بدن مالید
و در حدیث از امام رضا علیه السلام که گفت که باکی نیست که بمالد کسی در حمام خود
تلخان و آرد و سبوس را در بدن خود و باکی نیست که بمالد کسی بر بدن خود
آردی که آمیخته کرده باشند آنرا با روغن زیتون و نیست اسراف در آن چیزی که نفع رسید به
بدن و اسراف آنست که کسی مال خود را تلف کند و ضرر رساند بتن خود و در حدیث
از امام جعفر صادق علیه السلام که باکی نیست که بمالد کسی خلوق را بر بدن خود
در حمام و بر دست خود بجهت شکافی که خلوق آنرا دوا میکند و خلوق
نوعی است از بوی خوش و سنت نیست بکار بردن خلوق دایم و تحسین
نیست که خلوق را بنوعی بمالد که اثر او را کسی ظاهر بیند منقول است
از کتاب لباس که گفت ابو الحسن علیه السلام در شأن مردی که نوره بمالد
خود و غیره زیتون وارد مالیدن بر بدن خود و بعد از آن نوره که باکی نیست این

کارکردن روایت کرده است ابو الفتح از بعضی اصحاب خود که رسیدند
از ابی عبد الله علیه السلام که ما در راه مکه بودیم و اراده احرام کردیم و نبود ما را
چیزی که بعد از نوره بر بدن مالیم پس آرد مالیدیم بر بدن خود پس یاد کردیم این
چیزی که [illegible] است گفتیم ابی عبد الله علیه السلام که آن چیز اسراف
بود گفتم بآن حضرت گفت اسراف نیست در چیزی که اصلاح بدن کند بسیار است
که امر میکنم که آرد بجوشانند و [illegible] و مالیم بر بدن خود اسراف
آنست که مال تلف شود و ضرر به بدن برسد گفتم تنگی در معیشت کدام است
گفت که خوردن نان و نمک و حال آنکه تو قادر باشی بر غیر آن گفتم که میانه روی
در معیشت کدام است گفت که خوردن نان و گوشت با شیر یا روغن زیتون
یعنی هر یک از اینها را با نان بخورد روایت که گفتند نزد ابی الحسن علیه السلام
که مردی نوره مالیده بود و اثر کرده و حنا مالیده بر بدن خود بعد از نوره تا اثر
نوره را ببرد گفت آنحضرت که باکی نیست این کار کردن فصل چهارم
در تراشیدن سر و زهار و زیر بغل منقول است از کتاب مکارم الاخلاق
که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که بتراش موی سر خود را اگر زیاده میشود
و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که سر تراشیدن سر خود را در حج
و عمره عقوبت مر دشمنان شما را و جمال و زینت است مر شما را پس گفت حضرت امام
که بیرون میروند دشمنان شما از دین همچنانکه بیرون میرود تیر از کمان و علامت

ایشان

ایشان آنست که سر تراشند و در [illegible] منقول است از کتاب نوادر الحکمت
که امام جعفر صادق علیه السلام روایت است از پدران خود و ایشان روایت
کرده است که امیر المومنین علی علیه السلام گفت که مکروه است سر طفلان را
باین طریق که بعضی از سر ایشان بتراشید و بعضی را نگاه دارید منقول است
از کتاب تهذیب الاحکام که گفت ابی عبد الله علیه السلام که نزد حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله طفلی آوردند که آنحضرت دعا کند از برای او و موی بر گرد
سر آن طفل گذاشته بودند آنحضرت ابا کرد از دعا کردن برای آن طفل
و فرمود که بتراشید سر آن طفل را و در حدیث است که امر کرد رسول خدا
صلی الله علیه و آله بتراشیدن موی شکم روایت است از امام محمد باقر علیه السلام
که گفت که ختنه کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت امام حسن و امام حسین
را علیهما السلام و در روز هفتم از ولادت ایشان و سر ایشان را تراشید
و در آن روز نقره تصدیق کرد بوزن موی سر ایشان و عقیقه کرد از برای
ایشان گوسفند را و روایت است که چون کسی خواهد که سر خود را بتراشد باید
که ابتدا کند از پیش سر و بگوید بسم الله و بالله و علی ملت رسول الله صلی الله
علیه و آله اللهم اعطنی بکل شعرة نورا یوم القیامة و چون فارغ شود از سر
تراشیدن باید که بگوید اللهم زینی بالتقوی و جنبنی الردی منقول است
از کتاب طب الائمه که امام جعفر صادق علیه السلام گفت که در هر هفته

سر می باید تراشید و در هر پانزده روز نوره می کرد (و منقول است) از کتاب
لباس که گفت امام رضا علیه السلام که سه چیز است که هر کسی که بداند فایده آن از دست
باز نمی دارد گرفتن موی و نکاح زنان و بالا گرفتن دامن جامه (و روایت است)
از امام رضا علیه السلام که گفت که سه چیز است از سنتهای پیغمبران بوی خوش
بکار بردن و گرفتن موی و بسیار جماع کردن (و روایت) کرده است معمر
بن خلاد که گفت کسی که گفتم با امام رضا علیه السلام که مردمان گمان می برند که سر تراشیدن
عیب است حضرت امام علیه السلام گفت سبحان الله بعضی گروه بازگشت
از حج و رسید بملک خود که بیرون مدینه بود و رسید عمه یا انکه سر خود را تراشیدم
(و منقول است) که رسید از امام جعفر صادق را علیه السلام از گذاشتن موی سر
که دراز شود آنحضرت گفت که صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله
می تراشیدند موی سر را و نمیگذاشتند که دراز شود (و منقول است) از امام جعفر صادق
که گرفتن موی بینی نیکو می گرداند رو را (و روایت است) از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که گفت که هر کسی که ایمان دارد بخدا تعالی و بروز قیامت باید که موی
زهار را نگذارد زیاده از چهل روز و حلال نیست زنی را که ایمان داشته باشد
بخدا تعالی و بروز قیامت که بگذارد موی زهار را زیاده از بیست روز
(و منقول است) واقع است از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت کسی که ایمان
دارد بخدا تعالی و بروز قیامت باید که نگذارد موی زهار را زیاده

از هفت

از هفت روز و ترک نکند نوره کردن را بیشتر از یکماه و کسی که ترک کند
بیشتر از یکماه نماز او درست نیست (و گفت) حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که باید که مرد و زن بتراشند موی شکم را (و روایت است) از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت خدای تبارک و تعالی الهام کرد ابراهیم را علیه السلام که پاک نمای حضرت ابراهیم
علیه السلام موی زهار را تراشید (و گفت) که حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام نوره می مالید زیر بغل خود را در حمام و میگفت
که کندن موی بغل ضعیف ولی قوت سازد کفتار او سست و ضعیف
می کند چشم را و گفت آن حضرت که تراشیدن زیر بغل فاضلتر و بهتر است
از کندن او و نوره مالیدن فاضلتر است از تراشیدن (و روایت)
کرده است زراره که امام جعفر صادق علیه السلام گفت که کندن موی زیر
بغل فاضلتر است از تراشیدن او و نوره کردن از هر دو بهتر است و گفت
امیر المومنین علی علیه السلام که کندن موی زیر بغل می برد بوی بد را و پاک
کننده است و از جمله سنتهاست که امر کرده است بان حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله (و گفت) رسول خدا صلی الله علیه و آله که باید که نگذارد احدی از شما
موی زیر بغل که دراز شود بدرستی که شیطان در آنجا پنهان میشود و دیگر
بحث که جنب نوره زیرا که نوره زیادت میکند پاکی را (و روایت است) از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت که میان خود و زیر ابهم علیهما السلام جزاد مثال فاضله

و شریعت امام علیه السلام توحید و اخلاص و طرف کردن شریکان خدای تعالی بود
و مردمان مخلوق شده در شریعت ابراهیم علیه السلام و عهد گرفت خدای
تعالی بر ابراهیم علیه السلام که پرستش نکند غیر خدای تعالی را و شریک نگرداند
بخدای تعالی هیچ چیز را و امر کرد او را بنماز و امر معروف و نهی منکر و حکم کرد
بر او احکام فرض میراث را و زیاده کرد در دین او ختنه کردن و شارب گرفتن
و موی زیر بغل کندن و ناخن گرفتن و تراشیدن زهار را امر فرمود او را به
خانه کعبه و حج و مناسک و اینها همه که مذکور شد شریعت حضرت ابراهیم است
روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت خدای عزوجل مر ابراهیم را
علیه السلام که بالای حضرت ابراهیم علیه السلام شارب خود را گرفت باز
خدای تبارک و تعالی امر کرد بالای حضرت ابراهیم علیه السلام که زیر موی بغل
باز کرد بالای حضرت ابراهیم علیه السلام ناخن گرفت باز امر کرد بالای حضرت
ابراهیم علیه السلام تراشیدن زهار را باز امر کرد بالای حضرت ابراهیم ختنه
کرد
فصل در شستن سر بخطمی و سدر منقولاتست از کتاب من لا یحضره الفقیه
که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که شستن سر بخطمی در هر جمعه امانست
از برص و دیوانگی و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که شستن سر بخطمی میبرد
درویشی را و زیادت میکند روزی را روایت دیگر از امام جعفر
صادق علیه السلام که گفت شستن سر بخطمی تعویذ است گفت امیر المؤمنین

علیه السلام که شستن سر بخطمی میبرد چرک را و روایت که رسول خدا
صلی الله علیه و آله غمناک بود گفت جبرئیل علیه السلام با آنحضرت که بشوید سر خود را
بسدر و این که آنحضرت سر خود را آن شست از سدرة المنتهی بود حضرت
ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام در شستن سر بخطمی یاد میکند رزق را
روایت امام جعفر صادق علیه السلام در بشوید سرهای خود را برگ سدر
در بالای بام که سوره را مردم شسته مقری بالای یاد کرد و هر که خبر مرسلی و کسی
بشوید سر خود را برگ سدر دور میکرداند خدای تعالی از وی وسوسه شیطان را
هفتاد روز و هر کس که دور میشود از وسوسه شیطان هفتاد گناه نمیکند و هر کسی
در گناه نکند به بهشت میرود منقولاتست از کتاب تهذیب الاحکام که گفت
امام جعفر صادق علیه السلام در آن کسی در بگیرد شارب و ناخن خود را و بشوید سر خود را
بخطمی در روز جمعه حکم آن دارد در بنده آزاد کند منقولاتست از کتاب
طب الائمه که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام در وصیتی که کرد اصحاب خود را
در شستن سر بخطمی میبرد چرک را و بطرف میکند شقیقه را روایت جعفری از جابر جعفی
در گفت در شکایت کردم نزد ابی جعفر علیه السلام از چیزی که در سر من بود گفت
که بگوید مردم را بگیر آب او را و بیامیز آن را بر کف خوب آنقدر که میخواهی
و بشوی آن را هر که در حمام خود را بهر دو پی که تر است و بعد از آن نمال را
در حمام ببرده تا آن وقت زاید که حسن جعفی که خلاص شوی از درک

انگاه روایت در نوره مالیدن حدیث از کتاب من لا یحضره الفقیه که گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که اگر کسی میخواهد که نوره بمالد باید که بگیرد اندکی
از نوره و بر سر بینی خود بمالد و بگوید اللهم ارحم سلیمان بن داود علیهما السلام
کما امر بالنوره بدرستی که هر که چنین کند نوره نسوزاند بدن او را انشاء الله
تعالی روایت که اگر کسی که بنشیند در وقتی که نوره مالیده باشد بر بدن خود
خوف فتق است بر او حدیث از کتاب محاسن که گفت حکیم بن عیینه که دیدم
امام جعفر را علیه السلام که حنا بر ناخنهای مالید گفت یا حکیم چه میگوئی در حق
این گفتم چه توانم گفت و حال آنکه تو میکنی این کار را و نزد ما این کار
جوانان میکنند پس گفت ای حکیم هرگاه نوره بناخنها رسید تغیر میدهد
ناخنها را چنانکه میماند بناخن مرده پس باکی نیست تغیر دادن ناخنها بحنا
روایت امیر المؤمنین علی علیه السلام که بپرهیزید از نوره کردن روز چهارشنبه
بدرستی که روز چهارشنبه نحس است و قصور میآورد نوره کردن در ایام
روایت که نوره در روز جمعه برص می آورد روایت از امام رضا
علیه السلام که گفت هر که نوره کند در روز جمعه و برص بهم رساند باید که ملامت
نکند مگر خود را روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که حنا مالیدن بعد از نوره امانست
از جذام و برص حدیث از کتاب روضه که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
هیچ چیز نیست که برص می آورد نوره کردن در روز جمعه و چهارشنبه دو

مالی

بآبی که از آفتاب گرم شده باشد و چیزی خوردن در حالت جنابت و جماع
کردن با زنان در حالت حیض و چیزی خوردن در حالت پری روایت
از امام رضا علیه السلام که گفت که دو کشیدن موی از خود بدرستی که موی کشت
در او مبالغه است و پاکی روایت از کتاب محاسن که کسی که نوره کند
و بعد از نوره حنا بمالد از سر تا قدم خود برطرف میکند از او خدا تعالی
درویشی روایت از کتاب ... که امام جعفر صادق علیه السلام نوره
میکرد در حمام چون بناف رسید میگفت بکسی که نوره می مالید دور
زهار را نوره می مالید روایت که امام جعفر صادق علیه السلام در حمام
در می آمد و نوره می مالید زیر بغل را اگر موی داشت روایت که بعضی
بعضی خدمتکاران امام جعفر صادق علیه السلام تمام بدن آنحضرت را نوره
میمالیدند روایت از حفظ که آمدم نزد امام جعفر صادق علیه السلام بجهت
حاجتی پس یافتم آنحضرت را در حمام که نوره مالیده بود گفتم حاجت خود را
آنحضرت گفت تو نوره بکنی گفتم که دی روز نوره کرده ام گفت نوره
کن که نوره پاک کننده است روایت که گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که امیر المومنین علی علیه السلام وقتی که نوره میمالید زهار خود را نوره
میمالید روایت از لیث المرادی که گفت که پرسیدم از امام جعفر صادق علیه السلام
از نوره کردن جنب گفت باکی نیست روایت از امام رضا علیه السلام

کتابخانه مجلس شورای ملی

و چهار چیز از اخلاق پیغمبرانست بوی خوش بکار بردن و موی را بنوره ستردن و تراشیدن کردن و بسیار جماع کردن روایت در گرفتن ناخن و شارب و کوتاه کردن محاسن و سر شانه کردن و فرو گذاشتن موی و نظر در آینه کردن و بخور کردن و در این باب چهار فصل است فصل اول در ناخن گرفتن روایت

از کتاب لباس روایت کرده است سلیمان بن خالد که گفتم بابی عبدالله علیه السلام که آیا در روز جمعه ناخن خود را بگیرم گفت بگیر اگر در آن نمانده

روایت از موسی بن بکیر که گفتم بابوالحسن علیه السلام که اصحاب ما میگویند و چه باید گرفتن شارب و ناخن را در روز جمعه ابوالحسن علیه السلام گفت سبحان الله بگیر اگر میخواهی در روز جمعه و اگر میخواهی در باقی روزها

از امام جعفر صادق علیه السلام که گرفتن شارب و شستن سر بخطمی میبرد درد و فقر را و زیاده میکند روزی را روایت کرده است ابی عبدالله از پدران خود علیهم السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت که هر کسی که بگیرد ناخنهای خود را در روز جمعه بیرون گرداند خدای تبارک و تعالی از سر انگشتان او درد را و داخل گرداند شفا را روایت از ابی عبدالله علیه السلام که گرفتن ناخن از جمعه تا جمعه امانست از جذام روایت کرده است ابی عبدالله علیه السلام از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر کسی که بگیرد ناخنهای خود را در روز جمعه نمی‌ریزد انگشتهای او روایت از ابی عبدالله علیه السلام

که گفت

که گفت بگیر ناخنها و شارب خود را در هر روز جمعه و هر گاه ناخن کوتاه باشد بخراش آنها را به برسیدن و نرسد ترا جذام و برص و خوره روایت از کتاب محاسن که گفت حسن بن العلا که گفتم بابی عبدالله علیه السلام که ثواب آنکسی که بگیرد شارب و ناخنهای خود را در هر روز جمعه گفت حضرت امام و حفظه پاک باشد تا جمعه دیگر روایت کرده است ابی کهمس از مردی که گفتم عبدالله بن الحسن را که بیاموز مرا چیزی در طلب روزی عبدالله بن الحسن گفت که بگو اللهم تول امری و لا تول غیرک اشرد گفت که اعلام کن این را بابی عبدالله علیه السلام حضرت امام علیه السلام گفت که آیا رضا کنم ترا بچیزی در طلب روزی چیزی که فایده او زیاده از این باشد گفتم بلی گفت بگیر شارب و ناخنهای خود را در هر روز جمعه روایت از خلفی که گفت که دید مرا ابوالحسن علیه السلام و من درد چشم داشتم حضرت امام گفت آیا دلالت کنم ترا بر چیزی که هرگاه بکنی آن را چشم تو درد نکند گفتم بلی گفت بگیر ناخنهای خود را در هر پنجشنبه گفت چنین کردم چشم من دیگر درد نکرد روایت از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر کسی که بگیرد ناخن و شارب خود را روز پنجشنبه عافیت یابد از درد دندان و درد چشم روایت از ابی جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمود که هر که بگیرد ناخن و شارب خود را در روز جمعه و بگوید در حال گرفتن که بسم الله و بالله و علی سنة محمد و آل محمد

پنجشنبه

ناخن و موی مگر آنکه بنویسد خدا بجای آن از برای او بعدد هر یک ثواب آزادی بنده
و بیمار نشود مگر بیماری که در آن بمیرد روایتست از ابی عبدالله علیه السلام
که گفت بمردان که بگیرید ناخنهای خود را و گفت بزنان که بگذارید ناخنهای
خود را بدرستی که ناخن زینت شما است روایتست از کتاب طب الائمه
از ابی عبدالله که گفت که کسی که بگیرد ناخنهای خود را در هر روز چهارشنبه
و ابتدا کند بانگشت خرد راست و ختم کند بانگشت خرد دست چپ
ایمن شود از درد چشم روایتست از امام محمد باقر علیه السلام که کسی که بگیرد
ناخنهای خود را در روز جمعه باید که ابتدا کند بانگشت خرد دست چپ
و ختم کند بانگشت خرد دست راست و گفت امام جعفر صادق ع
که کسی که بگیرد ناخنهای خود را روز پنجشنبه و یک ناخن را بگذارد که
روز جمعه بگیرد دور گرداند خدا تعالی از او درد پریشانی را منقولست از کتاب
فردوس الاخبار که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر کسی که خواهد
امان یابد از درویشی و درد چشم و برص و دیوانگی باید که بگیرد ناخنهای خود را
در روز پنجشنبه بعد از عصر و ابتدا کند بانگشت خرد دست چپ منقولست
از کتاب محاسن که امام جعفر صادق علیه السلام گفت که وحی باز ماند
بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله چند وقتی کسی گفت بآنحضرت که وحی
بر طرف شد از تو یا رسول الله آنحضرت گفت چگونه بر طرف نشود وحی از من

و حال

و حال آنکه شما ناخن نمیگیرید و بوی بد را از خود بر طرف نمیکنید گفت
امام رضا علیه السلام گرفتن ناخن بجهت آنست که ناخنها خوابگاه شیطانست
و دراز ناخن فراموشی می آورد گفت رسول الله صلی الله علیه و آله
بمردان که بگیرید ناخنهای خود را و بزنان گفت که بگذارید ناخنهای خود را
که ناخن زینت دهنده است شما را گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که چون کسی موی و ناخن خود را بگیرد باید که دفن کند و این سنت است و در
کتاب محاسن و فقیه است که این سنتی است واجب یعنی سنت موکده است
روایتست که از جمله سنتها است دفن کردن موی و ناخن و خون
پرسیدند ابی الحسن سیوم را علیه السلام از حال مردی که میگیرد موی و ناخنهای
خود را و بر میخیزد بنماز بی آنکه بشوید موی و ناخنها را از جای خود حضرت امام
علیه السلام گفت باکی نیست روایتست از ابی عبدالله علیه السلام
که کسی که بگیرد ناخنها و شارب خود را در روز جمعه و بگوید که بسم الله و علی سنة
محمد و آل محمد بدهد او را خدا تعالی بعدد هر ناخن که بگیرد ثواب آزاد کردن بنده
از فرزندان اسمعیل علیه السلام روایتست که علی بن الحسین علیهما السلام جمیع
... سر خود را بدرستی میفرمود که دفن کنند موی را

فصل دوم در بیان گرفتن شارب و کوتاه ساختن محاسن و نظر کردن در آینه
سفید و غیر آن روایتست گرفتن شارب منقول است از کتاب من لا یحضره الفقیه

که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که گرفتن شارب از جمعه تا جمعه امانست از جذام
گفت پیغمبر صلی الله علیه و آله که باید که نگذارید که شارب دراز شود بدرستی
که شیطان در آنجا پنهان میشود و گفت پیغمبر صلی الله علیه و آله که بگیرید
شارب خود را و بگذارید محاسن خود را و موافقت نکنید بیهود گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که مجوس میبرند محاسن خود را و میگذارند شارب
خود را و ما میگیریم شارب را و میگذاریم محاسن را و همچنین می باید و وقتی که بگیرد
کسی شارب خود را باید که بگوید بسم الله و بالله و علی ملت رسول الله صلی الله علیه
و آله منقولست از کتاب محاسن که گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که گرفتن شارب از سنت است روایتست از سکونی که رسول خدا
صلی الله علیه و آله گفت که از جمله سنتهاست که بگیرد کسی شارب را تا آنکه
برابر کنار لب شود روایتست که عبدالله بن عثمان دیده است ابی عبدالله را
که گرفته بود شارب خود را تا انجام شارب ببرد و میگفت [illegible] گرفتن محاسن
و کوتاه ساختن او روایتست که نظر کرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بمردی
و محاسن دراز [illegible] گفت که چه ضرر است این را که اصلاح کند محاسن خود را این خبر
رسید بآن مرد و او اصلاح کرد محاسن خود را بطریقی که میانه دراز بود و کوتاه
پس آمد بنزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آنحضرت چون دید او را با صحابه گفت
که همچنین کنید روایتست از محمد بن مسلم که گفت که دیدم امام محمد باقر علیه السلام را

که اصلاح میکرد محاسن خود را و گفت بگیر اصلاح میکرد محاسن آنحضرت را
گرد بساز محاسن مرا گفت امام جعفر صادق علیه السلام
بشخصی که بگیر محاسن خود را و ببر آنچه زیاده است از یک قبضه منقولست از کتاب
محاسن که گفت علی بن جعفر پرسیدم برادر خود را از حال مردی که اصلاح میکند
محاسن خود را آنحضرت گفت که اگر بگیرد از عارض خود باکی نیست اما باید که از
پیش محاسن نگیرد منقولست از سدیر الصیرفی که گفت که دیدم ابی جعفر را علیه السلام
که مسبک میساخت محاسن خود را روایتست از ابی عبدالله علیه السلام که گفت
که آنچه زیاده باشد از محاسن او از یک قبضه جایگاه در دوزخ است منقولست
از حسن زیات که گفت که دیدم ابی جعفر را علیه السلام که مسبک میساخت
محاسن خود را روایتست از ابی عبدالله علیه السلام که از سعادت
مرد سبک بودن محاسن اوست و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که ظاهر میشود
عقل مرد در سه چیز در درازی محاسن او و نقش انگشترش و کنیت او
روایتست از ابی ایوب از محمد که گفت که دیدم که سرتراش اصلاح میکرد
محاسن ابی جعفر را علیه السلام پس گفت ابی جعفر علیه السلام گرد بساز محاسن را
در بیان سفیدی موی منقولست از کتاب لباس که گفت پیغمبر
علیه السلام که سفیدی موی پیش سر مبارک و جای خجستگی است و سفیدی در دو
عارض [illegible] سخاوت است و در گیسوها علامت شجاعت است و در پس سر [illegible]

مردی نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و آنحضرت دید سفیدی در محاسن آن مرد بود
گفت که سفیدی محاسن نور است و آنکه یک موی او سفید شود در اسلام نور است برای
او را در روز قیامت گفت امام محمد باقر علیه السلام که حضرت ابراهیم
علیه السلام دید صباحی در محاسن خود یک موی سفید پس گفت الحمد لله الذی بلغنی
هذا المبلغ و لم اعص الله طرفة عین یعنی سپاس و ستایش مر خدای را که رسانید مرا
باین سن و عاصی نشدم خدای تعالی را مقدار یک چشم زدن روایت است از امام
جعفر صادق علیه السلام که موی مردمان سفید نگشته بود پس دید حضرت ابراهیم
علیه السلام موی سفید را در محاسن خود گفت بار خدایا چه چیز است این حضرت
حق سبحانه و تعالی گفت این وقار است حضرت ابراهیم علیه السلام
گفت زیاده گردان وقار مرا روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که موی سفید نور است بر مکنید آنرا منقولست از کتاب
محاسن که گفت ابی عبد الله علیه السلام که باکی نیست بر چیدن موی سفید را که
آمیخته است بموی سیاه و بر کندن آن اما بر چیدن او دوستر است نزد من از کندن
روایت است از ابی عبد الله علیه السلام که امیر المؤمنین علی علیه السلام مکروه
نمی داشت در چیدن موی سفید را و مکروه میداشت کندن موی سفید را روایت
فرو گذاشتن موی روایت است از ابی عبد الله که حضرت پیغمبر علیه السلام منع
کرد دو بار شانه کردن و یک روایت است از ابی عبد الله که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله

و سلم فرو میگذاشت موی خود را و بیشتر در وقت گذاشتن موی در آب نظر میکرد
و موی را بر هم میساخت بآب روایت نظر کردن در آینه منقول است از کتاب مکارم
که هر کسی که خواهد که در آینه نظر کند باید که بگیرد آینه را بدست چپ و بسم الله بگوید
و دست راست خود را بر میان سر خود بنهد و فرود آرد بر روی خود و بگیرد محاسن خود را
و نظر کند در آینه و بگوید الحمد لله الذی خلقنی بشرا سویا و زاننی و لم یشنی و فضلنی
علی کثیر من خلقه و من علی بالاسلام و رزقنی الخ و بعد از آن که بنهد آینه را از دست
خود باید که بگوید اللهم لا تغیر ما بنا من نعمتک و احسانک لا نعمک من ان کرین
گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در وصیتی که کرد امیر المؤمنین علی را
که یا علی چون نظر کنی در آینه بگو اللهم کما حسنت خلقی فحسن خلقی و رزقنی روایت است
که امام جعفر صادق علیه السلام در وقت نظر کردن در آینه دعا میخواند
الحمد لله الذی خلقنی فاحسن خلقی و صورنی فاحسن صورتی الحمد لله
الذی زان منی ما شان من غیری و اکرمنی بالاسلام روایت و در شانه کردن
سر و محاسن و منقول است از کتاب من لا یحضره الفقیه که پرسید شخصی امام
رضا را علیه السلام از تفسیر خدای عز و جل که خذوا زینتکم عند کل مسجد
آنحضرت فرمود که از جمله زینت نزد هر مسجد شانه کردن است در هر مسجد رود
از برای نماز و معنی آیه اینست که ای بنی آدم فرا گیرید و بپوشید نیکوترین و پاکیزه ترین
لباسهای خود را و شانه کنید محاسن خود را از برای نماز و گفت امام جعفر صادق

علیه السلام در تفسیر خدای عزوجل که خذوا زینتکم عند کل مسجد که زینت شانه کردنست
بدرستی که شانه کردن زیاده میکند روزی را و نیکو میکرداند موی را و بر می آورد
حاجت را و زیادت میکند قوت پشت را و میبرد بلغم را و نیز گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که شانه کردن سر میبرد وبا را و شانه کردن محاسن محکم میکند دندانها را
گفت ابو الحسن موسی بن جعفر علیهما السلام چون شانه کنی محاسن
و سر را بگذران شانه را بر سینه خود بدرستی که می برد غم و وبا را گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که آنکسی که شانه کند محاسن خود را ایستاده و [illegible]
و بیشتر [illegible] و او را شیطان چهل روز [illegible] روایت از کتاب روضة الواعظین
که رسول خدا صلی الله علیه و آله شانه میکرد محاسن خود را چهل بار زیر بالای
محاسن را هفت بار و میگفت که این کار کردن زیاده میکند ذهن را و میبرد بلغم را
روایت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که آنکسی که بگذارد شانه را
بر سر و محاسن و سینه خود هفت بار نزدیک نشود او را درد هرگز گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که آنکسی ایستاده شانه کند قرض بسیار شود او را
روایت از امام موسی کاظم علیه السلام که گفت که شانه کنید بشانه عاج
بدرستی که میبرد وبا را و عاج استخوان فیل است گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که شانه کردن میبرد تب را و گفت [illegible] شب که شانه نهاد بر سر [illegible]
و [illegible] از عاج [illegible] روایت از امام جعفر صادق علیه السلام حضرت پیغمبر

صلی الله

صلی الله علیه و آله گفت که موی نیکو از خوشیهاست که خدا تعالی داده است
پس گرامی دارید او را روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت گرامی
که موی سر خود بگذارد و نیکو دارد و اگر نه بتراشد روایت از امام جعفر صادق
علیه السلام که هر که موی سر بگذارد و دوبخش نکند از او دوبخش کند خدا تعالی
موی او را باره از آتش روایت که موی سر رسول خدا صلی الله علیه و آله
تا نرمه گوش بود و نمیرسید که دوبخش توان کرد روایت از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت دور کنید مو را از بدن خود بدرستی که مو محل نجاست و موی را
مبالغه است در پاکیزگی منقولست از کتاب ابا بصیر که ایوب بن هارون گفت
که پرسیدم از ابا عبد الله علیه السلام که آیا حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
دوبخش میکرد موی سر خود را گفت نی بدرستی که موی سر رسول خدا صلی الله علیه و آله
وقتی که دراز میشد تا نرمه گوش میرسید روایت از عمر بن ثابت که امام جعفر
صادق علیه السلام گفت که مردمان گمان میبرند که دوبخش کردن موی سر سنت
نیست چنین که مردمان گمان میبرند که پیغمبر صلی الله علیه و آله موی
سر خود را دوبخش میکرد حضرت امام گفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله موی سر خود را دوبخش نکرد و پیغمبران دیگر موی سر خود را دوبخش نکردند
روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که شانه مکن در حمام بسبب
آنکه ضعیف میگرداند مو را روایت از یزید بن مسلم که گفت ابو عبد الله

و شانه کردن میبرد درویشی را و ورا روایت از یزید بن مسلم که گفت
رسول خدا صلی الله علیه و آله شانه کردن میبرد وبا را و روغن مالیدن میبرد
سختی را روایت از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که [illegible] شانه را
بر سینه میبرد غم را روایت از عبد الله بن سلیمان که گفت که پرسیدم
ابی عبد الله را علیه السلام از استعمال عاج آنحضرت گفت که باکی نیست و مرا
شانه ایست از عاج روایت از قاسم بن ولید که گفت که پرسیدم
ابی عبد الله را علیه السلام از شانه و روغن که از عاج باشد آنحضرت گفت
که باکی نیست روایت که ابی عبد الله علیه السلام مکروه میداشت که
روغن بمالند از روغن دانی نقره یا نقره کوفت و شانه نیز همچنین است روایت
از محمد بن عیسی که گفت که پرسیدم ابی جعفر را علیه السلام از ظرف طلا و نقره
گفت آنحضرت مکروه میداشت از آنچه گفتم که روایت کرده اند بعضی
اصحاب ما که بود ابو الحسن را علیه السلام آینه نقره پوشی آنحضرت گفت
نه والله [illegible] بود آینه را حلقه نقره و گفت که چون عباس را ختنه میکردند
ساختند از برای چوب نقره پوشی مقدار ده درم پس عباس امر کرد که بشکستند
آن را شکستند آن را روایت از ابی جعفر علیه السلام که گفت که باکی نیست که
بیاشامد کسی از قدح نقره کوفت و مقدار دور دارد دهن خود را از موضع
نقره منقولست از کتاب نجات که گفت امام جعفر صادق علیه السلام

که وقتی

که وقتی که خواهید که شانه کنید باید که بگیرید بدست راست خود و نشسته
باشید و بنهید شانه را در میان سینه خود و شانه کنید پیش سر را و بگوئید
اللهم لا تردنی علی عقبی و اصرف عنی کید الشیطان و لا تمکنه من قیادی فیردنی
علی عقبی پس شانه کنند موی محاسن را از بالا و بگذرانید شانه را بر سینه
و بگوئید در هر دو حال اللهم سرح عنی الغموم و الهموم و وحشة الصدور و وسوسة الشیطان
پس مشغول شوید بشانه کردن مو و ابتدا کنید از [illegible] [illegible] اند
از یحیی بن حماد بن سلیمان بن یحیی که گفت که جامه پوشید حضرت امام رضا
علیه السلام روزی که سوار شود و در خانه مامون رود و من بودم در میان خدمتکاران
آنحضرت پس شانه طلبید و شانه میکرد و گفت [illegible] خبر داد مرا پدرم از پدران
خود صلوات الله علیهم اجمعین که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که هر که بگذراند شانه را بر سر و محاسن و سینه خود هفت بار نزدیک نشود او را
هیچ دردی از کتاب طب الائمه که گفت ابو الحسن العسکری علیه السلام
شانه کردن بعاج میبرد وبا و موی سر را و دور میکند کرم از دماغ و دور میکند
صفرا را و پاک میکند گوشت بن دندانها را و گوشتهای میان دندانها را
روایت از ابی الحسن موسی علیه السلام که گفت شانه
مکن ایستاده که ضعف دل می آورد و شانه کن نشسته
بدرستی که نشسته شانه کردن قوت میدهد دل را و فربه میکند

بادوست بدن را روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که بسیار کردن
سر و بلغم را و ابرو شانه کردن امانست از جذام و شانه کردن لحیه محکم میکند دندانها را
فصل که رسیده‌اند از امام جعفر صادق علیه السلام از سر تراشیدن گفت
نیکوست روایت از ابن عباس که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت که شانه کردن
سر و محاسن میکشد درد را از بدن روایت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
گفت که شانه کردن محاسن دفع [illegible] و درویشی را و روایت
از امیر المؤمنین علی علیه السلام که دفع شانه کنی محاسن خود را افشانه کنی
از شیب به بالا جل بار و سوره انا انزلناه فی لیلة القدر بخوان و از بالا به شیب
هفت بار بخوان سوره و العادیات پس بگو اللهم سرح عنی الهموم والغموم
و وحشة الصدور و وسوسة الشیطان روایت در حجامت کردن
منقول است از کتاب طب الائمه که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بسیاری
خون را علامت هست خارش بدن و خارش بدن و حرکتی که در بدن ظاهر شود
بدنها مانده و خسته شود تن میبرد و در حدیث دیگر واقع است که بسیاری خواب
علامت بسیاری خونست روایت که چون یکی از اهل منزل امام جعفر صادق
علیه السلام بیمار شدی آنحضرت میگفت باهل منزل خود که نظر کنند در روی بیمار
پس اگر میگفتند که روی زرد است میگفت که از صفرا است و مسهلی بدهید
باو و اگر میگفتند که روی او سرخ است میگفت که از خون است و مسهل بدهید

حجامت کند

در حجامت

حجامت کند روایت کرده اند ائمه علیهم السلام که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام
که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده که حجامت کنید بروز سه شنبه که بسیار شد
که خون غالب شود و آنکس را بکشد روایت کرده است [illegible] که حضرت امام رضا
علیه السلام بسیار بود که خون غلبه میکرد و حجامت میکرد در میان شب روایت
از جعفر صادق بن محمد علیهما السلام که گفت که اگر خواهد که حجامت کند روزه
دار در غیر ماه رمضان هر گاه خواهد حجامت کند یا در ماه رمضان [illegible]
کردن نکند مگر آنکه خون غالب شود فانا که اهل بیتیم حجامت
کردن ما در شب باید و حجامت کردن ما در روز [illegible]
و موالیان ما در روز دوشنبه [illegible] روایت از ابی عبد الله علیه السلام که
که امام فرموده در حالت پیری و حجامت نکنید تا آنکه چیزی نخورید [illegible] که حجامت
چیزی خوردن میکشد خون را [illegible] از برای [illegible] آمدن خون [illegible]
قوت میدهد بدن را روایت از امام موسی کاظم علیه السلام که گفت که حجامت
بعد از چیز خوردن می باید کرد بجهت آنکه چون کسی سیر شود و بعد از آن حجامت
کند خون [illegible] جمع میشود و [illegible] حجامت پیش از چیز خوردن
[illegible] روایت از زید شحام که گفت که بودم
نزد ابی عبد الله علیه السلام پس طلبید حجام را و گفت باو که [illegible]
[illegible] حجامت [illegible] مشغول شود حجامت کردن و آب طلبید و خورد و گفت

که انار خوردن بعد از حجامت کردن تسکین میدهد صفرا را روایت از ابی عبد الله علیه السلام
گفت مردی از اصحاب خود که چون خواهی که حجامت کنی بیرون آید خون از
که حجامت میکنی بگو پیش از آنکه فارغ شوی از حالتی که خون میریزد که بسم الله اعوذ
بالله الکریم فی حجامتی هذه من العین فی الدم ومن کل سوء پس گفت چون نگویی این
دعا را خیر بسیار جمع شود خیر بسیار جمع می باید کرد زیرا که خدا تعالی در کتاب خود میگوید
ولو کنت اعلم الغیب لاستکثرت من الخیر وما مسنی السوء یعنی اگر من غیب میدانستم
خیر بسیار جمع میکردم از مال و منفعت و فتح و قسمت و بدی بمن نمی رسید از فقر
و مرض و رنج و غیر آن و در روایت از ابی بصیر که گفت ابو جعفر علیه السلام که چه خرما
خورید شما بعد از حجامت گفتم کاسنی و ترکه گفت [illegible] روایت از ابی عبد الله
علیه السلام حجامت کرد و گفت کنیز خود را که ای کنیز بیار از برای من شکر
و گفت که شکر بعد از حجامت باز میگرداند خون تازه را و زیادت میکند قوت را
و در حدیث از امام موسی کاظم علیه السلام که گفت رسول خدا تعالی صلی الله علیه
و سلم که هر کس از شما حجامت کند باید که روز سه شنبه حجامت کند و نیز گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که حجامت کردن در روز یکشنبه شفا است از هر دردی
و نیز گفت که امام جعفر صادق علیه السلام گذشت بقومی که حجامت میکردند
پس گفت که چه بود شما را که تعجیل کردید در حجامت کردن کاش که تاخیر میکردید
تا آخر روز یکشنبه بدرستی که حجامت کردن در این وقت فرود می آورد درد از بدن

و در حدیث

روایت از امام علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله حجامت
می کرد در روز دوشنبه بعد از عصر روایت از ابی سعید خدری
که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر کسی که حجامت کند در روز سه شنبه
هفدهم ماه یا نوزدهم یا بیست و یکم شفا یابد از هر دردی تمام یک سال
روایت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که حجامت روز پنجشنبه دهم ماه
هفدهم و بیست و یکم تا غالب نشود در شما خون و نکشد شما را روایت
که منع کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله از حجامت کردن در روز چهارشنبه
وقتی که آفتاب در برج عقرب باشد روایت کرده است زید بن علی از پدران
خود و ایشان روایت کرده اند از امیر المومنین علی علیه السلام که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هر کسی که حجامت کند روز چهارشنبه
و برص پیدا کند باید که ملامت نکند مگر خود را روایت کرده است امام جعفر
صادق علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که جبرئیل علیه السلام فرود آمد بر من و گفت که حجامت کن و گفت که روز چهارشنبه روز
نحس است روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر کسی که حجامت کند در آخر روز [illegible]
درد از بدن او بیرون رود روایت از مفضل بن عمر که گفت که رفتم نزد امام
جعفر صادق علیه السلام و او حجامت می کرد در روز جمعه گفتم که آیا صواب است

آیة الکرسی را و منع کرد از حجامت کردن بعد از زوال در روز جمعه
از ابی الحسن علیه السلام که گفت که ترک مکن حجامت کردن را در روز هفتم
از هر ماه و این تمام ماهی است از ماههای رومی پس اگر میسر نشود او را
هفتم باید که حجامت کند در روز چهاردهم روایت از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که بخوان آیة الکرسی را در هر وقت خواهی حجامت کنی روایت
از شعیب عقرقوفی که گفت که رفتیم نزد ابی الحسن علیه السلام و او حجامت میکرد
در روز چهارشنبه پس گفتیم روز چهارشنبه روایت که مردمان میگویند که هر که
درین روز حجامت کند برص پیدا میکند حضرت امام علیه السلام گفت این حال
کسی است که انعقاد شده باشد نطفه او در حالت حیض روایت
از امام جعفر صادق علیه السلام که هر گاه خون غالب شود شما را باید که حجامت
کنید زیرا که چون خون غالب شود میکشد آدمی را و هر گاه شما خواهید
شما که حجامت کنید اول روز حجامت کنید منقول است از کتب فردوس
که گفت انس که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که حجامت کردن ناهار
بهتر است و در پیری در دانش و در هفتم و دهم ماه شفاست در روز سه شنبه
صحه بدن است روایت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که وصیت کرد
مرا جبرئیل علیه السلام تا آنکه گمان بردم که واجب است از حجامت کردن جبرئیل
علیه السلام که حجامت در روز سه شنبه هفدهم ماه دوای است درد یکسال را

و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که حجامت کردن در روز یکشنبه
شفاست از هفت چیز از دیوانگی و جذام و برص و خواب و درد دندان و تاریکی
چشم و درد سر روایت از انس که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که حجامت
می افزاید عقل و حفظ را روایت از انس که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که حجامت کردن در نقره فراموشی می آورد و نقره مغاک پس سر است
روایت از انس که گفت که حجامت کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله
در میان هر دو کتف و پس سر او نام کرد یکی از این حجامتها را نافعه یعنی فایده
دهنده و دیگر را مغیثه یعنی به فریاد رسنده و سیوم را منقذه یعنی از
مرض رهاننده روایت دیگر واقع شده است که حجامت سر منقذه و حجامت مغاک پس سر
مغیثه است و حجامت میان دو شانه نافعه است روایت از امام جعفر صادق
علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله اشارت کرد به دست خود به پس خود
و گفت جبرئیل که یاد کرد که حجامت مغیثه کنید [illegible] که نفع میدهد [illegible]
و برص و [illegible] روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
چهار طفل بیمار [illegible] که حجامت کنید او را هر ماه مغاک پس سر او [illegible]
که کم میشود لعاب دهن او و فرود می آید حرارت از سر و بدن او و گفت
صلی الله علیه و آله که در دهن است دوا [illegible]
حجامت است و دوای صفرا [illegible] رفتن [illegible] حمام روایت از [illegible]

بن حکم که ابی جعفر علیه السلام طبیبی را و فصد کرد رگی را از کف دست خود روایت
از محسن الوشاء که گفت که شکایت کردم نزد ابی عبد الله علیه السلام از درد جگر
ابی عبد الله علیه السلام طلب فصاد کرد او فرمود فصاد رگ فصد کرد از قدم
و گفت ابی عبد الله علیه السلام که بیاشامند کاشم را الجنة در دو شبگاه و کامم
که جهت روایت که شکایت کرد مردی نزد امام جعفر صادق علیه السلام از خارش بدن
آنحضرت گفت که سه بار حجامت کن دو بار میان دو ساق و گفت آن مرد چنین کرد
و رفت از او آن خارش بدن روایت که شکایت کرد مردی نزد امام
علیه السلام از خارش بدن آنحضرت گفت که حجامت کن پشته پای خود را
نوبت که خلاص میشوی انشاء الله تعالی و گفت امام جعفر صادق علیه السلام
شکایت کرد بعضی مردمان ابو الحسن علیه السلام از بسیاری جرب پس
ابو الحسن علیه السلام گفت که بدرستی که جرب در کار حکم است برو فصد کن
از پای راست خود و بگیر دو درهم از روغن بادام شیرین و در آب کن و بخور
و بپرهیز از ماهی و سرکه پس آن مرد چنین کرد و خلاص شد باذن خداوند تعالی
روایت از مفضل بن عمر که گفت شکایت کردم نزد ابی عبد الله علیه السلام
از جرب و از حرارت آنحضرت گفت که تو باید که فصد کنی از رگ میانی دست پس
چنین کردم و رفت از من آن تشویش و الحمد لله شکرا روایت که مردی شکایت
کرد نزد ابی الحسن علیه السلام از خارش بدن آنحضرت گفت آیا هرگز که استعمال کردی

دوا را گفت

دوا را گفت بلی آنحضرت گفت فصد کردی آن مرد گفت بلی فصد کردم و فایده نیافتم
آنحضرت گفت آن مرد را که حجامت کن سه نوبت با پیهای خود را در میان دو ساق
و گفت پس چنین کرد و رفت از او آن تشویش باب نهم در آداب رنگ کردن
و خضاب کردن و انگشتری و آنچه متعلق است باین و در این باب پنج فصلست
فصل اول در ترغیب رنگ کردن و فضل آن منقول است از کتاب من لا یحضره
الفقیه که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که رنگ کنید محاسن خود را
بدرستی که جلا میدهد چشم را و میرویاند موی را و خوش میکند بوی را و آرام میدهد
دل را و خوشبو میشوند زنان گفت امام جعفر صادق علیه السلام که خضاب دلوی
را که از آتش می آید در وقت غرق کردن و طراوت میدهد رو را و خوشبو میکند
دهن را و نیکو میسازد و فرزند را گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که رنگ
کردن زینت و روش پیغمبرانست صلی الله علیهم و از جمله سنتهاست و گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که باکی نیست رنگ کردن محاسن را برنگ که
روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که مردی آمد نزد رسول خدا
صلی الله علیه و آله و زرد کرده بود محاسن خود را آنحضرت گفت چه نیکوست
این رنگ بعد از آن همان شخص آمد نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و رنگ کرده
بود محاسن خود را بحنا آنحضرت تبسم فرمود و گفت که این رنگ نیکوتر است
از آن رنگ بعد از آن همان شخص آمد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و

خود را سیاه کرده بود آنحضرت خندید و گفت این رنگ از آن رنگ بهتر است
گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله بامیر المؤمنین علی علیه السلام که یا علی
یکدرهم که صرف شود در رنگ کردن محاسن فاضلتر است از هزار درهم
که در غیر رنگ خرج شود و در رنگ کردن چهارده فائده است
می برد باد را از گوشها و جلا میدهد چشم را و ملایم میسازد دماغ را و خوشبو میکند دهن را
و محکم میکند بن دندانها را و میبرد مرض را و کم میکند وسوسه شیطان را و خوشحال
میشوند فرشتها بآن و شاد میشوند مومنان و غمناک میشوند کافران
و در رنگ خوشبوئی و زینت است و شرم میکند از او منکر و نکیر و عذاب
نمیکند او را در قبر و در حدیث از شیبانی که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که دوسترین رنگها نزد خدای تعالی رنگیست که سیاه بوده باشد و در
منقول از کتاب لباس که گفت رضوان که رفتم نزد ابی الحسن
دوم علیه السلام و او رنگ میکرد محاسن خود را گفتم فدایت گردم تو رنگ
گفت بلی در رنگ کردن اجر است آیا نمیدانی که خود را زینت دادن زنان را
عفیفه میکند پرهیزکاری زنان را خوش می آید ترا که نزد اهل خود در روی بهیئتی
اهل خانه بی زینت گفتم بلی حضرت امام علیه السلام گفت که اهل خانه را هم خوش نمی آید
که تو بی زینت باشی و گفت ابو الحسن دوم علیه السلام که حضرت سلیمان
علیه السلام هزار زن در قصر سفید داشت و ...

و حضرت سلیمان علیه السلام در هر شب با زنان ... و این همه میرفت **فصل دوم**
در بیان رنگ سیاه منقول است از کتاب لباس ابی النضر عیاشی که گفت ابو
عبد الله علیه السلام که آوردند نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آنحضرت سفید
آمد و دید گفت این نور است و کسی که موی او سفید شود در اسلام
آن سفیدی مر او را نور خواهد بود در روز قیامت گفت ابی عبد الله که آنان حنا
رنگ کرد محاسن خود را بحنا و بعد از آن آمد بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
چون دید آنحضرت که آن شخص محاسن خود را رنگ کرده است گفت که نور
و اسلام است بعد از آن آن شخص محاسن خود را سیاه کرد و بخدمت حضرت
رسالت پناهی صلی الله علیه و آله آمد آنحضرت گفت که نور و اسلام و ایمان
و دوستی و ترس در دلهای دشمنانست و در حدیث از ابن فضال که آنحضرت
حسن بن جهم گفت رفتم نزد ابی الحسن علیه السلام و او محاسن خود را سیاه
میکرد گفتم فدایت گردم محاسن خود را سیاه میکنی گفت در رنگ کردن اجر و ثواب
است بدرستیکه رنگ کردن محاسن و خود را زینت دادن زنان را عفیفه
میکند پرهیزکاری زنان را بدرستیکه زنان ترک کرده اند پرهیزکاری را بجهت آنکه
شوهران ایشان خود را زینت نمیدادند از برای ایشان و در حدیث از ابی عبد الله
علیه السلام که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله سر خود را رنگ می کرد و سر
و میکشود سر خود را از نوره و حنا چیزی بود که آنحضرت می چید خود را آبادم

حدیث از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که سیاه کردن محاسن محبوب
رسیده نزد دشمنان و خوشحالی زنان است و حدیث از جابر که گفت ابی جعفر علیه السلام
که جماعتی آمدند نزد علی بن الحسین علیهما السلام و دیدند که آنحضرت محاسن خود را
سیاه کرده است پرسیدند از آن حضرت که سیاه کردن محاسن چون است آنحضرت
دست بر محاسن خود کشید و گفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود اصحاب
خود را در جنگی از جنگها که محاسن خود را سیاه کنید تا آنکه قوت یابد لشکر این
و غالب شوید بر مشرکان و کافران گفت ابی جعفر علیه السلام که گفت
که زنان دوست میدارند که زینت کنند مردان و همچنان مرد دوست میدارد که
زنان به پسندد زینت او را و در بیان در رنگ کردن حنا و وسمه و بیرون
در رنگ کردن زنان دست خود را منقول است از کتاب لباس که گفت حلبی که
پرسیدم ابی عبد الله را علیه السلام از رنگ کردن موی حضرت امام علیه السلام
گفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و امام حسین و ابو جعفر علیهما السلام
رنگ کرده اند بوسمه و حدیث از معویه بن عمار که گفت که دیدم ابو جعفر را
علیه السلام که رنگ کرده بود بحنا و حدیث از ابی عبد الله الصباح که گفت
که دیدم اثر حنا در هر دو دست ابو جعفر علیه السلام و حدیث از محمد
بن المؤذن که گفت که ابو عبد الله علیه السلام رنگ زرد کرده بود ریش
خود را بحنا و حنا دیدم و حدیث از محمد بن المؤذن که گفت حنا موی را

سفید

سفید میکند طراوت روی را و حدیث از عبد الله بن سنان
که گفت حسن زیات که نشسته بود نزد من مردی از اهل بصره مصاحب من بود
و همیشه من با او بودم تا آنکه داخل شدم در هیچ امر که حکایت میکنم و صفت
صفت میکردم از برای او امر ابو جعفر را علیه السلام پس من و او هر دو رفتیم بمکه
و مناسک حج بجا آوردیم و متوجه مدینه شدیم چون بمدینه رسیدیم رفتیم نزد ابو جعفر
علیه السلام و او در خانه [illegible] نشسته بود و بر بالای او جامه [illegible] ارغوانی بود
و رنگ کرده بود محاسن خود را [illegible] نگاه کردم ابی جعفر علیه السلام [illegible]
و چیزی در دل او گذشت چون برخاستیم حضرت امام علیه السلام گفت ای حسن
فردا شو و تو و مصاحب تو هر دو نزد من بیائید چون فردا شد گفتم مصاحب خود را
که میرویم نزد حضرت امام علیه السلام گفت مصاحب من که تو برو و مرا بگذار
گفتم سبحان الله آیا گفت حضرت امام که تو و مصاحب هر دو باهم بیائید
باز مصاحب من گفت که تو برو و مرا بگذار از برای خدا که از و جدا نشوم تا همراه
خود بردم او را نزد حضرت امام علیه السلام پس حضرت امام در خانه بود که
در آنجا نبود مگر بوریا پس بیرون آمد و جامه درشت پوشیده بود پس میل کرد
بجانب او گفت که آنخانه را که دیدید که من در آنجا بودم آن خانه زن من بود و از
من بود دی روز نوبت آن زن بود و او زینت کرده بود و واجب بود بر من
که زینت کنم از برای او همچنانکه او زینت کرده بود از برای من و این خانه که

امروز دیدم خانه صفت چیزی در دل خود مکدر ان ای برادر بصری بس
آن شخص که از بصره بود که خدا ستو کردم پیش از این چیزی در خاطر من
میگذشت اما حالا الحمد لله خدا تعالی از خاطر من بیرون برد روایت از
محاسن که گفت اسمعیل بن بزیع که گفتم با امام رضا علیه السلام که من
جوانی دارم و خون حیض از و برطرف شده است حضرت امام علیه السلام فرمودند
که سر خود را رنگ کند به حنا درستی که خون حیض باز گردد چنین کردم باز گشت حیض
بان زن خون حیض روایت از ابوالحسن علیه السلام که در رنگ کردن
مهیا شدن است از برای جنگ و دوستی زنان و زیاده کردانیدن است در
جماع روایت از حسن بن جهم که گفتم به علی بن موسی علیهما السلام که آیا رنگ
گفت رنگ بلی رنگ کردم بحنا و وسمه آیا نمیدانی که در رنگ کردن اجر و ثواب
هست که زنان دوست میدارد که ببینند از تو مثل آنچه دوست میدارید که
ببینی تو از ایشان و از لباسهای خود زینت کردن به درستی که زنان رفتند
زنان از پرهیزکاری مگر که زینت کردند شوهران و گفت علی بن موسی
علیهما السلام که خبر داد مرا پدرم از پدرانش خود علیهم السلام که زنان بنی اسرائیل
بیرون رفتند از پرهیزکاری و فسق و فجور کردند از جهت آنکه شوهران ایشان
کم زینت میکردند و حضرت امام علیه السلام گفت که زنان دوست میدارند
از تو مثل آنچه تو دوست میداری از ایشان روایت از ابی عبد الله علیه السلام

که گفت

که گفت که رنگ کردن سر و محاسن سنت است روایت از عبد الله بن
عثمان که گفت حسن زیات که رفتم روزی نزد ابوالحسن علیه السلام و او در
خانه را بسته بود و یک روز بعد از آن رفتم نزد او در خانه بود که در خانه
نبود که بوریائی پس بیرون آمد و ریش را پوشیده بود و گفت که این خانه که دیروز
دیدی خانه من نبود خانه زن من بود و دیروز نوبت آن زن بود
روایت کرده است محمد بن مسلم از امام محمد باقر علیه السلام یا از امام
جعفر صادق علیه السلام که گفت که سزاوار نیست زن را که دست او خالی باشد
از رنگ و اگرچه دست خود را بحنا بمالد و اگرچه آن زن سالخورده باشد منقولست
از کتاب فردوس که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که خضاب بستن بحنا انگشت
کسی که رنگ کرده باشد بحنا مثل کسیست که شهید شده باشد در راه خدا سبحانه
و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که خضاب رنگ اهل اسلام است زینت میدهد
مومن را و میبرد درد سر را و جلا میدهد چشم را و زیاده میکند قوت جماع را
و یک حبه که با حنا بوده باشد برابر ده حبه است که بی حنا بوده باشد و یک
درم که بحنا صرف شود برابر هفتصد درم است که در راه خدا صرف شود
روایت از بعضی موالی نبی صلی الله علیه و آله که برش یاد که رنگ کنید به حنا
بدرستی که زیاده میکند قوت جماع را و نیکو میگرداند بدن را و گفت حضرت پیغمبر
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که فاطمه زنان حرمها که تغیر دهند بال سفید موی الحنا

روایت از امیر المومنین علی علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
حنا رنگ کنید بحنا بدرستی که می افزاید در جمال و جوانی و قوت جماع و حسن
میکنند باو فرشتها و یک درم خرج کردن در رنگ برابر هفت هزار درم است
خرج کردن در راه خدا و هرگاه یکی از شما بمیرد و او را بقبر برند منکر و نکیر بیایند
چون نگاه کنند که رنگ حنا کرده است یکی از منکر و نکیر بدیگری گوید که بیرون کن
از قبر که زینت بر وی هستی روایت کرده است جعفر بن محمد علیهما السلام از پدران خود
علیهم السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله رخصت داد زن را که سر خود را
سیاه کند و گفت جعفر بن محمد علیهما السلام که فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله
زنان شوهردار که رنگ کنند اما شوهردار زینت کند از برای شوهر خود و بی شوهر
شوهر زینت کند بجهت آنکه دست او بدست مرد نامحرم نماند روایت از ابی
عبد الله علیه السلام که گفت که اگر رنگ کنند در حالت نفاس باکی نیست
و روایت کرده است ابی عبد الله علیه السلام از پدران خود علیهم السلام
که منع کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله از رنگ کردن موی حوالی سر و پیشانی
و از نگار بستن فصل دوم در بیان کراهیت رنگ کردن جنب و حائض
و در روایاتی که آمده است ترک کردن رنگ و کراهت سوی ذکر کردن منقول است از
از کتاب لباس که گفت علی بن موسی الرضا علیهما السلام که آنکسی که رنگ
کند او جنب نشود یا آنکه جنب شود در حالت رنگ از ذی رسد بشیطان

شیطان

شیطان باو است روایت از جعفر بن محمد علیهما السلام که رنگ مکن در حالتی
که جنب باشی و جنب مشو در حالتی که رنگ میکنی و رنگ مکن در حالتی که حائض
باشی بدرستی که شیطان حاضر میشود نزد زن حایض در وقت رنگ کردن
و باکی نیست رنگ کردن در حالت نفاس روایت از ابی الحسن علیه السلام
باید که رنگ نکند زن حایض روایت کرده اند حنان بن سدیر از پدر خود که
رفتم من و پدر و جد و عم من بحمام مدینه و مردی در جامه کن بود پرسید شما
از چه طایفه اید گفتیم ما از اهل عراقیم گفت از کدام عراق گفتیم ما از اهل کوفه ایم
گفت خوش آمدید ای اهل کوفه شما لنگ نمی بندید در حمام و چه چیز است
که منع میکند شما را از لنگ بستن بدرستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله
که دیدن عورت مسلمانان بر مسلمان حرام است پس عم من کرباسی طلب کرد و چهار پاره
کرد و هر کدام یکپاره را گرفتیم و لنگ کردیم و داخل شدیم بحمام و رفتیم بگرم
خانه بودیم که آن شخص آمد و متوجه جد من شد و گفت ای پیر
چه چیز است که منع میکند ترا از رنگ کردن محاسن پس گفت جد او
چه چیز که در یافتیم که آنکسی که بهتر از من و تو بود و او رنگ نکرده بود
محاسن خود را حضرت امام علیه السلام در غضب شد از این سخن تا آنکه دانستیم
غضب او را گفت کیست آنکس که بهتر از من و تست جد من گفت دریافتیم
علی بن ابی طالب را و او رنگ نکرده بود پس حضرت امام علیه السلام سر خود را

پیش انداخته و عرق میریخت از جبین مبارک آنحضرت و گفت که راست گفتی
گفتی و بعد از آن گفت ای پسر اگر میخواهی رنگ کنی بدرستی که رسول خدا صلی الله
علیه و آله رنگ کرده بهتر از امیر المؤمنین علی علیه السلام بوده اگر خواهی
رنگ کنی و اقتدا کن بامیر المؤمنین علی علیه السلام چنانچه پیروان آمدیم برسیدیم
آنچه که بوده گفتند علی بن الحسین علیهما السلام و پسر او محمد باقر بود علیه
السلام روایت از سلیمان بن مروان الجعل که پرسیدم از ابی عبد الله
علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله رنگ کرده بود محاسن خود را گفت
و امیر المؤمنین علی علیه السلام نیز رنگ نکرده بود و لیکن پیر و جد خود رنگ
کرده بودند پس اگر رنگ کنی نیکوست و اگر رنگ نکنی نیز نیکوست
از جویریه بن محمد که گفت که پرسیدم ابی جعفر را علیه السلام از رنگ کردن گفت
رسول خدا صلی الله علیه و آله رنگ میکرد و این موی آنحضرت است که نزد ماست
روایت از حفص الاعور که گفت که پرسیدم ابی عبد الله را علیه السلام از رنگ
کردن محاسن گفت که سنت است گفتم امیر المؤمنین علی علیه السلام رنگ نکرده
بود گفت بجهت آنکه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بامیر المؤمنین علی علیه السلام
فرموده که زود باشد که رنگ شود این از خون این محاسن مبارک امیر المؤمنین علیه السلام
زده و باشد که کهنه شود و بخضاب آنحضرت روایت از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت که از کردن رنگ درویشی می‌آرد روایت که کراهیت بوده کردن [illegible]

روایت از سلیمان بن خالد که گفتم به یکی از ائمه علیهم السلام که آیا پیوند کردن
زنان مویها را بگیسوی خود مکروه گفت اگر پشم باشد یا از موی خود پس حکم
نیست و مکروه است که پیوند کند از موی غیر خود پس روایت از ثقات
که گفت که گفتم مر ابی عبد الله را علیه السلام که مردمان روایت میکنند که
رسول خدا صلی الله علیه و آله لعنت کرده است پیوند کننده را و پیوند کرده شده را گفت بلی
گفتم آیا لعنت کرده است آن زنی را که شانه کند موی بگیسوی خود گفت [illegible]
ازین گفتم نیست پیوند کرده شده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله لعنت کرد
گفت زنی را که زنا کند و قوادگی کند روایت از ابی بصیر که گفت که پرسیدم
ابی عبد الله علیه السلام از کندن موی پیشانی که تا بنمایند بجهت زینت برای
شوهر خود و از کندن موی روی و از پیوند بستن گفت نیست باکی بر آن حضرت
امام علیه السلام گفت که باکی نیست پیوند کردن گیسو که هر چه پیوند
بگیسو بیشتر اما باید که پیوند نکند موی آدمی را که موی [illegible] روایت
کرده است ابی عبد الله علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که گفت پیغمبر
صلی الله علیه و آله که حلال نیست زنی را که در محل حیض بکند موی پیشانی و موی

فصل ۳

در بیان انگشتری و آنچه متعلق است بآن در بیان انواع
دور کردن و کراهیت آن منقول است از کتاب اللباس که گفت
که قیمت کرد انگشتری ابی عبد الله علیه السلام پس گرفت از او درهم [illegible]

روایتست از علی بن سلیمان که گفت پرسیدم از ابی عبد الله علیه السلام
رسول خدا صلی الله علیه و آله از چه چیز بود که گفت از نقره و پرسیدم از بعضی از
اصحاب ما از ابی عبد الله علیه السلام که انگشتری رسول خدا صلی الله علیه و آله از چه چیز بود
گفت از نقره بود و در نقش کرده بود محمد رسول الله گفتم این انگشتری را کسی
بود گفت نی روایتست از سکونی که گفت ابی عبد الله علیه السلام که رسول خدا
صلی الله علیه و آله گفت پاک نمیگرداند خدا تعالی دستی را که در او انگشتری
از آهن بوده باشد و روایت کرده است ابی عبد الله علیه السلام و پدر او روایت
کرده است از امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت امر کرد رسول خدا
صلی الله علیه و آله ما را بهفت چیز و منع کرد از هفت چیز منع کرد از انگشتری
طلا و از آشامیدن در ظرف نقره و از نشستن بر زینی که بر روی آن ابریشم باشد و از رنگ ارغوانی
و از ابریشم و از دیبای و از زم سبز و امر کرد به پرسیدن بیمار و تشییع جنازه
و آشکارا سلام کردن و یاری دادن مظلوم و قبول دعوت کردن و سوگند
خود را راست کردن و یرحمک الله گفتن کسی را که عطسه کند روایتست از ابی عبد الله
که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین را گفت که بهتر از انگشتری نقره
در دست کردن هیچ نیست که زینت است در بهشت روایتست از امیر المؤمنین
علیه السلام که گفت منع کرد مرا رسول خدا صلی الله علیه و آله از انگشتری طلا در دست
کردن و نمیگویم که منع کرد شما را از این و در بهشت از دادن ...

که گفت که پرسیدم ابا عبد الله را علیه السلام از طلا و زینت میکنند بآن طفلان را
گفت پدر من زینت کرد فرزند و غلام خود را بطلا و نقره و باکی نیست بآن
روایتست کرده است محمد بن علی علیه السلام از جدهای خود علیهم السلام که روزی
رسول خدا صلی الله علیه و آله انگشتری طلا در دست کرده بود پس مردمان
نظر میکردند بآن حضرت دست خود را بالای انگشت نهاد که انگشتری در او بود و باز
گشت بمنزل خود و انداخت آن انگشتری را روایتست از کتاب قرب الاسناد
که موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده است از پدر خود که منع کرده است
که در دست کنند انگشتری را که نقشش محاذی باشد و محاذی نام خدا است
و گفت حضرت امام علیه السلام که زید بن علی در روزی که کشته شد در انگشت او
انگشتری بود روایتست از امیر المؤمنین علی علیه السلام که بجهت انگشتری
بود انگشتری داشت که نگین او یاقوت سبز بود و در انگشت میکرد بجهت زینت
و شرف و انگشتری داشت که نگین او عقیق سرخ بود و در انگشت میکرد
بجهت حرز و نگاهداشتن او از بلا و انگشتری داشت که نگین او از آهن چینی
بود و در انگشت میکرد بجهت قوت و منع میکرد امیر المؤمنین علی علیه السلام
خود را از انگشتری آهن را در انگشت کنند و نیز گفت امیر
المؤمنین علی علیه السلام در وقتی که وصیت می
کرد اصحاب خانه خود را که انگشتری کسی که نقش کند خود را که در آن

انگشتری از آن باشد باید که در محل استنجا کردن از دست چپ بیرون آورد
و در دست راست کند و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که انگشتری عقیق
در دست کنید به درستی که بیرون نمی رود غمی مادام که در دست شما باشد گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که انگشتری عقیق در دست کنید به درستی که جبرئیل
علیه السلام آورد عقیق را از بهشت و گفت یا محمد انگشتری عقیق در دست کن و دعا
است خود را که انگشتری عقیق در دست کنند روایت نگینهای انگشتری
منقول است از کتاب لباس که گفت حسین بن عبدالله که پرسیدم
یکی از ائمه علیهم السلام که نگین انگشتری که از سنگ زمزم باشد در انگشت می
تواند کرد گفت بلی اما هرگاه که خواهد وضو سازد باید که از دست خود بیرون
کند روایت از احمد بن محمد که گفت که دیدم یکی از ائمه علیهم السلام که در
دست او انگشتری عقیق بود و گفت که چگونه است این انگشتری در بیرون
آورد از دست خود و گفت که نظر کن با این انگشتری پس نظر کردم و گفتم
چگونه است این انگشتری گفت همیشه از خدا ایمن نعمت میرسد از زمانی
که انگشتری در دست کنند خدا تعالی ساخت برای این انگشتری باعث
این نعمت گرد او را از انگشت بیرون آورده دور کرد خود نهادم پس ساعتی نگذ
شت افتاد در خاطرم که بجوهرم و اخفی آمد و گفت و برخاستی گفتم انگشتری من
افتاد اخفی دست خود را بر زمین زد و گفت بگیر انگشتری خود را پس گرفتم

انگشتری

انگشتری خود را روایت از ابی عبدالله علیه السلام که گفت رسول خدا
صلی الله علیه و آله در انگشت کردن انگشتری که نگین او یاقوت باشد
دور کننده فقر را میبرد انگشتی که در انگشت کند که نگین او عقیق باشد
زود برآورده میشود حاجت او به نیکی منقول است از کتاب الائمه که
کرده است معاذ که امیرالمومنین علی علیه السلام گفت که کسی که انگشتری در
انگشت کند نگین او از عقیق باشد خاتمه کار او بخیر و امان باشد
روایت از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که انگشتری که نگین عقیق باشد
اول کسی است که اقرار کرده است به خدا تعالی و به پیغمبری محمد صلی الله علیه و آله
و به وصی بودن امیرالمومنین علی علیه السلام و عقیق از کوهی است که
سخن گفته است خدا تعالی با موسی علیه السلام و کسی که انگشتری او
عقیق باشد در انگشت کند و نماز کند نماز او چهل درجه بیشتر و ثواب بیشتر دارد
از ثواب کسی که انگشتری غیر عقیق از انواع جواهر در انگشت کند روایت
از سلیمان بن ... که گفت که بودم با جعفر بن محمد علیهما السلام در خانه ابی جعفر
منصور دوانقی پس بیرون آمد شخصی از پیش منصور که او را تازیانه زده
بود گفت جعفر بن محمد علیهما السلام ... که ... نظر کن در نگین انگشتری
او گفتم یا ابن رسول الله نگین انگشتری او عقیق نیست حضرت امام علیه السلام
گفت اگر نگین انگشتری او عقیق می بود او را تازیانه نمیزدند

یا ابن رسول الله زیاده کن بیان فایده عقیق را پس گفت عقیق امانست
از دزد و از دست کسی که عقیق در دست داشت گفتم یا ابن رسول الله زیاده کن بیان
گفت عقیق امانست از خون ریختن که عقیق در دست او است گفتم
زیاده کن فرمود در انگشت خدا استجابت دو دست چیدا [illegible]
ده و عالبتوی او دستی کرد و نگین عقیق باشد گفتم زیاده کن فرمود بیا
گفت بسیار محبت او کسی کرد و نگین عقیق ببرند که چگونه خالی باشد
زر طلا و نقره گفتم زیاده کن بیا انگشت حرز است از جمیع بلاها گفتم عقیق
امانست از دو بستی گفتم نقل کن [illegible] بود از جدت حسین بن
علی علیهما السلام او روایت کرده است از امیر المومنین علی علیه السلام
گفت روایت است از کتاب ثواب الاعمال که روایت کرده است امام
رضا علیه السلام که گفت ابو عبد الله علیه السلام که کسی که در انگشت کند
انگشتری که نگین او عقیق باشد هرگز درویش نشود و آرزو روا شود حاجت او
بکار نیکوترین وجهی روایت است از امیر المومنین علیه السلام که گفت که
در انگشت کنید انگشتری را که نگین او عقیق باشد تا خدا تعالی زیاد کند
برکت را و ایمن باشید از جمیع بلاها روایت کرده است
جعفر بن محمد از پدران خود علیهم السلام که کسی که بود نزد حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که او را اجازت کرده بود آنحضرت گفت

کرد

که چرا نگین عقیق در انگشت نکردی بدرستیکه نگاه دارد چهره‌ها روایت است
ابو جعفر علیه السلام که هر کسی که در انگشت نگین عقیق را همیشه با دستی
انگشتری در دست او باشد همیشه خدا تعالی او را نگاه دارد روایت است
از عبد الرحمن [illegible] که گفت که زمستان و حاکی [illegible] از ال ابی طالب
گناهی که کرده بود و او طلبید [illegible] گذشت با ابی عبد الله علیه السلام که آنحضرت
گفت که انگشتری عقیق با و برسانید پس رسانیدند انگشتری عقیق را آن شخص
هیچ مکروهی با و نرسید روایت است از عبد المومن انصاری که گفت که شنیدم
از ابی عبد الله علیه السلام که می گفت که درویش نمی‌شود دستی که در او
بود که نگین او فیروزه باشد روایت است از علی بن مهزیار که گفت که دیدم
موسی [illegible] که دیدم در دست آنحضرت انگشتری که نگین او فیروزه بود نقش کرده بود
الله الملک و چون همیشه نظر میکردم در آن انگشتری آنحضرت گفت
میکنی این سنگیست که جبرئیل علیه السلام هدیه از برای رسول خدا صلی الله علیه و آله
آورده از بهشت و رسول خدا صلی الله علیه و آله از امیر المومنین علی علیه السلام بخشیده
پس گفت که میدانی چه چیز است نام این گفتم فیروزه است گفت این نام
بفارسی میدانی نام او را بعربی گفتم نه گفت ظفر است روایت است از امیر المومنین علی
علیه السلام که گفت که در انگشت کنید انگشتری که نگین جزع یمانی باشد
که باز میدارد کید شیطان را و جزع یمانی مهره ایست سفید و سیاه

از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که خوب نگینی است بلور و منقول است از کتاب
مناقب الرضا که امام رضا علیه السلام روایت کرده است از پدران خود ع
که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که در انگشت کنید انگشتری که نگین
او زبرجد باشد بدرستی که کسی که این انگشتری در دست کند همه کارها
بر او آسان شود گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که کسی که در انگشت کند
انگشتری که نگین او یاقوت باشد درویش نشود و منقول است نقش نگین انگشتری
منقول است از کتاب لباس که گفت ابوعبدالله ع که نقش نگین حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله محمد رسول الله بود و نقش نگین انگشتری امیرالمؤمنین علی
علیه السلام الملک لله بود و نقش نگین انگشتری ابی جعفر علیه السلام العزة لله بود
روایت کرده است محمد بن عیسی از صفوان که گفت که آورده بود نزد ما
انگشتری ابوعبدالله علیه السلام و نقش نگین او این نقش بود ثقتی فاعصمنی بود روایت است
از ابراهیم بن عبدالحمید و گفت که آورده نزد ما انگشتری ابوالحسن را هم
و نقش نگین او حسبی الله بود و در پایین نوشته صورت هلالی بود و در بالا
نوشته صورت هلالی روایت کرده است امام [illegible]
علیه السلام از پدر خود و پدر او روایت کرده است که انگشتری حضرت سید الشهداء
علیه السلام از نقره بود و نقش او این بود که ان الله بالغ امره روایت است از حسین
بن خالد که گفت با ابی الحسن دوم علیه السلام که روایت کرده است ما در حدیث

که

که نقش نگین حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله محمد رسول الله بود حضرت امام علیه السلام
گفت این روایت صحیح است و راویان راست گفته اند پس گفت میخواهی که
بدانی نقش نگین آدم علیه السلام چه چیز بود گفتم بلی گفت نقش نگین آدم
صلوات الله علیه لا اله الا الله محمد رسول الله بود و گفت بدرستی که حضرت حق سبحانه
وحی فرستاد به نوح علیه السلام که وقتی که تو و امتی تو ایمان آوردند و در کشتی
نشستند هزار بار لا اله الا الله بگویید و بعد از آن حاجت خود را از من طلب
کنند چون حضرت نوح علیه السلام در کشتی نشستند پس کشتی نشست و باد و باران
بر او زحمت رساند و ترسید نوح علیه السلام از غرق شدن کشتی پس مضطرب شد
پس گفت اگر من هزار بار لا اله بگویم میترسم که کشتی غرق شود پیش از آنکه
فارغ شوم پس مضمون لا اله الا الله را بزبان سریانی ادا کرد و گفت [illegible]
هو هو هو یا باری اتقن پس کشتی قرار گرفت و بسلامت داشت و حضرت
نوح علیه السلام را پس گفت نوح علیه السلام که کلامی که من بوسیله آن نجات
یافتم از غرق شدن سزاوار است که او را نقش نگین کنم و آن انگشتری را
پس گفت حسین بن خالد که گفتم یا ابوالحسن علیه السلام که چیست
معنی [illegible] ابوالحسن علیه السلام گفت که این لغت نوح بزبان سریانی است
و تفسیر و معنی او [illegible] لا اله الا الله هزار مرتبه یا الله اصلح است
علیه السلام که نقش نگین ابراهیم علیه الصلوة والسلام [illegible] کلمه توحید بود

جبرئیل علیه السلام بحضرت ابراهیم وقتی که او را در منجنیق نهاده بودند آمد و گفت جبرئیل
علیه السلام که ای ابراهیم خدای تعالی بتو سلام میرساند و میگوید که [illegible]
ابراهیم [illegible] جبرئیل علیه السلام ابراهیم را علیه السلام که این انگشتری
که در نگین او شش کلمه نقش کرده بودند در انگشت خود کند چون ابراهیم انگشتری را
در انگشت خود کرد خدای تعالی آتش را بر او خنک گردانید و آن شش کلمه این است
لا اله الا الله محمد رسول الله توکلت علی الله اسندت ظهری الی الله فوضت امری
الی الله لا حول و لا قوة الا بالله و نقش نگین حضرت سلیمان بن داود
علیهما السلام این بود که سبحان من الجم الجن بکلمته و نقش نگین
موسی علیه السلام این دو کلمه بود که از توریت بیرون آورده بود و آن
اصبر توجر اصدق تنج و نقش نگین عیسی علیه السلام دو کلمه بود که از انجیل بیرون
آورده بودند و آن کلمه این است طوبی لعبد ذکر الله من اجله الویل لعبد نسی الله من اجله روایت
کرده است حسین بن خالد از ابی الحسن دوم علیه السلام که گفت نقش نگین حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله محمد رسول الله بوده و نقش نگین امیر المؤمنین علی علیه السلام
الله الملک بوده و نقش نگین حسن بن علی علیهما السلام العزة لله بوده و نقش نگین
امام حسین علیه السلام ان الله بالغ امره بوده و نقش نگین علی بن الحسین علیهما السلام
و ابو جعفر کبیر علیه السلام العزة لله [illegible] نقش نگین امام [illegible] بود و نقش نگین
امام جعفر صادق علیه السلام الله ولیی و عصمتی من خلقه بوده و نقش نگین ابو الحسن اول

علیه السلام

علیه السلام حسبی الله بوده و نقش نگین ابو الحسن دوم علیه السلام ما شاء الله
لا قوة الا بالله روایت حسین بن خالد که ابو الحسن دوم علیه السلام در انگشتری
دست خود را بمن نمود و گفت نقش نگین انگشتری من و نقش نگین پدرم
و نقش نگین انگشتری ابو جعفر دوم علیه السلام حسبی الله حافظی بود و [illegible]
بود و نقش نگین ابو جعفر و نقش نگین ابو الحسن سوم علیه السلام الله الملک
بود روایت از عبد الله بن سنان که گفت پرسیدم ابی عبد الله را علیه السلام
که ایا مکروه است در انگشت کردن که در نگین او نام خدای تعالی باشد
در بیت الخلا رفتن و جنب شدن در حالتی که این انگشتری در انگشت باشد
حضرت امام علیه السلام گفت نی و نقش نگین حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله محمد
رسول الله بود و نقش نگین امیر المؤمنین علی علیه السلام الملک لله بود و نقش
ابی جعفر علیه السلام العزة لله بود و نگین امیر المؤمنین علی علیه السلام که آن نگین از زر
چینی سفید [illegible] بود آنحضرت در انگشت می کرد آن انگشتری را در جنگ
[illegible] نقش کرده بودند و در نهایت سطر این است [illegible]
لکل هول لا اله الا الله و لکل کرب لا حول و لا قوة الا بالله و لکل مصیبة نازلة
حسبی الله و لکل ذنب کثرة استغفر الله و لکل نعمة متجدد الحمد لله [illegible]
ابن ابی طالب من نعم الله [illegible] روایت از اسمعیل بن موسی که گفت که انگشتری
حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام تمام از نقره بود و نقش نگین او این بود که [illegible]

بنی جمیع خلایق در وقتی که پدر من با برادر خود عبد الله بن جعفر قسمت میراث کرد
قیمت آن انگشتری به پنجاه دینار رسید بخشید زیاده کردن پدرم قیمت آن را
پس قبول کرد پدر من آن انگشتری را به پنجاه دینار روایت از امیر المؤمنین علی
علیه السلام که انگشتری که نقش نگینش او ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله
او را فقر است لیس رجوا به معه روایت از امام محمد باقر علیه السلام که گفت
هر انگشتری که نقش نگینش او آیتی از قرآن باشد خدا آنچه بیابد از او دور کند و او گفت
امام محمد باقر علیه السلام که نقش نگینش حاسم ربک فکر معه گرداست
امام رضا علیه السلام از جد خود امام جعفر صادق علیه السلام که نقش نگین
پدرم حضرت محمد باقر علیه السلام ظنی بالله حسن و بالنبی المؤتمن و بالوصی
ذی المنن روایت از محمد بن عیسی که موفق نزد ابی جعفر دوم علیه السلام
و نمود به من انگشتری که در دست او بود و گفت که می‌شناسی این انگشتری را
گفتم که میدانم که نقش دارد اما نمیدانم که آن نقش چه چیز است و چه صورت است
پس معلوم شد که انگشتری تمام او از نقره و نگین او مدور بود و بر آن
نگین نقش کرده بودند حسبی الله و در بالای آن نقش صورت هلالی بود
و در پائین او آن نقش صورت گلی بود پس گفتم ما و که از کیست این انگشتری
گفت این انگشتری ابو الحسن است علیه السلام پس گفتم ما و که چگونه در دست
تو افتاد و گفت که او را وفات نزدیک شد این انگشتری را به من داد و گفت

این

این انگشتری را از دست خود بیرون مکن بگیر از علی نقی علیه السلام و بکسی ده
این انگشتری را مگر به پسرم علی نقی علیه السلام در بیان کیفیت انگشتری
در انگشت کردن منقول است کتاب لباس که گفت محمد که رسیدم ابو عبد الله
علیه السلام را انگشتری در دست راست کرده و گفتم که من دیدم بنی هاشم را
که انگشتری در دست راست میکردند پس گفت ابو عبد الله علیه السلام که علی و پدر
انگشتری در دست راست می کردند پس گفت ابو عبد الله علیه السلام و پدر من
نزدیک ایشان بود روایت از حسین بن خالد که گفت گفتم با ابو الحسن دوم علیه
که روایت کرده اند ما در حدیث که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم استنجا
میکرد و انگشتری در انگشت او بود و نیز امیر المؤمنین علی علیه السلام چنین میکرد
و نقش نگین حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله محمد رسول الله بود و گفت ابو الحسن
دوم علیه السلام که این روایت صحیح است و راویان راست گفته اند گفتم ما نیز
هست ما که چنین کنیم نه بجهة آنکه ایشان انگشتر را در دست راست میکردند
و شما در دست چپ میکنید پس خاموش شد روایت کرده است ابو
از امام جعفر صادق علیه السلام و امام جعفر صادق هم روایت کرده است از پدر
خود علیه السلام که امیر المؤمنین علی و امام حسن و امام حسین گاهی انگشتری در دست
چپ میکردند روایت کرده است محمد بن علی علیهما السلام از پدر خود و جد او
کرده است از ... که گفت امام حسن و امام حسین گاهی انگشتری در دست

میگفت

روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه وآله
که منع میکنم امت خود را از اینکه انگشتری در انگشت شهادت و انگشت میانه
کنند و دعائی که می باید خواند در وقت انگشتری در انگشت کردن اللهم سومنی
بسیماء الایمان و توجنی تاج الکرامة و قلدنی حبل الاسلام و لا تخلع ربقة الایمان
من عنقی نقش نگینی که ملکوت از برای دفع بیماری منقول است از کتب
[illegible] نقش می باید کرد در اول جمعه از ماه رمضان بر نگینی که آهن چینی باشد
این صورت را در دو سطر [illegible] لا اله الا الاول [illegible]

فصل ششم
در بیان زینت کردن زنان بزیور و آنچه در بر و دست میکنند و غیر اینها
در زیور و آنچه مکروه است ایشان را منقول است از کتاب [illegible]
فضل که گفت ابو جعفر علیه السلام که حضرت فاطمه علیها السلام سیده زنان
[illegible] او تا میان بازوی او بود و بیرون نکرد و ابو جعفر از این حکم [illegible]
همه زنان را چنین بود روایت از ابی عبدالله علیه السلام که گفت زنان
مسلمانرا که بوی خوش برایشان [illegible] هر چیزی از زیور او روایت کرده
محمد مسلم از امام محمد باقر علیه السلام گفت که باکی نیست زن را [illegible]
[illegible] زیور باشد و اگر چه گردن بند باشد [illegible] و اگر چه مالیده
باشد بحنا و اگر چه زن پیر باشد روایت آنچه در دست میکنند از طلا و غیر آن
روایتست از زراره که گفت ابی جعفر علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه وآله

وقتی

وقتی که میخواست سفر کند سلام میکرد و وداع میکرد از اهل بیت خود [illegible]
[illegible] میخواست و آخر کسی که سلام میکرد و وداع میکرد آنحضرت او را حضرت فاطمه
علیها السلام بود و ابتدا توجه حضرت پیغمبر صلی الله علیه بسفر از خانه حضرت فاطمه
علیها السلام بوده و هرگاه باز میگشت از سفر اول بخانه آنحضرت فاطمه علیها
میرفت [illegible] نوبتی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله سفر کرده و رسیده بود
بامیر المؤمنین علی در سفری چیزی از غنیمت و امیر المؤمنین علی علیه السلام آنرا بحضرت فاطمه
علیها السلام داد و بیرون رفت بسفر همراه حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله حضرت فاطمه
رضی الله عنها از آن مالی که امیرالمؤمنین علیه السلام باو داده بود دو دستبند
از نقره و پرده خرید و او بخت بر در خانه خود چون حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
از سفر باز گشت و [illegible] و بعد از آن متوجه خانه حضرت فاطمه شد چنانکه
عادت آنحضرت بود حضرت فاطمه چون حضرت پیغمبر را صلی الله علیه وآله
شاد [illegible] متوجه آن حضرت شد از روی رفق و شفقت آنحضرت نظر کرد و در
دست حضرت فاطمه دو دستبند از نقره در دست او دید و پرده در خانه او دید
آویخته و [illegible] برگشت رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که [illegible]
[illegible] از آنحضرت برخاست و بیرون رفت پس حضرت فاطمه گریه
[illegible] و گفت که هرگز این نوع کاری نکرده بود [illegible] پس حضرت فاطمه
علیها السلام طلبید حضرت امام حسن و امام حسین را علیهما السلام و دستبند را برداشت و پرده را

تا در خانه بیرون کرد و سینهار از دست حود و دو سینهار ایکی از ایشان
داد و پرده را بدیگری و گفت بایشان که بروید نزد یک پدرم و سلام برسانید
و بگوئید که فاطمه میگوید که بعد از انکه تو بیرون رفتة ایم هیچکاری غیر از این نکرده ام
هر چه میخواهید بکنید باین پرده و دو سینهار پس امام حسن و امام حسین علیهما السلام
آمدند و گفتند بانحضرت انچه فاطمه گفته بود و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
ایشان را در دست در گردن ایشان افکند و در کنار خود نشاند بعد از آن
که دو سینهار را شکسته بود و پاره پاره کرده و بعد از آن طلبید صحابه صفه را
که طایفه از مهاجرین بودند که ایشان خانه خود و منزل و مالی نبود
آن را با ایشان تو بعد از آن طلبید مردی از اهل صفه را که برهنه بود
داشت آن پرده را باین شخص داد و پرده دراز بود و به هر ایشان
مقدار لنگی برداشت و باقی را انحضرت قسمت کرد و باصحاب صفه
مقدار لنگی و لنو بعد از آن فرمود که زنان سر خود را از رکوع بر ندارند
پیش از انکه مردها بر دارند و این حکم بجهت آن بود که لنگ اصحاب صفه
کوتاه بود هر گاه رکوع و سجود میکردند عورت ایشان ظاهر میشد از پیش
ایشان پس سنت شد از زنان سر خود را از رکوع و سجود بر ندارند
و بعد از آن گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که رحمت خدا بر
فاطمه را خداوند بپوشاند خدا از حلهای بهشت

روایت از امام موسی کاظم علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله و آله
فاطمه علیها السلام آمد و در گردن حضرت فاطمه علیها السلام دید گردن بندی
حضرت اعراض کرد از حضرت فاطمه علیها السلام پس حضرت فاطمه بیرید
آن گردن بند را و انداخت پس رسول خدا صلی الله علیه و آله خشنود گشت
و گفت ای فاطمه تو از منی بعد از آن سایلی آمد و چیزی طلبید حضرت
فاطمه آن گردن بند را بان سایلی داد روایت در اوردن طلا با
دندان چیزی بجای دندان شکسته یا افتاده روایت از حلبی که
گفت که پرسیدم از ابی عبدالله علیه السلام از دندانی که پیش
که شکسته باشد و جدا شده ایا می توان نهاد گفت بلی اگر خواهد
که بجای او دندان گوسفند بنهد می توان نهاد بشرط انکه گوسفند را
ذبح کرده باشند و مضمون این حدیث را عبدالله بن سنان
نیز از ابی عبدالله روایت کرده است روایت از زراره
که گفت که پرسیدند من ابی عبدالله را علیه السلام و من حاضر
بودم از حال مردی که دندان او افتاده بود ایا می تواند بود
دندان ادمی مرده را بجای آن بنهد ابی عبدالله علیه السلام گفت
باکی نیست فصل و منزل او و انچه متعلق است بان
مردود درین باب و فضلت و انچه مذکورست درین باب

اختیار کرده‌ایم از کتاب لباس مکارم که ذکر خواهیم کرد در تجمل و پوشش

فصل در بیان تجمل لباس و کیفیت پوشیدن لباس و دعای
لباس که می باید خواند در وقت پوشیدن لباس در بیان تجمل
بلباس از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که چون امیر
المؤمنین علی علیه السلام فرستاد ابن عباس را بسوی خوارج
ابن عباس پوشید بهترین جامهای خود را و بهترین بوی خوش
بکار برد و سوار شد بهترین مرکبهای خود را و رفت بسوی ا
ایشان و با ایشان جنگ کرد پس خوارج گفتند ای ابن
عباس تو بهترین مردمانی و آمدی نزد ما بلباس متکبران و مرکبهای
ایشان پس ابن عباس خواند این آیت را برایشان که قل من
حرم زینة الله التی اخرج لعباده والطیبات من الرزق یعنی
بگو ای محمد که کی حرام کرده است آرایشی که خدای تعالی مقرر فرموده
یعنی جامهای رنگارنگ آن جامها که بمحض قدرت بیرون آورده
برای بندگان خود از نباتات چون کتان و پنبه و از حیوانات
چون پشم و حریر و از معادن و کی حرام کرده است روزی حلال
لذیذ را از خوردن و آشامیدن پس گفت ابن عباس که بپوش
لباسهای خوب را و تجمل کن بآن بدرستیکه خدای تعالی نیکوست

و دوست میدارد نیکوئی را و می باید بود که این لباس از وجه
حلال باشد از اسحاق بن عمار که گفت که پرسیدم یکی
از ائمه را علیهم السلام از احوال مردی که مالدار باشد و جامهای بسیار
داشته باشد و تجمل کند بآن که آیا این شخص مسرف است حضرت
امام علیه السلام گفت که خدای تعالی میگوید که لینفق ذو سعة من سعته
یعنی باید که نفقه دهد خداوند فراخی و توانگری از فراخی خود و قدر
توانائی خود صرف می باید کرد کرده است ابی عبدالله
علیه السلام از پدر خود و پدر او روایت کرده است از امیر المؤمنین
علی علیه السلام که گفت که روغن مالیدن آشکار میکند جمال را
و نیکوئی کردن با بندگان خود خوار میکند دشمنان را
کرده است امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که مردی بر در
خانه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و رخصت طلبید که درآید نزد
آنحضرت پس خواست که آنحضرت بیرون آید بجهت دیدن آنکس
در حجره آنحضرت استاد و اصلاح میکرد محاسن خود را و نظر کرد
در آن ظرف و بعد از آن بیرون رفت و چون بازگشت و
درآمد بخانه عایشه گفت بآنحضرت که یا رسول الله تو بهترین فرزند
آدمی و رسول پروردگار عالمی چون استادی و نظر کردی در ظرف

آب واصلاح کردی محاسن وموی سر خود را حضرت پیغمبر صلی الله
علیه وآله گفت که ای عایشه خدای تعالی دوست میدارد که چون
بیرون رود بنده مومن نیز دموَمن زینت کند خود را وتجمل
کند بلباس از ابی الحسن علیه السلام که گفت زینت
کردن برای زنان زیاده میکند پرهیزکاری ایشانرا لباس
نیکو رواینست از سفیان ثوری که گفت گفتم ابی عبدالله را
علیه السلام که روایت میکنی که علی ابن ابی طالب علیه السلام
لباس درشت می پوشید وتو لباس سفید خوب می پوشی حضرت
امام علیه السلام گفت که وای برتو بدرستیکه امیرالمومنین علی
علیه السلام در زمان عسرت ودشواری بود ولبس وقتی که در
زمان وسع باشد بهکان زمان سزاوارتر مد مجزهای خوب
کرده است امام حسن عسکری از امام رضا علیهما السلام
که گفت که حضرت یوسف علیه السلام دیباجی پوشیده وتنگ
زربفت می بست ودر تخت نشست وعدالت میکرد
که علی بن الحسین علیهما السلام دو جامه می پوشید در تابستان
که خریده بودند از برای آنحضرت بپانصد دینار درهم وفی پوشید
در زمستان جامه کجینه علم دار ومیفروخت در تابستان به پنجاه

دینار وتصدق میکرد بهای آنرا وروایتست از عبدالله بن سنان که گفت
که شنیدم از ابی عبدالله علیه السلام که می گفت که من درمیان طواف
بودم که مردی کشید جامه مرا چون متوجه شدم عباد البصری بود گفت
ای جعفر بن محمد می پوشی مثل این جامه وحال آنکه تو بجای امیرالمومنین علی
علیه السلام نشسته گفتم باو که وای برتو این جامه سفید را خریدم بیک
دینار وکسری وامیرالمومنین علی علیه السلام در زمانی بود واو را پوشیدن
آن جامه دران زمان واگر این نوع لباس درین زمان بپوشم مردمان
میگویند که این کس ریائی میکند مثل عباد از امیرالمومنین علیه السلام
که گفت که باید که زینت کنید از برای برادر مومن وقتی که بیاید نزد شما
همچنانکه زینت میکنید برای غریبی که دوست میدارد که ببیند ان
خوب شما را بهترین صورتی از ابی خداش المهری که گفت
که آمد نزد ما در بصره غلام رضا علیه السلام که نام او عبید بود وگفت
که آمدند طایفه از اهل خراسان نزد ابوالحسن علیه السلام وگفتند
باو که مردمان منکرند این لباس را که پوشیده حضرت امام علیه السلام
گفت بایشان که یوسف بن یعقوب پیغمبر بود و وید پدر وجد او
نیز پیغمبر بودند ودیباجی پوشیدند وتنگ زربفت می بست ومی
نشست ومجالس فرعون ومرتبه او پست نشد نزد خدای تعالی و

واجبست بر امام که وقتی که حکم کند عدل کند و هرگاه وعده کند بآن
وعده وفا کند و هرگاه سخن گوید راست گوید و خدا تعالی حرام کردا
نیده است حرام را خواه کم باشد و خواه بسیار کرده محمد
بن عیسی که یکی از ائمه علیهم السلام گفت که انها سنت میکنند از
دوستان من دوست میدارند که نشم بچشند و لباس درشت
بپوشیم و زمان اقتضای ان میکند بسیار جامه روا نیست
از اسحق بن عمار گفت که گفتم بابی عبدالله علیه السلام که ایا می تواند
بود که مومن را ده پیراهن باشد گفت بلی گفتم بیست می تواند بود گفت
بلی واین اسراف نیست و اسراف انست که جامهٔ کار ان تجمل میکنی
همیشه بپوشی از ابی اسحق از ابی عبدالله علیه السلام که ایا می
تواند بود که مومن را صد هزار جامه باشد گفت بلی از
اسحق بن عمار گفت که گفتم بامام موسی کاظم علیه السلام که اما
اگر مردی ده پیراهن داشته باشد اسراف گفت نی باک نیست پیراهن
بسیار داشتن نگاه میدارد جامها را لیکن اسراف انست که بپوشی
جامهٔ تجمل خود را در جائی که باک نباشد دعائی که در تجمل جامه پوشیدن
می باید خواند از معاویه بن عمار گفت که ابو عبدالله علیه السلام
در وقت جامه پوشیدن این دعا خواند اللهم اجعله ثوب یمن

برکة اللهم ارزقنی فیه شکر نعمتک وحسن عبادتک والعمل بطاعتک
الحمد لله الذی رزقنی ما استر به عورتی واتجمل به فی الناس
از ابو عبدالله علیه السلام که گفت که انکسی که خواهد که جامه نو بپوشد
باید که سی وشش نوبت انا انزلناه بخواند وچون برسد به تنزل
الملائکة وبعد از ان اندکی اب بردارد و بپاشد بعضی اب از ان
جامه و بعد از ان جامه دو رکعت نماز بگذارد و این دعا بخواند که الحمد لله
الذی رزقنی ما اتجمل به فی الناس واواری به عورتی واصلی فیه
از بی وحمد گوید خدا تعالی را پس هرگاه چنین کند همیشه فراخ رو
زی باشد تا انکه ان جامه کهنه شود که پرسیدند از ابی
جعفر علیه السلام که چون شخصی جامهٔ نو بپوشد چه دعا بخواند گفت بگوید
که بسم الله وبالله اللهم اجعله ثوب یمن وتقوی وبرکة اللهم ار
زقنی فیه حسن عبادتک وعملا بطاعتک واداء شکر نعمتک
الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی واتجمل به فی الناس
از کتاب زهد امیر المومنین علی علیه السلام که صالح ازرق روایت
کرده است از جد خود عمدان که ندیدم مردی که زهد و پرهیزگاری
او در دنیا بیشتر باشد و قیمت کردن او بپوشیدنش بیشتر باشد
از امیر المومنین علی علیه السلام بحق خدا که انحضرت نپوشید مگر دو

جامه تا انگ از دینار علت کرد و نمی پوشیدند دو جامه را در آن
روزها مگر مردم فرود روایت از علی بن ربیعه که گفت که دیدم در بدن
امیرالمومنین علی علیه السلام جامها گفتم با نحضرت که چیست این
گفت کدام جامه پوشنده درست عورت را و خشک کننده
تر است عرق را ازین جامه و روایت کرده است امام جعفر
صادق علیه السلام از پدران خود علیهم السلام و ایشان روایت
کرده است از امیرالمومنین علی علیه السلام که انکسی که راضی و قانع
نباشد از انچه کفایت کند او را هیچ چیز در دنیا کفایت نمیکند
او را روایت از عبد الاعلی مولای ال سام که گفت که گفتم با ابی عبد الله
علیه السلام که مردمان میگویند که ترا مال بسیاری است ابی عبدالله
علیه السلام گفت که بدی اید مرا این بدرستی که امیرالمومنین علی علیه
السلام گذشت روزی بر جماعت مردمان از قریش و پیراهنی
پوشیده بود که بسیار پاره بود انجماعت گفتند که علی را مالی نیست
امیرالمومنین علی علیه السلام شنید این سخن را پس فرمود انکسی را
که مال او را صدقه میداد که جمع کند خرمائی او را بفروشد و هیچ کس
را از ان خرمان ندید و بهای ان را نقد کند پس انکس جنس بین کرده
ان را نزد امیرالمومنین علی علیه السلام برد پس امیرالمومنین علی علیه

السلام ان زرها را بجای خرما نهاد و گفت با انکس که هر که خرما
طلب کند بالا ره دبزن پای خود را بان زر بطریقی که گویا تو قصد ان زر
نکردی تا انکه پراکنده شود و بعد از ان امیرالمومنین علی علیه السلام
انجماعت را طلبید پس انمرد رفت و پای خود را بان زرها زد و پرا
کنده ساخت ان زرها را انجماعت گفتند این چه زر است یا ابو
الحسن امیرالمومنین علی علیه السلام گفت که این مال انکسی است
که گمان شما این بود که او را مالی نیست چون انجماعت بیرون رفتند
گفت امیرالمومنین علی علیه السلام با صحاب خود که به اهل غنی که من
بفرستم این زرها با ایشان شما برسانید با ایشان پس گفت ابو
عبدالله علیه السلام که دوست میدارم که بگویند مردمان غیر این را
روایت از مختار تمار که گفت که شب بروضه او ردم در مسجد کوفه و حال
میگذشتم از بقالی که از اهل بصره بود روزی بیرون رفتم پس آواز کرد
مردی مرا و را و گفت لنگ خود را بالا کش بدرستی که جامه تو پاک تر میشد
و تقوی و پرهیزکاری تو زیاده میشود گفتم کیست این مرد گفتند
علی بن ابی طالب است علیه السلام در عقب انحضرت رفتم
و او متوجه بود بازار شتر چون بان بازار رسیدیم ایستاد و
و گفت ای جماعت بازرگان سوگند دروغ بدرستی

که سوکند دروغ کم میکند متاع را و میبرد برکت را بعد ازان ازانجا کذشت
و ببازار خرما فروشان رسید پس کنیزی میکریست نزد خرما فروشان
رسید پس کنیزی میکریست نزد خرما فروشی امیر المومنین علی علیه السلام
بآن کنیز کفت که چیست ترا ان کنیز کفت که من بنده مردم ولیشان
فرستاده اند مرا و یکدرم داده اند که از برای ایشان خرما بخرم چون خرما
خریدم نزد ایشان بردم قبول نکردند باز آوردم خرما نزد خرما فروش
و او قبول نمیکند انحضرت کفت بخرما فروش که بکیر این خرما
را و زر کنیز را باو بده خرما فروش قبول نکرد کسی بخرما فروش
کفت که این علی ابن ابی طالب علیه السلام پس خرما فروش
خرما را کرفت و زر را بکنیز داد و کفت که نشناختم ترا یا امیر المومنین
عفو کن مرا پس انحضرت کفت که ای جماعه بازرکان بترسید از خدا
تعالی و نیکو کنید خرید و فروخت خود را تا امرزیده شوم
ما و شما بعد ازان انحضرت کذشت ازین بازار و باران
شد پس نزدیک خانه رسید و اذن طلبید که با خانه در اید
صاحب خانه رخصت نداد و دور کرد امیر المومنین را کفت
انحضرت بقنبر که برون آر صاحب خانه و تازیانه بزن قنبر
چنین کرد بعد ازان امیر المومنین علی علیه السلام کفت بصاحب

منزل

منزل که ترا بجهة ان نزدم که مرا بخانه خود راه ندادی ولیکن بجهت
ان زدم که مسلمان ضعیف را منع بکنی و دور نکنی از خانه خود راه ندادی
ولیکن بعد ازان کذشت و امد ببازار کرباس فروشان پس رسید
بمردی که داغ داشت و کفت که ایا نزد تو دو جامه است که بهاء
ان پنج درهم باشد انمرد برجست و کفت یا امیر المومنین نزد من
هست انچه تو میخواهی چون انمرد شناخت انحضرت را انحضرت
ازو کذشت و رسید بغلامی و کفت ای غلام نزد تو دو جامه هست
که بهای ان پنج درهم باشد غلام کفت بلی امیر المومنین علی علیه
السلام دو جامه خرید ازان غلام یکی را بسه درهم و دیگری بدو درهم
ان جامه را که بسه درهم خریده بود بقنبر داد قنبر کفت یا امیر المومنین
تو باین جامه سزاوارتری بجهت انکه بر بالای منبر میروی و خطبه
میخوانی انحضرت فرمود که ای قنبر تو جوانی و ترا حرص جوانی هست
و من شرم دارم از پروردکار خود که فضل جویم بر تو جامه بهتر
را بپوشم و من شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و اله که کفت
که از انچه شما می پوشید بندکان خود را بپوشانید و از انچه خود میخورید
بایشان بدهید چون امیر المومنین علی علیه السلام جامه را پوشید دست
خود را دراز کرد و آستین جامه درازتر بود از انکشتان انحضرت کفت

که بگذارد که بجان باشد که بدرستی دینار زده و سکه زده و باین چیز باشد چه
نماید شد   از ابی بصیر که گفت که شنیدم از ابی جعفر علیه السلام که میگفت
که امیرالمومنین علی علیه السلام پیراهنی خرید بچهار درهم و پوشید از ا
و دست خود را دراز کرد پس آستین او دراز تر بود از انگشتان آنحضرت
گفت بخیاط که مقراض بیار خیاط مقراض آورد پس آنحضرت برید آستین
پیراهن را تا سر انگشتان و بعد از آن این دعا خواند که الحمد لله الذی کسانی
من الریاش ما استر به عورتی واتجمل به فی الناس اللهم اجعله ثوب یمن
وبرکت اسعی فیه لمرضاتک عمری واعمر فیه مساجدک و بعد از آن گفت
که شنیدم از حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله که میگفت که هرکسی که جامه
نو بپوشد و این دعا بخواند خدا تعالی گناهان او را بیامرزد دعائی که
منقولست از نجات که می باید خواند نزد پوشیدن زیرجامه است
اللهم استر عورتی وامن روعتی واعفف فرجی ولا تجعل للشیطان
فی ذلک ولا لی ذلک وصولا فیضع الی المکاید ویهیجنی لارتکاب
امام جعفر صادق علیه السلام از امیرالمومنین علی علیه السلام
که گفت که پیغمبران علیهم السلام پیراهن پیش از زیرجامه می پوشیدند
که زیرجامه را ایستاده و رو بقبله و روبمردم نمی باید پوشید
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت امیرالمومنین علی علیه السلام

روزی فقیرین شستم پس گفت این غم از کجا آمد میدانم که نشسته باشم برهنه
دری و رفته باشم در میان گوسفندان وایستاده زیرجامه پوشیده
باشم و دست و روی خود را بدامن خود خشک کرده باشم
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله که گفت که وقتی که جامه بپوشید
وضو کنید وابتدا بدست راست کنید   از امام جعفر صادق
علیه السلام که امیرالمومنین علی علیه السلام گفت که هرگاه بپوشاند خدا
تعالی مومنی را جامه نو می باید که وضو کند دو رکعت نماز بگذارد در
هر رکعتی فاتحه و قل هو الله و آیة الکرسی و انا انزلناه بخواند و بعد
از آن حمد گوید خدا تعالی را که بپوشانید عورت او را و زینت
داد او را در میان مردمان و بسیار بگوید لا حول ولا قوة الا بالله
بدرستی که چون چنین کند مادام که آن جامه را پوشیده باشد
گناه نکند و از برای او بعد هر رشته که در آن جامه هست فرشته طلب
امرزش و رحمت کند   از ابی عبدالله علیه السلام که گفت
که وضو کنید یا چیزی بیاشامید یا طعامی بخورید یا چیزی بپوشید و هر
کاری که کنید سزاوار است که بسم الله بگوئید و اگر نگوئید شیطان شریک
شما می شود در آن کار   که هرکسی که بگیرد فندقی را و در روی آب
کند و بر آن آب انا انزلناه سی و پنج نوبت بخواند و آن آب را

بیفشاند برجامه خود همیشه فراخ روزی باشد تا ان جامه کهنه شود و روایتست
که امام رضا پوشید قدح اب می طلبید و بران ده نوبت انا انزلناه
و ده نوبت قل هو الله احد و ده نوبت قل یا ایها الکافرون می
خواند و انرا بران جامه می پاشید و گفت که انکس که چنین کند همیشه
در فراخی و خوشی باشد مادام که ان جامه رشته باقی باشد
از زراره که گفت که شنیدم از ابو جعفر علیه السلام که میگفت که امیر المو
منین علی علیه السلام خرید در عراق پیرهنی در شش یا چهار درم و پید
استینها دا از تا رسید بسر انگشتان و کوتاه ساخت آن پیرهن
را تا نصف ساق چون پوشیدان پیرهن را حمد و ثنا ی خدا تعالی
گفت از ابن عباس که گفت حضرت رسالت پناهی
صلی الله علیه و آله که انکس که لنگ نیابد باید که زیر جامه بپوشد
وانکس که نعلین نیابد باید که موزه بپوشد در بالا کشیدن
جامه و پاک نگاهداشتن ان از اسحق بن عمار که گفت
ابی عبد الله علیه السلام که کمترین اسراف آنست که بر نزید ابی
را که ماده باشد در طرف و جامه تجمل را همیشه بپوشد و پیدا
زند دستار ما از اسحق بن عمار که گفت ابی عبد الله
علیه السلام که اسراف آنست که جامه تجمل خود را همیشه بپوشی

و روایت

و روایتست الحسن بن علی بن یقطین که گفت ابو جعفر علیه السلام
که جامه پاکیزه خوار میکرد اند دشمن را و روغن مالیدن می برد سختی را و شانه
کردن میبرد وبا را و می ساییدن کردن محکم میکند دندانرا از ابو
جعفر علیه السلام که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که شستن جامه
غم و اندوه را می برد و پاک کننده است از برای نماز و گفت خدای
تعالی که و ثیابک فطهر یعنی جامهای خود را پاک کردان حضرت
امیر المؤمنین علی علیه السلام فرموده که مراد از پاک کردانیدن
انست که بالا کشد جامه را ابو جعفر از پدران خود علیهم
السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که انکسی که جامه بپوشد
باید که پاک نگاه دارد جامه را از ابو جعفر علیه السلام که گفت
که قول خدا تعالی و ثیابک فطهر یعنی وارد که جامها خود را بالا کش
و بر زمین مکش از ابو جعفر علیه السلام که قول خدا تعالی
که و ثیابک فطهر یعنی وارد که جامهای خود را کوتاه کن
در بیان پوشیدن انواع لباس و اختلاف رنگهای آن در بیان
پوشیدن جامه سفید روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که گفت
امیر المؤمنین علی علیه السلام که بپوشید جامها که از پنبه باشد بدرستی
که این لباس رسول خدا تعالی و آله و لباس ماست و نی ما که اهل بیتیم

بالاپوشی پوشیده بودم چند بدن درستی یعتقد بره را پوشانید ای مالالو
بهمن و نفقه نام زنیست که آنحضرت بنکاح خود آورده بود بعد از آن حضرت
امام علیه السلام گفت که نماز نمیگذارم در این جامه پس باید که شستم تا
بگذارم به در جامه سرخ بعد ازین واقعه نزد حضرت امام رفتم و از احوال
نفقه پرسیدم آنحضرت گفت او را طلاق دادم بجهت آنکه وقتی با او خلوت
کرده بودم معلوم شد که او دشمن امیرالمؤمنین علیه السلام بود و نتوانستم
که بنکاح دارم او را و حال آنکه او دشمن امیرالمؤمنین علی علیه السلام
از حکم بن عیینه که گفت که دیدم ابی جعفر علیه السلام که ملحفه سرخ نمود نظر کردم
در آن حضرت حضرت امام علیه السلام گفت که ای ابو محمد پوشیدن بالای رنگ
و بعد از آن این آیت را خواند که قل من حرم زینة الله التی اخرج لعباده
والطیبات من الرزق یعنی بگو ای محمد که کی حرام کرده زینت
آرایشی که خدا تعالی مقرر فرموده است یعنی جامه های رنگارنگ
و آرایشی که بمحض قدرت بیرون آورده برای بندگان خود از نباتات
چون کتان و پنبه و از حیوانات چون خز و حریر و ابریشم و امثال آن و نعمت
روزی حلال از خوردنی و آشامیدنی پوشیدن لباس کبود
و عدسی کبود و سبز از حسن بن زیاد که گفت که دیدم ابی عبدالله
جعفر را علیه السلام که بالاپوشی کلگون پوشیده بود از محمد

بن علی علیه السلام که گفت که دیدم ابوالحسن را علیه السلام که جامه عدسی
پوشیده بود که روایت کرده است سلیمان بن رشید از پدر خود که گفت که
دیدم بر دوش ابی الحسن علیه السلام ردای کبودی از ابی العلا
که گفت که دیدم ابی عبدالله را علیه السلام که جامه سبزی پوشیده در وقتی
که احرام حج بسته بود از ابان بن تغلب که گفت که رفتم نزد ابی عبدالله
علیه السلام در روزی که آخر ماه رمضان بود بعد از عصر حضرت امام علیه
السلام گفت یعنی که ای ابان جبرئیل علیه السلام فرود آمد نزد حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و سلم در روز آخر رمضان بعد از عصر و چون متوجه آسمان شد
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و سلم و آله طلب کرد حضرت فاطمه را علیها
السلام و فاطمه علیها السلام برکابی شنید که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله او را
طلب کرده قبول نمیکرد پس حضرت فاطمه رضی الله عنها رفت نزد آنحضرت
و بر دوش او بود که نصف او را در میان بسته و نصف دیگر را بر سر خود انداخته
بود پس گفت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و سلم و آله حضرت فاطمه علیها السلام
را طلب کن که امیرالمؤمنین علی را علیه السلام حضرت فاطمه طلبید امیرالمؤمنین
علی را علیه پس حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گرفت دست امیرالمؤمنین علی را به دست
راست خود و بعد از آن دست امیرالمؤمنین علی را علیه السلام گرفت و در کنار خود
نهاد و گرفت دست حضرت فاطمه را بدست چپ خود و دست او را گرفت و در کنار خود نهاد

و بعد از آن گفت با امیر المؤمنین علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام
که آیا خبر دهم شما را که خبر داد مرا جبرئیل علیه السلام گفتند بلی یا رسول الله
آنحضرت گفت که خبر داد جبرئیل علیه السلام که من از جانب راست عرش
خواهم بود روز قیامت و خدای تعالی خواهد پوشانید مرا دو جامه یکی
سبز باشد و دیگری سرخ و تو هم یا علی جانب راست عرش خواهی بود
و خدای تعالی ترا دو جامه خواهد پوشانید یکی سبز و دیگری سرخ و تو ای
فاطمه تو نیز از جانب راست عرش خواهی بود خدای تعالی تو را نیز دو جامه
خواهد پوشانید یکی سبز و دیگری سرخ ابان بن تغلب روایت کند که گفتم با ابی عبد الله
علیه السلام که فدایت گردم بدرستی که کراهت دارند جامه سرخ را حضرت
امام علیه السلام گفت که ای ابان حضرت حق سبحانه و تعالی چونکه حضرت عیسی را باسمان
برد او را در بهشت بجائی برد که جنتا و غرفه بود و پوشانید با او دو جامه یکی سبز و دیگری
گلگون گفت ابان که فدایت گردم خبر ده مرا از قرآن حضرت امام علیه السلام
گفت ای ابان خدای تعالی میگوید فاذا انشقت السماء فکانت وردة کا
الدهان یعنی وقتی که آسمان شکافته شود برای فرود فرشتها پس برنگ گل سرخ
گردد ادیم سرخ فصل در بیان جامه خز و حله و غیر آن در بیان پوشیدن جامه
خز و خز حیوانیست که در دریا می باشد و از موی او جامه میسازند و گوشت آنرا
نیز خز میگویند روایتست از عبد الله بن سلیمان که گفت که شنیدم از ابی عبد الله

که علی بن الحسین را علیه السلام زود سرما در می یافت و او می خرید جامه
خز را بهزار درهم یا بپانصد درهم و چون زمستان بسر میرفت می فروخت
آن جامه را و بهای آنرا تصدق میکرد و هیچ جامه خود را نمی فروخت غیر خز
روایتست از قتیبه که گفت که گفتم با ابی عبد الله علیه السلام که ما می پوشیم جامه خز را که
تار او ابریشم است حضرت امام علیه السلام گفت که باکی نیست پوشیدن جامه ابریشمی
وقتی که با ابریشم چیزی دیگر باشد روایتست که رسید شخصی بحضرت امام حسین علیه السلام
و آنحضرت جامه خز پوشیده بود که تار آن ابریشم بود گفت با آنحضرت که ای
پوشیم این لنگ ابریشمی را و پشم آن میت است حضرت امام علیه السلام گفت
در پشم روح نمی باشد آیا نمی بینی که پشم را می برند و می فروشند و آن حیوان زنده است
و بر بط [illegible] از مردم اند روایتست که امام حسن عسکری علیه السلام گفتند که
علی نقی امام زین العابدین علیه السلام دو جامه خز پوشیده و در تابستان آن دو جامه را
میفروختند و برای آنحضرت بپانصد درهم و خز پوشیده در زمستان ردائی
از خز و میفروخت آنرا در تابستان به پنجاه دینار و تصدق میکرد بهای آنرا
روایتست از محمد بن سعد که گفت ابی عبد الله علیه السلام که پدر من می پوشید
جامه خز را آنحضرت گفت بحضرت امام علیه السلام که کاشکی آن جامه را فروختی
و بهای آنرا تصدق کنی حضرت امام علیه السلام چون بفروشم جامه را
که نماز میگذارم در آن روایتست از عبد الرحمن که گفت که رسید مردی با آبا

عبدالله را علیه السلام از پوست خز و من حاضر بودم ابو عبدالله علیه السلام
گفت باکی نیست بپوشیدن آن گفتم آن خز و بابی عبدالله گفتم فدایت شوم کردم این
خز در شهرهای ما می باشد و آن سگ آبی است که از آب بیرون می آید گفت
ابو عبدالله که هرگاه از آب بیرون می آید زنده می ماند در خشکی گفتم بلی گفت
حضرت علیه السلام گفت باکی نیست بآن ومن حدیث از کتاب زهد امیر المؤمنین
علی علیه السلام که روایت کرده است علی ابن عمران که بیرون رفت حسین
بن علی را امیر المؤمنین علی علیه السلام دید که پیراهنی از خز پوشیده بود و
طوق طلا در گردن داشت گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که اینها پسر منست
گفتند بلی امیر المؤمنین علی علیه السلام طلبید حضرت امام حسین را علیه السلام
و پاره کرد پیراهن را بر تن آن و گرفت طوق را و پاره کرده ومن حدیث پوشیدن حله
روایتست از معلی بن خنیس که ابو عبدالله علیه السلام گفت که آوردند نزد
امیر المؤمنین علی علیه السلام چند حله و در میان آن حلهها یک حله نیکو بود که حضرت
امام حسین علیه السلام قبول نکرد و گفت بجای آن دو حله بتو میدهم امام حسین
علیه السلام قبول نکرد و گفت این حله بهتر از آن هر دو است امیر المؤمنین
علی علیه السلام گفت چهار حله بتو بدهم تا آنکه به پنج حله رسانید امام حسین
قبول نکرد امیر المؤمنین آن پنج حله با امام حسین داد و گفت با امام حسین
علیه السلام [illegible] می پوشی این پنج حله را و مردمان را نگو شنید که پسر امیر المؤمنین

علی علیه السلام

۶

علی علیه السلام پنج حله می پوشد و ضایع و چرکین میکند و حال آنکه پنج حله
بپنج حله می پوشیم فصل [illegible] در بیان پوشیدن جامه ابریشمی روایت
کرده است امام جعفر صادق علیه السلام از پدر خود که گفت که آمد اسامه
بن زید نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و جامه ابریشمی پوشیده بود
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که این لباس کسی است که او را نصیب
از آخرت نیست و بعد از آن آنحضرت گفت که پاره کن این جامه را اسامه
پاره کرد آن جامه را و مقنعه زنان خود ساخت ومن حدیث از ابی عبدالله
علیه السلام که نیکو نیست مرد را که جامه ابریشمی پوشد ومن حدیث از کتاب
زهد امیر المؤمنین علی علیه السلام گفت علی بن عمران که بیرون رفت
حسین بن علی علیهما السلام و امیر المؤمنین علی ع در صحن مسجد بود امام
حسین علیه السلام پیراهن خز پوشیده بود تا آخر روایت که از پیش گذشت و غرض
از نقل روایت درین مقام آنست که پوشیدن جامه خز جایز نیست ومن حدیث
از عمرو [illegible] السکونی که گفت که آوردند نزد امیر المؤمنین علی علیه السلام
اسپ [illegible] تا آنکه آن حضرت سوار شود چون امیر المؤمنین علی
علیه السلام پای خود را در رکاب نهاد و گفت بسم الله چون دست
خود را بر زین نهاد و دست آنحضرت لغزید گفت آیا در میان آنها
زین دیباست شخصی گفت بلی امیر المؤمنین علی علیه السلام سوار نشد

چون دانست که دیبا است و در بیان پوشیدن جامهای مصری که در آن
ابریشم باشد و غیر آن حدیث از داود بن سرحان که گفت ابی عبدالله
علیه السلام که امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود که منع کرد حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله مرا از پوشیدن جامهای مصری که در آن ابریشم
باشد و یا انگشتری طلا در دست کردن یا سوار شدن بر زینی که
بالش سرخ داشته باشد یا قرآن خواندن در رکوع و نمیگویم که منع
کرد شما را از اینها فصل هشتم در بیان تکبر و تواضع کردن بجهت جامها
و پوشیدن جامه درشت حدیث تکبر کردن بجهت جامها روایت است از عبدالله
هلال که گفت فرمود مرا ابی عبدالله علیه السلام که حکم کرم از برای تو فوطه
که لنگ کنی گفتم با آنحضرت که نمییابم مگر فوطه کشادی گفت ابو عبدالله
که ببر پاره از آن فوطه و کناره او را بدوز پس ابی عبدالله علیه السلام گفت
که جدم فرموده که آنچه از جامه در گذرد از کعبین در دوزخ است حدیث
عبدالله بن هلال از ابی عبدالله مثل این روایت کرده است و گفت آنچه در گذرد
از کعبین از دو جامه در دوزخ است و گفت ابو اسحاق الشیعی که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله فرمود که بپوش لنگی که تا نصف ساق باشد یا کعبین و بیرا ...
فرو گذاشتن لنگ آن قدر که بگذرد از کعبین بدرستی که فرو گذاشتن لنگ
از تکبر است و خدای تعالی دوست نمیدارد تکبر را و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه

واگر فرو گذاشتن دز جامه بیرون و دست بیرون باشد و آنکس که تکبر کند
یکی از اینها را بر روی زمین از روی تکبر نظر نمیکند خدای تعالی باو در روز قیامت
حدیث از کتاب زهد امیرالمؤمنین علی علیه السلام که گفت ابی مطر
که امیرالمؤمنین علی ع روزی گذشت بر من و پسر عم من نزد من از جوب و گفت
بالا کش جامه خود را پاکتر خود تا سوده نشود بجهت کشیدن بر زمین پس گفت پسر عم
که کیست این کس گفتم فرزند پسر عم مرا امیرالمؤمنین علی علیه السلام گفت که من هم گویم
که بالا کش جامه خود را پاکتر خود را تا سوده نشود پس امیرالمؤمنین علی ع تغیر
کرد که چرا حمایت نکردی مرا یعنی که این شخص حمایت کرد پسر عم خود را
حدیث از جابر که گفت ابو جعفر علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمود که بوی بهشت را در مییابند از هزار ساله راه و درنمییابد بوی بهشت کسی
که لنگ خود را بر زمین از روی تکبر و بزرگواری کشد و بزرگواری در سلطنت
مگر خدای تعالی را که پروردگار عالمیانست حدیث از ابی عبدالله علیه السلام
که گفت از پدر خود که گفت که حق سبحانه و تعالی دشمن میدارد کسی را که تکبر کند
در فرو گذاشتن لنگ خود را المقدار که از کعبین بگذرد و کسی را که بدیع دهد
متاع خود را بدیع حدیث از ابی عبدالله علیه السلام که گفت از پدر خود
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که سه کس اند که سخن نمیگوید خدای تعالی
با ایشان در روز قیامت و پاک نمیگرداند ایشان را از عملهای بد که گذرانده

و نکند در ایشان را عذاب دردناک یکی آنکس که فرو گذارد دامن خود را
از روی عظمت و بزرگی و دیگر آنکس که مدح کند متاع خود را به دروغ و
دیگر آنکس که اظهار محبت کند و دلش پر عداوت و کینه باشد حدیث
از ابی عبدالله علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود
که وقتی که تغافل کنند امت من یکی از ایشان سوال کنند و فرو گذارند
جامه‌های خود را و راه روند از راه تکبر پس کند بخورد خدای تعالی بعزت
و جلال خود که بترسانم بعضی از امت خود را از بعضی حدیث از ابی عبدالله
علیه السلام از پدر خود که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که آنکه
راه رود از روی تکبر لعنت می‌کند زمین او را حدیث از بشیر نبال
که گفت که روزی در مسجد بودم با ابوجعفر علیه السلام پس گذشت بر ما مردی
سیاهی کرده حله پوشیده بود یکی را الفک کرده بود و دو یکی را
سر آزاد او از روی تکبر میرفت گفتم من با ابوجعفر علیه السلام که فدایت شوم
کردم این مرد درویش است حضرت امام علیه السلام باز گفت این مرد جبار
است جبر نامی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وصیت کرده است که گفته
ابوذر غفاری را رحمة الله علیه ابیت که بودند بیشتر کسانی که به دوزخ می‌روند متکبر
مردی گفت یا رسول الله آیا هیچ کس باشد که از تکبر خلاص شود حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت بلی آنکس که پشمینه بپوشد و بر درازگوش

[illegible]

سوار شود و گوسفند را بدوشد و با مسکینان و درویشان نشیند از تکبر
خلاص میشود ای ابوذر آنکسی که بردارد متاع خود را که از بازار خریده است
از تکبر خلاص میشود ای ابوذر آنکسی که بکشد جامه خود را بر روی زمین
از تکبر نظر نمیکند خدای تعالی با او در روز قیامت ای ابوذر لنگ مرد
تا نصف ساق او می‌باید و باکی نیست اگر تا میان ساق و کعب باشد
و آنچه پایین تر است از کعب در آتش دوزخ خواهد بود ای ابوذر
آنکسی که کوتاه کند جامه خود را از برای رضای خدا خلاص می‌شود
از تکبر فصل در تواضع کردن در لباس حدیث از ابی عبدالله
علیه السلام که گفت علی بن الحسین علیهما السلام روزی بیرون آمد که
جامه نیکو پوشیده بود پس باز گشت و به منزل خود رفت و گفت کنیزکی
را که جامه که پیشتر پوشیده بودم بمن ده که بپوشم که من چنان دیدم جامه‌ها
نیکو را رفتم که گویا من علی بن الحسین نبودم حدیث که هرگاه علی بن
الحسین صلوات علیهما راه میرفت دستهای خود را پیش انداخته و پیش خود نمی‌جنبانید
و کتفهای خود را نمی‌جنبانید حدیث از ابی عبدالله علیه السلام که گفت
هرگاه کسی جامه نرم بپوشد باید زهد و تواضع کند حدیث از حسین الصیقل که گفت
که آرزو بسوی ما ابوعبدالله علیه السلام جامه را که امیرالمؤمنین علی علیه السلام
پوشیده بود در حالت وفات پس دراز اورا وجب کردم دوازده

وجب بود آستینها او و نیم وجب بود و میان او شش وجب بود
از ابی جعفر علیه السلام که گفت بجماعتی از شما امیر المؤمنین علی علیه السلام
میخرید دو پیراهن درشت و بعد از آن میگفت بغلام خود که هر کدام
که میخواهی بردار یکی را غلام برمیداشت و میپوشید و دیگری را آنحضرت
میپوشید و هرگاه آستین پیراهن از سر انگشتان آنحضرت در می
گذشت زیادتی را میبرید و هرگاه از کف دست آنحضرت در میگذشت
و از سر انگشتان در نمیگذشت میگذاشت از اجال خود
از زراره رضی الله تعالی عنه که گفت که شنیدم از ابی جعفر علیه السلام
که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام خرید در عراق پیراهنی درشتی
بچهار درهم و برید آستینها از آنها تا بر سر انگشتان و دامن پیراهن
تا نصف ساق آنحضرت بود چونکه پوشید آن پیراهن حمد و ثنای
حق تعالی گفت و فرمود که آیا نمیبینم این جامه را گفتم بلی یا امیر المؤمنین
پس آنحضرت طلب نمود آن جامه را آستینهای او سه وجب بود و میان
او سه وجب و درازی او شش وجب [illegible] از کتاب زهد
امیر المؤمنین علی علیه السلام که روایت کرد اصبغ بن نباته که رفتیم
با امیر المؤمنین علی علیه السلام تا آنکه ببازار خرما فروشان رسیدیم
امیر المؤمنین علی علیه السلام با اهل آن بازار گفت که [illegible]

که ازیک

که از یک نوع نیست و بعد از آنجا گذشت و ببازار برده فروشان
رسید و گفت بخرید بجهت وطی کردن کنیزان نجیبه و بعد از آنجا گذشت
تا آنکه رسید ببازار ماهی فروشان و گفت با ایشان که مفروشید از
انواع ماهی جری و مار ماهی و طافی را که ماهیست که در آب مرده
و بعد از آنجا گذشت ببازار بزازین و دار بزازین نام محله ایست در بحرین
و دو جامه را خرید از یک کرد از هر دو یکی و قنبر با آنحضرت بود امیر
المؤمنین علیه السلام گفت بفروش دو جامه بمن ای مرد گفت
یا امیر المؤمنین نزد من هست آنچه میخواهی چون آنحضرت دانست که
شناخت آنمرد او را بازگشت و از او جامه نخرید و رفت تا آنکه
آمد نزد غلامی و گفت با آن غلام که دو جامه بمن بفروش آن غلام
مضایقه کرد در بهای جامه تا آنکه بهای هر دو جامه را بهفت
درهم رسانیدند یکی را بچهار درهم و دیگری را به سه درهم پس گفت
امیر المؤمنین علی علیه السلام بقنبر که یکی از این جامه اختیار کن قنبر
برداشت آن جامه را که بچهار درهم خریده بود و گفت الحمد لله
الذی کسانی ما اواری بعورتی و اتجمل فی خلقه و بعد از آن
آمد بمسجد اکرم و توده کرد از پاره ریگ و نشست خود را بر آن ریگها
نهاد پس آمد پدر آن غلامی که امیر المؤمنین علی علیه السلام از او

[illegible] ماهی [illegible] نام ماهیست

جامه خریده بود و گفت که پسر من ترا نشناخت و دو درهم زیاده گرفت
از بهای آن دو جامه که بشما فروخته است بگیر این دو درهم را امیرالمؤمنین علی
علیه السلام گفت نمی‌گیرم دو درهم را بجهة آنکه مبالغه و مضایقه کردیم در خرید
و فروخت و هر دو بایش بها راضی شدیم. از ابی سعید که گفت
که دیدم امیرالمؤمنین علی را علیه السلام که بیرون رفت از شهر نزدیک او
رفتم و سلام کردم بر آنحضرت و آن حضرت دست مرا گرفت با خود آورد
و خرید از آنجا پیراهن درشتی بسه درهم و پوشید آن را و آستین آن پیراهن
برابر دست آنحضرت بود. از ... که گفت که دیدم امیرالمؤمنین
علی علیه السلام را که لنگ خود را بالای ناف بسته بود و آن لنگ تا نصف
ساق آنحضرت بود و در دست آنحضرت دره بود و میگردید در بازارها و میگفت
که پرهیزکاری کنید و بترسید از خدای تعالی و کم فروشی ... میکرد
ایشان را از روی که گویا تعلیم میکرد اطفال را. از جمیع که گفت امیرالمؤمنین
علیه السلام بیرون آورد شمشیر خود را و گفت کیست که بخرد این شمشیر را
و اگر پیراهنی میبود شمشیر را در گرو نمیکردم پس شمشیر را بسه درهم در گرو کرد
و خرید پیراهن کرباسی که آستین آن پیراهن تا نصف ساق آنحضرت بود
و دامن آن تا نصف ساق پای آنحضرت بود. از عبدالله بن ابی الهذیل
که گفت که دیدم امیرالمؤمنین علی را علیه السلام که پیراهنی پوشیده بود که هرگاه

که میکشید

که میکشید طرف آستین را بناخن آنحضرت میرسید و هرگاه میگذاشت تا سر دست
آنحضرت بود. روایت کرده ابی الاشعث العبری از پدر خود که گفت که دیدم
که امیرالمؤمنین علی را علیه السلام در آب فرات روز جمعه غسل کرد بعد از آن
خرید پیراهن کرباسی بسه درهم و نماز جمعه گذارد در آن پیراهن و بدوخته
نبوده گریبان آن پیراهن را. روایت کرده است سالم بن مکرم از ابی عبدالله
علیه السلام که گفت که امیرالمؤمنین علی علیه السلام سه جامه خرید بیک دینار
پیراهنی که تا بالای کعب آنحضرت بود و لنگی که تا نصف ساق بود و ردائی
که از پیش تا سینه بود و از پس تا پشت کاوه پوشیده و بعد از آن حمد میگفت
خدای تعالی را تا آنکه بمنزل خود در آمد پس گفت باهل فرزند که این لباسیست که سزاوار است
که بپوشیم ما اما نمیتوانم بپوشم پوشیده درین زمان بجهة آنکه اگر بپوشیم
میگویند که دیوانه است یا بجهة ریا پوشیده و هرگاه صاحب الزمان ظهور کند این لباس
خواهد داشت و دنیا را عبارت از یکمثقال طلاست. از هشام
بن سالم که گفت که هرگاه که فرود آید یکی از شما بمنزل باید که بپوشد جامه کهنه
خود را یا جامهای درشت خود را بدرستی که هرگاه که فرود آید برادری بکه و در دل
او هیچ کره نکرده باشد خدا تعالی بسا فرزند او با عبدالله بن یعفور گفت که حد کبر
چیست حضرت امام علیه السلام گفت که حد کبر آنست که کسی نظر کند بخود وقتی که
جامه خوب پوشیده باشد و خواهد که مردمان به بینند آن جامه را در بدن او و بعد از آن

حضرت امام علیه السلام خواند این آیت بل الانسان علی نفسه بصیرة یعنی
آدمی بر لحظه در نفس اوست و امانت باید که آنچه بد است نکند از ابن سنان
که گفت ابو عبدالله علیه السلام که بود پدر مرا دو جامه درشتی که در آن نماز میکرد و
در گاه میخواست که از خدای تعالی حاجت بطلبد آن دو جامه را می پوشید و از
خدای تعالی حاجت می طلبید پیوند کردن جامه از طلحة بن زید
که ابی عبدالله علیه السلام گفت که روزی خطبه خواند امیر المؤمنین علی علیه السلام
و پوشیده بود لنگی که از کرباس درشت بود که پیوند کرده بود [illegible]
کسی گفت با آنحضرت که این چه جامه است فرمود امیر المؤمنین علی علیه السلام که پوشیدن
این جامه موجب تواضع و فروتنی است و بجهت این پوشیده ام که مؤمنان
متابعت و پیروی ما کنند که چون عبدالله بن عباس مال از بصره
آورد و مالی در آمد بکوفه و امیر المؤمنین علی علیه السلام را دریافت آنحضرت
در بازار ایستاده بود و فریاد میکرد و بنفس نفیس خود میگفت که ای گروه
مردمان آنکس که بدانیم ما که بعد از امروز چیزی دزدید و ما را چیزی میفروشند
بزنیم او را باین دره چیزی و بساع ما را ماهی نوعیست از ماهی که پولک
ندارد و طافی ماهی را میگویند که در آب مرده باشد ابن عباس گفت که
سلام کردم بر حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام پس آنحضرت جواب سلام من داد
و گفت ای ابن عباس چه کردی مال را گفتم یا امیر المؤمنین نزدیک [illegible]

که مال آوردم بعد از آن شخصی آمد نزد امیر المؤمنین علی علیه السلام و بان شخص
شمشیری بود که امیر المؤمنین علی علیه السلام باو داده بود که بفروشد آن شخص گفت که
که این شمشیر را بخرد پس امیر المؤمنین علی علیه السلام گفت که اگر در بیت المال
مسلمانان بهای مسواکی می بود نمیفروختیم این شمشیر را پس فروخت آن شمشیر را

بهفت درهم

بهفت درهم و خرید پیراهنی بچهار درهم که گریبان آن را اشتری بود و دو درهم را
تصدق کرد و یک درهم قرآنه روز مهمانی کرد از زید بن بشر
که گفت که روزی امیر المؤمنین علی علیه السلام شمشیر خود را بیرون آورد و گفت
که کیست که بخرد شمشیر مرا اگر مرا بهای لنگی می بود نمیفروختیم این شمشیر را
از فضل بن کثیر که گفت که دیدم ابی عبدالله را علیه السلام که جامه کهنه
پوشیده که پیوند داشت پس نظر کردم بسوی آنحضرت گفت آنحضرت بمن که چه
نظر میکنی بمن نظر کن درین کتاب پس آنحضرت کتابی بمن داد پس نظر کردم در آن کتاب
نوشته بود که جامه نو نیست کسی را که جامه کهنه ندارد و در روایتی دیگر واقع است
که امیر المؤمنین علی علیه السلام لنگی کهنه پوشیده بود که پیوند کرده بود آنرا
کسی گفت که چیست این آنحضرت گفت پوشیدن این جامه موجب تواضع و فروتنی
است و خوار میکند نفس را و بجهت آن می پوشم این جامه را که مؤمنان بمتابعت
ما نمایند جامهای میانه در طاقیت از حماد بن عثمان که گفت
که گفتم ابی عبدالله را علیه السلام که مردی که مال بسیار داشت و جامهای نیکو

می پوشید او را اسباب بسیار بود بعد از آن مال او تلف شد و حال او متغیر شد
و نمی خواهد که دشمنان خوشحالی کنند و شفقت اسباب خوب بهم می رساند
حضرت امام علیه السلام گفت باید که نفقه کند آن کسی که مال دارد به قدر
وسع و آن کسی که تنگ روزی است باید که نفقه کند از آن چیزی که خدای تعالی
با و داده است به قدر حال خود و شفقت بکند در بهم رسانیدن اسباب از
پوشیدن جامه پشمینه و جامه درشت حدیث از محمد بن حسین بن کثیر که گفت که دیدم
ابی عبدالله علیه السلام که جبه پشمینه پوشیده بود میان تن و پیراهن درشتی
گفتم با آنحضرت که این جبه چیست آنحضرت گفت که دیدم پدر خود را که پوشیده بود
جبه پشمینه به این طریق و ما هرگاه می خواهیم که نماز کنیم می پوشیم درشت ترین جامه ها
خود را حدیث از معمر بن خلاد که گفت که شنیده ام از ابوالحسن علی بن موسی الرضا
علیهما السلام که میگفت که بحق خدا که اگر من متکفل امر خلافت می شدم دایم
طعام ابدا می خوردم و دایم و دایم جامه نیکو نمی پوشیدم و دایم به راحت و
خوشی نمی بودم و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصیتی که کرده است
ابی ذر غفاری را که ای ابا ذر من می پوشم لباس درشت را و می
نشینم بر روی زمین و می لیسم انگشتان خود را در وقت طعام خوردن
و سوار می شوم بر درازگوش بی زین و کسی را در ردیف خود می نشانم
پس آنکسی که نخواهد سنت مرا و متابعت و پیروی من نکند از دوستان
و محبان من نیست ای ابا ذر که بر جامه های درشت بپوش که باعث حاجت های نرم

ابا ذر

ذلک تا آنکه فخر بتو راه نیابد حدیث از امالی شیخ ابو جعفر علیه الرحمة
ابن بابویه رحمة الله علیه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده است که
پنج چیز را نمی گذارم تا وقتی که از دنیا رحلت کنم تا آنکه اینها سنت باشد
بعد از من چیزی خوردن بر روی زمین با بندگان و سوار شدن بر درازگوش
پالان دار و دوشیدن بز به دست خود و پوشیدن پشمینه و سلام کردن
بر اطفال منقول است از کتاب فردوس که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
که جامه پشمینه بپوشید و سیر مخورید به درستی که این جزویست از پیغمبری که گفت
رسول خدا صلی الله علیه و آله جامه پشمینه و جامه کوتاه بپوشید و سیر
مخورید تا آنکه مرتبه بلند شود منقول است از کتاب محاسن که گفت که دور
کرد برد ابی عبدالله علیه السلام که راهی گفته که لباسی می پوشد سفید از
علیه پس اهل مصیبت حضرت امام علیه السلام گفت هیچ مصیبت بزرگتر از
از مصیبت دین منقول است از کتاب فردوس که حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله گفت بر شما باد که پشمینه بپوشید تا بیابید حلاوت ایمان را و کم
بخورید تا آنکه در آخرت معروف و مشهور شوید به درستی که نظر کردن در لباس
پشمینه موجب تفکر است و تفکر موجب حکمت و حکمت روان میشود در
دل های شما مانند خون فصل ششم در کراهیت لباس شهرت و سنگین
در لباس در لباس لباس شهرت روایت از ابی عبد الله که گفت

که کافیست مرد را در رسوائی این که بپوشد لباسی یا سوار شود بر اسبی که
که موجب شهرت شود و در حدیث از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که حق تعالی
دشمن میدارد لباسی را که موجب شهرت شود و در حدیث از عباد بن کثیر البصری
نزد ابی عبدالله علیه السلام آمد و لباس شهرت پوشیده بود حضرت امام علیه السلام
گفت ای عباد این چه جامه است ابو عبدالله علیه السلام ایا ابا عبدالله
عیب میکنی مرا الجبة پوشیدن این جامه ابو عبدالله علیه السلام گفت بلی زیرا که
حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله فرموده است که هر که بپوشد لباس شهرت
بپوشد در دنیا خدا تعالی او را لباس خواری بپوشاند در روز قیامت
عباد گفت بحضرت امام که کی خبر داد ترا باین حدیث آنحضرت گفت که ای
عباد شک درین سخن داری سوگند بخدا که خبر داده مرا باین حدیث پدرانم
از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و در حدیث از امیر المؤمنین علی علیه السلام
که گفت که نیست چیزی دشمن تر نزد خدای تعالی از پوشیدن لباس شهرت
و در حدیث که امیر المؤمنین علی علیه السلام میفرمود که جامه نو را در اول
فروجی بر ردند و بعد از آن جمعی پوشیده و در بیان پوشیدن قناع و قناع روپای
بزرگست که مرد آن بر سر می اندازد و در حدیث از عبدالله بن وضاح که گفت
که دیدم امام موسی را علیه السلام که نشسته بود در پس خانه کعبه و قناع بر سر خود
انداخته بود و بیرون آورده بود گوشهای خود را از قناع و در حدیث

از ابی عبدالله علیه السلام که پوشیدن قناع در شب زینت است و در حدیث
از عبدالله بن ولید بن صبیح که گفت که درخواست کرد از من شهاب بن عبد ربه
که طلب رخصت کنم از برای او که در آید نزد ابی عبدالله علیه السلام که رفتم
نزد ابی عبدالله و طلب رخصت کردم او را از آنحضرت و او قناعی
بر سر خود داشت و بالشی آوردیم و انداختیم از برای
او و او بر آن بالش نشست پس ابو عبدالله علیه السلام گفت که بینداز
قناع خود را ای شهاب بدرستی که قناع در شب زینت است و در روز
ذلت و خواریست پس شهاب انداخت قناع خود را و در حدیث
از ابی عبدالله علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که علی بن ابی طالب
علیه السلام گفت که قناع در شب زینت است و در روز خواری
و ذلت است در بیان حمایل کردن و در حدیث که مردی حمایل کرده بود
لنگی را بر بالای پیراهن یکی از ائمه معصومین صلوات الله علیهم
فرمود اجتناب کن بدرستی که این منکر است و در حدیث از محمد بن مسلم
که گفت که ابی جعفر علیه السلام مکروه میداشت که حمایل کنند لنگی را بالای
پیراهن و گفت که این کار منکر است و در حدیث از ابی عبدالله علیه السلام که
که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده که نهی میکنم امت خود را از اشتمال
صماء و اشتمال صماء آنست که لنگ را بر دوش خود اندازد و هر دو طرف

زیر بغل بیرون آورند و هر دو را بر یک کتف اندازند روایت است از ابو عبد الله
علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که منع میکنم امت خود را
از گشودن بندهای قبا و از برهنه کردن رانها در پوشیدن کفشها نشسته
منقول است از کتاب مجمع البیان که گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که آمد رسول صلی الله علیه و آله نزد حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت فاطمه
جامه پوشیده بود از پشم شتر و بدست خود آرد میکرد و شیر میداد فرزند خود را
پس حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه را چنان دید و گریه کرد و فرمود
ای دختر من زود باشد که تلخی دنیا بشیرینی مبدل شود و حق سبحانه و تعالی فرستاده است
این آیت را خدای تعالی در شان من که ولسوف یعطیک ربک فترضی
یعنی زود باشد که ببخشد پروردگار تو ترا کمال النفس و مرتبه عالی از
پس خشنود شوی یعنی چندان عطا از انی دارد خدای تعالی که بگوئی بس است
در راضی شدم منقول است از کتاب عیون الاخبار که گفت ابن ابی عباد که امام رضا علیه السلام
در تابستان بر حصیر می‌نشست و در زمستان بر پلاس و جامه‌های درشت می‌پوشید
و هرگاه از جهت مردمان بیرون می‌آمد جامه‌های نازک و زینت می‌پوشید برای
ایشان در بیان تشبه مردان بزنان در لباس روایت کرده است
سماعة بن مهران که مردی جامه خود را بر زمین میکشید ابی عبد الله علیه السلام
آنرا بد گفتند که مکروه میداریم که مشابه شوند مردان بزنان در لباس

۶

و منع میکرد زنان را که مشابه شوند بمردان در لباس گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که بهترین جوانان امت آنست که خود را مشابه سازد به پیران و بدترین پیران
آنست که خود را مشابه بسازد بجوانان در بیان پوشیدن پوستین سنجاب
و غیر آن از پوشیدنی روایت است از یعقوب که گفت که رفتم نزد ابی عبد الله علیه السلام
و آنحضرت بیمار بود و بود آنحضرت گاهی بود قبای پوشیده بود و در پیش آنحضرت
طغاری بود که در آن ریحان داشت و جبه خز پوشیده بود و نه کهنه بود و نه نو
و بر بالای خود لحاف پوست روباه پوشیده بود و دست راست آنحضرت
ظاهر بود گفتم باز که فدای تو گردم چه میگوئی در پوست روباه آنحضرت گفت
این از پوشش است نماز در آن نمی‌توان روایت است از سماعة بن مهران که
گفت که پرسیدم ابی عبد الله و ابی الحسن را علیهما السلام از گوشت
درندها و پوست ایشان که گفت که گوشت درنده خواه در صحرا باشند و خواه در دریا
مکروه میداریم اما پوست ایشان را چون از بالای زین اندازند و سوار
بر آن شوی پوشیدن پوست درنده را خواه مرغ باشد و خواه غیر مرغ و نماز
در از عبد الله بن سنان که شنیدم از ابی عبد الله علیه السلام که میگفت که جبه
او میکند از برای پدرم پوستینی عراقی جبه از عراق و هر گاه میخواست
که نماز بکند آنرا می‌کند و می‌انداخت آنرا روایت است از عبد الله بن سنان که از ابی عبد الله
علیه السلام گفت که آنچه بیاورند از زیر اسبوار از پوستینهای یمنی نماز بکند در آن

خزخ

و پوستین از آن روایت است که پرسیدند امام رضا را علیه السلام از پوست روباه
و سنجاب و سمور، آن حضرت گفت که دیدم پدر خود را که سنجاب پوشیده بود
و منع کردم از پوستین روباه و سمور در نماز و در بیان پوشیدن طاقیه
و عمامه روایت کرده است سکونی که ابی عبدالله علیه السلام روایت
کرده است از پدران خود علیهم السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که عمامه افسر عرب است و هرگاه بنهند عمامه را از سر خود خدا ایشان را
عزت را از ایشان [illegible] حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که عمامه بر سر بسته
تا زیادت شود حلم شما را. روایت است از ابی اسحق که گفت که بودم در [illegible] علی
بن ابی طالب را علیه السلام و آن حضرت خطبه میخواندند و لنگی بسته بودند و ردائی
بر دوش انداخته و عمامه بر سر داشت. روایت است از اسمعیل بن همام که
ابوالحسن علیه السلام گفت که مراد از مسومین که در قول خدای تعالی واقع است
که یمددکم ربکم بخمسة آلاف من الملائکة مسومین فرشتگانند که خدای تعالی
بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرستاده بود و ایشان عمامه بر سر داشتند
[illegible] میکردند [illegible] بر ورد کار [illegible] که ایشان
کنند کان اند خود را و این عادت مستمر است میان مبارزان که در
جنگ علامتی بر خود یا بر مرکب خود می بندند و آن روز فرشتگان خود را
نشان کرده بودند بعمامهای سفید و طرهای آن را از میان دو دوش

فرو گذاشته

در روایت

فرو گذاشته و حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله عمامه بر سر خود بست و علاقه
از پیش و پس گذاشت و جبرئیل نیز چنین کرد. روایت است از معاویة بن عمار
که گفت که شنیدم از ابی عبدالله علیه السلام که میگفت که در آمد رسول خدا
صلی الله علیه و آله و سلم در حرم کعبه روزی که در آمده بود بمکه و عمامه سیاهی
بر سر داشت و سلاح بسته بود و بعد از آن بیرون رفت از مکه بجانب
حنین بجنگ کافران حنین فارغ شد از جنگ ایشان رسید بموضعی که آنرا
اوطاس میگویند و بقیه کافرانی که آنجا مانده بودند بقتل در آورد و چون
از جنگ ایشان فارغ شد رسید بموضعی که آنرا جعرانه میگویند و در آن موضع
قسمت کرد میان مسلمانان غنیمتی را که از کافران گرفته بود و بعد از آن احرام
بست و در آمد بمکه. روایت است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت که
دو رکعت نماز که با عمامه بگذارند فاضلتر است از چهار رکعت نماز که بی عمامه
بگذارند. روایت است از ابی جعفر علیه السلام که گفت که فرشتگان بمدد پیغمبر
صلی الله علیه و آله آمده بودند و در روز جنگ بدر عمامهای سفید بر سر داشتند
و علاقها که آویخته بودند. روایت است از عبدالله بن سلیمان که گفت که بودم
با پدر خود در مسجدی پس در آمد علی بن الحسین علیه السلام در آن مسجد پس دیدم
من او را و عمامه سیاهی بر سر داشت و از دو طرف آن علاقه آویخته بود
در میان دو دوش خود. پرسیدم از مردی که نزدیک من نشسته بود که این مرد کیست

که می‌پوشم نورانی‌تر و گفت که جهت آنکه بر سر سیدی از هیچ کس از کسانی که در
مسجد در آمدند که صورت ایشان تغیر یافته شد از صورت این پیرمرد نجیب
بر سجدم آمد و گفت که این علی بن الحسین است علیه السلام [illegible] عمامه
بر سر بستن روایت کرده است از ابی عبدالله علیه السلام از پدر خود که
که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر سر امیرالمؤمنین علی علیه السلام عمامه بست
بدست مبارک خود دو علاقه از پیش و پس آویخت و علاقه پس را کوتاه‌تر کرد
از علاقه پیش بمقدار چهار انگشت بعد از آن آنحضرت گفت با امیرالمؤمنین
علیه السلام که برگرد بجانب من پس امیرالمؤمنین چنین کرد و بعد از آن گفت
رو بجانب من کن چنین کرد و بعد از آن آنحضرت گفت چنین است تاجهای
فرشتگان روایت است از ابوالحسن علیه السلام که گفت که کسی که بسفر بیرون
رود و عمامه بر سر داشته باشد و از آن عمامه تحت الحنک بسته باشد من ضامنم
که دزد و مال او را نبرد و او غرق نشود و نسوزد منقول است از کتاب نجات
که در وقت عمامه بر سر بستن این دعا بخوانند که اللهم سومنی بسیماء الایمان
و توجنی بتاج الکرامة و قلدنی حبل الاسلام و لا تخلع ربقة الایمان
من عنقی و باید که عمامه را ایستاده بر سر بندد و تحت الحنک نیز بندد و طاقیها
روایت است از محمد بن علی که گفت که دیدم ابوالحسن علیه السلام که طاقیه خزی سبز
داشت که استر آن نمود بود روایت است از ابی عبدالله علیه السلام

که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌پوشید طاقیه سفید مصری و می‌پوشید
در جنگ طاقیه دو گوشه که گوشهای آنحضرت را می‌پوشید روایت کرده است
امام جعفر صادق علیه السلام از پدر خود که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله
می‌پوشید از طاقیها طاقیه یمنی و سفید و مصری و طاقیه که دو گوشش داشت
در جنگ می‌پوشید و عمامه آنحضرت را سحاب می‌گفتند و آنحضرت را طاقیه دراز
بود که بر سر می‌نهاد روایت که رسیدند امام رضا علیه السلام را جبه
که بر طیلسان پوشیده بود و بر طاقیه خز بود از طاقیها آنحضرت گفت که بود ابو
عبدالله را علیه السلام طاقیه که سایه می‌کرد بر رو او را از آفتاب بنگاه نشست
روایت از زید بن خلیفه که گفت که دیدم مر ابی عبدالله را علیه السلام
که طواف می‌کرد دور گرد خانه کعبه و من بر طاقیه بر سر داشتم آنحضرت گفت که
مپوش این طاقیه را وقتی که طواف می‌کنی مگر نمی‌دانی که این از لباس
یهود است روایت است از حسین بن مختار که گفت امیرالمؤمنین علی علیه السلام که از برای
طاقیه عمود زود می‌باید که آن طاقیه سیاه مکنید نباشد چیستی که سیدی
بوشند طاقیها اکسیاه مکنید پس بنشینید فصل هفتم در بیان پوشیدن موزه و نعل
کرده است نادر الی آدم که امام رضا علیه السلام بخانه میرفت با موزه خورده
روایت کرده است ابی الصباح از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که امیرالمؤمنین علی
علیه السلام در سفری بوده عادت آنحضرت این بوده که در سفر شکر می‌کرد و وقت سوار

کرد و دست بگیر کردن پوشیدن جامهای خود را چون فارغ شد از جامه پوشیدن
یک موزه خود را برداشت و پوشید چون اراده کرد که موزه دیگر را بردارد
ناگاه مرغی فرود آمد از آسمان و در ربود آن موزه و گرفت آن موزه را
پس امیر المؤمنین علی علیه السلام در عقب آن مرغ میرفت که بگیرد موزه را از او
مرغ پس آن مرغ سبقت گرفت و متوجه آسمان شد و میگردید در هوا تا صباح جمعه
صباح [illegible] موزه را انداخت و از موزه ماری بیرون آمد روایت
از مسموعات [illegible] ابو البرکات که گفت ابو جعفر علیه السلام که پوشیدن
موزه زیاده میکند قوت چشم را روایت از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که مداومت کردن پوشیدن موزه امانست از جذام کسی گفت که
در زمستان یا در تابستان حضرت امام علیه السلام گفت خواه در زمستان خواه
در تابستان روایت از ابی الجارود که گفت که رفتم نزد ابی عبد الله علیه السلام
پس گفت مرا که آیا نمیدانی که موزه سرخ را لشکران و کردی منکران [illegible] موزه
سفید را پادشاهان می پوشند و موزه سیاه را سنت ابو هاشم است
روایت که گفت ابی الجارود که در خدمت ابی عبد الله علیه السلام بودم در راه
و آنحضرت موزه های سرخ پوشیده بود گفتم آنحضرت که یا ابن رسول الله تو چرا
هر آینه موزه سرخ را لشکران می پوشند حضرت امام علیه السلام گفت که در
سفرها پوشیدن [illegible] که موزه سرخ بهتر است از [illegible]

روایت کرده است ابی عبد الله علیه السلام از پدر خود که گفت حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و سلم و آله که اگر کسی که نعلین میخرد باید که نعلین نو بخرد روایت از ابی عبد الله
علیه السلام که وقتی که رسول خدا صلی الله علیه و سلم و آله خواست که نعلین بپوشد
مردی برخاست و نعلین را پیش پای آنحضرت نهاد آنحضرت در حق او دعا
کرد و گفت که اللهم ان عبدک تقرب الیک فقربه یعنی بار خدایا بنده تو نزدیکی
جست بتو پس نزدیک گردان او را و از جد که گفت ابی عبد الله علیه السلام که
رسول خدا صلی الله علیه و آله مضمضه کرد و ریخت آب را از دهن خود مردی
و گرفت آن آب را و خورد حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله در حق او
دعا کرد و گفت اللهم ان عبدک احبک فاحبه یعنی بار خدایا بنده تو دوستی
نمود بتو پس دوست دار او را روایت از ابی عبد الله علیه السلام که گفت امیر المؤمنین
علی علیه السلام که نو ساختن نعلین نگاه دارنده بدن است و یاری دهنده بر نماز
روایت از ابی عبد الله علیه السلام که گفت در تفسیر قوله تعالی فاخلع نعلیک
انک بالواد المقدس طوی که نعلینی که حضرت موسی علیه السلام پوشیده بود
از پوست دراز گوش بود و معنی آیه اینست که بکن ای موسی نعلین خود را که
تو در وادی مقدسی پس [illegible] الکه پوشیدن نعلین میان باریک [illegible]
روایت از صباح الحذا که گفت که آورد [illegible] نعلین و گفت مثل این
از برای [illegible] که درست [illegible] این نعلین رسول خدا است صلی الله علیه و آله

کیت

که این نعلین از کجا بدست تو افتاده گفتم ابی عبدالله علیه السلام [illegible]
نعلین رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتم بلی پس بیرون آورد نعلین را گفتم
بخشش این را بمن گفت از تو باشد روایت است از صباح که مهیا ساختم از برای حضرت علیه السلام
نعلین مثل آن نعلین و از برای اصحاب خود نیز مهیا ساختم گفت ابو احمد که
گفتم دیدم آن نعلین را و آن میان باریک بود و پاشنه داشت روایت است
از ابی جعفر علیه السلام که گفت که من دشمن میدارم که نعلین دو پاشنه
داشته باشد روایت است از صباح الحذاء که گفت که مهیا ساختم نعلینی از برای
ابی عبدالله مثل آن نعلین که فرستاده بود نزد من و آن نعلین باریک بود
از میان تا پاشنه روایت است از منهال که گفت که بودم نزد ابی عبدالله علیه السلام
و پوشیده بودم نعلین هموار ابو عبدالله علیه السلام گفت این نعلین یهودی است
برگرد از این نوع نعلین و کاری بکن که باریک باشد از میان او روایت است از ابی الهادی [illegible]
که گفت که دید ابو الحسن علیه السلام که من نعلینی پوشیده بودم [illegible] رنگ
میان نبود گفت ای علی تو کی یهودی شده‌ای روایت است [illegible] نعلین
از ابی جعفر علیه السلام که گفت که سنت است که در محل پوشیدن نعلین ابتدا
بپای راست کنند و در محل کندن ابتدا بپای چپ کنند منقول است از کتاب
نجات که موزه و نعلین را نشسته می باید پوشید و در وقت پوشیدن آن دعا
می باید خواند بسم الله اللهم صل علی محمد و علی آل محمد وطئ قدمی فی الدنیا

والاخرة

والاخرة و ثبتهما علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام و هر گاه بکند موزه و نعلین را
باید که ایستاده بکند و بگوید بسم الله الحمد لله الذی رزقنی ما اوقی به قدمی
من الاذی اللهم ثبتهما علی الصراط السوی روایت است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
و سلم گفت مراد از زینتی که در قول خدا تعالی است خذوا زینتکم
عند کل مسجد نعلین و انگشتری است و معنی آیه اینست که بگیرید ای بنی آدم زینت
خود را نزد هر نمازی و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که پاک
گردانید نعلین خود را از نجاست نزد داخل شدن بمسجد و در بیان پیوند
نعلین وقتی که شکسته شود روایت است از یعقوب السراج که گفت که
رفتیم ما با ابی عبدالله علیه السلام و او میخواست که تعزیت گوید بعضی
بنی الحسین را بجهت آنکه دختر ایشان فوت شده بود پس گسسته شد بند
نعلین آنحضرت بعضی از مردمان کندند نعلین خود را که بدهند بان حضرت
امام علیه السلام نداد آنحضرت گرفت آنرا [illegible] رسید [illegible] تعزیت
فرمود صاحب مصیبت اولی است بصبر کردن بر مصیبت روایت است از ابی عبدالله علیه السلام
که گفت که آنکسی که پیوند کند گریبان خود را و بدوزد نعلین خود را
و بردارد متاع خود را خلاص میشود از تکبر در بیان راه رفتن
با یک نعل و یک موزه روایت است از ابی عبدالله علیه السلام که گفت
امیر المؤمنین علی علیه السلام یک نعل پوشیده بود و راه میرفت

و اصلاح میکرد نعل دیگر را روایت است از ابی جعفر علیه السلام که گفت که رسول خدا
صلی الله علیه و آله فرمود که کسی که آب ایستاده بیاشامد یا با یک نعل راه رود
پس شیطان وسوسه کند و سوسه کند و جدا نشود از و مگر وقتی که خدا خواهد
روایت است که نعلین و موزه وقتی که نشسته ای بکن روایت است از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که بکشید نعلین خود را بدستی
که کندن نعلین سنتی نیکوست و راحت قدمهاست روایت دیگر وارد است
که هر گاه چیزی میخورید بکشید نعلین خود را بدستی که راحت قدمهاست
و سنتی نیکوست منقول است از کتاب طب الائمه در بیان موزه و نعلین که
گفت ابا عبد الله علیه السلام که کسی که نعلین زرد بپوشد کهنه نشود آن نعلین
تا آنکه مال یابد و بعد از آن این آیه را خواند که صفراء فاقع
لونها تسر الناظرین یعنی زردی که لونش زرد باشد که خوشحال کرداند
ناظران را روایت است از ابی عبد الله علیه السلام که گفت هر آنکسی که بپوشد نعلین
زردی همیشه خوشحال است تا آنکه کهنه شود روایت است از سدیر
که گفت که رفتم نزد ابی عبد الله علیه السلام و پوشیده بودم نعلین سیاه
پس گفت که چه خصلت تراکه نعلین سیاه پوشیده ای آیا نمیدانی که در او سه خصلت است
گفتم کدام است آن سه خصلت گفت ضعیف میسازد چشم را و سست میکند ذکر را
و غم می آورد و با وجود این لباس جباران است روایت است از ابی

عبد الله علیه السلام که پوشیدن موزه سیاه و نعلین زرد سنت است
و هم روایت است از ابی عبد الله علیه السلام که پوشیدن موزه می
افزاید قوت چشم را روایت است از ابی الحسن علیه السلام العسکری که گفت
که کسی که برهنه شود پای او از موزه و نعلین باید که بگیرد گل زرد یا او
ورم کند از او بیابد باب دهن رستگی و بعد از آن بخسبد رو با حیب
میرود آن حاجت انشاء الله تعالی فصل ششم در بیان خانه و منزل آنچه
جایز است از آن و آنچه جایز نیست و آنچه متعلق است بآن در بیان منزل وسیع
گشاده و غیر آن روایت است از هشام بن الحکم که گفت که ابو الحسن علیه
السلام فرمود که زحمتی است مومن را در گشادگی منزل و روایت است
که رسید ابو الحسن را علیه السلام که گفت عیش در گشادگی منزل است و در بسیاری
خدمتکاران از معمر بن خلاد که گفت که ابو الحسن علیه السلام خرید
منزلی و امر کرد غلام خود را که بر دیوار منزل و گفت که این از سنت است
کرا جارت داری این منزل را پس گفت ابو الحسن بآن غلام که اگر دید تو آنچه بود
سزاوار نیست که تو هم مثل او باشی روایت کرده است سکونی از ابی جعفر
و ابی جعفر روایت کرده است از پدر خود علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله فرمود که از سعادت مرد است که فراخ باشد منزل او
و منزل گشاده و مرکب ... روایت کرده است از ابی عبد الله علیه

خود را نیز از ایشان روایت کرده اند از امیر المومنین علی علیه السلام که گفت که
منزل را شرفی است و شرف منزل آنست که صحن سرای او وسعتی داشته باشد و ساکنان
او صالح باشند و منزل را برکتی است و برکت او آنست که نیکو باشد جای چهار
دو وسعتی داشته باشد صحن سرای او و همسایه خوب داشته باشد و گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که از سعادت مرد است که نیکو باشد جای نشست او و وسعتی فراخ
باشد در سرای او و پاکیزه باشد الخانه او و گفته است که رسول خدا صلی الله علیه و آله
که چهار چیز از نیکبختی است و چهار چیز از بدبختی اما آن چهار چیز که از نیکبختی است
زن صالح است و منزل گشاده و همسایه صالح و مرکب خوب و آن چهار چیز
که از بدبختی است همسایه بد است و زن بد و منزل تنگ و مرکب بد و گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که مومن نیست بنده که ایمن نباشد همسایه او از بدی
او و نیز گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که حرمت همسایه چنان باید داشت که
حرمت مادر خود در بیان بلندی سقف خانه روایت کرده است محمد بن مسلم
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت ای محمد باید که بلندی خانه تو هفت
گز باشد و آنچه بلندتر است جای شیطان است بدرستی که شیاطین نه در آسمان
اند و نه در زمین بلکه ایشان در هوا ساکن اند و در روایت از ابی عبد الله علیه السلام
گفت که بلندی خانه می باید که هفت گز باشد و آنچه بلندتر از این باشد جای سقف خانه جای شیطان
و در روایت از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که آنچه بلندتر است از هفت گز

جای شیاطین است

جای شیاطین است و در روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که هرگاه
بلندی خانه از هفت گز زیاده باشد آیة الکرسی در آن بخواند پس و در روایت
از عبدالله بن سنان که گفت که شنیده ام از ابی عبدالله علیه السلام که میگفت
که آنچه بلندتر باشد از هفت گز از سقف خانه جای شیاطین است
و در روایت کرده است ابی عبدالله علیه السلام از پدران خود علیهم السلام
که مردی از انصاریان شکایت کرد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از سرایی
که در گرد سرای او بود پس گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که بلند کن خانه خود را
آن مقدار که میتوانی و سوال کن از خدای تعالی که گشاده گرداند خانه ترا
و در روایت از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که هر بنایی که بلندتر باشد از مقدار
کفایت وبال است بر صاحب او در روز قیامت و هم در روایت از ابی عبدالله علیه السلام
که گفت که بنا نمیکند کسی خانه که بلندتر باشد از هشت گز مگر آنکه منادی ندا میکند
از آسمان و میگوید که تا کجا میخواهی که بلند گردانی خانه خود را ای فاسق
و در روایت از کتاب جامع الجوامع که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که
هر که خانه بنا کند بر کسی وبال است بر صاحب آن خانه مگر خانه که ضروری باشد
در بیان آنکه سنت است نزد بنا کردن منزل و در روایت کرده است ابی عبدالله
از پدران خود علیهم السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر که
بنا کند منزل باید که میشی بکشد و گوشت او به درویشان و فقیران تصدق

کنند و بگویند اللهم ادفع عنی و عن اهلی و ولدی مردة الجن والشیاطین و بارک لی
فیه منزلی بدرستی که چون این کارها بکنند خدای تعالی میدهد بآنها آنچه سوال کرده
است انشاء الله تعالی و فصل اسراف کردن در بنا و در حدیث از ابی عبدالله علیه
که گفت هر بنائی که زیاده از کفایت باشد وبال است بر صاحب آن بنا در روز
قیامت و سیم و در حدیث از ابی عبدالله که گفت که آنکس که کسب کند مالی که حلال نباشد
صرف شود آن مال در آب و گل و فصل جاروب کردن منزل و در حدیث
از ابی عبدالله علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که جاروب
کنید در سرای خود را از مشابهت بجهودان و گفت امام جعفر صادق علیه
که شستن ظرف و جاروب کردن در سرای میفزاید روزی را و فصل وقت
در آمدن بخانه و در حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که رسول خدا
صلی الله علیه و آله هرگاه که بیرون میرفت از خانه در تابستان روز پنجشنبه بیرون
میرفت و وقتی که میخواست که در خانه در آید در زمستان بجهت سرما روز جمعه
در می آمد و در روایتی واقع است که گفت ابن عباس که حضرت صلی الله
و آله چون تابستان میشد شب جمعه از خانه بیرون میرفت و چون زمستان
میشد روز جمعه بخانه در می آمد و فصل بستن در سرا و خانه و غیر آن و در حدیث
از سماعة بن مهران که گفت که پرسیدند از ابی عبدالله علیه السلام یا ابی حضرت
الحسن علیه السلام از بستن درها و سرنگون نهادن ظرفها و کشتن چراغ

امام علیه السلام گفت که ببندید در خانه را بدرستی که شیطان نمیگشاید دری را
و بکشید چراغ را تا موش بیت نسوزاند ظرفها و سرنگون بنهید ظرف را بدرستی که شیطان
بر نمیدارد آن ظرف را و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که مگذارید آتش را
در خانه خود وقتی که میخوابید و در حدیث از امام رضا علیه السلام که فرمود رسول خدا
صلی الله علیه و آله فرمود که بکشید چراغها را در وقت خواب تا آنکه موش
نسوزاند خانها را و آنچه در خانهای شماست و فصل چیزی که تعلق بمنزل
دارد و در حدیث که آمد مردی و شکایت نزد ابی جعفر علیه السلام و گفت که حق
بیرون کرده اند از منزلهای ما حضرت امام علیه السلام گفت بگیرید بمنفعتهای
خود را جفت کبوتر نگاه دارید کبوتر را در اطراف منزل خود پس آن مرد گفت
که چنین کردیم پس آنچه مکروهی نمیدیدیم و در حدیث از ابی داود ابن رقه که گفت
که دیدم که کبوتری زیر تخت ابا عبدالله علیه السلام بود پس گفتم فدای
گردم یا ابن رسول الله چاره ببینید از برای این کبوتری چند که نزد ماست که دور
کنند از خوبی دارد و خوب می زاید ابو عبدالله علیه السلام گفت آن کبوتر را
که تو داری از مسوفاتند هرگاه کبوتر نگاه میداری پس از این کبوتر نگاه دار
بدرستی که این بقیه کبوتر اسماعیل است علیه السلام و در حدیث از کتاب
تحفة الفقه که شکایت کرد مردی نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله از تنهائی
آنحضرت گفت که نگاه دار جفت کبوتر در خانه خود و گفت امیرالمؤمنین علیه السلام

که پرهیزکاری کنید در آنچه بشما داده است و در مالهای عجم خود پرسیدند از
امیرالمؤمنین علی علیه السلام که عجم کدام است آنحضرت فرمود که گوسفند و گاو
و کبوتر و مانند اینها **حدیث** از کتاب فردوس که گفت انس که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که نگاه داشتن گوسفند در خانه می برد هفتاد
نوع درویشی را و گفت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله که گوسفند
در خانه برکت است و نگاه داشتن گربه برکت است و دوستان در خانه برکت است
و یک گوسفند یک برکت و دو گوسفند دو برکت و سه گوسفند برکت بسیار است
و فرمود حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گوسفند از چهارپایان بهشت است
حدیث از ابی عبدالله علیه السلام که گفت هر مؤمنی را که در منزل او خروس
نیز دار باشد پاک گردانیده میشود اهل آن منزل را هر روز دو بار
مردی گفت چگونه پاک گردانیده می شود حضرت امام علیه السلام فرمود
که میگویند بایشان که بورک علیکم و طبتم ما آبات و اکم یعنی برکت دهد
خدای تعالی شما را و خوش باد حال شما مادام که خوش باشند ما خورش شما
حدیث از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که زنی عذاب کرده شد بجهت آنکه
گربه را بسته بود تا وقتی که آن گربه مرد از تشنگی و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله که شب فرشته روی را از جا گرفتن در خانهای شما و نیز گفت حضرت
پیغامبر صلی الله علیه و آله که زنهار مرغ را بگیرید گرفتن مرغها که در آشیانه خود

بدرستی

بدرستی که شب و امانت ایشانرا و امان بودن بجهت این است شب را حق بر
مرغان **حدیث** از کتاب طب الائمه که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که نگاه دارید
در خانهای خود گوسفند دست آموز را بدرستی که مشغول میشود به او شیطان و متوجه
طفلان شما نمیشود **حدیث** از ابی جعفر صادق علیه السلام که هر که دوست میدارد
ما را که اهل بیت پیغمبریم باید که دوست دارد کبوتر و گفت ابوالحسن علیه السلام
که نزاود ز میت که خالی باشد خانه شما از گربه و کبوتر و خروس بدرستی که این
سه چیز که این سه چیز معمور میسازد خانه شما را پس اگر با خروس ماکیانی باشد بلکه
نیست کسی را که کراهت نداشته باشد از نگاه داشتن ماکیان و گفت امام رضا
علیه السلام که در خروس پنج خصلت از خصلتهای پیغمبران است علیهم السلام
شناختن اوقات نماز و غیرت و شجاعت و سخاوت و بسیار جماع کردن
و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود هر گاه که آواز خروس شنوید بدرستی
که آن خروس فرشته را دیده است پس از فضل طلب کنید حاجت خود را
از خدای تعالی و هر گاه آواز دراز گوش شنوید بدانید که شیطان را دیده است
حدیث از انس که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که خروس سفید دوست
من است و دشمن او دشمن خداست و او نگاه میدارد صاحب خود را و هفت سرای را
که نزدیک او باشد **حدیث** که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله شب روزی آورد
با خروسی در خانه و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که مرغ خانگی گوسفند

کوسفند در دو قیتان است. و نیز گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که دشنام مدهید
خروس را بدرستی که دلالت میکنند شما را اوقات نماز و نیز گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که دشنام مدهید خروس را بدرستی که دوست منست و من دوست اویم
و دشمن او دشمن منست بحق خدا که اگر بدانند مردم آنچه که اگر بنی آدم بدانند
آنچیز را که در خلقت خروس است بخرند پر و گوشت او را بطلا و نقره و بدرستی
که خروس دور میکند طایفه از جن را که بد اند و نیز گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله که هر کسی که نگاه دارد در خانه خود خروس سفید را نگاه داشته میشود
از شر سه طایفه که دزد و کاهن و ساحر. روایت است از کتاب روضة الواعظین
که امام محمد باقر علیه السلام که خدای تعالی آفریده است خروس سفیدی که
گردن او در زیر عرش است و پاهای او تا طبقه هفتم از زمین است یک بال
تا آفتاب برآمدن و بال دیگر تا آفتاب فرو رفتن این خروس آواز
نمیکند تا آنکه آواز نکند پس که آواز میکند بر هم میزند بالهای خود را
و میگوید سبحان الله العظیم الذی لیس کمثله شی پس جواب میدهد خدای تعالی
که آنکس که سوگند دروغ میخورد ایمان نیاورده است بمن تا بخوان این خروس
میگوید. روایت کرده جعفری که دیدم در خانه ابوالحسن علیه السلام یک جفت
کبوتر نر سبز بود و کبوتر ماده سیاه و دیدم ابوالحسن را که نان ریزه میکرد
از برای آن کبوترها و گفت اینها شب حرکت میکنند هی ایستید و آواز

ایشان

ایشان دور میکنند جانورانی را که از زمین بیرون آیند. روایت است از ابی عبدالله علیه السلام
که گفت که نبود هیچ خانه پیغمبری مگر آنکه در آن خانه کبوتری بود بجهت آنکه
سفیهان جن بازی میکنند بطفلانی که در خانه اند پس گاه که در خانه کبوتری
باشد جنیان با آن کبوتر بازی میکنند و میگذارند طفلان را. روایت در زینت
کردن خانه و متاع فرش و فروش نمودن. روایت از ابی عبدالله بن عطا
که گفت رفتم نزد ابی عبدالله علیه السلام پس دیدم که متاعها بر هم چیده
بود و بعضی بر هم ریخته بود و صالها و بالشها بود پس گفتم که چیست این
آنحضرت گفت که متاع زنانست. روایت کرده است جابر بن عبدالله
از امام محمد باقر علیه السلام که گفت که درآمدند جماعتی نزد حسین بن علی
علیه السلام پس گفتند یا ابن رسول الله صلی الله علیه میبینیم در منزل تو چیزهایی که مکروه
دانیم دیده بودند در منزل آنحضرت بساطی بود و بالشها پس گفت حسین
ابن علی علیه السلام که ما نکاح میکنیم زنان را و کابین ایشان با ایشان میدهیم
و ایشان هرچه میخواهند میخرند اینها که شما دیدید هیچ کدام از ما نیست
روایت است از جابر که گفت ابی جعفر علیه السلام که چون نکاح کرد امیرالمؤمنین
علیه السلام حضرت فاطمه را ابنا خانه ریگ بود و فرش ایشان
پوست میش بود که دباغت نکرده بودند و بالش ایشان پر بود
از لیف خرما و نصب کرده بودند چوبی و مشک را بر آن نهاده بودند و

برکشیده بوده بران مشک کلمی روایت از حسین بن نعیم که گفت که شنیدم
از ابی عبدالله علیه السلام که میگفت که نکاح کرد رسول خدا صلی الله علیه
و آله وسلم با امیرالمؤمنین علی علیه السلام دختر خود حضرت فاطمه زهرا و فرش
کلیمی بود و فراش آنحضرت پوست میشی بود که دباغت نکرده بودند
که ایشان بر میگردانیدند آن پوست را و میخوابیدند بر موی او روایت
سوالید الصادقین آورده است که گفت محمد بن ابراهیم الطالقانی
که کسی خبر داد مرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم عزلت اختیار
کرد از زنان خود دو ماه و رفته در غرفه مسجد نشست پس عمر نزد آنحضرت
آمد و در خانه برگ درختی بود که آن را دباغت نکرده بودند آنرا او بوی
بد میکرد و در آن خانه برگ درختی بود که آن را دباغت میکنند پوست
و او را گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله خوابیده بود بر حصیری که اثر
کرده بود در پهلوی آنحضرت پس عمر دریافت بوی آن پوست را و گفت
یا رسول الله این چه پوست است آنحضرت گفت که ای عمر این متاع کسی است
که زندگانی میکنند در دنیا چون نشست حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله عمر دید
حصیر که اثر کرده است در پهلوی مبارک آنحضرت عمر گفت که من گواهی
میدهم که تو رسول خدائی و بزرگتری نزد خدا تعالی از قیصر و کسری
و ایشان همه اسباب دنیوی داشته باشند و تو بر روی حصیر باشی و حصیر

اثر کرده

اثر کرده باشد در تو پس گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که آیا راضی نیستی
که دنیا از ایشان باشد و آخرت از ما روایت از فضل که گفت که پرسیدم
از ابا عبدالله که تختی که در و طلا باشد می‌توان نگاه داشت در خانه آنحضرت
گفت که اگر طلا باشد نه و اگر آب نقش طلا کرده باشند روایت
از حلبی که ابی عبدالله علیه السلام گفت که برخواستم که نماز کنم و پیش روی من
بالشی بود که در آن مرغها بود پس جامه بر بالای او انداختم روایت
که گفت ابی عبدالله علیه السلام که هدیه آورده بودند بالشی از برای من
از شام که در و صورت مرغها بود پس فرمود که تغییر دادند سر آن صورتها را
و آن صورتها گردید بصورت درختی روایت که گفت ابی عبدالله علیه السلام
که شیطان بیشتر قصد آدمی وقتی کند که آدمی تنها باشد روایت از ابو الحسن علیه السلام
که گفت که آمدند جماعتی نزد ابی جعفر علیه السلام و او بر بساطی نشسته بود
پرسیدند که این چیست گفت میخواستم که بخشم این بساط را روایت
از محمد بن مسلم که گفت ابی جعفر علیه السلام که باکی نیست نقش کردن صورتها
در خانه وقتی که تغییر داده شود و آن صورتها را بر وجهی که صورت اصلی نماند
از محمد بن مسلم که گفت که پرسیدم ابا عبدالله علیه السلام از نقش کردن
صورتهای درخت و آفتاب و ماه ابی عبدالله علیه السلام گفت که باکی
نیست مادام که صورتها صورت حیوان نباشند روایت از ابی العباس

که گفت که پرسیدم از ابی عبدالله علیه السلام که مراد چیست از تماثیل که قول خدای
تعالی است که یعملون له ما یشاء من محاریب و تماثیل آنحضرت گفت که آن
تماثیل آدمی نبود اما صورت درخت مانند آن بود و معنی آیه این است که عمل
میکردند جنیان از برای حضرت سلیمان علیه السلام آنچه میخواست از محرابها
و صور تماثیل حدیث از ابی بصیر که گفت ابی عبدالله علیه السلام را که ما می اندازیم از
برای ما بالشها که در وی صورتهاست و ما فرش میسازیم آن بالشها را از جهت
عبدالله علیه السلام گفت که باکی نیست نشستن در او و رفتن بر بساطی که
که در وی صورتها باشد آنچه مکروه است آن است که صورت بکشند بر دیوار یا بر تخت
منقولست از کتاب زهد امیر المؤمنین علی علیه السلام که روایت کرده است
که عقیل بن عبدالرحمن الخزاعی که عمه زن او زوجه عقیل بن ابی طالب بود و گفت رفتم
نزد زوجه آنحضرت که از قبیله بنی تمیم بود و گفتم او را که وای بر تو
که خانه تو پر از متاع است و امیر المؤمنین علی علیه السلام نشسته است بر
بلاسی کهنه آن زن گفت که مارا بحق خدا امیر المؤمنین علی علیه السلام نهی
چند چیزی خوبی را اگر اگه میکرد و در می انداخت در بیت المال روایت
کرده است شریک بن عبدالله از سنی روایت کرده است از یاد او چو که
گفت که دیدم نان امیر المؤمنین علیه السلام را در زیر فرش او یا در زیر
فرش او یا در میان فرش او باب هفتم خوردن و آشامیدن

باب هفتم ۲۶۶

در خوردن و آشامیدن

و آن آنچه متعلق است بآن وارد شده درین باب سیزده فصل است فصل اول
در بیان فضیلت طعام دادن و نیکویی کردن و روزه داشتن منقول است
از کتاب منازل الآخرة الفقیه که گفت حق سبحانه و تعالی و ما انفقتم من شیء
فهو یخلفه و هو خیر الرازقین یعنی آنچه نفقه میکنید شما در راه خدا خدای تعالی
عوض میدهد خدای تعالی و آنحضرت روزی دهنده است و مدح کرده است
خدای تعالی در نفقه کردن کسی را که چیز اندک داشته باشد و نفقه کند
و گفته است و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة و من یوق شح
نفسه فاولئک هم المفلحون یعنی آنکسانی که اختیار میکنند دیگران را
بر خود و دادن چیزی که نزد ایشان است اگرچه احتیاج داشته باشند
آن چیزها و آنکسان که نگاه دارند نفس خود را از بخیلی پس ایشان
رستگارانند و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که ایمان نیاورده
است بخدای تعالی آنکس که سیر باشد و برادر مومن او گرسنه باشد و همچنین
ایمان نیاورده است بخدای تعالی آنکسی که پوشیده باشد و برادر مومن او
برهنه باشد و بعد از آن آنحضرت این آیه را خواند که و یؤثرون
علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة و معنی این آیه از پیش گذشت و گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که آنکسی که یقین میداند که خدای تعالی عوض میدهد
آنچیز را که نفقه میکنند سخی میشود او نفس در نفقه کردن

که شنید امیر المؤمنین علی علیه السلام مردی را که میگفت که بخیل عذر مقبول‌تر
است از عذر ظالم امیر المؤمنین علی علیه السلام گفت که دروغ گفتی
بدرستی که گاه است که ظالم توبه و استغفار میکند و آنچه بظلم گرفته بصاحب
باز میدهد و کسی که بخیل است زکوة و صدقه نمیدهد و صلهٔ رحم بجا نمی‌آورد و مهمانی
نمیکند و نفقه نمیکند در راه خدا و نیکوکاری نمی‌نماید و حرام است بهشت بر بخیل (حدیث)
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که آنچه نجات میدهد از آتش
دوزخ طعام دادن است و بر همه کس سلام کردن و نماز شب گزاردن
وقتی که مردم در خواب باشند (حدیث) از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که بدرستی اگر مردی خرج کند در طعامی هزار درم و بخورد آن طعام
یک مؤمن آنکس اسراف نکرده است و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که آنکس که ایمان دارد بخدای تعالی و بروز قیامت باید که اکرام مهمان بجا آرد
که دشوار باشد بر او (حدیث) از امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت که اول
عملی که ابتدا باو میکنند در روز قیامت ثواب دادن تصدق کردن است
(حدیث) از امام محمد باقر علیه السلام که گفت که بدرستی خدای تعالی دوست میدارد
آب دادن تشنه را و آنکس که آب دهد تشنه را از چهارپا و غیر آن
او را در سایه عرش پناه دهد در روزی که هیچ سایه نباشد غیر سایه عرش
خدای تعالی (حدیث) از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که آنکس که آب بسیار را

در جائی

در جائی که آب یافته نشود همچنان است که زنده کرده باشد نفسی را و آنکس که زنده کند
نفسی را همچنان است که زنده کرده باشد تمام مردمان را (حدیث) از امام جعفر صادق
علیه السلام که دوستترین عملها نزد خدای تعالی سیر گردانیدن مؤمن است و بردن
غم او و ادا کردن قرض او (حدیث) از ابی جعفر علیه السلام که گفت آنکس که
نتواند که ملاقات کند ما را باید که ملاقات نماید شیعه ما را که فقیر باشد و آنکس که
نتواند که زیارت کند قبر ما را باید که زیارت کند قبر برادران صالح ما را (حدیث)
از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که یک دینار
صدقه دادن ده ثواب دارد و یک دینار قرض دادن هجده ثواب دارد و نیکوئی
کردن با برادر مؤمن بیست و چهار ثواب دارد و نیکوئی کردن بخویشان بیست و چهار
ثواب دارد (حدیث) از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که خدای تعالی فرموده است
بدرستی هر چیزی که هست تعیین کرده ام دیگری را که بگیرد او را مگر صدقه را که
بدرستی من میگیرم تا آنکه مردی تصدق کند یک خرما یا نصف خرما تربیت میکنم
او را چنانکه تربیت کند یکی از شما بچه خود را یا فرزند خود را اگر از شیر باز گرفته
باشند پس میشود آن صدقه در روز قیامت برابر کوه احد و بزرگتر از آن (حدیث)
از ابی عبدالله علیه السلام که گفت خدای تعالی دوست میدارد طعام دادن را
در راه خدای تعالی و دوست میدارد آنکس را که طعام میدهد در راه خدای تعالی
و برکت کند خدای تعالی در خانه که طعام میدهد از برای خدای تعالی زودتر

الحسن موسی بن ...

از کار دو در کوهان شتر و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که اول کسی که
به بهشت می رود و بحوض کوثر میرسد نیکوکار است و آنکس که نیکویی کرده است
روایت
از امام علیه السلام جعفر علیه السلام که گفت که هر مومنی که نیکویی کند به برادر خود
پس آن نیکویی بمنزله نام خود نیکوست و نیست چیز فاضلتر از نیکویی است که برادر
و مراد از نیکویی ثوابست و نیست چنین که هر که رغبت کند در نیکویی کردن
قادر باشد بر آن و نیست چنین که هر که قادر باشد بر نیکویی کردن توفیق
این هنگام تمام میشود سعادت و نیکبختی طالب را و آنچه مطلوب اوست
روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که نیکویی کردن بصلاح
نمی آید مگر بسه خصلت خورد شمردن و پنهان داشتن آن و تعجیل کردن
در آن بدرستی که چون خورد شماری نیکویی را بزرگ میشود نزد آنکسی که نیکویی
کردی هرگاه پنهان داشتی نیکویی را تمام کردی او را و هرگاه تعجیل کردی
در نیکویی گوارنده ساختی آنرا بر آنکس و اگر نیکویی را تمام کردی این سه خصلت
نه نشسته باشند نیست و نابود میشود روایت از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که هرگاه خواهی که بدانی که عاقبت نیک است یا بد ببین که
نیکویی بکه میکند اگر با اهلش نیکویی است بدانکه نزد خدا تعالی چیزی روایت
از امام جعفر صادق علیه السلام که بهترین شماها سخی ترین شماست و بدترین
شما بخیل ترین شماست و از ایمان خالص است نیکویی کردن به برادر مومن

دستی کردن

دستی کردن در حاجتهای ایشان روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
که جوان بخشنده که گناه بسیار کرده باشد دوست تر است نزد خدا تعالی
از پیر عابدی که بخیل باشد و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که اگر کسی
ادا کند آن چیز را که واجب کرده است خدا تعالی بر او پس سخی ترین مردمان
است و نیز فرمود حضرت پیغامبر صلی الله علیه و آله که نیست و نابود نمیکند
هیچ چیز اسلام را چون بخل و بعد از آن گفت که بخل نرم نرم میرود و [illegible]
میکند بر آدمی و او را بر چیزهای بد میدارد همچو نرم رفتن مورچه و بخل شاخها
دارد همچو شاخهای درخت و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که یک نان صدقه
دادن بهتر است از عبادت کسی که لاغر شده باشد از عبادت کردن
روایت از امام محمد باقر علیه السلام که گفت که نیکویی کردن و صدقه دادن
می برد درویشی را و زیاده میکند عمر را و دفع میکند هفتاد نوع بد مردن را
روایت از ابی عبدالله علیه السلام که گفت صدقه بدست خود دادن نگاه
میدارد از مردن بد و دفع میکند هفتاد نوع بلا را و خلاص میکند از [illegible] هفتاد
شیطان که هر کدام از آنها وسوسه میکند او را که طاعت نکند و از حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم که گفت که صدقه دادن پنهانی می نشاند غضب
پروردگار را روایت از امیر المومنین علی علیه السلام که گفت که بیرون [illegible]
سخن حضرت پیغمبر را صلی الله علیه و آله که بدرستی که آنحضرت فرموده است [illegible]

که بگشاید بر خود در سوال و طلب بگشاید خدای تعالی بر وی یک در فقر و درویشی
و در حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت هر بنده که سوال کند از کسی
بحاجت بیفزاید تا آنکه محتاج گرداند خدای تعالی او را و ثابت گرداند از آنجهت
این سوال از آتش دوزخ و هم و در حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام
که مردی گفت بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که یا رسول الله تعلیم کن
مرا چیزی که هرگاه بکنم آن را دوست دارد خدای تعالی و اهل زمین مرا
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت که رغبت کن در آنچه نزد خدای تعالی است
تا آنکه دوست دارد خدای تعالی ترا و رغبت مکن در آنچه نزد مردمان است
تا دوست دارند مردمان ترا و گفت امام باقر علیه السلام که اگر بدانند
مردمان که چه مقدار بد است سوال کردن هرگز هیچکس از هیچکس سوال
نکند و اگر بدانند سخی که چه مقدار نیکوست بخشیدن کی رد نکند هیچکس سوال
سوال هیچ کس را و در حدیث از علی بن الحسین علیهما السلام که روزی
که روزه نگاه میداشت حضرت میفرمود که دران روز گوسفندی بکشند و پاره
پاره کنند اعضای آن گوسفند را و بپزند و چون شب میشد نزدیک می آمد
تا آنکه در می یافت بوی شوربا و روزه نمی گشود و بآن طعام و میگفت که قدحها
بیارید و قدحی پر کنند و برای فلان جماعت ببرند و بعد از آن نان
طلبید و بآن روزه گشود و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که مومن است

الکسی

آنکسی که شیر بپاشد و همسایه گرسنه باشند و در حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت آنکسی که بگشاید روزه روزه داری پس او را ثواب مثل آن روزه
داراست و گفت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که آنکسی که بگشاید روزه مومن را
در ماه رمضان او را بجهة این نزد خدای تعالی ثواب آزاد بنده ایست
و می آمرزد خدای تعالی گناهان گذشته او را پس گفت یا رسول الله همه قادر
نیستیم که بگشائیم روزه روزه داری را حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
گفت که حضرت حق سبحانه و تعالی کریم است میدهد این ثواب را بکسی
که بگشاید روزه روزه داری را با اندک شیری و یا شربتی یا با آبی یا بخرمای
چندی و قادر نباشد بر زیاده ازین و در حدیث از امام رضا علیه السلام
گفت که روزه گشادن برادر مومن را افضل است از روزه داشتن
و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله با اصحاب خود که آیا خبر دهم شما را بچیزی
که اگر بکنید آن چیز را دور شود شیطان از شما چنانچه مشرق از مغرب دور است
از اصحاب گفتند بلی یا رسول الله آنحضرت فرمود روزه نگاه داشتن سیاه
میکند روی شیطان را و صدقه دادن میشکند پشت شیطان را و دوستی کردن
از برای خدا و یاری کردن کسی را بر عمل صالح بنیت و بیخ او میکند و
و استغفار کردن قطع میکند رگ دل شیطان را و هلاک میسازد او را بعد از آن فرمود
حضرت پیغمبر صلی الله تعالی علیه و آله که هر چیز را زکوة است و زکوة بدنها روزه است

و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که روزه در عبادتست اگرچه در خواب است
بر فراش تا مادام که غیبت نکند مسلمانی را و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که خدای تعالی فرموده است که روزه داشتن از برای من است و من جزا
میدهم روزه دار را بجهت روزه داشتن و روزه دار در فرح است یکی در
افطار کردن و دیگر ملاقات کردن بحق سبحانه و تعالی و بحق آنکسی که نفس
محمد و علی در قبضه قدرت اوست که بوی دهن روزه دار نزد خدا تعالی
خوشتر از بوی مشک است از امام جعفر علیه السلام که گفت رسول خدا
صلی الله علیه و آله در اوایل پیغمبری بعضی از اوقات روزه میداشت بر وجهی
که میگفتند مردمان که دایم روزه خواهد داشت و گاهی روزه نمیداشت بر وجهی
که میگفتند مردمان که روزه نخواهد داشت و بعد از آن یک روز روزه میداشت
و یک روزه نمیداشت و بعد از آن روز دوشنبه و پنجشنبه اول ماه و چهارشنبه
میانه ماه و پنجشنبه آخر ماه و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم میگفت که هر کس اینقدر
روزه دارد هم چنانست که تمام عمر روزه داشته باشد از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت هرگاه که یکی از شما سه روزه دارد از ماهی باید که چون
روزه دارد تکبیر (؟) و جفا نکند بکسی و شتاب نکند بسوگند خوردن بخدا تعالی و اگر
کسی با او جفا کند از روی نادانی تحمل کند و حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام
گفت که یکماه روزه نگاه داشتن از قرضست و سه روزه داشتن از ماهی

برابر روزه داشتن تمام ماه است و سه روزه داشتن از ماهی تمام روزه داشتن تمام عمر است
بدرستی که خدای تعالی میگوید من جاء بالحسنة فله عشر امثالها یعنی هر که یک نیکی کند
مر او را ده نیکوئیست پس سه روزه در ماهی برابر روزه داشتن تمام ماه است
پس سه روز روزه داشتن از ماهی برابر تمام عمر است که پرسیدند
امام جعفر صادق را علیه السلام از کسی که سه روزه دارد در هر ماهی بجهت آنکه
دشوار باشد بر او روزه داشتن آیا بدل دارد این روزه را گفت بلی بدل
هر روزی یک مد طعام بدهد بر وجه صدقه از امیرالمؤمنین علی علیه السلام
که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر کس یک روزه سنت بدارد از خدا تعالی
بهشت برای او واجب شود از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که افطار
کردن در منزل برادر مؤمن فاضلتر است از روزه داشتن سنت ده بار یا نود بار روزه را
از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که هر که نزد برادر مؤمن در آید
و روزه دار باشد و برادر او را مهمانی کند و او افطار کند نزد برادر مؤمن
و نگوید که روزه دارم و منت ننهد بر آن برادر بنویسد خدا تعالی از برای او
ثواب روزه یکساله و گفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وقتی که افطار
میکرد میگفت که اللهم لک صمت و علی رزقک افطرت در آداب
روزه داشتن منقول است از کتاب من لا یحضره الفقیه و غیر آن که گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که آنکسی که نمیخواهد که بسیار تشنه شود باید که دست خود را

بشوید نزد حاضر شدن طعام و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که جمع کنید
آب شستن را تا جمع کند خدا تعالی پریشانی شما را و نیز گفت حضرت پیغمبر
صلی الله تعالی علیه و آله دست شستن پیش از طعام می برد درویشی را و بعد از
طعام می برد دیوانگی را و صحت میدهد چشم را روایت از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت آنکسی که بشوید دست خود را پیش از طعام و بعد از طعام
برکت میدهد او را خدا تعالی در اول طعام و آخر طعام و بفراغت میگذراند
مادام که زنده است و عافیت می یابد از زحمتی که در بدن اوست
و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بگیرید بدندانهای خود سعد را از درستی
که خوشبو میکند دهن او زیاده میکند قوت جماع را و سعد گیاهیست خوشبو
روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که آنکسی که بشوید دست خود را
پیش از طعام باید که خشک نکند بر دستمال و مانند آن بدرستی که در طعام برکت
مادام که دست تر است روایت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت
وقتی که طعام اول صاحب منزل دست بشوید بعد از آن آنکسی که بجانب دست
راست او باشد بدرستی که صاحب منزل سزاوار تر است بصبر کردن برای
طعام و دست خود را پاک کند بعد از آن دست شستن بدستمال و مانند
آن روایت از امام جعفر صادق علیه السلام پاک کرد دست خود را
از طعام پیش از رسول صلی الله علیه و آله گفت وقتی که طعام خورید باید که پاک

نکنید

باید که پاک نکنید دست خود را بدست و دستمال اگر بلیسید دست خود را
روایت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله دست شستن بعد از دست شستن
مالید دست خود را بر روی خود پیش از آنکه پاک کنید بدستمال خود
و گفت که اللهم اجعلنی ممن لا یرهق وجوههم قتر و لا ذلة روایت در دوا
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که دست شستن پیش از طعام می برد
درویشی را بمجانکه دم آهنگران می برد کثافت آهن را و بفراغت میگذراند
مادام که زنده است و فرشتگان طلب آمرزش میکنند از برای آنکسی که می لیسید
انگشت خود را در آخر طعام روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
میدانست نزد دست شستن بر داشتن طشت را پیش از آنکه پر شود و چون
پر میشد آب آنرا میریختند و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که آنکسی که
دوست میدارد که بسیار شود خیر در منزل او باید که دست خود را بشوید
پیش از طعام و بعد از طعام بدرستی که آنکسی که چنین کند بفراغت میگذراند
مادام که زنده است و عافیت می یابد از زحمتی که در بدن اوست روایت
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت وقتی که دست خود را بشوید بعد از
طعام می باید که بمالید بر چشمهای خود دست تر را بدرستی که امان است از درد چشم
روایت از صفوان الجمال که گفت که بودیم ما نزد ابی عبدالله علیه السلام که
خوان طعام پیش آوردند خادم آورد آب را برای دست شستن آنحضرت و

شست و خادم خواست که مندیلی بآنحضرت بدهد که دست خود را خشک کنند
آنحضرت قبول نکرد و گفت که ما دست خود را شستیم از انجهت که دست ما تر باشد
در وقت طعام خوردن و دیگر از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که دست
شستن پیش از طعام و بعد از طعام می برد درویشی را و زیاده میکند روزی را
و دیگر از کتاب تهذیب الاحکام که گفت ابوجعفر علیه السلام که دست
شستن پیش از طعام و بعد از طعام می برد درویشی را و دیگر از یونس که گفت
که یک نوبتی ابوالحسن علیه السلام بمنزل من آمد چون طعام حاضر شد طشتی آوردند
که آنحضرت دست بشوید و آن حضرت در صدر مجلس بود و گفت بمن ابتدا
کن بآنکسی که در جانب راست تست چون یکی دست شست غلام خواست که برآرد
آن طشت را آنحضرت فرمود که بگذار طشت تا دیگران هم بشویند و دیگر
از مراد که گفت که دیدیم اباالحسن را علیه السلام وقتی که دست می شست
بعد از طعام دست خود را خشک نمیکرد بدستمال و وقتی که می شست بعد از طعام
دست خود را بدستمال خشک میکرد و دیگر از کتاب [illegible] الصادقین
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وقتی که فارغ میشد از دست شستن بعد از طعام
می مالید ترا بر روی خود و میگفت الحمد لله الذی هدانا و اطعمنا و سقانا و کل
بلا صالح اولانا فصل سیم در آداب چیزی خوردن و آنچه متعلق است
بآن و دیگر از کتاب طب الائمه که امیرالمومنین علی علیه السلام گفت که

یاد کنید

یاد کنید خدا تعالی را نزد طعام خوردن بدرستی که طعام نعمتی است از نعمتهای
خدا تعالی و واجبست بر شما حمد و شکر گفتن نعمتهای خدا تعالی و نیکو عمل کنید
با نعمت چون بر طرف شود گواهی میدهد بر صاحب آن عملی که کرده است با او
گفت امیرالمومنین علی علیه السلام که وقتی که بنشینید بطعام خوردن باید که
بنشینید چو نشستن بنده و طعام بخورید بر روی زمین و چهار زانو منشینید بدرستی
که خدا تعالی دشمن میدارد چهار زانو نشستن را و خشم میکند بر کسی که چهار زانو
می نشیند و دیگر از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که بسیار مکث
کنید در طعام خوردن که این ساعتی است که حساب نمیشود از عمر شما
از کتاب من لا یحضره الفقیه که روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام
از پدران خود و پدران ایشان روایت کرده اند از حسین بن علی علیهما السلام
که گفت که در مائده دوازده خصلت است که واجب است بر هر مسلمانی
که بداند آنها را چهار از آن خصلت واجب و چهار سنت و چهار آداب
با آنچه واجبست شناختن آنست که این نعمت خدا تعالی است و راضی شدن
است بآنچه خدا تعالی بار داده است و بسم الله گفتن است و شکر کردن
بعد از طعام اما آن چهار که سنت است دست شستن است پیش از طعام
و نشستن بر جانب چپ و طعام خوردن است از پیش خود و لقمه خورد برداشتن
و بسیار خائیدن و کم نظر کردن در روی مردمان در حالت طعام خوردن

حدیث از عمر بن قیس که گفت که رفتم نزد ابی جعفر علیه السلام و پیش
در پیش آنحضرت خوان طعامی بود و آنحضرت طعام میخورد پرسیدم که چه عمل بایست
کرد با خوان طعام آنحضرت فرمود که هرگاه خوان را بنهی بسم الله بگو و هرگاه بر دارند
او را حمد بگو خدا تعالی او را بجهت بر داشتن خوان این است آن عمل که میباید
کرد بخوان طعام حدیث از محمد بن ولید که گفت طعام خوردم از نزد ابی جعفر
علیه السلام تا آنکه فارغ شدم از طعام خوردن و خوان را برداشتند پس می
خواست غلام آنچه ریخته بود از طعام بر زمین بردارد حضرت امام علیه السلام گفت
که آنچه در صحرا میافتد بر روی کنید و بردارید و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که آنکسی که بیابد ریزه از طعام یا از خرما و بخورد آنرا هنوز در شکم او باشد
که خدا تعالی بیامرزد او را حدیث کرده امام رضا علیه السلام از پدران خود
که رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت که آنچه میافتد از خوان طعام کابین حور
عین است حدیث که امام جعفر صادق علیه السلام کراهت میداشت بدست
چپ چیزی خوردن و آشامیدن و بدست چپ چیزی گرفتن و گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله با امیرالمؤمنین علی علیه السلام که یا علی در وقت طعام خوردن
ابتدا کن به نمک بدرستی که در این نمک شفاست که از هفتاد درد که از جمله آنها است
دیوانگی و جذام و درد حلق و درد دندان و درد شکم حدیث
از ابن عباس که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که سه بار انگشت به نمک زدن

و خوردن

و خوردن پیش از طعام و بعد از طعام دور میکند از بنی آدم هفتاد و دو نوع بلا را
که از جمله آن بلاها دیوانگی است و جذام و برص است و گفت امیرالمؤمنین علی
علیه السلام که ابتدا کنید به نمک در طعام خوردن پس اگر مردمان بدانند که چه
خاصیت است در نمک اختیار کنند نمک را و بگذارند تریاق فاروق را حدیث
از ابی عبدالله علیه السلام که گفت ما ابتدا میکنیم بنمک در طعام خوردن و ختم میکنیم
بسرکه چه نیکو است و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که خوب نان خورش است
سرکه و گفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که خوب نان خورشی است سرکه که
محتاج نمیشود اهل خانه که در آن باشد حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هرگاه بنهید مائده را
جمعی از فرشته دور گرد او در می آیند پس وقتی که بسم الله بگویند آن فرشتها میگویند
بشیطان که بیرون رو ای فاسق که دوستی نیست ترا با اهل این طعام و هرگاه
فارغ شدید از طعام خوردن و گفتید الحمد لله آن فرشتها میگویند این قومی اند
که خدا تعالی داد بایشان و ایشان فراموش نکردند از پروردگار خود و شکر
نعمت بگفتند و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله با امیرالمؤمنین علی علیه السلام
که یا علی هرگاه میخواهی که طعام بخوری بسم الله بگو و بعد از آن شروع کن در
طعام خوردن و چون فارغ شوی از طعام الحمد لله بگو بدرستی که دو فرشته
که موکل اند حسنات می نویسند از برای تو تا وقتی که طعام تمام شود و گفت امیرالمؤمنین

امیرالمؤمنین علیه السلام که هر که بسم الله بگوید نزد طعام خوردن من ضامنم که آن
طعام آزار نکند پس گفت ابن الکوا که یا امیرالمؤمنین دوش من طعام خوردم
و بسم الله گفتم و ضرر کرد آن طعام مرا امیرالمؤمنین علیه السلام گفت که چند نوع
طعام خوردی و بر بعضی بسم الله گفتی و بر بعضی نگفتی از این جهت ضرر یافتی
ای لکع و در حدیث از امام جعفر علیه السلام که هرگز طعام در معده و شکم ما ضرر نرسید
بجهت آنکه هرگاه که طعام خوردم ابتدا به بسم الله کردم و چون فارغ شدم از طعام
الحمد لله گفتم و گفت امام جعفر صادق علیه السلام کسی که سیر شود و نفس طغیان
میکند پس باید که اندک طعام بخورد که سیر [illegible] از امیرالمؤمنین علی علیه السلام
که گفت به پسر خود امام حسن علیه السلام که ای پسر من که هر لقمه که از طعام بخوری بخوان که
خدا یا سیر شود و هر شربتی که بخوری با جرعه که بیاشامی می باید که بگویی اللهم انفع
اسالک ... اکلی و شربی السلامة من وعکه و القوة به علی طاعتک و ذکرک
و شکرک فیما بقیته فی بدنی و ان تشجعنی بقوتها علی عبادتک و ان تلهمنی حسن التحرز
من معصیتک بدرستی که اگر این کار بکنی ایمن میشوی از سختی آن و در حدیث است
که چون خوان طعام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می نهادند میگفت اللهم
اجعلها نعمة مشکورة تصل بها نعمة الجنة و در حدیث که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
وقتی که دست خود بر طعام می نهاد میگفت بارک لنا فیما رزقتنا و علیک خلفه
و در حدیث که چون علی بن الحسین علیهما السلام طعام میخورد میگفت الحمد لله الذی

اطعمنا

اطعمنا و سقانا و کفانا و ایدنا و آوانا و انعم علینا و افضل الحمد لله الذی یطعم و لا
یطعم و در حدیث از امام محمد باقر علیه السلام که گفت حضرت سلیمان علیه السلام
وقتی که فارغ می شد از طعام خوردن میگفت اللهم اکثرت و اطیبت فزدنا
و اشبعت و ارویت فهنه و در حدیث که امام جعفر صادق علیه السلام وقتی که
طعام میخورد میگفت الحمد لله الذی اطعمنا فی جائعین و سقانا فی ظامئین و کسانا فی عارین
و هدانا فی ضالین و حملنا فی راجلین و آوانا فی ضاحین و اخدمنا
فی عانین و فضلنا علی کثیر من العالمین و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که وقتی که بر دارند سفره و خوان طعام بگو الحمد لله رب العالمین اللهم اجعلها نعمة
مشکورة و منقول است از کتاب نجات که این دعا را نزد طعام خوردن باید
خواند الحمد لله الذی یطعم و لا یطعم یجیر و لا یجار علیه و یستغنی و یفتقر الیه
اللهم لک الحمد ما رزقتنی من طعام و ادام فی یسر و عافیة فی غیر کد منی و لا مشقة
بسم الله خیر الاسماء رب الارض و رب السماء بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء
و هو السمیع العلیم اللهم اسعدنی من مطعمی هذا بخیره و اعذنی من شره و امتعنی بنفعه
و سلمنی من ضره و در حدیث که نزد فارغ شدن طعام باید خواند الحمد لله الذی اطعمنی
فاشبعنی و سقانی فاروانی و صاننی و حمانی الحمد لله الذی عرفنی البرکة و الیمن
بما اصبته و ترکته اللهم اجعله هنیئا مریئا لا وبیا و لا دویا و ابقنی بعده سویا قائما
بشکرک محافظا علی طاعتک و ارزقنی رزقا دارا و اعشنی عیشا قارا و اصلحنی

تا نگاه دار او اجعل ما تبلغنا الی المعاد مبلغا سابقا برحمتک یا ارحم الراحمین
از کتاب بصائر که روایت کرده است محمد ابن جعفر العاصم از پدر خود
که پدر او روایت کرده است از پدر خود که گفت که حج کردم و با من جماعتی
از یاران من بودند پس آمدیم بحوالی مدینه و قصد کردیم که جائی فرود آئیم
پس استقبال کرد ما را غلام ابی الحسن موسی بن جعفر علیهما السلام سوار بود بر
دراز گوشی سبزی و از عقب او طعام آوردند ما فرود آمدیم در نخلستانها
و آمد ابو الحسن علیه السلام و فرود آمد در ان منزل که فرمود آوردند طشت
آبی که دست بشویند پس آنحضرت اول [illegible] دو دست خود در طشت فرمود
که گردانیدند طشت را بجانب راست حضرت امام علیه السلام تا آنکه رسید تا آخر
مجلس و بعد از ان گردانیدند طشت را بجانب چپ حضرت امام علیه السلام
تا آنکه رسید تا آخر مجلس و بعد از ان طعام پیش آوردند و آنحضرت ابتدا به نمک
کرد و گفت بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید و بخورید بعد از ان سرکه آوردند
و بعد از ان فرمود که شانه گوسفند آوردند و گفت بسم الله الرحمن الرحیم
بگوئید و بخورید بدرستی که این طعامیست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله دوست
میداشت این را و بعد از ان فرمود که سرکه و روغن زیتون آوردند بعد از ان
فرمود که سکباج آوردند و گفت بسم الله بگوئید و بخورید که بدرستی امیر المؤمنین
علی علیه السلام دوست میداشت این طعام را و سکباج و قلیه ترشی است که از

سرکه

سرکه و گوشت و پیاز و ادویه حاره می پزند و بعد از ان فرمود که گوشت
بریانی که در و بادنجان بود آوردند و گفت که بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید
و بخورید بدرستی که حضرت امام علیه السلام دوست میداشت این طعام را
و بعد از ان فرمود که دوغ ترشی آوردند که در ان نان ترید کرده بودند
و گفت که بسم الله بگوئید و بخورید بدرستی که علی ابن الحسین علیهما السلام دوست
میداشت این طعام را و بعد از ان فرمود که پهلوی گوسفندی آوردند که
با داروهای گرم پخته بودند و گفت که بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید و بخورید بدرستی
که دوست میداشت این طعام را ابی جعفر علیه السلام و بعد از ان فرمود که
حلوا آوردند و گفت که بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید و بخورید که دوست میدارم
این طعام را و بعد از ان فرمود که خوان طعام را برداشتند پس خواست یکی
از ما که بر چیند آنچه ریخته بود از خوان طعام حضرت امام علیه السلام منع کرد
او را و گفت آنچه در خانه می افتد از خوان طعام از برای مرغان و حیوانات
باید گذاشت بعد از ان فرمود که خلال آوردند و گفت که خلال کردن آنست
که اول بگردانید زبان خود را در دهن پس آنچه جدا شود بزبان فرو برید آنرا
و آنچه بزبان جدا نشود بخلال جدا کنید و بیرون آورید از دهن و بیندازید
و بعد از ان طشت و آب دست شستن بطلبید و اول آنکسی که بجانب چپ
آنحضرت نشسته بود دست شست پس تا آخر مجلس از جانب چپ دست شست

و بعد از آن دست شست پس تا آخر مجلس از جانب راست دست بشستند
بعد از آن حضرت امام علیه السلام گفت ای عاصم شما با یکدیگر آمیزش و نیکویی
میکنید عاصم گفت که به نیکوترین وجهی پس گفت حضرت امام علیه السلام
که اگر یکی از شما در تنگی بمنزل برادر مؤمن خود بیاید و بگوید که کیسه زر او را
بیرون آورید و آنکس بردارد از آن کیسه و آن مقدار از زر که احتیاج دارد
بر دارد آیا آن برادر مؤمن را بد می آید عاصم گفت آری حضرت امام علیه السلام
گفت که این چنین شما نیست به نیکو وجهی حدیث از کتاب طب الائمه که
گفت ابی عبد الله علیه السلام که چیزی مخورد در وقت راه رفتن مگر در ضرورت
حدیث از عمر بن ابی شعبه که گفت که دیدم ابی عبد الله علیه السلام را
که تکیه کرده چیزی میخورد و گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله تکیه کرده چیزی
نخورد تا آنکه از دنیا رحلت فرمود و گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که هر
کسی اگر می افتد از خوان طعام بر دارد بخورد که در او شفاهاست از هر دردی
طلب شفا دارد بر آن حدیث از کتاب فردوس که گفت انس که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله فرمود که آنکس بخورد از خوان طعام ریزه را تا زنده است
زنده است و عافیت یابد از جذام فرزند او و فرزند فرزند او
حدیث پیغمبر صلی الله علیه و آله که یاد کردن بطعام می برد برکت طعام را
که دید حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله ابو ایوب انصاری را که برمی چید آنچه از خوان

طعام ریخته

طعام ریخته بود حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود برکت مر ترا ابی گفت ابو ایوب
که اگر غیر من این کار کند برکت هست او را حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله
گفت بلی آنکس این کند که کردی آنچه در حق تو گفتم در حق او نیز هست و آنحضرت گفت
که آنکسی که این کار کند نگاه میدارد خدا تعالی او را از دیوانگی و جذام و برص
و زرد آبی و سبقلی حدیث از عالم آل محمد باقر علیه السلام که سه چیز است که حساب
نمیکند خدا تعالی آن را در حرمت طعامی که بخورد و جامه که بپوشد و زن صالحی که یاری
کند او را و محفوظ ماند بسبب آن زن دین او حدیث از امیر المؤمنین علی
علیه السلام که بگذارید طعام گرم را که سرد شود تا بآسانی توان خورد بدرستی که
نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله طعام گرم آوردند آنحضرت فرمود که بگذارید
تا سرد شود تا بآسانی توان خورد و گفت که خدا تعالی آتش طعام نکرده است آن را
و برکت در طعام سرد است در طعام گرم نیست و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که آنکسی که بلیسد کاسه را صلوات فرستند بر او فرشتهها و دعا کنند که روزی او
فراخ شود و بنویسند از برای او حسنات بسیار و نیز گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که آنکسی که طعام بخورد در وقتی که معده او خالی باشد و نیکو بخاید طعام را و ترک
طعام خوردن کند و هنوز میل داشته باشد و نگاه ندارد حاجت را وقتی که تقاضا
کند بیمار نشود مگر بیماری موت حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
که هر گاه که می آوردند از برای حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میوه تازه و نوباوه آنحضرت

چون میوه تازه برچشم خود می نهاد و میگفت اللهم ارَیتنا اوّلها فی عافیة
فارنا آخرها فی عافیة یعنی بار خدایا نمودی اول این میوه را بعافیت
پس بنمای آخر او را بعافیت حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت سزاوار نیست خراب کردن هر کسی را که بسیار سیر باشند بدرستی که بری
که بیرون است بغرفت خراب میکند و خوشبوتر می شود دهن او و گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که عجب است که کسی که خود را نگاه دارد از طعام از ترس
بیماری که چون نگاه نمیدارد خود را از گناه از ترس آتش دوزخ حدیث
از کتاب تهذیب الاحکام که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که وقتی که
بطلبند شما را بطعامی باید که نبرید فرزند خود را همراه بدرستی اگر چنین کنید
آنچه می خورید حرام است و بآن منزل عاصی و گناهکار میروید حدیث
از امام جعفر صادق علیه السلام که طعام خوردن در وقت پیری برص می آورد
حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که آنکسی که بسیار آروغ زند بجهت بسیار طعام خوردن گرسنگی بسیار خواهد بود
او را در روز قیامت حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
وقتی که حاضر شود خوان طعام نزد جماعتی و یکی از آن جماعت بسم الله بگوید
کافیست از همه حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که وقتی
که خوان طعام نهاده شود بسم الله بگوئید و وقتی که طعام میخورید بگوئید

بسم الله علی اوله

بسم الله علی اوله وآخره و چون خوان طعام برداشته شود الحمد لله بگوئید
حدیث از امام رضا علیه السلام که گفت که هرگاه که طعام بخوری بعد از آن
که فارغ شوی از طعام خوردن باید که برپشت بخسبی و پای راست را بر بالای
چپ نهی و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بسیار چیزی خوردن مکروه است
حدیث از امام جعفر علیه السلام که آنکسی که بخورد طعامی که او را نطلبیده باشند
بآن طعام گویا آن طعام پاره از آتش است حدیث از کتاب زهد امیر المومنین
علی رضی الله عنه که گفت که روایت کرده است ابی عبدالله علیه السلام از پدران
خود و ایشان کرده اند از امیر المومنین علی علیه السلام که گفت که نگاه دارید
خود را از گناهان که هیچ یک نعمت و عیش تر از گناه نیست و محروم نمی شود روزی
مگر بگناه و گناه سبب حزن و اندوه و معصیت و نکبت میشود چنانچه خدا تعالی
فرموده است وما اصابکم من مصیبة فبما کسبت ایدیکم ویعفو عن کثیر یعنی آن مصیبتی
که بشما میرسد بجهت کسب شماست و حال آنکه خدا تعالی عفو میکند شما را و گفت
امیر المومنین علی علیه السلام که بسیار یاد کنید خدا تعالی را نزد طعام خوردن و
نافرمانی مکنید بدرستی که طعام نعمتی است از نعمتهای خدا تعالی و روزی است از
روزیهای او و واجب است بر شما حمد گفتن و ذکر کردن بر نعمتهای خدا تعالی
و نیکو عمل کنید بنعمت پیش از آنکه فارغ شوید از نعمت بدرستی که چون برطرف
شود گواهی میدهد بر صاحب خود بآن عمل که کرده است باو و آنکسی که خشنود شد

از خدا تعالی باندک روزی خشنود می شود خدا تعالی از و باندک از عملی و پرهیز هم
در تقصیر کردن در عمل با حسرت نمی آید که در محل حسرت فایده ندهد و هرگاه برسید
بدشمن در جنگ کم سخن گویید و بسیار یاد کنید خدا تعالی را دوست بدشمن خشمناک کنید
و کر نزدید تا غضب نکند خدا تعالی بر شما و مستوجب غضب خدا تعالی شوید
و اگر کسی که خواهد که چگونه است قدر و منزلت او نزد خدا تعالی باید که بداند و نظر
کند که چگونه است در محل گناه کردن پس همچنان است قدر و منزلت او نزد
خدا تعالی حدیث از کتاب تهذیب الاحکام که گفت مردک بن عبید که گفتم
با امام جعفر صادق علیه السلام که اگر مردی بگذرد و بر زراعتی و اجب است که خوشه
از آن زراعت تصرف کند آنحضرت گفت که نی گفتم که چه چیز است خوشه که
جایز باشد تصرف کردن آن آنحضرت گفت که اگر کسی بگذرد و بر زراعتی و خوشه
بگیرد باقی نمی ماند از آن زراعت چیزی حدیث از کتابی که جد من جمع کرده
آنرا در آداب که گفت فضل ابن یونس که روزی من در منزل خود بودم خادم
من آمد و گفت در سرا مردیست که کنیت ابوالحسن است و نام او موسی بن جعفر
پس گفتم ای غلام اگر این مرد آنکس است که من گمان می برم تو از مال من آزادی
قربة الی الله پس بیرون رفتم آنکس بود که من گمان برده بودم گفتم ای سید من
آنحضرت فرود آمد و در آمد بمجلس خواستم که آنحضرت را در صدر مجلس بنشانم
گفت ای فضل صاحب مجلس سزاوارتر است بصدر مجلس برای آنکه در میان قوم

ادل

مردی از بنی آدم هاشم بنشستم پس گفتم فدایت گردم تو از بنی هاشمی چون نشست گفتم
فدایت گردم از خدا تعالی حاضر شده است نزد ما طعامی گفت ای فضل مردمان
میگویند که این طعامی است مختصر رسیده و مکروه میدارند این طعام را با نزد من
قصوری ندارد پس فرمود غلام را که طشت آورد و نزدیک حضرت امام ر
آنحضرت گفت که الحمد لله جعل لکل شیء حدا یعنی سپاس و ستایش مر خدای را
که تعیین کرده است برای هر چیزی حدی و قاعده پس گفتم فدایت گردم قاعده
دست شستن چیست آنحضرت گفت که قاعده دست شستن آنست که ابتدا
کند بآن صاحب منزل تا اگر خوشحال شود مهمان پس وقتی که نهاد طشت را
پیش حضرت امام علیه السلام آنحضرت بسم الله گفت و چون دست شست آنحضرت
حمد گفت خدای تعالی را و بعد از آن طعام آوردند پس گفتم که چیست قاعده
این آنحضرت گفت بسم الله گفت بگویید وقتی که طعام را ببینید و حمد گفتن
خدا تعالی را وقتی که خوان طعام بردارند بعد از آن خلال آوردند پس گفتم
قاعده خلال کردن چیست آنحضرت گفت شکستن سر خلال را تا آنکه
گوشت بن دندان را خونین نکند پس کوزه آوردند گفتم قاعده آب خوردن
چیست آنحضرت گفت قاعده آنست که از پیش دسته از آنجا که شکسته
باشد آب نخورند بدرستی که این هر دو جای نشستن شیطان است و هرگاه
خواهی که آب خوری بگو بسم الله و چون فارغ شوی از آب خوردن حمد بگو

ظرف را برد

خدای تعالی را و چون فارغ شوی از طعام خوردن ای مفضل باید که صاحب خانه
بعد از دست بشوید پس حضرت امام علیه السلام که خلیفه فرموده است که تو
هزار درهم بفلان جماعت بدهی و من میخواهم که از تو این مبلغ را نقد با ایشان
بفرستی پس گفتم خدا شکر کردم اگر این زر از دست من بیرون رود و باز
نخواهد رسید و اگر برسد بتو عوض خواهد کرد ان شاء الله تعالی و گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که چیزی خوردن از دنائت و پستی است و نیز روایت
که گفت مردی برسول خدا صلی الله علیه و آله که ما طعام میخوریم و سیر نمیشویم
آنحضرت فرمود که شما جدا جدا طعام میخورید بجهت آن سیر نمیشوید در طعام خوردن
و بسم الله بگوئید تا برکت خدا تعالی شما را در آن [illegible] از حضرت رسول خدا
صلی الله علیه و آله گفت هرگاه طعام پیش کسی بیاورند باید که انگشت از پیش خود
بخورد و از میان طعام نخورد بدرستی که برکت در میان طعام است و باید
که با کسی طعام بخورد دست از طعام باز ندارد و اگر چه سیر شده باشد بدرستی
که اگر چنین کند آنکسی که با او طعام میخورد خجل میشود و شاید که هنوز سیر نشده
باشد [illegible] از انس که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله طعام میخورد
در پیاله خورد و نان تنک نخورد و پس گفتند بانس که بر چه چیز طعام میخورد
گفت بر سفره [illegible] از کتاب روضة الواعظین که روایت کرده
است امیر المؤمنین علی علیه السلام از ابی جحیفه که گفت که تشنی بودم در خدمت

حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و من آروغ می زدم بجهت آنکه طعام بسیار خورده
بودم آنحضرت فرمود یا ابا جحیفه طعام کمتر بخورید بدرستی که آنها که سیرترند در دنیا
گرسنه تر خواهند بود در روز قیامت گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که نور
رحمت در گرسنگی و دوری از خدا تعالی در سیری است و نزدیکی بخدا تعالی
در دوستی مسکینان و درویشان است و نزدیکی با ایشان و نیز گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله باید که نمیرانید دلهای خود را به بسیار خوردن طعام و آب
بدرستی که همچنانکه ضایع میشود بسیاری آب و نیز گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که سیر نخورید بدرستی که نمی ماند نور معرفت در دل شما و آنکسی که شب بروز آورد
و نماز گزارد و اندرون او خالی باشد از طعام شب بروز می آورد حور عین دور او
و نیز روایت که رسید بما از رسول خدا صلی الله علیه و آله که چه چیز است که مردمان را
بدوزخ برد آنحضرت گفت که شکم و فرج و نیز گفت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
و آنکسی که طعام حلال بخورد می ایستند بسر او فرشته در وقت طعام خوردن او و استغفار
میکنند از برای او تا آنکه فارغ شود از طعام و نیز گفت پیغمبر صلی الله تعالی علیه و آله
که هرگاه کسی لقمه حرام بخورد لعنت میکند بر او فرشته که در آسمان و زمین است
مادام که آن لقمه در اندرون او است حضرت حق سبحانه و تعالی بر او نظر رحمت نمیکند
و اگر کسی که لقمه از حرام بخورد سزاوار است بغضب خدا تعالی و اگر توبه کند
خدا تعالی توبه او را قبول میکند اگر بمیرد بی توبه بدوزخ سزاوارتر است

فصل [illegible]

در آداب شرب و آنچه متعلق است بآن حدیث از کتاب من لا یحضره الفقیه
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت که ظرف طلا و نقره متاع آنجماعت که یقین
ایشان بخدا تعالی درست نیست دیگر حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت سزاوار نیست آشامیدن در ظرف طلا و نقره دیگر حدیث که ابی عبدالله علیه السلام
مکروه میداشت که روغن بمالند از روغن دان نقره کوفت و شانه کنند
بشانه نقره کوفت پس آنکسی که ناچار باشد که بیاشامد از قدح نقره کوفت میباید
که دور کند دهن خود را از موضع نقره دیگر حدیث و ابی عبدالله علیه السلام آب طلبید
از برای آنحضرت قدحی آوردند که در ان آب پس گفتند بعضی از اهل مجلس
و بعضی که عادت بصری مکروه میداشت آبخوردن را از قدحی که از روی باشد
حضرت امام علیه السلام گفت که بپرسید ازو که این قدح از طلا است یا نقره
که مکروه میداری آب خوردن ازو دیگر حدیث که پرسیدند امام جعفر علیه السلام را
از آب خوردن بیکدم حضرت امام علیه السلام گفت که آنکسی که بتو آب میدهد هرگاه
بنده تو باشد آبرا بسه دم بخورد و اگر آزاد است بیکدم بخورد و در روایتی دیگر
آمده است و این روایت صحیح است که حضرت امام علیه السلام گفت که آب
خوردن بسه دم بهتر است از یکدم حضرت امام علیه السلام مکروه میداشت
آبخوردن را بطریق شتر دیگر حدیث می باید خواند بعد از آب خوردن الحمد لله
... الماء من الاسماء ... بسم الله خیر الاسماء دیگر حدیث

از امام

از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که آمدند نزد پدرم جماعتی و گفتند که فرموده
که هر چیزی را حدی است گفت بلی بعد از آن طلبید که ایشان بخورند گفتند یا اباجعفر
کوزه هم چیزیست از آن چیزها که حد دارد گفت بلی گفتند حد او چیست گفت حد او
این است که آبخوری و حمد خدا تعالی بگوئی و آب بخوری نزدیک دسته کوزه
بدرستی که شیطان از آنجا آب میخورد و بعد از آب خوردن بگویند الحمد لله الذی سقانا
ماء عذبا و لم یجعله ملحا اجاجا بذنوبنا و در روایتی دیگر واقع شده است که
دعا که گذشت می باید خواند یا این دعا که الحمد لله الذی سقانی فارواني و اعطانی
فارضانی و عافانی و کفانی اللهم اجعلنی ممن تسقیه في المعاد من حوض محمد صلی الله
علیه و آله و تسعده بمرافقته برحمتک یا ارحم الراحمین دیگر حدیث از عبدالله ابن
مسعود که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله بسه دم آب میخورد و پیش از هر
دم بسم الله میگفت و بعد از هر دم شکر میگفت خدا تعالی را دیگر حدیث
از انس ابن مالک که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله نهی کرده است از آب
خوردن ایستاده و گفتم ایستاده طعام خوردن چون است آنحضرت گفت ایستاده
طعام خوردن بدتر است از ایستاده آبخوردن و در روایتی هم از انس آمده است
که حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله ایستاده آبخورد دیگر حدیث که پرسیدند
از امام جعفر صادق علیه السلام که طعم آب چیست گفت که طعم زندگانیست
و گفت امام جعفر علیه السلام که بسه دم آب بخورید و در هر دم شکر نعمت بگوئید

کوزه آب

از برای آب خوردن دو دم بجهت راندن شیطان سیوم بجهت شفای آب دردان
نما. در حدیث از ابن عباس که گفت که دیدیم رسول خدا را صلی الله علیه و آله که آب بدو
دم خورد. در حدیث که پرسیدند از موسی بن جعفر علیهما السلام از ظرفی که دردی دارد
آب میخورند آنحضرت گفت که جدا آنست که آب نخورند از موضع شکسته اگر
شکسته باشد بدرستی که نشستن شیطانست پس وقتی که آب بخوری بسم الله بگو
و چون فارغ شوی از آب خوردن حمد بگو خدا تعالی را. در حدیث از عمر بن ابی یحیی
که گفت که رفتم نزد امام جعفر علیه السلام بمدینه در پیش آنحضرت کوزه نهاده بود
پس گفتم که چه کوزه است فرمود چه کوزه آنست که بخوری از میان آب کوزه
و بسم الله بگوئی و هرگاه کوزه را از دهن برداری حمد بگوئی خدا تعالی را و
پرهیز از آب خوردن از نزدیک دسته کوزه بدرستی که جای نشستن شیطان است
و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که وقتی که بیفتد در ظرف شما مگس پس باید
که فرو برید تمام او را در ظرف و بعد از ان بیرون اندازید بدرستی که در یک بال
او دردی هست و در بال دیگر شفاست مگس فرو می برد در ظرف آن بالی را که
درد هست باید که فرو برید همه آنرا بعد از ان بیرون اندازید. فصل پنجم
در آداب خلال کردن. در حدیث از کتاب من لا یحضره الفقیه و گفته است ابن ابی عمیر
که دیدم امام ابا عبدالله را علیه السلام که خلال میکرد پس نظر کردم بامام علیه السلام گفت که رسول
خدا صلی الله علیه و آله خلال میکرد و دهن آنحضرت خوشبو بود بجهت خلال کردن

واقع

واقع است که از حق مهمان آنست که مهیا و آماده سازد برای او خلالی و گفت ابو عبدالله
علیه السلام که آنچه بزبان بیرون می آوری از میان دندانها فرو بر او را و آنچه از
خلال بیرون آوری بینداز آنرا. در حدیث از فضل بن یونس که گفت که پرسیدم امام
موسی کاظم را علیه السلام از طریق خلال کردن آنحضرت گفت که طریق خلال کردن
آنست که بشکنی سر خلال را تا آنکه خونین نکند گوشت بن دندانها را. در حدیث
از امام جعفر علیه السلام که سرمه کشیدن خوشبو میکند دهن را و خلال کردن زیاده
میکند روزی را و منقول است از کتاب فردوس که گفت سعد بن معاذ که رسول خدا
صلی الله علیه و آله که پاک گردانید دهن خود را بخلال کردن بدرستی که دهن شما
مسکن دو فرشته است که موکل شما اند و نیک و بد شما را می نویسند و سیاهی
آن فرشته آب دهن شماست و قلم ایشان خلال است و بدترین چیزها نزد آن
فرشته طعامیست که در میان دندانهای شما می ماند. در حدیث از کتاب روضة الواعظین
که گفت امیرالمؤمنین علیه السلام که خلال کردن بچوب گز درویشی می آرد. در حدیث
از کتاب طب الائمه که گفت امام رضا علیه السلام که خلال کردن بچوب نار و چوب ریحان
بدرستی که در حرکت می آرد رگ جذام را و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که رحمت
کناد خدا تعالی از امت آنکسانی که خلال میکنند در وضو ساختن و بعد از طعام خوردن
در حدیث از امام موسی کاظم علیه السلام که گفت که ندا میکند ندا کننده در
آسمان و میگوید اللهم بارک فی الخلالین و المتخللین یعنی بار خدایا برکت ده آنکسانی را

که در خانه ایشان هر که باشد و خلال و هر که بمنزل مردی صالح است که دعا میکند از
بعد آن خانه ببرکت و گفت امام موسی کاظم علیه السلام که گفت خلال را مهتر جبرئیل
علیه السلام آورد و برای حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله با مسواک کند و [illegible] از آسمان
در روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که خلال کنید بعد از طعام بدرستی که خلال کردن بعد از طعام موجب صحت
دهان است و دندانها را افزاید روزی را و در روایت از صحیفة الرضا که روایت
کرده است امام رضا از پدران خود علیهم السلام که گفت امام حسین علیه السلام
که امیر المؤمنین علی علیه السلام می فرمود ما را که بعد از خلال کردن آب بخوریم
تا آنکه سه بار مضمضه کنیم در روایت محمد ابن حسن الداری از یکی از ائمه علیهم السلام
که گفت آنکس که خلال کند بنی حاجت او بر آورده نمیشود تا هفت روز در روایت
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که خلال مکنید به نی و اگر ناچار باشد
پوست نی را بکنید و بعد از آن خلال کنید در روایت که منع کرد رسول خدا صلی الله
علیه و آله از خلال کردن بچوب انار و [illegible] و گفت که این دو درخت حرکت می آورد رگ
خوره در روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که خلال کنید بدرستی که نیست هیچ چیز بدترین نزد فرشتها که ببینید
در میان دندان بنده طعام را در روایت از انس که گفت حضرت رسالت پناهی
صلی الله علیه و آله که چه نیکوست از امت من آنکس که خلال میکند در روایت از حضرت پیغمبر

صلی الله

صلی الله علیه و آله که گفت آنکس که استنجا کند باید که بعدد طاق استنجا کند پس
آنکس که چنین کند نیکو کرده است و آنکس که چنین نکند باکی نیست و آنکس که سرمه کشد
باید که بعدد طاق سرمه کشد پس آنکس که چنین کند نیکو کرده است و اگر نکند باکی
نیست و آنکس که طعام بخورد و خلال بکند آنچه بخلال بیرون می آید از میان دندانها
باید که نخورد و آنچه بگردانیدن زبان می آید باید که فرو برد آنرا مصنف کتاب
میگوید که انتخاب کردم از کتاب طب الائمه چند فصل که لایق بود باین باب
و الحاق کردم آنرا باین موضع که مذکور خواهد شد فصل ششم در بیان روایتها
که واقع شده است در نان در روایت از امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت
که اکرام کنید نان را بدرستی که خدا تعالی فرو فرستاد برای نان برکتها
از آسمان و بیرون آورده است برای او برکتها از زمین پرسیدند از آنحضرت
صلی الله علیه و آله که چیست اکرام نان گفت که اکرام نان آنست که آنرا انتظار نکشند
و چیز دیگر بر بالا ننهند در روایت از امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت که گرامی
دارید نانرا بدرستی که خدا تعالی فرو فرستاده است برای نان برکتها از آسمان
پرسیدند از آنحضرت گفت هرگاه نان حاضر شود انتظار در روایت
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در وقت نان خوردن این دعا میکرد اللهم
بارک لنا في الخبز ولا تفرق بيننا وبينه يعني بار خدايا برکت ده ما را در نان
و جدائی میفکن میان ما و نان آنحضرت گفت که اگر نان نمی بود نمیتوانستیم

نماز کردن و روزه داشتن و ادا نمی توانستیم کرد آنچه خدا تعالی بر ما داد
کرد اینده است روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت گرامی کنید
نان را بدرستی که مخلوق شده است در میان عرش و فرشتین روایت
از امام جعفر صادق علیه السلام که بنای بدن آدمی بر نان است در بیان نان
جو روایت از امام رضا علیه السلام که قوت رسول خدا صلی الله علیه وآله
از نان جو تر بود و حلوای آنحضرت خرما بود و نان خورش آنحضرت روغن
زیتون بود روایت از ابی الحسن علیه السلام که فضل نان جو بر گندم مانند فضل
ماست که اهل بیتیم بر باقی مردمان و جمیع پیغمبران و مردمان دعا کردند برای
خوردن نان جو و طلب برکت کردند برای او و هر کسی که نان جو بخورد بیرون
رود هر دردی که در اندرون اوست و نان جو قوت پیغمبران است
علیهم السلام و طعام نیکانست و نمیخواهد خدا تعالی قوت پیغمبران را قوت بدبختان
کند روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که اگر در چیزی دیگر
شفائی می بود غیر از نان جو نمیکرد این خدا تعالی نان جو را قوت پیغمبران
علیهم السلام در بیان برنج روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که برنج دهنده
ترنیست برنج که نیکو داشته باشند بدرستی که برنج میکشد درد را از اندرون
آدمی و هم روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که خوب دوائی است
برنج خشک و در دو هیچ دردی مضر نیست روایت از امام رضا علیه السلام از پدران

خود

خود علیهم السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله که بهترین طعامهای دنیا
و آخرت گوشت و برنج است روایت از ابی رافع و غیر آن که گفت یکی
از ائمه علیهم السلام که نیست نفع دهنده تر از برنج در بیان نان کاورس روایت
از ابی عبدالله السلام که گفت که در کاورس نفع نیست و در کاورس پر
دهنده تر است در معده در بیان فایده آبها روایت از امام جعفر صادق
علیه السلام که بهترین شربتهای دنیا و بهشت آب است روایت از ابی طیفور
المطبب که گفت که رفتم نزد ابی الحسن ماضی علیهم السلام و منع کردم او را از آب
خوردن ابو الحسن گفت که باکی نیست بدرستی که آب هضم میکند طعام را در معده
و می صفرا را فرو می نشاند غضب را و می نشاند حرارت را روایت از یاسر
خادم که گفت که امام رضا علیه السلام فرمود که باکی نیست بسیار آب خوردن
بر بالای طعام و بعد از آن آنحضرت هر دو دست خود را بپهلوی هم نهاد
و گفت اگر مردی این مقدار طعام بخورد و آب نخورد بر بالای آن از نیکو
نیست و هضم نشود آن طعام در شکم او در بیان آب زمزم روایت از امام
جعفر صادق علیه السلام گفت که آب زمزم شفاست از هر دردی و نیز گفت که
آب زمزم شفاست هر دردی را که آب را بجهت آن درد بخورند و در روایتی دیگر
که آب زمزم شفاست را از هر دردی و امانست از هر ترسی در بیان آب ناودان
خانه کعبه روایت از یاسر خادم که گفت که بیمار شد مردی از اصحاب با آنکه

نزدیک شد بمردن پس ملاقات کردم ابی عبدالله را علیه السلام آنحضرت گفت
ای صارم چه شد فلان کس که بیمار بود گفتم فدای تو گردم نزدیک شده است بمردن
آنحضرت گفت که اگر من بجای تو می بودم آب ناودان خانه کعبه باو میدادم
که بخورد صارم گفت بعد از آنکه حضرت امام فرمود که بآن بیمار آب ناودان
بدهم هر چند طلب کردم نیافتم پس در وقت طلب کردن ابری پیدا شد و رعد
و برق شد و باران بارید پس رفتم نزد بعضی از آنکسانی که در مسجد حرام
می بودند یکدرهم دادم و یک قدح آب ناودان گرفتم و آوردم و بآن بیمار
دادم و از پیش او دور نشدم تا آنکه خورد و آب را تمام نکرده (?) خلاص شد از
بیماری در بیان آب باران در حدیث که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام
که بیاشامید آب باران را بدرستی که پاک میکرداند بدن را و نفع میدهد
بیماریها را و گفته است حضرت حق سبحانه و تعالی که و ینزل علیکم من السماء
ماء لیطهرکم به و یذهب عنکم رجز الشیطان و لیربط علی قلوبکم و یثبت به الاقدام
یعنی فرو فرستاد خدا تعالی از طرف آسمان آبی تا پاک کرداند شما را بدان
آب از حدث و جنابت و بردارد از شما وسوسه (?) شیطان را و ببندد دلهای شما را (?)
بلطف حضرت باری و ثابت کرداند بدان باران قدمهای شما را در جنگ
در بیان آب فرات در حدیث از خالد بن جریر (?) که گفت که ابو عبدالله علیه السلام
فرمود که اگر من نزد تو می بودم هر روز می آمدم بفرات و غسل میکردم هر روز

بلغار (?)

بکنار سورا و سورا نام موضعی است در عراق عرب در بیان آب نیل مصر در حدیث
که امیر المؤمنین علی علیه السلام که آب نیل مصر میمیراند دلها را و میشوید خود را بکلی (?)
بدرستی که بیمار میسازد کسی را در بیان آب سرد در حدیث که گفت امیر المؤمنین
علی علیه السلام که آب سرد بریزید برکسی که تب داشته باشد بدرستی که آب سرد
می نشاند حرارت را و تسکین میدهد صفرا را و هضم میکند طعام را در معده
از صحیفه الرضا که روایت کرده است امام رضا علیه السلام از پدران خود علیهم السلام
و ایشان روایت کرده اند از امیر المؤمنین علی علیه السلام گفت که در تفسیر
قول خدا تعالی است ثم لتسألن یومئذ عن النعیم که مراد از نعیم خرمای نزد آب
سرد است و معنی آیت این است که پس هر آینه شما را پرسیده میشود در روز
قیامت بوقت محاسبه از نعمتهای خدا تعالی که بشما داده است در دنیا
در بیان آب جوشیده در حدیث از امیر المؤمنین علی علیه السلام که آب جوشیده
فایده میدهد جمیع مرضها را و هیچ ضرر نمیرساند در حدیث از امیر المؤمنین علی علیه السلام
که گفت که هر گاه بحمام در آئید باید که سه کف آب بخورید بدرستی که می افزاید (?)
و می برد درد و الم را از بدن آدمی در حدیث که گفت امام رضا علیه السلام
که آب گرم وقتی که هفت جوش بخورد و او را از ظرفی بظرف دیگر بریزد
می برد تب را و قوت میدهد ساق و قدمها را در بیان منع کردن از بسیار
آب خوردن در حدیث که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که پرهیزید از

آب خوردن بسیار بد است که آب خوردن بسیار ماده هر دردیست و اگر مردمان
کم آب میخوردند صحیح می باشند بدنهای ایشان (حدیث) که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
وقتی که چیزی چرب میخورد کم آب میخورد پس کسی گفت آنحضرت را که یا رسول الله
تو کم آب میخوری آن حضرت فرمود که کم آب خوردن گوارنده تر است
طعام را (باب) ایستاده آب خوردن (روایت) از امام جعفر صادق علیه السلام
که ایستاده آب خوردن در روز هضم میکند طعام را و در شب زرد آب میشود
و آنکسی که در شب آب بخورد سه نوبت بگوید علیک السلام من ماء زمزم
و الفرات ضرر نمیکند او را آب خوردن در شب (باب) منع کردن از فرو
بردن آب بسیار یکبار (روایت) که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که بمکید
آب را فرو مبرید آب بسیار را یکبار که بد است که درد جگر می آورد (روایت)
که امیرالمؤمنین علی علیه السلام منع کرد از فرو بردن آب بسیار یکبار و گفت
آب را سه بار یا دو بار و یا یکبار می باید خورد (فصل هشتم) در بیان گوشتها و آنچه
متعلق است بآن (حدیث) از صحیفة الرضا که امام رضا علیه السلام روایت کرده از
از پدران خود علیهم السلام که ذکر کرده شد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله
گوشت و پیه که در معده واقع میشود شفا می آورد و می برد درد را (روایت)
از امام رضا علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که وقتی طعام
ببرید بسیار کنید شوربا را که شوربا هم حکم گوشت دارد و طعام [illegible]

و اگر ایشان نرسد شوربا با ایشان بفرستید (حدیث) که امیرالمؤمنین علی علیه السلام
که گوشت بهترین طعامهای دنیا و آخرت است (روایت) از زراره که گفت
که طعام با گوشت خوردم با ابی جعفر علیه السلام چهارده روز از ماه شعبان روایت
کرده جعفر بن محمد از پدر خود که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که جماعتی
پیغمبرانیم و دوست میداریم گوشت را (روایت) که گفت [illegible] که گفتم که
با ابا جعفر علیه السلام که رسیده است بمن که خدا تعالی دشمن میدارد خانه
را که دوست میدارد گوشت آنحضرت گفت که مراد از خانه که دوست میدارد
گوشت خانه ایست که در آنخانه گوشت مردمان میخورند یعنی غیبت میکنند
(روایت) که حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله دوست گوشت بود و گفت
آنکسی که چهل روز گوشت نخورد خلق بد میشود و او گوشت بدهید که بخورد و آنکسی
که پیه بخورد بیرون میرود درد از بدن او بمقدار پیه که خورده است (روایت)
از امام جعفر علیه السلام که بهترین گوشتها گوشت بز است (باب) خوردن
گوشت با شیر (روایت) که گفت جعفر علیه السلام که آنکسی که ضعف دل داشته
باشد یا ضعیف بدن باید که گوشت میش با شیر بخورد (حدیث) از کتاب زهد
امیرالمؤمنین علی علیه السلام که گفت عقبة بن علقمه که رفتم نزد امیرالمؤمنین علی
علیه السلام و در پیش آن حضرت دوغی بود که از بوی او ایذا یافتم
و پاره نان خشک بود و گفتم یا امیرالمؤمنین آیا میخوری این دوغ ترش و نان

خنک آنحضرت گفت که یا ابا محمود رسول الله صلی الله علیه و آله میخورد نان خشک تر از این
و می پوشید لباس درشت تر ازین لباس که من پوشیده ام و خشن تر
من از آنچه کرده است رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز از ترس آنکه گردد
قیامت باو نرسم روایت از امیر المومنین علی علیه السلام که گفت پیغمبری
از پیغمبران علیهم السلام شکایت کرد نزد خدا تعالی از کمی قوتی فرمود با آن
پیغمبر که بگو بامت خود که گوشت با شیر بخورید چنین کردند پس ظاهر شد
قوت در بدن ایشان خوردن پیه روایت از ابو الحسن علیه السلام
که گوشت میرویاند گوشت بدن آدمی را و آنکسی که لقمه پیه بخورد بیرون
می رود درد از اندرون بمقدار آن پیه که خورده است روایت
که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که مراد از پیه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرموده است که آنکسی که یک لقمه پیه بخورد می رود درد از اندرون او
بمقدار آن پیه گاو است و هم روایت که گفت امام جعفر صادق علیه السلام
زهرآلود کردند جهودان برای حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله سردست
گوسفندی و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله دوست میداشت
سردست گوسفند را و مکروه میداشت سرین را و هم روایت است که گفت
امام جعفر علیه السلام که حضرت پیغمبر صلوات الله علیه و آله فرمود که آنکسی که
چهل روز بگذرد و گوشت نخورد باید که قرض کند و گوشت بخرد و بخورد

بر خدا

بر خدا تعالی لازم است که ادا قرض او بکند و هم روایت که گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که آنکسی که سه روز گوشت نخورد بد خلق میشود و روایت گوشت میش
روایت که گفت سعد بن سعید که گفتم بابی الحسن علیه السلام که اهل بیت گوشت
میش نمیخورند آنحضرت گفت چرا گفتم میگویند گوشت میش در حرکت می آورد
صفرا را و درد سر می آورد آنحضرت گفت یا سعد اگر میدانست خدا تعالی
که چیزی بهتر از میش است آنرا فدای حضرت اسمعیل میساخت روایت گوشت گاو
روایت که گفت گوشت گاو درد است و روغن او شفا است و شیر او
دوا است روایت که گفت ابو جعفر علیه السلام که شکایت کرد نبی از انبیا
نزد حضرت موسی علیه السلام از برص آنحضرت شکایت کرد نزد حق سبحانه و تعالی
ازین مرض پس وحی کرد خدا تعالی بحضرت موسی علیه الصلوة و السلام که
بفرما که گوشت بخورند با چغندر روایت که گفت امام جعفر صادق علیه السلام آنکه
حرام کرد از گوسفند ده چیز است که نمیتوان خورد سرگین و خون و مغز مهرهای پشت
و گردن و سپرز و غدد و خصیتین و زهدان و فرج و رگ گردن و گفت امام
جعفر صادق علیه السلام که ده چیز از مرده پاک است شاخ و سم و استخوان و دندان
و شیر و مایه و موی و پشم و پر و تخم مرغ روایت از کتاب فردوس که گفت
معاذ که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که بر شما باد که گوشت شتر بخورید
بدرستی که گوشت شتر نمیخورد مگر مومنی که مخالف یهود باشد و یهود دشمن

خدا است غذا است در بیان گوشت شتر در حدیث که گفت ابراهیم السمان که یکی از ائمه
علیه السلام فرمود که تمامی اسلام دوست داشتن گوشت شتر است در بیان
گوشت قاق در حدیث که گفت ابی عبدالله علیه السلام که سه چیز فربه میکند
بدن را و گاه باشد که بکشد خوردن گوشت قاق که بد بو شده و چرب و در
بحمام رفتن و جماع کردن بپر زالان و زیاده کرده است برین ابو اسحاق
در روایت خود جماع کردن در حالت امتلاء در بیان گوشت مرغ خانگی
در حدیث که گفت جابر بن عبدالله که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود ما را
آنرا که گوشت گوسفند بخورند و نگاه دارند و در روایتی آنرا فرمود که مرغ
خانگی نگاه دارند در بیان گوشت کبک در حدیث که گفت ابو الحسن الاول علیه السلام
گوشت کبک بدهید کسی که تب داشته باشد بدرستی که گوشت کبک
قوت میدهد ساق را و تب را برد در بیان گوشت قطا و قطا نام مرغی است
و در مواضع آن سنفرد میگویند در حدیث که گفت علی بن مهزیار که طعام خوردم
با ابو جعفر علیه السلام که قطا آوردند آنحضرت گفت این مرغ مبارک است
و آنحضرت دوست میداشت این مرغ را و میگفت که کسی که یرقان داشته
باشد این را بریان کنند و به آنکس بدهید تا بخورد در بیان گوشت حباری و حباری
نام مرغیست در حدیث که گفت ابو الحسن علیه السلام که باکی نیست گوشت حباری را
حباری بدرستی که نیکو است از برای بواسیر و درد پشت و نیکو قوت میدهد

در بیان گوشت دراج گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که اگر کسی که دل او درد کند
و غم بسیار داشته باشد باید که گوشت دراج بخورد در حدیث که گفت ابی عبدالله
که وقتی که کسی از شما اندوهگین و غمگین شود و بسیار اندیشه کند باید که گوشت
دراج بخورد بدرستی که گوشت دراج می برد غم را و اندوه را انشاء الله تعالی
در حدیث که گفت حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله که اگر کسی که میخواهد که خشم
او کم شود باید که گوشت دراج بخورد در بیان گوشت ماهی در حدیث که گفت امام
جعفر علیه السلام که خوردن ماهی سل می آورد و سل مرضی است که میکاهد آدمی را
در حدیث که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که خوردن ماهی میکاهد از اندام
در حدیث که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله
وقتی که ماهی میخورد این دعا میخواند اللهم بارک لنا فیه و ابدلنا خیرا منه
در حدیث که گفت حمیری که نوشتم با ابو محمد کتابتی و شکایت کردم از بسیاری
خون و صفرا و هرگاه حجامت میکنم صفرا غالب میشود و اگر تاخیر میکنم در
کردن خون ضرر میکند چه میفرمائی حضرت امام علیه السلام نوشت بمن که
حجامت کن و در عقب حجامت ماهی تازه بخور با آب و نمک پس چنین کردم و صحت
یافتم و بعد از آن غذای من این بود در بیان ماهی سقنقور در حدیث که گفت
احمد بن اسحاق که نوشتم با ابو محمد علیه السلام کتابتی و پرسیدم از ماهی سقنقور
که داخل میکنند در دواهای باه که قوت جماع را زیاده میکند هر دو خنک

بودم وارد که آیا جایز است که آنرا بخورند آنحضرت نوشت بمن که اگر فلوس دارد
باکی نیست خوردن آن و در حدیث ملخ روایت کرده است ابو جعفر علیه السلام
که امیر المؤمنین علی علیه السلام گفت که ملخ و ماهی حلال است و در حدیث است
ملخ روایتیست که گفت ابو الحسن علیه السلام که چون ملخ بسیار شود و ضرر زراعت رساند
پراکنده شود و تکبیر بگویند و روایتیست که چنین کرد و ضرر برفت و در حدیث تخم
مرغ و در حدیث است که گفت علی بن محمد اشیم که شکایت کردم نزد امام رضا علیه السلام
از هضم نشدن طعام آنحضرت فرمود که زرده مرغ بخور چنین کردم و فایده
یافتم و در حدیث است که گفت ابو عبد الله علیه السلام که آنکسی را که فرزند نشود
بسیار تخم بخورد و در حدیث است که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که پیغمبری
از پیغمبران شکایت کرد نزد خدا تعالی از کمی نسل در اولاد خود پس امر کرد
خدا تعالی آن پیغمبر که بفرمایند که نان با تخم مرغ بخورند پس گفت
امام محمد باقر علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله شکایت کرد
نزد پروردگار خود از درد پشت حضرت حق سبحانه و تعالی امر کرد که هریسه بخورد
و در حدیث است از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که جبرئیل علیه السلام فرود آمد و بمن
امر کرد مرا بخوردن هریسه که پشت من محکم شود و قوت عبادت مرا
کنم و در حدیث است گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که اگر چیزی می بود که کسی را
برهاند از مردن شفته می بود پرسیدند که یا رسول الله شفته چیست آنحضرت

فرمود

فرمود که آردیست که با شیر می پزند و در حدیث است که گفت امام جعفر صادق علیه السلام
بولید بن صبیح طعام عیال خود چه میدهی در زمستان ولید صبیح گفت که گوشت میدهم
آنحضرت گفت چرا کوکب نمیدهی بدرستی که کوکب زیاده میکند قوت بدن را
و مراد از کوکب شلغم است و شلغم طعامیست و طریق پختن آن آنست که
یک پختن بخورد و باقی باشد و غیر آن فکر ندو همه را گوسفند و شوربا بزنند و هر صباح
میخورند و در حدیث است که گفت علی بن سلیمان که کله گوسفندی بخوردم نزد امام رضا
علیه السلام آنحضرت نمکدان طلبید گفتم که من سیر شدم آنحضرت فرمود که اندکی
نمکدان بخور که هضم میکند کله را و نمکدان دوای کله است و در حدیث است از امام جعفر
صادق علیه السلام که کله موضع ذبح است و نزدیکتر است بچراگاه و دورتر
است از ضرر و در حدیث کباب و در حدیث است که گفت یونس بن بکر که امام رضا علیه السلام
گفت بمن که چیست ترا که رنگ تو زرد شده است گفتم تب دارم آنحضرت گفت
که گوشت بخور خوردم بعد از یکهفته مرا طلبید و رنگ روی همچنان زرد بود گفت
بگفتم که گوشت بخور گفتم غیر از گوشت چیزی نخوردم از آن زمان که فرمودی
گوشت بخور پس گفت چگونه خوردی گفتم که پخته خوردم گفت که کباب کن و بخور
بعد از یکهفته مرا طلبید و رنگ روی سرخ شده بود پس گفت بمن که چنین
می باید و در حدیث مرغ و تخم مرغی که حلال است گفت زراره که پرسیدم از امام
جعفر علیه السلام که کدام مرغ را می توان خورد آنحضرت گفت بخور مرغی که

که بال و بر هم میزند در پریدن و مخور مرغی که بال در بر هم نزند و بال خود راست
نگاه دارد در وقت پریدن گفتم که تخم مرغ پیدا میشود در دریا چه حکم دارد
در وقت پریدن گفت که تخم مرغ که هر دو طرف یکسان باشد مخورد و آنچه
طرفین او مخالف است و یکطرف او مختلف باشد و یکطرف او باریکتر باشد از
طرف دیگر بخور آنرا گفتم که مرغی که در آب می‌باشند کدام حلال است و کدام
حرام آنحضرت گفت که آنچه چینه ندارد حرام است و در حدیث واقع است
که اگر مرغ در حالت پریدن بال برهم زدن او بیشتر باشد از بال برهم نازدن
و بال را راست نگاهداشتن حلال است و اگر بال برهم نازدن بیشتر است
از بال برهم زدن حرام است و می‌توان خورد از مرغی که در آب می‌باشند
آن مرغی را که چینه‌دان و خار داشته باشد و نمیتوان خورد آنچه او را
چینه‌دان و نه خار باشد در بیان شکر که گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که بر شما باد که شکر بخورید به درستی نمی‌یابم چیزی را که موافق‌تر باشد
بمزاج آدمی از شکر در حدیث که گفت غیاث بن ابراهیم که مخورید
از شکر و از کره و بخورید به درستی که برکت در سر اوست در عسل
نیز فرمود و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هرگاه [illegible] نهند
بخورید و رد مکنید عسل را در حدیث که گفت ابو عبدالله علیه السلام که
رسول خدا صلی الله علیه و آله دوست میداشت عسل را و گفت

ابی عبدالله

ابی عبدالله علیه السلام که بر شما باد که طلب شفا کنید از عسل و قرآن و نیز گفت
ابی عبدالله علیه السلام که خوردن عسل شفاست و دواست از همه دردها
به درستی که خدا تعالی گفته است یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فیه شفاء
للناس یعنی بیرون می‌آید از شکمهای زنبور عسل بامر الهی بطریق لعاب
عسلی مختلف است رنگهای آن زیرا که بعضی سفید است و بعضی سیاه و بعضی
سرخ و بعضی زرد است و در آن عسل شفاست مردمان را در حدیث که گفت
ابوالحسن علیه السلام که اگر کسی که کم شود آب منی او نفع میدهد او را خوردن
شیر با عسل و در روایتی واقع است که نفع میدهد شیر او را در حدیث
که گفت ابی عبدالله علیه السلام که هیچ مثل عسل فایده و شفا نمیدهد مردمان را
منقولست از کتاب فردوس که گفت انس که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که اگر کسی که در ماهی یکبار عسل بخورد بجهت آنکه که در قرآن واقع است که
عسل شفا میدهد خدا تعالی عافیت دهد او را از هفتاد و دو نوع درد در حدیث
از انس که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که اگر کسی که میخواهد که قوت حافظه او
زیاده شود باید که عسل بخورد و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که خوب
چیزی است عسل قوت میدهد دل را و می‌برد خشکی معده را منقولست از صحیفة الرضا
که روایت کرده‌اند از امیر المؤمنین علیه السلام که گفت که قرآن خواندن
و عسل خوردن زیاده میکند حفظ را و می‌برد بلغم را در حدیث از امام رضا علیه السلام

که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که اگر در چیزی شفا باشد در نیش حجامت
یا در شربت عسل کرده است روایت از بعضی اصحاب که گفت که زنی بمن ریسمان
داد که خود رشته بود و گفت که ببر این ریسمان را بمکه تا آنکه جامه کعبه را باین
ریسمان بدوزند و من نمیخواهیم که بدهم آنرا بحجابان زیرا که من شناختم
ایشان را و می دانستم که این کار نخواهند کرد و چون بمدینه آمدم رفتم نزد
ابی جعفر علیه السلام و گفتم که فدایت گردم زنی بمن ریسمان داده است
و حکایت کردم آنچه آن زن گفته بود برای آنحضرت آنحضرت گفت
بهای آن ریسمان عسل و زعفران بخر و بگیر اندکی از تربت امام حسین علیه السلام
و خمیر کن بآب باران و پاره عسل در او بریز و بخش کن بشیعیان تا دوا
بآن بیمار خود را روایت که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که عسل شفا
از همه درد است و حزنی نیست در او و کم میکند بلغم را و جلا میدهد دل را روایت
از امام رضا علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که خدا تعالی
گردانیده است برکت در عسل و در او شفاست از هر دردی و دعا بر
کرده اند هفتاد پیغمبر برای عسل روایت از کتاب فردوس که گفت امیر المؤمنین
علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که برد فراموشی را و یاد را زیاد
میکند حفظ را و می برد بلغم را مسواک کردن و روزه داشتن و قرآن
خواندن و عسل و کندر خوردن در باب تربت امام حسین علیه السلام روایت

ازابی

از ابی عبدالله علیه السلام که تربت امام حسین شفاست از هر دردی و اگر چه
آن خاک را برداشته باشند از جائی که میل دور باشد از قبر آنحضرت و میل یک
بخش از سه بخش فرسخ است و هم روایت از ابی عبدالله علیه السلام که تربت
امام حسین علیه السلام شفاست از هر دردی پس وقتی که بر دارید آنرا که
بگوئید بسم الله اللهم اجعله رزقا واسعا و علما نافعا و شفاء من کل داء انک علی کل
شیء قدیر و هم روایت از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که تربت امام حسین
علیه السلام مشک و مبارک است و آنکسی که بخورد خاک تربت امام حسین را
علیه السلام از شیعیان شفا میشود در بدن و آنکسی که بخورد آن تربت را
از دشمنان ما میگدازد اندامش چو دنبه پس هرگاه بخورید از تربت امام حسین بگوئید
اللهم انی اسألک بحق الملک الذی قبضها و بحق الذی خزنها و بحق الوصی الذی
هو فیها ان تصلی علی محمد و ان تجعل شفاء من کل داء و عافیة من کل بلاء
و امانا و امانا من کل خوف برحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد و آله و نیز
بگوئید اللهم انی اشهد ان هذه التربة تربة ولیک صلی الله علیه و آله و اشهد انها شفاء
من کل داء و امان من کل خوف لمن شئت من خلقک و لی برحمتک و اشهد
ان کل ما قیل فیهم و فیها هو الحق من عندک و صدق المرسلین روایت که پرسیدند
از ابی عبدالله علیه السلام که بعضی مردمان میگیرند و نفع نمی برند آنحضرت
گفت بحق خدا که بغیر از او خدائی نیست که نمیگیرند تربت امام حسین علیه السلام را

بقصد این که نفع دهد او را اگر آنکه نفع می یابد و هم روایت که پرسیدند
ابی عبدالله را علیه السلام از کیفیت خوردن تربت امام حسین علیه السلام
آنحضرت فرمود هرگاه خواهید بخورید تربت امام حسین را علیه السلام باید
که بگیرید مقدار یک نخود از تربت امام به انگشتان و ببوسید آن را
و بر هر دو چشم خود بنهید و بمالید بر تمام اعضای خود و بگوئید اللهم بحق
هذه التربة و بحق من حل فیها و تولی فیها و بحق ابیه و امه و اخیه
والائمة و بحق من ولده و بحق الملائکة الحافین الا جعلتها شفاء
من کل داء و بار و من کل آفة و حذرا مما اخاف و احذر و بعد از آن
بخورید آن تربت روایت که ابی عبدالله علیه السلام نزد تربت امام
حسین علیه السلام میگفت بسم الله و بالله اللهم رب هذه التربة المبارکة
الطاهرة و رب النور علی انزل فیه و رب الجسد الذی سکن فیه و رب الملائکة
الموکلین به اجعله لی شفاء من کل داء کذا و کذا و جرعه و بعد از آن
میخورد و میگفت اللهم اجعله رزقا واسعا و علما نافعا و شفاء من کل داء
و سقم انک علی کل شیء قدیر روایت که گفت ابی عبدالله علیه السلام در تربت
امام حسین علیه السلام شفا اکبر است از هر دردی که پرسیدند از ابی
عبدالله علیه السلام که آیا حلال است خوردن گل ارمنی که میگیرند از برای
کسی که عضو او شکسته باشد و اسهال داشته باشد آنحضرت گفت بلی که

نیست

نیست خوردن آن اما ذو القرنین گلیست که در دیار عرب می باشد و
تربت امام حسین علیه السلام بهتر است از گل ارمنی روایت از ابی عبدالله علیه السلام
که گفت که گل ارمنی حرام است همچو گوشت خوک و آنکسی که گوشت خوک
بخورد و بمیرد نماز بر او نمیکنند مگر تربت امام حسین علیه السلام پس اگر کسی که
تربت امام حسین بخورد و بجهت میلی که بگل دارد چیزی بر او نیست روایت شکر
روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که نیست چیزی نزد من
دوستر از شکر و هم روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت در
بیماری اصحاب خود که چرا نمیخورد آنچیزی که مبارک است یکی از اصحاب گفت
که فدای تو گردم آنچیز کدام است آنحضرت گفت شکر گفتم فدای تو گردم کدام
شکر گفت شکر سلیمانی روایت که شکایت کرد مردی نزد امام جعفر علیه السلام
از دردی آنحضرت گفت هرگاه جا کنی بر فرش خود بیاد شکر بخور آن مرد گفت
چنین کردم پس خلاص شدم از درد روایت که گفت علی بن یقطین که
که شنیدم از ابوالحسن علیه السلام که میگفت که آنکسی که دو بار شکر بخورد وقت
خواب کردن شفا می یابد از هر دردی مگر مردن روایت از ابوالحسن علیه السلام
که گفت اگر کسی درهم داشته باشد و همه را شکر بخورد اسراف نیست و هم
روایت از ابوالحسن که گفت که می باید گرفت از برای تب ده درم شکر
در شربت می باید کرد با آب سرد و می خورد و بر ناشتا و هم روایت از ابوالحسن علیه

باید

که گفت که سه چیز است که ضرر نمیکند انگور رازقی و نیشکر و سیب و هم در روایت
از ابوالحسن علیه السلام که گفت که نیشکر میگشاید سده را و هیچ درد و بدی از او نیست
در حدیث خرما که گفت امیر المومنین علی علیه السلام که خرما بخورید که در وی شفای که
درد و شفاست از دردها در حدیث که گفت محمد بن محمد که آنکسی که خرما بخورد بجهته
اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله تا آن میل میداشت ضرر نمیکند او را در روایت که گفت
ابی عبدالله علیه السلام که عجوه ما در خرماست و عجوه نام خرمائیست در مدینه
در حدیث که گفت ابی عبدالله علیه السلام که عجوه از بهشت است و در و شفاست
از سحر در حدیث که گفت ابی عبدالله علیه السلام که آنکسی که هر روز بر ناهار هفت خرمای
عجوه بخورد از خرماهای عالیه ضرر نرسانند روز هر و سحر و شیطان و عالیه نام
موضعیت در مدینه در حدیث که گفت ابو عبدالله علیه السلام که آنکسی که هفت
خرمای عجوه بخورد ضرر نکند او را در آن روز زهر و سحر در حدیث از حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله که آنکسی که در خانه او خرما نباشد اهل آن خانه گرسنه اند
در حدیث از ابن عباس که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که بخورید خرما را
بر ناهار بدرستی که میکشد کرم معده را گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که جبرئیل
علیه السلام فرود آمد و آورد برنی از بهشت و برنی نوعیست از خرماهای خوب و گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که بفرمائید که خرما بخورند زنان آبستن و بدهند در آن
ماه که می زاید بدرستی فرزند او خوش خلق میشود و دیگر گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله

که برنی

بر ناهار که خرما بخورید بدرستی که می برد خشکی او و برطرف میکند و دیر میکند اندرزا
درد و حصار و دو نوع شفاست خبر است از صحیفة الرضا که روایت کرده است
امام رضا علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله
هرگاه خرما میخورد خسته آنرا بر پشت دست خود می نهاد و بعد از آن می
انداخت و گفت امام رضا علیه السلام که آنکسی که بخورد خرما بر ناهار برطرف میکند
فالج را در حدیث از ابی عبدالله علیه السلام که بفرمائید زنان خود را که خرما
برنی بخورند در وقت نفاس تا آنکه فرزندان شما صاحب جمال شوند در حدیث
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که خرمای برنی ده خصلت است قوی میکند بدن را
و قطع میکند شیطان را و هضم میکند طعام را و خوشبو میکند دهن را و زیاد
میکند قوت جماع را و می برد درد را و هم روایت است از حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله که هرگاه تر نزد شما باشد بخورید و درد میکند آنرا در حدیث
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله دوست میداشت ترها را و دوست ترین
ترها نزد آنحضرت ترشت برنی خشک بود و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که دوست میدارم کسی را که دوست میدارد خرما را و در روایت است که امام
علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله
وقتی که روزه میداشت بخرما روزه میگشود و در حدیث بالوده در حدیث که نزد
امام حسین علیه السلام بالوده را آوردند آنحضرت گفت که آرد گندم را

با عسل و روغن خالص عیب نمیکند هیچ مسلمان را در حدیث از امالی شیخ ابو جعفر
بابویه که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی
که میدید میوه نوباوه می‌بوسید و بر چشم می‌نهاد و بعد از آن میگفت
اللهم کما اریتنا اولها عافیة در روایت از ابن عباس که گفت که رسول خدا
صلی الله علیه و آله فرمود که آنکسی که میوه بخورد و در ابتدا کردن بسم الله الرحمن الرحیم
بگوید ضرر نمیکند آن میوه او را و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که آدم
علیه السلام بیرون رفت از بهشت توشه داد او را خدا تعالی از میوهای
بهشت و لیکن این میوه تغیر می‌یابد و میوهای بهشت تغیر نمی‌یابد در روایت
انار در روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله
که نیست هیچ اناری مگر آنکه در رود دانه از انارهای بهشت پس هرگاه که دانه
از آن بیفتد بردارید هر جا که بیفتد و داخل نمیشود این دانه در معده مسلمانی
مگر آنکه نورانی میکرداند معده را چهل صباح در روایت که امام جعفر صادق
علیه السلام انار میخورد در شب جمعه در روایت که امام جعفر علیه السلام روایت کرد
از امیر المؤمنین علی علیه السلام که بخورید انار را با پیه او که پاک میکند
معده را و هر دانه که قرار گیرد در معده مسلمان نورانی میگرداند آن معده
و دور میکند وسوسه شیطان را چهل صباح در روایت که هرگاه امیر المؤمنین علی
علیه السلام انار میخورد دانهای از زیر او نمی‌انداخت پرسیدند از آن حضرت که چرا
چنین میکند

چنین میکند گفت در انار دانها از بهشت است پس کسی گفت که یا امیرالمؤمنین
یهودی و نصرانی و غیر ایشان از کافران انار میخورند پس باید که ایشان به بهشت
روند امیرالمؤمنین علیه السلام گفت که هرگاه ایشان انار میخورند خدا تعالی
میفرستد فرشته را که آن دانه انار که از بهشت است بردارد و از این ایشان
نخورند آن دانه و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که پنج میوه از میوهای بهشت
که در دنیاست انار مسی و سیب سفانی و انگور و بهی و خرمای بستان و
مستان نوعیست از خرماها و در روایت که مشان نیست و نیز روایت از
امام جعفر صادق علیه السلام که هر مومنی بخورد اناری را بتمام برد خدا تعالی
وسوسه شیطان را از دل او یکسال و آنکسی که خدا تعالی وسوسه شیطان را از
دل او یکسال بردارد گناه نکند و آن کسی که گناه نکند به بهشت می‌رود
در روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمود که انار بهترین میوه‌هاست و آنکسی که یک انار بخورد در غضب می‌آورد شیطان را
چهل صباح در روایت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله هرگاه انار میخورد کسی را انباز
خود نمیساخت و روایت کرده است امام جعفر علیه السلام از پدران خود و
ایشان روایت کرده‌اند از امام زین العابدین علیه السلام که گفت
که آنکسی که یک انار بخورد در روز جمعه بر ناشتا نورانی میشود دل او چهل
صباح و دور میشود از و وسوسه شیطان چهل صباح و آنکسی که دو بخورد

و مرد شیطان عاصی نشود و آنکسی که عاصی نشود به بهشت می رود منقولست
از رجانه کنیز صفیه که گفت امیرالمومنین علی علیه السلام که انار بخورد
و برمی چیند هر دانه که افتاده از انار در روایتست از امیرالمومنین علی علیه السلام
که گفت که شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که میگفت که آنکسی
که انار بخورد نورانی میکرداند خدا تعالی دل او را چهل صباح و گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که آفرید خدا تعالی آدم و حوا و انگور و انار
از یک گل و روایت کرده است ابی سعید خدری از امام رضا و امام رضا
از پدران خود روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله
که انار بخورید بدرستی که دانه اناری که واقع میشود در معده نورانی
میکرداند و کم میکرداند شیطان را منقولست از امالی شیخ ابوجعفر طوسی
که بخورانید اطفال خود را انار بخورند بدرستی که زودتر بسخن در
می آیند در بیان بهی روایتست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و علی آله
و اصحابه که گفت که بهی بخورید بدرستی که در او سه خصلت است پرسیدند
از آنحضرت که کدام است آن سه خصلت آنحضرت فرمود که قوت میدهد
دل را و سخی میکرداند بددل را و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که
بهی بخورید بدرستی که جلا میدهد دل را و هم در روایتست از حضرت رسالت
پناهی صلی الله علیه و آله که گفت که بخورید بهی و تحفه بکنید یکدیگر را بدهید

بدرستی

بدرستی که جلا میدهد چشم را و پیدا میکند دوستی را در دل و بیفزاید زنان
آبستن را که بهی بخورند بدرستی که میکرداند پسران شما را خوش رو و در روایت
واقع است که نیکو میکرداند خلق فرزندان شما را در روایتست از امیرالمومنین
علی علیه السلام که بهی قوت و حیات دل است و دلیر میکرداند بددل را
در روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که آنکسی که بهی بخورد
ظاهر کرداند خدا تعالی حکمت را بر زبان او چهل صباح در روایتست از امام
جعفر صادق علیه السلام که در بهی بوی پیغمبران است علیهم السلام
از انس مالک که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت که بخورید بهی را
بر ناشتا در روایتست از امام رضا علیه السلام که گفت که بهی آوردند برای
رسول خدا صلی الله علیه و آله آنحضرت برداشت یک بهی را و پاره کرده
داد بآنکسانی که حاضر بودند از اصحاب بعد از آن فرمود بر شما باد
که بخورید بهی بدرستی که جلا میدهد دل را و آنحضرت دوست میداشت
بهی را در روایتست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود که بر شما باد که بهی
بخورید بدرستی که می افزاید عقل را در روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که آنکسی که بخورد بهی را بر ناشتا تازه و نیکو میشود روی او منقولست
از کتاب جامع ابی جعفر اشعری که گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که خدا تعالی نفرستاد پیغمبری مگر آنکه بر هر دو دست او یا بدست او

بهی بود و در روایت دیگر است که بوی پیغمبران علیهم السلام بوی بهی است و بوی حور العین
مورد است و بوی فرشتگان بوی گل سرخ است و نفرستاد خدا ایتعالی هیچ
پیغمبری مگر آنکه بوی بهی از وی می آمد و در روایت دیگر از امام جعفر صادق علیه السلام
که نظر کرد به بهی خوب صورتی پس گفت که می تواند بود که پدر این بهی چه خوب روی
باشد و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که بهی بخورید که بدرستی جلا
میدهد دل را و نفرستاد خدا ایتعالی پیغمبری مگر آنکه خورد از بهی بهشت پس
زیاده شد در او قوت چهل مرد بجهت آن بهی و گفت رسول خدا صلی الله
علیه و آله که بخورید بهی را بدرستی که زیاده میکند ذهن را و می برد اندوه را
و نیکو میگرداند فرزند را و نیز گفت حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله
که هر که بهی بخورد سه روز بر ناهار جلا پیدا میکند ذهنش و خوشبو میگردد اندرون
دهن و پر نور میشود اندرون او از حکمت و علم و نگاه داشته میشود از مکر
شیطان و لشکر او در منافع سیب در روایت از سلیمان بن درستویه که گفت
که رفتم نزد ابی عبدالله علیه السلام و در پیش آنحضرت سیب سبزی بود گفتم
که فدایت گردم این چه چیز است آنحضرت فرمود که ای سلیمان تب کرده
بودم و این سیب را کسی فرستاد برای من که بخورم تا فرو نشاند حرارت
اندرون را و خنک کند و تب را ببرد و در روایتی واقع شده است
که سیب فراموشی می آورد بسبب آنکه سبب ای نزد من و چسبیدنی در طول [illegible]

پیدا میکرد

پیدا میشود و روایت کرده است موسی بن جعفر از پدران خود علیهم السلام
که فرمودند که ما که اهل بیتیم مداوا نمیکنیم تب را مگر بخوردن آب سرد و بخوردن
سیب و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که بخورید سیب را بر ناهار بدرستی
که قوت میدهد معده را و در روایت از امام رضا علیه السلام که سیب چند چیز را
فایده میدهد سحر و زهر و دیوانگی و بلغمی که عارض میشود و هیچ چیز زودتر از سیب
نفع نمیکند و در روایت از زیاد العبدی که گفت رفتم بمدینه و برادرم سیف نام
با من بود و از بینی مردم خون میرفت و میمردند پس چون داخل شدیم بمنزل خود خون
از بینی برادرم روان شده بود و بسیار میرفت پس رفتم نزد ابوعبدالله علیه السلام
و گفتم حال آن برادر خود را با آنحضرت ابی عبدالله علیه السلام فرمود که ای زیاد
برادر خود را سیب ده که بخورد چون خورد خون ایستاد و در منافع انجیر روایت است
از ابی ذر غفاری رحمة الله علیه که گفت بهدیه آورده بودند برای آنحضرت
صلی الله علیه و آله طبقی انجیر آنحضرت فرمود باصحاب که انجیر بخورید پس اگر
میگفتم که میوه از بهشت فرود آمده است این میوه را میگفتم بجهت آنکه
این میوه ایست که هسته ندارد پس بخورید این میوه را بدرستی که می برد
بواسیر را و نفع میدهد نقرس را و در روایت از امام رضا علیه السلام که گفت
که انجیر می برد بوی دهن را و محکم میکند استخوان را و می برد درد را و با وجود
این انجیر دیگر احتیاج نیست بدوای دیگر و در روایتی واقع است

که هر کسی که میخواهد که دل او رقت پیدا کند بخورد انجیر و در روایت از کعب که گفت
که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که بخورید انجیر تر را و خشک را بدرستی
که زیادت میکند قوت جماع و می برد بواسیر را و نقرس و ابرده را و او
و نقرس علتی است که از غلبه سردی پیدا می‌شود و در بیان انگور گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که حضرت نوح علیه السلام شکایت کرد بخدای تعالی
از غم پس وحی کرد خدا تعالی باو که انگور سیاه بخور بدرستی که غم می برد
و در روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که شکایت میکرد پیغمبری از
پیغمبران بخدای تعالی از غم پس وحی کرد باو خدای تعالی که انگور بخور و هم
و در روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که دو چیز است که بدرستی می باید
خورد و انگور و انار و در روایت از کتاب فردوس که گفت عایشه
که رسول خدا صلی الله علیه و آله که خدا تعالی درخت خرما و انگور را از آنچه
زیاده مانده بود از گل آدم علیه الصلوة و السلام آفرید و در روایت از صحیفة الرضا
که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که
بخورید انگور را دانه دانه بدرستی که گوارنده تر است و گفت حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله که بهار امت من انگور و خربزه است و روایت کرده است امام
رضا علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که امیر المؤمنین علی علیه السلام
گفت نان خورش من انگور و میوه است و طعام و شیرینی است و در روایت از امام رضا

علیه السلام

علیه السلام که علی بن الحسین علیه السلام دوست میداشت انگور را پس یک
کنیزی برای آنحضرت انگوری آورد و در پیش آنحضرت نهاد و سائلی آمد و
چیزی طلبید آنحضرت فرمود که آن خوشه انگور را بآن سائل دادند پس
کنیزی که از آنحضرت فرزندی داشت و خرید آن انگور را از آن سائل
و آورد و نزد آنحضرت بنهاد و باز سائلی دیگر آمد آنحضرت آن انگور را
بسائل داد و پس سه نوبت چنین شد و در مرتبه چهارم سائلی نیامد و
آنحضرت آن انگور را خورد و در بیان امرود گفت امیر المؤمنین علیه السلام
که امرود جلا میدهد دل را و تسکین میدهد درد اندرون را باذن
خدا تعالی و در روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که امرود
پاک میکند معده را و قوت میدهد معده را و در بیان آلوی سیاه روایت
از زیاد العبدی که گفت که رفتم نزد امام رضا علیه السلام در وقت
آلوی سیاه و در پیش آنحضرت ظرفی بود که در او آلوی سیاه بود آنحضرت
گفت که حرارت بر من غالب شده و آلوی سیاه می شکند حرارت را و
تسکین میدهد صفرا را و آلوی سیاه خشک است و تسکین میدهد درد
و خون را باذن خدا تعالی و در بیان مویز روایت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که هر کسی که هر روز بر ناشتا بیست و یک مویز بخورد نه بیند در بدن خود چیزی
مکروهی و در روایت از امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت که مویز قوت

میدهد دل را و می برد بیماری را و می نشاند حرارت
و خوشبوی میکرداند نفس را و در حدیث از امالی
شیخ ابو جعفر طوسی رحمة الله علیه که در روایتی
واقع است که مویز می برد غم و اندوه را و هیچ درد و شفقتی نیست درو و
خوشبو میکند نفس را و در حدیث از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت
که بر شما باد که مویز بخورید بدرستی که تسکین میدهد صفرا را و می برد بلغم را
و صحت میدهد بدن را و نیکو میکرداند خلق را و محکم میکند پی را و می برد
بیماری را و در بیان عناب و در حدیث از امیر المومنین علی علیه السلام که عناب
تب را و در حدیث از ابی الحصیب که گفت که چشم من سفید شده بود و هیچ چیز
نمیدیدم شبی در خواب دیدم امیر المومنین علی علیه السلام را و گفتم ای
سید من رسیده است بچشم من علتی که میبینی آنحضرت گفت بگیر عناب
را و در چشم کش پس گرفتم عناب را با خسته در چشم کشیدم پس تاریکی
از چشم من برفت و صحت یافت و گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که فضل عناب بر میوهای دیگر مثل فضل ماست بر باقی مردمان و در بیان
سنجد و در حدیث از صحیفة الرضا که روایت کرده است امام رضا علیه السلام
که علی ابن الحسین علیهما السلام گفت که آمد رسول خدا صلی الله علیه و آله
نزد امیر المومنین علی علیه السلام و امیر المومنین علیه السلام تب داشت

حضرت

حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که یا علی سنجد بخور و در حدیث از بکیر که
گفت که شنیدم از ابی عبد الله علیه السلام که میگفت که گوشت سنجد
میرویاند استخوان را و پوست او میرویاند پوست را با وجود این گرم میکند
معده را و ایمن میکرداند از بواسیر و حبس بول و قوت میدهد
ساق را بر طرف میکند جذام باذن خدای تعالی و در بیان سبزیها در آنکه
واقع است که سبز کنید خوان طعام را بسبزی بدرستی که دور میکند شیطان را
هرگاهی که بسم الله بگویید و در حدیث از ابی عبد الله علیه السلام که هر چیز را
زینتی است و زینت خوان سبزیست و در حدیث از احمد بن هارون
که رفتم نزد ابی عبد الله علیه السلام و آنحضرت خوان طعام طلبید و در خوان
سبزی نبود آنحضرت دست خود را از خوان کشید ای غلام نمیدانی
که من نمیخورم بر خوانی که بر وی سبزی نباشد برو و سبزی بیار پس غلام رفت
و سبزی آورد و بعد از آن آنحضرت دست دراز کرد و طعام خورد و من
هم با آنحضرت طعام خوردم و در بیان کدو و در حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که کدو زیادت میکند قوت دماغ را و در حدیث از امام حسین علیه
که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که کدو بخورید بدرستی
که اگر درختی بهتر از کدو خدای تعالی میرویانید از برای برادر خود یونس
علیه السلام و هرگاه شوربائی بپزند باید که کدو در وی بسیار بکنید

بدرستی که کدو زیاده میکند قوت دماغ را منقولست از صحیفة الرضا که روایت
کرده است امام رضا از پدران خود علیهم السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که هرگاه طعام بپزید کدو را بسیار در طعام بکنید بدرستی که کدو خوشحال
می سازد دل اندوهگین را و در حدیث است که خیاطی دعوت کرد حضرت رسول صلی الله
علیه و آله را برای آنحضرت طعامی آورد که در او کدو و ماهیچه بود گفت
انس که دیدم آنحضرت که کدو میخورد و میجست از کاسه آن را و گفت انس
که دوست داشتم کدو را از آن زمان که آنحضرت دوست میداشت
کدو را و گفت انس که رسول خدا صلی الله علیه و آله دوست میداشت
کدو را و برمیچید از کاسه و در روایتست که دعوت کردند رسول خدا را
صلی الله علیه و آله و برای آنحضرت طعامی آوردند که در او کدو بود و آنحضرت
می جست کدو را و میخورد در بیان کاسنی در حدیث است از امام جعفر صادق علیه السلام
که هر کسی که شب بروز می آورد و در اندرون او هفت برگ کاسنی باشد
ایمن میشود از قلنج در آن شب و هم روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که هر کسی که میخواهد که مال و فرزند او بسیار شود باید که کاسنی
بسیار بخورد و بدرستی که هر صباح ریخته میشود در برگ کاسنی قطره از بهشت
پس هرگاه کاسنی بخورید نفشانید آب آن را و گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که پدرم منع میکرد ما را از افشانیدن آب کاسنی و در روایتست

از امام جعفر

از امام جعفر صادق علیه السلام که هر کسی که هفت برگ کاسنی بخورد در روز جمعه
پیش از نماز به بهشت می رود و در حدیث است از امام رضا علیه السلام که کاسنی شفاست
از هر دردی و نیست دردی در اندرون آدمی مگر آنکه کاسنی می برد آن را
و در روایتست که بعضی خدمتکاران امام رضا را تب و درد سر شد آنحضرت
کاسنی طلبید و فرمود که بکوبند و بر کاغذی بمالند و روغن بنفشه بر روی آن بریزند
و بر پیشانی او بنهند و گفت این کار کردن می برد تب او و درد سر او را و در حدیث است
از سیاری که یکی از ائمه علیهم السلام بود که کاسنی بخورید بدرستی که زیاده
میکند طراوت و تازگی رو را و نیکو میکند فرزند را کرم و نرم است
و کسی که کاسنی بخورد پسر بسیار از او حاصل میشود و منقولست از کتاب
فردوس که پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت که هر کسی که بخورد کاسنی و بخوابد
اثر نمیکند در او زهر و سحر و نزدیک نمیشود او را مار و عقرب و هیچ گزنده
و در حدیث است از انس که گفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که کاسنی
از بهشت است در بیان گندنا در حدیث است از امام محمد باقر علیه السلام که ما اهل
بیتیم میخوریم سیر و پیاز و گندنا را و در روایتست از موسی بن بکر که شکایت میکرد
غلام ابو الحسن علیه السلام از بواسیر آنحضرت گفت که سه روز گندنا بخوردن
او بدهید پس چنین کردم چنانکه از بواسیر او می آمد ایستاد و صحت یافت
و در حدیث است که امیر المومنین علی علیه السلام گندنا را میخورد و در روایتست از ابو عبد الله

علیه السلام که هر چیزی را مهتریست و مهتر سبزیها گندناست و در روایت

از امام محمد باقر علیه السلام که گفت در گندنا چهار خصلتست می برد باد

و خوشبو میکند دهن را و قطع میکند بواسیر را و ایمن میگرداند

از جذام کسی را که مداومت نماید بخوردن و در روایت از موسی بن بکیر

که گفت که آمدم نزد ابوالحسن علیه السلام آنحضرت گفت رنگ روی تو

زرد شده گندنا بخور چنین کردم صحت یافتم و در حدیث از حضرت پیغمبر

صلی الله علیه و آله که گفت که فضل گندنا بر سبزیها همچو فضل نانست

بر باقی چیزها و در فضل بادرنج بویه روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام

از پدران خود که گفت امیرالمومنین علی علیه السلام ذکر کرد نزد حضرت

پیغمبر صلی الله علیه و آله بادرنج بویه را آنحضرت فرمود که بادرنج بویه از

منست و تره پیغمبرانست که بیشتر از همه و نزد من دوست دارم

آنرا و میخوردم و او در بهشت روییده است و در حدیث از امیرالمومنین

علی علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله دوست میداشت

بادرنج بویه را و در حدیث از ابی عبدالله السلام که گفت که بادرنج بویه

تره پیغمبرانست علیهم السلام و در او ده خصلتست گوارنده میکند طعام را

و میگشاید سده را و خوشبو میکند دهن را و اشتهای طعام می آورد و صاف

میکند خون را و ایمن میگرداند از جذام و هرگاه قرار گیرد در اندرون

آدمی

آدمی میکند در وی او زینت میدهند اهل بهشت بادرنج بویه خوانهای طعام

خود را و در حدیث از ابو عبدالله علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله

فرمود که بادرنج بویه تره خوبیست گویا می بینم آنرا که در بهشت روییده است و تره

تیزک تره بدیست گویا می بینم که در دوزخ روییده است و گفت حضرت

پیغمبر صلی الله علیه و آله که آنکس که در شب بادرنج بویه بخورد امر میکند خدای تعالی

فرشتهها را که بنویسند از برای او حسنات تا صباح و در روایت که ایوب بن

نوح گفت که خبر داد مرا کسی که بر باید داد امیرالمومنین علی علیه السلام حاضر

بودم که آنحضرت بادرنج بویه طلبید در وقت طعام خوردن و گفت

بدرستی که میگشاید سده را و اشتهای آورد و می برد سل را و وقتی که

افتتاح یاد میکنم باکی ندارم از طعامی که بعد از آن میخورم بدرستی که نمیترسم

از درد و دنبحتی بعد از آن آنحضرت چون فارغ شد از طعام خوردن باد

رنج طلبید و خورد و بمن داد و گفت که بادرنج بویه خوردن بعد از طعام

گوارا میکند طعامی را که پیش از آن خورده باشد و اشتهای طعام می آورد

و ثقل را می برد و خوشبو میکند آروغ دهن را و در فضل خرفه از امام جعفر

صادق علیه السلام که گفت که نروییده است تره بر روی زمین که فایده

آن بیشتر و شریفتر باشد از خرفه و خرفه تره از فاطمه علیها السلامست

و هم روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله

فرمود که بر شما باد که خرفه بخورید بدرستی اگر زیاده میکند عقل را خرفه
خواهد بود در بیان تره تیزک در روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
که اگر کسی که تره تیزک بخورد در حرکت می آورد جذام را از بینی و هم روایت است
از امام جعفر صادق علیه السلام که خوردن تره تیزک در شب بو می آورد
در بیان کرفس در روایت از حسین بن علی علیهما السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود در وصیتی که کرد امیر المؤمنین علی علیه السلام که یا علی کرفس بخورید
بدرستی که کرفس تره الیاس است و یوشع ابن نون (?) علیه الصلوة
والسلام و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که کرفس تره پیغمبران است
علیهم الصلوة والسلام و در روایت است که طعام خضر و الیاس علیهم الصلوة
والسلام کرفس و کمات بود و کمات گیاهی است و گفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله که عجوه از بهشت است و در وی شفاست از زهر و عجوه
نوعیست از خرما و کمات از نعمتهای خدای تعالی است و آب او شفاست
چشم را در بیان سداب در روایت است از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که سداب
نیکوست از برای درد گوش و روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام
که سداب می افزاید عقل را اما پراکنده میکند آب منی را منقولست از کتاب
فردوس که گفت عایشه که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که آنکسی که سداب
بخورد و خواب کند ایمن شود از درد و بلا و ذات الجنب در بیان

چغندر در روایت است از امام رضا علیه السلام که گفت که بر شما باد که چغندر بخورید بدرستی
که روییده است در کنار بهشت و در وی شفاست از دردها و محکم میکند بیخ (?) را
و فربه میسازد خون را و غلیظ میکند استخوانها را و اگر دست گناهکاران
باو نمیرسید یک برگ او ضعفان (?) حشر کرمی پوشید مردی راوی میگوید که گفتم که
فدایت گردم چغندر دوست ترین تره ها است نزد حضرت امام علیه السلام گفت
حمد بگویم خدای را که شناخت تو در روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام
که از خوردن چغندر ایمن میگردد از جذام و در روایت است از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت که خدای تعالی برطرف ساخت از یهود و دیگر (?) چغندر را
از امام رضا علیه السلام که گفت که چغندر بخوردن بیمار بد نیست بدرستی که
در وی شفاست و هیچ درد و سختی در وی نیست و در خواب می آورد بیمار را
و هم روایت است از امام رضا علیه السلام که گفت که باید خالی نباشد اندرون
شما از طعام و کم آب بخورید و جماع مکنید که اگر جماع شود در خواب (?) تره است
چغندر و هم روایت است از امام رضا علیه السلام که گفت که بر شما باد که شلغم
بخورید و بر شما باد که صباح بخورید و پنهان دارید فایده آنرا اگر اگر که
سزاوار باشند بآن بدرستی که هیچکس نیست که رگ جذام نداشته باشد
برطرف سازید آن رگ را بخوردن شلغم در بیان ترب منقولست از کتاب
فردوس که روایت کرده است ابن مسعود که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله

که وقتی که ترب بخورید و خواهید که در نیاید بوی آن را یاد کنید مرا در اول
نکشتن منقول از کتاب فردوس که گفت حسان بن سدیر که طعام میخوردم
با ابی عبدالله علیه السلام ترب با داد و گفت که بخورید به درستی که در وی سه خصلت است
برگ او می برد باد را و مغز او میراند بول را و بیخ او قطع میکند بلغم را روایت
از امالی شیخ ابوجعفر طوسی رحمة الله علیه که گفت امیرالمؤمنین علیه السلام
که بیخ ترب قطع میکند بلغم را و هضم میکند طعام را و برگ او میراند بول را
در میان سیر روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت ما که اهل بیتیم
سیر و گندنا میخوریم و در روایت که پرسیدند از امام جعفر صادق علیه السلام
که خوردن سیر باکی نیست گاهی که پخته باشد اما اگر کسی بخورد و باید که به مسجد نرود
منقول از کتاب فردوس که روایت کرده است امیرالمؤمنین علی علیه السلام
که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که سیر بخورید و مداوا کنید به او به درستی
که در وی شفاست از هفتاد درد روایت از امیرالمؤمنین علی علیه السلام
که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که یا علی سیر بخور و اگر نه آنکه من هم سخن
با فرشته هرآینه سیر میخوردم و در روایت از امیرالمؤمنین علی علیه السلام
که گفت که نیکو نیست خوردن سیر مگر آنکه پخته باشد روایت پیاز
از امام محمد باقر علیه السلام که گفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هرگاه
در آیید بشهری بخورید پیاز آن شهر را به درستی که دور میکند وبا را روایت

از امام جعفر

از امام جعفر صادق علیه السلام از خوردن پیاز وقتی که پخته باشد گفت باکی
نیست و مداوا کنید بپیاز اما هرگاه که به مسجد میروید نخورید روایت از امام جعفر
صادق علیه السلام که گفت پیاز می برد تعب و دشواری و محکم میکند پی را
و زیاد میکند طراوت و تازگی را و می برد تب را و هم روایت از امام
جعفر صادق علیه السلام که گفت خوشبو میکند دهن را و محکم میکند پشت را
و نازک میسازد گوشت بدن را و هم روایت از امام جعفر صادق علیه السلام
که در پیاز سه خصلت است خوشبو میکند دهن را و محکم میکند گوشت بن
دندان را و زیاده میکند قوت جماع را روایت کاهو روایت از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت که بر شما باد که کاهو بخورید به درستی که کم میکند خون را
روایت از امیرالمؤمنین علیه السلام که گفت که کاهو بخورید به درستی که
خواب می آورد و هضم طعام میکند و در روایت از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که بر شما باد که کاهو بخورید به درستی که کم میکند خون را روایت باقلی
روایت از انس که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که طعام عیسی علیه السلام
باقلی بود تا محلی که به آسمان بردند از او چیزی نخورد تا آن وقت منقول
از کتاب فردوس که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که خواهد که باقلی
بخورد و باید که با پوست او بخورد روایت از امام رضا علیه السلام که گفت
بخورید باقلی را با پوست او به درستی که پاک میکند معده را و هم روایت

از امام رضا علیه السلام که گفت که باقلی زیاده میکند مغزهای ساق را
و خون را و هم روایت از امام رضا علیه السلام که گفت که باقلی بخورید بدرستی
که زیاده میکند مغز ساق را و قوت میدهد دماغ و خون را در خبر است از امام جعفر
صادق علیه السلام که گفت که باقلی می برد درد را و دردی در دست
بادنجان در حدیث است از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که بادنجان بخورید بدرستی
که گرم است در وقت برودت و سرد است در وقت حرارت و معتدل است
در تمام اوقات و نیکوست در همه حال در حدیث است از امام رضا علیه السلام که گفت
بادنجان بخورید بدرستی که در او شفاست و ایمن میکرداند از برص
بادنجان را که بروغن زیتون پخته باشند در خبر است از کتاب فردوس که گفت که
رسول خدا صلی الله علیه و آله که بادنجان بخورید بدرستی که دیدم در بهشت بادنجان را
درخت و گواهی داد بخدا تعالی و پیغمبری من و بولایت امیر المؤمنین علی علیه السلام
پس هر گاه که بادنجان بخورید باعتقاد آنکه درد است دور میشود و در حدیث است
از انس که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که بسیار بادنجان بخورید بدرستی
درخت بادنجان اول درختی است که ایمان آورده است بخدا تعالی در خبر است
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که بادنجان بخورید در وقت رسیدن
خرما بدرستی که در او شفاست از هر دردی و زیاده میکند قوت و
وطراوت در روی آدمی افزاید آب نشست و هم روایت از امام

از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت شخصی پیش علی ابن الحسین علیهما السلام بادنجان
بود که بریان کرده بود آنرا بروغن زیتون و چشم آنحضرت بدرد میکرد و از آن
بادنجان میخورد گفتم بآنحضرت که یا ابن رسول الله تو از این بادنجان میخوری و حال
آنکه گرم است آنحضرت فرمود که خاموش باش بدرستی که جدم روایت کرده
از جد من علیهما السلام که گفت بادنجان از زمین نیکوست و او نیکوست برای هر
چیزی در حدیث گزر در خبر است از داود بن فرقد که رفتم نزد ابی عبدالله علیه السلام
و در پیش آنحضرت بود گزر بود پس داد بمن و گفت که بخور گفتم دندان ندارم
گفت آیا کنیزی نداری گفتم ندارم گفت بفرما که بپزد از برای تو بخور بدرستی
که گرم میکند گرده را و محکم میسازد ذکر را گفت امام جعفر صادق علیه السلام که گزر
ایمن میکرداند از قولنج و بواسیر و قوت جماع را زیاده میکند در خبر خربزه
از کتاب فردوس که روایت کرده است امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که خربزه بخورید بدرستی که آب او رحمت است
و شیرینی او شیرینی بهشت است در حدیث است که خربزه را از بهشت آورده اند پس هر کی
یک لقمه خربزه بخورد می نویسد خدا تعالی از برای او هفتاد هزار حسنه و محو
میکند از نامه اعمال او هفتاد هزار گناه و بلند میکرداند مرتبه او را هفتاد هزار درجه
در حدیث از امام موسی کاظم علیه السلام که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله

خربزه با شکر میخورد و با خرمای تر نیز میخورد و گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که خوردن خربزه بر ناشتا فالج می‌آورد و گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که
خربزه از زمین نیکوست و هیچ درد و سختی نیست در او روایت از امام امیر المؤمنین
علیه السلام که ده خصلت است در خربزه طعام است و آب است و میوه و ریحان
و نان خورش و نیز بینی و اشنان و خطمی و دوا است و ریگ مثانه میگدازد
و خربزه کار اینها میکند و مراد این که خربزه اشنانست و خطمی است است
که پاک میسازد اندرون را روایت از کتاب روضة الواعظین که گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که خربزه بخورید بدرستی که در وی ده خصلت جمع
شده است از زمینی که نیکوست و درد نیست و سختی در نیست و طعام و آب
و میوه است و ریحان و اشنان و نان خورش است و زیاد میکند مثانه را
و میراند بول را و در حدیثی دیگر واقع است که میگدازد ریگ مثانه را
روایت از امام رضا علیه السلام این چند بیت در باب خربزه
اهدت لنا الایام بطیخة ۞ من حلل الارض و دار البلا ۞ وماء و حلو
و ریحانة فاکهة ۞ حرض طعام و ادام ۞ تنقی المثانة و تصفی الوجوه
تطیب النکهة تعشر تمام ۞ یعنی هدیه داده است روزگار ما را خربزه
از زمین بهشت و در خربزه چند صفت بزرگ است و می شمریم

آن صفتها را

آن صفتها را چنین گفته است مصطفی و مجتبی که چند صفت علیه السلام که خربزه آب
و شیرینی است و ریحان و میوه و اشنان و طعام و نان است و پاک میکند مثانه را
و صفا میدهد رو را و خوشبو میکند دهن را روایت از امام رضا علیه السلام
که گفت که خربزه خوردن بر ناشتا فالج می آورد و در روایتی دیگر واقع است
که قولنج می آورد فائده خیار روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا
صلی الله علیه و آله خیار را با نمک میخورد و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که وقتی
که خواهید که خیار بخورید از پایین او بخورید بدرستی که برکت او در وی بیشتر است
فائده سیاه دانه گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که در سیاه دانه شفاست
از هر دردی مگر درد مرگ و راوی میگوید که گفتم که چکار کنم با و آنحضرت گفت
که بگیر بیست و یک دانه از او و آن را در پارچه به بند پس در آب جوشان بجوشان
در سوراخ راست بینی دو قطره بچکان و در سوراخ چپ یک قطره روایت کرده
گفت سعد که هر روز سیاه دانه در می باید کرد روایت از امام جعفر صادق
علیه السلام که سیاه دانه شفاست از هر دردی و رسول خدا صلی الله علیه و آله
دوست میداشت سیاه دانه را گفتم بحضرت امام علیه السلام که مردمان میگویند
که آن دانه سیاه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله دوست میداشت سیاه دانه یا
سپند است حضرت امام علیه السلام گفت نه سیاه دانه است پس گفت که میبایم
نزد حضرت اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله و بگویم که بیارید سوی حضرت دانه

که حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله دوست میداشت هر آینه می آورد از
برای حضرت سیاه دانه را **حدیث** از محمد بن زریح که گفت که گفتم ابی عبدالله علیه السلام
که اندرون من درد میکند و نفخ دارد آنحضرت گفت چرا سیاه دانه نمیخوری
بدرستی که در و شفاست از هر دردی و در **حدیث** است از فضل بن یحیی که گفت
که شکایت کردم نزد ابی عبدالله علیه السلام که من درد وقت بول کردن سوزش
می یابم آنحضرت گفت سیاه دانه بخورد در آخر شب **حدیث** از ابی عبدالله
علیه السلام که گفت که در سیاه دانه شفاست از هر درد و بدرستی که
میخوریم او را جهت تب و درد سر و درد شکم و درد چشم که ما را عارض
میشود و خدا تعالی شفا میدهد ما را از آن درد بجهت سیاه دانه **سپند**
سپند گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که نروئیده است بیخ و شاخی
و برگ و شکوفه مگر آنکه موکل است فرشته بآنها تا آنکه برسد یا خشک شود
یا بریزد که اصل و شاخ او تعویذ است از درد و ابرا و شفاست از هفتاد و
دو درد **حدیث** از محمد بن الحکم که گفت که شکایت کرد یکی پیغمبر بخدا تعالی
از بددلی امت خود پس وحی کرد خدا تعالی بآن پیغمبر که بفرما امت خود را که
بخورند بدرستی که سپند زیاده میکند شجاعت را **حدیث** که پرسیدند
امام جعفر صادق علیه السلام را از سپند و کندر آنحضرت گفت
اما سپند پس حرکت نمیکند بیخ او در زمین و بالا نمیرود شاخ او مگر آنکه

موکل ساخته

۷

موکل ساخته است خدا تعالی بآن فرشته تا آنکه خشک شود و بریزد و بکسی برسد
بدرستی که شیطان دور میشود از هفتاد سرای که در حوالی آن سپند باشد که [illegible]
و شفاست از هفتاد مرض که آسان ترین آن مرضها جذام است پس نگاه دارید
سپند را و کندر را و برگزیده پیغمبر است که پیش از من بوده اند و از و طلب یاری
میکرد مریم رضی الله تعالی عنها و هیچ دودی بآسمان زودتر نمیرسد از دود سپند
و دود سپند دور میکند شیطان را و دفع میکند آفت را پس باید که نگاه دارد
آنرا **فصل هشتم** در بیان حبوبات **بیان ماش** **حدیث** که پرسیدند بعضی از
اصحاب امام رضا علیه السلام را از علاج بهق آنحضرت گفت که آنکسی که بهق دارد
باید که شوربای از ماش بپزد و بخورد و طعام او این باشد راوی میگوید که من این
مرض داشتم چنین کردم و عافیت یافتم **حدیث** از امام رضا علیه السلام که گفت
که بگیر ماش تر را و بکوب آنرا و بر نهار بخورد و طلا کن بر موضعی که بهق دارد
راوی میگوید چنین کردم و عافیت یافتم **حلبه** حلبه گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که بر شما باد که حلبه بخورید و اگر بدانند امت من که در حلبه چه فایده است
هر آینه مداوا کنند بآن اگر چه بوزن طلا باید داد **نانخواه** نانخواه **حدیث**
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله نانخواه و سیر و سیاه دانه طلبید و خورد و
آنحضرت نانخواه میخورد در وقتی که طعام خوردی سفید مانند تخم مرغ و ماست پس
و طعام ثقیل میخورد و آنحضرت نانخواه را با نمک نیم کوفته میخورد و میگفت

نیک است قوت معده را و می برد بلغم را و ایمن میسازد از لقوه در روایت
نخود در روایت که ذکر کردند نزد امام جعفر صادق علیه السلام نخود را آنحضرت
گفت که نیکوست برای درد پشت بیان عدس روایت کرده است امام
جعفر صادق علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله
نشسته بود در جای نماز خود که عبد الله بن تیهان نزد آنحضرت آمد و گفت
با آنحضرت که با تو بسیار نشستم و چیزی بسیار از تو شنیدم و هیچ رقت پیدا
نکرد دلمن و هیچ آب از چشم روان نشد پس گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که بر تو باد که عدس بخوری بدرستی که نرم میسازد دل را و روان میکند
آب را از چشم و می برد کبر را و عدس طعام نیکان است منقول است از صحیفة الرضا
که روایت کرده است امام جعفر علیه السلام که بر شما باد که عدس بخورید
بدرستی که عدس مبارک است و پاکیزه و نرم میسازد دل را و زود روان
میکند آب چشم را و دعا برکت کرده اند برای عدس هفتاد پیغمبر علیهم الصلوة
و السلام منقول است از کتاب فردوس که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
که شکایت کرد پیغمبری از پیغمبران بخدا تعالی از سختی دل قوم خود حضرت حق سبحانه
و تعالی وحی کرد بآن پیغمبر در حالتی که بر جای نماز خود نشسته بود که بفرما قوم
خود را که عدس بخورید بدرستی که نرم میکند دل را و می برد تکبر و طعام نیکان است
منقول است از صحیفة الرضا که روایت کرده است امام رضا علیه السلام از پدران

خود

۲

خود علیهم السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت که بر شما باد که عدس بخورید
بدرستی که عدس مبارک است و پاکیزه و نرم میسازد دل را و بسیار میسازد اشک را
و دعا برکت کرده اند برای عدس هفتاد پیغمبر که آخر ایشان حضرت عیسی
علیه السلام است بیان سنا در روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که بر شما باد که سنا بخورید و مداومت نمایید
باو بدرستی که اگر چیزی دفع میکرد مرگ را سنا می بود در روایت که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت که اگر بدانند فایده سنا را هر آینه بهر دردی
باو مداوا کنند و سنا ایمن میکند از بهق و برص و جذام و دیوانگی
و فالج و لقوه در روایت که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که بگیر سنا را
با مویز سرخ که دانه او را جدا کرده باشند با هلیله کابلی و هلیله زرد و بسفایج
و وزن اینها همه برابر باشند و اینها را با هم ترکیب کنند و بر ناهار بخورند
و این ترکیب بهترین دواهاست بیان اسطوخودوس در روایت از امام صادق
علیه السلام که انگشتی که او را آب شود و در دهان شب بیاشامد دو درهم
یا سه درهم اسطوخودوس ایمن میشود از برسام در آن مرض فصل چهارم
در بیان طعامهای نادر و غیر آن در بیان شیر و جبن گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که در شیر و جبن شفاست گاهی که با هم باشند و هر گاه جدا
باشند در هر یک درد است در روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت

که پنیر بعد از طعام هضم میکند طعام را و اشتهای طعام می آورد و هم روایت
از امام جعفر صادق علیه السلام که خوردن جوز در وقتی که بسیار گرم باشد در
حرکت می آورد جراحت را در بدن و در زمستان گرم میکند گرده و دفع میکند
خلی را در نمک گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصیتی که با امیر المؤمنین
علی علیه السلام کرده که یا علی ابتدا کن به نمک در طعام خوردن و ختم کن به نمک
بدرستی که در نمک شفاست از هفتاد درد که از جمله دیوانگی و جذام است
و درد دندان و درد جگر و درد شکم و درد حلق است و در روایت از امام جعفر
صادق علیه السلام که گفت که انگشتی که نمک بپاشد بر اول طعام برود جوش
روی او در روایت که امام رضا پرسید از اصحاب خود که کدام نانخورش بهتر است
بعضی گفتند روغن و بعضی گفتند زیتون حضرت امام علیه السلام گفت که
بهترین همه نمک است در روایت که امام جعفر صادق علیه السلام که بیرون رفتیم
بموضعی که یاران و غلامان نمک را فراموش کرده بس نفع نیافتیم از هیچ خوردنی تا
آنکه برگشتیم منقول از کتاب فردوس که روایت کرده است عایشه
که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که نمک بخورید پیش از هر چیزی که دفع میکند
از و خدا تعالی سیصد و سی نوع بلا را که آسان ترین آن بلاها جذام بوده است
در روایت از انس که گفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که آنکسی که سرکه بخورد
بایستد بر سر او فرشته و استغفار کنند برای او تا وقتی که فارغ شود از سرکه

خوردن

٧

خوردن گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که نمک آب و یک سهم از جانب بهشت
که مردان بیکدیگر میدهند و یاری میکنند و منع آن نباید کرد در سرکه
در روایت که رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد ام سلمه رفت ام سلمه نزد آنحضرت نان
پاره آورد آنحضرت گفت آیا نزد شما نانخورشی هست ام سلمه گفت یا رسول الله
نزد من غیر سرکه چیزی نیست آنحضرت فرمود خوب نانخورشی است سرکه محتاج
نمیشوند اهل خانه که در آن سرکه باشد در روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که
ما اهل بیتیم ابتدا به سرکه میکنیم در وقت طعام خوردن چنانکه مردمان بنمک خوردن
بدرستی که سرکه قوت میدهد عقل را و هم روایت از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت خوب نانخورشی است سرکه میکشد صفرا را و زنده میکند دل را
و هم روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که بر شما باد که سرکه انگور
بخورید بدرستی که کرم که در اندرون شماست میکشد و گفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله که سرکه خوب نانخورشی است بار خدایا برکت ده در سرکه
بدرستی که نانخورش پیغمبران است که پیش از من بوده اند منقول از کتاب صحیفة الرضا
که روایت کرده است امام رضا علیه السلام از پدران خود علیهم السلام
و ایشان روایت کرده اند از امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت بخورید
سرکه انگور را اگر بقصد سرکه انداخته اید و مخورید سرکه را اگر بقصد شراب انداخته
اید و بعد از آن شراب شده باشد در روایت از امام جعفر صادق علیه السلام

که حضرت یوسف علیه الصلوة والسلام وقتی که در زندان محبوس بود
شکایت کرد از نان تهی بخدا تعالی و از خدا تعالی نان خورشی طلبید و نان
خشک نزد او بسیار بود پس خدا تعالی فرمود که نان خشک را در ظرفی کند
و آب و نمک بر او بریزد حضرت یوسف علیه السلام چنین کرد نانخورش شد و آنرا
نان خورش ساخت در بیان روغن زیتون حدیث از صحیفة الرضا که
امام رضا علیه السلام روایت کرده است از پدران خود علیهم السلام که رسول خدا
صلی الله علیه و آله گفت که بر شما باد که روغن زیتون بخورید بدرستی که میگشاید
بچرم ریم را و جراحت را می برد و بلغم و محکم میکند پی را و می برد ماندگی را
و نیکو میسازد خلق را و خوشبو میکند دهن را و می برد غم را و گفت امام رضا علیه السلام
که خوب طعام است زیتون خوشبو میکند دهن را و می برد بلغم را و صاف میکند
رنگ و محکم میسازد پی را و می برد درد را و می نشاند غضب را و گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که امیر المؤمنین علی علیه السلام را که گفت یا علی
روغن زیتون بخور و بمال بر بدن خود بدرستی که آنکسی که روغن زیتون
بر بدن خود بمالد نزدیک نمیشود او را شیطان چهل روز حدیث از امام
جعفر صادق علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که روغن
زیتون بمالید بر بدن خود بدرستی که زیتون از درخت مبارک است و گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که روغن زیتون روغن و طعام انبیاست

۲

در بیان سعتر و نانخواه و نمک و جوز حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
که چهار چیز روشن میکند چشم را و فایده میکند و ضرر نمیکند کسی از او پرسید که
آن چهار چیز کدام است آنحضرت گفت که آن سعتر و نانخواه و جوز هرگاه با هم آمیخته شوند
الحق میگوید که گفتم که هرگاه آن چهار چیز با هم باشند چه فایده دارد آنحضرت
گفت که جوز و نانخواه می برند بواسیر را و برده را و نیکو میسازد رنگ را و اصلاح
میدهد معده را و گرم میکند گرده را و نمک و سعتر می برند باد را از دل و میگشاید
سده را و میسوزانند بلغم را و میرانند بول را و نرم میکنند معده و می برند بوی
بد را از دهن و محکم میکنند ذکر را حدیث از عباس رضی الله عنه که گفت رسول خدا
صلی الله علیه و آله که شفا در دو است هر درد را و دوا میکند ورم و جستن [illegible]
شفا بعضی گفته اند که شفا نانخواه است و بعضی گفته اند خردل است و بعضی گفته
اند تخم تره تیزک است در بیان سعد و سعد گیاهی است خوشبو حدیث از ابراهیم
نظام که گفت که مرا دزدان گرفتند و در دهن من پالوده گرم ریختند تا آنکه مجروح
شد دهن من و بعد از آن دهن من پر برف کردند [illegible]
و افتاد شبی در خواب دیدم امام رضا علیه السلام را که شکایت کردم نزد آنحضرت
از بیماری دندان آنحضرت گفت که سعد بکار بر بدرستی که دندانهای تو بیرون
آید چون حضرت امام متوجه خراسان شد خبر رسید بمن که بجانب ما خواهد آمد
استقبال کردم آنحضرت را و سلام کردم و حال او را عرض کردم و خواب

که دیده بودم با آنحضرت گفتم آنحضرت در بیداری نیز فرمود که سعد بکار بس
کردم و دندانهای من بیرون آمد بهمان طریق که بود در بیان اشنان در حدیث
که امام محمد باقر علیه السلام هرگاه که دست و روی خود را می شست باشنان
و پاره از اشنان در دهن میکرد و میخایید و میریخت و میگفت که اشنان خیر
بدی است بوی دهن می آورد و رنگ را زرد میکند و زانو را سست میکند
و من دوست میدارم در بیان تلخان گندم گفت مردی با ابی عبدالله علیه السلام
که فرزندی که میشود بعضی از ایشان ضعیف و علت ناک می باشند آنحضرت
گفت که تلخان بدهید که بخورند بدرستی که تلخان محکم میکند استخوان را و میرو[یاند]
گوشت در حدیث از امالی شیخ ابو جعفر طوسی رحمة الله علیه که گفت علی ابن الحسین
علیهما السلام که کسی که تب داشته باشد تلخان از شربت عسل بیامیزد و از [illegible]
بنفشه بریزد و سه نوبت باو بدهید که بخورد بدرستی که تب گرم را می برد و این
عمل کرده است خدا تعالی در حدیث از امیر المومنین علی علیه السلام که گفت
که فاضلترین چیزها که روزه دار در سحر بخورد تلخان است و چون تلخان را هفت
بار بشویند و از ظرفی بظرفی بریزند تب را می برد و قوت میدهد بساقها و قدمها
و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که تلخان را هفت بار بشویند و بعد از آن
بکسی که تب داشته باشد بدهند آن مقدار که سیر شود در حدیث از امام جعفر
صادق علیه السلام که گفت که فاضلترین چیزها که روزه دار بخورد

در سح

در سحر تلخان و خرماست و هم روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که فرزندان خود را تلخان بدهید در حال طفلی بدرستی که تلخان میرویاند
گوشت را و محکم میکند استخوان را و نیز گفت که آنکسی که چهل روز تلخان
بخورد پر قوت میشود پای او در بیان تلخان جو در حدیث که پرسیدند سیف
ابی عبدالله را علیه السلام از علاج شخصی که بیمار بود آنحضرت فرمود که تلخان
جو را با آب بیامیزید و باو بدهید که بخورد بدرستی که شفا میدهد بذات الله
و چون غذای بیمار است سیف تمار گفت که یکبار تلخان جو دادم بآن
بیمار و شفا یافت در بیان تلخان کاورس در حدیث از ابن کثیر که اسهال
داشتم ابو عبدالله علیه السلام فرمود که بیامیز تلخان کاورس با آب زیره
و بخور چنین کردم و اسهال برطرف شد و عافیت یافتم در بیان تلخان سیب
در حدیث از احمد بن یزید که گفت که هرگاه شخصی را مار و عقرب بگزد تلخان
سیب را با آب بیامیزند و بدهند که بخورد در حدیث از ابن بکیر که گفت که خون
بسیار میرفت از زنی پس پرسیدم ابی عبدالله علیه السلام را از علاج آن
آنحضرت فرمود که تلخان سیب را با آب بیامیزند و بخورد چنین کردم خون
بایستاد در بیان تلخان عدس در حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که تلخان
عدس می برد تشنگی را و قوت میدهد معده را و درد و شفاست از
هفتاد درد و می نشاند حرارت و خنک میکند اندرون را و هم روایتست

از امام جعفر صادق علیه السلام هرگاه بسفر میرفت تلخان عدس را از خود
جدا نمیکرد و هرگاه خوان غالب نمیدیدند که آنحضرت میگفت عدس را
بآب یا شیر بدهند بخورید بدرستی که تلخان تسکین میدهد حرارت را و می نشاند صفرا را
و در روایت که کنیزک بن مهزیار را خون دائم می آمد و نمی ایستاد تا آنکه مردن
نزدیک شد ابو جعفر علیه السلام فرمود که تلخان عدس را با آب یا شیر بدهند
پس آنکه بخورد چنین کرد خون ایستاد و در روایت شیر از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت که هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم شیر میخورد
میگفت اللهم بارک لنا و زدنا فیه یعنی بار خدایا برکت ده مرا در شیر و
زیاده گردان شیر را برای ما و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که شیر و خرما
بهتر اند از چیزهای دیگر و در روایت که حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله هرگاه
شیر میخورد مضمضه میکرد و میگفت که شیر را چربی است و در روایت که حضرت رسالت پناه صلی الله
علیه و آله گفت وقتی که شیر بیاشامید مضمضه بکنید بدرستی که شیر را چربی است
و مراد از مضمضه آنست که نوبتی آب در دهن کنند و بجنبانند و بریزند
و در روایت که مردی گفت با امام جعفر صادق علیه السلام که شیر خوردم و ضرر کرد
مرا آنحضرت گفت که شیر هرگز ضرر نمیکند اما تو با شیر چیز دیگر خوردی و آن چیز ترا
ضرر کرده است و تو گمان می بری که شیر ترا ضرر کرده است
و در روایت که پرسیدند از امیر المؤمنین علی علیه السلام

که ایا بول

که ایا بول گاو را می توان خورد آنحضرت گفت اگر احتیاج داشته باشند که
بآن مداوا کنند باکی نیست خوردن و در روایت از امیر المؤمنین علی
علیه السلام که شیر گاو دواست و در روایت از جعفری که گفت که شنیدم
از ابو الحسن علیه السلام که میگفت که بول شتر بهتر است از شیر او
و گردانیده خدای تعالی شفا را در شیر شتر و در روایت از یحیی ابن عبد الله
که گفت که طعام میخوردم با ابی عبد الله علیه السلام که پس چند پیاله خود
آوردند و آن حضرت اشارت کرد بجانب یکی از آن پیالها و گفت
که این ماست چکیده است که از شیر خرما ساخته اند از برای بیمار
که نزد ماست هر کسی که میخواهد بخورد و هر کسی که نمیخواهد نخورد و در روایت
که پرسیدند از ابی عبد الله علیه السلام که آیا جایز است که بول خر ماده
بخورند آنحضرت گفت باکی نیست اگر بجهت فایده باشد در خاییدن
مصطکی و در روایت از کتاب فردوس که گفت رسول خدا صلی الله تعالی
علیه و سلم که زنان آبستن مصطکی بدهند که بخورند بدرستی که زیاده
میکند عقل طفل را و گفت پیغمبر صلی الله علیه و علی آله و اصحابه و سلم که
نیست دودی که زودتر بآسمان بالا رود از دود مصطکی و در خانه که دود
کنند دور میشوند جنیان از آن خانه و در روایت از امیر المؤمنین علی علیه السلام
که خاییدن مصطکی محکم میکند دندانرا و می برد بلغم را و بوی دهن را

در روایت است از امام رضا علیه السلام که گفت بسیار مصطکی را بخایید و نگاه دارید
دوست میدارم من خاییدن مصطکی را بدرستی که بلغم را دور میکند و
معده را محکم میکند و غذا از او میگوارد طعام را؛ در روایت است از امام رضا
علیه السلام که گفت که زنان آبستن مصطکی بدهید که بخورند پس
اگر در شکم ایشان پسر باشد خوش فهم و دانا و دلیر میشود و اگر دختر
باشد خوش خلق و شیرین زبان و خوب صورت می شود و بزرگ
می شود سرین او و عزیز می شود نزد شوهر خود؛ در بیان شب طعام خوردن
در روایت است از امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت پیغمبران علیهم السلام
طعام شب را بعد از خفتن میخوردند بدرستی که چیز نا خوردن در شب
خراب میکند بدن را و گفت رسول خدا صلی الله علیه و سلم اگر کسی
ترک کند طعام خوردن را در شب شنبه و شب یکشنبه پی در پی برود از او
قوتی تا چهل روز باز آن قوت نیابد و گفت ابو الحسن علیه السلام که ترک
مکن چیزی خوردن در شب که قوت میدهد بدن آدمی را و می برد ضعف را
و نیکوست از برای جماع؛ در روایت از امام جعفر علیه السلام که ترک مکنید شب چیز
خوردن اگر چه سه بار انگشت در نمک زنید و بخورید و گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که اگر کسی که ترک کند شب چیزی خوردن را در یک شب
بی قوت میشود رگی در بدن که هرگز بقوت نمی آید؛ در بیان کمات

گیاهی است

گیاهی است؛ در روایت از امام رضا علیه السلام که گفت کمات از نعمتهایی است
که خدای تعالی فرستاده است بر بنی اسرائیل و شفا میدهد چشم را و عجوه
که نوعی است از خرمای خوب که در بهشت است و در وی شفاست از زهر؛ در بیان
خوردن پیاز با تخم مرغ و غیر آن گفت ابو الحسن علیه السلام که اگر کسی که
تخم مرغ بخورد و پیاز و روغن زیتون قوت جماع کردن او بسیار شود و
و آنکسی که گوشت با تخم مرغ بخورد او را فرزند بسیار شود؛ در روایت است
که شخصی با ابی عبد الله علیه السلام گفت فدایت گردم کنیزان میخرم و میخواهم
که تعلیم کنی بمن چیزی که قوت دهد مرا بر جماع آنحضرت گفت بگیر پیاز را
و ریزه کن و بجوشان بروغن زیتون و تخم مرغ بگیر و بشکن در کاسه
و بر او اندک آب نمک بریزد بعد از آن تخم مرغ را بریز بر بالای
پیاز و روغن زیتون و اندکی بجوشان و بعد از آن آن شخص گفت که
چنین کردم و قادر شدم بر جماع کردن آنقدر که میخواستم؛ در بیان گوشت
قاق و پنیر و شکوفه خرما؛ در روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که
گفت که سه چیز است که لاغر میکند آدمی را و از جنس خوردنی نیست و دو چیز
که فایده میدهد همه چیز را و ضرر میکند هیچ چیز را اما آن چیز که از جنس خوردنی است
و لاغر میکند گوشت قاق و پنیر و شکوفه خرما است و در حدیث واقع
شده است که کنجاره لاغر میکند و آنچه که نفع میدهد هر چیزی را و ضرر

سه چیز

باب نهم در نکاح و اولاد

نمیکند شکر و انار است **فصل اول** در ترغیب کردن نکاح و در بیان
زن با میمنت و شوم روایت است از ابی جعفر صادق علیه السلام که گفت رسول خدا
صلی الله تعالی علیه و آله و اصحابه و سلم فرمود که چه چیز است که منع
میکند بنده مؤمن را از نکاح کردن پس اگر نکاح کند امید است که
خدای تعالی روزی او را فرزندی که لا اله الا الله محمد رسول الله بگوید
و گفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که آنکسی که نکاح کند نگاه داشته
می‌شود نصف دین او پس باید که پرهیزکاری کند برای نصف
دیگر و نیز گفت حضرت پیغمبر صلی الله تعالی علیه و آله که نیست بنایی
در اسلام که دوست‌تر باشد نزد خدای تعالی از نکاح و گفت رسول
خدا صلی الله علیه و آله که آنکسی که دوست میدارد که بر دین من باشد
باید که عمل کند سنت من و آن نکاح است و نیز گفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله که آنکسی که تواند که نکاح کند و نکند از امت من نیست
و نیز گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که طلب کنید روزی از خدای تعالی
بسبب نکاح روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام که آنکسی که
ترک کند نکاح را از ترس درویشی بدرستی که گمان بد دارد به پروردگار
خود و خدای تعالی فرموده است که ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله یعنی
چه آنها که نکاح میکنند اگر فقیر باشند غنی میگرداند ایشان را بفضل

وکرم خود

و کرم خود و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که ای جوانان نکاح کنید
زنان را بدرستی که زنان می‌آورند مال را زیرا که بسبب ایشان مال پیدا میشود روایت است
از امام جعفر صادق علیه السلام که امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود که فاضلترین جمع
کردن دو چیز آنست که جمع کنند میان دو کس بنکاح تا خدای تعالی جمع کند
ایشان را و گفت حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و علی آله و سلم که نکاح
کنید بدرستی که من میخواهم که امت من بیشتر باشد از امت پیغمبران دیگر
در روز قیامت تا آنکه طفل که از شکم مادر سقط می‌آید خشمناک بر در بهشت
پس خواهند گفت با او که در آ در بهشت آن طفل خواهد گفت که در نمی‌آیم
به بهشت تا آنکه پدر و مادر من پیش از من در آیند گفت حضرت پیغمبر
صلی الله تعالی علیه و آله و سلم که گفت دو رکعت نماز که مرد کدخدا
بگذارد فاضلتر است از مرد عزب که تمام شب بیدار باشد و نماز گذارد
و روزه دارد و گفت رسول خدا صلی الله علیه و علی آله و سلم که ای گروه
مردمان و جوانان از شما آنکسی که استطاعت دارد که کدخدا شود باید
نکاح کند بکسی و آنکسی که استطاعت و قدرت ندارد باید که بسیار روزه
دارد بدرستی که روزه داشتن شهوت را کم میکند روایت است از امام جعفر
صادق که گفت دو رکعت نماز که مرد کدخدا بگذارد فاضلتر است
از هفتاد رکعت نماز عزب که بگذارد روایت است که گفت ابوالحسن که آمد

مردی نزدیک پدر من گفت که کرد خدائی آمرزد گفت پدر من گفت که دوست
نمیدارم که در دنیا باشم و شبی بروز آرم و مرا زنی نبود و بعد از آن گفت
که دو رکعت نماز که مرد کدخدا بگذارد و فاضلتر است از عمل که تمام شب نماز
گذارد و روزه دارد و عزب باشد روایت از ابوالحسن علیه السلام که خیر
خیر در زنان می باشد یعنی بسبب ایشان خیر بسیار می شود روایت از ابوالحسن
که هر چند دوستی مرد بزن بیشتر باشد ایمان او زیاده می شود
از ابوالحسن علیه السلام که گفت نکاح کنید و طلاق مکنید بدرستی که خدای تعالی
دوست نمیدارد مردانی را که هر روز طلب نکاح و طلاق میکنند و زنانی را
که هر روز طلب نکاح و طلاق میکنند روایت از ابوالحسن که گفت که از اخلاق
پیغمبران است دوست داشتن زنان روایت از ابوالحسن که سه چیز است
که حساب نمیطلبند از بندهٔ مؤمن در روز قیامت طعامی که بخورد و جامه
که بپوشد و زن صالحه که نگاه دارد از فسق روایت از ابوالحسن که گفت
که آنکسی که نکاح را ترک کند از ترس درویشی گمان بد دارد بخدای تعالی
بدرستی که خدای تعالی غنی میکند ایشان را بفضل و کرم خود و گفت
حضرت پیغمبر صلی الله تعالی علیه وعلی آله وسلم که آنکسی که خواهد که ملاقات
کند خدای تعالی را پاک و پاکیزه باید که نکاح کند و گفت علی بن الحسین علیه السلام
که آنکسی که نکاح برای رضای خدا و بجهت صلهٔ رحم کند خدای تعالی تاج

تاج پادشاهی بر سر او نهد در روز قیامت روایت از حضرت پیغمبر صلی الله تعالی
علیه وعلی آله وسلم که آنکسی که توانگر باشد و نکاح نکند از امت من نیست
روایت از محمد بن حمران از پدران خود و پدران او روایت کرده اند
از امام جعفر صادق که گفت آنکسی که نکاح کند و قمر در عقرب باشد
نیکوئی نه بیند از آن نکاح روایت که مکروه است نکاح کردن در محاق
ماه و آن سه روز آخر ماه است و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که
فاضلترین زنان امت من آن زنانند که صاحب ایشان زیاده باشد
و کابین ایشان کم روایت از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که زن مبارک
آنست که کابین او و مؤنت او کم باشد و بآسانی بزاید و زن شوم
آنست که بسیار باشد مؤنت او و بدشواری بزاید و گفت ابو عبد الله علیه السلام
که شومی سه چیز می باشد در مرکب و زن و سرا اما زن شوم آنست که کابین
او بسیار باشد و بدشواری بزاید و اما مرکب شوم آنست که بد فعل باشد
و اما سرای شوم آنست که تنگ باشد و همسایه بد داشته باشد روایت دیگر
که زن مبارک آنست که کابین او کم باشد و زن شوم آنست که کابین
او بسیار باشد و گفت پیغمبر صلی الله علیه و آله که نکاح کنید زنان
کبود چشم را بدرستی که در ایشان برکت است و نیز گفت پیغمبر
صلی الله علیه و آله که شومی در اسب و زن و سرا می باشد و گفتن

پیش از این گذشت فصل دویم در بیان زنان و اخلاق ایشان
در بیان اخلاق نیک زنان روایت از امام جعفر صادق علیه السلام
که زنان چهار نوع اند یکی نوع است که فرزند در کنار دارد و دو دیگر
در شکم و نوع دیگر آنست که بدخلق باشد روایت که گفت معروف
کرخی که گفتم بابی عبد الله علیه السلام که زن من فوت شده است
و او موافق من بود و قصد دارم که زن دیگر نکاح کنم آنحضرت
گفت که تأمل کن در آن زنی که نفس تو میخواهد و تو او را شریک
میگردانی نزد دین خود و سر و امانت خود پس اگر خوب باشد و اگر
میخواهی که نکاح کنی باید که آن زن بکر باشد و مشهور باشد به نیکی
شعر الا ان النساء خلقن شتی ٭ فمنهن الغنیمة والغرام ٭
ومنهن الهلال اذا تجلی ٭ لصاحبه ومنهن الظلام ٭ ومن یظفر
بصالحهن یظفر ٭ ومن یغبن فلیس له انتقام یعنی بدرستی که
زنان مخلوق شده اند چند نوع بعضی از ایشان فایده میرسانند
و بعضی فایده نمیرسانند و بعضی نقصان و بعضی از ایشان چنان
ماه نو اند وقتی که تجلی میکنند بر شوهر خود و بعضی از ایشان سبب
کدورت و ظلالت می شوند و آنکسی که زن صالحه به نکاح خود
در آورد و ظفر یافت و آنکسی که زن صالحه نیافت پس زیانی کرد

که عوض

که عوض ندارد و زنان یک نوع اند یکی آنکه بسیار می زاید و دوست
میدارد شوهر خود را در کار دنیا و کار آخرت و ناسازگاری نمیکند
دویم زنی که نمی زاید و جمال ندارد و خوش خلق نیست و یاری نمیکند
شوهر خود را بر نیکوئی سیوم زنی بلند آوازی دخل کننده در کارها
و طعن کننده اندک نماید چیز بسیار او در نظر او و قبول نماید چیزی
اندک را و گفت امیر المؤمنین علیه السلام که نکاح کن زن گشاده
چشم گندم گون و بزرگ سرین میانه بالا را پس اگر زن باین صفت را
نگاه کنی و خوش نماید ترا کابین آن زن بر منست روایت از
شیخ ابو جعفر بابویه رحمة الله علیه که گفت امیر المؤمنین علیه السلام
که زنان را جمال ایشان است و جمال ایشان است یعنی از زنان
جمال مطلوب است نه عقل و از مردان عقل مطلوب است نه جمال
روایت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم هر گاه که میخواست
که نکاح کند زنی را میفرستاد که بو کن گردن او را اگر گردن او
خوشبو است آن زن خوشبو است و اگر بد گوشت باشد قدم او را
فرج او و گفت علی ابن الحسین علیهما السلام که چند خصلت است که هر کی
از پیدا دارد همیشه عیش او ناقص نیست و عقل او کم نمیشود و دل او
فارغ می شود از اندوه و صحبت مردن دویم فراخی در روزی سیوم انیس

موافق کسی پرسید که اینس کدام است آنحضرت گفت زن صالحه و فرزند
صالح و مصاحب صالح چهارم فراغت و راحت و این خصلتی است که
جمع کرده است در همه خصلتها و گفت علی الحسین علیهما السلام که وقتی
خواهید که نکاح کنید باید که بپرسید از موی او چنانکه می پرسید از روی
او بدرستی که موی خوب از اسباب جمال است و گفت علی ابن
الحسین که بهترین زنان آن است که خوشبو باشد دهن او و اگر طعام
دهد بجمل دهد و اگر امساک کند بجا امساک کند پس زنی که این صفت
داشته باشد از کارکنان خدای تعالی است و آنکسی که کار خدای
کند نا امید نشود و از رحمت او [illegible] از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت بهترین زنان که اگر در غضب شود و یا در غضب آرند او را
بشوهر بگوید که من تابع توام و خواب نمیکنم تا آنکه راضی شوی از من و گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که آیا خبر دهم شما را بر بهترین زنان گفتند
بلی یا رسول الله آنحضرت گفت که بهترین زنان آن است که بسیار
زاید و دوست دارد شوهر خود و او را آراسته گرداند خود را برای
شوهر خود و عفیفه صالحه و پرهیزکار باشد و عزیز باشد در میان خویشان
خود و تواضع و فرمان برداری نماید شوهر خود را و نگاه خود را از غیر
شوهر و فرمان برداری شوهر کند و هر گاه شوهر با او خلوت کند اطاعت

و فرمان برداری شوهر کند و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که فایده نمی
برد مرد بعد از اسلام بچیزی که فاضلتر باشد از زن مسلمان که خوشحال شود
شوهر هر گاه نظر کند باو و فرمان برداری شوهر کند هر گاه کاری بفرماید
و جانب شوهر خود نگاه دارد و حفظ نفس و مال شوهر کند هر گاه شوهر
غایب باشد [illegible] که مردی آمد نزد رسول صلی الله علیه و آله که مرا
زنیست هر گاه بخانه می روم استقبال میکند مرا و هر گاه غمگین می بیند
مرا میگوید که اگر بجهة معاش غمگینی زیاده کرد او خدا ایتعالی غم ترا
پس حضرت پیغامبر صلی الله علیه و آله گفت که بشارت ده آن زن را
به بهشت و بگو با او که تو یکی از کارکنان خدا ایتعالی هستی که نصف
شهیدان ترا است [illegible] از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
زنان نیکوی اهل دنیا بهتر اند از حور عین در هم رده [illegible] از امام
جعفر صادق علیه السلام که شجاعت در خراسان است و قوت جماع
در اهل بربر و سخاوت و حسد در عرب پس اختیار کن از اینها هر کدام
که بهتر اند از برای فرزند [illegible] از جعفر صادق ع که حیا ده است
نه بخش در زنان است و یکی در مردان و هر گاه ختنه کرده شد زن را
یک جز از حیای او می رود و هر گاه که نکاح کرده شد جزو دیگر رود و هر گاه
از اله بکارت شود جزوی دیگر می رود و هر گاه فرزند زاید جزو دیگر

می رود و پنج جزو از حیای وی باقی می ماند پس هرگاه فسق و فجور
کرد تمام حیای او می رود و اگر پرهیزکاری می نماید آن جزو حیا باقی
می ماند حدیث از نوادر الحکمت که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که
اگر کسی که خواهد که کدخدا شود باید که نکاح کند زنی را که کوتاه بالا باشد
و میان دو شانهٔ او پهن باشد و گندم گون باشند و اگر مخالف شود
از آن زن بر صفت کابین حدیث از جابر که گفت رسول خدا
صلی الله علیه و آله هرگاه زن نماز پنجگانه خود بگذارد و در ماه رمضان
روزه نگاه دارد و از فسق و فجور پرهیز کند و فرمان برداری شوهر
بجا آرد و به بهشت می رود از هر در که خواهد و گفت حضرت پیغامبر
صلی الله علیه و آله که هر زنی که یاری کند شوهر خود را در حج و جهاد و طلب علم
بدهد خدا تعالی آن زن را ثواب زن ایوب پیغمبر صلوات الله علیه و سلامه
حدیث از امام جعفر صادق که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که بهترین زنان امت آن زنانند که شکل ایشان باشد و کابین ایشان
کمتر دیگر خلقهای زنان بد حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت بدترین دشمنان مؤمن را از زن بد است و فرمود حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله که هیچ ضعیف ناقص عقل یا زنان کسی را از راه نمی برد (دین هم)
و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که زن بد زبان باشند و عیبها دارند

بپوشند

پس بپوشند عیبهای ایشان را به نگاه داشتن ایشان در خانه و زبان بد ایشان را
به خاموشی و نیز گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که اگر زنان نمی بودند
همه کس پرستش میکرد خدای عز اسمه را البته حدیث از امیر المؤمنین علی
علیه السلام که گفت در آخر الزمان و نزدیک بقیامت و آن بدترین
زمانهاست ظاهر شوند زنان که پوشیده روی نباشند و برهنه باشند
و اظهار زینت خود کنند و میل نمایند بشهوت و شتاب کنند به طلب تمنا
و حلال دانند چیزهای حرام را پس ایشان در جهنم خواهند بود دایم
حدیث دیگر از کتاب ریاض که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که زن بدشکل که او را فرزند شود بهتر است از زن خوش شکل که او را
فرزند نشود و گفت حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله که بگذارید
زن خوش شکل را که او را فرزند نشود و نکاح کنید زن بدشکل را
که فرزند شود او را بدرستی که من میخواهم که امت من بسیار باشند و اگر
چه این بسیاری بفرزندی باشد که از شکم مادر افتاده باشد و نیز گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که زنی که تکلیف کند شوهر خود را بجهت
چیزی که قدرت نداشته باشد بجهت نفقه قبول نمیکند خدا تعالی
از نماز او نیکوئی او را اگر آنکه توبه کند ازین کار و طلب کند از شوهر خود
چیزی که طاقت آن نداشته باشد و نیز گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله

که اگر تمام آنچه در زمین است از طلا و نقره زن بردارد و بخانه شوهر بیارد
و بعد از آن سرزنش شوهر خود را روزی از روزها و بگوید که تو کیستی
و این زرها از منست باطل میشود عمل او اگرچه آن زن عابده ترین مردمان
باشد مگر آنکه توبه کند و عذرخواهی شوهر خود کند و گفت سلیمان رحمة الله تعالی
که شنیده ام از رسول خدا صلی الله علیه و آله که میگفت زنی که منت
نهد بر شوهر خود بمال خود و بگوید بشوهر که تو از مال من میخوری اگر تصدق
کنی تمام مال خود را در راه حق تعالی قبول نمیکند خدای تعالی صدقه او را
مگر آنکه شوهر او راضی شود و در حدیث از امیر المومنین علی علیه السلام
که گفت که شنیده ام از رسول خدا صلی الله علیه و آله که زنی که دور شود
از شوهر خود بظلم حشر میکند خدای تعالی او را در روز قیامت با فرعون
و هامان و قارون و می برند او را در ته دوزخ مگر آنکه توبه کند و در حدیث
که از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گذشت بر جماعت زنان و ایستاد
نزد ایشان و گفت آن زنان ندیدم کم عقل تر و کم دین تر از شما که ببرد
عقلهای خداوند عقل را بدرستی که دیدم که بیشتر شما اهل دوزخید
در روز قیامت پس طلب نزدیکی کنید خدای تعالی آنمقدار که میتوانید
پس زنی از آن زنان گفت یا رسول الله کدام است نقصان دین ما
آنحضرت گفت که نقصان دین شما آنست که حایض میشوید و نماز

نمیگذارید

نمیگذارید و روزه نمیدارید و اما نقصان عقل شما از گواهی شما معلوم میشود
بدرستی که گواهی زن نصف گواهی مرد است و گفت حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم باصحاب رضی الله تعالی عنهم اجمعین که آیا خبر دهم شما را به
ترین زنان گفتند بلی یا رسول الله آنحضرت فرمود که بهترین زنان آنست
که ذلیل و خوار باشد میان خویشان خود و بزرگ کند شوهر خود را و خود را
عزیز دارد نزد شوهر خود و فرزندش شده باشد او را و کینه داشته باشد
و پرهیزکاری کند از چیزهای بد و اظهار زینت کند هرگاه شوهر از او دور
باشد و پرهیزکار نماید پیش شوهر خود و سخن شوهر را بشنود و اطاعت
و فرمانبرداری شوهر خود کند و هرگاه شوهر با او خلوت کند نافرمانی
نکند چنانکه چهار پا نمیگذارد که بر او سوار شوند و قبول نکند از شوهر خود عذر
او عفو نکند شوهر را و در حدیث است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله ایستاده
بود و خطبه میخواند گفت ای مردمان حذر کنید از نکاح کردن زنان بد اصل
اگرچه خوش صورت باشد و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که زن
بدشکل را فرزند شود دوست تر است نزد من از زن خوش شکل که او را
فرزند نشود و در حدیث است از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که وقتی
نکاح کند مردی زنی را بجهت مال و جمال او هیچکدام روزی او نشود
و اگر نکاح کند آن زن را بجهت دین خدای تعالی روزی کند مال و جمال آن را

و در روایت است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در دعای خود میگفت که
اللهم انی اعوذ بک من ولد یکون علی ربا و من مال یکون علی ضیاعا
و من زوجة تشیبنی یعنی بار خدایا پناه میجویم بتو از فرزندی که نافرمانی
کند و از مالی که نزد من باقی ماند چون پسر او باغ و دیگران و مانند
آن و از زنی که پیر گرداند مرا پیش از آنکه وقت پیری برسد منقول است
از کتاب نوادر الحکمت که گفت حسین ابن بشار که نوشتم بابو الحسن
علی علیه السلام که خویشاوندی هست مرا و میخواهد که من او را نکاح کنم
و او بد خوست حضرت امام علیه السلام جواب من نوشت که نکاح
مکن اگر بد خوست منقول است از کتاب روضة الواعظین که گفت امام
جعفر صادق علیه السلام که شکایت کرد نزد امیر المومنین علی علیه السلام
از زنان خود آنحضرت برخاست و خطبه خواند پس گفت ای مردمان
فرمان برداری زنان مکنید بهیچ حال و ایمن مباشید از ایشان بر مال
خود و وا مگذارید با ایشان تدبیر کار عیالان خود را بدرستی که اگر
زنان را بگذارید تا بخواهش ایشان است کارهای بد میکنند و در مهلکه
می افتند و در می گذرانید از حکم شوهر خود بدرستی که می یابیم که ورع
میگویند و ورع و پرهیزکاری نیست در ایشان وقتی که محتاج شوند
بچیزی صبر نیست ایشان را و وقت شهوت و گردن کشی فرمانها

لازم ایشانست

لازم ایشانست و اگر چه پیر باشند عجب و تکبر می باشند ایشان را و اگر چه
عاجز شکر نمیکنند نعمت بسیار را هر گاه اندک چیزی از ایشان منع کرده شود
فراموش میکنند نیکوئی را و فراموش نمیکنند بدی را و در خاطر نگاه
میدارند و بسیار بهتان میکنند و بسیار نافرمانی میکنند و کارهای
شیطانی میکنند پس نیکوئی کنید با ایشان و بزبان خوش با ایشان سخن
گویید امید هست که ایشان افعال و کردار خود را نیکو سازند فصل
سیوم در بیان مانند بودن زن بشوهر در اسلام و غیر آن و نکته
چند در نکاح روایت است که گفت حسین بشار که نوشتم بابی جعفر صادق
علیه السلام بجهت مردی که میخواست دختر مرا نکاح کند آنحضرت
نوشت بمن که آنکسی که میخواهد دختر شما را نکاح کند پس اگر خشنود هستید
از دین و امانت او دختر باو بدهید هر که باشد و اگر نکنید فتنه و فساد
باشد و گفته است رسول صلی الله علیه و آله که آدمی مثل شما ایم زن میخواهیم
و زن میدهیم مگر فاطمه را علیها السلام بدرستی که نکاح او از آسمان
فرود آمد روایت است که نظر کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله بفرزندان
علی و جعفر که دختران ما از برای پسران ماست و پسران ما از دختران ماست روایت است
از امام جعفر صادق علیه السلام که مردمان فتنه نکنند یعنی در نکاح ایمان
مرد و زن کافیست و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که مردی که بزن نکاح

باشد وقادر باشد بر نفقه زن با وی توان داد ودیگر از حلبی که گفت
امام رضا علیه السلام که نکاح میکند زنی را که باشکار زنا کند و نکاح میکند بروی
که آشکارا زنا کند مگر آنگه بدانید که توبه کرده اند ودیگر از زراره که گفت
که پرسیدم از ابی عبدالله علیه السلام که مراد از مرد و زن زنا کننده که در حقیقت
در قول خدا تعالی که الزانی لا ینکح الا زانیة او مشرکة والزانیة لا ینکحها
الا زان او مشرک چیست آنحضرت گفت مراد مردان و زنانند که مشهور
باشند بزنا کردن و آنکسی که اجرای حد زنا برو کرده باشند بزنا کردن
سزاوار نیست کسی را که با او نکاح کند مگر آنگه معلوم باشد که توبه کرده است
و معنی آیه اینست مرد زنا کننده نکاح نمیکند مگر زن زنا کننده و یا کافره را
و زن زنا کننده را در نکاح در نیاورد مگر مرد زنا کننده و یا کافری زیرا که
غالب آنست که مایل بزنا از اهل عفت مجتنب خواهد بود و جنسیت علت
ضم است و مشاکلت سبب الفت ودیگر از کتاب تهذیب الاحکام
که آمد مردی نزد امام حسن علیه السلام و مشورت کرد با آنحضرت بجهة
نکاح کردن دختر خود را امر دو بپرهیزکاری بدرستی که اگر دوست دارد
دختر ترا اکرام و تعظیم میکند او را و اگر دوست ندارد ظلم نمیکند برو ودیگر گفت
رسول خدا صلی الله علیه و آله آنکسی که نکاح کند دختر نیکو کار خود را با مردی
فاسق پس قطع رحم کرده است میان خود و دختر خود و گفت رسول خدا

صلی الله ع

صلی الله علیه و آله آنکسی که شراب بخورد بعد از تحریم خدای تعالی بحرام بودن
آن سزاوار نیست که با او نکاح کند از کسی که زن بخواهد ودیگر که نوشت علی
ابن اسباط بابی جعفر علیه السلام بجهت دختر خود که بهم نمی یابم که دختر خود را
با او نکاح کنم آنحضرت گفت در جواب که نظر مکن در این بدرستی که
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که وقتی بیاید نزد کسی که خشنود باشید
از خلق و طلب نکاح کند و اگر نکنید فتنه و فساد پیدا میشود ودیگر
که پرسید ابو جعفر علیه السلام از ابو بصیر که وقتی که نکاح میکنید شما چکار میکنید
ابو بصیر گفت نمیدانم چکار باید کرد گفت هرگاه که میخواهید که نکاح کنید
باید که دو رکعت نماز بگذارید و حمد بگوئید خدای تعالی را و بگوئید اللهم
فقدر لی من النساء احسنهن خلقا و خلقا و اعفهن فرجا و احفظهن لی
نفسا و مالی و اوسعهن رزقا و اعظمهن برکة و قیض لی منها ولدا طیبا تجعله
لی خلفا صالحا فی حیوتی و بعد موتی ودیگر که چون حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که خدیجه بنت خویلد را در نکاح خود درآورد ابو طالب از برای خواستگاری
نمود خدیجه را از پدر او و بعضی گفته اند از عم او و بعد از آن این خطبه
خواند الحمد لله الذی جعلنا من زرع ابراهیم و ذریة اسماعیل و جعلنا
بیتا محجوجا و حرما آمنا یجبی الیه ثمرات کل شیء و جعلنا الحکام علی الناس فی بلدنا
الذی نحن فیه ثم ان ابن اخی محمد بن عبد المطلب لا یوزن برجل من قریش

الا رجح ولا یعاش احد منهم الا عظم منه وان کان فی المال قل فان المال
زوج حایل وظل زایل وله فی خدیجه رغبة والصداق شایع حسیس
نکاح کرد خدیجه برای حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه وآله و محمد
روز دیگر خواست که بخدیجه نزدیکی شود ومعنی خطبه اینست که سپاس
وستایش خدای را که کرداینده است ما را از فرزندان ابراهیم و ذریه
اسماعیل وآفریدی برای ما خانه کعبه را که مردمان حج میکنند وآفریدی
ماه حرمی که جمع کرده است بسوی او منافع هر چیزی و کرداینده است
ما را حاکم بر مردمان در شهری که ما در وی باشیم پس برادر من محمد بن
عبدالله بن عبد المطلب را نسبت بهر مردی از قریش که داده شود
ترجیح دارد بر آن کس و قیاس بهر یک از قریش کرده شود بزرگتر است
از آن کس واگرچه مال او کم است بدرستی که مال روزیست که زود
بر طرف میشود و سایه ایست که زایل میشود ومحمد را رغبتی هست بخدیجه
وخدیجه را نیز میلی هست باو وکابین هر چه شما میخواهید الحال و بعد از این
از مال خود میدهم ومحمد را بزرگی وجاه عظیم است ونشان رفیع است وزبان
شفاعت کننده بزرگست روایت که چون امام رضا علیه السلام میخواست
که نکاح کند دختر مامون را برای خود این خطبه خواند که الحمد لله الذی
متمم النعم برحمته والهادی بشکره وبمنه صلی الله علی خیر خلقه محمد الذی جمع فیه

من الفضل

من الفضل ما فرقه فی الرسل قبله وجعل تراثه الی من حقه بخلافته وسلم تسلیماً
وهذا امیر المؤمنین زوجنی ابنته علی ما فرض الله تعالی للمسلمات علی المؤمنین
من امساک بمعروف او تسریح باحسان وبذلت لها من الصداق ما بذله
رسول الله صلی الله علیه وآله لازواجه وهو اثنتا عشر زوجتنی یا امیر المؤمنین
قال بلی قال قبلت ورضیت ومعنی خطبه این است که سپاس وستایش
مر خدای را که تمام کرداینده نعمتها بفضل ورحمة وراه نماینده است بسوی
شکر خود بجود وبخشش خود ودرود بر محمد باد که بهترین خلق خداست که جمع کرده
است خدای تعالی در او جمیع فضیلتها را که آگنده نکرده است در پیغمبران
که پیش از آن بوده اند و کرداینده است میراث او را حق آنکسی که خلیفه
کرداینده آنکس را بخلافت او و بعد از آن حضرت امام علیه السلام گفت
که مامون نکاح کرد دختر خود را بمن بر آنچیزی که واجب کرداینده است
خدای تعالی بر مردمان که بزنان مسلمانان چنان سلوک کنند که آن نیکو نگاه
داشتن است یا طلاق دادن وکابین کردم این دختر را آنچه داد رسول
خدا صلی الله علیه وآله بزنان خود وآن دوازده اوقیه است و نیم
درهم که تمام او پانصد درهم میشود واوقیه چهل درهم است ونش بیست
درهم است و دادم از مال خود هزار درهم آیا نکاح میکنی دختر خود را بمن
مامون گفت بلی حضرت امام علیه السلام گفت قبول کردم و راضی شدم و سنت است

که در وقت نکاح کردن خطبه که از امام رضا منقول است بخوانید بجهت تیمن و تبرک
و بجهت آنکه این خطبه جامع است آنچه را که در خطبه می باید خواند و آن خطبه این است
الحمد لله الذی حمد فی الکتاب نفسه وافتتح بالحمد کتابه وجعل الحمد اول محل نعمته
وآخر جزاء اهل طاعته وصلی علی محمد خیر البریة وعلی آل ائمة الرحمة ومعادن الحکمة
والحمد لله الذی کان فی نبائه الصادق وکتابه الناطق ان من احق الاسباب
بالصلة والاولی الامور بالتقدمة سببا اوجب نسبا وامرا اعقب غنی فقال جل
ثناؤه وهو الذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا وکان ربک قدیرا وقال
فانکحوا الایامی منکم والصالحین من عبادکم وامائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله
من فضله والله واسع علیم ولو لم یکن فی المناکحة والمصاهرة آیة محکمة منزلة
ولا سنة متبعة لکان ما جعل الله فیه من بر القریب وتألف البعید ما رغب فیه
العاقل اللبیب وسارع الیه الموفق المصیب فاولی الناس بالله من اتبع امره وانفذ
حکمه وامضی قضاءه ورجا جزاءه ونحن نسأل الله ان یعزم لنا ولکم علی
اوفق الامور ثم ان فلان بن فلان قد عرفتم مروته وعقله وصلاحه ونیته وفضله
وقد احب اشراککم وخطب کریمتکم فلانة وبذل لها من الصداق کذا فشفعوا شافعکم
وانکحوا خاطبکم فی یسر غیر عسر اقول قولی هذا واستغفر الله لی ولکم و ترجمه
این است که سپاس و ستایش مر خدای را که حمد گفت در کتاب خود
نفس خود را و در اول کتاب خود آورد و گردانید حمد را اول محل نعمت

و

خود و آخر جزای اهل طاعت خود و درود بر محمد باد که بهترین خلایق است و بر آل
او که ائمه رحمت و معادن حکمت اند و سپاس و ستایش مر خدای را که واقع است
در خبر صادق و کتاب ناطق و چیزی که دلالت میکند برین که از جمله سزاوارترین
اسبابی که موجب پیوستن با کسی شود و بهترین امور به پیش داشتن سببی است
که موجب نسب شود و امریست که از عقب او توانگری حاصل شود و پس گفت
خدای تعالی که وهو الذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا وکان ربک
قدیرا یعنی خدای تعالی آنست که آفرید از آب آدم را علیه السلام یعنی آبی که طینت
آدم را بآن آب تخمیر کرد باز خلق کرد آدمی را از آب منی پس گردانید او را
خداوند نسب و پیوند یعنی آدمی را دو قسم آفرید ذکور که نسبت نسب بدیشان
بود و اناث که پیوند ایشان وجود دیگر دو هست آفریدگار تو قادر و توانا
بر همه چیز و نیز گفت حضرت سبحانه و تعالی فانکحوا الایامی منکم والصالحین من
عبادکم وامائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله والله واسع علیم یعنی در نکاح
درآورید بی زنان و شوهران را یعنی مردی که زن ندارد و کدخدا سازید و زنی
که بی شوهر است بعقد کسی درآرید و دیگر نکاح کنید نیکوان از بندگان و کنیزکان
خود را اگر باشند ایشان درویش و تنگدست غنی گرداند خدای تعالی ایشان را
از بخشایش او وسیع و بسیار است و داناست باستحقاق فقر او اگر نیکی
بود در نکاح کردن و دامادی آیتی از کلام خدای باشد [illegible] آنکه

هر اینه عاقلی که توفیق یافته است براه راست رغبت و شتاب میکرد در
چیزی که گردانیده است خدای تعالی در نیکوئی با خویشان و الفت با ایشان
و آن چیز نکاح است پس بهترین مردمان آنکس است که پیروی امر او نماید
و اجرا و امضای حکم او نماید و امیدوار باشد بجزای او و ما سوال میکنیم
از خدای تعالی که اراده کند برای ما و شما بهترین چیزها پس فلان بن فلان
یعنی نام او و نام آن مرد که برای او نکاح میکنند و نام پدر او را بگوید کسیست
که دانسته آید تمام مروت و عقل و صلاح و نیت و فضل او را بدرستیکه
که دوست داشته است که شریک شما باشد و خواسته است که نکاح کند زنی
را از قوم شما فلانه که بزرگوار است یعنی نام زنی را که نکاح میکنند بگوید
و کرده است کابین او را این مبلغ و مبلغ را بگوید پس قبول شفاعت کنید
از کسی که طلب شفاعت کند از شما و نکاح کنید بکسی که طلب نکاح کرده است
از شما و میگویم آنچه مذکور شد و طلب آمرزش از خدای تعالی برای خود
و برای شما میکنم روایت که وقتی امام محمد تقی دختر مامون را نکاح میکرد برای
خود این خطبه خواند الحمد لله الذی اقرارا بنعمته و لا اله الا الله اخلاصا
لوحدانیته و صلی الله علی محمد سید بریته و علی الاصفیاء من عترته اما بعد
فقد کان من فضل الله علی الانام ان اغناهم بالحلال عن الحرام فقال سبحانه
فانکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم تا آخر آیه ثم ان محمد بن علی بن

موسی یخطب ام الفضل ابنة عبدالله المامون و قد بذل لها من الصداق مهر
جدته فاطمة بنت رسول الله صلی الله علیه و آله و هو خمسمائة درهم جیاداً
فهل زوجته یا امیر المومنین بها علی الصداق المذکور قال المامون نعم
قد زوجتک یا ابا جعفر ام الفضل ابنتی علی صداق المذکور فهل قبلت
النکاح و رضیت به و ترجمه خطبه این است که سپاس و ستایش میکنم خدای
تعالی را از جهت اقرار کردن بنعمت او و میگویم نیست معبودی بحق که
سزاوار پرستش باشد مگر خدای تعالی بجهت اعتقاد بوحدانیت و یگانگی
او و درود بر محمد باد که پیشوا و بهترین خلقان است و بر عترت او که
برگزیدهای خدایند اما بعد بدرستیکه از فضل خدای بر خلقان است
که غنی گردانیده است ایشان را بسبب حلال از حرام پس گفته است حق تعالی
فانکحوا الایامی منکم تا آخر و ترجمه این آیه در خطبه سابق مذکور شد پس محمد بن
علی بن موسی نکاح میکند ام الفضل را که دختر عبدالله مامون است و کابین
او کرده ام مقدار کابین جده فاطمه بنت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله
و کابین حضرت فاطمه علیها السلام پانصد درهم خالص بود آیا نکاح
میکنی دختر خود را باو باین کابین مامون گفت بلی نکاح کردم یا ابا جعفر
دختر خود ام الفضل را بکابین مذکور قبول میکنی نکاح را ابی جعفر بلی
قبول کردم و راضی شدم باین نکاح روایت از امام جعفر صادق علیه السلام

که گفت هرکسی که نکاح کند زنی را و در خاطر او نباشد که کابین او را بدهد پس
نزدیک خدای تعالی زنا کننده است و گفت امیرالمؤمنین علیه السلام که سزاوار
ترین شرطها که وفا کنند بآن چیزیست که حلال شود بآن جماع کردن و سنت
محمدی در کابین پانصد درهم است پس هرکسی که زیاده کند بر سنت رد
کرده است سنت را پس اگر بدهد بزن پانصد درهم یا زیاده و بعد از آن
دخول کند نمی‌رسد زن را که بعد از آن طلب نماید مگر چیزی که آنچه گرفته
است از شوهر پیش از آنکه دخول کند شوهر با او همان حاصل اوست
و هر چیزی که گردانیده است زن آن را کابین خود پس آن چیز دین است بر شوهر
خود در حال حیوة و بعد از مردن شوهر با زن و سزاوار آنست که وارثان
هم طلب نکنند آن چیز را که زن طلب کرده است در حال حیوة خود و نگردانیده
است آن را دین بر شوهر خود در حال حیوة و هر چیزی که شوهر بزن داده است
پیش از آنکه دخول کند بزن و زن راضی شده بآن کابین زن آن است
و گردیده است کابین سنت پانصد درهم است بجهة آنکه خدای تعالی
واجب گردانیده است که هر مؤمنی که صد بار الله اکبر بگوید و صد بار سبحان الله
و صد بار بگوید لا اله الا الله و صد بار بگوید الحمد لله و صد بار صلوات فرستد
بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و بعد از آن بگوید اللهم زوجنی من الحور العین
تزویج کند خدای تعالی با او حوری از بهشت و گردانیدند این تسبیح و تهلیل و تحمید

وصلوة را

۸

وصلوة را کابین آن حور وقتی که نکاح کند مردی دختر خود را نیکوتر است که از
کابین دختر خود نگذرد و روایت از امالی سید ابوطالب که گفت امام زین العابدین
علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله تعالی علیه و آله و سلم در محلی که نکاح کرد
حضرت فاطمه را رضی الله عنها با امیرالمؤمنین علی علیه السلام این خطبه
خواند الحمد لله المحمود بنعمته المعبود بقدرته المطاع بسلطانه المرهوب من عذابه
المرغوب الیه فیما عنده النافذ امره فی سمائه وارضه ثم ان الله عز وجل امرنی
ان ازوج فاطمة من علی فقد زوجته علی اربعمائة مثقال فضة ان رضی
بذلک علی و معنی خطبه این است که سپاس و ستایش مر خدای را که حمد کرده
شده است بجهة نعمت او و پرستیده شده است بجهة سلطنت او ترسیده
شده است از عذاب او و رغبت کرده شده است در آن چیز که نزد
اوست و جاریست امر او و حکم در آسمان و زمین پس بدرستی که خدای تعالی
فرمود مرا که نکاح کنم فاطمه را بعلی و من نکاح کردم او را بچهارصد مثقال نقره
اگر راضی شود بآن علی و بعد از خطبه خواندن طبق خرما طلبید و گفت که
غارت کنید طبق خرما را در وقت غارت کردن امیرالمؤمنین علی علیه السلام
در آمد حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله گفت که یا علی آیا دانستی که
خدای تعالی فرمود مرا که نکاح کنم فاطمه را با تو و نکاح کردم او را بچهارصد
مثقال نقره اگر راضی شوی پس گفت امیرالمؤمنین علی علیه السلام که راضی شدم

با این از دو رسول خدا این کفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله جمع کناهها
بر پیشانیهای شما را ذلیک بحث کرد اند شما را و حاصل کرد اند از شما فرزند
پاکیزه و کفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که نکاح کردم زینب را بجحش
بزید بن حارثه و نکاح کردم ضباعه بنت زبیر بن عبد المطلب را بمقداد
تا آنکه بدانند که شریفترین شرافتها شرف اسلام است و در روایت از جابر
انصاری که کفت که چون نکاح کرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فاطمه را
با امیر المومنین علی علیه السلام آمدند جمیع مردمان از قریش نزد حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله و کفتند با آنحضرت که تو نکاح کردی حضرت
فاطمه را با امیر المومنین علی علیه السلام باندک کابین آنحضرت کفت که من
نکاح نکردم بلکه خدا تعالی نکاح کرد در شب معراج نزد سدرة المنتهی
و وحی کرد خدا تعالی بسدرة المنتهی که نثار کن پس نثار کرد در و جواهر
بر حور العین و ایشان بهدیه میدادند آن در و جواهر را و تفاخر میکردند
بآن و میکفتند که این نثار فاطمه بنت رسول الله است صلی الله تعالی علیه و آله
پس چون شب زفاف شد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که استر شهبا
آوردند و دو تا کردند قطیفه را بر بالای استر انداختند و کفت بفاطمه
رضی الله عنها که سوار شو و فرمود بسلمان رحمة الله علیه که استر را بکشد
و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میراند استر را پس میان راه آنحضرت آوازی

شنید

شنید چون متوجه شد دید که جبرئیل با هفتاد هزار فرشته و میکائیل با هفتاد هزار
فرشته آنحضرت فرمود بچکار فرود آمدید بزمین ایشان کفتند که آمده‌ایم که
حضرت فاطمه را نزد امیر المومنین علی ببریم و جبرئیل و میکائیل و فرشتها
و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله همه تکبیر میکفتند در راه پس تکبیر کفتن در عروسی
از آن شب ماند در میان مردم و سنت شد در حدیث از امام جعفر صادق
علیه السلام که زفاف کنید در شب و طعام بدهید در وقت چاشت
فصل چهارم در آداب و مباشرت کردن و غیر آنها در حدیث از امام
جعفر صادق علیه السلام که کفت به بعضی از اصحاب خود که هرگاه در شب
عروسی بخانه بیاری زوجه را بقبله کن و دست بر پیشانی او بنه و بگو
اللهم بامانتک اخذتها و بکلماتک استحللتها فان قضیت لی منها ولدا
فاجعله مبارکا سویا و لا تجعل للشیطان فیه شرکا و لا نصیبا در حدیث دیگر
واقع است که این دعا بخواند اللهم علی کتابک تزوجتها و فی امانتک
اخذتها تا آخر دعائی که کذشت بخواند منقولست از کتاب نجات که
ائمه علیهم السلام فرموده‌اند که هرگاه زفاف شود و خواهی که امر کنی زن را
که دو رکعت نماز بگذارد و حمد بگوی خدا تعالی را و صلوة بر نبی و آل او
بفرستی و بگوئی اللهم ارزقنی الفها و ودها و رضاها بی و ارضنی بها و اجمع
بیننا باحسن اجتماع و ایسر ائتلاف فانک تحب الحلال و تکره الحرام در روایت

نزدیک

از امام محمد باقر علیه السلام که گفت که وقتی که خواهی مباشرت کنی بگو
اللهم ارزقنی ولدا واجعله تقیا زکیا لیس فی خلقه زیادة ولا نقصان واجعل
عاقبته الی خیر و بسم الله بگو نزد جماع کردن وصیت از ابی سعید خدری
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وصیت کرد علی ابن ابی طالب را و گفت
یا علی هرگاه در آید عروسی بخانه وقتی که در آید و بنشیند بفرما که بیرون
کنند موزه او را و بشویند پاهای او را و آن آب را در سرای خود بریز
تا نهایت سرا بدرستی که هرگاه چنین کنی می برد خدای تعالی از سرای او
هفتاد نوع درویشی را و داخل میکند هفتاد هزار نوع برکت را
در سرای تو فرود میفرستد بر تو هفتاد رحمت را و آن رحمت میگردد
بر بالای سر عروس تا آنکه فرود آید بر و البته در رسد برکت آن رحمت
در هر کنجی از خانه تو و ایمن شود از دیوانگی و جذام و برص مادام که در
خانه است و منع کن عروس را که آورده بخانه از خوردن چهار چیز شیر و سرکه
و گشنیز و سیب ترش پس گفت امیر المومنین علی علیه السلام از جهت چه
منع کنیم از خوردن چهار چیز آنحضرت گفت بجهت آنکه خوردن این چهار چیز
موجب این میشود که آن فرزند نشود و حصیری که در کنج خانه است بهتر است
از زنی که نزاید پس گفت امیر المومنین علی علیه السلام که چون است
که منع میکنی از سرکه خوردن آنحضرت فرمود بجهت آنکه وقتی که آن

زن حر

زن

آن زن حایض شود در حالت سرکه خوردن تمامی پاک نمیشود و از حیض هرگز گشنیز
تر را اگر کند میکند خون حیض را او دشوار میشود بروز زائیدن و سیب ترش
بر طرف میکند حیض را و خون حیض در دم میشود بر آن زن و بعد از آن آنحضرت
فرمود که یا علی جماع مکن بزن خود در اول و میانه ماه و آخر ماه بدرستی که
جذام و جنون زود در او می یابد بر آن زن و فرزندان او و یا علی مجامعت مکن
بزن خود بعد از پیشین بدرستی که اگر در آن وقت فرزندی حاصل شود احول
خواهد بود و شیطان خوشحال میگردد که آدمی احول شود و یا علی سخن مگو وقت
جماع کردن بدرستی که اگر فرزندی حاصل شود ایمن نیست از آنکه گنگ شود و
باید که نظر نکند بفرج زن خود و بپوشد چشم خود را نزد جماع کردن بدرستی که
نظر کردن بفرج زن خود کوری آورد در فرزند یا علی جماع مکن بزن خود بشهوت
زن دیگر بدرستی که می ترسم که اگر فرزندی حاصل شود مخنث و دیوانه باشد
یا علی آنکسی که جنب باشد در جامه خواب باید که قرآن نخواند بدرستی که
آتشی فرود آید از آسمان و هر دو را بسوزد و یا علی مجامعت مکن بزن
خود مگر آنکه با تو خرقه باشد و با زن نیز خرقه باشد و پاک مکنید هر دو خود را
بیک خرقه که این کار کردن سبب دشمنی میشود میان زن و شوهر و میان
ایشان طلاق و جدائی می افتد یا علی جماع مکن بزن ایستاده بدرستی
که این کار خران است و اگر فرزند حاصل شود بول خواهد کرد در جامه خواب

بمجوز که جار سیده باطل میکنند یا علی جماع مکن بزن در شب عید رمضان بدرستی
که اگر فرزندی حاصل کرده بدی بسیار ازو در وجود خواهد آمد یا علی جماع مکن
بزن خود در شب عید قربان بدرستی که اگر فرزندی حاصل شود شش
انگشت خواهد بود یا چهار انگشت جماع مکن بزن خود در زیر درخت میوه دار
بدرستی که اگر فرزندی حاصل شود جلاد خواهد بود یا بسیار کشنده یا دانا
براحوال مردم یا علی جماع مکن بزن خود در برابر آفتاب در روشنی او
مگر آنکه پرده بیاویزی که بپوشد شما را از آفتاب بدرستی که اگر فرزندی
حاصل شود همیشه در سختی و درویشی خواهد بود و بمیرد یا علی جماع مکن بزن
خود در میان اذان و اقامت بدرستی که اگر فرزندی حاصل شود حریص
خواهد بود در خون ریختن یا علی وقتی که زن تو آبستن شود جماع مکن
با او مگر آنکه با وضو باشی بدرستی که اگر فرزندی حاصل شود کور دل و
بخیل خواهد بود یا علی جماع مکن بزن خود در نصف شب شعبان بدرستی که
اگر فرزندی حاصل شود محتاجی خواهد بود یا یاری دهنده ظالمان
و هلاک کننده مردمان نیک خواهد بود یا علی جماع مکن بزن خود در پشت
بام خانه بدرستی که اگر فرزندی حاصل شود منافق و زبان کار و اهل
بدعت خواهد بود یا علی وقتی که بسفری روی جماع مکن در آن شب که بسفر
میروی بدرستی که اگر فرزندی حاصل شود و مال خود در اسراف خواهد کرد

درغیر

در غیر حق خواهد رسول خدا این آیه را که المبذرین کانوا اخوان الشیاطین
یعنی بدرستی که آنهائی که اسراف میکنند برادران شیطان اند یعنی عمل
ایشان مانند در شرارت و اتلاف مال یا علی جماع مکن وقتی که سه روزه
راه سفر کنی بدرستی که اگر فرزندی حاصل شود یاری کننده
ظالمان خواهد بود یا علی بر تو باد که جماع کنی شب دوشنبه بدرستی که
اگر فرزند حاصل شود حافظ قرآن خواهد بود و بانچه خدای تعالی روزی او
کرده است یا علی اگر جماع کنی بزن در شب سه شنبه و خدای تعالی
فرزندی بدهد بدرستی که شهادت روزی او خواهد شد بعد از آنکه
ایمان آورده باشد بخدا و رسول او و عذاب نکند خدای تعالی او را
با کافران و دهن او خوشبوی خواهد بود و رحیم دل و بخشنده
خواهد بود و زبان او پاک خواهد بود از غیبت و دروغ و بهتان
یا علی اگر جماع کنی با اهل خود در شب پنجشنبه فرزند حاصل شود بدرستی
که آن فرزند حاکمی از حاکمان یا عالمی از عالمان خواهد بود و اگر جماع
کنی در روز پنجشنبه نزد زوال آفتاب فرزندی حاصل شود که شیطان
نزد او نتواند آمد تا پیر شود و خوش فهم باشد و روزی کند خدای تعالی
او را سلامتی دین و دنیا یا علی اگر مجامعت کنی در شب جمعه فرزند
حاصل شود بدرستی که فصیح زبان و سخن او خواهد بود و اگر جماع کنی

بزن خود در روز جمعه بعد از نماز عصر فرزند حاصل شود بدرستی که
مشهور معروف عالم خواهد بود اگر جماع کنی شب جمعه بعد از نماز خفتن
امید هست که آن زن را فرزند حاصل شود که ابدال باشد ان شاء الله
تعالی باب جماع مکن در اول ساعت از شب بدرستی که اگر
فرزندی حاصل شود ایمن نخواهد بود ازانکه ساحر باشد و اختیار
کند دنیا را بر آخرت باب یاد گیر این وصیت را همچنانکه
من یاد گرفتم از جبرئیل علیه السلام و در حدیث از امام جعفر
صادق علیه السلام که گفت که جماع مکن که در اول ماه و میانه
ماه بدرستی که هرکه چنین کند فرزندی که حاصل شود بعضی از اوقات
از رحم بیفتد و اگر در وقتی ولادت آن
فرزند متولد شود دیوانه بود ایا نمی
بینی که دیوانها در اول ماه و میانه ماه
و آخر ماه دیوانگی ایشان زیاده میشود
و سیزدهم حدیث از امام جعفر صادق علیه الصلوة
والسلام که گفت که مکروه است جماع کردن
در وقت غروب آفتاب و در وقت
طلوع آفتاب و دهم حدیث از امام جعفر صادق علیه

که گفت که جماع مکنید در وقتی که در کشتی باشید و رو بقبله و پشت بقبله
و گفت رسول خدا صلی الله علیه وسلم که مکروه است جماع کردن بعد از احتلام
پیش از غسل کردن و اگر جماع کند پیش از غسل فرزندی حاصل شود دیوانه
باشد ملامت نکند مگر خود را و نیز گفت رسول صلی الله علیه وسلم که آنکه که
جماع کند بزن خود در حال حیض فرزند حاصل شود جذام یا برص پس اگر کند
باید که ملامت نکند مگر خود را و نیز گفت رسول صلی الله علیه وسلم که کسی
میخواهد که عمر او دراز شود و بسیار بماند در دنیا باید که اول صباح چیزی بخورد
و نعلین خوب پوشد و کم قرض کند و مجامعت کم کند و در حدیث
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که هرگاه مجامعت کنید با اهل خود پیش
ازانکه فارغ شوید از جماع بگذارید زن را و دست از جماع باز دارید پس اگر رطوبت
برسد میل خواهد کرد و بان رنگی و هرگاه خواهید که مجامعت کنید با اهل خود
باید که پیش ازان با همدیگر بازی کنید بدرستی که از برای جماع بهتر است
و سیزدهم حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که لذت زن زیاده است
از لذت مرد در جماع کردن نود و نه مرتبه ولیکن خدای تعالی حیا را
بجهت آن خود را ضبط میکنند و بیدار میدارند و گفت رسول صلی الله علیه
وسلم که هرگاه که زن از جای برخیزد باید که ننشیند مردی بجای
او تا آنکه جای خنک شود و در حدیث از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که

کرد امیرالمؤمنین علی را علیه السلام و گفت یا علی سنت است طعام دادن
در پنج وقت در عروسی و در ولادت فرزند و ختنه کردن و در سر خریدن
و از حج آمدن و در حدیث است از انس که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله چون نکاح کرد حفصه را
یا بعضی دیگر از زنان خود را طعام داد برای زفاف آن طعام خرما و
و نان بود و در حدیث است از انس که گفت که فرستاده شدم بدر رسول خدای صلی الله علیه و آله
آنحضرت طعامی پیدا کرد جهت عروسی و در آن طعام نه نان بود و نه گوشت
کسی گفت که آن طعام چه چیز بود انس گفت که نطعها بود که در وی نهادند و انداختند
و بعد از آن روغن آوردن و بدو و حال آنکه رسول صلی الله علیه و آله
خرمای بسیار داشت و در حدیث است از علانیه که رسول خدای صلی الله علیه و آله
نکاح میکرد دختر بکر یکهفته نزد او می بود و در حدیث است از کتاب
طب الائمه که گفت مردی با امام جعفر علیه السلام که آیا مکروه است جماع کردن
در وقتی از اوقات و اگر چه حلال باشد گفت بلی مکروه است جماع کردن
از طلوع صبح تا طلوع آفتاب و روزی که آفتاب گرفته و در شبی که ماهتاب
بگیرد و در روز و شبی که بادهای سرخ و زرد و سیاه بوزد و در روزی
که زلزله باشد و در حدیث است که یک شبی که ماه گرفته بود و حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله نزد بعضی از زنان خود بود و لیکن آنحضرت جماعت نکرد تا آن
زن چون صباح شد آن زن گفت با آنحضرت که یا رسول الله گفتی در این شبی

بمن که امشب نزد من نیامدی آنحضرت گفت بلی و لیکن چون در این شب
علامتی ظاهر شده است کراهت داشتم که لذت بگیرم در این شب و حال آنکه
تغییر داده است خدای تعالی چند قوم را با آنچه کرده اند چنانچه در کتاب خود
گفته است خدای تعالی که و ان یروا کسفا من السماء ساقطا یقولوا
سحاب مرکوم فذرهم حتی یلاقوا یومهم الذی فیه یصعقون یعنی و اگر
ببینند پاره از آسمان افتد بر ایشان گویند از بسیاری
عناد و تکبر که این نه قطعه از آسمان است بلکه ابر است بر هم پیچیده و بر هم
چسبیده پس ای محمد دست بدار از ایشان و ترک کن با ایشان تا وقتی
که ببینند معاینه آن روز که در آن روز هلاک از نظر اولی و در حدیث است
که شخصی پرسید از امام جعفر صادق علیه السلام که آیا جایز است که نظر کند
جاریه بموی زنی که مالک او باشد آنحضرت گفت بلی بموی و ساق او نظر توان
کرد و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که باکی نیست که نظر کند مرد بزن خود
و آن زن برهنه باشد و در حدیث است از امیرالمؤمنین علی علیه السلام که
گفت که سنت است مرد را که جماعت کند بزن خود در شب اول ماه رمضان
بجهت آنکه خدای تعالی فرموده است که احل لکم لیلة الصیام الرفث الی نسائکم
هن لباس لکم و انتم لباس لهن یعنی حلال است شما را در شب روزه جماع
کردن با زنان خود فصل دوم در بیان حق شوهر بر زن و حق

زن بر شوهر اما بیان حق شوهر بر زن در حدیث که گفت حضرت
پیغمبر صلی الله و آله که هر کسی که صبر کند بر کج خلقی شوهر خدای تعالی بدهد
ثواب آسیه بنت مزاحم که زن فرعون بود در حدیث کرده است
حسن بن محبوب از مالک بن عطیه و او روایت کرده است از محمد
بن مسلم روایت کرده است که گفته امام زین العابدین علیه
السلام که آمد زنی نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و گفت یا رسول الله
چیست حق شوهر بر زن آنحضرت فرمود که حق شوهر بر زن آنست که فرمان
برداری شوهر خود کند و مخالفت نکند و چیزی از خانه شوهر بکسی ندهد
مگر رخصت او دهد و روزه سنتی ندارد مگر برخصت او و منع نکند شوهر را
از نفس خود و اگرچه بر پالان شتر باشد و بیرون نرود از خانه مگر برخصت او
و اگر بی رخصت شوهر بیرون رود از خانه لعنت میکنند او را فرشتهای
آسمان و زمین و فرشتهای غضب و رحمت تا آنکه باز گردد بخانه پس آن
زن گفت یا رسول الله کیست که حق بیشتر دارد بر مرد آنحضرت گفت
که مادر پدر باز آن زن گفت که کیست که حق او بیشتر است بر زن
آنحضرت گفت شوهر باز آن زن پرسید که آنقدر که حقی که شوهر را
بر من هست مرا هست آنحضرت گفت نه و صل یکی آن هم نیست
پس آنحضرت گفت بحق آنکسی که فرستاده است مرا بحق که هرگز شوهر

نخواهم

نخواهم کرد و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر زنی که ایذا کند شوهر خود را
بزبان قبول نمیکند خدای تعالی توبه و عدل و عمل نیک او را مگر آنکه
راضی سازد شوهر خود را و اگرچه روز روزه دارد و شب عبادت
کند و بندهها آزاد کند و اسبها بگیرد و دهد که سوار شوند و جهاد کنند
در راه خدا این کارها اگر ایذا شوهر شود اول کسی که بدوزخ رود او
بود همچنین است حال مرد اگر ظلم بر زن خود و نیز گفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله که هر زنی که یا داد نکند شوهر خود و تکلیف او را بچیزی
که قادر نباشد بر آن چیز و طاقت نداشته باشد قبول نمیکند خدای تعالی
نیکویی او را در روز قیامت که ملاقات کند با خدای تعالی و حضرت حق
حق سبحانه و تعالی با او در غضب خواهد بود در حدیث که نکاح کرد رسول
خدا تعالی صلی الله علیه و آله زنی را از عرب بعد از آن بعضی چیزها
از آن در وجود آمد که آن زن کراهت داشت از آن پس آن زن شکایت
کرد نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آنحضرت گفت میخواهی که جدا شوی
از شوهر خود بد تو نزد خدا تعالی از مرده در حدیث که گفت ابا عبد الله
علیه السلام که هیچ نمیتواند که از مال خود بنده آزاد کند و صدقه بدهد و بنده را
مدبر سازد و چیزی بکسی بخشد و آزاد کند مگر باذن شوهر خود اما در حج
در زکوة و نیکویی با پدر و مادر و بخشش با خویشان صاحب باذن نشود

هست و در حدیث از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله که حق مرد بر زن آنست که
که چراغ او روشن کند و بجهت شوهر خود طعام بپزد و چون شوهر بخانه در آید استقبال
کند او را از پیش در خانه و بگوید بشوهر خود که خوش آمدی و بجهت دست
شستن طشت و مندیل پیش او آرد و آب بریزد و منع نکند شوهر را
از نفس خود بجهت علتی و در حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
که قومی آمدند نزد رسول صلی الله علیه و سلم و گفتند یا رسول الله که ما دیدیم
که مردمان سجده میکنند بعضی را آنحضرت گفت که اگر من میفرمودم که کسی
سجده کند کسی را میفرمودم که زن سجده کند شوهر خود را و گفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و سلم یک پستان خود بخیزد و دیگری را ریان کند برای شوهر
خود هر شوهر را ادا نکرده است حق شوهر را و با وجود این اگر نافرمانی
کند شوهر خود را یک چشم زدن اندازند او را در درک اسفل از
دوزخ مگر آنکه توبه کند و باز گردد و نیز گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله که ادا نمیتواند زن حق خدا تعالی را مگر آنکه ادا کند حق شوهر را
و در حدیث از امام جعفر علیه السلام که خدا تعالی واجب گردانیده
بر مردان و زنان جهاد را اما جهاد مرد آنست که صبر کند بر ایذائی که از
شوهر باو رسد و گفت ابوجعفر علیه السلام که مردی که نجات یافته باشند
از عذاب خدا تعالی کم است و زنانی که نجات یافته باشند کمتر است و

از زن

مبالغه

از زن کمتر است و یکی دو روایتی واقع است که چهار زن نیکوئی کرده‌اند
بشوهر و در حدیث از امام جعفر علیه السلام که گفت که هر زنی که شب
بروز آرد و شوهر بر وی خشمناک باشد بجهت حقی که بر او دارد قبول
نیست نماز آن زن تا آنکه خشنود شود شوهر او و در حدیث از امام جعفر
علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر زنی که از خانه بیرون
رود بی رخصت شوهر هیچ نیست که شوهر نفقه دهد تا آنکه باز گردد و گفت
ابوجعفر علیه السلام که هر زنی که بوی خوش بکار برد جز برای شوهر خود قبول نیست نماز
او تا آنکه غسل کند از آن بوی خوش همچنانکه غسل میکند برای جنابت
و نیز گفت ابو جعفر علیه السلام که هر زنی که برود بغیر منزل خود شوهر او
همیشه لعنت خدا باشد تا آنکه باز گردد بخانه و گفت امام جعفر علیه
السلام که هر زنی که بگوید بشوهر خود که من از تو هرگز نیکوئی ندیدم
باطل میشود عملهای او و در حدیث از انس که گفت که مردی بیرون
رفت که جهاد کند در راه خدا و وصیت کرد بزن خود که از بالای خانه بپایین
نیائی تا آمدن من و در پایین خانه پدر آن زن بود و پس پدر آن زن
بیمار شد و کس فرستاد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و رخصت طلبید از آنحضرت
که بعیادت پدر خود برود آنحضرت اذن نداد و گفت که آن زن که
از خدا تعالی و فرمان برداری شوهر کنی و در حدیث از امام جعفر

از ابی جعفر علیه السلام که گفت مردی از انصاریان در زمان حضرت رسالت
پناهی صلی الله و آله بسفری بیرون آمد از خانه خود بجهت بعضی مهمات
و گفت بزن خود که بیرون نروی تا آمدن من بعد از آن پدر آن زن بیمار
شد آن زن کس فرستاد بخدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله و گفت که
شوهر من بسفری رفته است و فرموده است مرا که از منزل خود بیرون
نیایم تا باز گردد و پدر من بیمار است اجازت میدهی یا نه مرا که بعیادت
پدر خود بروم آنحضرت گفت بنشین در خانه خود بنشین و فرمان برداری
شوهر خود کن پس پدر آن زن بمرد آن زن کس فرستاد و گفت حضرت
میدهی که بر وی نماز کنم آنحضرت گفت بنشین و فرمان برداری خود
کن پس پدر او را دفن کردند بعد از آن حضرت کسی فرستاد نزد
آن زن و گفت خدا تعالی آمرزید ترا و فرزند بجهت آنکه طاعت و فرمان
برداری شوهر خود کردی وگفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم و آله
که بهترین زنهای شما کسانی اند که بهتر سلوک کنند با اهل خود از همه کس وگفت
حق زن بر شوهر ورد حدیث از ابی جعفر علیه السلام در رعایت
کردن احوال زن که گفت که رسول خدا صلی الله و آله که وصیت کرد مرا جبرئیل
علیه السلام بر رعایت کردن احوال زنان تا آنکه گمان بردم که سزاوار نیست
طلاق دادن زن را مگر آنکه عمل قبیحی از او ظاهر شود وگفت ابو جعفر

علیه السلام که آنکسی که تحمل کند از زن خود یک سخن درشت را
گناه خدا تعالی او را از آتش دوزخ و البته او را به بهشت برد و بنویسد
از برای او دویست هزار حسنه و محو کند از نامه اعمال او دویست هزار گناه
و بلند گرداند مرتبه او را دویست هزار درجه بنویسد بعدد هر موی که
بدن او است عبادت یکساله ورد حدیث که پرسید اسحق بن عمار
از ابا عبدالله علیه السلام از حق زن بر شوهر آنحضرت گفت که حق زن
بر شوهر آنست که شکم او را سیر دارد و بپوشد بدن او را و اگر زن جاهلی
و نادانی کند بگذراند و بدرستی که حضرت ابراهیم علیه السلام گفت
که مثل زن مثل استخوان در پهلو است اگر راست کنی بشکند و اگر بحالی
خود میگذاری تمتع برداری اسحق بن عمار میگوید که گفتم با ابی عبدالله
گفته است این سخن را آنحضرت در غضب شد از آن وگفت بحق خدا
که سخن رسول خداست صلی الله علیه و آله ورد حدیث از اسحق
بن عمار که گفت ابی عبدالله علیه السلام که زینب بود که ایذا میکرد
آنحضرت را و آنحضرت در میگذرانید وگفت رسول خدا صلی الله
علیه و آله که هر بنده که کسب کند و نفقه کند برای عیال خود بدهد
خدا تعالی بعوض هر درهمی که نفقه کرده است هفتصد درهم در بهشت

گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که بهترین مردمان است از امت
من که گردن کشی نکند با عیال خود و بر وی خاطر عیال خود
کند و ظلم نکند و بعد از این این آیه بخواند الرجال قوامون
علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض یعنی مردان تمام کنند کارها
زنان و قایم باشند بر معیشت ایشان بسبب آن چیزی که تفضیل کرد
خدای تعالی را و فرزندی را و بعضی از ایشان را که مردانند بر بعضی
دیگر که زنانند دوم حدیث از امام محمد علیه السلام که هر کسی که
زن داشته باشد و آن مقدار [illegible] ندهد که سیر شود واجب بر امام
که تفریق کند میان ایشان بطلاق سوم حدیث از ابا عبدالله
که در تفسیر قول خدای تعالی ومن قدر علیه رزقه فلینفق مما آتیه الله گفت باید
که نفقه کند بر زن آن مقدار که پشت خود را است کرد و بپوشش
بدهد و اگر چنین نکند باید که طلاق دهد و معنی آیه که هر کسی که تنگ
کرده شده است بر وی روزی او یعنی فقیر و تنگدست باید که نفقه کند
از آنچه خدای تعالی او را داده است چهارم حدیث از ابا عبدالله علیه السلام
که گفت که چون این آیه که یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم
نارا فرود آمد شخصی از مسلمانان نشسته بود نزد رسول خدای

طعام هم

صلی الله علیه و سلم و آله در گریه شد و گفت که من عاجزم از نگاه داشتن
نفس خود چگونه نگاه دارم عیال خود را پس در مشفق اند خشم ایشان را
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم و آله گفت که کفایت است ترا که امر کنی اهل و
عیال خود را بآنچه امر میکنی نفس خود را و نهی کنی ایشان را از آنچه نهی
میکنی نفس خود را و معنی آیه چنین است که ای گروهی که ایمان آورده اید
نگاه دارید نفس خود را بترک معاصی و اهل عیال خود را بمواعظ و نصیحت
از آتش دوزخ پنجم حدیث از ابا عبدالله رضی الله عنه که گفت که آمد
زنی نزد حضرت پیغامبر صلی الله علیه و آله بجهت حاجتی گفت آن حضرت تا بار الله
کشاید که نوازش بسیار نماید آن زن گفت که یا رسول الله که مسوفات کدام
است آنحضرت گفت که مسوفات زنانی را گویند که چون خوانند شوهر
ایشان را بجهت کاری و ایشان تاخیر کنند در آن کار تا آنکه شوهر
بخواب رود پس فرشتگان لعنت کنند بر آن زنان تا آنکه
شوهر ایشان بیدار گردد ششم حدیث از ابا عبدالله رضی الله عنه
که رحمت کند خدای تعالی بنده را که نیکو کند میان زن خود بد رسانی

که خدا تعالی اختیار زن را بدست شوهر داده است و کرد و باید
است شوهر را حاکم بر و و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم و آله که
عیال مرد اسیر او است و دوست ترین مردمان نزد خدا تعالی کسی است
که نیکویی بکند با اسیران خود و گفت امام موسی کاظم علیه السلام که
عیال مرد اسیر او است پس کسی که خدا تعالی باو نعمتی داده است باید که
توسعه کند بر اسیران خود و اگر چنین نکند زود باشد که
آن نعمت برطرف شود ورد حدیث که گفت جوانی برسول خدا صلی
الله علیه وسلم که زنی دارم هرگاه برای شوهر خود بعجله و شتابان
و بیایم در جامه خواب او لیکن بکاب بکند بعد از آن بیایم و بیبیند
و روی او میکند و از منی گمان میبرم که دشمنی میدارد مرا او را
بفرمائی یا رسول الله آنحضرت گفت بترس از خدا و فرمان بردار
شوهر خود کن آن زن گفت پس آن زن چیست حق شوهر بر زن آنحضرت گفت
که حق بر زن است که طعام کند شوهر آنچه خود میکند و میخورد و بپوشاند از آنچه
خود میپوشد و طپانچه بر روی او نزند آن زن گفت که شوهر بر من چه حق است
آنحضرت گفت که حق شوهر بر زن است که از خانه او بیرون نرود بی رخصت

ادوار

و روزه سنت نگیری بی اذن او و تصدق نکنی از مال او مگر باذن او و اگر
خواهد که جماعت کند قبول کنی اگر چه بالای شتر باشد و گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که زن لعنت است پس اینکه زن
بخواهد باید که نیکوئی بدارد او را و گفت امیر المؤمنین علی علیه
السلام بمحمد بن حنفیه که ای پسر هرگاه قوه پیدا کنی طاعت
کنی خدا تعالی را و اگر ضعیف و بی قوه شوی در معصیت و اگر استطا
عت و قدرت داری که نفرمائی بزن خود کارهای که متعلق است بغیر او
باد مفرمایید رستی که جماع او بشتر باقی بیجا باید دل او نرم تر میشود
بدرستی که زن حکم گلی دارد و در خزانکت و کار فرمایت پس مدارا کن
باد بهر حال نیکو گردان صحبت را باد تا نیکو شود عیش و زندگانی را
ورد حدیث از امام جعفر صادق علیه الرحمة که گفت که بر بهیز گار
کنید و بترسید از خدا تعالی و جفا مکنید در حق دو ضعیف
یعنی یتیمان و زنان فصل ششم در بیان فرزندان
ورد حدیث از رسول خدا که گفت رسول خدا تعالی صلی الله و آله را
فرمود که فرزند صالح رگانیست از ریحانها بهشت ورد حدیث
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که میراث خدا تعالی

یا در اصلی حشر شود و فرزند صالح است که استغفار کند که از برای
پدر خود و در حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که دختران
حسنات اند و پسران نعمت اند و بسبب حسنات ثواب میدهد
خدا تعالی و از نعمت سوال کرده خواهد شد در روز قیامت
و در حدیث که بشارت دادند حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که خدا تعالی دختری داده است تا آنحضرت نظر کرد در روی اصحاب
پس دریافت کراهت از ایشان گفت که چیست شما را
دختر ریحانست که میبویم او را و روزی او بر خدا تعالی است و در حدیث
از کتاب روضه که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که نیکو فرزندی
است دختر صالحه آنکسی که یک دختر داشته باشد خدا تعالی
میگرداند آن دختر را پناه او از آتش دوزخ و آنکسی که سه دختر
دارد خدا تعالی میبرد او را بسبب ایشان و آنکسی که سه دختر داشته
باشد و یا سه خواهر برطرف شود از او جهاد و صدقه و در حدیث
از حذیفه یمانی که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که بهترین فرزندان
دختران اند و در حدیث از امام رضا علیه السلام که هرگاه اراده کند
خدا تعالی بنده خود به خیر از دنیا نبرد او را تا آنکه بدهد باو فرزند

صالحی و در حدیث که آنکسی که بمیرد و از او فرزند صالحی ماند گویا که
در میان مردمان نمرده است و آنکسی که بمیرد که از او فرزند صالحی نماند گویا که
مرده است و در حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
که خدا تعالی رحم میکند بر کسی که بسیار دوست دارد فرزند خود را
و گفت عمر بن یزید با امام جعفر صادق علیه السلام که هیچ دختران دارم
آنحضرت گفت که شاید آرزو داشته باشی که ایشان بمیرند بدرستی
که اگر این آرزو داشته باشی بمیرند ثواب نخواهی یافت در روز
قیامت و گناهکار خواهی بود در روزی که ملاقات کنی با پروردگار
خود و در حدیث از حمزه بن حمران که گفت که شخصی در خدمت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بودم مردی آمد و خبری
داد رنگ آن شخص متغیر شد حضرت رسالت پناه صلی الله
علیه و سلم گفت با آن شخص که چرا متغیر شد آن شخص گفت وقتی که
از خانه بیرون آمدم زن من حامله نزدیک بود که بزاید احوال این مرد آمد
و خبر داد که زن تو دختر زائیده است آنحضرت گفت با آن شخص
که زمین بر میدارد این فرزند را و آسمان سایه میکند بر او و خدا
روزی میدهد و در ریحانست که بوی میکنی بعد از آن آنحضرت نزد
اصحاب شد و گفت که آنکسی که او را یک دختر باشد پس او گرانبار شد

و آنکه که او دو دختر باشد فریاد او برسید و آنکه که او را سه دختر باشد
جهاد و مستحب که باشد از او بر در بسته میشود و آنکه که چهار دختر را داشته
باشد ای بندگان خدای یاری دهید او را و ای بندگان خدای قرض دهید او را
و ای بندگان خدای رحم کنید برو و گفت رسول خدا صلی الله
علیه و آله و آنکه که سه دختر او را باشد یا سه خواهر عیال او باشند
واجب میشود او را بهشت کسی گفت یا رسول الله اگر دو باشند
همچنین هست آنحضرت گفت بلی شخصی پرسید از آنحضرت که اگر یک باشد
چنین است آنحضرت گفت بلی **و در حدیث** از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که از سعادت مرد است که نبیند دختر او را در خانه
او **و در حدیث** از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که دوست دارید
زنان و طفلان را و رحم کنید بر ایشان و هرگاه چیزی وعده کنید
با ایشان وفا کنید بدرستی که ایشان خیال میکنند که شما روزی
میدهید بایشان **و در حدیث** که رسول خدای صلی الله علیه و سلم
و آله نظر کرد مردی که دو پسر داشت پس آن مرد یک پسر خود را بوسید
و یکی را نبوسید آنحضرت گفت که چرا اکرام بر دیگری ترجیح دادی
و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که همه فرزندان
خود برابر نیکوئی کنید همچنانکه میخواهید که ایشان با برابر کنند

بشما

بشما **و در روایتست** که رسول خدای صلی الله علیه و آله روزی بوسید
امام حسن و امام حسین را علیهما السلام اقرع بن حابس حاضر بود
گفت یا رسول الله صلی الله علیه و آله مرا ده فرزند هست و هیچکدام را بوسه
آنحضرت گفت که بر من چیزی نیست اگر خدای تعالی بتو رحم و مهر
نداده است **و در حدیث** از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت
که بر فرزندان خود نام پیغمبران بنهید و بهترین نامها عبدالله
و عبدالرحمن است **و در حدیث** از رسول خدای صلی الله علیه و آله
که گفت که حق فرزندان بر پدر سه است نام نیکو کردن و تعلیم کتابت
کردن و نکاح کردن از برای او هرگاه که بالغ شود **و گفت** حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله که گفت که فرزند خود را ببوسید و بسیار ببوسید که شما را است
بهر بوسه درجه حاصل میشود در بهشت که مابین هر درجه پانصد ساله راه است
و در حدیث روایت کرده است امام رضا علیه السلام از پدران
خود علیهم السلام که گفت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر قومی که مشورت
خود کنند و حاضر شوند نزد ایشان کسی که امام محمد نام
داشته باشد و یا احمد و او را در مشورت خود دخل ندهند آن
خیر خواهد بود ایشان را **و روایتست** امام رضا علیه السلام آزرده میشود
پدر و مادر از نافرمانی کردن با پدر و مادر خود **گفت** پیغمبر صلی الله

علیه و آله و سلم که بحق الهی که درشتها و در مجالس که فرزندی
که نافرمانی کند پدر و مادر خود را نمیرسد بوی بهشت [illegible] امیرالمؤمنین
علیه السلام که ترسیدن فرزند از رحم و مهربانی است ولی ترسیدن زنان
از شهوت است و ترسیدن پدر و مادر از عبادت است و ترسیدن
برادر مردین از دین است و زیاده کرده است بر این حسن بصری پادشاه
عادل را و گفت که ترسیدن پادشاه عادل طاعت است
[illegible] از امام جعفر صادق علیه السلام که نیکویی کردن
با فرزند خود مثل نیکویی کردن است با پدر و مادر خود [illegible]
از زراعه که گفت که پرسیدم ابوالحسن را علیه السلام از حال مردی که او را
پسران باشند و در میان ایشان بعضی را میخواهد بود که تفضیل کند یکی
بر دیگری آنحضرت گفت که آری با یک پسر هم بر آسانی که بدهد تفضیل میدهد
مادر پدر او حسن عبدالله [illegible] از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که از نعمتهای خدا تعالی است که فرزند مشابهت داشته باشد
به پدر خود [illegible] از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که
خدا تعالی میخواهد که آدمی بیافریند جمع میکند صورت تمام آدم را
و بعد از آن میافریند او را بیکی بصورت ایشان باید که نگوید کسی
بفرزند خود که او شبیه هیچ یک از پدران خود نمانده [illegible]

ابو بصیر

که پرسید مردی از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که حق
مرا که کوشش میکنم برای فرزندان خود چیز را که کوشش نمیکنند
ایشان برای ما آنحضرت گفت بجهة آنکه ایشان از شما حاصل شده
اند نه شما از ایشان بحضرت علی بن الحسین علیهما السلام که تو نیکوترین
مردمان بمادر خود و با او چیزی نمیخوری آنحضرت گفت که میترسم
که پیشی گیرد دست من بچیزی که پیشی گرفته باشد چشمهای او بآن
و عاق شوم نزد مادر خود [illegible] که پرسیدند از امام جعفر
صادق علیه السلام که چرا یتیم کرد اند خدا پیغمبر خود را محمد رسول الله
صلی الله علیه و آله حضرت امام علیه السلام گفت بجهة آنکه از اطاعت
دیگران بر او حق مخلوق واجب نباشد [illegible] از امام جعفر صادق
علیه السلام که مبارکباد گفت شخصی مردی را نزد حسن بن علی علیهما
السلام بجهت پسری که خدا ایشان باو داده بود بآن طریق که گفت که مبارک باد
ترا سوار گفت حسن بن علی بآن شخص که چه دانستی که آن پسر سوار خواهد
بود یا پیاده آن شخص گفت فدایت گردم چگونه بگویم آنحضرت گفت که بگو
بدرستی که شکر کن خدا تعالی را و مبارک کرداند خدای تعالی این پسر را
برای تو و بمرتبه کمال برسد و روزی کند ترا نیکویی او و گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله مردی که باو طفل بود که چه نسبت این طفل با تو

آنچه در کف پسر منت آنحضرت گفت برخورداری و عده خدای تعالی از او
ومنقولست از کتاب نوادر الحکمة که گفت ابن عباس که رسول الله
صلی الله علیه وآله فرمود که هرکسی که ببازار درآید چیزی بخرد و برادرد
ببرد برای عیال خود همچنانست که صدقه را برده باشد و برده باشد
برای قومی که محتاج بوده باشند و باید که آنچیز را اول بدختران بدهد
بدرستی که هرکسی که خوشحال سازد دختر خود را همچنانست که بنده آزاد کرده
باشد از فرزندان اسمعیل علیه السلام و هرکسی که خوشحال کرد
پسر خود را همچنانست که گریسته باشد از ترس خدای تعالی و هرکسی که بگرید
از ترس خدای تعالی به بهشت برد خدای تعالی او را وروایتست
کرده است عبدالله بن فضاله که شنیدم از ابا عبدالله یا از ابا جعفر
علیهما السلام که میگفت که هرگاه پسر سه ساله شود بگو باو که هفت بار
لا اله الا الله بگوید و بعد ازان بگذار تا سه سال و هفت ماه و بیست روز
برسد بعد ازان بگو که هفت محمد رسول الله بگوید و بعد ازان که چهار
ساله شود پس بگوید که هفت بار بگوید صلی الله علی محمد رسول الله
و آل محمد و بعد ازان بگذار که پنج ساله شود پس بپرس که دست
راست و دست چپ تو کدام است اگر بدانست بگردان روی
او را بقبله و بگو باو که سجده کند و بعد ازان بگذار تا شش ساله شود

پس بگو باو که نماز بگذارد و تعلیم کن باو رکوع و سجود را و بعد ازان بگذار
تا هفت ساله پس بگو باو که روی و دستهای خود بشوید و هرگاه که روی
و دستهای خود را شست بگو باو که نماز گذارد و بعد ازان بگذار که
نه ساله شود پس بیاموز باو وضو را و بزن او را بجهت نماز گذاردن
و وضو بفرما که نماز کند و هرگاه وضو و نماز یاد گرفت بیامرزد او را
خدای تعالی پدر و مادر او را انشاء الله تعالی ومنقولست از کتاب
محاسن که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که از سعادة و نیک
بختی مرد آنست که فرزند باو شبیه باشد در صورت و خلق و شمایل و
صفات نیکو و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که از نعمت خدای تعالی
است بر مرد که فرزند او شبیه باشد باو وروایتست از ابا ابراهیم
علیه السلام که گفت که بدرستی که نیکبختی است که نمیرد تا آنکه ببیند
فرزندی را که از و حاصل شده باشد و بعد ازان گفت که خدای تعالی نموده است
بمن فرزند مرا که بشارت کرد ابو الحسن علیه السلام
وروایتست از امام جعفر علیه السلام که گفت که بگذار فرزند خود را
که تا هفت ساله بازی کند و ادب بیاموز او را تا هفت سال دیگر
پس اگر صورت صلاح پیدا کرد نیکو شد کار او و اگر پیدا نکرد چیزی نیست
وروایتست از کتاب محاسن که گفت امام جعفر صادق

علیه السلام که بگذار طفل خود را تا شش سال و بعد از آن او را با خود
نگاه دار هفت سال دیگر و تعلیم ادب کن او را بآداب خود پس اگر قبول
کرد تعلیم و بصلاح آمد خوب شد کمال او و اگر قبول نکرد او را جزای نیست
و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرزند هفت سال مهتر است
و هفت سال بنده و هفت سال وزیر است پس اگر اخلاق او نیکو
شد در بیست و یکسال خوب و اگر نه بزن او را بدرستی که نزد خدا
شفاعت معذوری حدیث از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که ادب کردن شما فرزند خود را بهتر است از صدقه دادن را
هر روز نیم صاع حدیث از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
و آله و سلم که اکرام کنید فرزندان را و ادب کنید نیکو تا آنکه
خدا بیامرزد شما را حدیث از کتاب عیون الاخبار که گفت
امام رضا علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که
که فرزندان شما گوشت بخورند دست و دهن ایشان بشوئید بدرستی
که شیطان چربی گوشت را وا اندازد با ایشان از آن بو ترسیده که
موکل آید حدیث از امیرالمومنین علی علیه السلام که گفت
که بگذارید طفل را هفت سال و تعلیم ادب کنید هفت سال و خدمت
بفرمائید هفت سال و تمام میشود قد او در سه سالگی و بعد از آن

تجربه حاصل میکند حدیث از امام محمد باقر علیه السلام که گفت
جدا کنید خوابگاه پسران و زنان وقتی که پسران ده ساله شوند
حدیث از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت که نگاه دارید
فرزندان خود را از شیر زنان زناکار و زن بدرستی که
شیر ترا است حدیث از امیرالمومنین علی علیه السلام که
گفت که هرگاه که نظر به پسری و بهبینی که چشمهای مشکی و فراخ
باشد و گشاده و پیشانی باشد و رخساره او پر آمده باشد و سلامت
هیئت و صورت او از عیب و درستی که چنین میکند و دراز باشد
پس امیدوار باش از آن پسر که عمر و برکت تمام خواهد داشت
و اگر بهبینی پسری را که چشمهای او در مغاک باشد و پیشانی او تنگ
باشد و رخساره او فرو رفته باشد و سر بینی او باریک باشد پس امید
داری عمر و برکت از و مدار حدیث از امام جعفر صادق علیه
السلام که گفت که هرگاه دختر شش ساله شود و بوسه میکنید او را
پس هرگاه از هفت ساله در گذرد باید که بوسه نکنید زنان او را حدیث
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت امیرالمومنین علی علیه السلام
که لمس کردن زن با دختر خود وقتی که آن دختر شش ساله باشد
نوعی است از زنا حدیث که پرسیدند از امام جعفر صادق

علیه السلام که درختی شش ساله است که میان جنت او خوشبوست
و آن درخت ریاحین بهشت است آنحضرت گفت که او را در کنار خود بگیر
و بوسه بکن روایت کرده است ابن عمر که گفت رسول خدا
صلی الله علیه و آله که جدا کنید خوابگاه فرزندان خود را چونکه
هفت ساله شوند طلب فرزند منقول است
از کتاب محاسن که گفت محمد بن صالح که نوشتم به ابو الحسن دوم
که مدت پنج سال است که اجتناب میکنم از طلب فرزند
بجهة آنکه زن من فرزند نمیخواهد و میگوید دشوار است تربیت
و نگاه داشتن فرزند بجهة ناداری پس چه میفرماید حضرت امام
علیه السلام که خدا تعالی روزی میدهد منقول است از کتاب مذکور
که گفت ابن عمر که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که طلب فرزند
کنید از خدا تعالی بدرستی که فرزند روشنی چشم و ریحان دل است
و بپرهیزید از عجز و عقر روایت است از ابی الحسن علیه السلام
که گفت بعضی اصحاب خود را که در طلب فرزند هفتاد بار بگو رب
لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین و اجعل لی من لدنک سمیعا صفیا
و استغفروا ربکم وفایة و اجعله خلقا سویا و لا تجعل للشیطان
فیه نصیبا اللهم انا استغفرک و اتوب الیک انک انت الغفور الرحیم

بدرستی که آنکسی که بسیار بگوید این را خدای تعالی روزی او کند
مال و فرزند و خیر دنیا و آخرت و آنچه میخواهد بدرستی که خدای تعالی
فرموده است فقلت استغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل السماء علیکم
مدرارا و یمددکم باموال و بنین و یجعل لکم انهارا یعنی آمرزش طلبید
از پروردگار خود یعنی توبه کنید بدرستی که او بسیار آمرزنده است میفرستد
و مدد دهد شما را بمالها و پسران یعنی بسیار گرداند اموال و اولاد
شما را و بدهد شما را بوستانها و میوه و جاری گرداند برای شما جویها
منقول است از کتاب الائمة که روایت کرده است سلیمان بحاری
از شیخ بداینه و او روایت کرده است از زوده و زراره روایت
کرده است از ابو جعفر علیه السلام که آمد نزد هشام بن عبد الملک
پس دربان مانع شد آن حضرت را و هشام بن عبد الملک را مرد بسیار
بود که مال بسیار داشت و در زندان مدتی بود پس آنحضرت نزدیک او رسید
و گفت که میخواهی که ترا از دعائی تعلیم کنم نزد او دعائی که ترا
که بیرون شود در زمان گفت بلی پس آنحضرت را رسانید بسوی هشام
و آنحضرت حاجتی کرد و گفت برادر پس چون فارغ شد دربان
گفت که چه میکردم دعائی که گفته بودی که دست آنحضرت گفت هر روز
صباح و شام هفتاد بار بگو سبحان الله بگو و ده بار استغفر الله و بعد از آن

سه بار سبحان الله بگو و بعد از آن بگو استغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل
السماء علیکم مدرارا و یمددکم باموال و بنین و یجعل لکم جنات
و یجعل لکم انهارا پس خواند این دعا را دربان هشام و خدا تعالی
او را فرزند بسیار داد و آن دربان بعد از آن بخدمت ابو جعفر علیه السلام
آمد و گفت سلیمان خبر یافت که خواندم این دعا را تعلیم کردم بدو چون خود
پس خدا تعالی او را فرزندی داد و گمان آن زن حبس شد که هرگاه که
خواهد که آبستن شود این دعا را بخواند آبستن میشود و تعلیم کرد زوجه
هشام این دعا را بر نامی که ایشان را فرزند نمیشد پس ایشان این دعا را
خواندند و ایشان را فرزند بسیار شد و روایت که گفت ابوبکر بن
حبیب البصری که گفتم با ابو عبدالله علیه السلام که هیچ از اهل بیت ام که
ایشان را نماند غیر از من و مرا فرزندی نیست آنحضرت گفت که سجده کن
و در سجده بگو رب هب لی من لدنک ذریة طیبة انک سمیع الدعاء
رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین گفت من این دعا را خواندم خدا تعالی
ده فرزند داد مرا یکی را علی نام کردم و دیگری را حسین و روایت از ابا
عبدالله علیه السلام از برای طلب فرزند که گفت که هرگاه خواهی که فرزند
کنی بر زوجه سه بار بگو و ذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه
فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا

له ونجیناه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین و زکریا اذ نادی ربه رب لا تذرنی
فردا و انت خیر الوارثین و روایت از ابا عبدالله علیه السلام
که گفت که هرگاه که زن شما حامله شود باید که بنشیند که روی
بقبله کند و آیة الکرسی بخواند و دست به پهلو بنهد و بگوید اللهم
قد سمیته محمدا یعنی بار خدایا این فرزند محمد نام کردم به درستی که چون
چنین کند خدا تعالی آن فرزند را پسر کرداند پس آن پسر را محمد نام کنند
به درستی که چون چنین کنند بنده را روزی بدان فرزند و برکت دهد
او را و اگر نام محمد نگذارد خدا تعالی اختیار دارد اگر میخواهد نگه میدارد و اگر خواهد
زنده میگذارد و روایت از کتاب زاد الحکم که آمد مردی نزد ابو عبدالله
علیه السلام و گفت یابن رسول الله خدا تعالی همه دختر داده است
دعا کن که مرا خدا تعالی پسری دهد آنحضرت گفت بلی وقتی که نزدیک
زن خود بنشینی بجهت جماع کردن بنه دست راست خود را بر جانب
راست ناف زن و سوره انا انزلناه هفت بار بخواند و بعد از آن
مشغول شوی بجماع کردن به درستی که چون چنین کنی خدا تعالی
او پسر بدهد و چون بدانی که زن آبستن شد پس هرگاه آن زن در شب
از پهلو به پهلو دیگر بگردد دست خود را بر جانب راست ناف زن بنه
و انا انزلناه هفت بار بخوان آن مرد گفت چنین کردم خدا تعالی هفت پسر داد

مدرارا در عقب یکدیگر در آوردن بسیاری از مردمان خدای تعالی انبیا
پسران داد حدیث که حسن بن علی علیهما السلام نزد معاویه
رفت چون بیرون آمد یکی از دربانان معاویه عقب آنحضرت آمد
و گفت یا ابن رسول الله من مال بسیار دارم و هیچ فرزند ندارم
تعلیم کن مرا که چیزی که خدای تعالی مرا فرزندی دهد آنحضرت گفت بر تو باد
که استغفار کنی پس آن دربان بسیار استغفار میکرد تا آنکه بسیار بود
که در روزی هفتصد بار استغفار میکرد و خدای تعالی او را ده پسر داد و این
خبر بمعاویه رسید گفت معاویه بآن دربان که چرا نپرسیدی
از امام حسن که از کجا دانستی که استغفار کردن سبب آن میشود
که خدای تعالی فرزند میدهد پس آنحضرت نوبت دیگر نزد معاویه
آمد آن دربان پرسید آنچه معاویه گفته بود آنحضرت گفت
که آیا نشنیده قول خدای تعالی که فرموده است در قصه هود که یا قوم
استغفروا ربکم ثم توبوا الیه یرسل السماء علیکم مدرارا و یزدکم قوة
الی قوتکم یعنی ای قوم استغفار کنید و آمرزش طلب کنید از پروردگار
خود پس باز گردید بسوی او تا بفرستد بر شما از آسمان باران پی در پی
و بیفزاید و بار کند قوت بقوت شما یعنی فرزندان دهد شما را تا مدد شما
باشند و در قصه نوح گفته است فقلت استغفروا ربکم انه کان

غفارا

غفارا یرسل السماء علیکم مدرارا و یمددکم باموال و بنین و یجعل لکم
انهارا و تفسیر این آیه از پیش گذشت باب
در بیان عقیقه و آنچه متعلق است بآن حدیث که عمر بن یزید
گفت که شنیدم از ابا عبدالله علیه السلام میگفت که هر مولودی
در روز قیامت در گرو است از عقیقه خود و واجب تر است از قربانی
حدیث از ابا عبدالله علیه السلام که هر آدمی در گرو است
بزکوة فطره و هر فرزندی در گرو است بعقیقه حدیث از عمر بن یزید
که گفت گفتم با ابا عبدالله علیه السلام که بحق خدا که نمیدانم
پدرم عقیقه کرد برای من یا نه آنحضرت فرمود که عقیقه کن برای
خود و من عقیقه کردم و در آن پیر بودم روایت کرده است سماعة
بن ابی حمزه یکی از ایمه علیهم السلام که عقیقه واجب است وقتی که فرزند
متولد شود پس اگر خواهید بگذارید نام کنید آن فرزند را حدیث
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که عقیقه لازم است کسی را
که مالدار باشد و آنکسی که فقیر و محتاج باشد هرگاه مالدار شود عقیقه
کند و اگر مالدار نباشد و آنکه هیچ چیزی نیست و اگر عقیقه
نکردند از برای فرزندی و قربانی کنند برای او کافیست و احتیاج
بعقیقه نیست و هر فرزندی در گرو است حدیث از امام جعفر صادق

علیه السلام در عقیقه گوسفند ذبح باید کرد و بعد از آن فرزند را
نام باید کرد و سر او را باید تراشید و تصدق نیز باید کرد
بوزن موی سر او طلا و یا نقره و اگر فرزند پسر باشد گوسفند نر
یا گاو یا شتر عقیقه نیز باید کرد در حدیث که عقیقه کرد ابوطالب
حضرت پیغامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روز هفتم از ولادت
آنحضرت پس طلبید تمام اهل بیت خود را ایشان گفتند این
چه طعام است ابوطالب گفت این طعام عقیقه است ایشان گفتند
این فرزند را چه جهت احمد نام کردی ابوطالب گفت بجهت آنکه
حمد میگویند او را از آسمان و زمین در حدیث از امام جعفر علیه السلام
که چهار یک عقیقه را دایه نیز باید داد و اگر دایه نداشته باشد
تعلق بمادر آن فرزند دارد و نیز باید داد از عقیقه ده مسلمان را و اگر
زیاده از ده باشند فاضلتر و بهتر است در حدیث از امام جعفر
صادق علیه السلام که گفت وقتی که خواهی که ذبح کنی عقیقه را
بگو یا قوم انی بری مما تشرکون انی وجهت وجهی للذی فطر السماوات
والارض حنیفا وما انا من المشرکین ان صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی
لله رب العالمین لا شریک له وبذلک امرت وانا من المسلمین
اللهم منک ولک بسم الله والله اکبر اللهم منی فلان بن فلان

نام فرزند و پدر او بگوید و بعد از آن ذبح کند در حدیث از کتاب
من لا یحضره الفقیه که گفت امام جعفر صادق علیه السلام در روز هفتم از ولادت
سر او را بتراشید و تصدق کنید بوزن موی او طلا یا نقره
و عقیقه کنید برای او گوسفند نر و قطعه قطعه کنید ران گوسفند را
و بپزید و بطلبید جماعتی مسلمانان را و اگر نپزید و تصدق کنید گوشت
آن گوسفند را باکی نیست و پسر و دختر در این یکسانند و باید که نخورند
از آن عقیقه مادر و پدر آن فرزند و قطعه از آن عقیقه بدایه دهید و اگر
دایه مادر و پدر آن فرزند باشد و عیال او باشد از آن عقیقه نباید داد
چیزی باو پس اگر خواهید که بخشش کنید با نان و شوربا و بدهید
عقیقه را بمومنان در حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت که فرزند وقتی که زاده شود اذان بگویند در گوش راست او و اقامه
بگویند در گوش چپ او و نام نهید او را روز هفتم و بتراشید سر او را
و بوزن موی سر او تصدق کنید نقره یا طلا اگر دست رسی که خدا ایشان را
بیشتر کرده است نام او را از آسمان پس عقیقه را ذبح کنید بگویند بسم
الله و بالله والحمد لله والله اکبر ایمانا بالله وثناء علی رسول الله والشکر لرزقه والعصمة
بامره والمعرفة بفضله علینا اهل البیت پس اگر آن فرزند پسر باشد
بگویند اللهم انت وهبت لنا ذکرا وانت اعلم بما وهبت ومنک ولک

ما صنعنا فتقبله منا علی سنتک و سنة رسولک علیه و آله واخسأ عنا
الشیطان الرجیم سفک الدماء لا شریک لک الحمد لله رب العالمین
روایت کرده است از ابا عبدالله علیه السلام از پدران خود علیهم السلام
که رسول خدای صلی الله علیه وسلم و آله عقیقه کرد برای امام حسن و امام حسین
علیهما السلام گوسفندی نر در روز هفتم از ولادت ایشان و قطعه قطعه
کرد آن گوسفند را و نشکست اعضاء استخوان او را و فرمود که بپزند آن
گوسفند را به آب و نمک و بخورند سادات و دیگر بهم نهاد روایت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم و آله که وقتی که فرزند متولد شود هفت چیز
بجا آوردن سنت است اول نام نهادن دوم سر تراشیدن سیوم
تصدق کردن بوزن موی سر طلا یا نقره اگر قدرت داشته باشد چهارم
عقیقه کردن برای او پنجم زعفران مالیدن بر سر او ششم ختنه کردن
هفتم طعام دادن بهمسایهها از عقیقه روایت حضرت پیغمبر
صلی الله و آله وسلم بحضرت فاطمه علیها السلام که سوراخ کن گوش حسن و حسین را
بجهت مخالفت یهود روایت که رسول خدای صلی الله علیه وسلم و آله
امر کرد حضرت فاطمه را علیها السلام که بتراشید سر امام حسن و حسین را
علیهما السلام در روز هفتم از ولادت ایشان و تصدق بوزن موی سر ایشان
طلا یا نقره روایت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم و آله آنچه گفت
اذان

در گوش

در گوش امام حسن و حسین علیهما السلام در روزی که متولد شدند
روایت از کتاب محاسن که هرگاه امام زین العابدین را علیه السلام
بشارت میدادند بفرزندی نمی پرسید که آن دختر است یا پسر تا آنکه می
پرسید که اعضای او درست و بی عیب است اگر چنین بود میگفت
که الحمد لله الذی لم یخلق شیئا مشوها یعنی سپاس و ستایش مر خدا را که
نیافرید چیزی قبیح که پرسیدند از ابا عبدالله که سبب تراشیدن
موی فرزندان چیست آنحضرت گفت سبب آنست که پاک شود از
موی رحم روایت که پرسید علی بن جعفر برادر خود موسی بن جعفر را
علیه السلام از فرزندی که تراشیده باشند سر او را در روز هفتم آنحضرت
گفت که هرگاه که هفت روز گذشت لازم است که سر او تراشیده شود روایت
از کتاب نوادر الحکمة که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بمالید در کام
فرزندان خود آب فرات یافته نشود آب باران بمالید روایت
کرده است امام جعفر صادق علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که گفت
امیر المؤمنین علی علیه السلام که خرما بمالید در کام فرزندان خود در روزی
که متولد شوند روایت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم و آله که خرما مالید
در کام امام حسن و حسین علیهما السلام در روزی که متولد شدند و رفتند
در بیان ختنه کردن و آنچه متعلق است روایت از حضرت پیغمبر

صلی الله علیه و آله و سلم که گفت ختنه کردن سنت است مردان را
و سبب بزرگواری میشود در روایت که نوشت عبدالله بن جعفر حمیری
بامام حسن عسکری علیه السلام که روایت از امام جعفر صادق و امام
موسی کاظم که گفته‌اند که ختنه کنید فرزندان خود را در روز
هفتم از ولادت ایشان تا پاک شوند بدرستی که زمین در ناله می
آید از بول کسی که او را ختنه نکرده باشند چون بول او بر زمین میرسد
و نیست در شهر ما مسلمانی که نیکو داند ختنه کردن را و خواهیم ختنه نمائیم
در روز هفتم و نزد ما جماعت یهود که نیکو میدانند آیا جایز است
که یهودی ختنه کنند فرزندان مسلمانان را یا نه حضرت امام در جواب او نوشت
که ختنه کنید در روز هفتم فرزندان خود را و مخالفت سنت مکنید
در روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که هرگاه که طفل را
ختنه کنید بگوئید اللهم هذه سنتک و سنة نبیک صلواتک علیه و آله
و اتباع منا لک و لنبیک بمشیتک و ارادتک و قضائک لامر اردته
و قضاء حتمته و امر انفذته فاذقته حر الحدید فی ختانه و حجامته لامر انت
اعرف به اللهم فطهره من الذنوب و زد فی عمره و ادفع الآفات عن بدنه
و الاوجاع عن جسمه و زده من الغنی و ادفع عنه الفقر فانک تعلم و لا نعلم
در روایت که موسی بن جعفر علیه السلام اشارت کرد بامام رضا علیه السلام

دگر

و گفت که این فرزند ختنه کرده متولد شده و پاکیزه بود و لیکن ما
میگذاریم تا سنت بجا آورده باشیم و پیروی دین ابراهیم کرده باشیم
در روایت از امام جعفر موسی کاظم علیه السلام که گفت اگر فرزندی
که آن دعائی که مذکور شد نخوانده باشند در وقت ختنه کردن فرزند باید
که این دعا را بخوانند بر آن فرزند پیش از آنکه آن فرزند محتلم شود و پس اگر
بخوانند این دعا را آن فرزند ایمن میشود از تیغ یعنی از تیغ کشته نمیشود
و از حمی با و نرسد منقولست از کتاب طب الائمه که گفت حضرت
پیغامبر صلی الله علیه و آله و سلم که ختنه کنید فرزندان خود را در روز هفتم از
ولادت ایشان بدرستی که موجب پاکیزگی است و از او گوشت میروید و
زمین نجس میشود چهل روز از بول کسی که ختنه نکرده باشد در روایت
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که سوراخ کردن گوش پسر از سنت
است و ختنه کردن زنان موجب بزرگواری ایشانست و سنت است
نیست کدام چیز فاضلتر و بهتر است از بزرگواری منقولست از کتاب
تهذیب الاحکام که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که آمدند جمیع زنان
نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و در میان ایشان زنی بود که
او را ام حبیبه میگفتند و او ختنه میکرد زنان را چون آنحضرت او را دید
گفت ای ام حبیبه آن عملی که میکردی حالا میکنی ام حبیبه گفت بلی

یا رسول الله میترسم که اگر حرام باشد و توشیع کنی مرا از آن آنحضرت
گفت که حرام نیست ملک حلالست گفت ای ام حبیبه نزدیک من
شو تا تعلیم کنی بتو چیزی کردن دختر از ام حبیبه نزدیک آنحضرت
رفت ای ام حبیبه هرگاه چیزی کنی دختر را از بیخ مبر و اندکی بیمر بدرستی
که رو روشن و درخشنده میکند رو را و منزلت و قدر او بیشتر
میشود نزد شوهر او ام حبیبه را خواهری بود که ام عطیه میگفتند و او مشاطه
بود و زنان را آرایش میکرد چون ام حبیبه باز گشت و رفت نزد خواهر
خبر داد بجای خود آنچه حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و سلم و آله گفته
بود پس ام عطیه بتوجه خدمت حضرت رسالت پناه شتافت و خبر داد
با آنحضرت آنچه خواهرش گفته بود آنحضرت باو گفته بود که ای ام عطیه
نزدیک من بیا چون نزدیک آنحضرت آمد آنحضرت گفت که وقتی که
آرایش کنی دختر از روی ایشان بخرقه مشوی بدرستی که میبرد طراوت
روی را و [illegible] ورستان خصلتها باید که شغل است بزبان
در روایتیست که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هرگاه میخواست که
بجنگ رود زنان خود را طلب میکرد و مشورت میکرد با ایشان و خلاف
سخن ایشان میکرد در روایتیست که شکایت کرد یکی از اصحاب
امیرالمؤمنین علی علیه السلام نزد آنحضرت از زنان خود آنحضرت

او...

برخواست و خطبه خواند پس گفت ای گروه مردمان فرمانبرداری
زنان مکنید بهیچ حال و ایمن مباشید از ایشان بر مال خود
و وا مگذارید ایشانرا بر کار عیالان خود و بدرستی که اگر زنانرا
بگذارید بآنچه اراده ایشانست کار بد میکنند و در مهلکه
بیفکنند و در نمیگذرند از حکم شوهر خود بدرستی که یافتیم که
ورع و پرهیزکاری نیست در ایشان وقتی که بشوند پیر
چرمی نیست ایشانرا در وقت شهوت کردن کسی و فرمایند لازم
ایشانست اگر پیر شوند عجب و تکبر میباشد ایشانرا اگر عاجز شوند
شکر نمیکنند نعمت بسیار را هرگاه اندک چیزی از ایشان منع
کرده شود و فراموش میکنند نیکوئی را و در نظر خاطر نگاه میدارند
بدی را و فراموش نمیکنند و بهتان بسیار میکنند پس نیکوئی کنید
با ایشان بهر حال و بزبان خوش با ایشان سخن گوئید امید هست
که ایشان افعال و کردار خود را نیکو سازند و گفت حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و سلم و آله که فرمان برداری زنان پشیمانی آرد در روایتیست
که منع کرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که زنان که بر زین سوار شوند
لعنت میکند خدا ایشان را [illegible] حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که لعنت
کرده است خدا بر زنان که بر زین سوار شوند و گفت امیرالمؤمنین

علی علیه السلام که مشورت مکنید با زنان بسبب آنکه بدرستی که شهوت
ایشان در حرکت می آید و منقول است از کتاب لباس که روایت کرد
ابی عبدالله علیه السلام از پدر خود علیه السلام که ذکر کرد رسول خدا
صلی الله علیه وسلم وآله که زنان را لباس کتان بپوشید و بپوشید ایشان را
سختی از آنکه امر کنند ایشان شما را به بدی پناه جوئید بخدا
تعالی از شر ایشان و بر حذر باشید از زنان نیکو و منقول است از ابی عبدالله
علیه السلام که گفت که مشورت مکنید با زنان در کارهای پنهانی و آشکار
وخود را با ایشان مگوئید و فرمان برداری ایشان مکنید اگرچه خویش شما
باشند بدرستی که زن وقتی که پیر شد خیر او برود تمام و باقی ماند شر او
و جمال او برود و در زید نمیشود و زبان او و مرد وقتی که پیر شد برود
شر او تمام و باقی ماند خیر او و محکم میشود عقل و رای او و کم میشود جهل
و نادانی او و گفت امیرالمؤمنین علی علیه السلام که هر مرد
که زن تدبیر کار او کند پس آن مرد ملعون است و منقول است از ابی عبدالله
علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که رسول خدا صلی الله علیه وسلم
وآله گفت که هرکسی که فرمان برداری زن خود کند خدا سرنگون او را اندازد
در دوزخ پرسیدند از آنحضرت که فرمان برداری زنان کدام است گفت
که زن را رخصت دهد که بحمام برود و بعروسی و عیدگاه و تعزیت برود و

و جامه نیک بپوشد و منقول است از ابی جعفر علیه السلام که گفت که باید که
بیرون نرود در متابعت جنازه و نرود زنان شوهردار و اگر بیرون رود
بکر برود باکی نیست و منقول است از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
رسول خدا صلی الله علیه وسلم وآله فرمود که مگذارید زنان را که بالاخانه ها نشینند و تعلیم
مکنید با ایشان خط نوشتن را و بفرمائید که چرخ ریسند و تعلیم کنید
ایشان را سوره نور و منقول است از امام جعفر صادق علیه السلام که زن
نشیند سر برهنه پیش مردی که خصی کرده باشند او را و روایت کرده است
امام جعفر صادق علیه السلام از پدران خود علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه
وآله وسلم که لمس مکنند مردی به مردی مگر آنکه میانه ایشان جامه بوده
باشد و منقول است لمس مکنند زنها به زنها مگر آنکه میان ایشان جامه بوده
باشد و منقول است که لعنت کرده است رسول خدا صلی الله علیه وآله
مخنثان را و فرموده است که بیرون کنید ایشان را از خانه ها خود و منقول است
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که نباید که مرد و زن در یک جامه بخسبند
مگر آنکه ضرورت باشد و منقول است از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم که شوهران
زنان خود را باید که بمنزله غلامی باید که مرد است پس هر زنی که چنین کند البته
بکشید او را و منقول است از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وسلم وآله
که گفت که باید که دو مرد در یک لحاف نخوابند مگر آنکه ضرورت باشد پس اگر

خواب اگر خواب کنند هر یک در زیر جامهٔ خود و بعد از آن در یک لحاف بخسبند
و حکم دو زن چنین است و باید که خواب نکنند دختر با پدر خود و مادر با پسر خود
در یک لحاف **حدیث** از کتاب محاسن که گفت ابا عبد الله علیه السلام
که مراد از ظاهر که قول خدا تعالی واقعست که قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر
منها و ما بطن رو و ساق و دست است و معنی آیه اینست که بگوای محمد
که حرام کرده پروردگار من گناهها را آنچه ظاهر است از آن و آنچه پنهانست
حدیث از ابا عبد الله علیه السلام که گفت مراد از ما ظهر که
واقعست در آیهٔ مذکوره زینت ظاهرست که آن سرمه کشیدنست و انگشتری
در دست کردن است زنان را **حدیث** و دیگر واقعست که آن انگشتری و سرمه
است و زینت آنچه ظاهرست از زینت و باید که ظاهر نکنند زنان زینت
خود را که ان گردن بند و گوشواره و بازوبند و خلخالست **حدیث**
از ابا عبد الله علیه السلام که در تفسیر قول خدا تعالی و لا یعصینک فی معروف
که مراد از معروف اینست که زنان در تعزیت گریبان پاره نکنند و طپانچه
بر روی خود نزنند و روی خود را نخراشند و واویلا نگویند و بر سر قبر نروند
و جامه سیاه نکنند و موی خود را سیاه نکنند **حدیث**
از ابا عبد الله علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود زنان را
که در تعزیت نوحه نکنند و نخراشند رو و سینه خود را و نشینند بالای قبرها

در آن خانه **حدیث** از ابا عبد الله علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله
پرسید از اصحاب در حالتی که امیر المومنین علی علیه السلام حاضر بود که زنان را چه چیز
بهتر است هیچکس جواب نداد و بعد از آن امیر المومنین علی بخانه آمد و حضرت
فاطمه علیها السلام گفت زنان را بهتر آنست که مردان نامحرم را نه بینند و مردان
نامحرم ایشان را نه بینند بعد از آن امیر المومنین علی علیه السلام نزد حضرت
رسالت پناهی صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد بآنحضرت که فاطمه چنین گفت
آنحضرت فرمود که فاطمه از منست **حدیث** که گفت ام سلمه که بودم نزد
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و میمونه زوجهٔ آنحضرت نیز نزد آنحضرت بود
پس آمد ابن ام مکتوم و او مرد نابینا بود و این بعد از آن بود که امر شده بود
که زنان از مردان حجاب بکنند حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و سلم و آله
گفت حجاب کنید روی خود را بپوشید گفتیم یا رسول الله که این مرد نابیناست نمی
بیند ما را آنحضرت فرمود که شما خود نابینا نیستید و نمی بینید او را
فصل دهم در بیان چیزهائی که در نکاح بیاید گفتند **حدیث** از امام
جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و سلم و آله بازگشت از جنگ
و در آن جنگ بسیاری از مسلمانان شهید شده بودند پس آنحضرت پرسید
که زنان را و احوال زنان را تا بر پرسید پس زنی نزدیک آنحضرت رفت و گفت
یا رسول الله چه شد که فلان کس را آنحضرت گفت که ادم کس نبود آن زن

گفت برادر حبشی بود آن حضرت گفت حمد میکنم خدا را و میگویم انا لله وانا الیه
راجعون بدرستی که او شهید شد پس آن زن جهت کرده بعد از آن گفت
یا رسول الله فلان کس چه شد آنحضرت گفت که چه کس تو بود آن زن
گفت که شوهرم حبشی بود آنحضرت گفت که حمد میکنم خدا را و میگویم انا لله وانا الیه
راجعون بدرستی که او شهید شد پس آن زن فریاد برآورد و گفت که
وای چه خوار و بیکس شدم حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وسلم و آله
گفت که گمان نداشته بود که زیاد این مقدار محبت داشته باشد تا این زن را
دیدم و گفت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وسلم و آله که نمازی که زن
تنها میگذارد در خانه خود فاضلتر است از نمازی که بجماعت میگذارد به بیست
و پنج درجه در حدیث از امام جعفر علیه السلام که گفت که خدا سبحانه
گردانیده است رسول خدا را با خلاق نیکو پس امتحان کنید خود را اگر باشد
نفس خود را پس اگر یافت نشود در شما از آن اخلاق حمد بکنید خدا را
و سؤال کنید بزیاد کردن آن پس ذکر کرد حضرت امام علیه السلام از
اخلاق نیکو ده چیز را یقین و قناعت و صبر و شکر و حلم و حسن خلق و سخاوت
و غیرت و شجاعت و مروت در حدیث که مذکور شد نزد امام جعفر صادق
علیه السلام که چه چیز است آنحضرت گفت که شومی در سه چیز میباشد در زن و چهارپا و
در خانه شوم آنست که کابین او بسیار باشد و فرمان برداری شوهر نکند

و اما چهارپای شوم آنست که بد فعل باشد و نگذارد که بر وی سوار شوند
و او را بار کنند و اما خانه شوم آنست که تنگ باشد و همسایه بد داشته
باشد و عیب بسیار داشته باشد و در حدیث از امام جعفر صادق
علیه السلام که چون زن میخواهی حضرت عیسی علیه السلام گفت که
میگیرم زن گفتند آنحضرت که تا فرزندی حاصل شود برای تو گفت چه
میکنم فرزند را بدرستی که اگر زنده باشد فتنه میکند و اگر مرد اندوه
اندوهگین میسازد پدر و مادر را و در روایت کرده است زید بن علی
از پدران خود علیهم السلام که ذکر کرد رسول خدای صلی الله علیه وسلم
و آله جهاد و ثواب آنرا پس زنی گفت یا رسول الله چیست زنان را جهاد
و ثواب در چیزی آنحضرت گفت که زنان را از وقت آبستنی شدن تا
و از ایشان شود تا شیر باز کردن فرزند ثواب است برابر ثواب کسی که جهاد
باشد که جهاد کند در راه خدای و اگر بمیرد در میان آن ایشان را
ثواب و منزلت شهید خواهد شد و در حدیث از امام محمد باقر علیه السلام
گفت ابن الحسین علیهما السلام که در وقت زن میگفت که بیرون کنید
زنان را از خانه تا آنکه زمان اول نظر نکنند بصورت طفل و در روایت
کرده است معاویه که امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است از پدران
خود علیهم السلام که گفت رسول خدای صلی الله علیه وسلم و آله که گریه است

وارد و خدا تعالی از شما ای امت من زیاده از بیست خصلت را منع کرده است
شما را از آن خصلتها و آن خصلتها کار عبث کردن است در نماز و نقصان
کردن در نماز و خنده کردن در گورستان و نظر کردن در سرای مردم و نظر
کردن در فرج زنان زیرا که کوری بیار آورد و سخن کردن در وقت
جماع کردن زیرا که گنگ بیار سازد کسی را و خواب کردن پیش از گذاردن
نماز خفتن و غسل کردن در زیر آسمان بی لنگ و جماع کردن در زیر آسمان
و در آمدن بجویهای آب بی لنگ زیرا که در جویهای آب جماعتی از فرشتگان
ساکن شده اند و روی جماع بی لنگ و سخن کردن میان اذان و اقامت در نماز
صبح تا فارغ شدن از نماز و در کشتی نشستن در محل طوفان و موج دریا
دریا بیم که غرق شده باشد و تنها خوابیدن و جماع کردن با زن خود در وقتی که
حائض باشد پس اگر جماع کند در این حال فرزندی که حاصل شود جذام
یا برص پیدا کند باید که ملامت نکنند مگر خود را و جماع کردن با زن خود بعد از
احتلام قبل از غسل و اگر این کار بکند فرزندی که حاصل شود جذام یا برص آورد
باشد ملامت نکنند مگر خود را و سخن کردن با کسی که مرض جذام داشته باشد
مگر میان او و میان آنکس یک گز فاصله باشد چنانکه میگریزد از شیر و بول کردن
بکنار جویهای آب و حدث در زیر درخت میوه دار و در درختی که میوه دار
در ایستادن نعلین پوشیدن و در آمدن بخانه تاریک بی چراغ و در آتش

و باد کردن

و باد کردن بدهن در طعام **و در حدیث** از ابا عبدالله علیه السلام که شرم
اهل بهشت زنان ضعیف العقل بجهة آنکه خدا تعالی میداند ضعیف العقل آنها را پس رحم
میکند بر ایشان **و در حدیث** که گفت اسحاق بن عمار که گفتم با ابا عبدالله
علیه السلام که آیا جایز است که بنده نظر کند بموی زنی که مالک او باشد یا ساق
او گفت بلی **و منقولست** از کتاب مجمع البیان که گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که حضرت پیغامبر صلی الله علیه و سلم و آله رفت نزد حضرت فاطمه
علیها السلام و دید که فاطمه از پشم شتر پوشیده است و بدست خود آرد میکرد
آسیا و شیر میداد فرزند خود را پس حضرت پیغامبر صلی الله علیه و سلم و آله چون
حضرت فاطمه چنان دید در گریه شد و گفت ای دختر من تعجیل کن در تلخی
تلخی دنیا با آنکه حلاوت و شیرینی آخرت برسی پس رسید که خدا تعالی
فرو فرستاده است بر من این آیه را که و لسوف یعطیک ربک فترضی یعنی
زود باشد که بتو بدهد پروردگار در آخرت بمقدار چیزی که راضی و خشنود شوی
و منقولست از کتاب لباب که روایت کرده است محمد بن اسحاق که
گفت با امام رضا علیه السلام که آیا جایز است مردی را که خصی کرده باشند برود
نزد زنان و آب وضو برایشان بدهد بر کسی نه ببیند موی ایشان را
آنحضرت گفت جایز است **و در حدیث** که امیرالمؤمنین علی علیه السلام
سلام میکرد بزنان و کراهت میکرد که سلام کند بزن جوان و میگفت که میترسم

که در شکم فرزند پدید آورد مثل صورت آن زن پس گناهی حاصل شود

سلام کردن؛ در روایت که پرسید ابو بصیر از ابا عبدالله علیه السلام که آیا
جایز است که مصافحه کند مرد با زنی که محرم او نباشد آنحضرت گفت نه مگر
از پس جامه حایل باشد؛ در روایت که پرسیدند عمار ساباطی از ابا
عبدالله علیه السلام که زنان چگونه سلام کنند هرگاه وارد شوند نزد مردان آنحضرت
گفت زنان بگویند علیکم السلام و مردان بگویند السلام علیکم؛ در روایت
کرده است ابا عبدالله علیه السلام از امیرالمؤمنین علی علیه السلام که گفت که
مردی که موی او بسیار است شهوت او کم است؛ در روایت از محمد
بن اسحاق که گفت ابو جعفر علیه السلام که آیا میدانی که از چه جهت کابین زنان
چهار هزار درم شده است گفت نمیدانم گفت بجهة آنکه حبیبه دختر ابو سفیان
است و در حبشه بود چون حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم وآله نکاح کرد او را
نجاشی که حبشی بود چهار هزار درهم باو فرستاد و پس از آن جهة مردمان
کابین را چهار هزار درهم میکنند اما کابین دوازده اوقیه و نیم است و هر
اوقیه چهل درهم؛ در روایت از سلوی (?) که امیرالمؤمنین علی علیه السلام
میگذشت براهی و دید که بر چهارپای دیگر میکشند در میان راه آنحضرت گفت
سزاوار نیست که این کار بکنند مگر در جایی که نه بینند این مرد و نه زن
در روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که آنکسی که نظر کند

بر زنی و بردارد چشم خود را از آن زن و بآسمان نگاه کند یا آنکه چشم
خود را بر هم نهد هنوز چشم خود را باز نکرده باشد که خدا تعالی
با او حور عین و بهشت گفت امام جعفر صادق علیه السلام که نظر کردن اول
مرتبه ضرری ندارد و در مرتبه دویم حرامست و در مرتبه سیوم موجب
است یعنی گناه عظیم دارد؛ در گفت امام محمد باقر علیه السلام که با کی
نیست که نظر کند مرد بسوی مادر و خواهر خود؛ منقول است از کتاب صحیفه
الرضا که روایت کرده است امام رضا از پدران خود علیهم السلام و ایشان
روایت کرده اند از امیرالمؤمنین علی علیه السلام که گفت که زن زاید
عورت است هرگاه که شوهر کرد یک عورت او پوشیده شد و هرگاه
فرزند زاد عورت دیگر پوشیده شد و اگر فوت نکرد و شوهر نهاد دیگر
و هرگاه مرد عورتهای او تمام پوشیده شد؛ منقول است از کتاب
محاسن که روایت کرده است ابا عبدالله علیه السلام که حضرت موسی
علیه السلام گفت علیه السلام یا خدایا کدام عمل فاضلتر است نزد
تو حضرت حق سبحانه و تعالی فرمود که دوست داشتن اطفال
که جزا آدم بدم (?) الشبا از رحمت خود و برم بهشت برحمت خود؛ منقول است
از کتاب محاسن که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بزرگترین گناه
است کسی چهارپا و نداد کابین زن را و مزد مزدور؛ منقول است

از کتاب نوادر الحکمة که گفت امیرالمؤمنین علی علیه السلام که بسیار بکنید
نکاح زنان را تا در میان سبب شهوتی نشود و در روایت که گفت ابن ابی یعفور که
گفتم با امام جعفر صادق علیه السلام که من میخواهم که نکاح کنم زنی را و پدر و مادرم
میخواهند که دیگری را نکاح کنم آنحضرت گفت که نکاح کن زنی را که تو میخواهی و بگذار
آن زن را که مادر و پدر تو میخواهند روایت کرده امام جعفر صادق از پدران
خود علیهم السلام که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم که هر زنی که ببخشد
کابین خود را بشوهر خود پیش از آنکه شوهر دخول کند با او بنویسد خدا از
برای او بعدد هر دیناری ثواب حج آزادی بنده کسی گفت یا رسول الله
چگونه است که بخشیدن کابین بعد از دخول گفت از دوستی و الفت میباشد
و در روایت از حسین بن مختار که گفت سلیمان بن مختار رحمة الله
علیه که نکاح کرد زنی را مالداری را پس درآمد بخانه آن زن و دید در آن خانه
درختی نهاده اند [illegible] گفت خانه شما چه کعبه است که بیت الله [illegible]
و کنیزی دید که انگشتری در دست داشت گفت این کنیز کیست گفت از آن من
است گفت آنکسی که کنیزی داشته باشد و دخول کند با او در آن
زنا کند گناه آن کنیز بر آن کس است و در روایت از امام جعفر صادق علیه
السلام که گفت که وقتی که مجامعت کند مردی با کنیز خود و بعد از آن خواهد
که مجامعت کند با کنیز دیگر باید که وضو بسازد و هم روایت از امام جعفر صادق

دیگر

علیه السلام که آنکسی که کنیزی داشته باشد باید که هر چهل روز با او مجامعت کند
و هم روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که مگذارید که شیر دهد
زن احمق یا عقل قصیر بفرزند شما بدرستی که شیر اثر میکند در طبیعت آن طفل
و گفت آنحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که مگذارید که شیر دهد زن احمق یا کم عقل فرزند
شما را بدرستی که فرزند پرورش مییابد بشیر او منقول است از کتاب
فردوس که گفت عمر بن سلمه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که حق سبحانه
حیا را ده بخش کرده است نه بخش بزنان داده است و یک بخش بمردان
و اگر چنین نبودی [illegible] زنان در زیر مردان همچنانکه [illegible]
ماده در زیر چهارپایان نر دیگر گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که زنان را از وقت آبستن شدن تا زائیدن و از زائیدن تا از شیر باز
کردن فرزند ثوابست برابر آنکسی که همیشه باشد در جهاد و غزو
در راه خدا تعالی و اگر در میان این مدت بمیرند ثواب شهید خواهد
و دیگر گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که بخشنده تر از رحم
هست مگر رحم زنان ولیکن رحم ایشان در ازگونه است دیگر گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله هرگاه زن زائیدن باید که اول چیزی که
بخورد خرمای تر باشد و اگر خرمای تر نباشد خرمای خشک بخورد بدرستیکه
که اگر چیزی بهتر از آن بودی خدا تعالی مریم را دادی در وقتی که زائید حضرت

عیسی را علیه السلام و در روایت از امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت
که رسول خدا صلی الله علیه و آله که زنا مکنید بدرستی که لذت زنان شما بعید از زنان
خود و پرهیزکاری کنید تا آنکه پرهیزکاری کنند زنان شما بدرستی که فلان
قوم مردان ایشان زنا کردند پس زنان ایشان نیز کردند و در روایت
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که حلال نیست زن را خواب کردن تا آنکه عرض
کند نفس خود را بر شوهر خود یا بطرزی که برهنه شود و برود با او در زیر لحاف
و بچسباند بدن خود را ببدن او پس گاه چنین کند عرض نفس خود را بر شوهر نموده
و در روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که هر مردی را که جای
داده باشد حرام گردانیده است خدای تعالی بهشت را بر او چنانکه بهشت
یعنی بهشت نخواهد یافت و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که
آنکسی که ببوسد پسری را بشهوت خدای تعالی در روز قیامت لگام از آتش
در دهن او کند و در روایت از امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت
که هر گاه که رغبت کنید از روی شهوت با مکنید خدای تعالی دهد باد
شهوت زنان و در روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
که خدای تعالی گردانیده است شهوت ایشان و شهوت
در ایشان و در روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
که نکاح کنید ... که شراب میخورد بدرستی که قطع

کرده است میان خود و دختر خود و منقول است از کتاب فردوس که گفت امام
جعفر صادق علیه السلام که دوک در دست زن صالح بهتر از شمشیر است در دست
کسی که بیاده جهاد کند در راه خدای تعالی و در روایت از امام جعفر صادق علیه
السلام که بفرمایید زنان خود را که بر چرخ بنشینند بدرستی که بهتر است ایشان را
و بیشتر زینت میدهد ایشان را و در روایت از انس که گفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله که هیچ کار مکنید شما تا آنکه مشورت کنید بمردی و اگر
مردی نیابید باید که مشورت کنید بزنان و آنچه که زن بگوید خلاف آن کنید بدرستی
که در مخالفت کردن بزنان برکت است و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که خوب مشغولیت چرخ ریسیدن زنان صالحه و نیز گفت رسول خدا
صلی الله علیه و آله که حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام غیرت داشت و غیرت
من زیاده است از غیرت او و خدای تعالی خوار و زار و ذلیل گرداند مؤمنی را
که غیرت ندارد و در روایت از امام محمد باقر علیه السلام که گفت که غیرت
زنان حسد است و حسد اصل کفر است بدرستی که زنان هر گاه غیرت
میکنند در غضب میشوند هر گاه آن زنان مسلمانان باشند و در روایت
جابر که امام محمد باقر علیه السلام گفت که بحقیکه خدای تعالی بزنان غیرت نداد
و غیرت را مخصوص مردان گردانیده بجهت آنکه خدای تعالی حلال گردانیده است
بر مردان چهار زن آزاد و از کنیزان آنچه مالک شوند و حلال نکرده بر زنان

مگر یک شوهر را پس اگر نیستند مانند با شوهر خود از روی عزت نزد ... کنند است

و عزت ندارند و تفاخر میکنند در روایت از محمد بن اسمعیل بن بزیع

که گفت که پرسیدم امام رضا را علیه السلام از رو بر کشیدن زنان از مردان

که حج کرده باشند با ایشان از آنحضرت گفت که این نوع مردان نیز

نزد حضرت ابوالحسن علیه السلام رسانیدم روی خود را برکشیدن

گفتم که آن مردان آزاد بودند گفت بلی گفتم اگر آزاد باشند زنان روی

از ایشان بپوشند گفت بلی باب نهم در بیان آداب سفر و آنچه لایق

اوست و درین باب هشت فصل است و آنچه مذکور است درین باب

منقول است از کتاب من لا یحضره الفقیه و از کتاب مجموع الاداب

که از تصنیفات سید بن طاوس است رحمه الله فصل اول در بیان سعد

کردن و اوقاتی که نیکوست و اوقاتی که سعد است روایت کرده است

عمرو بن ابی المقدام از ابی عبدالله که گفت که مذکور است در حکمت

آل داود علیه السلام که باید که عاقل سفر نکند مگر برای سه چیز از

توشه راه آخرت و کارسازی معاش و لذت نفس در غیر حرام

و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که سفر کنید تا صحت یابید و جهاد

کنید تا غنیمت بگیرید و حج کنید تا غنی و مالدار شوید و بسند دیگر گفت

حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که سفر کنید بدرستی که اگر مال

سعد ایام سفر

حاصل

حاصل نکنید از سفر عقل شما کامل میشود و گفت امیرالمؤمنین صلوات

الله علیه که سفر میزان قوم است یعنی مردم را بسفر میتوان سنجید

و نیک و بد ایشان در سفر میتوان یافت در روایت از ابی عبدالله علیه السلام

که گفت که هرگاه خدا تعالی خواهد که بنده را روزی دهد در زمینی محتاج میگرداند

بآن زمین در روایت از ابی عبدالله که گفت که آنکسی که سفر کند باید که

روز شنبه سفر کند بدرستی که اگر سنگی جدا شود از کوه در روز شنبه هر آینه

میگرداند خدا تعالی او را بجای خود و آنکسی که حاجت او بر او دشوار شود باید که

طلب حاجت کند در روز سه شنبه بدرستی که روز سه شنبه روزی است

که نرم کرده است خدا تعالی در آن آهن را برای داود علیه السلام روایت

کرده ابراهیم بن ابی یحیی مدائنی از ابی عبدالله که گفت که باکی نیست در

شب جمعه بسفر رفتن در روایت از ابی جعفر که گفت رسول خدا

صلی الله علیه و آله سفر میکرد در روز پنجشنبه و گفت که روز پنجشنبه

روزیست که دوست میدارد خدا و رسول و لشکرهای او این روز را

در روایت از انس که گفت که دوست‌ترین روزها نزد رسول خدا

صلی الله علیه و آله برای سفر کردن روز جمعه بود و آنحضرت چون میخواست

که سفر کند جایی پنهان میداشت و چنان میکرد که مردمان گمان میبردند که

بجانب دیگر میرود در روایت است که نرفت بعضی از بغدادیان

بابوالحسن دویم که چون است سفر کردن در روز چهارشنبه حضرت امام رضی الله
عنه در جواب نوشت که آنکه سفر کند در روز چهارشنبه بجهة مخالفت
نسبتاً بآنکه فال بد میزنند در روز چهارشنبه از همه بیدانند نگاه داشته
شود از آفتی و عافیت یابد از هر بلائی و برآورد خدا تعالی حاجت او را اکنه
و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که بر شما باد که سیر کنید در سفر
بدرستی که زمین در نوردیده میشود در شب و زود قطع میشود مسافت
و در روایت از ابا عبدالله علیه السلام که گفت که زمین در نوردیده
میشود در آخر شب و در روایت از ابا عبدالله علیه السلام که گفت
که بیرون مروید در روز جمعه بجهة آنکه حاجت خواهید پس هرگاه روز شنبه
شود و آفتاب برآید بیرون روید بجهة حاجت خود و در روایت
که پرسید ابو ایوب خراز از ابا عبدالله علیه الرحمه از تفسیر قول
خدا تعالی که فاذا قضیت الصلوٰة فانتشروا فی الارض و ابتغوا من فضل
حضرت امام علیه السلام فرمود که مراد از صلوٰة در آیه روز جمعه است
و مراد از انتشار روز شنبه است یعنی آیه اینست که پس چون
گذارده شود نماز جمعه پراکنده شوید در زمین بجهة مهمات خود و بجوئید
از فضل خدا تعالی حاجتهای خود را و در روایت از امام جعفر صادق علیه
السلام که گفت که پرهیز کنید از سفر کردن در روز سیوم یا چهارم و بیست و یکم

و بیست و پنجم

و بیست و پنجم ماه بدرستی که این ایام نحس است و منقولست از کتاب
عیون الاخبار که روایت کرده اند از امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه که گفت
روز شنبه روز مکر و فریب است و روز یکشنبه روز غرس کردن و بنا کردن
است و روز دوشنبه روز سفر و طلب حاجت است و روز سه شنبه روز
جنگ و خونریزیست و روز چهارشنبه شوم است و روزیست که بآن فال بد
میکنند مردمان خود را از آن روز و روز پنجشنبه روز یمن است نزد امرا
و حکام روز برآوردن حاجت است و روز جمعه روز خطبه و نکاح است و در روایت
از ابو ایوب خراز که گفت که میخواستم که بسفری که بروم پس آمدم که
سلام کنم ابا عبدالله را علیه السلام آنحضرت گفت که کدام روز که شما میخواهید
برگشتن را در روز دوشنبه گفتم بلی گفت کدام روز شوم تر است از روز
دوشنبه این روزیست که حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله از دنیا
رحلت فرموده اند و درین روز وحی منقطع شد از ما باید که سفر کنید
در روز دوشنبه و سفر کنید در روز سه شنبه و در روایت از ابا
عبدالله علیه السلام که گفت که آنکسی که سفر کند یا نکاح کند و قمر در عقرب
باشد نیکوئی نبیند از آن سفر و نکاح و در روایت که گفت عبدالملک
بن اعین که گفتم با ابا عبدالله علیه السلام که من مبتلا شده ام بعلم نجوم
پس اگر اراده بر حاجتی میکنم نظر میکنم در طالع وقت و میبینم که طالع نیک

باید اگر بد است ترک آن کار میکنم و در آن وقت بطلب حاجت بمردم
اگر نیکست بطلب آن حاجت میروم پس گفت ابو عبدالله علیه السلام
عمل که عمل میکنی با تو چه بگویم گفتم بلی گفت بسوزان کتابهای نجوم خود را
در روایت که امیر المؤمنین علی علیه السلام کراهت میداشت که
کسی بسفر رود و یا نکاح کند و قمر در محاق باشد و محاق سه روز آخر ماه است
در روایت از موسی بن جعفر که گفت که هیچ چیز شوم نیست مگر
در راه الکلاغی که بانگ کند از جانب راست و یا آنکه کند دم خود را
دیگری که بانگ کند در روی او بالای دم خود نشسته باشد بانگ
کند و بعد از آن خود را بلند و پست کند سه بار و آهوی که از جانب راست
مسافر بیاید و بجانب چپ برود و بومی که فریاد کند در خانه که گوش
و صاحب خانه با لب او در آید باشد پس اگر یکی از اینها پیش او آید
و در خاطر او وسوسه پیدا شود باید که بگوید اعتصمت بک یا رب من شر ما
اجد فی نفسی فاعصمنی من ذلک گفت امام موسی بن جعفر علیهما السلام
که هر که این دعا را بخواند هیچ گاه ضرر نمیشود از شامت اینها در روایت
از حلبی که گفت که پرسیدم از ابا عبدالله علیه السلام که آیا مکروه است
سفر کردن روزی از روزهای که مردم مکروه میدارند آن روز را چون
روز چهارشنبه و غیر آن آنحضرت امام علیه السلام گفت که هر گاه خواهی

که سفر کنی ابتدا کن بصدقه و آیة الکرسی بخوان و هر روز که میخواهی سفر کنی
در روایت از ابا عبدالله علیه السلام که گفت که اگر مردی پیاده بحج
برود و سوره انا انزلناه بخواند از پیاده رفتن مشقت نیابد و گفت حضرت
امام علیه السلام که آنکس که انا انزلناه بخواند در وقت سوار شدن مرکب
از آن چهارپا سالم و آسوده در روایت که خواننده انا انزلناه
نرسد بر چهارپای از آسیب چهارپای عاج است در دست او
انداخت او را گفت که شتری که بر وی سوار شده باشد و حیف نیست که
رفته باشد میکرد و چهارپایان اینست در روایت از ابو جعفر صادق
علیه السلام که اگر چیزی جنت میکرد قضا و قدر را هر آینه میگفتم که سوره
انا انزلناه بخوانند در وقت سفر کردن یا از منزل خود بیرون رفتن
زود باز میگردد انشاء الله تعالی فصل دویم در ابتدا کردن سفر
بصدقه و غیر آن در بیان صدقه در روایت از عبد الرحمن بن حجاج از ابا
عبدالله علیه السلام که گفت که میخواهی سفر کنی صدقه بده و هر روز که میخواهی
سفر کنی در روایت که گفت حماد بن عثمان که گفتم با ابا عبدالله
علیه السلام که آیا مکروه است سفر کردن در روزی از روزهای که مکروه
میدارند مانند روز اول ماه و روز چهارشنبه و غیر آن آنحضرت گفت که
اول صدقه بده بعد از آن هر روز که میخواهی بیرون رو بسفر و آیة الکرسی

بخوانند و حجامت کن هرگاه خواهی و در حدیث از ابا عمیر که گفت که مبتلا شدم
علم نجوم و طالع وقت را نظر میکردم و در آن هرگاه میخواستم که کاری بکنم
و دغدغه در خاطر من پیدا میشد پس شکایت کردم از این جهت نزد ابو الحسن
موسی بن جعفر علیهما السلام آنحضرت که وقتی که واقع شود دغدغه
در خاطر تو تصدق بکن بر اول مسکینی که بتو برسد و دیگر آن کار بکن بدرستی
که خدا سبحانه دفع میکند بدی را از تو و در روایت از کتاب محاسن که [illegible]
بن سلیمان روایت کرده است از امام محمد باقر یا امام جعفر صادق علیهما
السلام که گفت که پدرم در وقتی که سفر میرفت در روز چهارشنبه یا [illegible]
که هر دو مکروه میدارند آنرا بجهت بودن قمر در محاق و غیر آن صدقه
میداد و بعد از آن بیرون میرفت و در حدیث از محمد بن مسلم که گفت
با ابا عبد الله علیه السلام که هرگاه بخواهد کسی که بسفری رود و مال
خود باید که طلب سلامتی کند از خدا سبحانه بصدقه دادن با نجم میسر شود
در وقتی که سوار میشود و هرگاه بسلامت داد خدا سبحانه او را باز گرداند
باید که حمد بگوید دست شود و شکر خدا سبحانه بجای آورد و تصدق کن با نجم
میسر شود و در حدیث از ابا عبد الله علیه السلام که گفت که وقتی که اراده
کنی سفر پس طلب کن سلامتی را از پروردگار خود بتصدق دادن و بگو
اللهم انی اریدک سفر [illegible] اشتریت سلامتی [illegible] بهذا

او و او را از گناه او گذاشت که تعلیق کند آنجا که میرود و مطلوب کسی دارد
که یکی صدقه را بهر کس که صلاحیت دارد بدهد در وقتی که برسد بجای
که مقصود تست پس صدقه بده بجهت آنکه مقصود برسد و در حدیث از
عصا مشغولست از کتاب فردوس که روایت کرده است انس بن مالک
که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که [illegible] که بگیرید بدست
خود عصائی که باشد از درخت [illegible] باشد که [illegible] در وقتی که [illegible]
و بیرون آورید با دوات [illegible] آن [illegible]
با آن مار و [illegible] خود بجانب قبله [illegible] در صحرا در وقت نماز
و در حدیث از انس که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم و آله که
راه رفتن با عصا از تو ضعیفست و [illegible] از برای او هر کاری که بر
هزار [illegible] هزار درهم و در حدیث امیر المومنین علی
علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و سلم و آله که [illegible] بیرون رود
بسفری و باید عصائی با او باشد و [illegible] بلغاه مدین
قال عسی ربی ان یهدینی سواء السبیل و لما ورد ماء مدین وجد علیه امة
من الناس یسقون و وجد من دونهم امرأتین تذودان قال ما خطبکما
قالتا لا نسقی حتی یصدر الرعاء و ابونا شیخ کبیر قالت احدیهما یا ابت استاجره
ان خیر من استاجرت القوی الامین قال انی ارید ان انکحک احدی

ابقی علی ان ناصح سوء شمایلی و ح فان اسمعت عن الفحی عندک دعاء ارباب
استی سیدنا انشاء الله من الصالحین اجتنب کرد اند خدا سبحانه او را از
شر هر دو زنده که ضرر رسانیده و هر دردی و درد گزنده تا در دستی که باز گردد بمنزل
خود و نیز گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که حضرت رسالت پناه صلی
الله علیه وسلم را که فرمود که کسی که عصا بدست بگیرد و در سفر رود از در دست
شیطان نزدیک او نشود و نیز گفت حضرت رسالت پناه صلی الله
علیه وسلم را که کسی که میخواهد که در سفر دیده شود برای او زمین دور راه
روشن باید که عصای تلخ بادام بدست بگیرد در بیان تحت الحنک بستن
بطرف دستار منقولست از کتاب ثواب الاعمال که گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که من ضامنم کسی را که بیرون رود از منزل خود
و تحت الحنک بسته باشد بطرف دستار که بسلامت باز گردد باهل خود
روایتست از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت کسی
که بیرون رود بسفری و تحت الحنک نبندد بطرف دستار و برسد باو المی
و دردی که دوا نداشته باشد باید که ملامت نکند مگر خود را روایتست
از ابو الحسن علیه السلام که گفت که من ضامنم کسی را که بیرون رود بسفری
و تحت الحنک بسته باشد و طرف دستار که دزد و مار نرسد و غرق نشود و نه
فصل چهارم در بیان آنچه سنت است بجا آوردن در وقت

بیرون

بیرون رفتن بسفر و بیان نماز در وقت بیرون رفتن بسفر و گفت
رسول خدا صلی الله علیه وسلم و آله که کسی که بسفر میرود بگذارد برای اهل خود
چیزی که فاضلتر باشد از دو رکعت نماز و باید که بگوید در محل وداع کردن
اللهم انی استودعک الیوم دینی و نفسی و مالی و اهلی و ولدی و جیرانی
و اهل حزانتی الشاهد منا والغائب و جمیع ما انعمت به علی اللهم احفظنا
فی کنفک و سلطانک و عبادک و عز جارک و جل ثناءک و لا اله غیرک
و لا اله غیرک توکلت علی الحی الذی لا یموت الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا
و لم یکن له ... الله اکبر کبیرا و الحمد لله کثیرا و سبحان الله بکرة و اصیلا منقولست
که ابو جعفر علیه السلام چون میخواست که بسفری رود جمع میکرد عیالان خود را
در خانه و بعد از آن دعایی که گذشت میخواند و روایتست از صباح الحذاء که گفت
که شنیدم از موسی بن جعفر علیهما السلام که میگفت که هرگاه که خواهید بسفر
... باید که بایستند بر در سرای خود برابر آنجایی که متوجه باید بودن پس
بگویند فاتحة الکتاب بخوانند در جانب پیش خود یکبار و یکبار در جانب دیگر
فاتحه بخوانند و جانب راست ... و بگویند ... بخوانند و جانب چپ خود
... و آیة الکرسی را نیز باین طریق بخوانند و بعد از آن بگویند اللهم احفظنی
و احفظ ما معی و سلمنی و سلم ما معی و بلغنی و بلغ ما معی ببلاغک الحسن هر کسی که چنین کند
نگاه میدارد خدای تعالی او را و آنچه با او همراهست و بسلامت میرساند او را و آنچه با او همراهست

بخیر بیا که مقصود حاصلست بعد از آن گفت موسی بن جعفر علیه السلام
که ای صباح آیا ندیدی که چگونه رشته سفر در مروی و آنچه باد رسیت چنانچه بنشسته
وا آمرد بسلامت باشد و آنچه باد رسیت بسلامت باشد و ابن سد با انجا
که میخواهد گفتم فدایت گردم بلی دیدم و در حدیث که امام جعفر صادق علیه السلام
وقتی که میخواست که بسفری برود میگفت اللهم اخل سبیلنا واحسن سیرنا
واعظم عافیتنا و در حدیث از امام رضا علیه السلام که گفت که وقتی که
بیرون میروی از منزل خود در سفر یا در حضر بگو بسم الله امنت بالله
توکلت علی الله ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله پس اگر چنین کنی
برخورند فرشتها بروی او و گویند شیطان که نزد او سی نیست بروح پلیده
اکنون بسم الله گفته است و ایمان آورده است بخدا تعالی و توکل کرده است
بر ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله و در حدیث از ابو جعفر علیه السلام که گفت
کالکسی که بگوید در وقت بیرون رفتن از منزل خود که اعوذ بما عاذت
عاذات به ملائکة الله من شر هذا الیوم و من شر الشیاطین و من شر من نصب
لاولیاء الله من شر الجن والانس ومن شر السباع والهوام ومن شر ارتکاب
المحارم کلها اجر نفسی بالله من کل شیء بیامرزد خدا تعالی او را و قبول
کند توبه او را و کفایت کند مهمات او را و نگاه دارد او را از مکروهات
و از کردن فعلهای ناشایسته و در حدیث که ابو عبدالله علیه السلام

هرگاه که بسفر میرفت میگفت اللهم احفظ ما یعنی وبلغ بلاغک الحسن بالسبیل
و بالله استفتح و بمحمد صلی الله علیه وسلم و آله اتوجه اللهم سهل لی کل حزونة وذلل لی
کل صعوبة واعطنی من الخیر کله اکثر مما ارجو واصرف عنی من الشر اکثر مما احذر
عافیة یا ارحم الراحمین و دعای دیگر اسئل الذی بیده مقادیر و حمل و سمع اقوات الملائکة
ان تهب لنا فی سفرنا امننا وایماننا وسلامة فی ابداننا و دیننا و ذو فیها و دنیا که
وبالله و شکرا عافیة و مغفرة عجلا البلاد و دنیا و در حدیث از ابا عبدالله
علیه السلام که گفت که هر کسی که وقت بیرون رفتن از منزل خود بگوید الله اکبر
الله اکبر بسم الله دخلت و بسم الله خرجت و علی الله توکلت و لا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد و آله اللهم افتح لی وجهی هذا الخیر اللهم
اعوذ بک من شر نفسی و من شر غیری و من شر دابة انت اخذ بناصیتها ان ربی
علی صراط مستقیم خدا تعالی ضامنست که بسلامت وا رود او را تا آنکه باز گردد
بمنزل خود و گفت ابو عبدالله علیه السلام که بعد از آن خواند این دعا را که مذکور
شد بگوید توکلت علی الله ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله اللهم انی اسئلک
خیر ما خرجت له و اعوذ بک من شر ما خرجت له اللهم اوسع علی من فضلک
واتمم علی نعمتک واجعل رغبتی فیما عندک و توفنی فی سبیلک وعلی ملتک
و ملة رسولک بعد از آن آیة الکرسی بخواند و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ
برب الناس بخواند و بعد از آن سه مرتبه قل هو الله بخواند و بجانب پیش

خود بدمد و بجنوب و دیگر بخواند و بالای سر خود بدمد و سه نوبت دیگر بخواند و بجانب
چپ خود بدمد و توکل کند بر خدای تعالی و بگوید که حضرت رسالت پناه صلی الله
علیه و سلم و آله میخوانده وقتی که بسفر میرفت و شب نزدیک بود یا ارض ربی و
ربک الله و اعوذ بالله من شرک و شر ما فیک و سوء ما دب علیک و اعوذ
بالله من اسد و اسود و من شر الحیة والعقرب و من شر ساکن البلد و من والد
و ما ولد اللهم رب السموات السبع و ما اظللن و رب الارضین السبع و ما
اقللن و رب الریاح و ما ذرین و رب الشیاطین و ما اضللن اسئلک ان
تصلی علی محمد و اسئلک خیر هذه اللیلة و خیر هذا الیوم و خیر هذا الشهر و خیر هذا البلد
و اهله و خیر هذه القریة و اهلها و خیر ما فیها و اعوذ بالله من شرها و شر ما فیها
و شر کل دابة ربی آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم [illegible]
آنچه باید گفت در وقت سوار شدن [illegible] که امام جعفر
صادق علیه السلام وقتی که پای خود را در رکاب مینهاد سبحان الله
الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین و هفت نوبت سبحان الله میگفت و هفت
نوبت الحمد لله و هفت نوبت لا اله الا الله [illegible] از اصبغ بن نباته
که گفت که گرفتم رکاب امیر المؤمنین علی را علیه السلام وقتی که آنحضرت
میخواست که سوار شود پس آنحضرت سر خود را برداشت متوجه آسمان
شد تبسم کرد گفتم یا امیر المؤمنین دیدم ترا که سر خود را برداشتی متوجه

شد تبسم

شد تبسم کرد گفتم بر داشتی و تبسم کردی سبب این چیست آنحضرت
ای اصبغ من گرفتم رکاب آنحضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و سلم و آله همچنانکه
تو گرفتی رکاب مرا پس آنحضرت سر خود را برداشت و متوجه آسمان
شد و تبسم کرد پرسیدم ازان حضرت همچنانکه تو پرسیدی از من روا شد
که خبر دهم ترا آنچه خبر داد بمن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم و آله پس
گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که گرفتم رکاب حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و سلم و آله وقتی که سوار میشد بر استر سفید پس آنحضرت سر خود را برداشت و متوجه
آسمان شد و تبسم کرد گفتم یا رسول الله سبب این چه بود آنحضرت گفت
ما علی هر کس که سوار شود بر چهارپایی که خدای تعالی باو داده است و بعد ازان
بخواند آیه سخره را که آن ان ربکم الله الذی خلق السموات فی ستة ایام ثم استوی
علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات
بامره الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین ادعوا ربکم تضرعا و خفیة انه لا
المعتدین و لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا و طمعا ان رحمة الله
قریب من المحسنین و بعد ازان بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم
و اتوب الیه اللهم اغفر لی ذنوبی انه لا یغفر الذنوب جمیعا الا انت حضرت
حق سبحانه و تعالی بگوید که ای فرشتگان من میدانید بنده من که غیر از من دیگری از
گناهان عذر خواه نیست گواه باشید که آمرزیدم گناهان او را [illegible] از امام رضا علیه السلام

که گفت رسول خدا صلی الله علیه وسلم وآله که وقتی که سوار شود بر چهارپایی
و بسم الله بگوید در عقب او سوار شود فرشته و نگاه میدارد او را
تا آنکه فرود آید بمنزل خود و اگر سوار شود و بسم الله نگوید شیطان
در عقب او سوار شود و میگوید با او که خوانندگی بکن پس اگر گوید که نیکو نمیدانم
گوید شیطان بگو بدیها و که آرزو کن پس همیشه در آرزوی باطل
کند تا وقت فرود آمدن بمنزل [illegible] حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم وآله
که هر کسی که در وقت سوار شدن بگوید بسم الله لا حول ولا قوة الا بالله
والحمد لله الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین نگاه داشته شود او و چهارپای
او تا وقت فرود آمدن بمنزل از جمیع بلاها [illegible] دیگر آمده است
که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم وآله که وقت سوار شدن چه باید گفت
که الحمد لله الذی هدانا للاسلام وعلمنا القرآن ومن علینا بمحمد صلی الله علیه
وآله سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون
والحمد لله رب العالمین اللهم انت الحامل علی الظهر والمستعان علی الامر
وانت الصاحب فی السفر والخلیفة فی الاهل والمال والولد اللهم انت
عضدی وناصری وبک [illegible] بحول الله وقوته
بغیر حول منی ولا قوة بحول الله وقوته بغیر حول منی برئت الیه
من الحول والقوة اللهم انی اسالک برکة سفری هذا وبرکة اهله اللهم

اللهم انی اسالک برکة سفری هذا وبرکة اهله اللهم اسالک من فضلک
الواسع رزقا حلالا طیبا تسوقه الی وانا خافض فی عافیة بقوتک وقدرتک اللهم انی
سرت فی سفری هذا بلا ثقة منی بغیرک ولا رجاء لسواک فارزقنی فی ذلک
شکرک وعافیتک ووفقنی بطاعتک وعبادتک حتی ترضی وبعد الرضا
[illegible] مشایعت کردن در حدیث که مشایعت کرد رسول خدا
صلی الله علیه وآله جعفر طیار را رحمة الله علیه در وقتی که میفرستاد رسول
خدا بجانب حبشه آنحضرت این کلمات را خواند و نوشت برای او ساخت
این کلمات را تا در راه سلامت باشد که اللهم الطف فی تیسیر کل عسیر فان
تیسیر العسیر علیک یسیر اسالک الیسر والمعافات فی الدنیا والآخرة [illegible]
که وداع کرد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم مردی را گفت زودک الله التقوی
وغفر ذنبک ولقاک الخیر حیث کنت که چون مشایعت کرد امیر المؤمنین
علی علیه السلام ابوذر غفاری را رحمة الله علیه و مشایعت کردند ابوذر
را امام حسن و امام حسین علیهما السلام و عقیل بن ابی طالب و عبد الله
بن جعفر و عمار بن یاسر نیز گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که وداع
کنید برادر خود را از آنکه ناچار است مسافر را که برود و البته
که مشایعت میکنید که بازگردد و که رحمت کنید خدا [illegible] ای ابوذر
که قوم خوار کرده اند ترا [illegible] از ایشان و بر خود [illegible]

ایشان نشندی پس ایشان باز داشتند از تو دنیای خود را پس محتاج
اندیشان بآن چیزی که باز داشتند از ایشان و چه عجب دنیا بیاری تو را که
باز داشتن ایشان از تو پس او در گفت که رحمه خدا بر شما باد ای اهل
بیت پیغمبر راستی که از خواری خود با شما نداریم غمی شما دادیم و هرا اندوهی
نیست در دنیا عزا از اندوه شما دراستی که بدرگاه باد حکم شما را پس شما از حکم
رسول خدا صلی الله علیه و آله و در حدیث که رسول خدا صلی الله علیه و آله
وقتی که وداع میکرد مومنی را میگفت زودک الله التقوی و وجهک الی کل خیر
وقضی لکم کل حاجة وسلم لکم دینکم ودنیاکم سالمین و در حدیث از ابا
جعفر علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم و آله هرگاه که وداع میکرد
مسافری را دست میگرفت و بعد از آن میگفت احسن الله لک الصحابة
واکمل لک المعونة وسهل لک الحزونة وقرب لک البعید وکفاک
المهم واحفظ لک دینک وامانتک وخواتیم عملک ووجهک لکل خیر علیک بتقوی
الله استودع الله نفسک خیر علی برکة الله عز وجل و در حدیث
که هر کسی که خواهد که وداع کند کسی را باید که بگوید استودع الله دینک
وخواتیم عملک احسن الله لک الصحابة واعظم لک العافیة وقضی
لک الحاجة وزودک التقوی ووجهک الخیر و توجهک و ردک سالما
غانما و در حدیث از کتاب محاسن که گفت امام جعفر صادق علیه السلام

که وداع

که وداع کرد رسول خدا صلی الله علیه وسلم و آله مردی را پس گفت یا مرد که سلمک الله
وغنمک **فصل چهارم** در بیان اخلاق نیکو در سفر و در بیان صحبت
داشتن در سفر و نگاه داشتن حقوق طلب کردن رفیق
از ابا ربیع الشامی که گفت که بودم نزد ابا عبدالله علیه السلام در خانه
و آن خانه پر بود از فرزندان و خویشان آنحضرت پس گفت آنحضرت
شمار نیست با ما نیست کسی که نیک صحبت ندارد با مصاحبان خود و نیک
همراهی نکند با رفیقان خود و نیک چیزی نخورد با کسی که چیز میخورد و نیک
حلم نکند با کسی که خویش حلم میکند با او و در حدیث از ابا عبد الله
علیه السلام که گفت که بدرستی که اعتمادی ندارد آنکسی که مقدار
نصیب دارد و سه خصلت ندارد حلمی که خویش حلم کند بیاران
و حلمی که نگاه دارد غضب او را و ورعی که بر میدارد از کاری که نگاه دارد او را
از آن چیزی که حرام کرده خداوند است و در حدیث از ابا عبدالله علیه السلام
که گفت که مروت نیست که جز و هد مروی با آنچیزی که پیش اوست ای زاد
در سفر از چیز دیگر و در حدیث از اعاذ بن مروان که گفت شنیدم
ابو عبدالله علیه السلام که وصیت میکنم ترا در هر کاری و ادای
امانت و راست گفتن و نیک صحبت داشتن با کسی که مصاحب
تست در سفر و در حدیث که گفت ابو بصیر که گفتم با امام جعفر صادق علیه السلام

که چون کسی اگر مردی با کسی بسوی بیرون رود که اندک مالی داشته
باشد با کسی که مالدار باشد پس ایشان بیرون آورند توشه خود را
و اگر در غذا و در نیاز که بیرون آورد در توشه مثل ایشان حضرت امام
علیه السلام که دوست ندارم که خوار کرداند مردی خود را باید که با کسی
بیرون رود با کسی که مثل او باشد در مال و در روایتست از ابا جعفر علیه
السلام که گفت که با کسی که اختلاط کنی قدرت داری که زیاد نفقه بکنی
چنین کن و در روایتست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم روایت که گفت
که اول رفیق پیدا کن و بعد از آن سفر کن و در روایتست از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه اگر دو کس با یکدیگر مصاحبت میکنند آنکه کسی که ملایمتر
او بیشتر است با مصاحب خود ثواب او بیشتر است و خدای او را
دوست میدارد و گفت امیرالمؤمنین علی علیه السلام که مصاحبت مکن
در سفر با کسی که ترا بهتر است از خود خداوند همین که تو او را بهتر از خود میدانی
و گفت رسول خدا صلی الله علیه وسلم را که سنت است که هرگاه
که قومی بیرون روند بسوی سفر توشه خود را بیرون آرند بدرستی که این
بهتر است از برای ایشان و در روایتست از ابا عبدالله علیه السلام که گفت
که مصاحبت کن با کسی که او از تو بهتر است باید در هم و در روایتست
از ابا عبدالله علیه السلام که گفت که کسی که شب در غار تنها باشد

شیطان

شیطان با وست و اگر دو کس باشند از جن عزم بد باشد با ایشان
و اگر سه باشند با یکدیگر انس میگیرند و در روایتست که گفت شهاب
بن عبدربه که گفتم با ابا عبدالله علیه السلام که میدانی حال مرا و توانگری
را و اینکه چیزی بسیار نفقه میکنم برای برادر خود اما مصاحبت
نکنم با جماعتی از برادران خود در راه مکه و چیزی بسیار برای ایشان صرف
نکنم حضرت امام علیه السلام گفت که چنین مکن ای شهاب بدرستی
که اگر چیزی بسیار صرف کنی و ایشان هر چیزی بسیار صرف کنند
نقصان بسیار برسد و اگر ایشان چیزی بسیار صرف نکنند خواری
با ایشان راه بیابد پس مصاحبت کن جنس خود را که مانند تو باشند
در توانگری و گفت ابو جعفر علیه السلام که وقتی که خواهی که با کسی
مصاحبت کنی با کسی کن مثل تو باشند در توانگری و مصاحبت کن با هیچ
که مرتبت تو بر او باشد بدرستی که این نوع مصاحبت خواری میشود
و گفت رسول خدا صلی الله علیه اگر که بهترین مصاحبان نزد خدا اصحاب
انست که چهار کس با یکدیگر مصاحبت کنند و قومی که زیاده از هفت
باشند بسیار شوند و او از و گفت که بر ایشان و گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که حقیقت مسافر اگر سه باشند برای برادر خود
وقتی که بیمار شود در راه و در روایتست از امام جعفر صادق علیه السلام

که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم [و آله] فرمود که هیچ دوستی نزد
خدا بهتر از تعفف کردن که نه بسیار باشد و نه اندک و مشتهی میدارد خدا اسعاف را
مگر از حج و عمره دیگر حضرت رسالت پناه صلی الله علیه [و آله] گفت اگر در سفر که
بدترین مردمان آنکسی که بد خلق باشد و بهمسایه خود بد سلوک کند
در سفر باید که در راه مصاحبت و همراهی نکند دیگر در حدیث از حلبی که
گفت پرسیدم امام جعفر صادق را علیه السلام از قومی که مصاحبت
میکنند با یکدیگر در میان ایشان بعضی توانگر باشند و بعضی توانگر نباشند
که با هم نفقه کنند توانگر و غیر توانگر حضرت امام علیه السلام گفت که میل الکر
[illegible] نشود عزیز آنکه با ایشان نفقه کردن دیگر حضرت پیغمبر صلی الله
علیه وسلم [و آله] گفت که بهترین قوم آنکسی است که خدمت با ایشان کند در سفر
دیگر حدیث از کتاب شرف النبی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه [و آله]
در یکی از اصحاب خود در سفری که گوسفندی بکشند پس یکی
از اصحاب گفت که پوست کندن با من و دیگری گفت که قطع با من
گفت که پختن با من حضرت رسالت پناه گفت که جمع هیزم با من از برای
اصحاب گفتند یا رسول الله شما تنشینید ما میکنیم پدران و مادران
ما فدای تو باد این خدمت را احتیاج نیست آنحضرت گفت میدانم که شما میکنید
اینها کارها را ولیکن خدا این را مکروه میدارد از بنده خود که با یاران خود باشد

و ایشان همه کاری کنند و او هیچ کاری نکند پس آنحضرت جمع
هیزم جمع میکرد و برای ایشان در بیان آداب مسافر در روایت
که رسول خدا صلی الله علیه [و آله] وسلم وقتی که سفر میکرد با خود شانه و مسواک
و سرمه‌دان بر میداشت و در روایت کرده است حماد بن عیسی از ابی
عبدالله علیه السلام که گفت لقمان حکیم به پسر خود که سفر کنی با جماعتی
بسیار مشورت کن با ایشان در کار خود و در کار ایشان و بسیار تبسم کن
در روی ایشان و توشه خود را با ایشان و هرگاه که ترا طلب کنند
قبول کن و هرگاه ایشان طلب یاری کنند از تو یاری کن ایشان را و در سه چیز بسیار
خاموش باش و بسیار نماز بگذار و سخاوت کن با آنچه داری از چهارپا و آنچه
و توشه و وقتی که طلب گواهی کنند از تو گواهی بده از برای ایشان
با آنچه میدانی و هرگاه مشورت کنند با تو جهد کن که آنچه خیر است
در آن با ایشان بگویی و جواب مده مشورت ایشان را تا آنکه برخیزی و بنشینی
و بخوابی و بخوری و نماز بگذاری و فکر و حکمت خود را در آن مشورت
بکار بری نصیحت باید که تامل بکنی در جواب دادن ایشان و زود جواب مده
به درستی که آنکسی که خالص نسازد نصیحت خود را برای آنکسی که مشورت کند
با او طرف کند خدا ایمان عقل و امانت او را و هرگاه ببینی که رفیقان
پیاده روند تو هم پیاده رو با ایشان و هرگاه ببینی که کار میکنند تو هم

با ایشان و شنیدن سخنی انگشتری را که بسیار از نور بکشد است و هرگاه از کار
بفرمایند و چیزی از طلب شیر ایکن و بدانکه بهترین کسی که با که گفتن بهترین بیست
و مصاحب سفر است می‌شود و هرگاه راه گم کنید در راه راست بغرمایید
و مشورت کنید و هرگاه کسی شما را بسد در راه از دور راه بپرسید و طلب
راه نمایی از او میکنید بهترین کس در شما در بیابان در سنگ انداز و مردم را
و بیا توانید بود که جاسوس دزدان باشد یا آنکه او شیطان باشد که حیران
و سرگردان کند شما را و حذر کنید که از دو مرد نیز اگر در راه بیند شوند
از ایشان آن چیزی را که من ندیده‌ام یعنی مگر آنکه از ایشان ...
صلاح ظاهر باشد بهترین کسی که عادت ... گشتم خود چیزی را ...
حق را کسی که عالم است ببینید چیزی را که غایب شده ... و ...
وقت نماز شود تا خیر مکنید از نماز بجهت آنکه چیزی در ... گذرد در نماز ...
خود را از نماز خدا بهترین کسی که نماز حق است نماز را با جماعت بگذارید و اگر
بر بالای سنگ ... نخورید اگر ... بهترین کسی که ... او رود
جراحت می‌شود و این کار ... کار یکی مگر آنکه ... در کجا ... بهترین ...
دست ... را از ... بس هرگاه ... یک شب ... از ...
خود اول ... و بعد از آن ... هرگاه ...
ابتدا شما ... در حضر ... که ... نباید و بهترین ... او رزم ...

ایشان

او بیشتر باشد از مهمان و بگوید هرگاه فرود آیی و دو رکعت نماز بکذار و بیش از آنکه
بنشینی پس هرگاه بار بکشایید که دو رکعت نماز بکن و بعد از آن و داع بکن زمینی
که فرود آمده بودی و سلام بکن بر اهل زمین و بر اهل آن زمین بدرستی که در هر قطعه
از زمین جمعی از فرشتگان ساکن‌اند و اگر قدرت داری که طعام نخوری تا آنکه
از طعام خود چیزی تصدق کنی چنین کن و بر تو باد که تسبیح بکویی مادام که سوار
بر تو باد که تسبیح بکویی مادام که کاری کرده باشی و بر تو باد که دعا کنی مادام
که تشنه باشی و بپرهیز از آنکه در اول شب راه روی و بپرهیز از خود
که بلند بگویی در وقت جماع کردن **در بیان** بخش کردن گوشت و مشورت
کردن در سفر **روایت است** که گفت رسول خدا صلی الله علیه و سلم
را که از شرف مرد است که نیکو کردن توشه خود را در سفر که بیرون
بسفر **روایت است** که علی ابن الحسین علیهما السلام رفت که مکه
هر وقت بجهت گذاردن حج و عمره توشه بهترین توشه‌ها برد و آن توشه
بادام و شکر و حلوا است **منقول است** از کتاب محاسن که گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که از مروت نیست که چیزی که از آنچه از او رسیده است در سفر
در روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله
علیه و سلم را که از شرف مرد است که نیکو کرداند توشه خود را در سفر
در روایت که رضا است ... رحمه الله علیه نزد خانه کعبه گفت

جنب سالکم پس هر دو آن کرد آورده آمد خوابود گفت که گرسنه خواهید
که گرسنه گشته خواهید البته گرسنه شده خود بسیار زید چیزی کردن صلاح شماست
او برای گرسنه آخرت که صلاح شما باشد چنانچه بسیار ند پس چه روزیست و گفت
که این امروز را شما چیزی کن چرا که این گرسنه کدام است امروز گفت که روزه دار
روزی که بسیار گرم بود تا که شاید روز قیامت سر تو آسمان گردد رنج
بلند از تا آسمان شود بر زمین کلاه که تو ... آید و در وقت مردن و بعد از آن
و در گفته که نماز بگذارد در شب برای وحشت تنهایی در قبر و سختی
چیز بگو و سخن بد البته مگو و صدقه بده بمسکینان امید است که نجات یابی و در دنیا
دانچه حاصل کنی در دنیا حصه کن یک حصه را صرف خود و عیال کن و حصه
دیگر را صرف برای آخرت و آنچه در عوض اینها صرف کنی خود می کند در نشسته
که در دنیا می کنی باید که از دو چیز بیرون نباشی یکی برای طلب حلال است
و دیگر برای آخرت و هر چه از ان می کنی چیزی می کند و نفع نمی دهد بعد از آن
ابوذر رحمة الله علیه گفت که هلاک ساعت حرام روز قیامت
که گفت لقمان حکیم پسر خود را که ای پسر دنیا دریایی است بدانکه هلاک شدند
در ان مردم بسیار پس بگردان کشتی خود را در دنیا ایمان بخدا
بادبان کشتی را توکل بر خدا و بگردان توشه خود را تقوی و بهترین کار
... بیاید ... خلاص شوی از گناهان تو خواهد بود این پسر گرسنگی

باشد و بخورد و بسیار خیر و منکر در سیم و در نفس برادر با خود
از دو اما آنچه زیاد انگشتری که با تو فایده دهد مواقف کن با مصاحبان در همه چیز
مگر در گناه و در بعضی روایات آمده است که گرسنگی با بسیار خوردن
که ذکر میکرد بدرد دان چرا خود را انداخت امام جعفر صادق پس گفت آنحضرت
که گمان بیچاره بدید که چرا خوردی بعضی و بخور ریشها نخست پس بیت ملک حرام است
و در وقت طعام داده است و آنکس است و نیکو کردن بهم کس و هر انگاه زدن
کس را بعد از آن گفت امام جعفر صادق علیه السلام که هر وقت حبیب چرا نام
گفته شد نبد با هم آنحضرت گفت که حق خدا است که هر وقت آن غیبت چرا آن
طعام بر در سرای خود نهند که هر کس بخواهد بخورد و لیکن هر وقت که در عوض
یکی را چیز و دیگری را گرسنه طعام داد در وقت خوردن خواندن است پروردگار
بسجده رفتن و گرسنگی کردن و بر آوردن حاجت برادر مومن و بیمار داری
بخادم خود مدارست که نگفت دادن بخادم خود است و هیچ ساز و در شب تا
و خوار میکرد اند و شیخ زاده او امام وقت بسیار در گرسنگی و بیمار گشته است
بهر کس که است و بیمار و برشند و در پیش آنچه در بین از مصاحبان خود
بعد از جدا شدن و بسیار عذاب کردن و هر چیزی که از خدا است در عوض نبود
و بعد از ان گفت امام جعفر صادق علیه السلام که حق انگشتری و دستار
چه در راه بسیار که خدا است در بین شب بی بعد و هر وقت است بدبختی که باز می کند

خدا اشتغال نماید خود را بقدر شش و ربع و چهار بیاید هر سفید در سجده و در ادعیه

در بیان دعاها در شستن متاع و استخاره کردن و طلب حاجت کردن

دعا در شستن متاع **روایت است** از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
که آیه الکرسی بخواند در شب در سفر و بگوید اللهم اجعل سفری و حضری
و حفظنی و اکلأنی و ذریتی و السلامة ما ذا که [illegible] **روایت است** از مسموعات
سیدنا صحیح الدین ابی البرکات مشهدی که روایت کرده است محمد بن
ابراهیم که گفت فرستاد بنزد من ابوالحسن علیه السلام از خراسان جامه
و در آن جامه اندکی خاک بود پس گفتم با آن کس که جامه آورده بود که این
چیست گفت که خاک قبر امام حسین است و گفت که هر چیزی که بکسی فرستند
از جامه و خاک امام حسین با شیء هیچ آفتی با آن چیز نرسد و محفوظ باشد باذن الله تعالی
روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که آمدند قومی
نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و گفتند که یا رسول الله ما میخواهیم
که بشام رویم بجهت تجارت تعلیم کن ما را چیزی که در راه بگوییم که نفع دهد ما را
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله امر نمود که در سفر بعد از آنکه کار کنید
بمنزل خود و نماز خفتن بگذارید پس هر گاه بخسبند بستر خود را بر جای خویش
بعد از نماز باید که تسبیح فاطمه زهرا بگوید و آن سی و چهار بار تکبیر است
و سی و سه بار الحمد لله و سی و سه بار سبحان الله و بعد از آن آیه الکرسی

بخوانند

بخوانند پس که چون چنین کنند محفوظ باشند از هر بلایی پس اصحاب
بعوض شدند با آنکه دزدی درآمدند پس دزدان فرستادند پس آنکه نظر کنند
که ایشان در خوابند از آن پس آمد بجانب ایشان و یکی از آن دزدان بطوری خود
بر سر ایشان نهاده بود و آیه الکرسی خوانده بود و تسبیح زهرا علیها السلام گفته بود
در گرد [illegible] دیواری دید و چند در گرد ایشان گردید پس هر چند نظر کرد و [illegible]
پس دزدان گفتند که هزار و سوار کردند چند اشتغال نماید پس که دزدی [illegible] همچنین
ملک [illegible] و بعد از [illegible] که ببینی که ایشان در خوابند با [illegible]
دزدان بر [illegible] شدند و نظر کردند و هیچ چیز ندیدند بار کردند و غایب شدند
آمدند چون روز شد دزدان آمدند نزد آن دو برادر و گفتند شما کجا بودید که ما
گفتند که اینجا بودیم و جای دیگر نبودیم و از اینجا دور نشدیم پس دزدان گفتند
ما شب آمدیم و در اینجا ندیدیم مگر دیواری چیزی دیدیم ما از [illegible]
گرد [illegible] که بیرون [illegible] آمدیم [illegible] نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله
و آنحضرت تعلیم کرد ما را که آیه الکرسی و تسبیح زهرا در وقت خواب بخوانند
دزدان گفتند که بروید که بحق خدا که هرگز ما در عقب شما نخواهیم بود و شما را
نخواهد رسید [illegible] دزدی بعد از این آنچه حضرت فرمود بخوانند **دعای**
استخاره از برای تجارت روایت است که گفت عبدالرحمن بن سیابه که خواستم
سالی بجانب مکه و متاع جامه بود بازار جامه کساد بود و در دل من [illegible] است

مصاحبان حج گفت شد که این متاع را بجو برد بازگردان کوفه پس جمله نفید
برای ایشان درین باب گفتم نزد امام موسی کاظم بعد از ان رسیدم عند قربان
بمکه رفتم و با آنحضرت خبر دادم آنچه مصاحبان بمن گفته بودند و گفتم فدای
کردم چه میفرمایی تا چنان کنم آنحضرت گفت قرعه بزن بنام مصر و یمن
و بعد از ان کار خود را بخدا بگذار پس هرجا که قرعه بنام شهر جابه متاع خود را
از انجا ببر گفتم فدایت گردم چگونه قرعه بزنم گفت بنویس بر پارهٔ کاغذ بسم الله
الرحمن الرحیم اللهم انت الذی لا اله الا انت عالم الغیب والشهادة
انت العالم وانت المعلم فانظر لی فی ای الامرین خیرا لی حتی اتوکل علیک فیه
واعمل به بعد از آن بنویس مصر انشاء الله بر پاره و دیگری یمن انشاء الله تعالی
و بنویس بر پارهٔ کاغذ دیگر آنچه در ان دو کاغذ پاره نوشته و بعد از ان
بنویس درین کاغذ پاره یحبس المتاع ولا یبعث الی بلد منهما و بعد از ان
دست خود را دراز کن و یکی از ان سه کاغذ پاره را بردار پس کدام بیرون
آید توکل کن بر خدای تعالی بان عمل کن که خیر تو در ان خواهد بود ان شاء الله
روایت از جعفر بن محمد بن عمر که گفت علی بن الحسین علیهما السلام
هر گاه قصد میکرد که حج یا عمره بگذارد یا بنده آزاد کند یا چیزی بخرد یا بفروشد
و دو رکعت نماز استخاره میگذارد و در هر رکعت فاتحه و سوره الرحمن
و سوره حشر میخواند چون فارغ میشد از نماز گذاردن در ... ده مرتبه

میگفت

میگفت استخیر الله و بعد از ان قل هو الله احد و بعد از ان قل اعوذ برب الناس
میخواند و بعد از ان میگفت اللهم ان کان فلان کذا تعلم انه خیر لی
فی دینی و دنیای و آخرتی فاصرف عنی رب اعزم لی علی رشدی و ان کرهت
و ابت نفسی بسم الله الرحمن الرحیم ما شاء الله لا حول و لا قوة الا
بالله حسبی الله و نعم الوکیل و بعد از آن کار میکرد روایت طلب کردن
حاجت و هرگاه که خواهی که صباح متوجه کاری شوی و اجتناب برآمد باشد
و سر صبح آفتاب شده باید که دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول فاتحه
و قل هو الله احد بخواند و در رکعت دوم فاتحه و قل یا ایها الکافرون بخواند
هر گاه سلام دهی بگو اللهم انی غدوت التمس من فضلک کما امرتنی
فارزقنی من فضلک رزقا واسعا حلالا طیبا واعطنی فیما رزقتنی العافیة
غدوت بحول الله وقوته غدوت بغیر حول منی ولا قوة ولکن بحولک
وقوتک و ابرا الیک من الحول والقوة اللهم انی اسالک برکة هذا الیوم
فبارک لی فی جمیع اموری یا ارحم الراحمین پس وقتیکه پا را بیرون میگذاری بگو اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت
بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم انی
اسالک خیرها و خیر اهلها و اعوذ بک من شرها و شر اهلها اللهم انی اعوذ بک
الفقر و سوء ... و ان اظلم او اظلم و اعتدی او یعتدی علی و اعوذ بک من

وجنوده وقسّمه الرّب والنجم حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و
هو رب العرش العظیم وهرگاه خواهی که عوض گیری هر چیزی که از تو فوت شد بگو یا حی یا قیوم یا واحد
یا رئوف یا رحیم اسئلک بقوتک و بعزتک و بقدرتک و بما احاطه علمک
ان تقسم لی من التجارة الیوم اعظمها رزقا و اعمها فضلا و خیرها لی عاقبة
و هرگاه خواهی که چیزی بخری بگو [illegible] اطلب لی فیها خیرة فاکثرنا منفعة
وخیرها عاقبة و چون چیزی بخری از متاع و غیر متاع تکبیر بگو و بگو
اللهم انی اشتریته التمس فیه من فضلک فاجعل لی فیه فضلا اللهم انی اشتریته
بگو اللهم انی اشتریته التمس فیه من رزقک فاجعل لی فیه رزقا این دعاها که مذکور
شد در طلب حاجت است فصل ششم در آداب ماه رجب و ذکر اهمیت بعضی
در سنن و دعاهای متفرقه که باید خواند فصل اول در آداب ماه
رجب روز رجب از امام جعفر صادق علیه السلام که در سنن شنیده
در ماه رجب بدرستیکه بشارت میدهد آسمان نزدیکست بشق شود
زنده تر برطرف میشود روز رجب از ابا عبدالله علیه السلام که گفت که
بشارت ماه رجب و قدر و منزلت ماه رجب [illegible] روز رجب از ابا عبد
(الله) علیه السلام که گفت که [illegible] برابر [illegible] گفتن بچهار
روز رجب که سعادت [illegible] رسید ابا عبدالله علیه السلام را از آنکه
مردی که قرض داشته باشد که [illegible] آیا حج کردن حضرت امام

علیه السلام

علیه السلام گفت که حج اسلام واجبست بر مسلمانان که طاقت داشته باشند [illegible] بیشتر کسانی
که حج میکردند با رسول الله صلی الله علیه و آله پیاده بودند روز رجب که گذشت رسول خدا صلی الله
علیه و آله بر جماعتی که از ایشان پیاده بودند پس شکایت کردند جماعتی از رنج
آنحضرت گفت که محکم ببندید بر بالای جامه پس چنان کردند و رنج و ماندگی رفت
از ایشان [illegible] روز رجب و دیگر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله دعا کرد
برای ایشان و گفت بر شما باد که بشارت بدهید [illegible] شکر کنید [illegible] از اول شب
بدرستیکه [illegible] زمین [illegible] میشود [illegible] روز رجب از ابا حمزه که گفت
که پرسیدم از ابا عبدالله علیه السلام از تفسیر قول خدای تعالی که ولله علی الناس حج
البیت من استطاع الیه سبیلا آنحضرت گفت مراد آنست که پیاده برود هر که
که مقدار [illegible] داشته باشد [illegible] پیاده [illegible] گفت [illegible] میکنند [illegible]
[illegible] که [illegible] کعبه [illegible]
که [illegible] روز رجب از امام جعفر صادق علیه السلام که آمد جماعتی از
[illegible] پیاده [illegible] رسول خدا صلی الله علیه و آله [illegible] آنحضرت گفت که
بر شما باد که بشارت [illegible] پس چنین کردند [illegible] آنحضرت [illegible] رفت از ایشان ماندگی
روز رجب از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت سؤال کرد [illegible] صلی الله علیه و آله [illegible]
علیهم [illegible] صف [illegible] جماعتی که پیاده [illegible] رسول الله و [illegible]
برای آنحضرت گفت اللهم اعظم اعظمهم اجرهم [illegible] بعد از آن گفت که [illegible]

شکسته شود بدن شما و ذره ذره و قطعها را بسوزد و بر حسب بین کرده شکسته شده بدن ایشان

و در حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که سزاوار نیست که در کنار راه بروید

کراهیت تنهایی در سفر در حدیث از ابا عبدالله علیه السلام که گفت حضرت پیغمبر

صلی الله علیه و آله که آیا خبر دهم شما را که بدترین مردمان کیست گفتند بلی یا رسول الله آنحضرت گفت

که بدترین مردمان آنکسی است که تنها سفر کند و بخل کند و بزند بنده خود را و در حدیث

از ابا عبدالله علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت با امیرالمؤمنین علی علیه السلام که یا علی تنها

بسفر مرو زیرا که شیطان با کسی است که تنهاست و از دو کس دور است و در حدیث

از امام موسی کاظم علیه السلام که گفت لعنت کرده است رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی را

که توشه خود را تنها بخورد و دوم کسی را که در خانه تنها در آن بخوابد سوم کسی را که تنها در

رود در بیابان و در حدیث از اسمعیل بن جابر که گفت که بودم نزد امام جعفر صادق

علیه السلام که در مکه آمد مردی از مدینه نزد آنحضرت پس آنحضرت گفت که بود در راه همراه تو

ثم ان الشیخ گفت که هیچکس مرا همراه نبود پس گفت امام جعفر صادق علیه السلام که اگر پیش

ازین ملاقات میبود میان من و تو آینه نیکو ادب میکردم و تعلیم ادب میدادم

ترا بعد از آن گفت که کسی که تنها باشد شیطان با او است و اگر دو کس باشند

دو شیطان با ایشان است و اگر سه کس باشند مصاحب یکدیگرند و شیطان از ایشان

با ایشان نیست و اگر چهار باشند رفیقان باشند در حدیث دعائی که باید خواند

کسی را که راه گم کرده باشد و در حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت

وقتی که راه گم کنی ندا کن و بگو یا صالح یا ابا صالح ارشدونا الی الطریق یرحمکم الله

و در روایتی که صالح موکل بر بحر است و حمزه موکل بر بر است در حدیث از امام جعفر صادق

علیه السلام که وقتی که گمراه شوید از راه شما را با کار بگوئید در حدیث از ابا عبدالله

علیه السلام که گفت که بودم با امام محمد باقر علیه السلام در سفری پس گم شد

شتر من حضرت امام علیه السلام گفت دو رکعت نماز بگذار و بعد از آن بگو

این دعا را اللهم راد الضالة رد علی ضالتی فانها من فضلک و عطائک و بعد از آن

دو رکعت نماز گذاردم این دعا را خواندم آنحضرت گفت یا ابا عبدالله سوار شو

پس سوار شدم با آنحضرت چون پاره راه رفتیم ناگاه سیاهی دیدم در راه حضرت

امام گفت یا ابا عبدالله این شتر تست پس نگاه کردم شتر خود بود در حدیث

دعائی که باید خواند در وقت فرود آمدن بمنزل در حدیث که گفت حضرت

پیغمبر صلی الله علیه و آله بحضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام که یا امیرالمؤمنین علی چون

در سفر فرود آئی بمنزل بگو اللهم انزلنی منزلا مبارکا و انت خیر المنزلین

و در روایت دیگر آمده است که اینرا نیز باید خواند و باید تا آیه الکرسی بخواند

و هب لی السلامة و العافیة فی کل وقت و حین اعوذ بکلمات الله التامات

کلها من شر ما خلق و در روایت بعد از آن دو رکعت نماز بگذارد و بگو اللهم ارزقنا

خیر هذه البقعة و اعذنا من شرها اللهم اطعمنا من جناها و اعذنا من وباها و حببنا

الی اهلها و حبب صالحی اهلها الینا و در جائی که فرود آید دو رکعت نمازی بگذارد

وطلب کن از خدای تعالی که نگاه دارد ترا و وداع کن آنچه میخواهی باید رسید که
در هر موضعی فرشتگان اند و بگو السلام علینا و علی ملائکة
الحافظین والسلام علینا و علی عباد الله الصالحین و رحمة الله
و برکاته در بیان دعائی که باید خواند در وقت بازگشتن
از سفر در روایت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم را چون
بازگشت از جنگ خیبر گفت آئبون تائبون ان شاء الله عابدون
راکعون ساجدون لربنا حامدون اللهم لک الحمد علی حفظک
ایای فی سفری و حضری اللهم اجعل اوبتی هذه مبارکة میمونة
مقرونة بتوبة نصوح توجب لی بها السعادة یا ارحم الراحمین
در بیان دعائی که باید خواند در وقت در آمدن شهری یا دهی
در روایت که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم را که امیر المؤمنین
علیه السلام را یا علی هرگاه اراده کنی شهری یا دهی در آیی بگو در وقت
در آمدن آن شهر یا ده اللهم انی اسألک خیرها و اعوذ بک من
شرها حببنا الی اهلها و حبب صالحی اهلها الینا در بیان
دعائی که باید خواند وقت راه رفتن در روایت از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت رسول خدای صلی الله علیه و آله
و سلم را که در سفر هرگاه از بلندی فرود آیی تسبیح میگفت و هرگاه از پستی به

بلندی میرفت تکبیر میگفت و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که تحقیق که هر که
در بلندی رفت اوست که هر کسی که تهلیل و تکبیر بگوید بر جای بلندی بیست تهلیل
او تهلیل گوید هر چیزی که در پیش اوست از فرشته و غیر آن تا انقطاع زمین در بیان
آنچه می باید خواند در وقت درآمدن کشتی بسم الله الرحمن الرحیم وما قدروا الله حق قدره
اذ قالوا ما انزل الله علی بشر من شیء قل من انزل الکتاب الذی جاء به موسی
نورا و هدی للناس تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا و علمتم ما لم تعلموا
انتم و لا آباؤکم قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون بسم الله مجریها و مرسیها ان
ربی لغفور رحیم در بیان دعائی که می باید خواند وقت گذشتن
از پل هرگاه اراده گذشتن بر پل داری که پای خود را به پل نهی بگو اللهم ادحر
عنی الشیطان الرجیم در حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
بر بالای هر پلی شیطانی است پس هرگاه برسی به پل بسم الله بگو تا شیطان دور
شود در حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت هر وقتی که در سفر یا در
بیابان باشی و بترسی از جنی یا آدمی دست خود را بر میان سر خود نه و بگو با آواز بلند
افغیر دین الله یبغون و له اسلم من فی السموات والارض طوعا و کرها
و الیه یرجعون در بیان آنچه می باید گفت کسی که از حج باز آمده باشد
در حدیث که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
میگفت کسی که از حج می آمد تقبل الله منک و اخلف علیک نفقتک و غفر ذنبک و گفت

امام جعفر صادق علیه السلام که هر که دست در گردن حاجی غبار آلوده کند و در گرد
او بمالد چنانست که حجر الاسود را در بر گرفته باشد روایت از ائمه معصومین
و اهل بیت طاهرین که وقتی که کسی از سفر بیاید بمنزل خود در آید سزاوار است
که مشغول نشود بچیزی تا آنکه غسل کند و دو رکعت نماز بکذارد و سجده بکند و بسیار
شکر بکوید خدا تعالی را روایت که چون جعفر طیار باز گشت از طائف در بر
گرفت رسول خدا صلی الله علیه و آله او را و بوسید میان دو چشم او را و گفت
نمیدانم که بکدام یک از این خوشحال کنم آمدن جعفر یا فتح خیبر روایت است
که اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله مصافحه میکردند با یکدیگر هر کاه میرسیدند
و هر گاه یکی از ایشان از سفری می آمد بدیدن او می رفتند و دست در گردن او
میکردند و در بر میگرفتند فصل ششم در بیان رعایت کردن چهارپا و حق
او بر صاحب روایت از ابوذر رحمة الله علیه که گفت که شنیدم که رسول
خدا صلی الله علیه و آله میگفت که چهارپا میگوید اللهم ارزقنی ملیک صدق
یشبعنی و یسقینی ولا یحملنی ما لا اطیق یعنی بار خدایا روزی کن مرا صاحب راست
گوئی که سیر کند مرا و آب بدهد و بار نکند آنقدار که طاقت نداشته
باشم روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که هر کسی که چهارپا
بخرد چهارپا میگوید اللهم اجعله لی رحیما یعنی بار خدایا بکردان این کسی را که مرا
خریده است بر من رحیم روایت کرده است سکونی که گفت رسول خدا

صلی الله

صلی الله علیه و آله که خدا تعالی دوست میدارد که مدارا با چهارپا بکنند وقتی
که سوار شوید بر چهارپای لاغر باید که چند مرتبه فرود آیید تا بمنزل رسید
پس اگر زمین خالی از گیاه باشد بشتاب بروید و اگر علف داشته باشد
فرود آیید در منزلها که در راه باشد تا بمنزل رسیدن روایت امیر المؤمنین
علی علیه السلام که آنکسی که سفر کند و چهارپای داشته باشد وقتی که فرود آید
باید که اول علف بدهد آن چهارپا را و گفت ابو جعفر علیه السلام که هر گاه
در سفر برسید بزمین خشکی که گیاه نداشته باشد بشتاب بروید روایت
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که آنکسی که چهارپائی بخرد و در راست
که سوار شود در خدمت روزی آن چهارپائی روایت از حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله که گفت که حق چهارپا بر صاحب آنست که وقتی فرود آید اول علف
دهد او را و وقتی که بآب برسد بگذارد که آب بخورد و چیزی بر روی او نزند
که چهارپا تسبیح میگوید و حمد خدا تعالی را و توقف نکند گاهی که [illegible]
بر پشت چهارپا مگر در راه خدا و بار نکند زیاده از آنچه طاقت اوست روایت
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که از نیکبختی مرد است نگاه داشتن چهارپائی
که سوار شود بجهة حاجت خود و حاجت برادر مومن خود روایت از امام جعفر
صادق علیه السلام که زین اسب ملعونست برای زنان یعنی باید که زنان بر چهارپائی
که زین داشته باشد سوار نشوند و هم روایت از امام جعفر صادق علیه السلام

کر سواری تو نیز هست دیگر حدیث که پرسید مردی از امام جعفر صادق علیه السلام
که کی بزنم چهارپا را که سوار باشم آنحضرت گفت که وقتی بزن او را که راه نرود
در زیر تو مثل تکه نمی رود و آنجایی که می نبیند او را و چیزی میدید و هند دیگر حدیث
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که مزنید چهارپا را بجهت بسر در آمدن
و مزنید بجهت رمیدن بدرستیکه آن چیزی که آدمی می بیند شما نمی بینید دیگر حدیث
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت که هر گاه چهارپای بلغزد از زیر
و بگوید آن کس که بر او سوار است که هلاک شدی آن چهارپا میگوید که هلاک
شود کسی که عاصی تر است پروردگار را و گفت امیر المومنین علیه السلام
که هرگز چهارپای چرا نبسر در بیابان کسی نرسید که بجهت سبب آنحضرت گفت بجهت
آنکه هرگز در گشت زاری نماند نم او را و گفت از امیر المومنین علیه السلام
که مزنید بر روی چهارپای و لعنت مکنید ایشان را بدرستیکه خدای تعالی لعنت
کرده است لعنت کننده چهارپا را و گفت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم
که هرگاه لعنت کنید بر چهارپا باز البته ایشان هم شما را لعنت میکنند و گفت
حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله که منشینید بر پشت چهارپا و
توقف مکنید بر پشت او گاهی که نمی رانید چهارپا را و نیز گفت رسول خدا
صلی الله علیه و آله با امیر المومنین علیه السلام که یا علی باید که سه کس بر یک چهار
پا سوار نشوند بدرستیکه آنکس که در پیش سوار است ملعون است و گفت

حضرت

حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر چیزی را حرمتی و حرمت چهارپا در روی
اوست و گفت سکونی که حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله دید شتری را
که زانوی او بسته بودند و بر آن شتر جهازی بود آنحضرت گفت که صاحب
این شتر از مروت دور است بدرستیکه این شتر در روز قیامت با او خصومت
خواهد کرد دیگر حدیث که چهل حج کرد علی بن الحسین علیهما السلام بر شتر ماده که داشت
و نزد آن شتر را تازیانه دیگر حدیث از ام سلمه که شنیدم از رسول خدا
صلی الله علیه و آله که گفت که دور میشوند فرشتگان از قافله که بر چهارپایان
خود جرس بسته باشند بیان روایاتی که در باب شتر واقع شده است
دیگر حدیث که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که شتر سرخ مخرید بدرستیکه
که عمر او کوتاه تر است از عمر شتران دیگر و شتر سیاه بد شکل بخرید بدرستیکه
که عمر او دراز تر است از عمر شتران دیگر دیگر حدیث که منع کرد رسول خدا
صلی الله علیه و آله از گذشتن در میان قطار شتر کسی گفت یا رسول الله سبب
این چیست آنحضرت گفت که جهت آنکه هر قطار شتری که هست میان آن دو
شتری شیطانیست دیگر حدیث که منع کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله
از خوردن گوشت شتری که نجاست خوار باشد و از آشامیدن شیر او و از
باز کردن تا خورش برود و از سوار شدن او پیش از آنکه چهل شبانه روز علف
بدهید او را دیگر حدیث روایاتی که واقع شده است در باب استر و غیر آن دیگر حدیث

که گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله که همیشه با بت چیزی به که بخورد کسی که
نفقه کند باسب بجز آنست که صدقه میداده باشد و در حدیث از حضرت پیغمبر
صلی الله علیه وآله که مبارکی و خجستگی اسب در سرخ است که مایل بسیاهی
باشد و در اسب سیاهی که پیشانی او سفید باشد مطلق الیمین باشد و در حدیث
از امام رضا علیه السلام که گفت که در سوراخ بینی هر چهارپایی شیطانست
پس هرگاه خواهید که لجام کنید او را باید که بسم الله بگویید
و در حدیث از امام محمد باقر علیه السلام که گفت بهترین شمارند من از جهت
و در حدیث که رسول خدا صلی الله علیه وآله سوار شده بر درازگوشی که نام او
یعفور بود فصل ششم در بیان چیزهایی که در سفر می باید و در حدیث که گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله با میرالمؤمنین علیه السلام که یا علی
چون سفر کنی در رودخانه فرود میا بدرستی که رودخانه جایگاه درنده
و مارست و منقولست از کتاب محاسن که ذکر کردند مردی را نزد حضرت پیغمبر
صلی الله علیه وآله یکی از اصحاب گفت او مرد نیکویی است جمعی از اصحاب
گفتند یا رسول الله او در حج با ما بود و وقتی که فرود آمدیم همیشه ذکر خدا تعالی و تهلیل
میگفت تا آنکه کوچ میکردیم حضرت پیغمبر صلی الله وآله فرمود که کدام
یک از شما علف حیوان او و شتر خود را و طعام می پخت این سفر ... گفت
گفتند ما همیشه این کار میکردیم آنحضرت گفت که همه شما بهتر بوده اید از او و در حدیث

از ابی عبدالله علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله در سفری بر شتر
سوار بود پس ناگاه فرود آمد و پنج سجده کرد چون سوار شد اصحاب گفتند
یا رسول الله دیدیم که کاری کردی که هرگز نکرده بودی آنحضرت گفت
جبرئیل آمد و بشارتها داد مرا از خدای تعالی پس سجده شکر بجا آوردم از برای
هر بشارتی و در حدیث از اسحق بن عمار که گفت بیرون رفتم با ابی عبدالله علیه السلام
بسفری و آنحضرت با خود چیزی میگفت بعد از آن او فرود آمد و سجده کرد
و در سجده مکث بسیاری کرد و بعد از آن روی راست خود را بر خاک نهاد و مکث
بسیاری کرد و بعد از آن راست بر روی خاک مالید و سوار شد گفتم با آنحضرت
که پدر و مادرم فدای تو باد کاری کردی که هرگز ندیدم آنحضرت گفت
ای اسحاق بیاد آمد مرا نعمتی از نعمتهای خدای تعالی بمن داده است پس دوست داشتم
که خوار گردانم نفس خود را و بعد از آن گفت ای اسحاق هر بنده که خدا تعالی
نعمتی بدهد او حق نعمت را بدل بداند و شکر او را بجا آورد که خدا تعالی را
بر آن نعمت پیش از آنکه فارغ شود و از آن نعمت خدا تعالی زیاده کرد
نعمت او را در دنیا و آخرت و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که در وقتی
که بسفر روید و باز آیید از سفر نزد اهل خود باید که هدیه بیارید از برای ایشان
و چیز نیکو بیارید اگر چه سنگی باشد و نیز گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله که
وقتی مانده شوید از راه رفتن باید که تند بروید و در حدیث از امام جعفر صادق

علیه السلام که وقتی که گفت ابو جعفر علیه السلام که مضایقه میکنید در خریدن چهار چیز
قربانی و کفن و بنده و کرایه راه مکه و در حدیث که گفت علی بن الحسین علیهما السلام
وقتی که خواهی بخری چیزی را که در حج احتیاج باآن می باشد بخر و مضایقه مکن
در بهاء و در حدیث از جابر بن عبد الله که گفت که منع کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله
که مسافر بخانه خود بیاید بشب پیش از آنکه خبر کند اهل خانه را و گفت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که سفر پاره ایست از عذاب پس وقتی که سفر کنید باید که زود
بازگردید باهل خود و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که سفر کردن چرک میکند
توالشه را و بد میکند خلق را و کهنه میکند جامه را و گفت حضرت پیغمبر صلی الله
و آله که وقتی که راه گم کنید بدست راست بروید و گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که بر بالائی هر طی شیطانیست پس هرگاه به بالا رسیدی بگو بسم الله
تا دور شود شیطان از تو و از تو و در حدیث که پرسید شخصی از امام رضا علیه السلام
ما آیا سوار میتوان شد بر زین و لجام که در و نقره باشد حضرت امام علیه السلام گفت
که اگر زین و لجام زر اندود باشد و نتوان نقره را کندن باکی نیست و اگر
تمام نقره باشد یا توان نقره را کندن سوار مشو و گفت حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله که الحق که یاری کند مومنی را که مسافر باشد میبرد خدای تعالی از او
هفتاد و سه نوع اندوه را و برمیدارد خدای تعالی از او در دنیا از غم و اندوه
و میبرد از او اندوه عظیم را در روزی که در مانده باشند مردمان بنفس خود

و از کرب

و از کرب روز قیامت و در حدیث از یعقوب بن سالم که گفت که گفتم بابی عبد الله
علیه السلام که با من چند درهم است که در ان صورتها است و من احرام حج
بسته ام و ان درهمها را در همیان کرده محکم بسته ام در میان خود آیا قصوری دارد
حضرت علیه السلام گفت که باکی نیست آن درهمها نفقه تست و بعد از
خدای تعالی اعتماد تو بر انست و در حدیث از ابی عبد الله علیه السلام که
گفت که وقتی که سفر کنید سفره بردارید و نیکوئی بکنید در سفره و در حدیث
در نظر خادم که گفت که نظر کرد ابو الحسن موسی جعفر علیه السلام بسفره که
و در ان حلقهها از روی بود پس گفت بکنید این حلقهها را و بجای آنها حلقه
از آهن بنهید بدرستی که هرگاه حلقه سفره از آهن باشد نزدیک نمیشوند حشرات
زمین بانچه در سفره است و در حدیث از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت
توشه مسافر حدی کردن است و خواندن شعریست که در وفحش نباشد و در حدیث
از کتاب محاسن که روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام که رسول
خدا صلی الله علیه و آله گفت که پرهیز کنید از فرود آمدن در آخر شب در میان راه
و در میان وادی بدرستی که گذرگاه درنده و مار است باب دوم
در بیان دعاها و آنچه متعلق است بان و درین باب پنج فصل است
مصنف کتاب میگوید که پدر مرا چند مجموعه است که جمع کرده است و در ان
مجموعها پس خواستم که انتخاب کنم از ان مجموعها بان مختصری که لایق باشد باین کتاب

وجمع باشد دران باب دعاهای بکوید آنچه متعلق است بدعا پس استخاره
کردم بخدا تعالی در جمع کردن باب بتوفیق خدا تعالی بابی انتخاب کردم
که جمعست در انچه میخواستم و میخواهم از خدا تعالی که توفیق دهد که عمل کنم
بانچه درین باب است بدرستی که خدا تعالی شنواست و بفضل و کرم
اجابت میکند فصل اول در فضیلت دعا و کیفیت دعا خواندن در بیان آیاتی و اخبار
که واقع شده است در فضیلت دعا که گفت رسول خدا صلی الله
علیه و آله که هیچ چیز بزرگتر نیست نزد خدا تعالی از دعا و روایت کرده است
حنان بن سدیر از پدر خود که گفت که پرسیدم از امام محمد باقر علیه السلام
کدام عبادت فاضلتر و بهتر است نزد خدا تعالی آنحضرت گفت نیست که
چیزی بهتر نزد خدا تعالی از آنکه سوال کنند بنده و طلب کند آنچیز را که نزد
خدا تعالی است و نیست کسی بد نزد خدا تعالی از کسی تکبر کند از عبادت او
و سوال نکند و نطلبد آنچیز را که نزد خدا تعالی است و در حدیث از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت که آنکسی که سوال نکند از خدا تعالی و طلب نکند از فضل
و کرم او محتاج شود و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که رفع نمیکند بلا را
مگر دعا و نیز گفت حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله که دعا سلاح
مومنست و ستون دین است و نور آسمان و زمین است و نیز گفت رسول خدا
صلی الله که آیا دلالت کنم شما را از دشمنان شما و پیوسته گرداند روزی شما را گفتند بلی

یا رسول الله

۱۰

یا رسول الله آنحضرت گفت که دعا کنید و طلب حاجت خود کنید از پروردگار
خود شب و روز بدرستی که سلاح مومن دعاست و در حدیث از حسین بن علی علیهما السلام
که گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله دستهای خود را بر میداشت وقتی
که دعا و تضرع میکرد مثل آنکه طلب طعام کند درویش و گفت حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله که عاجزترین مردمان کسی است که عاجز از دعا یعنی دعا نکند
و بخیل ترین مردمان آنکسی است که بخیلی کند بسلام و نیز گفت حضرت رسالت پناهی
صلی الله علیه و آله که هر مسلمانی که دعا کند و نباشد دران دعا قطع رحم و طلب چیزی
که موجب گناه باشد بدهد به او خدا تعالی او را بسبب آن دعا یکی از سه خصلت یا آنکه
او را زود مستجاب کند یا آنکه دعا را ذخیره سازد برای او در آخرت یا آنکه
دور کند از وی بدی را مثل آن دعا و گفت امیر المومنین علی علیه السلام که حقیر
میدانید دعای کسی را بدرستی که هر کدامی مستجاب میشود دعای نیکی که یهودی
کند در حق شما و مستجاب نمیشود دعای یهودی در حق خود و گفت امیر المومنین
علی علیه السلام که بهترین عملها نزد خدا تعالی در زمین دعاست و فاضلترین عبادتها
پرهیزکاریست و در حدیث از عبدالله بن سنان که گفت که دعا رد میکند قضا را
بعد از آن که آن قضا محکم شده باشد پس بسیار دعا کنید بدرستی که دعا کلید
هر رحمت و سبب روا شدن هر حاجت است و نمیرسد بنده بانچه نزد خدا تعالی
مگر بدعا و هر کس بسیار بکوبد در را گشوده شود آن در برای او و در حدیث کرده است

عبدالله میمون القداح که گفت ابی عبدالله علیه السلام که دعا خانه اجابت همچنانکه
ابر خانه بارانست و در حدیث از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که هر بنده که
بردارد دست خود را بسوی آسمان خدا تعالی شرم میکند که خالی و تهی باز
گرداند دست او را و بدهد باو از فضل و رحمت خود آنچه خواهد بود پس هرگاه
دست بردارید و دعا کنید باید که باز نگردانید دست خود را تا آنکه بمالید بر
بر سر و روی خود و در حدیث است از هشام بن سالم که گفت ابو عبدالله علیه السلام که
آیا میدانید که کدام طلب بسیار می ماند و کدام زود بر طرف میشود گفتم نه
آنحضرت گفت که هرگاه ملهم شوید بدعا کردن و آنجا خاطر شما برسد که دعا باید کرد
در وقتی که بلا متوجه شما شود بدانید که آن زود بر طرف میشود و گفت ابو عبدالله
علیه السلام و ابی جعفر علیه السلام که گفتند بحق خدا که هر بنده الحاح و مبالغه کند
مستجاب گرداند خدا تعالی دعای او را و در حدیث از ابی عبدالله علیه السلام که گفت
که الحتمی که بگو وضو بسازد و بعد از آن دو رکعت نماز بگذارد و در رکوع و سجود دعا آورد
و بعد از آن سلام ابتدا و حمد و ثنای حق تعالی بگوید و صلوات بفرستد بر رسول و آل او
علیهم السلام بعد از آن حاجت خود را طلبد از خدا تعالی پس طلب کرده است
چیزی را که در محل خود دعا باید لیشود و در حدیث است از کتاب فردوس که گفت رسول خدا
صلی الله علیه و آله که بلا معلق است میان آسمان و زمین مثل قندیل پس هرگاه
طلب کند که بنده از خدا تعالی عافیت را از بلا مگرداند خدای تعالی آنرا از او

و گفت

و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که طلب کنید از خدا تعالی هر حاجتی که
دارید تا آنکه بند نعلین خود را از خدا تعالی طلب کنید بدرستی که اگر خدا تعالی
چیزی را میسر نگرداند آنچه میسر نشود و نیز گفت حضرت رسالت پناهی صلی الله
علیه و آله باید که سؤال کنید از هر دو کار خود حاجتی که دارید تا آنکه بند نعلین شما
و فتی که گسسته شود از خدا تعالی طلب کنید و در حدیث امام جعفر صادق علیه
که گردانیده است خدا تعالی روزی مومنان را از جائی که ایشان گمان نمی برند
و این بجهت آنست که هرگاه بنده نمیداند که روزی از کجاست بسیار دعا
میکند و در حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت کسی که خواهد
که مستجاب شود دعای او در حالت سختی باید که بسیار دعا کند در حالت
عافیت و خوشحالی و در حدیث از امام رضا علیه السلام که گفت که دعای پنهان برابر
میکند بهفتاد دعای آشکارا و در حدیث از ابی عبدالله علیه السلام که گفت
که خدا تعالی میداند آنچیز را که بنده میخواهد وقتی که دعا میکند ولیکن خدا تعالی
دوست میدارد که بنده اظهار کند بسوی او حاجتهای خود را
و هم در حدیث از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که خدا تعالی اجابت
نمیکند دعای کسی را که دل او غافل باشد پس هرگاه دعا کنی متوجه بدل خود
شو و یقین کن که دعای تو مستجاب میشود و هم در حدیث از ابی عبدالله
علیه السلام که گفت که خدا تعالی کراهت میدارد که مردمان مبالغه کنند

در خبر طلبیدن از آنکه بکره دوست میدارد که مبالغه کند در سوال کردن ازان
بدرستی که خدا تعالی دوست میدارد که مبالغه کند در سوال و طلب نماید
چیزی را که نزد اوست در حدیث از امام رضا علیه السلام که گفت باصحاب خود
که بر شما باد که بسلاح پیغمبران علیهم السلام کسی پرسید از آنحضرت که سلاح پیغمبران
کدامست آنحضرت گفت دعاست در حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام
که دعا تیزتر است از سر نیزه یعنی تاثیر دعا بیشتر است از تاثیر سر نیزه ها
در حدیث از حماد بن عیسی که گفت که شنیدم از امام جعفر صادق علیه السلام
که میگفت که دعا رد میکند و گسسته میشود قضا را از آسمان چنانکه گسسته میشود
رشته اگرچه ان قضا محکم شده باشد در حدیث از ابی الحسن موسی علیه السلام
گفت که بر شما باد که دعا کنید بدرستی که دعا کردن از خدا تعالی دور میکند
بلا را اگرچه آن بلا مقدر شده باشد و حکم بان شده و آن بلا موقوف نمانده باشد
نزول آن بلا مگر بجا آوردن آن حکم پس هرگاه دعا کنید رد میکند خدا تعالی آن
بلا را گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بر تو باد که دعا کنی که در دعا
شفاست از همه بلا گفت امام جعفر صادق علیه السلام که آنکسی که دعا کند
پیش از فرود آمدن بلا مستجاب میشود دعای او و در وقت فرود آمدن بلا
فرشتها میگویند که این آواز آشناست بسیار شنیده ایم و باز داشته نمیشود
آواز او از آسمان و آنکسی که دعا کند پیش از فرود آمدن بلا مستجاب نمیشود دعای

و در وقت

در وقت فرود آمدن دعا میگویند فرشتها که این آواز غریبست که نشنیده ایم
در حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت هرگاه که دعا کنی متوجه شو
بدل خود و چنین گمان کن که حاجت تو روا شده است گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که هر بنده مومنی که مبالغه کند در طلب حاجت کردن خود از
خدا تعالی برآورد خدا تعالی حاجت او گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که رحمت کند خدا تعالی بنده را که طلب کند حاجت خود را از خدا تعالی
و مبالغه نماید در دعا خواه مستجاب شود دعای او و خواه مستجاب نشود و آنحضرت
خواند این آیه را که وادعو ربی عسی الا اکون بدعاء ربی شقیا یعنی
میخوانم پروردگار خود را امید هستم شاید که نا امید نباشم بخواندن و رسیدن بمراد
خود را نا امیدی نبوده گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که بنده که مبتلا گشته
ببلائی اگرچه آن بلا بزرگ باشد سزاوارتر است بدعا کردن از بنده
که عافیت داشته باشد و ایمن از بلا در بیان اوقات امید اجابت
دعاست روایت کرده است بسند صحیح که گفت ابو عبدالله علیه السلام
که چهار وقت اول بر زمین رسیدن قطره و وقتی که ...
بدرستی که درهای آسمان گشوده میشود و درین اوقات در حدیث از ابی عبدالله
که دعا مستجاب میشود در چهار وقت در وتر و بعد از صبح و ظهر

و مغرب دوم حدیث از امیر المؤمنین علیه السلام که گفت که غنیمت دانید
دعا کردن را در چهار وقت وقت قرآن خواندن و وقت بانگ نماز گفتن و وقت باریدن
باران و وقت رسیدن لشکر مسلمانان بکفار برای جهاد سوم حدیث از ابی جعفر علیه السلام
که گفت پدر من هرگاه حاجتی داشت بخدای تعالی طلب آن حاجت میکرد
وقت زوال چهارم حدیث از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که هرگاه
رقت بشود شما را باید که دعا کنید بدرستی که دل رقت نمیکند مادام
که خالص نشود پنجم حدیث از معاویة بن عمار که گفت که ابی عبد الله علیه السلام
هرگاه حاجتی داشت طلب حاجت خود میکرد از خدای تعالی وقت زوال
پس هرگاه میخواست که طلب حاجت کند اول چیزی تصدق میکرد
بجهت حاجت خود ششم حدیث از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که هرگاه
لرزه در آید بر تن تو از ترس خدای تعالی و اشک بریزد چشمهای تو
در این وقت دعا کن هفتم حدیث که روایت کرده است ابی الصباح از ابی جعفر علیه السلام
که گفت که خدای تعالی دوست میدارد از بندگان مؤمن آن بنده را که بسیار
دعا کند و بر شما باد که دعا کنید در سحر تا بر آمدن آفتاب بدرستی که در این وقت
درهای آسمان گشوده میشود و بر روی بندگان بر آورده میشود حاجت بزرگ
ایشان هشتم حدیث از عمر ابن اذینه که گفت که شنیدم از ابی عبد الله علیه السلام که
میگفت که در هر شب ساعتی است که هرگاه دریابد بنده مسلمان آن ساعت را

و نماز

۱۰

و نماز گذارد و دعا کند در آن ساعت مستجاب گرداند خدای تعالی او را
پرسیدم که آن ساعت کدام است آنحضرت گفت سدس اول از نصف آخر [illegible]
نهم حدیث از ابی اسحاق که گفت ابی عبد الله علیه السلام که هرگاه دعا کنید بجهت
طلب چیزی از خدای تعالی باید که کف دست خود را بجانب آسمان کنید
و گفت ابی عبد الله که مراد از تبتل که در قول خدای تعالی واقعست که و تبتل الیه تبتیلا
است که دعا کند بانگشت اشارت نماید و معنی او است که بریده شو از خلق
و توجه کن بسوی خدای تعالی بعبادت بریدن کامل هرگاه دعا کنید از روی
تضرع و زاری باید که اشاره کنید بانگشت خود و حرکت دهید انگشت را و دعا
کردن باید دهم حدیث که ابی عبد الله علیه السلام هر دو دست خود را بجانب
آسمان کرد و گفت که دعائی که بجهت طلب چیزی باشد از خدای تعالی باین
کیفیت می باید و پشت دست خود را بجانب آسمان کرد و حرکت داد
انگشتان خود را بجانب راست و بجانب چپ و گفت دعائی که از روی
تضرع باشد اینچنین می باید و دست خود را بر داشت برابر روی خود بسوی قبله و
گفت که دعائی که از روی ابتهال باشد باین کیفیت می باید یازدهم حدیث
از هارون بن خارجه که گفت پرسیدم ابی عبد الله را علیه السلام از
کیفیت دعا و دست بر داشتن در حالت دعا گفت که بر
چهار وجه می باشد اگر دعا بجهت پناه جستن است گفت هر دو

دست خود را بجانب قبله کن و اگر دعا بجهة طلب روزی است بگشا هر دو
دست خود را و کف هر دو دست خود را بجانب آسمان کن و اگر تبتل است
اشارت کن بانگشت شهادت خود و اگر ابتهال است بردار هر دو دست خود را
و بگذران از سر خود و همچنین کن در دعای تضرع در بیان چیزهایی که پیش از
دعای حاجت باید آورد روایت که گفت ابن مغیره که شنیدم از ابی عبد الله
علیه السلام که میگفت که هرگاه خواهید که سوال کنید از خدا تعالی حاجتی از
حاجتهای دنیا و آخرت باید که ابتدا کنید بمدح و ثنای خدا تعالی و صلوة
بر پیغامبر و آل او و بعد از آن طلب حاجت خود کنید روایت کرده است
محمد بن مسلم از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که در کتاب امیر المؤمنین
علی علیه السلام نوشته است که اول مدح خدا تعالی باید گفت و بعد از آن طلب
می باید کرد از خدا تعالی حاجت خود را تمجید کن خدا تعالی را یعنی ببزرگی یاد
کن گفت محمد بن مسلم که پرسیدم که چگونه تمجید کنم ابو عبد الله علیه السلام گفت که
بگو یا من هو اقرب الیّ من حبل الورید یا من یحول بین المرء وقلبه یا من هو بالمنظر الاعلی
یا من لیس کمثله شیء روایت کرده است عثمان بن مغیره از ابی عبد الله
علیه السلام که گفت که هرگاه خواهی که دعا کنی تمجید کن خدای تعالی را و تحمید
و تهلیل و ثنا بگو خدای تعالی را و صلوة بفرست بر نبی و آل و بعد از آن طلب
حاجت خود کن از خدا تعالی تا خدا تعالی بر آورد روایت از ابی عبد الله

که گفت

که گفت که وقتی که طلب حاجت کنید از سلطانی تفقد آن که میتوانید سخنان
نیکو گوئید که او را خوش آید پس هرگاه طلب حاجت کنید از خدا تعالی تمجید
کنید خدا تعالی را و مدح و ثنا گوئید باین طریق که یا اجود من اعطی یا خیر من سئل یا ارحم
من استرحم یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد یا
من لم یتخذ صاحبة ولا ولدا یا من یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و یقضی ما احب یا
من یحول بین المرء وقلبه یا من هو بالمنظر الاعلی یا من لیس کمثله شیء وهو السمیع
العلیم و بسیار از نامهای خدا تعالی بگوئید بدرستی که نامهای حضرت
حق سبحانه و تعالی بسیار است و صلوة بفرستید بر محمد و آل علیهم السلام و بگوئید
اللهم اوسع من رزقک الحلال ما اکف به وجهی و اودی به عنی امانتی و اصل
رحمی و یکون عونا لی علی الحج والعمرة روایت ابو عبد الله علیه السلام آمد که مردی
بمسجد و دو رکعت نماز گذارد و بعد از آن طلب کرد از خدا تعالی حاجت خود را
پس گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که تعجیل و شتاب کرد این بنده
در طلب حاجت از پروردگار خود و مردی دیگر آمد بمسجد و دو رکعت نماز گذارد
و بعد از آن مدح و ثنای خدا تعالی بجا آورد و صلوة بر نبی و آل علیهم السلام پس
گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله با مرد که طلب کن حاجت خود را که خدا تعالی
تو میدهد آنچه میخواهی روایت کرده است [illegible] منصور از ابی
که گفت ابی عبد الله علیه السلام که هرگاه چهار کس جمع شوند و دعا کنند مستجاب گردد

خدا تعالی دعای ایشان را و اگر چهار کس نباشند یک کس چهار بار دعا کند مستجاب
گرداند حضرت حق سبحانه و تعالی دعای او را و در روایت از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت که پدر من هرگاه که چیزی حزن و اندوهگین میشد جمع میکرد اهل
و عیال خود را و بعد از آن دعا میکرد و ایشان آمین میگفتند و هم روایت از
ابی عبد الله علیه السلام که کسی که دعا میکند و کسی که آمین میگوید شریکند در دعا و روایت
کرده است هشام بن سالم از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که دعا مستجاب
نمیشود تا آنکه صلوات بفرستند و در روایت از ابی عبد الله علیه السلام که کسی
که دعا کند و صلوات بر پیغمبر نفرستد آن دعا میگردد بالای سر او بالا نمیرود و چون رفع
که صلوات بفرستند بر پیغمبر صلی الله علیه و آله آن دعا بالا میرود و هم در روایت
از ابی عبد الله علیه السلام که گفت مردی آمد نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و گفت
یا رسول الله میگردانم ثلث دعای خود را بلکه نصف دعای خود را بلکه تمام دعای
خود را برای تو حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله فرمود که این زمان کفایت کرده
میشود حاجت دنیا و آخرت تو ابی بصیر و ابی الحکم گفتند که پرسیدیم از ابی عبد الله که
معنی دارد سخن این مرد که گفت بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میگردانم تمام دعای
خود را برای تو حضرت امام علیه السلام گفت که پیش از طلب هر چیزی صلوات میفرستم
بر تو و در روایت از ابی عبد الله علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت که نکنید
مرا مثل قدح که راکب همراه خود میدارد در بیشی که هرگاه میخواهد بر میکند و هرگاه نمیخواهد

فراموش میکند و ذکر میکند مرا در اول و آخر و میان دعا و هم روایت از ابی
عبد الله علیه السلام که گفت که کسی را که بخدا تعالی حاجت باشد باید که ابتدا کند
بصلوات بر محمد و آل او علیهم السلام و بعد از آن طلب حاجت خود کند و ختم بصلوات بر
محمد و آل او کند که خدا تعالی کریم تر است از آنکه قبول کند هر دو طرف را و قبول
نکند میان را بجهت آنکه میان صلوات بر نبی و آل علیهم السلام و میان خدا تعالی هیچ چیزی
حجاب نمیشود و چون هیچ حجاب نشود و قبول میکند خدای تعالی هیچ انزا بدرگاه
قبول کرد هر دو طرف دعا را نیز قبول میکند و هم روایت از ابی عبد الله علیه السلام
که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر قومی که جمع شوند در مجلسی و ذکر خدا تعالی
نکنند و صلوات نفرستند بر پیغمبر و آل او صلی الله علیه و آله آن مجلس
حسرت و وبال شود بر ایشان در بیان آنکسی که مستجاب میشود
دعای او روایت از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که دعای سه طایفه مستجاب
میشود دعای حاجی و کسی که جهاد کند در راه خدا تعالی و دعای مریض پس
نوض مکنید او را و دل تنگ مسازید او را و هم روایت از ابی عبد الله
علیه السلام که گفت پدر من علیه السلام که دعای پنج کس مستجاب میشود
دعای پادشاه عادل و دعای مظلوم در حق ظالم و خدای تعالی به مظلوم میگوید
که داد ترا میستانم از ظالم و اگر چه بعد از مدت باشد و دعای فرزند
صالح برای پدر خود و دعای پدر صالح برای فرزند خود و دعای مومن برای

برادر مومن غایبانه و میگوید فرشته که موکل است بان بنده که دعا میکند برای
برادر مومن که مر است مثل ان یعنی از برای تو نیز مستجاب شود **روایت** از کتاب
فردوس که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله السلام که دعای سه طایفه مستجاب
و هیچ شک نیست دران دعا و دعای پدر برای فرزند و دعای مظلوم در حق
ظالم و دعای مسافر و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر کس حلال کند
که دعای تو مستجاب شود بدرستی که مردی که یک لقمه حرام بخورد دعای او
اصلا مستجاب نمیشود دعای او تا چهل شبانروز **روایت** کرده است
فضل بن یسار از ابی جعفر علیه السلام که نزدیکترین اجابت دعای مومن
برای برادر مومن غایبانه **روایت** کرده است ابو عبد الله بن سنان که
گفت ابی عبد الله علیه السلام که دعای مومن برای برادر مومن غایبانه
میسازد روزی او و دفع میکند مکروه را او **روایت** از یحیی بن معاذ
که گفت ابا جعفر علیه السلام که وقتی که حاجتی داشته باشی این دعا بخوان که اللهم انت ثقتی
یعنی و انت القادر علی طلبتی و تعلم حاجتی فاسالک بحق محمد و آل محمد لما قضیتها
و من ضامنم که خدای تعالی حاجت ترا براورد **روایت** از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت دعا کردن برای برادر مومن غایبانه زیاده میکند روزی ترا و
بلا را او میگوید بحضرت حق سبحانه و تعالی بدعا کننده **روایت** مثل است
روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که حذر کنید از دعای مظلوم

از دعای مظلوم بدرستی که دعای مظلوم میرود باسمان **روایت** از امام
جعفر صادق علیه السلام که گفت که کسی که پیش از دعا چهل مومن را یاد کند و
نام هر یک را بگوید و برای ایشان کند مستجاب شود دعای او و هم **روایت**
از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که کسی که دعا کند برای برادر مومن غایبانه
موکل میسازد خدای تعالی بدعا کننده فرشته که بگوید که ترا ده برابر است
روایت که گفت مردی از اصحاب ابی عبد الله علیه السلام که گفتم با ابی
عبد الله علیه السلام که روایت کرده در کتاب خدا آیتی دلالت میکند
بر آنکه هر گاه دعا کننده مستجاب میشود و روایت دیگر دلالت میکند بر آنکه
هر گاه نفقه کند در راه خدای تعالی عوض میدهد حضرت امام علیه السلام گفت
ان روایت که است گفتم بلی یکی آیت ادعونی استجب لکم یعنی بخوانید
مرا تا قبول کنم دعای شما را و من هر چند دعا میکنم مستجاب نمیشود آنحضرت
گفت که گمان میبری که خدای تعالی وعده خود را خلاف میکند گفتم نه آنحضرت
گفت پس چرا دعای تو مستجاب نمیشود گفتم نمیدانم آنحضرت گفت
خبر میدهم ترا کسی که طاعت و فرمان برداری خدای تعالی کند با نحو امر
کرده است پس دعا کند بطریق دعا که است گفت است کیفیت دعا حمد و ثنای
خدای تعالی و تمجید کنی و بزرگی یاد کنی حق تعالی را و
ذکر کنی نعمتهای او را که بتو داده است پس شکر آن نعمتها

بجا آوری و بعد از ان صلوات بفرستی بر نبی و آل او علیهم
السلام و بعد از ان ذکر کنی گناهان خود را و معترف شوی بگناهکاری
خود و بعد از ان استغفار کنی از گناهان و بعد از ان حضرت امام
علیه السلام گفت آیه دیگر کدام است گفتم اینست و ما انفقتم من شیء فهو
یخلفه یعنی آنچه نفقه میکنید از چیزی که شما را در راه خدا البته خدا تعالی
عوض میدهد و من هر چند نفقه میکنم عوض نمی یابم آنحضرت گفت که آیا میپنداری
که خدا تعالی خلاف وعده میکند گفتم نه گفت از چه جهة است که نفقه میکنی
و عوض نمی یابی گفتم نمیدانم گفت اگر شما کسب مال کنید از جهة حلال و
خرج کنید در محل خودش یک درهمی که صرف کنید خدا تعالی عوض میدهد در روایت
از سلمان فارسی رحمة الله علیه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که
شرم میدارد خدا تعالی که نا امید سازد بنده خود را که برداشته باشد دستهای خود را
بدعا و دستها را تهی باز گرداند فصل دویم در بیان دعاهای برگزیده که تعلق
بروز و شب دارد در بیان دعاهای که مخصوص است بوقت صباح و شام در روایت
کرده است عبد الکریم بن عتبه از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که هر کس
ده بار بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی
لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر این کفاره گناهان آنروز میشود در روایت
کرده است حفص بن البختری که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت نوح

در وقت

در وقت صباح ده نوبت میگفت و در وقت شام ده نوبت اللهم انی
اشهدک انه ما اصبح و امسی بی من نعمة و عافیة فی دین او دنیا فمنک وحدک لا
شریک لک لک الحمد و لک الشکر بها علی حتی ترضی و بعد الرضا و بجهة خواندن این دعا
در هر صباح و شام حضرت حق سبحانه و تعالی نوح را عبد الشکور نامید در روایت
از عنبسة بن عبد الملک کردین که گفت که حبل صباح ابی عبد الله علیه السلام
نماز کرداردم هر گاه آنحضرت فارغ میشد از نماز دست بر میداشت بسوی آسمان
و میگفت اصبحنا و اصبح الملک لله اللهم انا عبیدک ابنا عبیدک اللهم احفظنا
من حیث نحفظ و من حیث لا نحفظ اللهم احرسنا من حیث نحترس و من حیث
لا نحترس اللهم استرنا من حیث نستتر و من حیث لا نستتر اللهم استرنا بالغنی
و العافیة اللهم ارزقنا العافیة و ارزقنا الشکر علی العافیة در بیان دعائی
که می باید خواند در صباح و وقتی که خوف داشته باشی در روایت که گفت
اسماعیل بن یعقوب که لقب او ابی نواس است که گفتم با ابو الحسن علی بن محمد العسکری
علیهم السلام که ای سید و پیشوای من خبر داده است یحیی بن حسن بن عبد الله
بن مطهر که روایت کرده است محمد بن سلیمان الدیلمی از پدر خود و پدر او
روایت کرده است که امام جعفر علیه السلام گفت که هر ماه کدام روزها
سعد است و کدام روز نحس است و من میخواهم که عرض کنم بتو که ملاحظه کنی آنچه
بمن نرسیده است در حقیقت ان حضرت امام گفت که عرض کن آنچه

عرض کردم با آنحضرت و تصحیح کردم گفتم با آنحضرت که ای سید و پیشوای من در هفته
روزها می‌بینم از شروع در مقاصد بجهة آنکه بعضی روزها نحس است و در از روز
خوف هست و گاه هست که ضرورت می‌شود که توجه بطلب حاجت
در از روزهای نحس میخواهم که تعلیم کنی مرا چیزی که اگر در روزهای نحس متوجه
حاجتی شوم ضرری بمن نرسد پس آنحضرت گفت ای شعبان هر که دوستی ما
نگاه میدارد از جمیع بلاها که اگر برود بدوستی ما در میان دریاهای عمیق و
بیابانهای دور بی پایان میان درندها و گرگها و دشمنان از دیو و از آدمی
هر آینه ایمن باشند از شر ایشان بدوستی ما پس اعتماد کن بر خدای تعالی و از روی
اخلاص و اعتقاد و دوستی ائمه معصومین و اهل بیت طاهرین را صلی الله
علیه و آله و توجه کن بهر جا که میخواهی و هر گاه میخواهی بکن و گفت ای سهل در
صباح سه نوبت بگو اصبحت اللهم معتصما بذمامک المنیع الذی لا یطاول و لا
یحاول من شر کل غاشم و طارق من سائر من خلقت و ما خلقت من خلقک
الصامت و الناطق فی کل مخوف بلباس سابغة و لاء اهل بیت نبیک محتجبا
من کل قاصد الی اذیة بجدار حصین الاخلاص فی الاعتراف بحقهم و التمسک
بحبلهم جمیعا موقنا ان الحق لهم و معهم و فیهم و بهم اوالی من والوا و اجانب
من جانبوا و احارب من حاربوا فصل علی محمد و آل محمد فاعذنی اللهم من شر
کل اتقیه یا عظیم حجزة الاعادی ببدیع السموات و الارض انا جعلنا من بین ایدیهم سدا

و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون و در شام نیز این اعاده سه نوبت
بخوان بجای اصبحت امسیت بگو بدرستی که چنین کنی ایمن شوی از آنچه
میترسی پس هر گاه خواهی که توجه کنی بکاری در روز نحسی که خوف و ترسی داشته
باشی از نحوست آن روز پیش از توجه آن کار فاتحه و قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی و انا انزلناه فی لیلة القدر
و پنج آیه از آخر سوره آل عمران بخوان و ان حسبت لا یغرنک تقلب الذین
کفروا فی البلاد متاع قلیل ثم ماویهم جهنم و بئس المهاد تا آخر سوره و بعد از آن
بگو اللهم بک یصول الصائل و بقدرتک یطول الطائل و لا حول لکل ذی
حول الا بک و لا قوة یمتازها ذو قوة الا منک بصفاتک من خلقک
و خیرتک من بریتک محمد نبیک و عترته و سلالته علیه و علیهم السلام صل علیهم و اکفنی
شر هذا الیوم و ضره و ارزقنی خیره و یمنه و اقض لی فی متصرفاتی بحسن العافیة
و بلوغ المحبة و الظفر بالامنیة و کفایة الطاغیة الغویة و کل ذی قدرة لی
علی اذیة حتی اکون فی جنة و عصمة من کل بلاء و نقمة و ابدلنی من المخاوف
فیها امنا و من العوائق فیه یسرا حتی لا یصدنی صاد عن المراد و لا یحل بی
طارق من اذی العباد انک علی کل شیء قدیر و الامور الیک تصیر یا من لیس
کمثله شیء و هو السمیع العلیم دعاء دعائی که می‌باید خواند در هر صباح و شام
روایت است که امام جعفر صادق علیه السلام در هر صباح میگفت بسم الله و بالله

والی الله وفی الله وفی سبیل الله وعلی ملة رسول الله اللهم الیک اسلمت
نفسی والیک فوضت امری الیک وجهت وجهی وعلیک توکلت
یا رب العالمین اللهم احفظنی بحفظ الایمان من بین یدی ومن خلفی
وعن یمینی وعن شمالی ومن فوقی ومن تحتی لا اله الا الله اسالک العفو
والعافیة من کل سوء فی الدنیا والآخرة اللهم انی اعوذ بک من عذاب القبر
ومن ضیق القبر واعوذ بک من سطوات اللیل والنهار اللهم رب المشعر الحرام
ورب البلد الحرام ورب الحل والحرام محمد وآله منی السلام اللهم انی اعوذ
بدرعک الحصینة واعوذ بجمعک ان یمیتنی غرقا او شرقا او قودا او صبرا او
حتفا او تردیا فی بئر او اکیل السبع او موت الفجاة او بشیء میتة السوء
ولکن امتنی علی فراشی فی طاعتک وطاعة رسولک صلواتک علیه وآله مصیبا
للحق غیر مخطئ او فی الصف الذی نعتهم فی کتابک کانهم بنیان مرصوص
مصیبا للحق غیر مخطئ اعید نفسی ودینی واهلی ومالی وولدی وما رزقنی ربی بالله
الواحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد اعید نفسی ودینی و
وما رزقنی ربی برب الفلق ومن شر ما خلق تا آخر اعید نفسی واهلی ومالی و
ولدی وما رزقنی ربی برب الناس ملک الناس تا آخر و نیز گفت الحمد لله الذی
عدد ما خلق الله والحمد لله مداد کلماته والحمد لله زنة عرشه الحمد لله رضا نفسه
لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله ربی

السموات

السموات والارضین وما بینهما ورب العرش العظیم اللهم انی اعوذ بک من
درک الشقاء واعوذ بک من شماتة الاعداء واعوذ بک من الفقر والوقر
واعوذ بک من سوء المنظر فی الاهل والمال والولد و ده نوبت صلوات
میفرستاد بر پیغمبر و آله علیهم السلام **بیان** دعائی که می باید خواند در عقب نمازهای
فریضه پیش از آنکه برگرداند پاهای خود را یعنی بهمان کیفیت که در وقت تشهد
نشسته بود و باشد اجر او زیاده شود [illegible] **روایت** که امیر المؤمنین علی علیه السلام
گفت بمردی از بنی سعد که آیا خبر دهم ترا از حال فاطمه نزد گفت بلی
یا امیر المؤمنین آنحضرت گفت که فاطمه آب میکشید بمشک تا آنکه
اثر کرده بود تسمه مشک در سینه او و آرد میکرد بدست آس تا آنکه آبله کرده
بود دستهای او و جاروب میکرد خانه را تا آنکه غبار آلوده شده بود جامهای
او پس بجهة این کارها تشویش بسیار بفاطمه رسید پس گفتم باو که بروی
نزد پدر خود و طلب کنی از او خدمتکاری خلاص میشوی از این تشویشات
پس فاطمه علیها السلام رفت بر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در وقتی که
برنگ بود و شرم کرد و هیچ نگفت و بازگشت حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه
و آله دانست که فاطمه بجهة حاجتی نزد او آمده است پس روز دیگر آنحضرت آمد
نزد ما و ما در زیر جامه خواب بودیم پس گفت آنحضرت که السلام علیکم ما جواب نگفتیم
و شرم کردیم بجهت آنکه در زیر جامه خواب خسپیده بودیم باز آنحضرت گفت

السلام علیکم ما جواب نگفتیم باز آنحضرت گفت السلام علیکم پس ترسیدم که اگر
جواب سلام نگوئیم آنحضرت باز گردد زیرا که عادت آنحضرت چنین بود که
بجائی میرفت سه بار سلام میکرد اگر جواب میدادند و اذن می یافت
در می آمد و اگر جواب نمیدادند و اذن نمی یافت باز می گشت پس گفتیم علیکم السلام
یا رسول الله در آئید آنحضرت در آمده و بر بالین ما نشست و گفت ای فاطمه
حاجت تو چه بود دیروز که نزد محمد آمدی ترسیدم که اگر فاطمه جواب نده[د]
آنحضرت برخیزد و برود پس سر خود را بیرون کردم از جامه خواب و گفتم بحق خدا
که خبر دهم ترا یا رسول الله از حاجت فاطمه بدرستی که فاطمه آب کشید بمشک
تا آنکه تسمه مشک اثر کرده در سینه او و دستاس گردانید بدست تا آنکه دست
او آبله کرده جاروب کرد خانه خود را تا آنکه غبارآلوده شد جامه های او و آتش کرد
زیر دیگدان تا آنکه جامه های او بوی دود گرفت پس گفتم با او که اگر بروی نزد
خود و طلب کنی از او خدمتکاری خلاص میشوی ازین مشغولیات حضرت
رسالت پناهی صلی الله علیه و آله فرمود که بیاموزم شما را چیزی که بهتر باشد
شما را از خدمتکار هرگاه خواهید خواب کنید سی و چهار نوبت الله
اکبر بگوئید و سی نوبت الحمد لله و سی و سه نوبت سبحان الله حضرت
فاطمه علیها السلام سر خود را بیرون آورد و سه نوبت گفت که راضی و خشنود شدم
از رسول خدا و منقبت از مسموعات سید ناصح الدین ابو البرکات

مشهدی که روایت کرده است ابو خالد قماط که گفت که شنیدم از امام جعفر
صادق علیه السلام که گفت که تسبیح حضرت فاطمه زهرا در عقب هر نماز فریضه
دوست تر است نزد من از هزار رکعت نماز نافله در هر روز و گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که اگر کسی که تسبیح حضرت فاطمه را در عقب هر نماز فریضه
بگوید پیش از آنکه برگرداند پاهای خود را آمرزیده شود و در روایت از امام
موسی کاظم علیه السلام که مومن را می باید که خالی نباشد از پنج چیز مسواک
و شانه و سجاده و تسبیح سی و چهار دانه و انگشتری عقیق و روایت کرده است
ابراهیم بن محمد الثقفی که رشته که تسبیح میکرد فاطمه زهرا با آن از ریشم بود بعدد
تکبیرات و میگردانید آن را بدست خود و تکبیر و تسبیح میگفت تا آنکه سید
شهدا حمزه بن عبد المطلب شهید شد پس حضرت فاطمه علیها السلام از تربت
حمزه تسبیحی ساخت و مردمان نیز چنین کردند چون حضرت امام علیه السلام شهید
شد مردمان تربت حمزه را گذاشتند و از تربت امام حسین علیه السلام
تسبیح ساختند بجهة فضیلت تربت امام حسین علیه السلام مذکور است
از کتاب حسن بن محبوب که پرسیدند از ابی عبد الله علیه السلام
که تسبیح تربت حمزه فاضلتر است یا تسبیح تربت امام حسین علیه السلام حضرت
امام گفت که تسبیحی که از تربت امام حسین باشد تسبیح میگوید در دست کسی اگر چه آن کس
تسبیح گوید و روایت که حور عین گاهی که می بینند که فرشته آسمان بزمین

می آید بجهة کاری میگویند بآن نوشته که تسبیح از تربت امام حسین علیه السلام
برای ما بهدیه بیاور روایت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت که اگر کسی
میخواهد که بیرون رود از دنیا و پاک باشد از گناهان همچو طلای سرخ و هیچ
غش نباشد و مجلس او طلب مظلمه و وبال نکند باید که در نماز نوبتی
ده نوبت قل هو الله بخواند و بعد از آن دست خود را بردارد و بگوید اللهم
انی اسالک باسمک المکنون المخزون الطاهر المطهر المبارک و اسالک
باسمک العظیم و سلطانک القدیم یا واهب العطایا و یا مطلق الاسارى
یا فکاک الرقاب من النار و اسالک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعتق
رقبتی من النار و تخرجنی من الدنیا آمنا و تدخلنی الجنة سالما و ان تجعل
دعائی اوله فلاحا و اوسطه نجاحا و آخره صلاحا انک انت علام الغیوب
روایت که گفت امیر المومنین علی علیه السلام که این دعا که مذکور شد
سریست از اسرار که تعلیم گفته است رسول خدا صلی الله علیه و آله و فرمود
که تعلیم کنم بامام حسن و حسین علیهما السلام دعای دیگر منقولست از حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله روایت که هر که این دعا را در عقب هر نماز فریضه بگوید
محفوظ شود و نفس و سر و مال و فرزند او دعا اینست اللهم اغفر لی ما قدمت
و ما اخرت و ما اسررت و ما اعلنت و اسرافی علی نفسی و ما انت اعلم به
منی اللهم انت المقدم و انت المؤخر لا اله الا انت بعلمک الغیب و قدرتک

علی الخلق اجمعین ما علمت الحیوة خیرا لی فاحینی و توفنی اذا علمت الوفاة خیرا لی
اللهم انی اسالک خشیتک فی السر و العلانیة و کلمة الحق فی الغضب و الرضا و القصد فی الفقر
و الغنا و اسالک نعیما لا ینفد و قرة عین لا تنقطع و الرضا بالقضاء و برد العیش
بعد الموت و لذة النظر الی وجهک و شوقا الی لقائک من غیر ضراء مضرة
و لا فتنة مضلة اللهم زینا بزینة الایمان و اجعلنا هداة مهتدین اللهم اهدنا فیمن
هدیت اللهم انی اسالک عزیمة الرشاد و الثبات فی الامور و الرشد و اسالک
شکر نعمتک و حسن عافیتک و اداء حقک و اسالک یا رب قلبا سلیما و لسانا صادقا
و استغفرک لما تعلم و اسالک خیر ما تعلم و اعوذ بک من شر ما تعلم و لا نعلم
و انت علام الغیوب دعای دیگر روایت که گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که هر کسی که بگوید این کلمات را در عقب نماز فریضه محفوظ شود نفس و مال و فرزند او
دعا اینست اجیر نفسی و مالی و ولدی و اهلی و داری و کل ما هو منی بالله الواحد
الاحد الصمد الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد و اجیر نفسی و مالی و ولدی
و کل ما هو منی برب الفلق من شر ما خلق تا آخر و برب الناس ملک الناس
تا آخر و بالله الذی لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة و لا نوم و هو العلی العظیم
دعای دیگر از مسموعات سید ناصح الدین ابو البرکات که گفت امیر المومنین علی
علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که یا علی در عقب هر نماز فریضه
آیة الکرسی بخوان بدرستی که این کار نکند مگر پیغامبری یا صدیقی یا شهیدی

دعای دیگر روایتست که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که کمترین دعائی
اکتفا توان کرد بدان بعد از نماز فریضه اینست که اللهم صل علی محمد وآل محمد
انا نسألک من کل خیر احاط به علمک ونعوذ بک من شر احاط به علمک اللهم
انا نسألک عافیتک فی اموری کلها ونعوذ بک من خزی الدنیا والآخرة
دعای دیگر روایتست که امام جعفر صادق علیه السلام گفت که جبرئیل علیه السلام
فرود آمد بیوسف علیه السلام وقتی که در زندان بود گفت ای یوسف
بگو در عقب هر نماز فریضه اللهم اجعل لی فرجا ومخرجا وارزقنی من حیث احتسب
ومن حیث لا احتسب دعای دیگر روایتست که ابو جعفر صادق علیه السلام در عقب هر نماز فریضه
میگفت اللهم اهدنی من عندک وافض علی من فضلک وانشر علی من رحمتک
وانزل علی من برکاتک دعای دیگر روایتست از هشام که گفت که آمد نزد
امام موسی کاظم علیه السلام وگفتم با او که فدایت گردم بیاموز مرا دعای مختصر
که فایده دهد مرا در دنیا وآخرت حضرت امام گفت که در عقب هر نماز
صبح تا بر آمدن آفتاب بگو سبحان الله وبحمده استغفر الله واسأله من فضله
گفت هشام که من درویشترین اهل بیت خود بودم چون مداومت نمودم باین دعا
برای من میراث آمد که گمان نمی بردم که میان من واو خویشاوندی بوده باشد وگردیدم
من مالدارترین اهل بیت خود ونیست این مگر بجهة آنچیزی که آموخت
مرا مولای من امام موسی کاظم علیه السلام دعای دیگر بخوان در عقب نماز فریضه

اللهم

اللهم انی اسألک ان تصلی علی محمد وآل محمد واسألک من خیر ما ارجو ومن خیر
ما لا ارجو واعوذ بک من شر ما احذر ومن شر ما لا احذر واو فاتحه وآیة الکرسی
بخوان واین آیه را بخوان که شهد الله انه لا اله الا هو تا آنجا که سریع الحساب
وآیه سخره را بخوان وآیه سخره اینست ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض
فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا والشمس
والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین ادعوا
ربکم تضرعا وخفیة انه لا یحب المعتدین ولا تفسدوا فی الارض بعد
اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا ان رحمت الله قریب من المحسنین وسه
بار بگو سبحان ربک رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین تا آخر
وسه بار بگو اللهم صل علی محمد واجعل لی من امری فرجا ومخرجا وارزقنی من
حیث احتسب ومن حیث لا احتسب یا رب محمد وآل محمد وعجل فرج آل محمد والحق
رقبتی من النار روایتست که هر که این دعا را بخواند در عقب هر نماز فریضه وطلب
نماید باین دعا امتداد زندگانی کند که ملول شود از زندگانی ودعا
اینست اللهم صل علی محمد وآل محمد ان رسولک الصادق المصدق صلوات
علیه وآله قال انک قلت ما ترددت فی شیء انا فاعله کترددی فی
قبض روح عبدی المؤمن یکره الموت واکره مسائته اللهم فصل علی محمد وآل محمد
وعجل لاولیائک الفرج والنصر والعافیة ولا تسؤنی فی نفسی ولا فلانا یعنی

نام هر کسی را که خواهد بگوید دعای دیگر روایت که محاسن خود را بگیرد
بدست راست و دست چپ خود را دراز کند بر وجهی که کف دست بسوی
آسمان باشد و سه نوبت بگوید یا ذو الجلال و الاکرام صل علی محمد
و آل محمد و اجرنی من النار بعد از ان دست راست خود را بردارد و
کف دست را بجانب آسمان کند و سه نوبت بگوید یا عزیز یا کریم یا رحیم
و بعد از ان پشت هر دو دست خود را بسوی آسمان کند و سه بار بگوید
صل علی محمد و آل محمد و فقهنی فی الدین و حببنی الی المسلمین و اجعل لی لسان
صدق فی الآخرین و ارزقنی هیبة المتقین یا الله یا الله یا الله اسالک بحق
من حقه علیک عظیم ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تستعملنی فیما عرفتنی
من حقک فان تبسط من حلال رزقک دعای دیگر بسم الله الرحمن الرحیم
حسبی الله لدینی و حسبی الله لدنیای و حسبی الله لآخرتی و حسبی الله لمن بغی
علی و حسبی الله عند الموت و حسبی الله عند مسألة القبر و حسبی الله عند المیزان
و حسبی الله عند الصراط و حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش
العظیم دعای دیگر و این دعا نیز از دعاهای سر است روایت که گفت
حق سبحانه و تعالی بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله یا محمد اگر کسی که
خواهد که ثواب نماز او مضاعف سازم باید که در عقب هر نماز فریضه
هر دو دست خود را بردارد و بگوید یا عبد الاسرار یا مبین الکتمان

یا شارع الاحکام یا بارئ الانعام یا خالق الانام یا فارض الفرائض و یا
ملزم الدین یا موجب التعبد اسالک بحق ترکیة کل صلواة زکیتها و بحق حرمة کل صلاة ترکتها
و ان تجعل صلوتی هذه زاکیة متقبلة متقبل کما و تغفر لی ما ترکتها و الهمنی
علی حسن المحافظة علیها حتی تجعلنی عمر اهلها الدین و کرمتهم فیها بالخشوع اللهم لک
الحمد کله فلا اله انت فلک الحمد کله بکل حمد انت لی و انت لی التوحید کله فلا اله
الا انت فلک التوحید انت لی و انت لی التکبیر کله فلا اله الا انت فلک
التهلیل کله بکل تهلیل انت لی و انت و لا التکبیر فلا اله الا انت کله
بکل تکبیر انت له و لی و انت لی التسبیح کله فلا اله الا انت فلک التسبیح کله
بکل تسبیح انت له و لی رب صل علی محمد صلواتی هذه و تقبلها زاکیة متقبلة انت
السمیع العلیم بدرستی که وقتی که بخواند این دعا را نماز او مضاعف نوشته شود
در لوح محفوظ روایت کرده محمد بن مسلم که گفت امام باقر یا امام جعفر صادق
علیهما السلام که دعا خواندن در عقب نماز فریضه فاضلتر است از دعا خواندن
در عقب نماز سنت همچنانکه نماز واجب فاضلتر است از نماز سنت و روایت
از امام باقر علیه السلام که دعا خواندن در عقب نماز فریضه فاضلتر است از
گذارکردن نماز سنت روایت کرده است ابو الحسن عسکری از پدران خود
که امیر المومنین علی علیه السلام گفت که اگر کسی که نماز فریضه بگذارد و دعا نماید از
از برای خدا یا برای دعا که در عقب آن نماز کند مستجاب شود در بیان سجده شکر روایت کرده

اسحق بن عمار از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که موسی بن عمران علیه الصلوة والسلام
هرگاه نماز میگذارد و بعد از آن سجده میکرد روی راست خود را بر زمین می نهاد
و گفت ابو جعفر علیه السلام که وحی کرد خدا تعالی بموسی بن عمران علیه السلام
که آیا میدانی که چرا برگزیدم ترا بسخن گفتن نه دیگری را موسی علیه السلام گفت نمیدانم
ای پروردگار من حضرت حق سبحانه و تعالی گفت ای موسی من زیر و رو کردم
بندگان خود را و تفحص و تجسس احوال ایشان کردم نیافتم در میان ایشان
کسی که نفس او ذلیل و شکسته تر باشد از برای من از تو برگزیدم ترا ای موسی زیرا
که وقتی که نماز میگذاری می نهی روی خود را بر خاک و گفت امام جعفر صادق
که وقتی که بنده سجده شکر کند و در سجده گوید یا رب یا رب تا نفس منقطع شود حق سبحانه
و تعالی میگوید لبیک ای بنده من چیست حاجت تو تا برآوردم و روایت
کرده است مرازم که گفت ابا عبد الله علیه السلام که سجده شکر واجب است بر هر مسلمانی
بدرستی که نماز تمام میشود بسبب سجده شکر و خشنود میشود بسبب او پروردگار
و خوشحال میشوند فرشتگان بر بنده هرگاه نماز گذارد و بعد از آن سجده
شکر بجا آورد بر میدارد خدا تعالی حجاب را از میان آن بنده و فرشتگان
و میگوید ای فرشتهای من نظر کنید به بنده من که بجا آورده است آنچه بر او
واجب کرده بودم ادا کرده است عهد مرا بعد از آن سجده شکر میکند بجهت آنکه
نعمتی که باو داده ام چیست جزای این بنده فرشتها میگویند که ای پروردگار ما جزای او

رحمت

رحمت است بار خدا تعالی میگوید که دیگر جزای او چیست فرشتها میگویند
که ای پروردگار ما جزای او کفایت کردن مهمات است و همچنین خدا تعالی
میگوید بفرشتها که جزای آن بنده چیست فرشتگان جواب میگویند تا آنکه هیچ خیر
نمیماند بعد از آن حق تعالی میگوید که ای فرشتگان من چیست جزای این بنده فرشتها
میگویند که ای پروردگار ما نمیدانیم غیر از اینها که گفتیم پس خدا تعالی میگوید جزای
این بنده است که شکر کنم من او را چنانکه شکر گفته او و متوجه او شوم با
فضل و رحمت خود و بنمایم باو دیدار خود را یعنی او را انکشاف تمام حاصل شود
و روایت کرده که علی بن الحسین علیهما السلام در سجده شکر میگفت اللهم ان کنت قد عصیتک
فانی قد اطعتک فی احب الاشیاء الیک وهو الایمان بک منا منک علی لا منا منی
علیک وترکت معصیتک فی ابغض الاشیاء الیک وهو ان ادعو لک ولدا
او ادعو لک شریکا منا منک علیک وعصیتک فی اشیاء غیر وجه مکابرة ولا معاندة
ولا استکبار عن عبادتک ولا جحود لربوبیتک ولکن اتبعت هوای واستزلنی
الشیطان بعد الحجة والبرهان فان تعذبنی فبذنوبی غیر ظالم وان تغفر لی وترحمنی
فبجودک یا ارحم الراحمین و روایت کرده است ابراهیم بن عبد الحمید که گفت امام جعفر
صادق علیه السلام فرمود که هرگاه غمی داشته باشی بگیر سجده کن و چون سر از سجده
برداری دست خود را بر موضع سجده بکش بعد از آن بردار دست خود را
از زمین بروی چپ بالا و بگذران بر پیشانی و بجانب روی راست فرود آر سه بار این

کار کرده بار بکو بسم الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهاده الرحمن الرحیم
اللهم اذهب عنی الهم والحزن در حدیث که اکسی که در سجده شکر بکوید یا رباه یا رباه
یا سیداه تا انکه منقطع شود نفس خدا جواب میدهد او را و میکوید که سوال کن
از من حاجت خود را در حدیث که بعضی از ائمه معصومین علیهم السلام در سجده
میکفتند که سجد لک یا رب یا رب من عقابک سجد لک یا رب خائف
سخطک و بعد از ان میکفتند یا الله یا رباه یا الله یا رباه تا انکه نفس منقطع میشد و بعد از ان
دعا میکردند در حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که کفت که کذشت
رسول خدا صلی الله علیه و اله بمردی و ان مرد در سجده بود و میکفت یا رب
ماذا علیک ان ترضی عنی خصمائی وان تغفر لی ذنوبی وان تدخلنی الجنه
برحمتک فانما عفوک عن الظالمین فلتسعنی رحمتک یا ارحم الراحمین پس کفت
رسول خدا صلی الله علیه و اله بان مرد که بردار سر خود را که دعای تو مستجاب شد که دعا
کردی بدعای پیغمبری که در زمان عاد بود در باب دعای که می باید خواند در وقت خواب کردن
در حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که کفت خدا تعالی دشمن میدارد
خواب کردن بسیار و فراغت بسیار و کفت امام جعفر صادق علیه السلام
خواب بسیار می برد دین و دنیا را و نیز در حدیث امام جعفر صادق علیه السلام که
رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود که خواب اول روز نحوست و خواب میان روز نعمت
است و خواب بعد از عصر حماقت می آرد و خواب میان نماز شام و خفتن

محروم میکرداند

محروم میکرداند از روزی و نیز کفت امام جعفر صادق علیه السلام که هر کسی که وضو بسازد
و بعد از ان جا کند در فراش خود همچنانست که در مسجد بروز آورده باشد
و جای خود و فراش او جای نماز است پس اکر بیاد وضو نه آید که وضو بسازد
که تیمم کند بجای خود آنچه باشد پس اکر چنین کند همچنانست که همیشه در نماز باشد
و ذکر خدا تعالی کوید در حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که کفت که وقتی
که بروی چراغ بیارند بکو اللهم اجعل لنا نورا نمشی به فی الناس ولا تحرمنا نورک
یوم نلقاک اجعل لنا نورا انک نور لا اله الا انت و هر کاه چراغ بمیرد
بکو اللهم اخرجنا من الظلمات الی النور در حدیث از محمد بن مسلم که کفت ابو جعفر
علیه السلام که کسی چون روی خود را بر بالین نهد در وقت خواب که این را
بکوید بسم الله اللهم انی اسلمت نفسی الیک و وجهت الیک وجهی و فوضت امری الیک
والجات ظهری الیک توکلت علیک رهبة منک و رغبة الیک لا ملجا ولا منجا
منک الا الیک امنت بکتابک الذی انزلت و برسولک الذی ارسلت و بعد از ان
تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بکوید و اکسی که در خواب میترسد باید که در وقت
خواب کردن قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی بخواند
در حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام که کفت که قل هو الله احد و قل
یا ایها الکافرون وقت خواب کردن بخوانید بدرستی که قل یا ایها الکافرون امانست
از شرک و کافری و قل هو الله نسبت پروردکار در حدیث از امیر المؤمنین

علی علیه السلام که گفت که شنیدم از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که بر بالای منبر
میگفت که هرکسی که آیة الکرسی را عقب هر فریضه بخواند او را از دخول جنت هیچ
مانع نیست مگر موت پس ملازمت نکند باین مگر صدیق یا عابدی و آنکسی که آیة الکرسی بخواند
وقتی که جا بگیرد در فراش خود جهة خواب ایمن گرداند خدا تعالی او را و همسایه او را
و خانه او را و خانهای که در حوالی اوست و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
که آنکسی که قل هو الله بخواند وقتی که خواب کند در فراش خود صد مرتبه جهة خواب بیامرزد
خدا تعالی پنجاه سال گناه او را و روایت کرده است محمد بن مسلم که گفت امام باقر یا
امام جعفر صادق علیهما السلام که باید که کسی ترک نکند وقت خواب کردن
خواندن این دعا را که اعیذ نفسی وذریتی واهل بیتی بکلمات الله التامات
من کل شیطان وهامة ومن کل عین لامة بدرستیکه این دعا را جبرئیل علیه السلام
تعویذ امام حسن و امام حسین علیهما السلام ساخت و گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که آنکسی که در وقت خواب کردن سه نوبت بگوید الحمد لله الذی علا فقهر الحمد لله الذی
ملک فقدر والحمد لله الذی یحیی ویمیت الاحیاء وهو علی کل شیء قدیر پاک شود از
گناهان همچو آن روز که از مادر زائیده شده است و روایت است از حضرت پیغمبر صلی الله
علیه وآله که آنکسی که سورة الهیکم التکاثر بخواند در وقت خواب کردن ایمن
میشود از عذاب قبر و بیان دعائی که می باید خواند کسی را که بیم رسد در شب و
روایت است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که اگر در شب ترسی برسد ده بار بگو

اعوذ

۱۰

اعوذ بکلمات الله من غضبه ومن عقابه ومن شر عباده ومن همزات الشیاطین
وان یحضرون و روایت دیگر واقع است که برای ترسیدن آیة الکرسی و این آیه را
که اذ یغشیکم النعاس امنة منه وینزل علیکم من السماء ماء لیطهرکم به ویذهب
عنکم رجز الشیطان ولیربط علی قلوبکم ویثبت به الاقدام و این آیه را
که وجعلنا نومکم سباتا وجعلنا اللیل لباسا وجعلنا النهار معاشا و بیان عملی که
می باید کرد کسی را که از دزد می ترسد و روایت است که گفت امیر المؤمنین علی
که وقتی که خواهید که خواب کنید باید که بر پهلوی راست بخوابید و دست
راست خود را در زیر روی راست بنهید و بگوئید بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله صبغة الله علی ملة ابراهیم و دین محمد و ولایة من افترض الله
طاعته ما شاء الله کان و ما لم یشأ لم یکن اشهد ان الله علی کل شیء قدیر هر کسی
که آنکسی که این دعا را بخواند در محل خواب کردن ایمن شود از دزد و از آمدن خانه
بر بالای وی و استغفار کنند فرشتگان از برای آنکسی که قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن
ایاما تدعوا فله الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلاتک ولا تخافت بها وابتغ بین
ذلک سبیلا وقل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له ولی من الذل و
کبره تکبیرا و بیان دعائی که می باید خواند بجهت آنکه محتلم نشود و
روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که وقتی که بترسی از احتلام
چون بکنی در فراش خود بگو اللهم انی اعوذ بک من الاحتلام ومن سوء الاحلام

ومن اثر تلاوات لی الشیطان ثم البقظة والمنام در بیان دعائی که میخواند کسی را
که خواب نمی آید هرگاه که می ترسی از بیخوابی وقتی که جا کنی در فراش خود
بگو سبحان ذی الشان دائم السلطان عظیم البرهان کل یوم هو فی شان و
بعد از آن بگو یا مشبع البطون الجائعة یا کاسی الجنوب العاریة و یا مسکن العروق
الضاربة و یا منوم العیون الساهرة سکن عروقی الضاربة و اذن لعینی
نوما عاجلا در بیان دیگر روایت که بجهة بیخوابی بخوان آیة الکرسی و این آیه را
اذ یغشیکم النعاس امنة منه تا آنجا که و یثبت به الاقدام و این آیه را که و
جعلنا نومکم سباتا تا آنجا که معاشا در بیان دعائی که می باید خواند بجهة آنکه
خانه یا دیواری بر سر کسی نیفتد وقت خواب کردن این آیه را بخوان
ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا و لئن زالتا ان امسکهما من احد من
بعده انه کان حلیما غفورا در بیان دعائی که می باید خواند در وقت بیدار شدن
از خواب روایت از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که هر بنده که در وقت
خواب کردن بخواند آخر سوره الکهف را که قل انما انا بشر مثلکم
یوحی الی تا آنجا که احدا بیدار شود در هر ساعتی که خواهد در بیان
افسون عقرب و گزنده روایت از ابی جعفر علیه السلام که گفت
که هر کسی که این کلمات را بخواند من ضامنم که او را عقرب و هیچ
گزنده نگزد تا آنکه صبح شود و آن کلمات اینست عوذت بکلمات الله التامات

التی لا یجاوز

التی لا یجاوزهن بر ولا فاجر من شر ما ذرا و من شر کل دابة انت آخذ بناصیتها ان ربی
علی صراط مستقیم و دفعی روایت که ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیهما السلام
که نظر میکرد به ستاره که او را سهی میگویند که واقعست در پهلوی یکی از ستاره های
بنات نعش میگفت اللهم رب اسودین اسلم منی کل عقرب و حیة
و گفت که این دعا را سه بار بخواند وقتی نظر کند به سهی از آن شب عقرب او را نزند
او را دعای دیگر روایت که اسحق بن عمار گفت که گفتم به ابی عبدالله علیه السلام
که من میترسم از عقرب آنحضرت گفت که نظر کن به بنات نعش که سه ستاره
در پهلوی آن سه ستاره که در میان واقعست ستاره خورد است که عرب او را
سهی میگویند و ما اسلم میگوئیم نظر کن هر شب بآن ستاره خورد و بگو سه بار
اللهم علی محمد و عجل فرج هم و سلمنا گفت اسحق بن عمار که ترک کردم خواندن
این دعا را در مدت عمر یکبار و گزید عقرب مرا در آن شب در بیان دعائی
که می باید خواند بجهة بیدار شدن نماز شب روایت از امام جعفر صادق علیه السلام
که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که آنکسی که خواهد که برای نماز شب برخیزد
وقتی که خواب میکند باید که بگوید اللهم لا تؤمنی مکرک و لا تنسنی ذکرک و لا تجعلنی
مع الغافلین و اقوام ساعة کذا و کذا یعنی نام برد آن ساعت از شب را که میخواهد
که برخیزد و بدرستی که هرگاه چنین کند خدای موکل سازد با او فرشته را که بیدار کند
او را در دوزخ و او همچنین قارون باشد بجهة آنکه اول کسی که تکبر کرد قارون بود

پس حق تعالی فرو برد اورا و خانهٔ اورا در زمین که تکبر کند برابری میکند با حق تعالی
در جبروت او و آنحضرت گفت که آنکسی که ظلم کند بر زوجهٔ خود باین طریق که
کابین او را ندهد پس زناکرده است آن زن و خدای تعالی در روز قیامت
بگوید باو که ای بندهٔ من تزویج کردم بتو بندهٔ خود را و در عهد خود که آن کابین است
و تو وفا نکردی بعهد من و ظلم کردی بر بندهٔ من پس بگیرد حق حسنات او را
و بآن زن بدهد بقدر حق او پس اگر در احسنات نباشد برابر حق آن زن بفرماید
خدای تعالی که او را بدوزخ برند بسبب آنکه وفا نکرده است بعهد خدای تعالی
منع گردانیدن پوشیدن گواهی و گفت که آنکسی که بپوشد گواهی را حق
تعالی گوشت او را بخوراند او به به درمیان خلایق در روز قیامت و
خدای تعالی منع کرده است پوشیدن گواهی را درین آیه که و لاتکتموا الشهادة
و من یکتمها فانه آثم قلبه یعنی مپوشید گواهی را و آنکسی که بپوشد گواهی را پس
بدرستی که گناهکار است گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که آنکسی
که ایذا کند همسایهٔ خود را حرام گرداند حق تعالی بر او بوی بهشت را و جزای او
جهنم باشد و آنکسی که ضایع کند حق همسایه را پس او از امت من نیست و همیشه
جبرئیل علیه السلام وصیت میکرد مرا به نیکوئی کردن به همسایه تا آنکه گمان بردم
که تعیین خواهد برای آزادی ایشان وقتی که هرگاه آن وقت برسد
آزاد شوند و همیشه وصیت میکرد مرا بمسواک کردن تا آنکه گمان بردم که واجب

بر من مسواک کردن و همیشه وصیت میکرد مرا بگذاردن نماز شب تا آنکه گمان بردم
که بهترین امت من آنکسانند که شب خواب نکنند و عبادت بکنند و آنکسی که
بحقارت نگاه کند بمسلمان که درویش باشد حقیر دانسته است حق خدای تعالی
را و در روز قیامت خدای تعالی بحقارت نظر کند در او مگر آنکه توبه کند و آنکسی
که گرامی دارد مسلمان را که فقیر باشد و اعتبار گیرد از او ملاقات کند
حق تعالی روز قیامت با او خشنود باشد حق تعالی از او و راضی باشد
و آنحضرت گفت که آنکسی که عرض کند بر او کار بدی را و اجتناب کند
از آن کار از ترس خدای تعالی حرام گرداند حق تعالی بر او آتش
دوزخ را و ایمن شود از هول روز قیامت برساند باو آنچه وعده کرده است
در کتاب خود درین آیه که و لمن خاف مقام ربه جنتان یعنی و آنکسی که
بترسد از ایستادن بپیش پروردگار خویش دو بهشت حاصل شد باو بهشت عدن
و بهشت نعیم و آنکسی که عوض کند با دنیا و آخرت را و اختیار کند دنیا را
و بگذارد آخرت را ملاقات کند حق تعالی در روز قیامت او را هیچ حسنه
و ثوابی نباشد که نگاه دارد او را از آتش دوزخ و آنکسی که اختیار کند آخرت را
و ترک کند دنیا را خشنود شود حق تعالی از او و بیامرزد گناهان او را و آنکسی که
بسیار نظر کند در چیزهای حرام پر کند حق تعالی چشم او را در روز قیامت از آتش
مگر آنکه توبه کند و باز گردد و نیز گفته است که آنکسی که مصافحه کند بزن نامحرمی

بغضب خدای تعالی گرفتار شود و آنکسی که در بر گیرد نامحرمی را با شیطان
بند کنند بزنجیری از آتش در روز قیامت و بیندازند او را در دوزخ
و آنکسی که دروغ گوید بمسلمانی در خرید و فروخت پس او از امت من نیست
و حشر کنند او را در روز قیامت با یهود بجهة آنکه یهود دروغگوترین خلق است
با مسلمانان منع کرد از آنکه متاع خانه را بهمسایه بعاریت ندهند چون
دیگ و طبق و مانند آن و گفت که آنکسی که ندهد متاع خانه را بهمسایه خود
منع کند حق تعالی خیر خود را از او در روز قیامت و بگذارد او را با خویشتن پس
چه بد خواهد بود حال او در آن روز و نیز گفت که هر زنی که ایذا کند شوهر
خود را قبول نکند خدای تعالی توبه و اعمال حسنه او را تا آنکه خشنود گرداند
شوهر خود را و اگرچه آن زن تمام روزها روزه دارد و شبها بیداری کشد
و بعبادت مشغولی نماید و بندها آزاد کند و اسبهای خوب بمردم دهد که جهاد
کنند چون شوهر از او راضی نباشد در روز قیامت از میان جماعتی خواهد بود
که اول بدوزخ میروند و همچنین است حال مرد اگر بر زن ظلم کند و آنکسی که طپانچه
بزند بر روی مسلمانی پراکنده خدای تعالی استخوانهای او را در روز قیامت
و حشر کند او را دست و گردن بسته و بیندازد او را بجهنم مگر آنکه توبه کند و آنکسی که
شب کند و اندک کینه برادر مؤمن در دل داشته باشد حق تعالی آن شب را او عوض بود
و صباح نیز در غضب باشد تا آنکه [illegible] و نیز منع کرد آنحضرت از غیبت کردن و گفت که

آنکسی که غیبت کند مسلمانی را باطل شود روزه او و بشکند وضوی او و در روز
قیامت از دهن او بوی بیاید بدتر از بوی مرداری که متأذی شوند از آن
اهل عرصات و اگر بمیرد پیش از آنکه توبه کند پس حلال دانسته است چیزی را که
حق تعالی حرام گردانیده است و نیز گفت که آنکسی که فرو خورد خشمی را و قادر باشد که
بمقتضای خشم خود عمل کند در روز حق تعالی بدهد باو ثواب شهیدی و آنکسی
که غیبت برادر مؤمن بشنود و دفع کند باین طریق که برطرف کند آن غیبت
را دور کند حق تعالی از او هزار نوع بدی در دنیا و آخرت پس اگر بر
طرف نکند آن غیبت را از برادر مؤمن و قادر باشد بر آن گناه هفتاد
برابر گناه کننده منع کرد آنحضرت از خیانت کردن در امانت
و گفت که آنکسی که خیانت کند در امانت و باز ندهد امانت را بصاحبش تا بمیرد
پس او مرده است بغیر دین خود و در روز قیامت حق تعالی با او در غضب باشد
و نیز گفت که آنکسی که گواهی دروغ بدهد سیاه کنند او را از زبان با منافقان
در ته دوزخ و آنکسی که بخرد چیزی را که خیانت کرده باشند که و داند که
که خیانت کرده [illegible] پس او همچو کسی است که خیانت کرده است و آنکسی که
نگاه دارد چیزی از حق برادر مؤمن و فاش کند راز او گویا او گفته است آن
خبر را [illegible] برادر مؤمن و آنکسی که محتاج باشد و قرض طلبد از برادر مؤمن
و او قادر باشد بر قرض دادن و ندهد حرام گرداند خدای تعالی برو

بوی بهشت را و آنکسی که صبر کند بر بدخلقی زن خود و طمع ثواب کند بدهد خدای تعالی
ثواب آنکسانی که امر خدای تعالی بجا آورده اند و هر زنی که طاقت و مهربانی
نکند شوهر خود و تکلیف کند او را بر چیزی که قادر نباشد حق تعالی قبول نکند از آن
زن حسنه و نیکوئی را در روز قیامت باشد در غضب باشد و آنکسی که تعظیم و اکرام
کند برادر مسلمان را حق تعالی اکرام کند او را و منع کرد آنحضرت از پیش نمازی کردن
برای جماعتی که ایشان و گفت که آنکسی که پیش نمازی کند برای
جماعتی باذن ایشان و ایشان راضی باشند به پیش نمازی او و نیکو بجا آرد قیام
و قرائت و رکوع و سجود ثواب او برابر ثواب تمام آن جماعت باشد و از ثواب ایشان
هیچ کم نشود و نیز گفت که آنکسی که برود به دیدن خویشان و چیزی ببرد برای ایشان
بجهت صله رحم بدهد حق تعالی باو ثواب صد شهید و بعدد هر گامی چهل حسنه
و محو کند از نامه اعمال او چهل هزار گناه و بلند گرداند مرتبه او را چهل هزار درجه
و چنان باشد که عبادت کرده باشد حق تعالی را صد سال در حالی که صبر کند
و طالب ثواب باشد و آنکسی که برآورد حاجت نابینائی را از حاجتهای دنیا
و برود از برای حاجت او تا برآورده شود نگاهدارد حق تعالی او را از نفاق
و از آتش دوزخ و برآورد هفتاد حاجت او را از حاجتهای دنیا و همیشه در رحمت حق تعالی
باشد تا آنکه باز گردد و آنکسانی که یکشبانه روز بیماری کشند و شکایت نکنند
از آن بیماری نزد آنهائی که او را عیادت کنند حشر کند حق تعالی او را روز قیامت

با ابراهیم خلیل الله علیه السلام و بگذرد چون برق لامع و آنکسی که سعی کند برای حاجت
بیماری خواه آن حاجت برآورده شود خواه نشود پاک شود از گناهان مانند
باشد همچو روزی که از مادر متولد شده است گفت مردی از انصار که
یا رسول الله پدر و مادر فدای تو باد پس اگر آن بیمار از اهل بیت او
بوده باشد آیا ثواب او بیشتر است آنحضرت گفت بلی و آنکسی که ببرد از
برادر مومن اندوهی از اندوههای دنیا ببرد حق تعالی از وی هفتاد و دو اندوه
از اندوههای آخرت را و هفتاد و دو اندوه از اندوههای دنیا را که آسانترین
آن اندوهها درد دندان و درد اندرون باشد و نیز گفت که آنکسی که بدید
حق کسی را و قادر باشد بر ادای آن پس هر روز او را گناهی باشد برابر گناه عشار
و آنکسی که تازیانه بیاویزد در میان خود و برود در پیش پادشاه ظالم بگرداند
حق تعالی آن تازیانه را در روز قیامت اژدهائی از آتش که درازی او هفتاد گز
باشد و مسلط گرداند آن اژدها را تا ببرد او را به دوزخ و آنکسی که بدگوئی کند
برادر مومن و تهمت نهد برو باطل گرداند عمل او را و عوض آن گناه بنویسد
و سعی او را قبول نکند و بعد از آن آنحضرت گفت که حق تعالی فرموده است که
حرامست بهشت بر بخیل و بر کسی که منت نهد و بر سخن چین و نیز گفت که آنکسی که
تصدق کند پس بگرداند هر درمی را بدو حق تعالی او را برابر کوه احد از نعمتهای بهشت
و آنکسی که برساند صدقه از قبل کسی بمحتاجی ثواب او برابر ثواب صدقه دهنده باشد و کم نشود

از ثواب صاحب صدقه چیزی و آنکسی که نماز بگذارد در بیتی هفتاد هزار فرشته برای
طلب آمرزش کنند و بیاورد نزد حق تعالی نامی گذشته او را پس اگر توقف نماید
تا آنکه دفن کنند میت را و خاک بریزد بر بالای او بعدد هر قدمی که نهاده
او را برابر کوه احد ثواب باشد و آنکسی که بگرید از ترس خدای بعدد هر قطره که از
چشم او بچکد بدهد خدای تعالی او کوشکی از زبرجد در بهشت چنانکه هیچ چشمی ندیده
و هیچ گوشی نشنیده باشد و بخاطر هیچکسی خطور نکرده باشد و آنکسی که بمسجد رود بجهت
گذاردن نماز جماعت بدهد حق تعالی بعدد هر گامی هفتاد هزار درجه حسنه و بلند
گرداند مرتبه او را هفتاد هزار درجه و اگر بمیرد درین حال موکل گرداند حق تعالی
هفتاد هزار فرشته را که در قبر مونس او باشند در تنهائی و استغفار کنند برای او تا روز حشر
و آنکسی که بانگ نماز گوید برای خدای تعالی بدهد باو ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار
صدیق و شفاعت کند چهل هزار گناهکار را از امت من الی بهشت شفاعت او
ایشان به بهشت برده شوند و وقتی که مؤذن بگوید اشهد ان لا اله الا الله صلوات
بفرستند بر او هفتاد هزار فرشته و استغفار کنند برای او و در زیر سایه عرش باشد
تا آنکه خدای تعالی فارغ شود از حساب خلایق و چون اشهد ان محمدا رسول الله
بگوید چهل هزار فرشته ثواب آن را بنویسند و آنکسی که اهتمام کند که جا گیرد در صف
اول بجهت نماز جماعت و سعی نماید پیش نماز را در تکبیر احرام و ایذائی از او بمسلمانی
نرسد از این جهت بدهد باو بمقدار که مؤذنان بدهد در دنیا و آخرت و آنکسی که [illegible]

وایشانرا با سلاطین بگوید بیامرزید او را در روز قیامت دست در گردن بسته در صحرای
عرصات پس اگر قیام نموده باشد بامور ایشان موافق امر حق تعالی رها کنند او را
و اگر ظلم کرده باشد بیندازند او را در جهنم و نیز آنحضرت گفت که حقیر مشمرید
هیچ بدی را و اگر چه خورد نماید در نظر شما و بسیار مدانید نیکوئی را و اگر چه بزرگ
نماید در چشم شما بدرستی که هیچ چیز بزرگ نیست با استغفار و هیچ گناه خورد
نیست با اصرار گفت شعیب بن واقد که پرسیدم حسین بن زید را از صحت
این حدیث که واقع شده است در باب مناهی پس گفت حسین بن زید که
شنیدم از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که جمع کردم این حدیث را از کتابی که
بخط امیر المؤمنین علی علیه السلام بود و املای حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم

فصل نهم در وصیت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم بامیر المؤمنین علی علیه
السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت ای علی وصیت میکنم ترا پس حفظ کن
این وصیت را که همیشه بخیر خواهی رسید مادام که عمل کنی بوصیت من از برای
آنکسی که فرو خورد خشم را و قادر باشد که بمقتضای خشم خود عمل کند ایمن گرداند حق
تعالی او را در روز قیامت و حفظ کامل نیابد از ایمان خود از برای آنکسی که
وصیت نکند در وقت مردن نقصانی در مروت او باشد و در روز قیامت هیچکس
او را شفاعت نکند ای علی فاضلترین جهاد آنست که کسی صباح برخیزد
و قصد ظلم نکند بکسی و بدان آنکسی که مردمان بترسند از او از اهل او در حست

و نیز بدترین مردمان آنکسی است که آخرت خود را بدنیای خود بفروخته و بدتر از
آنکسی است که آخرت خود را بدنیای دیگری بفروشد [illegible] آنکسی که قبول نکند
عذر کسی را که از گناه خود میگوید خواه او صادق باشد در آن عذر گفتن خواه
کاذب از شفاعت محمد او حق تعالی دوست میدارد دروغ گفتن را
که موجب مصلحت باشد و دشمن میدارد راست گفتن که موجب فساد شود [illegible]
آنکسی که ترک کند شراب خوردن را از ترس غیر خدا تعالی بدهد او را خدا تعالی
از شراب بهشت امیر المؤمنین علی علیه السلام گفت یا رسول الله با وجود آنکه
ترک کند از ترس غیر خدا تعالی باو از شراب بهشت میدهد آنحضرت فرمود بلی
میدهد بحق خدا بجهة آنکه حفظ نفس خود میکند پس خدا تعالی او را امرزد و نیز
آنکسی که شراب میخورد حق تعالی نماز او را قبول نکند تا چهل روز
پس اگر در اثنای این چهل روز بمیرد کافر مرده است [illegible] هر چیز که مست کننده است حرامست
و آن چیزی که از بسیاری آن مست کند اندکی از آن حرام است و نیز گردانیده است
حق تعالی همه گناهان او را در خانه و کلید آن خانه شراب خوردن است و نیز کسی
که شراب میخورد میگذرد برو ساعتی که خدا را نشناسد [illegible] آنکسی که فایده نگرفت
از دین و دنیای خود چیزی نیست نزد او مصاحبت او نیز نزد او نیست که در
مومن هشت خصلت باشد تمکین و وقار وقت فتنه و آشوب و صبر در بلا
و شکر در عافیت بجهة آنچه حق تعالی روزی او کرده است و ظلم نا کردن بدشمنان و دشمنی نا کردن با

بدو بپسندد بر بدن او و مشفق باشد و خود را بنماید و در راحت باشند و نیز دعای چهار کس
رد نمیشود دعای پادشاه عادل و دعای پدر در حق فرزند و دعای مومن در
حق برادر مومن غائبانه و دعای مظلوم در حق ظالم بدرستی که حق تعالی
بمظلوم میگوید که بعزت و جلال خودم که انتقام ترا خواهم کشید از ظالم و اگر چه
بعد از مدتی باشد و نیز هشت کس را اگر اهانتی برسد ایشان را باید که ملامت نکنند
مگر خود را کسی که بمهمانی رود که نطلبیده باشند او را بمهمانی و کسی که بمنزل
کسی برود و حکم کند بر صاحب خانه و کسی که طمع نیکوئی داشته باشد از دشمنان
و کسی که طلب چیزی کند از بخیلان و ناکسان و کسی که دخل کند میان دو کس
در جائی که مطلع شود بر سری که در میان ایشانست و ایشان نخواهند
که مطلع شود بر آن سر و کسی که اعتباری نگیرد از سلطان و کسی که بنشیند در جائی
که لایق آن جا نباشد و کسی که سخن گوید بکسی که سخن او را گوش نکند و نیز روایت
هست هر کسی که سخن فحش گوید دلی شرم باشد و باکی نداشته باشد از آنچه
میگوید و نیز خوشحال کسی که عمر او دراز باشد و عمل کرده باشد و نیز مزاح
مکن که می برد آبروی ترا و دروغ مگو که می برد نور ترا و دور دار خود را
از دو خصلت دلتنگی و کاهلی بدرستی که دلتنگ شوی صبر نکنی بر حق و اگر
کاهل شوی ادا نکنی حق را و نیز هر گناهی توبه دارد مگر کج خلقی بدرستی که کسی
که کج خلق باشد هر گاه توبه کند از گناهی گناه دیگر حاصل میشود او را بجهة

کج خلقی و نیز چهار کس اند که زود عقوبت می یابند کسی که احسان و نیکویی
کرده باشند با او و او حرمت بکسی نمی کند و کسی که تو با او دشمنی نکنی و او دشمنی
کند و کسی که با او عهد کرده باشی در چیزی و تو بعهد خود وفا کنی و او بعهد خود وفا
نکند و کسی که با او صله رحم تو بجا بیاوری و بیان آنکسی که مستولی شود بر او
دلتنگی و راحت از او دور شود و نیز دوازده خصلت است سزاوار است
که مسلمان باشد چهار از آن خصلتها واجب و چهار سنت است
و چهار ادب اما آن چهار که واجب است آنست که بداند که آنچه میخورد حلال است
یا حرام و بسم الله بگوید پیش از طعام خوردن و شکر نعمت بگوید و راضی باشد بآنچه
حق تعالی باو داده است اما آن چهار که سنت است نشستن است بر پای
راست و چیزی خوردن به سه انگشت و چیزی خوردن از پیش خود و لیسیدن
انگشتان و اما آن چهار که ادب است لقمه را خرد برداشتن و بسیار
خائیدن و کم نظر کردن در روی مردمان در وقت طعام خوردن و
شستن دستها و نیز حق تعالی آفریده بهشت را از خشت طلا و نقره و کرده است
دیوارهای او را از یاقوت و سقف او را از زبرجد و سنگ ریزهای او را از
مروارید و خاک او را از زعفران و مشک و بعد از آن گفت بهشت را که سخن
کن بهشت گفت لا اله الا هو الحی القیوم قد سعد من یدخلنی یعنی براستی که نیکبخت است
کسی که داخل میشود در من گفت خدا تعالی که بعزت و جلال من که نمیرود در بهشت کسی که

که دایم شراب خورد و کسی که سخن چینی کند و کسی که دیوث بی غیرت باشد و کسی که
مخنث باشد و کسی که قبر مردم را نبش کند و بدتر کسی که [illegible]
و کسی که صله رحم بجا نیاورد و کسی که بگوید که نیکی و بدی از پیش خدا است [illegible]
که کافر شد از امت من و دو کس اند کشنده مردمان ناحق و ساحر و دیوث
و جماع کننده مرد و زنی که بر روی حرام جماع کنند و چهار پا باشد و آنکسی که نکاح
کند زنی را که محرم او باشد و کسی که سعی کند در فتنه و کسی که سلاح بفروشد بکافران
و کسی که زکوة ندهد که تواند که حج کند و بمیرد و حج نکرده باشد و نیز مهمانی
نباشد مگر در پنج وقت در وقت عروسی و تولد فرزند و در وقت ختنه کردن
فرزند و در وقت خریدن منزل و در وقت آمدن کس از حج و نیز سزاوار نیست
عاقل را مشغول کردن مگر بجهت سه چیز کارسازی برای معاش یا بجهت لذت در چیزی
که حرام نباشد و نیز سه چیز است که از مکارم اخلاق است در دنیا و آخرت
عفو کردن از کسی که ظلم کند بر تو و حلم نمودن در گذرانیدن از کسی که بدی
او بی کند نسبت بتو و صله رحم بجا آوردن با کسی که قطع صله رحم کند از تو و
نیز غنیمت دان چهار چیز را پیش از چهار چیز جوانی را پیش از پیری و صحت
پیش از بیماری و توانگری را پیش از درویشی و زندگی را پیش از مردن
و نیز مکروه است از همه چیز نزد خدای کار عبث کردن در نماز و منت بر مهمانی
در صدقه و جنب بمسجد رفتن و خنده کردن در گورستان و بر آمدن بام خانها

بچه نگاه کردن در سراهای مردم و نظر کردن بفرج زنان بچه انکه کوری می آورد
فرزند را و سخن کردن در وقت جماع بچه انکه فرزند گنگ میشود و خواب کردن
میان شام و خفتن بچه انکه محروم میسازد کسی را از روزی و غسل کردن
در جای که حایلی نباشد میان او و آسمان و در آمدن بگورهای لنگ بچه در آب
فرشتها ساکن‌اند و رفتن بحمام ننالنگ و سخن گفتن میان اذان و اقامت
در نماز صبح و در کشتی نشستن در وقت طوفان و آشوب دریا
و خواب کردن در بامی که محجر نداشته باشد روایت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که آنکسی که خواب کند در بامی که محجر نداشته باشد پس او خود را در معرض هلاکت
انداخته است و دور شده است از حفظ و امان خدا تعالی و نیز مکروه است
نزد خدا تعالی از جهت خواب کردن در خانه تنها و جماع کردن با زن خود
در وقت حیض پس اگر این کار بکند فرزندی که حاصل شود جذام یا برص
داشته باشد باید که ملامت نکند مگر خود را و نیز مکروه است سخن با کسی که جذام داشته
باشد مگر آنکه میان او و آنکسی که جذام دارد یک گز فاصله باشد روایت
آنحضرت که بگریزید از کسی که جذام داشته باشد همچنانکه میگریزید از شیر
و نیز مکروه است جماع کردن با زن خود با احتلام و پیش از غسل پس اگر چنین
کند فرزندی حاصل آید دیوانه باشد باید که ملامت نکند مگر خود را و نیز مکروه است
بول کردن بر کنار جوی روان و حدث کردن در زیر درخت خرما که خرما بدهد

وایستاده نعلین در پا کردن و در آمدن بخانه تاریک و آمدن بی چراغ و نیز
آفت بزرگ و فضایل افتخار و تکبر است بیان کسی که از خدا میترسد همه
چیز از وی میترسند و آنکسی که از خدا نمی‌ترسد می‌ترساند حق تعالی او را از همه چیز
و نیز نماز هشت کس قبول نیست بنده که گریخته باشد از صاحب خود تا وقتی که
باز گردد و بیاید نزد صاحب خود و زنی که نافرمانی کند شوهر خود و شوهر از و
راضی نباشد و بادور عقب باشد و که زکوة ندهد و کسی که ترک وضو کند و
زنی که برهنه نماز کند از روی و پیش نماز جماعتی که به پیش نمازی او راضی نباشند
و کسی که مست باشد و کسی که بول یا غایط را نگاه دارد و مشغول شود و به نماز
بیان چهار چیز است که در هر که باشد بنا کند حق تعالی خانه برای او در بهشت نجات دهنده
و رحم کردن بر ضعیف و شفقت و مهربانی کردن به پدر و مادر و مدارا و ملایمت
کردن بمملوک خود بیان آنکسی که بجا آورد چیزی را که واجب کرده است
حق تعالی بر وی او عابدترین مردمانست و آنکسی که قناعت کند بانچه حق تعالی
روزی او کرده است او توانگرترین مردمانست و آنکسی را که این سه صفت است
او فاضلترین مردمانست نزد حق تعالی و نیز سه چیز است که نتوانند هیچکس از جهت
از ان بجا آوردن برادر داشتن برادر مومن را در مال خود یعنی مضایقه با برادر مومن نکند
در مال خود و انصاف دادن نسبت بمردمان و در همه چیز و یاد کردن حق تعالی را
در همه حال و یاد کردن خدا تعالی را این نیست که کسی بگوید سبحان الله و الحمد لله

ولا اله الا الله والله اکبر ملک این نیست که هرگاه خواهد که حرامی بکند یاد حق تعالی
بکند و بترسد از حق تعالی و ترک آن کند دیگر سه کس اند که اگر از روی انصاف
با ایشان سلوک کنی بتو ظلم میکنند تا پس از وجه تو خدمتگار رو و سه کس اند که
انصاف نمی یابند از سه کس آزاد از بنده و عالم از جاهل و قوی از ضعیف
دیگر هفت چیز است که در هر که باشد ایمان او کامل است و درهای بهشت برای او
گشوده میشود وضوی کامل ساختن و نیکو نماز گزاردن و ادا کردن مال زکوة
و فرو خوردن خشم و نگاه داشتن زبان و استغفار کردن از گناه و نصیحت کردن
اهل بیت خود را دیگر لعنت کرده است حق تعالی سه کس را کسی که تنها بخورد
توشه راه را و کسی را که تنها برود به بیابان و کسی را که تنها خواب کند در خانه دیگر
سه چیز است که بیم آن هست که سبب دیوانگی شود غایط کردن میان گورستان
و راه رفتن بااین طریق که موزه داشته باشد و یک پای دیگر برهنه باشد و
تنها خواب کردن در خانه دیگر سه چیز است که نیکوست دروغ گفتن در آنها
دلیری کردن با دشمن در جنگ و وعده کردن با زوجه و اصلاح کردن میان
مردمان دیگر سه چیز است که میراند دل را نشستن با مرده نشستن با توانگران و سخن گفتن
با زنان دیگر سه چیز است از حقیقت ایمان نفقه کردن در حالت درویشی و تنگی
و انصاف دادن از نفس خود بمردمان و تعلیم کردن علم بکسی که طلب علم کند
سه چیز است که در هر که نباشد ناقص است عمل پرهیزکاری که منع کند او را

از گناه

از گناه و خلقی که مدارا کند با مردمان و حلمی که تحمل کند از جاهلان دیگر سه چیز است
که سبب فرح مومن میشود در دنیا ملاقات کردن برادران مومن و روزه گشودن
و نماز تهجد کردن در آخر شب و منع میکنم ترا از سه خصلت حسد و حرص
دیگر چهار خصلت است که نشانه شقاوت است اشک نیامدن از چشم
وقتی که خواهد که بگرید و سخت دل بودن و طول امل و آخرت دیگر سه چیز است
که موجب کفارات گناهان است در آخرت و سه چیز است که موجب هلاک است در
آخرت و سه چیز است که موجب نجات است در آخرت اما آن سه چیز که موجب
رفع درجات وضوی کامل ساختن است در سرماهای سخت و
انتظار نماز کشیدن است بعد از نماز و شب و روز رفتن است
بنماز جماعت و اما آن سه چیز که موجب کفاره گناهانست سلام کردن بهمه کس را
و طعام دادنست و نماز تهجد گذاردن وقتی که مردمان در خواب باشند
و اما آن سه چیز که موجب هلاکت است فرمان برداری نفس است و عمل
کردن از روی نفس است و تکبر کردن است و اما آن سه چیز که موجب نجات است
ترس خدا تعالی است در نهان و آشکارا و صرف کردن مال است با عدالت
در وقت توانگری و درویشی و سخن حق است گفتن در حال خشنودی و غضب دیگر
شیر دادن جایز نیست بعد از آنکه فرزند دو ساله شده باشد و یتیم نیست بعد از آنکه
بالغ شده باشد دیگر اگر دو ساله راه باید رفت بجهت نیکویی کردن به برادر در

برود و اگر ثلث فرسخ باید رفت بجهت ملاقات برادر مومن برای خدا برود و دیگری که
اندوهگین باشد وترا طلب کند اگر یک فرسخ و ثلث فرسخ باید رفت برود و دیگر
دو فرسخ باید رفت بجهت یاری دادن مظلوم برود و بر تو باد که همیشه استغفار
دیگر مومن را سه علامت است نماز گذاردن و زکوة دادن و روزه داشتن
و کسی را که خود را بتکلیف بر چیزی میدارد سه علامت است تملق کردن بکسی وقتی که
حاضر باشد نزد آنکس و غیبت کردن وقتی که غایب باشد و شادی کردن
بمصیبت کسی و ظالم را سه علامت است غلبه کردن بکسی که زبون اوست و نافرمانی
کردن نسبت بکسی که مرتبه آنکس زیاده باشد و یاری کردن ظالمان را و اهل دنیا را
سه علامت است کسالت و نشستن و خوشحالی کردن در عبادت وقتی که نزد مردمان
ستایش کنند او را و منافق را سه علامت است دروغ گفتن وقتی که سخن کند
و خلاف وعده کردن وقتی که وعده کند و خیانت کردن وقتی که چیزی امانت
باو بسپرند دیگر نه چیز است که فراموشی می آورد خوردن سیب ترش و خوردن
گشنیز و پنیر و خوردن مانده موش و خواندن آنچه در قبر مینویسند
و ملکقند (?) و راه رفتن میان دو زن و انداختن سپش و حجامت در مغاک
و بول کردن در آب ایستاده دیگر عیش در سه چیز است سرای گشاده و زن
خوش شکل و اسب بادپا (?) دیگر بحق خدای که آنکس که تواضع و فروتنی کند
اگر در ته چاهی باشد حق تعالی او را بیرون آورد و مرتبه او را بلند گرداند از بزرگان

نزد سلاطین

نزد سلاطین دیگر آنکسی که نسبت دهد خود را بغیر پدران خود لعنت کند حق تعالی
او را کسی گفت یا رسول الله بدعت که است آنحضرت گفت که خون ناحق کردن
دیگر مومن کسی است که ایمن باشند از او در مال و خون خود و مسلمان کسی است
که سلامت باشند مسلمانان از دست او و مهاجر کسی است که ترک گناه کرده
باشد و نیز محکم ترین ایمانها ایمان کسی است که دوستی و دشمنی او برای خدا
باشد و نیز هر که فرمان برداری زن خود کند خدای تعالی او را با رو در اندازد در
دوزخ گفت امیرالمومنین علی علیه السلام که یا رسول الله فرمان برداری
کدام است آنحضرت فرمود که فرمان برداری آن است که اذن دهد او را
برفتن حمام و عروسی و تعزیت و پوشیدن جامه های تنک خوب و نیز حق تعالی برده است
بسبب اسلام نخوت و تکبر جاهلیت و کفر را و تفاخر کردن به پدران بدرستی
که مردمان همه فرزندان آدم اند و آدم از خاک است و گرامی ترین مردمان
نزد حق تعالی کسی است که تقوی و پرهیزکاری او بیشتر باشد دیگر حرام است
بهای حیوانی که مرده است و بهای سگ و بهای شراب و آنچه که زن زناکننده
می ستاند زنانی که باد میکنند و آنچه منجم میگیرد و در مال بجهت عملی که میکنند
دیگر آنکسی که بیاموزد علمی را بجهت جدل کردن با سفیهان یا عالمان یا بجهة
آنکه مردمان باو میل کنند پس او در دوزخ است دیگر وقتی که بنده بمیرد مردمان
میگویند که چه چیز مانده است از و فرشتها میگویند که پیش از مردن چه عمل کرده.

و نیز دنیا زندان مومن است و بهشت کافر نیز مردن تحفه راحت مومن است
و حسرت کافر و نیز وحی کرده است حق تعالی بدنیا که خدمت کن کسی را که
خدمت من کند و در مشقت انداز کسی را که خدمت تو کند نیز اگر دنیا برابر بال پشه
ارزیده داشت نزد خدای تعالی شربت آبی از دنیا بکافران نمیداد
و نیز نیست کسی از خلق اولین و آخرین مگر آنکه آرزو خواهد در روز قیامت
و خواهد گفت که کاشکی نمیداشتم از مال دنیا مگر قوتی و بدترین مردمان
که راضی نباشند بقضای حق تعالی نیز ناله مومن که بیمار باشد تسبیح است
و فریاد تهلیل است و خواب کردن بر فرش عبادت است و برگردیدن او
از پهلو به پهلو جهاد است در راه خدا تعالی و اگر صحت یابد از بیماری از همه گناهان
پاک میشود نیز اگر هدیه بیارند برای من پاچه گوسفندی قبول میکنم و اگر
بطلبند مرا بطعامی که سردست گوسفند باشد قبول میکنم و نیز نیست بر زنان
نماز جمعه و نماز جماعت و بانگ نماز و عیادت بیمار و در عقب جنازه رفتن
و تند رفتن میان صفا و مروه و در بر گرفتن حجر الاسود و سر تراشیدن در حج
و قاضی شدن و مشورت کردن با ایشان و ذبح کردن حیوانات مگر بضرورة
و بلند گفتن لبیک اللهم لبیک در حج و رفتن بزیارت قبور و شنیدن خطبه
و وکیل شدن در نکاح و بیرون رفتن از خانه شوهر بی اذن او لیکن اگر بیرون رود
بی اذن شوهر لعنت کند خدای تعالی و جبرئیل و میکائیل و چیزی دادن بکسی

از خانه شوهر بی رخصت او سبب گناه رانیدن در حالی که شوهر با او در غضب باشد
و اگر چه آن شوهر بر او ظلم کرده باشد نیز اسلام برهنه است و لباس و پوشش او
حیات است و زینت او وفات است و مروت او عمل صالحت و ستون او
پرهیزکاری است و هر چیزی را اساسی و بنیادیست و اساس اسلام دوستی
اهل بیت است نیز کج خلقی شوم است و فرمان برداری زن موجب عذاب
و پشیمانیست نیز اگر شومی در چیزی می بود در زبان زنان می بود نیز
نجات یافته اند زنهایی که کابین و مال ایشان کم است و رستگاری نیافته اند
کسانی که کابین و مال ایشان بسیار است و اسباب طلاق بسوی ایشان بسیار
بیان یکسی که دروغ به بندد بر من عمداً جای او در دوزخ خواهد بود و نیز
سه چیز است که زیاده میکند حافظه را و می برد بلغم را شیر خوردن و مسواک کردن
و قرآن خواندن بیان مسواک کردن سنت است و پاک میکند دهن را
و روشن میکند چشم را و خوشنود میکند پروردگار را و سفید میکند دندان را
و می برد بوی دهن را و محکم میکند گوشت بیخ دندان را و اشتهای طعام
می آورد و می برد بلغم را و زیاده میکند حفظ و مضاعف میکند حسنات را
و خوشحال میسازد فرشتهها را بیان خواب که ان بر چهار نوع است پشت
خوابیدن و این طریق خواب کردن پیغمبران است علیهم السلام و جانب راست
خوابیدن و این طریق خواب کردن مومنانست و جانب چپ خوابیدن و این طریق خواب کردن

و کافران و منافقان و برو خوابیدن و این طریق خواب کردن شیاطین است
حق تعالی هر پیغمبری که فرستاد ذریت و فرزندان او را از پشت او کردانید
ذریت مرا از پشت تو و اگر تو نبودی مرا ذریت نمی بود دیگر چهار چیز است که
از جمله چیزهایی است که میشکند پشت آدمی را فرمان برداری پادشاهی که نا
فرمانی حق کند و خیانت کردن زنی که شوهر محافظت و رعایت احوال او
و درویشی و فقیری که هیچ علاجی نداشته باشد و بدی همسایه در جائی که لازم شود
بسر بردن در آنجا دیگر عبد المطلب پیش از زمان اسلام پنج سنت نهاد که
جاری گردانید حق تعالی آن سنتها در اسلام یکی آنکه حرام گردانید زن پدر را بر پسر
پس فرستاد حق تعالی این آیه را که ولا تنکحوا ما نکح اباؤکم من النساء یعنی نکاح
میکنید و بزنی نخواهید زنانی را که پدران شما نکاح کرده اند دوم آنکه گنجی یافت
بیرون کرد از آن گنج و داد به مستحق پس حق تعالی فرستاد این آیه را که و اعلموا
انما غنمتم من شیء فان لله خمسه و للرسول و لذی القربی و الیتامی و المساکین
و ابن السبیل ان کنتم آمنتم بالله و ما انزلنا علی عبدنا یوم الفرقان یوم التقی
الجمعان و الله علی کل شیء قدیر یعنی بدانید مومنان که هر غنیمتی که گرفته اید
از کافران به درستی که مر خدا راست پنج از آن و مر رسول را و مر خویشان
رسول را و از اهل اسلام یتیمان و مسکینان پس خمس که فقیر باشند و درویشان را
از اهل اسلام و مسافران مسلمان پس خمس ... اگر شما ایمان آورده اید

بخدا تعالی

بخدا تعالی و آنچه میفرستادیم بر بنده خود که محمد است از آیات در روز
جدا شدن حق از باطل که آن روز بدر بود در روزی که ملاقات کردند مسلمانان
با کافران بجهت جنگ و خدای تعالی بر همه چیز قادر است سوم آنکه
چون کند چاه زمزم را آن چاه را سقایة الحاج نام کرد حق تعالی فرستاد
این آیه را که اجعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام کمن آمن بالله و الیوم الآخر
و جاهد فی سبیل الله لا یستون عند الله والله لا یهدی القوم الظالمین
یعنی آیا میدارید این کار را که آب میدادند حاجیان را و عمارت کردند مسجد حرام را
همچو آنکسی که ایمان آورده اند بخدا تعالی و جهاد کرده اند در راه خدا برابر نیستند
این دو قوم نزد خدا تعالی و خدا راه نمی نماید گروه ظالمان را چهارم آنکه دیت
خون را صد شتر گردانید پس جاری گردانید حق تعالی این را در اسلام پنجم آنکه
در طواف عدد معین نبود در میان قریش پس عبد المطلب هفت عدد
تعیین کرد پس خدا تعالی جاری گردانید این را در اسلام و گفت عبد المطلب قمار
نباخت و بت نپرستید و نخورد مردار را که کافران ذبح کردند بنام بتان
خود و گفت که من بر دین پدر خود ابراهیم علیه السلام و گفت بهترین مردمان
از روی ایمان و بزرگترین ایشان از روی یقین آن قومند که در آخر زمان
ایمان آورده باشند با وجود که بشرف ملازمت پیغمبر نرسیده باشند و صاحب آن را
غایب باشند دیگر سه چیز است که سیاه میسازد دل را شنیدن سماع و ...

بطریق لهو و رفتن بدرخانهٔ سلاطین دیگر نماز نگذارد و بر پوست شیر و حیوانی که
گوشت او را نتوان خورد و نماز در ذات الجیش و ذات الصلاصل و ضجنان
ذات الجیش نام موضعی است در راه مکه دیگر حلال است از تخم مرغها آنچه
یک طرف او باریکتر باشد از طرف دیگر و حلال است از ماهی آنچه فلوس دارد
و حلال است از مرغها آنچه در وقت پریدن بالهای خود را بسیار بجنباند و حلال است
از مرغها که در آب می باشند آنچه سنگدان و خار دارد دیگر هر درنده
که دندان نیش دارد و هر مرغی که چنگال آورنده دارد حرام است بیان درخت
بریدن روا نیست بجهت دزدی خرما از درخت و بجهت دزدی میوه درخت خرما
دیگر نیست بر مرد زناکننده کابین آن زن و حد نیست بر کسی که بجهت
طلب زنا کند از زنی و شفاعت نیست در حد زنا و سوگند نیست در قطع رحم
و سوگند نیست پدر را با فرزند خود و فرزند را با پدر خود و زن را با شوهر خود
و بنده را با مالک خود و صوم صمت حرام است و صوم صمت آنست که کسی نیت کند
که روزه بدارد و خاموش باشد و سخن نگوید و صوم وصال حرام است
و صوم وصال آنست که دو روز روزه بدارد ولی و شب افطار نکند
و اعرابی که هجرت کرده اند از مکه بمدینه جایز نیست ایشان را بمواضع خود
که در صحرا داشته باشند بروند و وطن سازند و نیز نمی باید گشت پدر را
بجهت آنکه پسر خود را کشته باشد دیگر قبول نمیکند حق تعالی دعای کسی را

مسئله

۱۰

دل او غافل باشد دیگر جواب کردن فاضلتر است از عبادت عابد جاهل
دیگر دو رکعت نماز که عالم بگذارد فاضلتر است از هزار رکعت نماز عابد
جاهل که بگذارد دیگر درست نیست که زن روزهٔ سنت بدارد بی اذن
شوهر خود و درست نیست که بنده روزه بدارد بی اذن صاحب خود و همچنین درست
نیست که مهمان روزهٔ سنت بگیرد بی اذن صاحب منزل بیان روزه داشتن
در روز عید رمضان و عید قربان حرام است و روزهٔ وصال حرام است و روزهٔ
صمت حرام است و روزهٔ نذر معصیت حرام است و نذر معصیت
آنست که نذر کند که اگر بر فلان معصیت قادر شوم یک روز یا ده روز روزه بدارد
و همیشه روزه داشتن حرام است مسئله در زنا شش خصلت است
سه خصلت در دنیا و سه خصلت در آخرت اما آن سه خصلت که در دنیا است
آنست که می برد صفا و زیبایی را و کوتاه میسازد عمر را و قطع میکند روزی را
و اما آن سه خصلت که در آخرت است بدی حساب است و غضب حق تعالی و همیشه در
دوزخ بودن بیان گناه سود خوردن برابر هفتاد عمل بد است که کمترین
آنها آنست که با مادر خود در خانهٔ کعبه زنا کند دیگر یک درهم از سود زر گناه او
زیاده است نزد حق تعالی از هفتاد زنا که کرده باشد در خانهٔ کعبه بزنی که
محرم او باشد بیان آنکسی که نگاه دارد نیم دانگ از زکوهٔ خود و ندهد به اهل استحقاق
و مومن مسلمان نیست و اول اکرامی نزد حق تعالی نیست بیان آنکسی که

زکوة نده طلب کند از حق تعالی وقت مردن از روی حسرت که باز گرداند اورا
بدنیا تا انکه زکوة بدهد و موید این است که این آیه که حتی اذا جاء احدکم الموت
قال رب ارجعون لعلی اعمل صالحا فیما ترکت کلا انها کلمة هو قائلها و من
ورائهم برزخ الی یوم یبعثون یعنی تا وقتی که بیاید یکی از ایشان را مرگ بگواهی خود
دانا کرده و مرگ را معاینه به بیند و آثار عذاب مشاهده کند بگوید از روی حسرت
که ای پروردگار من باز گردان مرا بدنیا شاید که عمل صالحی بکنم در انچه که ترک
کرده ام حاشا که باز گردانند بدرستی که درخواست سخنی است که بجهة غلبه حسرت
بر زبان میگوید و از پیش مشرکان چیزی هست که مانع است از بازگشتن ایشان که
ان قبر است و در انجا خواهند بود تا روز حشر خبر کسی که حج نکند و قدرت داشته
باشد کافر است زیرا که حق تعالی فرموده است که ولله علی الناس حج البیت
من استطاع الیه سبیلا و من کفر فان الله غنی عن العالمین یعنی خدا راست
بر مردمان قصد خانه کعبه هر که توانائی دارد که برود و هر که قبول نکند واجب بودن
حج را کافر است بدرستی که خدای تعالی بی نیاز است از همه عالمیان و بیان
انکسی که تاخیر کند در حج کردن و قدرت داشته باشد و حج نکند و بمیرد حق تعالی
برانگیزد او را در روز قیامت یهودی یا نصرانی خبر صدقه رد میکند بلای را
که مقدر باشد خبر صله رحم زیاده میکند عمر را یا علی در وقت طعام خوردن
افتتاح کن بنمک بدرستی که در وی شفاست از هفتاد درد خبر در قیامت

وقتی که در مقام محمود باشم شفاعت خواهم کرد پدر و مادر و عم خود را اگر کافر
کرده باشند و شفاعت برادران خود را که در زمان جاهلیت بوده اند خبر
من فرزند دو کسم که میخواستند ایشان را قربان کنند و یکی اسمعیل است
و دیگری عبدالله که پدر من انحضرت بود و انکسم که دعای پدر من ابراهیم
در حق من مستجاب شد خبر عقل چیزیست که بسبب ان کسی بهشت میرود
و بسبب ان کاری میکند که موجب خشنودی پروردگار میشود خبر اول چیزی که
حق تعالی افرید عقل است چون حق تعالی عقل را افرید گفت بعقل که رو باینجانب
کن عقل رو باینجانب کرد و بعد از ان گفت پشت باینجانب کن عقل پشت باینجانب
کرد پس گفت بعقل که بعزت و جلال من که نیافریدم چیزی را که دوست تر باشد
نزد من از تو بسبب تو قبول میکنم طاعت را و بسبب تو می بخشم چیزها را
و بجهة تو ثواب میدهم و بسبب تو عقاب میکنم خبر صدقه بدیگری نمی باید داد
وقتی که خویشان کسی محتاج باشند خبر یکدرم که صرف شود در رنگ کردن محاسن
ثواب ان بیشتر است از هزار درهم که در راه خدا صرف شود و در رنگ کردن
چهارده خصلت است میبرد باد را از گوش و روشن میکند چشم را و نرم میسازد
دماغ را و خوشبوی میکند دهن را و محکم میکند گوشت بیخ دندان را و می برد بوی
بلغم را و کم میکند وسوسه شیطان را و خوشحال میکنند فرشتهها را و شاد میشوند
بجهة رنگ کردن مومنان و خشمناک میشوند کافران و زینت است و سنت است

دشمن میکند منکر و نکیر و خلاص میکند از عذاب قبر دیگر چیزی نیست در سختی که
بآن عمل کنند و چیزی نیست در صورت نیکوئی صفات نیکو و چیزی نیست در مال که
و چیزی نیست در یار بی وفا و چیزی نیست در بازار ایشان از حرام بی پرهیزگاری
و چیزی نیست در صدق بی پت و چیزی نیست در زندگانی بی صحبت و چیزی نیست
در وطن بی امنیت و خوشحالی دیگر حرامست از گوسفند هفت چیز خوردن
ذکر و جائی که بول در و جمع میشود و مغز مهرهٔ پشت و غده و سپرز
زهره دیگر مضایقه مکن در چهار چیز در خریدن قربانی و کفن و کرایه راه مکه
دیگر گفت آیا خبر دهم شما را که کی مشابهت بیشتر دارد بمن از شما امیر المؤمنین علی
علیه السلام گفت بلی یا رسول الله آنحضرت گفت که آنکسی که حسن خلق و حلم
بیشتر باشد و نیکوئی بیشتر کند بخویشان خود و انصاف او بیشتر باشد دیگر
وقتی که کسی از امت من در کشتی نشسته باشد ایمن شود از غرق شدن
چون بخواند این آیه را که بسم الله الرحمن الرحیم وما قدروا الله حق قدره
والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما
یشرکون بسم الله مجریها ومرسیها ان ربی لغفور رحیم دیگر ایمن میشوند امت من
ازانده وقتی که بخوانند این آیه را که قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایاما تدعوا
فله الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلوتک ولا تخافت بها وابتغ بین ذلک
سبیلا وقل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له

ولی من الذل وکبره تکبیرا دیگر ایمن میشوند امت من از آنکه خانه یا دیوار بر سر ایشان
بیفتد وقتی که بخوانند این آیه را که ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن
زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا دیگر ایمن میشوند امت من
از غم وقتی که بخوانند این کلمات را لا حول ولا قوة الا بالله لا ملجأ ولا منجا
من الله الا الیه دیگر ایمن میشوند امت من وقتی که بخوانند این آیتها را که ان
ولیی الله الذی نزل الکتاب وهو یتولی الصالحین وما قدروا الله حق قدره اذ
قالوا ما انزل الله علی بشر من شیء قل من انزل الکتاب الذی جاء به موسی نورا
وهدی للناس تجعلونه قراطیس تبدونها وتخفون کثیرا وعلمتم ما لم تعلموا انتم
ولا آباؤکم قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون دیگر آنکسی که بترسد از دزدها
باید که بخواند این دو آیه را که لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص
علیکم بالمؤمنین رؤف الرحیم فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه
توکلت وهو رب العرش العظیم دیگر آنکسی که سرکشی کند چهارپایی او باید
که بخواند در گوش چهارپا این آیه را که وله اسلم من فی السموات والارض
طوعا وکرها والیه ترجعون دیگر آنکسی که درد شکم او درد آب باشد باید که
بنویسد بر شکم او آیة الکرسی را نیز بنویسد آیة الکرسی را بر طرفی و بشوید و بیاشامد
بدرستی که صحت می یابد باذن خدا تعالی دیگر آنکسی که از ساحرها
شیاطین بترسد باید که بخواند این آیه را که ان ربکم الذی خلق السموات

والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا والشمس
والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین ادعوا
ربکم تضرعا وخفیة انه لا یحب المعتدین ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها وادعوه
خوفا وطمعا ان رحمة الله قریب من المحسنین دیگر حق فرزند بر پدر آنست که
او را نام نیکو کند و ادب بیاموزد و موضعی نیک برای او تعیین کند
و حق پدر بر فرزند آنست که پدر را بنام نخواند و در وقتی که با همراه رود و در نشستن پیش نرود
و در نشستن پشت به پدر نکند و با پدر به حمام نرود دیگر سه چیز از وسواس است
گل خوردن و ناخن به دندان چیدن و محاسن به دندان گرفتن دیگر لعنت
کرده است پدر و مادری را که باعث نافرمانی شوند نسبت بخود دیگر
لازم میشود بر پدر و مادر را از نافرمانی کردن بفرزند خود لازم میشود و فرزند را
از نافرمانی کردن پدر و مادر خود دیگر رحمت کناد حق تعالی پدر و مادری را
که باعث نافرمانی فرزند نشوند نسبت بخود دیگر رحمت کناد حق تعالی پدر
و مادری را که باعث شوند فرزند خود را بر نیکویی کردن با ایشان در بیان
آنکسی که اندوهگین سازد پدر و مادر را بدرستی که نافرمانی کرده است با ایشان
در بیان آنکسی که غیبت کنند نزد او برادر مؤمن مسلمان او قدرت داشته باشد
که منع کند و منع نکند فرو گذارد حق تعالی او را در دنیا و آخرت در بیان آنکسی که
نفقه دهد یتیم را از مال خود تا بالغ شود واجب شود او را بهشت البته

در بیان آنکسی که دست بر سر یتیمی بمالد از روی ترحم و شفقت بدهد خدا تعالی
بوی بعدد هر مویی که بر سر یتیم نوری در روز قیامت دیگر هیچ دردی سخت تر
از جهل نیست و هیچ مالی نفع دهنده تر از عقل نیست و هیچ تنهایی بروحشت تر
از عجب و تکبر نیست و هیچ شرف و بزرگی مانند حسن خلق نیست و هیچ
عبادتی مانند تفکر در مصنوعات حق تعالی نیست دیگر آفت سخن گفتن دروغ
گفتن است و آفت علم فراموشی است و آفت عبادت سستی است و آفت جمال تکبر است
و آفت علم حسد است دیگر چهار چیز است که ضایع میکند مال و ملک را و درویش
میسازد کسی را چیزی خوردن در حالت سیری و چراغ روشن کردن در روشنی
روز و زراعت کردن در زمین شوره و چیزی آموختن از کسی که نداند دیگر آنکسی که
فراموش کند صلوات فرستادن را بر من گم کرده است راه بهشت را دیگر
پرهیز از سبک سجده کردن در نماز و مکث نکردن در سجده که در نگ بقدر [illegible] دیگر
منقار خود را بر زمین بجهت برداشتن چیزی و پرهیز از صید شیر دیگر
در آوردن دست تا مرفق در دهن اژدها آسانتر است از چیزی طلبیدن
از مخلوق دیگر نافرمان ترین مردمان نزد خدا تعالی آنکسی است
که بکشد کسی را که خونی او نیست و بزند کسی را که نزده است او را و آنکسی که دوست دارد
غیر خدا تعالی را و رسول خدا را و مهمان را پس کافر شده با آنچه که فرستاده است
حق تعالی دیگر انگشتر در دست راست کردن بدرستی که فضیلت مقربان نزد دیگران

درگاه خداوند گفت امیرالمؤمنین علی علیه السلام که یا رسول الله انگشتر
از چه چیز بسازیم آنحضرت فرمود که از عقیق سرخ بسازید بدرستی که عقیق
سرخ شده است از کوهی که اول اقرار کرده است بوحدانیت حق تعالی و به
پیغمبری من و وصی بودن تو و امامت فرزندان تو و به بهشت رفتن شیعیان
تو و بدوزخ رفتن دشمنان تو دیگر حق تعالی نظر کرد بدنیا پس
برگزید ترا و تفضیل داد ترا بر مردمان عالم باز نظر کرد در دنیا پس برگزید
فاطمه را از دنیا و تفضیل کرد بر زنان عالم یا علی دیدم نام ترا با نام خود
در چند موضع پس بشنو که میگویم بتو یکی آنکه چون رسیدم به بیت المقدس
شب معراج دیدم بر سنگی نوشته لا اله الا الله محمد رسول الله ایدته بوزیره
و نصرته بوزیره یعنی تقویت کردم و یاری دادم محمد را بوزیر او پرسیدم
از جبرئیل علیه السلام که کیست وزیر من جبرئیل گفت علی ابن ابی طالب ع
دیگر آنکه چون رسیدم بسدرة المنتهی نوشته یافتم بر وی انی انا الله لا اله
الا انا وحدی محمد صفوتی من خلقی ایدته بوزیره و نصرته پرسیدم از جبرئیل که
وزیر من کیست گفت علی بن ابی طالب چون گذشتم از سدرة المنتهی و
رسیدم بعرش نوشته یافتم بر ستونهای عرش که انا الله لا اله الا انا وحدی
محمد حبیبی ایدته بوزیره و نصرته بوزیره یا علی آنکه طلب کردم از خدا تعالی
که چند خصلت تو بدهد پس قبول کرد حق تعالی از آنکه اول کسی از قبر بیرون آید

بامن

با من تو باشی دیگر آنکه کسی که ساکن شود با من در علیین تو باشی علیین جای است
بر آسمان هفتم در زیر عرش دیگر آنکه اول کسی که بیاشامد از شراب بهشت
تو باشی بعد از آن گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم بسلمان فارسی
رحمة الله علیه که ای سلمان در بیماری سه خصلت است یاد خدا تعالی میکنی
و دعای تو مستجاب میشود و متمتع و برخورداری تا دارد ترا حق تعالی بعافیت
رسیدن اجل بعد از آن گفت بابی ذر رحمة علیه که ای ابی ذر پرهیز از
طلب کردن از مخلوق بدرستی که موجب خواری و درویشی احتیاج
میشود در دنیا و موجب طول حساب در آخرت یا اباذر زندگانی خواهی
کرد تنها و خواهی مرد تنها و خواهی رفت به بهشت تنها و نیک بخت خواهند شد
بجهة تو قومی از اهل عراق که قیام نمایند بغسل دادن و تجهیز و تکفین و دفن
کردن تو یا اباذر چیزی از کسی طلب مکن و اگر چیزی بتو بدهند قبول مکن بعد از آن
گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم باصحاب که آیا خبر دهم شما که بدترین شما کیست
شما گفتند بلی یا رسول الله آنحضرت گفت که بدترین مردمان آن کسانند
که سخن چینی کنند و جدائی اندازند میان دوستان و عیب مردمان کنند
فصل چهارم در پند دادن حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه وآله ابن مسعود را
رضی الله تعالی عنه گفت عبدالله بن مسعود که روزی رفتیم با پنج کس از اصحاب
بخدمت رسول صلی الله علیه وآله و ما بسیار گرسنه بودیم و مدت چهار ماه بغیر

از آب و سبزی برگ درخت چیزی دیگر نخورده بودیم گفتیم یا رسول الله
تا کی با چنین گرسنه خواهیم بود آنحضرت گفت همیشه چنین گرسنه خواهید بود
مادام که زنده گانی کنید پس شکر بگوئید حق تعالی را بدرستی که من خوانده‌ام
کتابی را که حق تعالی فرستاده است من آن کتابها را که فرستاده است بر پیغمبران
که پیش از من بوده اند پس نیافتم درین کتابها کسی را که به بهشت رود دیگر کسی را
که صابر باشد و نیز حق تعالی فرموده است که انما یوفی الصابرون اجرهم بغیر
حساب یعنی جزا این نیست که داده میشود صبر کنندگان را بیشمار
یعنی اینقدر مزد میدهند بایشان که بحساب شمار در نمی آید و نیز گفته است
اولئک یجزون الغرفة بما صبروا یعنی آن گروه صابران جزای ایشان
بهشت بجهة آنکه صبر کردند بر مشقت و نیز گفته است انی جزیتهم الیوم بما
صبروا انهم هم الفائزون یعنی بدرستی که جزا میدهم ایشان را برانچه صبر
کرده اند برابذا بدرستی که ایشان رسیده کانند بمراد و نیز گفته است
وجزاهم بما صبروا جنة وحریرا یعنی جزا داد خدای تعالی ایشان را بسبب آنکه صبر کرده اند
بوستانی که میوه از آن بخورند و جامه ابریشم بپوشند و نیز گفته که اولئک یؤتون
اجرهم مرتین بما صبروا یعنی این گروه که ایمان آورده بودند بکتاب خدای تعالی
که پیش از قرآن نازل شده بود و ایمان آورده اند بقرآن خبر داده میشوند
دو بار بسبب آنکه صبر کرده اند و ثابت بوده اند بر ایمان خود و نیز گفته است که

ام حسبتم

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة ولما یأتکم مثل الذین خلوا من قبلکم مستهم البأساء
والضراء یعنی آیا می پندارید ای مهاجران که شما به بهشت میروید و حال آنکه
بشما محنت ها که پیش از شما بوده اند یعنی پیغمبران و صدیقان و تابعان
ایشان نرسیده است بایشان سختی و درویشی و بیماری و رنگی گفته است
ولنبلونکم بشیء من الخوف والجوع ونقص من الاموال والانفس والثمرات
وبشر الصابرین یعنی هر آینه می آزمایم شما را بچیزی اندک از بیم
دشمن و گرسنگی قحط و تنگی و نقصان بعد از مالها که بتاراج حادث
رود و نقصان در نفسها به بیماری و ضعف و بیماری و نقصان میوه ها باغات
و اراضی یا مرگ فرزندان که ثمره باغ دل اند و بشارت داده صبر کنندگان را
به بهشت پس گفتیم یا رسول الله صابران کدام اند آنحضرت فرمود که صابران
آنکسانند که صبر کرده اند بر طاعت خدای تعالی و بر بلایا و داند از معصیت
و کسب کرده اند از وجه حلال و با عیال انفاق اند در وقت توانگری و درویشی
و بخشش کرده اند پس اینجماعت رستگارانند و حاجت ایشان برآورده شده است
صابران آنکسانند که دایم بخشوع و وقار و سکینه و فکر باشند و طاعت
و عدل نمایند با مردم و تعظیم کنند از خود مان بنظر عبرت متوجه شوند بچیز ناد
تدبیر کنند در امور و پرهیزکاری نمایند و احسان و نیکویی کنند و خود را
دور دارند از گناه و دوستی و دشمنی ایشان برای خدای تعالی باشد

وادای امانت کنند وعدل نمایند در حکومت واقامت شهادت کنند و یاری نمایند
اهل حق را وعفو کنند از کسی که بر ایشان ظلم کرده است یعنی صابران انکسانند
که مبتلا شوند ببلا وصبر کنند و وقتی که نعمتی بایشان رسد شکر کنند و در حکم کردن
عدل و راستی نمایند و هرگاه سخنی کنند راست بگویند و وقتی که عهد کنند
بان عهده وفا کنند و هرگاه از ایشان بدی بوجود آید استغفار کنند
و هرگاه نیکوئی کنند خوشحال شوند و چون نادانان نسبت بایشان بیجا
بگویند سخن سخت بایشان نگویند و چون بگذرند بچیزی ناپسندیده تحمل
کنند وصابران انکسانند که شب بروز می آورند برای پروردگار خود
سجده کنند بر پای ایستاده یعنی مشغولی می نمایند بنماز و میگویند بمردمان
سخنان نیکو ونیز بحق انکسی که فرستاده را بحق این جماعت که ذکر شد صابرا
انکسی که گشاده است حق تعالی سینه او را برای قبول کلام الله
و فرمان برداری ملک علام چنانچه بعث سید انام علیه الصلوة والسلام
چون کسی است که سینه او از قبول حق تنگ است پس اگر گشاده سینه بروشنی
معرفت است از پروردگار خود یعنی که نور ایمان هرگاه در دل داخل
گشت دل می شود ودل او وسعت پیدا میکند کسی گفت یا رسول الله این گشاده را
علامتی هست انحضرت فرمود که علامت او اینست که میل نکند بدنیا که سرای
غرور است و میل کند باخرت که سرای خلود است ومهیا باشد برای مردن

پیش از رسیدن اجل یعنی کسی که دوری جوید از دنیا کم شود آرزوی او در دنیا
بگذارد دنیا را بدل دنیا حق تعالی فرموده است که یبلوکم ایکم احسن عملا
یعنی دنیا و آخرت را آفریده تا بیازماید شما را و ظاهر شود که کدام یک از شما نیکوتر اند
از روی عمل یعنی کدام از شما زهد او بیشتر است در دنیا بدرستی که دنیا سرای
غرور است و سرای کسی است که او را سرای نیست یعنی اعتبار ندارد و جمع میکند دنیا
را کسی که او را هیچ عقلی نیست بدرستی که بیعقل ترین مردمان انکسی است که طلب دنیا
میکند زیرا که حق تعالی فرموده است اعلموا انما الحیوة الدنیا لعب ولهو وزینة
وتفاخر بینکم وتکاثر فی الاموال والاولاد کمثل غیث اعجب الکفار نباته ثم یهیج
فتریه مصفرا ثم یکون حطاما وفی الاخرة عذاب شدید یعنی بدانید
ای طالبان دنیا که زندگانی دنیا بیهوده و بازیچه است و رنج کشیدن
در طلب متاع دنیا چون لعب طفلان است در بازیهای بیحاصل و تفاخر
میان یکدیگر بحیثیت اجاه و حسابات است و بسیاری مال و فرزندان پس
مثل این دنیا در سرعت زوال و زودی انتقال همچو باران است که بر زمین
بیارد و تخمها که در دست زود بروید و سبز شود پس از روی خوبی
بشگفت آورد مزارعان را آنچه رسته باشد از باران پس خشک گردد
بگاه آفت سماوی یعنی پس ببینی آن گیاه را زرد شده بعد از آن
درهم شکسته و ریزه ریزه شده و در آخرت عذاب سخت است مرانکسی را

در طلب دنیا کند رسید از حق فراموش کند خبر گفته است که وآتیناه الحکم
صبیا یعنی دادیم یحیی را در دنیا وقتی که طفل بود خبر گفته است حق تعالی
موسی را که ای موسی هیچ چیز نیست نزد من حقیرتر از دنیا ای موسی هر گاه که درویشی
بتو روی آورده بگو گناهی کرده بودم که زود عقوبت او بمن رسید خبر حق تعالی
فرموده که ولولا أن یکون الناس أمة واحدة لجعلنا لمن یکفر بالرحمن لبیوتهم
سقفا من فضة ومعارج علیها یظهرون ولبیوتهم أبوابا وسررا علیها
یتکئون وزخرفا وإن کل ذلک لما متاع الحیوة الدنیا والآخرة عند ربک للمتقین
یعنی اگر نه آن بودی که آدمیان یک گروه شوند دنیا بر آخرت برگزیده می گردانیدیم
برای کسی که ایمان نیاورده بحق تعالی مر خانهای ایشان را سقف ها از
نقره و نردبانها که بآن بر آیند آن خانها را بدو خود را بنمایند و مر درهای
خانهای ایشان را از نقره و دریها و تختها که بر آن تکیه کنند و زندگانی دنیا و [illegible]
آخرت نزد پروردگار تو مر پرهیزکارانراست که از دنیا و متاع او اجتناب
نموده اند خبر گفته اند که من کان یرید العاجلة عجلنا له فیها ما نشاء لمن نرید
ثم جعلنا له جهنم یصلیها مذموما مدحورا ومن اراد الآخرة وسعی لها سعیها وهو
مؤمن فأولئک کان سعیهم مشکورا یعنی کسی که خواهد نعمت این جهانرا دهیم
در دنیا آنچه خواهیم از نعمتها بآنکس که خواهیم از طالبان دنیا پس [illegible] کنیم
برای او دوزخ را در آخرت پس در آید بدوزخ در حالتی که مذموم باشد

و دور باشد از رحمت خدای تعالی و هر که خواهد آخرت را و سعی کند برای آخرت
آنچه حق سعی باشد یعنی اعمال نیکو کند در حالی که او مؤمن باشد پس آن گروه
اینها سعی ایشان مشکور باشد که طلب آخرت است و اعمال نیکو و ایمان سعی
ایشان مقبول و پسندیده است نزد خدای تعالی حدیث آنکس [illegible]
بهشت است شتاب میکند در خیرات و آنکس که میترسد از دوزخ ترک
میکند آرزوهای نفس را و آنکسی که انتظار بردن میبرد ترک می کند
لذتها و آنکسی که زهد و پرهیزکاری دارد در دنیا آسان می شود در مصیبتها
خبر خدای تعالی فرموده است زین للناس حب الشهوات
من النساء والقناطیر المقنطرة من الذهب والفضة والخیل المسومة والانعام والحرث
ذلک متاع الحیوة الدنیا والله عنده حسن المآب یعنی داده زینت
برای مردمان دوستی آرزوهای نفس از زنان و پسران و خرمنهای طلا و نقره
و اسپهای نشان خوب و چهارپایان از شتر و گاو و گوسفند و کشت زار
اینها که یاد کرده شد متاع زندگانی دنیاست و نزد خدای تعالی نیکوی
بازگشت خبر [illegible] که خدای تعالی اختیار کرد موسی را بسخن گفتن و از [illegible]
یاد [illegible] وقتی که [illegible] سبزه می [illegible] از [illegible] او از لاغری طلب نکرد و طلب
حق تعالی وقتی که جای گرفته بود در سایه [illegible] گرسنگی از خوراک
حسنه و هم تو از حال نوح علیه الصلوة والسلام [illegible] که او زندگانی

کرد نصد و پنجاه سال چون صباح میشد میگفت که شب نخواهم رسید
هرگاه شب می‌شد میگفت بصباح نخواهم رسید و پوشش او از پشم بود و خوردنی
او آرد جو بود و اگر خواهی خبر از حال داود علیه الصلوة والسلام بتو بگویم که
او خلیفه خدا بود در روی زمین و لباس و پوشش او از پشم بوده خوردنی
او آرد جو بود و اگر میخواهی بتو خبر دهم از حال سلیمان علیه الصلوة والسلام که با وجود
پادشاه روی زمین بود نان جو میخورد و نان سبوس‌ده بمردم میداد و پوشش او
از پشم بود و هرگاه شب میشد دست خود را بر گردن خود دست
میکرد تا صبح و اگر میخواهی خبر دهم بتو از حال ابراهیم خلیل علیه الصلوة والسلام
هر سنتی که لباس او از پشم بود و خوردن او نان جو بود اگر میخواهی ترا از حال
یحیی علیه الصلوة والسلام بتو بگویم هر سنتی که لباس او از لیف خرما بود و خوردنی او
از برگ درختان بود اگر میخواهی خبر دهم ترا از حال عیسی علیه الصلوة والسلام که
حال او عجیب بود میگفت که نان خورش من گرسنگی است و شعار من ترس است
و لباس من از پشم است و چراغ پاهای من است و چراغ من در شب ماهتاب است
و آتشی که بآن گرم میشوم در زمستان آفتاب است و میوه و ریحان من گیاهی که
از زمین می‌روید و خوش میخورند و در صباح و شام هرا چیزی نیست
و با وجود این نعمت در روی زمین غنی‌تر از من کسی نیست که این
همه پادشاهان که بغیران میکشیدند بجهت آن بود که دشمن میداشتند چیزها

۱۰

که خدای تعالی دشمن داشت و حقیر میشمرد و چیزها که حق تعالی حقیر
شمرد و میل میکردند بجهت حق تعالی آزاد دست [illegible] که آن دنیاست حق تعالی
نفخ گفته است انه کان عبدا شکورا و در قرآن میگفته است ابی نوح علیه الصلوة والسلام گفته است که
انه کان عبدا شکورا یعنی بدرستی که نوح بود بنده که او شکر میگفت در همه حال
و از برای ابراهیم علیه الصلوة والسلام گفته است که و اتخذ الله ابراهیم خلیلا یعنی
گرفت خدای تعالی ابراهیم را دوست دارد و از برای داود علیه الصلوة والسلام
انا جعلناک خلیفة فی الارض فاحکم بین الناس یعنی ای داود ما ترا کردانیدیم
خلیفه در روی زمین و از برای موسی علیه الصلوة والسلام گفته است که و کلم الله موسی
تکلیما یعنی سخن گفت حق تعالی با موسی سخن گفتنی بی واسطه و نیز گفته است از برای
موسی که و قربناه نجیا یعنی نزدیک گردانیدیم موسی را بدرگاه قرب در حالتی که
راز گوینده بود با ما و از برای یحیی علیه الصلوة والسلام گفته است که و آتیناه الحکم صبیا
یعنی دادیم یحیی را حکمت و فهم در حالتی که کودک بود و از برای عیسی علیه الصلوة
والسلام گفته است که یا عیسی ابن مریم اذکر نعمتی علیک و علی والدتک اذ
ایدتک بروح القدس تکلم الناس فی المهد وکهلا و اذ علمتک الکتاب والحکمة والتوریة
والانجیل و اذ تخلق من الطین کهیئة الطیر باذنی فتنفخ فیها فتکون طیرا باذنی و تبرئ الاکمه
والابرص باذنی و اذ تخرج الموتی باذنی یعنی ای عیسی ابن مریم یاد کن نعمت مرا که دادم
بتو و مادر تو وقتی که تقویت کردم بجبرئیل علیه الصلوة والسلام تو سخن میگویی با مردم

از روی فصاحت و بلاغت در گهواره دیری و دیگر یاد کن ای حبیبی که چون
آبستن شدم ترا فهم چیزهای معانی و توریت و انجیل دادم که میسازی از گل بصورت
مرغ باذن من پس میدمی در آن صورت که از گل ساخته پس آن
صورت میشود مرغ زنده بفرمان من و از علت بیرون می آوری
کور مادرزاد را و چشم او روشن میکنی و یاد کن که میسازی که کسی را برص دارد
و دیگر بیرون می آوری مردگان را از قبرهای ایشان و زنده میکنی
بحکم من و از روی همه انبیا گفته است که انهم یسارعون فی الخیرات و یدعوننا
رغبا و رهبا و کانوا لنا خاشعین یعنی بدرستی که پیغمبران بودند که می شتافتند
از خیرات میخواندند ما را از روی رغبت بثواب و ترس از عقاب
و بودند ما را فرمانبردار و این همه ریاضتها که پیغمبران میکشیدند
بجهت آن بود که رسانیده بود حق تعالی ایشان را باین قول که و ان جهنم لموعدهم
اجمعین متابعان شیطانست همه ایشان مر دوزخ را هفت درست و هر
متابعان شیطانست و ملایکه ایشان مر دوزخ را هفت درست هر دری
از ایشان ... قسمت کرده شده و ... رسانیده بود ایشان را باین قول
النبیین والشهداء ... پیغمبران ... برای
دعوی ابلاغ ... دعوی ... کرده ...
میان بندگان ... راستی ... نقصان ...

عقب

عذاب ... دوزخ برای کسی است که ترک کنند زینتی و لذتی را که
حلال باشد بر تو باد که زینه ورزی و ترک کنی دنیا را ... کسی که زینه
چیزیست که مباهات میکند حق تعالی بر فرشتها و سبب آن متوجه نمیشود
در رحمت ... زده باشد که جدا نشوند ... از من ...
مجروح باشد انواع ... خوب سوار شده باشند ... و زینت ...
خود را ... زنان زینت ... خود را برای ... کرده باشند
همچون زنان در لباس صورت ایشان ... ظالم باشند و ایشان ...
این است در آخر زمان ... شراب میخورده باشند و قمار ... باشند و ...
دارند و ... میکرده باشند نماز جماعت را و خواب میکرده باشند
وقت نماز خفتن و نماز صبح ... کرده باشند و خدای تعالی در ... ایشان
گفته است که فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوات واتبعوا الشهوات
فسوف یلقون غیا یعنی پس در رسیدند از پس ایشان فرزندان ... که از
بسیاری غفلت ترک کردند نماز را و پیروی کردند آرزوهای نفس را از انواع
... باشند که ... جزای ... ایشان ...
... در قرآن ...
ایشان ... اگر ... کسی کرده ... دنیا و آخرت
در دوزخ باشند ... دنیا را ... از آخرت ...

سراها و قبرهای محکم و زینت میکنند مسجدها را بطلا و نقره و نسبت میل است بلند کرده بنیاد ره ی ایشان به بنیان و اعتماد کرده اند بدنیا و شکم خود را می پرستند و از خدا غافلند و حق تعالی گفته است در شان ایشان که وتتخذون مصانع لعلکم تخلدون واذا بطشتم بطشتم جبارین فی تفسیر الصحیح یعنی فرا میگیرید سراها و کوشکهای محکم که بنیاد و به جای سیده بود در آن و چون سخت میگیرید سختی در حالتی که ظالم و قاهر باشید پس برسید از خدای تعالی و فرمان برید و نیز گفته است در حق ایشان که افرأیت من اتخذ الهه هواه واضله الله علی علم وختم علی سمعه وقلبه وجعل علی بصره غشاوة فمن یهدیه من بعد الله افلا تذکرون یعنی آیا چون بینی آنرا که فرا گرفت خدای تعالی خود را از روی خود گفته همچنانکه فرمان برداری خدا می باید کرد و چون می بینی که گمراه ساخت خدای تعالی او را در آن ساعت [illegible] که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وقتی که میخواست که بخواب کند بر پهلوی راست میخوابید و دست راست خود را در زیر روی و راست می نهاد و گفت ابو عبدالله علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که وقتی که خواهید جا گیرید در فراش خود بدرستی که نمیدانید شما که چیزی حادث شده است بر فراش و دعا از آن بگوئید اللهم انی امسک نفسی فی منامی فاغفر لها وان ارسلتها فاحفظها بما تحفظ به عبادک الصالحین

دعای که می باید خواند وقت بیدار شدن از خواب [illegible] که ابو عبدالله علیه السلام که وقتی بیدار میشد در آخر شب با واز بلند میگفت چنانکه اهل خانه می شنیدند واز او اللهم اعنی علی هول المطلع ووسع علی المضجع وارزقنی خیر ما قبل الموت [illegible] از ابی عبدالله علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه از خواب بیدار میشد سجده میکرد خدای تعالی را [illegible] است که حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله وقتی که خواب میکرد چشمهای آنحضرت در خواب بود و دل او بیدار بود و میگفت که دل من منتظر وحی است [illegible] است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وقتی در خواب میدید میگفت هو الله لا شریک له [illegible] است که حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله بسیار خواب میدید و هرچه در خواب میدید در بیداری همچنین واقع میشد [illegible] که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وقتی که بیدار میشد از خواب میگفت سبحان الذی یحیی الموتی وهو علی کل شیء قدیر و هرگاه که آنحضرت بیدار میشد برای نماز میگفت اللهم لک الحمد انت نور السموات والارض ومن فیهن انت الحق وقولک حق ووعدک حق والجنة حق والنار حق والساعة حق اللهم لک اسلمت وبک آمنت وعلیک توکلت والیک انبت وبک خاصمت والیک حاکمت فاغفر لی ما قدمت وما اخرت وما اسررت وما اعلنت انت الهی لا اله الا انت و دعا از آن مسواک میکرد چشمها و روی خود

و گفت امیر المؤمنین علی علیه الصلوة و السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله که وقتی که
از خواب بیدار شد می گفت الحمد لله الذی جعل اللیل و النهار خلفة لمن اراد
ان یذکر او اراد شکورا و الحمد لله الذی جعل اللیل لباسا و النوم سباتا و جعل النهار
نشورا لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین الحمد لله الذی لا تجوا(ری)
منه النجوم و لا تکن منه الشرور و لا تخفی علیه ما فی الصدور روایت است از امام
جعفر صادق علیه الصلوة و السلام که امیر المؤمنین علی علیه الصلوة و السلام گفت وقتی که از
خواب بیدار شوند باید که بگویند لا اله الا هو الحی القیوم و هو علی کل شیء قدیر سبحان
رب النبیین و اله المرسلین سبحان رب السموات السبع و ما فیهن و رب العرش العظیم
و الحمد لله رب العالمین چون بنشیند پیش از آنکه برخیزد باید که بگوید حسبی الله
الرب من العباد حسبی الله الذی هو حسبی منذ قط حسبی الله و نعم الوکیل
دعای دیگر که در وقت بیدار شدن از خواب بیداری باید خواند الحمد لله الذی
احیانی بعد ما اماتنی و الیه النشور الحمد لله الذی رد علی روحی لاحمده و اعبده
وقتی که از خواب بیدار شوی چون نظر کنی بسوی آسمان بگو [illegible]
الامور [illegible]
و [illegible] و بعد از آن پنج آیه از سوره آل عمران بخوان ان فی خلق السموات
و الارض و اختلاف اللیل و النهار لآیات لاولی الالباب تا انک لا
تخلف المیعاد در بیان دعای که می باید خواند وقت بانگ کردن خروس روایت

که گفت

که گفت امام جعفر صادق علیه الصلوة و السلام که وقتی که بانگ خروس بشنوی بگوید
سبوح قدوس رب الملائکة و الروح سبقت رحمتک غضبک لا اله الا انت و گفت
سبحانک و بحمدک عملت سوءا و ظلمت نفسی فاغفر لی انه لا یغفر الذنوب الا انت
و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که پنج خصلت از خروس بیاموزید نگاه داشتن
اوقات نماز و غیرت او و سخاوت و بسیار جماع کردن و نیز گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که سه خصلت از کلاغ بیاموزید پنهان داشتن جماع و در وقت
طلب روزی و حذر کردن در بیان دعای که در بیخوابی می باید بخواند
روایت که علی بن الحسین علیه الصلوة و السلام در شب وقتی که مردمان همه
در خواب بودند این دعا می خواند الهی غارت نجوم سمائک و نامت عیون انامک
و هدأت اصوات عبادک و انعامک و غلقت الملوک علیها ابوابها و طاف
علیها حراسها و احتجبوا عمن یسألهم حاجة او ینتجع منهم فایدة و انت الهی حی قیوم
لا تأخذک سنة و لا نوم و لا یشغلک شیء عن شیء ابواب سمائک لمن دعاک
مفتحات و خزائنک غیر مغلقات و ابواب رحمتک غیر محجوبات و فوائدک
لمن سألک غیر محظورات بل هی مبذولات انت الهی الکریم الذی لا ترد سائلا
من المؤمنین سألک و لا تحتجب عن احد منهم ارادک لا و عزتک و جلالک لا تختزل
حوائجهم دونک و لا یقضیها احد غیرک اللهم و قد تری وقوفی و ذل مقامی
بین یدیک و تعلم سریرتی و تطلع علی ما فی قلبی و ما یصلح به امر آخرتی و دنیای

اللهم ان ذکرة الموت وهول المطلع والوقوف بین یدیک نغصنی مطعمی ومشربی
واغصنی بریقی واقلقنی عن وسادی ومنعنی رقادی کیف ینام من یخاف
بیات ملک الموت علیه السلام فی طوارق اللیل وطوارق النهار ام کیف ینام العاقل
وملک الموت لاینام لا باللیل ولا بالنهار ویطلب قبض روحی بالبیات او فی
آناء الساعات و بعد ازان سجده میکرده روی خود را بر خاک می نهاد و می گفت
اسالک الروح والراحة عند الموت والعفو عند الحساب ایضا حضرت پیغمبر
صلی الله علیه وآله در وصیتی که با میر المؤمنین علی علیه الصلوة والسلام کرد که یا علی
مگذار در پاره از شب اگر چه مقدار دوشیدن گوسفند باشد و دعا کن در سحرها
رد نمیشود دعا تو مدح بستی که خدای تعالی مدح کرده است کسانی را که دعا
واستغفار میکنند در سحرها و فرموده است که والمستغفرین بالاسحار در بیان
دعای که در نماز وتر باید خواند حدیث است از معروف بن خربوذ از امام محمد باقر
یا امام جعفر صادق علیه السلام که گفت در نماز وتر بگو لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله
الا الله العلی العظیم سبحان رب السموات السبع وما فیهن وما بینهن ورب العرش العظیم
العرش العظیم اللهم نور السموات والارض وانت زین السموات والارض وانت
عماد السموات والارض انت الله صریخ المستصرخین وانت الله غیاث
المستغیثین وانت الله المفرج عن المکروبین وانت الله المروح عن المغمومین
وانت الله المجیب دعوة المضطرین وانت الله اله العالمین وانت الله الرحمن

الرحیم

الرحیم وانت الله کاشف السوء وانت الله بک تنزل کل حاجة
یا الله لیس یرد غضبک الا حلمک ولا ینجی من عقابک الا رحمتک ولا ینجی منک الا
التضرع الیک فهب لی من لدنک رحمة تغنینی بها عن رحمة من سواک بالقدرة
التی بها احییت جمیع ما فی البلاد وبها تنشر میت العباد ولا تهلکنی غما حتی تغفر لی
وترحمنی وتعرفنی الاجابة فی دعائی وارزقنی العافیة الی منتهی اجلی
واقلنی عثرتی ولا تشمت بی عدوی ولا تمکنه من رقبتی اللهم ان رفعتنی فمن
ذا الذی یحول بینک وبینی ویعترض لک فی شیء من امری وقد علمت ان لیس
فی شیء من امری ان لیس فی حکمک ظلم ولا فی نقمتک عجلة انما یعجل من
یخاف الفوت وانما یحتاج الی الظلم الضعیف وقد تعالیت عن ذلک
یا الهی فلا تجعلنی غرضا ولا لنقمتک نصبا ومهلنی ونفسنی واقلنی عثرتی ولا تتبعنی
ببلاء علی اثر بلاء فقد تری ضعفی وقلة حیلتی واستعیذ بک اللیلة فاعذنی
واستجیر بک من النار فاجرنی واسالک الجنة فلا تحرمنی بعد از آن طلب کن
از خدای تعالی آنچه میخواهی و هفتاد نوبت استغفر الله بگو و آن قدر که
می توانی استغفار کن و این نوع نیز استغفار کن اللهم انی استغفرک واتوب
الیک من مظالم کثیرة لعبادک عندی فایما عبد من عبیدک کانت له
قبلی مظلمة ظلمتها ایاه فی ماله او بدنه او عرضه لا استطیع اداء ذلک
الیه ولا تحللها منه فارضه عنی بما شئت وکیف شئت وانت

عجلة

وسيئاتي ولا تضع لعذابي يا رب فقد وسعتني رحمتك كلفتني وما عنك يا رب ان تكرمني
برحمتك ولا تمنيني لعذابك ولا بغضبك يا رب اني اعقل بي ما لك وانت شاهد
لكل حين اللهم ان استغفاري اياك مع اصراري للؤم وان تركي الاستغفار
لك مع سعة رحمتك لعجز اللهم تحبب والي وانت غني عني وكم امعص اليك فقيرا
فسبحان من اذا اوعد وفى واذا توعد عفا وفي جستجوي ورد
كرش ابن الحسين
عليه الصلوة والسلام لعبد ان غار نحب ابن و ما نحوا به اما حبك مودة كل مكان حبك
يسبح ذاتي فقد عظم اجري وقل حيائي هوانتي اي الاهوال اتذكره انها انسى
ولم احرمن الامرت لكي كيف وما حيرالموت اعظم وادهى هوانا بي يا هوانيا
حتى متى والى متى اقول لك العتبى مرة بعد اخرى ثم لا تجد لك عندي صدقا
ولا وفاء فيا غوثاه واغوثاه بك يا الله من هوى قد غلبني
ومن عدو قد استكلب علي ومن دنيا قد تزينت لي ومن نفسي والما رت
بالسوء الا ما رحم ربي ويا قابل التوبة وقلبي يا من الظلم تعرف منه الحسنى
يا من لعبدني بالنعم صباحا ومساء ارحمني يوم اتيتك فردا شخصا
اليك بصري مقلدا على عنقي تبرا جميع الخلق مني الى وسبى كان له
كذي يسعى فانظر ترحمني فمن يرحمني وس يونس في القبر وحشتي
ومن منطق لساني اذ اخرجت نجى وسا تستني لما انت اعلم به مني فان عنت
نعم فان المهرت من عندك وان قلت لم افعل قلت الم اكن الشاهد عليك

فضغرت عنك بامواني قبل ان تصل الايدي الى الاعناق يا ارحم الراحمين ويا خير
الغافرين وعقب ان در وقت خواجن به پهلوی می باید خوابيد
در هر گاه دو رکعت سنت فجر بگذاری و سلام دهی به پهلوی راست
بخواب و روی است خود را به دست راست و بگو ستمسکت بعروة الوثقى
لا انفصام لها واعتصمت بحبل المتين واعوذ بالله من فسقة العرب والعجم
ومن شر فسقة الجن والانس ربي الله ربي الله الطيب امنت بالله وتوكلت على الله
الجات ظهري الى الله وفوضت امري الى الله الطيب حسبي من الله لا حول
ولا قوة الا بالله ومن يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله
لكل شيء قدرا حسبي الله ونعم الوكيل اللهم من اصبح وله حاجة الى مخلوق
فان حاجتي ورغبتي اليك وحدك لا شريك لك لله رب الصباح والحمد
فالق الاصباح الحمد لله ناشر الارواح الحمد لله قاسم الارزاق الحمد لله جاعل الليل
سكنا والشمس والقمر حسبانا ذلك تقدير العزيز العليم اللهم صل على محمد وآل محمد
واجعل في قلبي نورا وفي بصري نورا وعلى لساني نورا ومن خلفي نورا وعن
يميني نورا وعن شمالي نورا ومن فوقي نورا ومن تحتي نورا واعظم لي النور
اجعل لي نورا امشي في الناس ولا تحرمني نورك يوم القاك و بخوان به الكرسي
وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس و پنج آيه از سورة آل عمران وابتدا
ان في خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار لآيات لاولي الالباب

الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السموات والارض
تا آنجا که لا تخلف المیعاد و بعد از آن بفرزند تسبیح زهرا علیها الصلوة والسلام
بگوید و صد بار صلوات بگو بر محمد و آل او علیهم الصلوة والسلام بدرستی که هر که صد بار
صلوات بفرستد بر محمد و آل او بعد از نماز فجر پیش از آنکه نماز صبح بگذارد
نگاه دارد خدای تعالی روی او را از آتش دوزخ و هر کسی که در این وقت صد بار
بگوید سبحان ربی العظیم و بحمده و اتوب الیه بنا کند خدای تعالی از برای او خانه
در بهشت و هر کسی که در این وقت صد بار قل هو الله احد بخواند بنا کند خدای تعالی
خانه برای او در بهشت و هر کسی که چهل نوبت قل هو الله احد بخواند حق سبحانه
و تعالی بیامرزد او را و بعد از آن بگو اللهم افتح لی باب الامر الذی فیه الیسر والعافیة
اللهم هیئ لی سبیله و بصرنی مخرجه اللهم و ان قضیت لاحد من خلقک
علی مقدرة بسوء فخذه عنی من بین یدیه و من خلفه و عن یمینه و عن شماله و من
تحت قدمیه و من فوق راسه و اکفنیه بما شئت و حیث شئت و بعد از آن بگو بسم الله الرحمن الرحیم
و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و بعد از دو رکعت فجر سجده بکن
پیش از آنکه بسجود بخوانی یا بعد از آن و در سجده بگوید یا خیر المسئولین و
یا اجود المعطین صل علی محمد و آل محمد و اغفر لی و ارحمنی و ارزقنی
و ارزق عیالی من فضلک انک ذو الفضل العظیم پس بدرستی که
دعا کند برادران مومن را و در حق هم بگوید و بگوید اللهم رب الفجر واللیالی

عیالی

واللیالی

واللیالی العشر والشفع والوتر واللیل اذا یسر و رب کل شیء والکسی
و مولک کل شیء و خالق کل شیء صل علی محمد و آله و افعل بی و بفلان و فلان
برادران مومن را الماء ... ما انت اهله انک اهل التقوی و اهل المغفرة
و بعد از آن متوجه مسجد شود بدرستی که نماز فریضه را در مسجد گذاردن فاضلتر است
و بهتر است و نماز نافله را در خانه افضل و بهتر است در بیان فضیلت رفتن مسجد و کیفیت
آن و دعا خواندن در وقت در آمدن مسجد روایت است از امام جعفر صادق
علیه السلام که گفت که هر کسی که بمسجد رود و پا بر هر چیزی که نهد تسبیح گوید برای او آن
در زیر قدم او است تا هفتم طبقه زمین و در توریت مذکور است که بشارت
ده مر دو رخشنده در روز قیامت آنکسانی که در تاریکی شب بمسجد میروند و گفت
رسول خدا صلی الله علیه و آله که حضرت حق سبحانه و تعالی فرموده که خانهای من در زمین
مسجدهاست روشن میسازد مسجدها اهل آسمان را چنانکه
روشن میکند ستارها زمین را از برای اهل آن ای خوشا حال
آنکسانی که مسجدها خانهای ایشان است یعنی اکثر اوقات در مسجدها
بسر برند و عبادت کنند و خوشا حال بنده که وضو بگیرد
در خانه خود و بعد از آن زیارت کند مرا در خانه من یعنی مسجد و
بطاعت و عبادت مشغول شود بدرستی که واجب است بر کسی که
او را زیارت کنند که اکرام و تعظیم نماید زایر خود را

وبشارت دهند بنور درخشنده در روز قیامت کسانی را که در تاریکی
شب بمسجد میروند پس هرگاه خواهی بمسجد درآئی پای راست را پیش بگذار
و بگو بسم الله وبالله ومن الله والی الله وخیر الاسماء کلها لله توکلت علی الله لا حول ولا قوة
الا بالله اللهم صل علی محمد وآل محمد وافتح لی باب رحمتک وتوبتک واغلق عنی
ابواب معصیتک واجعلنی من زوارک وعمار مساجدک وممن یناجیک
باللیل ومن الذین هم فی صلوتهم خاشعون وادحر عنی الشیاطین الرجیم
وجنود ابلیس اجمعین وبعد ازان آیة الکرسی وقل اعوذ برب الفلق
وقل اعوذ برب الناس بخوان وهفت بار الحمد وهفت بار الله اکبر وهفت بار
لا اله الا الله وبعد ازان بگو اللهم لک الحمد علی ما هدیتنی ولک الحمد علی ما فضلتنی
ولک الحمد علی ما شرفتنی ولک الحمد بما حسن بلیتنی اللهم تقبل صلوتی
ودعائی وطهر قلبی واشرح صدری وتب علی انک انت التواب الرحیم
وچون بمسجد درآئی پیش از آنکه بنشینی دو رکعت نماز تحیت مسجد
بگذارد اگر دو رکعت نماز فجر بگذاری احتیاج به نماز تحیه مسجد نیست در بیان
دعائی که می باید خواند وقت توجه بقبله اللهم الیک توجهت ومرضاتک طلبت
وثوابک ابتغیت وبک آمنت وعلیک توکلت اللهم صل علی محمد وآل محمد وافتح
مسامع قلبی لذکرک وثبتنی علی دینک ولا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی وهب لی
من لدنک رحمة انک انت الوهاب در بیان آنچه می باید خواند در نشستن

که هرگاه

در روایت که هرگاه مؤذن بانگ نماز بگوید هرچه او بگوید تو از عقب آن بگو یا
اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا رسول الله اکتفی بها عن کل من ابی
وجحد واعین بها من اقر وشهد ودر روایت دیگر وارد شده که وقتی که
مؤذن بگوید اشهد ان محمدا رسول الله بگو صلی الله علیه وآله الطیبین الطاهرین
اللهم اجعل بر ومودت آل محمد فی قلبی مستقرا ودر الرزق دارا ووقتی که
بگوید حی علی الصلوة حی علی الفلاح بگو لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم در روایت
اکثر الکتب که بانگ نماز بشنود وبگوید آنچه مؤذن میگوید زیاده شود روزی او
در بیان آنچه باید خواند وقت طلوع صبح چون صبح بدمد ونظر کنی بسوی
او متوجه آسمان شود بگو اللهم انت [illegible] وضعیف [illegible] صل علی محمد وفضل
علینا [illegible] اللهم [illegible] فضل فی [illegible]
وآل محمد واتمم علینا بعد ازان [illegible] بعد ازان بگو یا فالق
من حیث لا اری [illegible] صل علی محمد وآل محمد واجعل اول یومی
هذا صلاحا واوسطه فلاحا وآخره نجاحا وبعد ازان بگو الحمد لله فالق
الاصباح اللهم صبح آل محمد ببرکة وعافیة وسرور وقرة عین
ورزق واسع اللهم انک تنزل فی اللیل والنهار ما تشاء فانزل
علی وعلی اهل بیتی من برکات السموات والارض رزقا واسعا تغنینی به عن جمیع
خلقک در بیان آنچه می باید گفت وقت بانگ نماز صبح اللهم انی اسألک

یا قبال مبارک واد باد ملایکت و حضور صلوات و جاکب انفضل علی محمد
وان متوب علی انک انت التواب الرحیم حدیث دعای دیگر که می باید خواند
در میان اذان و اقامت اللهم اجعل قلبی بارا و رزقی دارا و اجعل لی عند
قبر رسولک صلی الله علیه و آله مستقرا و قرارا حدیث حضرت محمد
صلی الله علیه و آله که دو ساعت است که گشوده میشود درهای آسمان و کرامت
دعا رد نمیشود در آن دو ساعت یکی با نکی [illegible] و دیگری در وقتی که صفها راست کرده
بجهت جهاد کردن در راه خدا حدیث [illegible] گفت [illegible] از مسجد بیرون آید هر که
خود را بردارد [illegible] بگو سبحان [illegible] من لا تبید معالمه سبحان من لا ینسی
من ذکره سبحان من لا یخیب سائله سبحان من لیس له حاجب یغشی
ولا بواب یرشی [illegible] سبحان من اختار لنفسه احسن الاسماء
سبحان من فلق البحر لموسی سبحان من لا یزداد علی کثرة العطاء الا کرما وجودا
سبحان من هو هکذا و لا هکذا غیره حدیث فضیلت نماز [illegible] از ابی عبدالله علیه السلام که
گفت رسول خدا صلی الله علیه و سلم که چون وقت نماز شود ندا میکند فرشته
دیگر که ای مردمان برخیزید و بنشانید آتشها که [illegible] بر خود [illegible]
نماز گذاردن حدیث کرده است ابی یعفور که گفت [illegible] ابو عبدالله
علیه السلام که نماز را در اول وقت بگذار همچو نماز کسی که میترسد که
دیگر میسر نشود او را نماز گذاردن یعنی بخضوع و خشوع تمام بگذارد و نظر در

موضع

۱۰

موضع سجود کن پس اگر بدانی که کسی در جانب راست و چپ تو جای دارد
نماز را و بدانکه در پیش کسی نماز میگذاری که می بیند ترا و تو او را نمی بینی
حدیث از ابی عبدالله علیه السلام که گفت نماز گذارنده را سه خصلت است
هرگاه برخیزد بنماز گذاردن رحمت فرود می آید از آسمان بر سر او و در می آید
فرشتها از زیر قدم او تا آسمان و در خدمت او [illegible] میکنند و میگوید ای مشغل
اگر بدانی که مناجات میکنی ترک نمیکنی نماز را و بیرون میکنی از نماز حدیث
از امام جعفر صادق علیه السلام گفت که کسی که دو رکعت نماز بگذارد و بداند که چه
میگوید در نماز یعنی دل او غافل نباشد و متوجه نماز باشد خدای تعالی جمیع
گناهان او را بیامرزد حدیث از امیر المؤمنین علی علیه الصلوة و السلام
گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که دو رکعت نماز که سبک بگذارند و با تفکر بهتر است
از گذاردن نماز در شب بی تفکر حدیث از امام جعفر صادق علیه الصلوة و السلام
گفت و چون مشغول شود بنماز بنده متوجه شود خدای تعالی با و بوجه کریم خود و [illegible]
موکل گرداند با او فرشته را که بگیرد قرآن را از دهن آن بنده و اگر اعراض کند
بنده از نماز و متوجه نماز نشود اعراض کند خدای تعالی از او
متوجه او نشود بوجه کریم خود و اگر بنده متوجه نماز شود تمام خود متوجه
نشود خدای تعالی با و بوجه کریم خود و نماز او کامل شود و به آسمان برده شود
و اگر سهو کند در نماز یا غافل شود یا مشغول بچیزی دیگر شود با آسمان برده نشود

آن نماز آنقدر که ستوده شده است و منید شنید ل غافل هیچ ثوابی روایت
از امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام که گفت که فضیلت اول وقت
بر آخر وقت همچو فضیلت آخرت بر دنیا روایت فضیلت ذکر بعد از نماز
صبح روایت از حسن بن علی علیهما الصلوة والسلام که گفت که شنیدم
از پدر خود علی بن علیهما السلام که گفت که شنیدم از پدر خود علی بن ابی طالب
علیه السلام که میگفت که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که هر مسلمانی که نشسته
در جای که نماز صبح گذارده است ذکر خدای تعالی میکند تا برآمدن آفتاب ثواب
او برابر ثواب کسی باشد که حج گذارده باشد و آمرزیده شود گناهان گذشته او
و اگر نشسته در جای نماز خود تا آنکه در آید ساعتی که مکروه باشد در آن ساعت
گذاردن نماز یعنی آفتاب بلند شود و بعد از آن دو رکعت نماز گذارد
یا چهار رکعت بیامرزد خدای تعالی گناهان گذشته او را و ثواب او برابر ثواب
کسی است که حج گذارده باشد روایت از جابر که گفت ابو جعفر علیه السلام که
گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که خدای تعالی فرموده است که ای فرزند آدم
مرا یاد کن و ذکر گوی بعد از طلوع صبح یک ساعت تا حاجتهای ترا برآورم روایت
آنچه مخصوص است به تعقیب نماز چون فارغ شوی از نماز صبح و سلام دهی
سه بار بگو الله اکبر و بگو لا اله الا الله الهاً واحداً و نحن له مسلمون لا اله الا الله
ولا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین ولو کره المشرکون لا اله الا الله ربنا و رب

نحن

و رب

ورب آبائنا الاولین لا اله الا الله وحده وحده انجز وعده ونصر عبده واعز جنده
وغلب الاحزاب وحده فله الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر
وهو علی کل شیء قدیر اللهم اهدنی لما اختلف فیه من الحق باذنک انک تهدی من تشاء
الی صراط مستقیم بعد از آن سه بار بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم
ذو الجلال والاکرام واتوب الیه بعد از آن بگوید اللهم اهدنی من عندک وافض
علی من فضلک وانشر علی من رحمتک وانزل علی من برکاتک سبحانک لا اله
الا انت اغفر لی ذنوبی کلها جمیعاً فانه لا یغفر الذنوب کلها جمیعاً الا انت
و بعد از آن تسبیح زهرا علیها الصلوة والسلام بگوید و سی و سه بار تکبیر است و سی و سه
بار الحمد لله و سی و سه بار سبحان الله روایت از امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام
گفت که تسبیح زهرا علیها السلام در عقب هر نماز فریضه دوستتر است نزد من
از هزار رکعت نافله هر روز روایت از امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام که گفت که
کسی که تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام در عقب نماز فریضه بگوید و بعد از آن لا اله
الا الله بگوید آمرزیده شود و بهتر آنست که چنین کند از برای [illegible]
تسبیح از تربت امام حسین علیه الصلوة والسلام بدست گردد و حدیث است از امام
جعفر صادق علیه الصلوة والسلام که گفت که کسی که تسبیح تربت امام حسین علیه
الصلوة والسلام یکبار بگرداند یا استغفار کند تا ذکر دیگر بنویسند
آن یکی را هفتاد بار و سجده کردن از تربت امام حسین علیه الصلوة والسلام

میکند مجاب بعض آمخا (ارو) دعای دیگر بعد از نماز صبح می باید خواند و این
دعا نسبت که روایت کرده است معاویة بن عمار از ابی عبدالله علیه السلام
دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم وصلی الله علی محمد و اهل بیته الطاهرین الاخیار
الانقیاء الابرار الذین اذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهیرا اوفوض امری الی الله
وما توفیقی الا بالله علیه توکلت ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد
جعل الله لکل شیء قدرا ما شاء الله کان حسبنا الله ونعم الوکیل واعوذ بالله السمیع
من الشیطان الرجیم ومن همزات الشیاطین واعوذ بک رب ان یحضرون ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم الحمد لله رب العالمین کثیرا کما هو اهله وسبحنه وکما ینبغی لکرم وجهه
وعز جلاله علی ادبار اللیل واقبال النهار والحمد لله الذی اذهب اللیل مظلما بقدرته وجاء
بالنهار مبصرا برحمته خلقا جدیدا ونحن فی عافیته وسلامته وستره وکفایته وجمیل
صنعه مرحبا بخلق الله الجدید والیوم الجدید والملک الشهید مرحبا بکما من ملکین کریمین
وحیاکما الله من کاتبین حافظین اشهد الله واکتبا شهادتی معکما حتی القاه بها
ربی انی اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا
عبده ورسوله ارسله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون
وان الدین کما شرع وان الاسلام کما وصف والقول کما حدث وان الله هو الحق
وان رسوله حق والموت حق ومسائلة منکر ونکیر فی القبر حق والبعث والنشور
حق والصراط حق والمیزان حق والجنة حق والنار حق والساعة آتیة لا ریب فیها

وان

وان الله یبعث من فی القبور فصل علی محمد وآل محمد واکتب اللهم شهادتی عندک
مع شهادة اولی العلم بک یا رب ومن ابی ان یشهد لک بهذه الشهادة فانی
لک بهذا ولک صاحبة او لک شریکا وصاحبة وولدا او رزقا فانی بریء
منه لا اله الا انت تعالیت عما یقولون الظالمون علوا کبیرا فاکتب اللهم شهادتی
مکان شهادتهم ومن اجابنی علی ذلک فضعفنی علیه وارفعنی فی عبادک الصالحین
اللهم صل علی محمد وآل محمد واصبحنی منک صباحا صالحا مبارکا میمونا لا خازیا
ولا فاضحا اللهم صل علی محمد وآل محمد واجعل اول یومی هذا صلاحا
واوسطه فلاحا وآخره نجاحا واعوذ بک من اول یوم فزع واوسطه جزع وآخره
وجع اللهم صل علی محمد وآل محمد وارزقنی خیر یومی هذا وخیر ما فیه وخیر ما قبله
وخیر ما بعده واعوذ بک من شره وشر ما فیه وشر ما قبله وشر ما بعده اللهم
صل علی محمد وآل محمد وافتح لی باب کل خیر فتحته علی احد من اهل [illegible]
ولا تغلقه عنی ابدا واغلق عنی باب کل شر فتحته علی من اهل الشر
ولا تفتحه علی ابدا اللهم صل علی محمد وآل محمد وفی کل موطن ومشهد ومقام
ومحل حسن وفی کل شدة ورخاء وفی کل عافیة وبلاء اللهم صل علی محمد وآله
واغفر لی مغفرة عزما جزما لا تغادر لی ذنبا ولا خطیئة ولا اثما اللهم انی استغفرک
من کل ذنب تبت الیک منه ثم عدت فیه واستغفرک لما اعطیتک من نفسی ثم لم
اف لک به واستغفرک لما اعطیتک من نفسی ثم لم اف لک به واستغفرک لما اردت

به دخیل فقال ظرافک فصل علی محمد وآل محمد واغفر لی یا رب ولوالدی وما ولدا وما
توالدوا من المؤمنین والمؤمنات والاموات ولاخواننا الذین سبقونا بالایمان
ولا تجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا ربنا انک رؤف رحیم الحمد لله الذی قضی عنی
صلوة کانت علی المؤمنین کتابا موقوتا ولم یجعلنی من الغافلین بعد از آن سه بار یا صد بار
بگو در عقب نماز صبح تسبیحات ثلث کن الحمد لله ملاء المیزان ومنتهی الرضا وزنة العرش
سبحان الله ملاء المیزان ومنتهی الرضا وزنة العرش لا اله الا الله ملاء المیزان
ومنتهی الرضا وزنة العرش بعد از آن بگو اللهم انی اسألک مسألة العبد الذلیل ان تصلی
علی محمد وآل محمد وان تغفر لنا ذنوبنا وتقضی لنا حوائجنا فی الدنیا والآخرة فی یسر منک
وعافیة روایت او کاری کرد در عقب نماز صبح حق تعالی گفت چون فارغ شوی
از تعقیب نماز صبح صد بار قل هو الله بخوان و صد بار استغفر الله واتوب الیه و صد
بار لا اله الا الله الملک الحق المبین و صد بار بگو سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اکبر و صد بار بگو ما شاء الله کان وما لم یشأ لم یکن لا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم و صد بار بگو بسم الله الرحمن الرحیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم و صد بار بگو اسأل الله العافیة و صد بار بگو استجیر بالله من النار و صد بار
بگو اسأل الله الجنة و صد بار بگو اسأل الله الحور العین و صد بار بگو اللهم قد رضیت
[illegible] اللهم اهدنی الی ما تحب واکفنی ما اهمنی و صد بار بگو اللهم
اوسع علی فی رزقی وامدد لی فی عمری واغفر لی ذنبی واجعلنی ممن تنتصر به لدینک

و اگر

و اگر میسر نشود تا صد بار بگو هر یک از این ذکرها را ده بار و بعد از آن بگو
یازده نوبت لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله ایمانا و صدقا لا اله
الا الله عبودیة ورقا و آنچه بگو توانی بگو سبحان الله العظیم وبحمده استغفر الله
واسأله من فضله درستی که هر که این تسبیح را بگوید زیاد کند خدای تعالی
روزی او را روایت که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله بعد از آنکه از مکه
مدینه هجرت کرده بودند که یاد کنید لازم گردانید بر خود تسبیح و تهلیل
و تقدیس را و غافل مشوید تا فراموش نکند رحمت خدای تعالی را و بشمرید با انگشتان
خود تسبیح و تقدیس و تهلیل را بدرستی که از انگشتان سؤال خواهند کرد و از
ایشان سخن خواهند در آمد روایت از امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام که
گفت که اگر کسی که نماز صبح بگذارد و نشست کند بجای نماز خود تا برآمدن آفتاب
و مشغول به دعا و ذکر باشد [illegible]
بحجه روزی روایت آنچه می باید خواند در وقت برآمدن آفتاب
وقتی که خواهی از سجده برآئی [illegible]
[illegible] فی [illegible] لما امرتنی فاسألک من فضلک
العمل بطاعتک واجتناب معصیتک والکفاف من الرزق برحمتک
روایت [illegible] گفت در وقت برخواستن از جای نماز چون فارغ
از نماز صبح و هر نماز که باشد و خواهی که برخیزی از نماز [illegible] بگو سبحان ربک

رب العزة عما یصفون تا آخر بدرستی که روایتست از امیر المومنین علی علیه الصلوة والسلام
که گفت که هر کسی که خواهد که ثواب او بسیار باشد باید که آخر سخن او این باشد که
سبحان ربک رب العزة عما یصفون تا آخر بدرستی که هر که این را بگوید در
آخر هر سخن او را بعدد هر نمازی ثواب حسنه ایست و وقت بیرون آمدن
از مسجد پای چپ را بیرون نهد و بگو اللهم صل علی محمد و آل محمد وافتح لی باب فضلک
و رحمتک یا ارحم الراحمین و جهد کن که خواب مکنی میان آن تا برآمدن آفتاب
و مشغول باشی بدعا و قران خواندن بدرستی که در حدیثست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله که گفت که هر کسی که نشسته بر جای نماز خود بعد از صبح تا برآمدن آفتاب
و مشغول باشد بدعا و ذکر خلاص می بخشد خدای تعالی او را از آتش
دوزخ حدیث که گفت امیر المومنین علی علیه الصلوة والسلام که حق خدا که
ذکر گفتن بعد از نماز صبح تا برآمدن آفتاب روزی میرساند که
جهاد حدیث کرده است جابر از ابی جعفر علیه السلام که گفت شیطان
پراکنده میسازد لشکر شب را از وقت رفتن آفتاب تا وقت فرو رفتن
شفق و از وقت طلوع صبح تا برآمدن آفتاب حدیث ابو جعفر علیه السلام
حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرمود که بسیار ذکر بگوئید در این دو وقت
بدرستی که این دو ساعت غفلت است حدیث امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام
خواب صبح شوم است و بر طرف میکند روزی را و زرد میکند بسیار زرد

رنگ

رنگ را آدمی و تغییر میدهد و خواب صباح از کسی است که شوم است بدرستی که
خدای تعالی قسمت میکند روزی را از طلوع صبح تا برآمدن آفتاب
پس حذر کنید از خواب کردن در این وقت حدیث امام محمد باقر علیه الصلوة والسلام
خواب اول روز نادانی می آورد و خواب میان روز می افزاید نعمت را و خواب
بعد از عصر حماقت می آورد و خواب میان شام و خفتن محروم میگرداند از روزی
حدیث که گفت امام رضا علیه السلام که مراد از معقبات که در قول
خدای تعالی واقعست که فالمقسمات امرا فرشته‌ها اند که قسمت میکنند روزی بنی
آدم را از طلوع صبح تا طلوع آفتاب پس هر کسی که در این وقت خواب کند
محروم میشود از روزی حدیث کرده است معمر بن خلاد که ابو الحسن علی بن
موسی رضا علیه السلام وقتی که در خراسان بود چون نماز میکرد می نشست بر جای
نماز تا طلوع آفتاب و بعد از آن برای آنحضرت خریطه‌ئی می آوردند که در آن
مسواکها بود پس آنحضرت مسواک میکرد بهر یک از آن مسواکها و بعد از آن مصطکی
می آوردند و میخائید مصطکی را بعد از آن مصحف می آوردند مصحف
میطلبید و میخواند فصل سیوم در بیان فضیلت ذکر و صلوات
فرستادن بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و استغفار و ذکر بودن در فضیلت
تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر حدیث از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که
رسول خدا صلی الله علیه و آله متوجه اصحاب شد و گفت که فرا گیرید سپری که سپرها را

فراگیرم سپری از جهت دشمن که نزدیک شده است بما آنحضرت گفت نه
ولیکن بگیرید سپری که نگاه دارد شما را از آتش جهنم اصحاب گفتند که آن سپر
کدام است آنحضرت فرمود که گفتن این قول است که سبحان الله والحمد لله
ولا اله الا الله والله اکبر در حدیث از ابی عبدالله علیه السلام که گفت
رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که بسیار بگویید سبحان الله والحمد لله والله اکبر را
در حدیث از ابی عبدالله علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله بدرستی که
حق این تسبیحات در روز قیامت در ترتیب [illegible] خواسته
بود [illegible] از قیامت [illegible] که در قرآن وصف این تسبیحات است در حدیث
کرده است از ابی بصیر از ابی عبدالله که رسول خدا صلی الله علیه وآله روزی گفت
با اصحاب خود که آیا جمع کنید آنچه نزد شما است از جامه‌ها و ظرفها و بعضی را
بر بالای بعضی بنهید می‌رسد به آسمان اصحاب گفتند نه یا رسول الله آنحضرت گفت آیا دلالت
کنم شما را بر چیزی که اصل آن در زمین باشد و شاخ او در آسمان گفتند
بلی یا رسول الله گفت آنحضرت که چون فارغ شوید از نماز فریضه سی بار بگویید
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر بدرستی که هر که این تسبیحات بگوید [illegible]
شود از غرق و [illegible] خانه و دیوار [illegible] سوختن و غرق [illegible] در چاه
[illegible] و خوردن درنده و مردن بد و فرود آمدن بلا از آسمان [illegible]
این تسبیحات باقیات است و روایت کرده است ابی عبدالله علیه السلام [illegible]

خود که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که چهار خصلت که در هر که باشد خدای تعالی
او را از اهل بهشت می‌نویسد گفتن کلمه لا اله الا الله و [illegible] گفتن
گفتن الحمد لله وقتی که خدای تعالی نعمت به او دهد و استغفار کردن وقتی که گناه
بکند و گفتن انا لله وانا الیه راجعون چون مصیبتی باو برسد در حدیث کرده است
ابی عبدالله علیه السلام از پدران خود که آمدند جماعتی از فقرا نزد رسول خدا صلی الله علیه
وآله و گفتند یا رسول الله توانگران بنده‌ای دارند که آزاد می‌کنند و ما نداریم
و مال دارند که حج می‌کنند و ما نداریم و چیزی دارند که تصدق می‌کنند و ما نداریم حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود که کسی که صد بار بگوید الله اکبر ثواب او بیشتر است از
کسی که صد شتر همراه خود به حج ببرد به جهت قربانی و کسی که صد بار بگوید الحمد لله
ثواب او زیاده است از ثواب کسی که صد اسب بازین و لجام [illegible] که
در راه خدا جهاد کنند و کسی که صد بار لا اله الا الله بگوید عمل او بهتر است [illegible]
از عمل کسی که زیاده از صد بار بگوید پس این خبر به توانگران رسید ایشان نیز
چنین کردند باز فقرا آمدند نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله و گفتند
یا رسول الله آنچه فرمودی توانگران نیز می‌گویند آنحضرت گفت که
توانگری فضل و بخشش خدای تعالی است به هر که خواهد [illegible] در حدیث
ابو عبدالله علیه السلام که گفتن سبحان الله والحمد لله ولا اله
الا الله والله اکبر دوست‌تر است نزد من از همه چیز [illegible]

آفتاب می‌نماید در حدیث حمد گفتن خدای تعالی روایت از ابی عبدالله علیه السلام که
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حمد میگفت خدای تعالی را در هر روز سیصد
و شصت نوبت بعدد رگهای که در بدن آدمی است باین طریق
را الحمد لله کثیرا علی کل حال و در روایت دیگر وارد است که در شب سیصد
و شصت نوبت میگفت این حمد را گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
اول کسانی که به بهشت میروند آنها اند که بسیار حمد گفته اند خدای تعالی را
در وقت خوشحالی که پرسیدند از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که با ما بگفت
و در دنیا که امت آنحضرت فرمود که جمعی اکرامت بیش مشغول کنند
بذکر خدای تعالی در روایت امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام که
شکر هر نعمت اگر چه آن نعمت بزرگ باشد آنست که حمد گوید
خدای تعالی بر آن نعمت و گفت از امام جعفر صادق علیه الصلوة و
السلام که نعمتی که از خدای تعالی میرسد بمؤمن و بنده آن
نعمت حمد گوید خدای تعالی را بر آن نعمت آن حمد فاضلتر است
از آن نعمت در ترازوی اعمال روایت که استر ابی جعفر علیه الصلوة والسلام
گم گشت میان مکه و مدینه آنحضرت گفت اگر باز گرداند خدای تعالی
این استر را بمن شکر گویم خدای تعالی حق شکر است چون یافت
استر را سه بار گفت الحمد لله رب العالمین بعد از آن

سه بار گفت شکر او روایت کرده است ابو حمزه از ابی جعفر علیه السلام
که گفت آیا خبر دهم ترا بحمد گفتنی که کفایت کند ترا گفتم بلی گفت بگو اللهم
لک الحمد و منک المدد کلها علی جمیع نعمک کلها حتی ینتهی الحمد الی ما تحب ربنا
و ترضی روایت از ابی عبدالله علیه السلام که گفت که هر کسی که در وقت
صبح چهار بار بگوید الحمد لله رب العالمین بدرستی که شکر نعمت آن روز
بجا آورده است و هر کسی که در وقت شام چهار بار بگوید الحمد لله
رب العالمین بدرستی که شکر نعمت آن روز و شب بجا آورده است
و روایت کرده است مسمع که گفت ابو عبدالله علیه السلام که هر کسی
که بگوید الحمد لله کما هو اهله آن فرشتها که حسنه مینویسند بگویند یا خدایا
نمیدانیم که ثواب این حمد چیست تا بنویسیم حق سبحانه و تعالی بگوید که
بنویسید آنچه بنده من گفته است و بر منست ثواب او و روایت
کرده است ابو عبدالله علیه السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله
که هر کسی که بگوید الحمد لله کما هو اهله کلها ما علمت منها و ما لم اعلم علی کل حال حمدا
یوازی نعمه و یکافی مزیده علی جمیع خلقه حق تعالی بگوید که مبالغه کرده است
بنده من در رضای من و من میرسانم او را برضای او در بهشت
روایت است که آمد مردی نزد ابی عبدالله علیه السلام و گفت فدایت
گردم من بسیار پیر شده ام مالی را جامع که فایده دهد مرا در دنیا

در آخر حضرت امام علیه السلام گفت حمد بگو خدا تعالی را بدرستی که وقتی که
حمد بگوئی حق تعالی را ابر نماز گذاری که دست دعا میکند برای تو در وقتی
که سمع الله لمن حمده میگوئی در حدیث کرده است امیر المؤمنین علی علیه
السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که در بدن آدمی سیصد و شصت
رگست که حرکت میکنند و صد و شصت رگست که حرکت نمیکنند
پس اگر ساکن شوند آن رگها که حرکت میکنند یا حرکت کنند آن رگها که نمیکنند
آدمی هلاک میشود در حدیث که حضرت پیغامبر صلی الله علیه و آله هر روز در وقت
برآمدن آفتاب سیصد و شصت بار میگفت الحمد لله رب العالمین کثیرا
علی کل حال پس تحمید خدا تعالی میکرد یعنی بزرگی یاد میکرد خدا تعالی را
در حدیث کرده است زراره که گفتم بابی جعفر علیه السلام که کدام عمل
دوستر و بهتر است نزد خدا تعالی آنحضرت گفت تحمید کردن خدا تعالی را
در حدیث از ابی عبد الله علیه السلام که گفت که خدا تعالی تحمید میکند خود را
در هر روز و هر شب سه بار پس آنکس که تحمید کند خدا را بآنچه تحمید کرده است
خدا تعالی خود را پس اگر بدبخت باشد خدا تعالی او را نیکبخت گرداند در حدیث
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که گفت که هر دعائی که پیش از آن تحمید نباشد آن
دعا ناتمامست اول تحمید کنید بعد از آن دعا کنید راوی میگوید که گفتم که کمتر
آنچه کافیست در تحمید کدام است گفت اللهم انت الاول فلیس قبلک شیء وانت الآخر

فلیس

فلیس بعدک شیء وانت الظاهر فلیس فوقک شیء وانت الباطن فلیس دونک شیء وانت العزیز
الحکیم در بیان تسبیح گفتن یونس بن یعقوب گفت گفتم بابی عبد الله علیه السلام
که اگر کسی صد بار سبحان الله بگوید آیا داخل میشود در آنکسانی که بسیار ذکر
گفته اند خدای تعالی را گفت بلی در حدیث ابو جعفر علیه السلام که اگر کسی
سبحان الله بگوید که خدا از روی تعجب خلق کند خدای تعالی از این تسبیح
مرغی که او را زبانی و دو بال باشد و تسبیح گوید خدا تعالی را و ابرای
آنکس مرغان تسبیح تا روز قیامت و مثل اینست گفتن الحمد لله و لا اله
الا الله و الله اکبر در حدیث امیر المؤمنین علی علیه السلام که تسبیح نصف ترازوی
اعمال را پر میکند و حمد تمام ترازوی اعمال را پر میکند و تکبیر میان آسمانها
و زمین را پر میکند و بیشتر در حدیث که اگر کسی سه بار بگوید در وقت شام
سبحان الله حین تمسون وحین تصبحون وله الحمد فی السموات والارض وعشیا
وحین تظهرون فوت هیچ چیزی از ورد آنشب ازو فوت نشود و اگر بامداد
آنکس بگوید این تسبیح را در وقت بامداد فوت نشود ازو هیچ چیزی از ورد آنروز
در بیان تهلیل در حدیث ابن عباس که رسول خدا صلی الله علیه و آله که نیست کلمه
دوستر نزد خدا تعالی از کلمه لا اله الا الله و هر بنده که لا اله الا الله بگوید و در وقت
گفتن بکشد آواز خود را چون فارغ شود گناهان او بریزد در زیر قدمهای
او همچنانکه برگ درخت میریزد در حدیث سکونی که روایت کرده است از ابو عبد الله

از پدران خود علیهم السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که بهترین عبادت گفتن
لا اله الا الله است روایت از کتاب عیون الاخبار که روایت امام
رضا علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که خدا تعالی را
ستونیست از یاقوت سرخ که آن ستون در زیر عرش است و پایهٔ او
بر پشت ماهیست که در زیر هفتم طبق زمین است پس هرگاه که بنده لا اله
الا الله بگوید عرش در حرکت می آید و آن ستون ماهی در حرکت می آید
پس حق تعالی میگوید ساکن شو ای عرش من میگوید چگونه ساکن شوم و تو
نیامرزیدی گوینده لا اله الا الله را روایت جابر که ابو الطفیل روایت
کرده است که امیر المؤمنین علی علیه السلام که هر بنده و مسلمانی که لا اله الا
الله بگوید بالا رود این کلمه و شکافته آسمانها را و هر گناهی که زیر او
او که بگذرد محو کند آن گناه را تا آنکه برسد بحسنات او روایت امام جعفر
صادق علیه السلام که گفتن لا اله الا الله بهای بهشت است یعنی چون
لا اله الا الله بگوید خدا تعالی بعوض آن او را به بهشت می برد روایت
از کتاب ثواب الاعمال که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که تلقین
کنید کلمه لا اله الا الله بکسانی که نزدیک شده‌اند بمردن بدرستی که کلمه لا اله الا الله
میریزاند گناهان را اصحاب گفتند یا رسول الله کسی که در حال صحت
این کلمه را بگوید که او میریزاند آنحضرت گفت بلی گناهان او بیشتر میریزد

بدرستی که گفتن لا اله الا الله ایمن میسازد مؤمن را در حال حیات و در
وقت که برانگیخته شود از قبر روایت ابو عبد الله علیه السلام که آنکسی که
صد بار لا اله الا الله بگوید فاضلترین مردمانست از روی عمل مگر از
کسی که صد بار بگوید یا زیاده روایت زید ابن ارقم که حضرت پیغمبر صلی
الله علیه و آله فرمود که آنکسی که لا اله الا الله بگوید از روی اخلاص به بهشت
میرود و اخلاص او از این کلمه آنست که آنچیزی که حرام کرده است
بکند روایت ابو سعید الخدری که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که گفتم
من و آنکسانی که پیش از من بوده‌اند که نیست کلمه که ثواب او بیشتر
باشد از ثواب کلمه لا اله الا الله روایت ابو عمران العجلی که رسول
خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر مؤمنی که لا اله الا الله بگوید از روی
اخلاص به بهشت میرود و محو میکند این کلمه گناهانی را که در نامه عمل
او ثبت شده است تا آنکه برسد بحسنات روایت تکبیر و غیر آن
روایت ابو حمزه ثمالی که شنیدیم از امام زین العابدین علیه السلام
که میگفت که آنکسی که صد بار تکبیر بگوید در شب یا نگاه ثواب او برابر ثواب
آنکسی که صد بنده آزاد کرده باشد روایت امام رضا علیه السلام که بدر
من میگفت که آنکسی که لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بگوید بگرداند
خدا تعالی از او نود و نه بلا را از بلاهای دنیا که آسانترین آن

خناق است و خناق عرضیست که در حلق پیدا میشود و بجهة خون و بسبب ان
گلو گرفته میشود و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که اگر کسی که صباح
بیرون رود از خانه خود و بگوید لا حول و لا قوة الا بالله توکلت
علی الله بگویند آن دو فرشته که موکل وی اند که کفایت شد مهمات یا تو و محفوظ
شدی و راه راست یافتی پس شیطان بگوید که چگونه است
حال من بعد از آنکه محفوظ شده باشد و کفایت شده باشد مهمات او
و راه راست یافته باشد و گفت ابو عبدالله علیه السلام که اگر کسی
ده بار بگوید یا الله یا الله خدای تعالی بگوید لبیک چیست حاجت تو
و اگر کسی که ده بار بگوید یا رب یا رب خدای تعالی بگوید لبیک چیست حاجت
تو و اگر کسی که هفتاد بار بگوید ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله
بگرداند حق تعالی از و هفتاد نوع بلا را که آسان ترین همه خناق
باشد و روایت کرده است ابو عبدالله علیه السلام از پدران خود
که اگر کسی هر روزی سی بار بگوید لا اله الا الله الملک المبین توانگری از روی
باز آورد و درویشی پشت باو کند و به بهشت رود و گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که خانه که در وی ذکر خدای تعالی بگویند
و خانه که در وی ذکر خدای تعالی نگویند مانند زنده و مرده است و گفت
که نشینند و ذکر خدای تعالی بگویند فرشتها در گرد ایشان

و بپوشانند

و بپوشانند ایشان را رحمت خدای تعالی و فرود آید بر ایشان آرامش
و ذکر کند خدای تعالی ایشان را نزد فرشتها و منقولست که پرسید مردی از
رسول خدا صلی الله علیه و آله که کدام خصلت از خصلتها اسلام بهتر است آن
حضرت گفت باین که زبان تو همیشه مشغول باشد بذکر خدای تعالی
و منقولست از امالی شیخ ابو جعفر بابویه که گفت امیر المومنین علی علیه السلام
که پیش گیرید باغ بهشت را آن حضرت گفت که حلقه ذکر است و منقولست
از کتاب فردوس که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که آن مقدار ذکر
بگویید خدای تعالی را که شما را دیوانه بگویند و منقولست از امالی شیخ ابو جعفر
بن بابویه که صاعقه نرسد بکسی که ذکر خدای تعالی بگوید و منقولست از کتاب
محاسن که روایت کرده است یونس بن عبدالرحمن که گفت یکی از
ایمه علیهم السلام به پسر خود که ای پسر من حذر کن از خلیفها پس اگر بنشینی
که قومی ذکر میگویند خدای تعالی را بنشین با ایشان بدرستی که اگر عالم باشی
فایده میدهد بعلم و دانش تو و زیاده میگردانند ایشان علم و دانش
ترا و اگر جاهل باشی ترا عالم میگردانند و شاید که خدای تعالی رحمت
کند بر ایشان و تو با ایشان و بتو نیز رحمت برسد و هر گاه ببینی
قومی را که ذکر خدای تعالی نمیگویند با ایشان منشین بدرستی که اگر عالم باشی
فایده نمیدهد بعلم ترا و کم میشود دانش تو و اگر جاهل باشی زیاده میکنند

ایشان جهل و نادانی شما را شنوانده بود که خدای تعالی ایشان را عقوبت بکند
و این عقوبت بتو نیز برسد ایضاً از کتاب روضة الواعظین که گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر قومی که بنشینند و ذکر خدای تعالی بکنند
ندا کند فرشته از آسمان که برخیزید که سیئات شما بحسنات مبدل شد
و آمرزید خدای تعالی همه شما را و هر جماعتی از فرشتها در گرد ایشان
در آیند و نیز گفت که هر قومی که بنشینند و ذکر خدای تعالی بکنند فرشتها در گرد
ایشان در آیند و نیز خدای تعالی بر ایشان رحمت کند و فرود آید بر ایشان
آرامش و ذکر کند خدای تعالی ایشان را نزد فرشتها روایت که پرسید از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که باغهای بهشت در دنیا کدام است آن حضرت
فرمود که مجلسها ذکر است پس صباح و شام بروید بمجلسهای ذکر و ذکر کنید
خدای تعالی را و صلوات فرستادن بر نبی و آله علیهم السلام گفت
ابو بصیر که ابو عبد الله علیه السلام فرمود که وقتی که نام حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله مذکور شود بسیار صلوات بفرستید بر وی بدرستی که هر کس یک
نوبت صلوات بفرستد بر پیغمبر صلی الله علیه و آله هزار نوبت صلوات
بفرستد خدای تعالی بر آنکس در میان هزار صف از فرشتها و آن
فرشتها نیز صلوات بفرستند و هر مخلوق از مخلوقات خدای تعالی صلوات
بفرستند بر آنکس بجهة صلوات فرستادن خدای تعالی و فرشتگان بر وی

پس آنکسی که رغبت نکند در صلوات فرستادن بر پیغمبر صلی الله علیه و آله جاهل
و مغرور است و خدا و رسول از وی بیزار است روایت کرده است
امام جعفر صادق علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که رسول خدا صلی
الله علیه و آله فرمود که من در روز قیامت حاضرم آنجا که می سنجند عملهای بندگان را
پس آنکسی که زیاده باشد سیئات بر حسنات می آورم صلوات را
که فرستاده است بر من تا آنکه زیاده شود حسنات او بر سیئات
گفت حارث بن اعور که امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود که هر دعائی
که هست نمی رسد بآسمان تا آنکه صلوات نفرستند بر محمد و آل او علیهم
السلام گفت ابو عبد الله علیه السلام که یافتم در بعضی از کتابها که آنکسی صلوات
بفرستد بر پیغمبر صلی الله علیه و آله خدای تعالی بنویسد برای او صد حسنه
و آنکسی که صلوات بفرستد بر محمد و اهل بیت او بنویسد خدای برای او
هزار حسنه و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که نزدیکترین مردمان
نزد خدای تعالی و من در روز قیامت آنکسانند که بیشتر صلوات
فرستاده اند بر من و نیز گفت که بخیل آنکسی است که نام من نزد او
مذکور شود و او صلوات نفرستد بر من و نیز گفت که آنکسی هفتاد
نوبت استغفار کند بیامرزد خدای تعالی هفتصد گناه او را و اوران
روز پس او را اگر گناهی نباشد هفتصد گناه از گناهان پدر او و مادر او

و اگر پدر او را گناهی نباشد از گناهان مادر او بیامرزد و اگر مادر او را
گناهی نباشد از گناهان برادر او بیامرزد و اگر برادر او را گناهی نباشد
از خواهر او بیامرزد و اگر خواهر او را نیز گناهی نباشد از گناهان خویشان او
باشند او بیامرزد و گفته اسمعیل بن سهل که نوشتم بابی جعفر علیه
السلام که بیاموز مرا چیزی که هرگاه بگویم او را با شما باشم در دنیا و آخرت
آن حضرت بخط مبارک نوشت که بسیار سوره انا انزلناه بخوان
و بسیار استغفار کن روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام
از پدران خود علیهم السلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که
خوشا حال کسی که یافته شود در روز قیامت در نامه اعمال او در زیر هر گناه
استغفاری [red word] از امام جعفر صادق علیه السلام که هرگاه بنده
بسیار استغفار کند بالا میرود نامه اعمال او درخشنده و نیز رسول
خدا صلی الله علیه و آله بر نمیخاست از مجلس و اگر اندکی نشسته بود تا آنکه
استغفار میکرد بیست و پنج نوبت و نیز [red word] که آنکسی که توبه کند از
گناه همچنانست که هرگز گناه نکرده است و کسی که گناه کند و استغفار
کند و همچنان مصر باشد بر گناه کردن گویا مسخرگی کند و نیز [red word] که بنده
وقتی که گناهی بکند خدای تعالی او را مهلت دهد و اگر استغفار نکند از
گناهان خدای تعالی اندک اندک نزدیک میسازد او را بهلاک و عذاب

و نیز

و نیز گفت که بود از جمله سوگندهای حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله لا و استغفر الله
و نیز گفت که هر مؤمنی که گناهی کند هفت ساعت مهلت دهد او را پس اگر استغفار
کند آن گناه را ننویسند و نیز گفت که خدای تعالی گناه مؤمن را ابدا
او میدهد بعد از بیست سال و سه سال تا سی سال تا آنکه استغفار کند از
گناهان و خدای تعالی بیامرزد و نیز گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که استغفار و گفتن لا اله الا الله بهترین عبادتهاست زیرا که خدای
تعالی گفته است که فاعلم انه لا اله الا الله و استغفر لذنبک یعنی پس
بدان که معبودی بحق نیست الا خدای تعالی و استغفار و طلب آمرزش
کن برای گناه خود و نیز گفت که مردی نزد امیر المؤمنین علی علیه السلام استغفر الله
گفت آن حضرت گفت بآن مرد که نوحه کند مادرت بر تو آیا
میدانی که استغفار چیست بدرستی که استغفار کردن درجه بزرگیست
و استغفار را معنی اطلاق میکنند اول پشیمانی از گناه گذشته دوم
قصد کردن که باز آن گناه را نکند سیوم رسانیدن حق مردم بایشان
تا آنکه ملاقات کنی خدای تعالی را و از کسی را حقی نباشد بر تو چهارم
قصد کردن که هر فریضه که از تو فوت شده است ادا کنی پنجم
قصد کردن که گوشتی که در بدن روئیده است از حرام بگدازی از آن بحزن
و اندوه تا آنکه بچسبد پوست بدن تو با استخوان و گوشت تازه بروید

شنود و بشنوم خشنا نیدن عبادت را ام و مشقت طاعت بچشانید چنانکه چشانیدن او را
حلاوت و شیرینی معصیت پس بعد از آنکه این کارها کرده باشی استغفر الله
بگو فایده از کتاب روضة الواعظین که گفت امیرالمؤمنین علی علیه السلام
که در زمین دو چیز است که سبب امانست از عذاب خدای تعالی
یکی بمانده است و دیگری از نزد شما رفت پس چنگ در زنید بانچه در دست شما
امان مانده است رسول خداست صلی الله علیه و آله
و امانی که باقیست نزد شما استغفار است و قول خدای تعالی دلالت
میکند بر آنکه این دو چیز امانست از عذاب زیرا که خدای تعالی
گفته است که و ما کان الله لیعذبهم و انت فیهم و ما کان الله
معذبهم و هم یستغفرون یعنی نیست خدای تعالی که عذاب کند ایشانرا
و حال آنکه ایشان استغفار میکنند و نیز فایده که نیست چیزی در دنیا
مگر دو کس را یکی را مردی که گناه کرده باشند و تدارک و تلافی کنند
بتوبه و دیگر کسی که شتاب کند در خیرات و آنکسی که توفیق توبه کردن
یافته باشد محروم نمیشود از قبول توبه و آنکسی که توفیق استغفار یافت
محروم نمیشود از آمرزش و مصدق این سخن قول خدا تعالیست
که و من یعمل سوءا او یظلم نفسه ثم یستغفر الله یجد الله غفورا رحیما یعنی هر که
بدی کند که از آن ضرری بغیر رسد یا ستم کند بر نفس خود پس استغفار

و توبه

و توبه کند بیابد خدای تعالی را آمرزنده گناهان و مهربان و قول خدای تعالیست
که انما التوبة علی الله للذین یعملون السوء بجهالة ثم یتوبون من قریب فاولئک
یتوب الله علیهم و کان الله علیما حکیما یعنی جز این نیست که قبول توبه بر
خدای تعالیست بر آنکسانی که بدی میکنند بنادانی پس توبه میکنند و بازگشت
می نمایند بخدای تعالی از زمانی نزدیک یعنی پیش از فوت پس آن گروه
که توفیق توبه یافته اند بعد از گناه توبه ده خدای تعالی ایشانرا می آمرزد
و رحمت کند برایشان و خدای تعالی داناست بتوبه ایشان و حکم
کننده است باینکه تایب را با آن عقوبت نباشد امام جعفر صادق
علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله هفتاد نوبت استغفار
میکرد و کسی پرسید که چگونه استغفار میکرد آن حضرت گفت هفتاد بار
استغفر الله میگفت هفتاد نوبت و اتوب الیه میگفت فایده
حسن بن حماد گوید امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که عقب نماز
فریضه پیش از آنکه پاهای برگرداند یعنی بهمان هیئت که در حالت تشهد
باشد بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال و
الاکرام و اتوب الیه خدای تعالی بیامرزد گناهان او را و اگرچه
گناهان او بسیار باشد مثل کف دریا باشد فایده که کسی که این استغفار را
هر روز بگوید خدای تعالی او را بیامرزد و چهل گناه کبیره فایده

در گریستن حدیث از کتاب روضة الواعظین که گفت حضرت پیغمبر صلی
الله علیه و آله که هر چشمی گریه خواهد کرد در روز قیامت مگر سه
چشم چشمی که گریه کرده باشد از ترس خدای تعالی و چشمی که نگاه نکرده باشد
به چیزهایی که خدا حرام کرده است و چشمی که بیدار بوده است در راه خدای تعالی
حدیث از کتاب عیون الاخبار که گفت امام رضا علیه السلام که هر کسی یاد
کند مصیبت ما را اگر اهل بیتم گریه کند و بگریاند چشم او در روزی که چشمها گریان باشند
در روز قیامت حدیث از کتاب روضة الواعظین که گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که پنج کس که بسیار گریه کردند آدم و یعقوب و یوسف و فاطمه بنت
محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و امام زین العابدین علیه السلام اما آدم علیه
السلام چندان گریست در فراق بهشت که جویهای آب در روی او پیدا
شد از گریه و اما یعقوب علیه السلام چندان گریست در فراق یوسف که چشم
او نابینا شد و گفتند با او که تالله تفتؤ تذکر یوسف حتی تکون حرضا او تکون من
الهالکین یعنی بحق خدا که همیشه به ناله و زاری یاد کنی یوسف را تا وقتی که
بیمار شوی بیماری مشرف بر موت یا باشی از جمله هلاک شدگان
و اما یوسف علیه السلام چندان گریست در مفارقت یعقوب علیه السلام
که تنگ آمدند اهل زندان از گریه او و گفتند با او که یا روز گریه کن یا شب
خاموش باش پس صلح کرد با اهل زندان به یکی از این دو و اما فاطمه بنت محمد مصطفی

صلی الله

صلی الله علیه و آله و سلم چندان گریست بحدی که اهل مدینه به تنگ آمدند
و گفتند با او که ایذا کشیدیم از بسیاری گریه تو پس فاطمه علیها السلام بیرون رفت
از مدینه و میرفت بر سر قبر شهیدان آن قدر که میخواست و بعد از آن
برمیگشت به منزل خود می‌آمد و اما امام زین العابدین علیه السلام بیست سال یا
چهل سال گریست بجهت امام حسین علیه السلام و هرگاه طعامی نزد آنحضرت می‌آوردند
بسیار میگریست تا آنکه یکی از خدمتکاران آنحضرت گفت یا ابن رسول الله فدای تو
گردم می‌ترسم که تو از گریه کردن هلاک شوی آن حضرت گفت انما
اشکو بثی و حزنی الی الله و اعلم من الله ما لا تعلمون یعنی جز این که شکایت
میکنم غم و اندوه خود را به خدای تعالی و نه به غیر شما زیرا که کسی شکایت
و چاره سازی بیچارگان اوست و میدانم از خدای تعالی آنچه شما نمیدانید
به درستی که یاد میکنم مصیبتی را که بنی فاطمه شهید شدند بی‌اختیار گریه در آید
مرا حدیث موسی که بار خدایا چیست جزای کسی که اشک فرو ریزد از چشمان
او از ترس تو خدای تعالی گفت ای موسی جزای او آنست که نگاه دارم
روی او را از آتش و ایمن گردانم او را از هول روز قیامت حدیث گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که چون وفات حضرت امام حسین نزدیک رسید
آن حضرت گریست کسی گفت یا ابن رسول الله چرا گریه میکنی و حال آنکه
میدانی که جای تو نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود

و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در حق تو گفت و بیست نوبت پیاده حج کرده
و قسمت کرده مال خود را در راه خدای تعالی سه نوبت تا آنکه نعلین خود را
نیز بمردم داد و آن حضرت گفت بحقیقت دو چیز میگریم هول روز قیامت
و فراق دوستان و گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر کسی که گریه
کند بجهت گناه خود تا آنکه فرو ریزد اشک بر محاسن او حرام گرداند خدای
روی او را از آتش دوزخ و نیز گفت که اگر کسی که اشک بیرون آید از چشمهای
او برابر پر مگس از ترس خدای تعالی ایمن گرداند خدای تعالی او را در روز
قیامت و در حدیث از کتاب [illegible] امیر المومنین علی علیه السلام که گفت امام
جعفر صادق علیه السلام که وحی کرد خدای تعالی بسوی موسی علیه السلام
که بندگان نزدیک نشوند بمن مگر بچیزی که دوست تر باشند نزد من از سه
خصلت حضرت موسی علیه السلام گفت بار خدایا آن سه خصلت کدام است
حق تعالی فرمود که زهد در دنیا و پرهیزکاری از معصیتها و گریستن از
ترس من و گفت موسی علیه السلام که ای پروردگار من چیست جزای
امت من که این سه خصلت داشته باشند حق تعالی وحی کرد ای موسی
اما زاهدان پس حکم میکنم که ایشان را در بهشت بهر جا که خواهند باشند
با ایشان کسی و اما پرهیزکاران از گناهان بدرستی که من سخت میگیرم
مردمان را و سخت گیری میکنم با ایشان و گفت امام جعفر صادق علیه السلام

[illegible]

که چندان گریست یحیی بن زکریا علیهما السلام که رفت گوشت روی
او از آب چشم و استخوانهای روی او نمایان شد و بند نهاد بر استخوانهای
خود تا آنکه چشم بر آن بگذرد و پس پدر او گفت با او که ای پسر من طلب
کردم ترا از خدای تعالی تا آنکه چشم من بتو روشن شود و یحیی علیه السلام
گفت ای پدر من بدرستی که بر بالای دوزخ پل العرصه است که نمیگذرد
کسی از آن پل مگر کسی که بسیار گریسته باشد از ترس خدای تعالی و میترسم
که نخواهم از آن پل بگذرم که افتم پس گریست زکریا علیه السلام چندانی که
بیهوش شد و گفت امیر المومنین علی علیه السلام که گریستن چشمها و ترسیدن
دلها از رحمت خدای تعالی است یعنی پس که بیاید رحمت خدای تعالی
یعنی که چشم شما گریان شود و در دل شما ترسی پیدا شود غنیمت شمارید دعا را
درین وقت و اگر یک بنده بگرید در میان امتی رحم کند خدای تعالی بر آن
امت بجهت گریه او و نیز گفت که هر گاه ترا گریه نیاید خود را بگریه دار
پس اگر اشک بیرون آید از چشم تو برابر پر مگس بسیار پسندیده است و گفت
محمد بن مسلم که شنیدم از ابی جعفر علیه السلام که میگفت که هر چیزی کیلی و وزنی دارد
مگر آب چشم بدرستی که وقتی که اشک چشم بریزد حرام گرداند خدای تعالی
دوزخ را بر وی پس اگر روان شود اشک بر رخساره بنده تنگی نبیند در
معاش و خواری نه بیند هرگز و یک قطره از اشک فرو می نشاند دریاهای

آتش را او اگر مردی بگرید در میان امتی خدای تعالی رحم کند بر امت
وگفت ابراهیم علیه السلام که بار خدایا چیست جزای آن کسی که تر شود
روی او بآب چشم از ترس تو حق تعالی فرمود که جزای او آمرزش
و خشنودی منست وگفت ابو جعفر علیه السلام که دعا کنید نزد برخواستن موی
از بدن از ترس خدای تعالی و نزد روان شدن اشک و نزد باریدن
باران و وقتی که آفتاب در میان آسمان باشد تا وقتی که آفتاب میل کند
بدرستی که درین وقتها درهای آسمان گشوده میشود و امید هاست از
فرشتها درین ساعت و امید اجابت دعاست از خدای تعالی و نیز
گفت که تضرع و زاری بنده و رحمت خدای تعالی با هم یکجا باشند
وقتی که بنده سجده کند خدای تعالی را پس اگر روان شود اشک از چشم
او فرو می آید درین وقت رحمت پس غنیمت دانید درین وقت طلب
حاجت را بسیار بدانید آنچه را که طلب میکنید از خدای تعالی بدرستی که نزد
خدای تعالی بیشتر است از آنچه شما که خیال کنید و حقیر مشمرید اندک حاجتی را
که دارید بدرستی که دوست ترین مومنان نزد خدای تعالی آنکس است
که طلب بیشتر کند و آنچه خواهد از اندک و بسیار از خدای تعالی طلب کند
وگفت امام محمد باقر علیه السلام که رفتم نزد پدر خود امام زین العابدین
علیه السلام و رسانیده بود عبادت را بجائی که هیچ کس بآن مرتبه نرسیده

بود پس دیدم که رنگ آنحضرت زرد شده است از بیخوابی و مجروح شده است
گوشت چشم او از گریه و پیشانی او ورم کرده است مخصوصا بسیاری سجده
و ساقها و قدمهای او نیز ورم کرده بجهة ایستادن در نماز پس بی اختیار
در گریه شدم چون دیدم پدر خود را باین حال بجهة آنکه رحم آمد مرا بر آن
حضرت در فکر بود و بعد از ساعتی متوجه من شد و گفت ای فرزند من
بده چند پاره از این ورقها که امیر المومنین علی علیه السلام در او نوشته پس
دادم آن ورقها را و آن حضرت خواند از آن ورقها اندکی و
بعد از آن گذاشت آن ورقها را بجهة آنکه دلتنگ شده و گفت که کی قوت
دارد که بجا آورد عبادت علی ابن ابی طالب را علیه السلام وگفت
امام زین العابدین علیه السلام که وقتی که وضو میساخت زرد می شد رنگ او
پرسیدند از او که چه چیز است ترا که بیهوش میکرد اند آن حضرت گفت آیا
نمیدانی آنکس را که میایستم برای ایستادن به پیش او و روایت است که امام
زین العابدین علیه السلام میگریست از ترس خدای تعالی تا آنکه تر میشد
محاسن مبارک آنحضرت باب چشم او فصل دوم در بیان نمازهای نادر
و در بیان استخاره گفت امام جعفر صادق علیه السلام که وقتی که خواهی
که کاری بکنی مشورت مکن در آن کار با کسی پیش از آنکه مشورت کنی با پروردگار
خود آن حضرت گفت صد بار بگو استخیر الله و بعد از آن مشورت کن با مردمان

بدرستی که آنچه حضرت خدای تعالی جاری میسازد بر زبان کسی که ترا دوست
میدارد، گفت از کتاب محاسن که گفت حلبی که ابو عبد الله علیه السلام فرمود که مشورت
کردن را چهار حد است پس کسی که بداند آن حدها را نفع او از آن مشورت بیشتر
از ضرر خواهد بود اول آنکه کسی که با او مشورت میکنی عاقل باشد دویم آنکه مرد
آزاده و با دیانت باشد سیوم آنکه می باید که دوست تو باشد و با تو حق برادری
داشته باشد چهارم آنکه مطلع گردانی او را بر سر خود و علم و دانش او بان کار
بمثل دانش تو باشد بان کار و بعد از آن آن حضرت بیان کرد فایده آن
چهار حد را گفت که بدرستی که آنکسی که با او مشورت میکنی هر گاه آزاده و با دیانت
باشد جهد میکند در نیک خواهی تو و هر گاه دوست تو باشد و با تو حق برادری
داشته باشد می پوشد سر ترا و هر گاه مطلع گردانی او را بر سر خود و علم و
دانش او در آن کار مثل علم و دانش تو باشد بان کار نعمت تمام میشود و مشورت
تو کامل میشود و نیکخواهی او برای او، گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که مشورت کن با مردم عاقل پرهیزکار بدرستی که خلاف کردن با ایشان
هم در دین بد است و هم در دنیا ضرر، گفت که رسول خدا صلی الله علیه
و آله فرمود که مشورت کردن با مردم عاقل نیکخواه مبارکست و راه راست
یافتن و توفیقست از خدای تعالی پس وقتی که عاقل نیکخواه اشارت
کند ترا بکاری و کاری بعمل آید ترا بپرهیز از خلاف کردن با او بدرستی

که خلاف

که خلاف کردن با او موجب هلاکت، گفت حسن بن جهم که بودیم نزد امام
رضا علیه السلام پس ذکر کردیم پدر آن حضرت را امام رضا علیه السلام گفت
با عقل پدر من برابری نمیکرد عقل دیگران و با وجود این بسیار از اوقات مشورت
میکرد با غلامی از غلامان خود کسی گفت با آنحضرت که مشورت میکنی با این طور کسی
آن حضرت گفت که گاه باشد که این کار بگشاید بر زبان او، گفت امام
رضا علیه السلام که گاهی غلامان سیاه اشارت میکردند بپدر من در کار
عمارت و بستان و آن حضرت عمل میکرد بسخن ایشان، گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که کسی پرسید از رسول خدا صلی الله علیه و آله زیرکی و دانائی در کار
کدام است آن حضرت گفت مشورت کردن با کسی که صاحب رای و عقل باشد
و پیروی او سخن کردن نیز که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود در وصیتی
که کرد امیر المومنین علی را علیه السلام که نیست پشتیبانی محکم تر از مشورت و نیست
عقلی همچو صلاح اندیشیدن و تدبیر، گفت که ظاهر چیزی را پیش از آنکه محکم کرده باشد
آن چیز را موجب فساد میشود، گفت یحیی بن عمران الحلبی که ابو عبد الله علیه السلام
فرمود که مشورت را چند حد است پس کسی که نداند آن حدها را ضرر او
در آن مشورت بیشتر خواهد بود از فایده اول آنکه کسی که با او مشورت میکنی
می باید که عاقل باشد دویم می باید که آزاده و با دیانت باشد سیوم می باید که او
دوست تو باشد و با تو حق برادری داشته باشد چهارم می باید که مطلع گردانی او را

بر سر خود نا دانش او و آن کار هیچ دانش تو باشد و بعد از ان بیان کرد فایده
این چهار چیز را پس گفت آنکسی که با و مشورت میکنی هر گاه عاقل باشد فایده می یابی
از ان مشورت و هر گاه آزاد و با دیانت باشد جهد میکند در نیکخواهی تو و هر گاه
دوست تو باشد و با تو حق برادری داشته باشد می پوشد سر ترا و هر گاه مطلع
گردانی او را بر سر دانش او با نکار هیچ دانش تو باشد با نکار جهد خواهد کرد
در نیکخواهی تو و تمام خواهد شد مشورت تو روایت کرده است
عثمان بن عیسی که گفت که گفتم بابی عبد الله علیه السلام که کیست دوست ترین خلق نزد
خدای تعالی آنحضرت گفت آنکسی که بیشتر اطاعت و فرمان برداری خدا میکند
گفتم دشمن ترین خلق نزد خدای کیست گفت آنکسی که تهمت کند خدای تعالی
را گفتم آیا کسی تهمت میکند خدای تعالی را گفت بلی آنکسی که استخاره کند بخدای تعالی
و استخاره او بر وجهی بیاید که خیر او در ان باشد و او کراهت داشته باشد آن را
و خشم گیرد پس تهمت کرده است خدای تعالی را و گفت عثمان بن حماد
که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که طریق استخاره اینست که چون دو رکعت
نماز سنت صبح بگذاری در سجده آخر رکعت دویم صد بار استخیر الله بگو بگو
خدای را و یکبار حمد بگو و یکبار صلوات بفرست بر نبی و آل او علیهم السلام
و بعد از ان پنجاه و نوبت استخیر الله بگو و بعد از ان حمد بگو خدای تعالی را
و صلوات بفرستی بر نبی و آله علیهم السلام و تمام کنی صد و یکی را

پنجاه

پنجاه و یکبار دیگر استخیر الله بگوی و بعد از ان حمد بگوی خدای تعالی را و صلوات
بفرستی بر نبی و آله علیهم السلام روایت که پرسید محمد بن خالد القسری ابا عبد الله علیه
السلام از کیفیت استخاره آن حضرت گفت که صد بار استخاره کن بخدای تعالی
در رکعت آخر از نماز شب هر وقتی که در سجده باشی گفت محمد بن خالد که
چگونه بگویم آن حضرت گفت که صد بار بگو استخیر الله برحمته روایت که امیر المؤمنین
علی علیه السلام بحث استخاره دو رکعت نماز میگذارد و صد بار در عقب نماز
میگفت استخیر الله و بعد از ان میگفت اللهم انی قد هممت بامر قد علمته فان کنت
تعلم انه شر لی فی دینی و دنیای و آخرتی فاصرفه عنی کرهت نفسی ذلک ام احببت
فانک تعلم ولا اعلم و انت علام الغیوب و بعد از ان قصد ان کار میکرد و آن
کار را پیش میگرفت روایت که مردی گفت بابی عبد الله علیه السلام که قصد
کردم بسیار است که من کاری را پیش میگیرم و پشیمان میشوم از ان کار آن
حضرت گفت که چرا استخاره نمیکنی آن مرد گفت فدایت گردم چگونه استخاره
آن حضرت گفت وقتی که نماز صبح بگذاری هر دو دست خود را بردار بر
روی خود بگو اللهم انک تعلم و انت علام الغیوب فصل علی محمد و آل محمد و خر
لی فی جمیع ما عزمت به من امری حیاتی و برکت و عافیت روایت از کتاب
تهذیب الاحکام گفت معاویه بن میسره که ابو عبد الله علیه السلام فرمود
که هر بنده که هفتاد بار استخاره کند بخدای تعالی بر میانه خدای تعالی او را

آنچه خیر او است و استخاره روایت یا ابصر الناظرین و یا اسمع السامعین و یا اسرع
الحاسبین و یا ارحم الراحمین و یا احکم الحاکمین و صل علی محمد و اهل بیته و خر لی
فی کذا و کذا یعنی حاجت و کاری که دارد نام برد و بعد از آن سجده کند و
در سجده بگوید استخیر الله برحمته استخیره فی عافیة صد مرتبه و بعد از آن
طلب حاجت خود کند بدرستی که چون چنین کند آنچه خیر او است باو میرسد بهر حال
و باید که تهمت نکند پروردگار خود را در آنکه که پیش او می آید خواه با آن
راضی باشند خواه نباشند **فصل پنجم** در نماز استخاره و **نقلست**
که پرسید حسن بن جهم از ابی الحسن علیه السلام برای سفر کردن [illegible] ابن جهم
ابن جهم گفت ما ذکر کردیم راه دریا و خشکی تا مصر و خبر دادیم او را که راه خشکی
بهتر است آنحضرت گفت بمسجد برو در غیر وقت نماز فریضه و دو رکعت نماز
بگذار و صد بار استخاره کن بخدای تعالی و بعد از آن نظر کن که چه چیز در دل
تو می افتد با آن عمل کن گفت حسن بن جهم نزد من راه خشکی را بهتر است
آنحضرت گفت که هر که میخواهی بخوان و اگر میخواهی قل هو الله احد و قل
یا ایها الکافرون بخوان فایده دیگر برای استخاره **نقلست** اسحق بن
عمار گفتم بابی عبد الله علیه السلام که بسیار است که قصد کاری میکنم بعضی میگویند
این کار را بکن و بعضی میگویند این کار را مکن آن حضرت گفت که هر گاه
چنین باشد دو رکعت نماز بگذار و صد و یکبار استخاره کن بخدای تعالی و

بعد از ان

بعد از آن منتظر باش که بکدام یک از این دو عزم میکنی پس آن را بکن بدرستی که خیر تو
در آنست انشاء الله تعالی و لیکن این استخاره مخصوص باید که در طلب عافیت باشد بدرستی
که بسیار است که خیر آدمی در بریدن دست او است و مردن او و مردن
فرزند او و رفتن مال او **فایده دیگر** برای استخاره **رقاع** هارون بن خارجه
گفت ابو عبد الله علیه السلام فرمود که هر گاه خواهی کاری بکنی بگیر شش پاره کاغذ
و در سه رقعه بنویس بسم الله الرحمن الرحیم من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانة
افعل بجای نام کسی که خواهد آن کار بکند و نام مادر او و بنویس بسم الله الرحمن
الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانة لا تفعل و بعد از آن این رقعها
را در زیر جای نماز خود بنه و بعد از آن دو رکعت نماز بگذار و چون
فارغ شوی از نماز سجده کن و در سجده بگو صد بار استخیر الله برحمته خیرة فی
عافیة و بعد از آن بنشین و بگو اللهم خر لی فی اموری فی یسر منک و عافیة و
بعد از آن دست بزن بر رقعها و پراکنده کن و سه از آنها را بیرون آر از آن
رقعها را یک یک پس اگر سه رقعه پی در پی آمد بر آن که در او افعل نوشته است
بکن آن کار را و اگر سه رقعه پی در پی آمد بر آن که در او لا تفعل نوشته است
آن کار را مکن و اگر یکی بیرون آمد که افعل نوشته است و یکی لا تفعل بیرون
آر از آن رقعها تا پنج و نظر کن که افعل بیشتر است یا لا تفعل بیشتر هر کدام بیشتر است
عمل کن و رقعه ششم را بگذار و بیرون میار که احتیاج باو نیست ابو جعفر ...

علیه السلام که هرگاه امام زین العابدین علیه السلام میخواست که حج کند یا عمره
بکند یا بنده آزاد کند یا چیزی بخرد یا بفروشد طهارت میکرد و دو رکعت
نماز استخاره میکرد و در هر دو رکعت سوره الرحمن و حشر میخواند چون فارغ
میشد از نماز دویست نوبت میگفت استخیر الله و بعد از آن قل هو الله
احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس میخواند و بعد از آن میگفت
اللهم انی قد هممت بامر قد علمته فان کنت تعلم انه خیر لی فی دینی و دنیای و آخرتی
فاقدره لی وان کنت تعلم انه شر لی فی دینی و دنیای و آخرتی فاصرفه
عنی رب اعزم لی علی رشدی وان کرهت او ابته ذلک نفسی بسم الله
الرحمن الرحیم ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله حسبی الله ونعم الوکیل ونعم المولی
ونعم النصیر و بعد از ان میرفت و آن کار میکرد [illegible] برای استخاره
[illegible] دیگر روایت محمد بن یعقوب از علی بن محمد که بعضی از اصحاب مرفوعا
از بعضی ائمه معصومین نقل کرده که کسی که خواهد که کاری بکند و کسی نباید که با او
مشورت کند آن حضرت گفت باید که مشورت کند با پروردگار خود
آنکس گفت که چگونه مشورت کنم آن حضرت گفت که قصد کن آن حاجت
را در دل و بنویس بر دو پاره و در یکی بنویس لا و در یکی نعم و هر کدام را
علاحده در میان دو گل پنهان کن و بعد از آن دو رکعت نماز بگزار
و آن هر دو گل را در زیر دامن خود بنه و بگو یا الله انی اشاورک فی

امری

امری هذا و انت خیر مستشار و مشیر فاشر علی بما فیه خیر و صلاح و حسن عاقبة
و بعد از آن دست دراز کن و یکی را بیرون آر پس اگر در آن نعم بیرون
آورده باشی بکن آن کار را بکن و اگر لا باشد ترک کن چنین مشورت کن
پروردگار خود [illegible] برای استخاره [illegible] جابر بن عبدالله
که رسول خدا صلی الله علیه و آله آموخت ما را استخاره چنانکه می آموخت
ما را سوره از قرآن و گفت که هرگاه خواهید که کاری بکنید باید که دو
رکعت نماز بگذارید و بعد از آن بگوئید اللهم انی استخیرک بعلمک و استقدرک
بقدرتک و اسالک من فضلک العظیم فانک تقدر ولا اقدر و تعلم ولا اعلم
وانت علام الغیوب اللهم ان کنت تعلم هذا الامر المعین خیرا لی فی دینی
و معاشی و عاقبة امری فاقدره لی و یسره و بارک لی فیه وان کنت تعلم
انه شر لی فی دینی و معاشی و عاقبة امری فاصرفه عنی و اقدر لی
الخیر حیث ما کان و رضنی به [illegible] از کتاب محاسن که گفت مسعود
بن صدقه که شنیدم از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت که باید که
بجای اللهم انی استخیرک بعلمک و استقدرک بقدرتک علیه تحیة اگر در این
قول که اللهم انی استخیرک بعلمک و استقدرک که هم خیر و هم شر هست پس
هرگاه شرط کند خیر و شر را در قول خود پس بانچه شرط کرده و باید که
خواهد شد برای شما و لیکن باید که بگوئید اللهم انی استخیرک برحمتک استقدرک

الخير تقدر ذلك علينا انك عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم فأسألك ان تصلي على محمد وآل
محمد كما صليت على ابراهيم وعلى آل ابراهيم انك حميد مجيد اللهم ان كان هذا الامر
الذي اريده خيرا لي في ديني ودنياي وآخرتي فيسّره وان كان غير ذلك
فاصرفه عني واصرفني عنه. دیگر مسعود که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
که بعضی از پدران من علیهم السلام در وقت استخاره میگفتند اللهم انی استخیرک
برحمتک واستقدرک الخیر بقدرتک علیه انک تقدر ولا اقدر وتعلم ولا اعلم وانت
علام الغیوب اللهم فما کان من امر هو اقرب من طاعتک وابعد من معصیتک
وارضی لنفسک واقضی بحقک فیسره وان کان غیر ذلک فاصرفه عنی واصرفنی
عنه فانه لطیف لذلک والقادر علیه. دیگر عمرو بن حریث که ابا عبدالله علیه
السلام فرمود که چون خواهی که استخاره کنی دو رکعت نماز بگذار و بعد از آن
استخاره کن بحمد اسمی تعالی مسلمانی مگر آنکه خدای تعالی خیر پدید آورد البته
بدان حاجت. فایده چون خواهی که فال بگیری از مصحف نماز جعفر بگذار
و نماز جعفر چهار رکعت است هر دو رکعت بیک تشهد و بیک سلام در رکعت
اول یکبار فاتحه بخوان و یکبار اذا زلزلت و بعد از آن پانزده بار بگو
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و بعد از آنکه سر برآری
از رکوع همین تسبیح را ده بار بگو و بعد از آن سجده کن و در سجده [illegible]
نیز همین تسبیح را ده بار بگو و بعد از آنکه سر از سجده دویم برداری همین تسبیح

را ده بار بگو و در رکعت دویم یکبار فاتحه بخوان و یکبار سوره والعادیات
سیوم یکبار فاتحه و یکبار سوره اذا جاء نصر الله بخوان و در رکعت چهارم یکبار
فاتحه و یکبار قل هو الله بخوان و آن تسبیح که مذکور شد بهمان کیفیت که در رکعت
اول خواندی در رکعت دویم و سیوم و چهارم نیز بخوان و در سجده آخر رکعت چهارم
بگو سبحان من لبس العز والوقار سبحان من تعطف بالمجد وتکرم به سبحان
من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان من احصی کل شیء علمه سبحان ذی المن والنعم
سبحان ذی القدرة والکرم سبحان ذی العزة والفضل سبحان
ذی القوة والطول اللهم انی اسألک بمعاقد العز من عرشک ومنتهی الرحمة من
کتابک وباسمک الاعظم وکلماتک التامات التی تمت صدقا وعدلا ان تصلی
علی محمد واهل بیته وان تفعل بی کذا وکذا چون از نماز فارغ شوی تسبیح فاطمه
زهرا بگو و بعد از آن این دعا را بخوان یا من یخفی علیه اللغات ولا تشتبه
علیه الاصوات یا من هو کل المشکین هذا مقام الفقیر البائس الحقیر
المحتاج الی ملک کریم یا ولیی ما اغفلنی عما یراد بی سیدی هذا مقام العبد
المستجیر بعفوک من عقوبتک هذا مقام الذلیل الاسیر هذا مقام المطرود الشرید
یا سیدی اقلنی عثرتی یا مقیل العثرات یا سیدی اعطنی سیدی ارحم
الضعیف وعبدک الرقیق الذی لا قوة له علی حر النار یا سیدی فانی
عبدک ابن عبدک بین یدیک وفی قبضتک لا طاقة لی بالخروج من سلطانک

سيدي وكيف لي بالتجاب والاقتراب الا لديك وكيف لي بالرحمة والاقتراب

الا من عندك يا آخر الاشياء ومد لي الافتقار ومنتهى مرتبة الكرامات اليك فعندك

انزلت حاجتي واليك شكوت اسرافي على نفسي وبك استغثت فاغثني وانقذني برحمتك

مما اجترأت عليك سيدي يا ويلتي اين اهرب من الخلايق كلهم في قبضتك والسموات مطويات

يا سيدي فاليك هربت ووقفت بين يديك متضرعا اليك وراجيا لما عندك لديك يا الهي

وسيدي حاجتي التي ان اعطيتنيها لم يضرني ما منعتني وان منعتنيها لم ينفعني ما اعطيتني

اسألك فكاك رقبتي من النار سيدي فقد علمت وايقنت انك الملك الذي لا

له ولا شريك له يا سيدي انا عبدك مقر لك بوجه انفتك ولوجود ربوبيتك انت الله

الذي خلقت خلقك بلا مثال ولا الفقر ولا فضت انت المعبود غيرك اسألك باسمك

الذي تحشر به الموتى الى الحشر يا من لا يقدر على ذلك احد غيره واسالك

باسمك الذي تحيي به العظام وهي رميم ان تغفر لي وترحمني وتعافيني وتعطيني

بها وتكفيني ما اهمني اشهد انه لا يقدر على ذلك احد غيرك يا من امره اذا اراد شيئا

ان يقول له كن فيكون يا من احاط بكل شيء علما واحصى كل شيء عددا اسالك ان تصلي

محمد عبدك ورسولك ونبيك وحبيبك وخالصتك وصفيك وخيرتك من خلقك واميناك

وحبيبك وموضع سرك ورسولك الذي ارسلته الى عبادك وحجابة رحمة للعالمين والنور

استنصار المؤمنين فبلغ رسالتك بالجزيل (؟) لو اياك وانذر بالاليم من عذابك اللهم فضل عليه

فضيلته من فضايلك ولكل منقبة من مناقبه ولكل حال من حالاته ولكل مرتبة

من كل سوافقة صلوة تكرم بها وجهه واعط الدرجة والوسيلة والرفعة والفضيلة

اللهم شرف في القيامة وعظم بنيانه واعل درجته وتقبل شفاعته في امته

واعطه سؤله وارفعه في الفضيل الى غاية اللهم صل على اهل بيته ائمة الهدى

ومصابيح الدجى وامنائك في خلقك واصفيائك في عبادك وحججك في ارضك ومنار

في البلاد الصابرين وعلى بلائك الطالبين رضاك المرقبين بوعدك غير شاكين

فيك ولا جاحدين في عبادتك واوليائك وسلالة اوليائك وخزان علمك الذين

جعلتهم مصابيح الهدى ونور الدجى عليهم صلواتك ورحمتك ورضوانك اللهم صل على

محمد وآل محمد وعلى مبارك في عبادك كما ادى اليك بذلك التيم بامرك المودي

عن رسولك عليه وآله السلام اللهم اذا ظهر به فالخزله ما وعدته وسواليه

والنصرة وقو ناصره وبلغه فضل عمله ان يصلي الى واعطه وجدنا محمد

واهل بيته لعبد النبي الذي قد نزل بهم بعد نبيك فصاروا منتظرين بطولة من

بشر من شيعتهم غالبين غير ممتن لتقوى لتقوى في صبيه الاذى الا اشتغال بحكمك

وعلى حكمك والتكذيب فصبروا على اصحابهم فيك راضين بذلك مسلمين لك في جميع

ما ورد عليهم وما يرد اليهم اللهم عجل فرج قائمهم بامرك والنصرة وشيك الذي

غيره بدل وحده به ما امنتي وبه بعد نبيك صلى الله عليه وآله اللهم صل على محمد خاتم

المرسلين والنبيين الذي بلغوا عنك واعتقد والملك المواثيق بالطاعة اللهم

صل عليهم وعلى ازواجهم واحبائهم والسلام عليهم ورحمة الله وبركاته

اللهم صل علی ملائکتک المقربین و اولی العزم من انبیائک المرسلین و عبادک الصالحین
اجمعین یا ارحم الراحمین و اعطنی سؤلی فی دنیای و آخرتی یا ارحم الراحمین
اللهم کما وعدک لنفسی لعاجل الدنیا و آجل الآخرة فاعطنی جمیع اهلی و اخوانی فیک
و جمیع شیعة آل محمد المستضعفین فی ارضک من عبادک الخائفین منک الذین صبروا و
علی الاذی و التکذیب فیک و فی رسولک و اهل بیته علیهم السلام افضل ما یاملون
و اکفهم ما اهمهم یا ارحم الراحمین اللهم ارحم غربتهم فی النعیم و اجمع بیننا و بینهم
برحمتک یا ارحم الراحمین   و بعد از آن مصحف بردار و قصد کن ظهور حضرت صاحب
الزمان را علیه السلام در اول و در نوبت دوم که برای خود فال میگیری
این قصد کن و بعد از آن بگو اللهم ان کان فی قضائک و قدرک تفرج عن
ولیک و حجتک فی خلقک فی عامنا هذا او شهرنا هذا فاخرج لنا راس آیة من
کتابک نستدل بها علی ذلک و بعد از آن مصحف را بگشا و هفت ورق شمره و از
پشت ورق هفتم هفت سطر شمره و نظر کن در آن چیزی که می آید در سطر هفتم
و بعد از این همین کار کن برای خود بدرستی که ظاهر میشود حاجت تو انشاء الله
تعالی دیگر از کتاب تهذیب الاحکام که گفت یسع قمی که گفتم بابی عبدالله
علیه السلام که گاهی اراده چیزی میکنم و استخاره میکنم در آن چیز
بخدا تعالی و توفیق نمی یابد فکر من که اختیار کنم یا نکنم آن حضرت گفت که وقتی
که برخیزی برای   و آن وقتی است که شیطان دورتر است از

آدمی نظر کن که چه چیز در دل تو می افتد پس آن چیز در دل خود نگاه دار و مصحف
را بگشا و نظر کن با اول چیزی که می بینی در مصحف پس آن کار کن دیگر الیسع از
حضرت صادق علیه السلام که کسی که بیرون رود از خانه خود و بگرداند انگشتری را و
او را اینجانب کف دست کند و سوره انا انزلناه بخواند و بعد از آن بگوید آمنت
بالله وحده لا شریک له آمنت بسر آل محمد و علانیتهم نه بیند در آن روز هیچ مکروهی
دیگر گفت حاجت نیست مهران که ابو عبدالله علیه السلام فرمود
که هرگاه که شما را چیزی بشود طلب سلطانی و چیزی بدهید به او و هرگاه حاجتی نزد
سلطان و رشوت بدهید بده و در بانان سلطان را چیزی بدهید پس اگر شما را
کاری سختی پیش آید باید که جمع کنید بخدا تعالی و طهارت کنید و چیزی صدقه
بدهید خواه کم باشد و خواه بسیار و بعد از آن بمسجد بروید و دو رکعت نماز
بگذارید و حمد و ثنای خدای تعالی را بگویید و صلوات بفرستید بر نبی و آله
علیهم السلام و بعد از آن بگویید ان عافیتی مما اخاف من کذا و کذا نفس
نام آن چیز برده که از وی می ترسید بدرستی که چون چنین کنند خدای تعالی نگاهدار
نجات بدهد دیگر حاجت چون حاجت داشته باشی در وقتی که نصف
شب بشود غسل کن و دو رکعت نماز بگذار و در هر رکعتی فاتحه یکبار و
پانصد بار قل هو الله بخوان و دو رکعت دیگر این کار کن چون فارغ شوی از
قل هو الله خواندن آخر سوره حشر را بخوان که لا یستوی اصحاب النار و اصحاب

هم الفائزون لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك
الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون ۞ هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب
والشهادة هو الرحمن الرحيم ۞ هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام
المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون ۞ هو الله الخالق
البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم
۞ و شش آیه از اول سوره حدید بخوان و آن شش آیه اینست بسم الله
الرحمن الرحيم سبح لله ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم له ملك السموات
والارض يحيي ويميت وهو على كل شيء قدير ۞ هو الاول والآخر والظاهر
والباطن وهو بكل شيء عليم ۞ هو الذي خلق السموات والارض في ستة
ايام ثم استوى على العرش يعلم ما يلج في الارض وما يخرج منها وما ينزل من السماء
وما يعرج فيها وهو معكم اينما كنتم والله بما تعملون بصير له ملك السموات والارض
والى الله ترجع الامور يولج الليل في النهار ويولج النهار في الليل وهو عليم بذات
الصدور و بعد از آن ایستاده هزار بار بگو یا کریم و یا کشفی و بعد از آن
رکوع و سجود کن و تشهد بخوان و ثنا بگو بر خدای تعالی که حاجت تو روا
میشود و اگر حاجت تو روا نشود دفعه دوم این کار کن و اگر در
دوم نشود مرتبه سیوم این کار کن خدا رواکرد انشاء الله گفت ابو عبدالله
علیه السلام که وقتی ترا حاجتی بخدای تعالی روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه این

سه روز بدار روزه بگیر چون روز جمعه شود غسل کن و جامه پاکیزه بپوش
و بعد از آن بر بلندترین سرای خود بالا رو و در آنجا دو رکعت نماز بگذار
و هر دو دست خود را بجانب آسمان و بگو اللهم انی حللت بساحتک لمعرفتی
بوحدانیتک وصمدانیتک وانه لا قادر على حاجتي غيرك فقد علمت يا رب انه
كلما تظاهرت نعمك على اشتدت فاقتي اليك وقد طرقني هم كذا وانت بكشفه
عالم غير معلم واسع غير متكلف فاسالك باسمك الذي وضعته على الجبال فنسفت
وعلى السماء فانشقت وعلى النجوم فانتثرت وعلى الارض فسطحت واسالك
بالحق الذي جعلته عند محمد وعند الائمة ان تصلي على محمد وآل محمد وان تقضي حاجتي
وان تيسر لي عسيرها وتكفيني مهمها فان فعلت فلك الحمد وان لم تفعل فلك
الحمد غير جائر في حكمك ولا متهم في قضائك ولا حائف في عدلك و بعد از آن روی
خود را بر زمین بنه و بگو اللهم ان یونس بن متی عبدک دعاک فی بطن الحوت
فاستجبت له وانا عبدك ادعوك فاستجب و بعد از آن گفت ابو عبدالله
علیه السلام که وقتی که حاجتی می باشد این عمل میکنم و این دعا میخوانم حاجت
من بر آورده میشود نقل دیگر برای حاجت گفت امام موسی علیه
السلام که هرگاه ترا کار بزرگی پیش آید تصدق کن در آن روز بشصت
مسکین نصف صاع نصف صاع حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله از خرما یا گندم
یا جو پس هرگاه شب شود غسل کن در ثلث آخر شب و بعد از آن بپوش

ادنی چیزی که می پوشند او را و لنگی بربند و بعد از آن دو رکعت نماز بگذار و در
رکعت اول فاتحه و قل هو الله بخوان و در رکعت دویم فاتحه و قل یا ایها الکافرون
بخوان چون در رکعت آخر سر بسجده نهی لا اله الا الله بگو و سپاسی یاد کن خدا را
و بعد از آن یاد کن گناهان خود را و اقرار کن بتمام گناهان خود آنچه دانی
و آنچه ندانی و بعد از آن سر خود را از سجده بردار چون سر را بسجده دویم نهی
صد بار بگو استجیر کبیرک و بعد از آن بخوان خدا تعالی را بآنچه میخواهی از نامهای
او و بعد از آن بگو یا کاین قبل کل شئ یا مکون کل شئ یا کاین بعد کل شئ افعل لی
کذا و کذا یعنی حاجت خود را نام ببر و هر گاه و استخاره کنی هر دو زانوی خود را
برزمین بنه و بر دار لنگ خود را تا آنکه برهنه شود و هر دو زانوی تو و لنگ را از
میان بردار آن خود بگذران بدرستی که هر گاه چنین کنی امید میدارم
که برآورده حاجت تو را ابتدا کن بصلوات بر محمد و آل او علیهم السلام

نقل دیگر برای حاجت امام رضا علیه السلام که وقتی که اندوهگین سازد
ترا کاری دو رکعت نماز بگذار در رکعت اول فاتحه و آیة الکرسی بخوان
و در رکعت دویم فاتحه و انا انزلناه بخوان مصحف را بردار بالای سر خود
و بگو اللهم بحق من ارسلته الی خلقک و بحق کل آیة فیه و بحق کل من مدحته فیه
علیک و لا تعرف احدا اعرف بحقک منک ده بار بگو یا سیدی یا الله ده
بار بگو بحق محمد ده بار بگو بحق علی و ده بار بگو بحق فاطمه و نام هر یک را از ائمه

بالی

باین طلب ده بار بگو تا صاحب الزمان بدرستی که هر گاه چنین کنی هنوز از جای
برنخاسته باشی که خدا اعمال حاجت تو برآورده نقل دیگر برای حاجت گفت
مقاتل بن مقاتل که گفتم با امام رضا علیه السلام که فدایت شوم کردم دعای جامع
بمن بیاموز برای حاجت آن حضرت گفت هر گاه ترا حاجتی ضروری باشد
بجا آور غسل کن و جامه پاک بپوش و چیزی از بوی خوش بکار ببر و بجای
که میان تو و آسمان حایل باشد دو رکعت نماز بگذار باین کیفیت که افتتاح
کن نماز را بفاتحه و پانزده بار قل هو الله بخوان بطریق نماز تسبیح بگذار
این نماز را و فرق میان این نماز و تسبیح که از اعمال جعفر مذکور شد و کیفیت آن در
آنچه از پیش گذشت و این نماز آنست که درین نماز قل هو الله پانزده بار
می باید خواند بعد از فاتحه و در رکوع و بعد از رکوع و در سجود و بعد از سجود
و در نماز تسبیح بعد از سوره پانزده بار تسبیح می باید گفت و همچنین بعد از
رکوع و در سجود و بعد از سجود ده بار تسبیح می باید گفت چون فارغ شوی
از نماز سجده کن و بگو اللهم ان کل معبود من لدن عرشک الی قرار ارضک فهو باطل
سواک فانک انت الله الحق المبین اقض لی حاجتی کذا و کذا الساعة الساعة و مبالغه
کن در آن چیزی که میخواهی و چون حاجت تو برآورده شود شکر کن خدا را

نماز حضر نقل کرده است هرون بن خارجه که ابو عبد الله علیه السلام
گفت در میان نماز بگذار در رکعت اول فاتحه و قل هو الله بخوان و در

رکعت دویم فاتحه و قل یا ایها الکافرون بخوان و در رکوع و در سجود اول فاتحه
و قل هو الله بخوان و در رکوع و سجود اول بگو الحمد لله شکرا شکرا و حمدا و در
رکوع و سجود رکعت دویم بگو الحمد لله الذی استجاب دعائی و اعطانی
مسئلتی **حدیث** از کتاب روضة الواعظین که گفت امام جعفر صادق علیه السلام
که عافیت نعمتی است پنهان یعنی مردمان غافلند از عافیت و قدر او را نمیشناسند
پس هرگاه عافیت داری فراموش کنی او را و هرگاه عافیت نداری یاد میکنی
او را عافیت نعمتی است او **و گفت** امام زین العابدین علیه السلام که
هر که الحمد بگوید به درستی که بجا آورده است شکر هر نعمتی را که خدا تعالی باو
داده است **نماز** هرگاه پیدا شود در نفس خود اندوهی در این وقت نماز
عفو بگذارد و این نماز دو رکعت است در هر رکعت یکبار فاتحه و انا انزلناه
بخوان و بعد از قرائت پانزده بار بگو یا رب عفوک و بعد از آن رکوع کن
و در رکوع ده بار بگو همین و تمام کن این دو رکعت را مثل نماز جعفر و نماز
جعفر از پیش گذشت یعنی باین کیفیت بگذارد و چون سر از رکوع برداری
همین را ده بار بگو و در رکعت دویم را نیز باین کیفیت بگذارد **نماز** بجهة
وسوسه نفس گفت امام جعفر صادق علیه السلام که هر مومنی که چهل صباح
بر او بگذرد و وسوسه در نفس او پیدا شود پس باید که دو رکعت نماز بگذارد
و پناه جوید بخدای تعالی از وسوسه نفس و نیز **گفت** که شکایت کرد آدم

علیه السلام

علیه السلام بحق تعالی از وسوسه نفس پس جبرئیل علیه السلام فرود آمد و گفت او را بگو
لا حول و لا قوة الا بالله حضرت آدم علیه السلام گفت این کلمه را
و وسوسه نفس از او رفت پس گفت امام جعفر صادق علیه السلام که
اصل لا حول و لا قوة الا بالله یعنی بجهة این نازل شد **گفت** امام محمد باقر علیه
السلام که آمد مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و شکایت کرد از وسوسه
نفس و از بسیاری قرض و درویشی آن حضرت گفت باو که بگو توکلت
علی الحی الذی لا یموت و الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة و لا ولدا و لم یکن
له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا آن مرد تکرار کرد این را
چند بار و اندک زمانی بر آمد که نزد حضرت صلی الله علیه و آله آمد و گفت یا
رسول الله رفت وسوسه نفس از من و ادا شد قرض من و توانگر شدم
جهة وسوسه استغفار و طلب روزی **و گفت** حضرت صلی الله علیه
و آله که وقتی که در معاش تو تنگی پیدا شود و در کار تو دشواری پدید آید
عرض کن حاجت خود را بجناب ایزد متعال و نماز استغفار بگذار و این نماز دو
رکعت است باین کیفیت که تکبیر احرام بگو و در هر رکعت فاتحه و انا انزلنا
یکبار بخوان و بعد از قرائت پانزده بار استغفر الله و بعد از آن در رکوع
ده بار بگو استغفر الله و این نماز را هم بطریق نماز امام جعفر تمام کن
تا خدا تعالی اصلاح آرد جمیع کارها تو را انشاء الله تعالی **اصل** بگو که

مهمات گفت امام جعفر صادق علیه السلام که چون ترا مهمی پیش آید دو رکعت
نماز بگذار و سلام بده و سجده بکن و حمد و ثنا بگو خدای تعالی را و صلوات بفرست
بر نبی و آل او علیهم السلام و صد بار بگو یا محمد یا جبرئیل اکفیانی مما انا فیه فانکما
کافیان احفظانی باذن الله فانکما حافظان گفت که اگر کسی سی و چهار بار
سوره انا انزلناه بخواند بر قدح آبی و آن آب را بر جامه نو بپاشد مدام تا
فراخ روزی باشد مدام که آن جامه کهنه نشود گفت که اگر کسی او را غم
و اندوهی رسیده باشد یا او را حاجتی باشد بخدای تعالی و گفت امام رضا
علیه السلام که چون ترا غمی برسد یا حاجتی داشته باشی بخدای تعالی دو رکعت
نماز بگذارد و در هر رکعت فاتحه یکبار و سیزده بار انا انزلناه بخوان چون
فارغ شوی از نماز سجده کن و بگو یا فارج الهم و کاشف الغم و مجیب
دعوة المضطرین و رحمن الدنیا و رحیم الاخرة صل علی محمد و آل محمد و ارحمنی رحمة
تطفی بها عنی غضبک و سخطک و تغنینی بها عن رحمة من سواک و بعد از ان
روی راست خود را بر زمین بنه و بگو یا مذل کل جبار و معز کل ذلیل قد
و حقک بلغ المجهود منی فی امری کذا ففرج عنی و بعد از ان روی چپ
خود را بر زمین بنه و همین را بگو و بعد از ان پیشانی را بر زمین بنه و همین را
بگو براستی که حق تعالی ببرد غم و اندوه ترا و روا کند حاجت ترا
برای رستگاری از شدت گفت امیرالمؤمنین علیه السلام که چون

ترا شدتی پیش آید دو رکعت نماز بگذار در رکعت اول فاتحه و هزار بار قل هو الله
احد بخوان و در رکعت دویم فاتحه یکبار و قل هو الله احد بخوان و بعد از ان تشهد
بخوان و سلام بده و دعای فرج بخوان و دعای فرج اینست اللهم یا من لا تراه
العیون و لا تخالطه الظنون یا من لا یصفه الواصفون یا من لا تغیره
الدهور یا من لا یخشی الدوائر یا من لا یذوق الموت یا من لا یخشی الفوت
یا من لا یضره الذنوب و لا ینقصه المغفرة یا من تعلم مثاقیل الجبال و کیل البحور
و عدد الاقطار و ورق الاشجار و رمل البر و لا یواری منه سماء سماء و لا ارض
ارضا و لا بحر ما فی قعره و لا جبل ما فی وعره تعلم ما تخفی الاعین و ما تخفی
الصدور و ما اظلم علیه اللیل و اشرق عنه النهار و اسألک باسمک المکنون المخزون
الذی فی علم الغیب عندک الذی استخصصت به نفسک اشتققت منه اسمک انک
انت الله لا اله الا انت وحدک لا شریک لک اذا دعیت به اجبت و اذا سئلت
به اعطیت و اسألک بحق انبیائک المرسلین و بحق ملائکتک المقربین و بحق جبرئیل
و میکائیل و اسرافیل و بحق محمد و عترته صلواتک علیهم ان تصلی علی محمد و آل
محمد و ان تجعل خیر عمری آخره و خیر اعمالی خواتیمها و اسألک مغفرتک و رضوانک
یا ارحم الراحمین گفت برای خلاصی از غم و اندوه چون بکسی البته
و کربتی باید که دو رکعت نماز بگذارد و بهر دو دست بگیرد مصحف را
و بلند بر دارد و بگوید اللهم انی اتوجه بما فیه و فیه اسمک الاکبر و اسألک

الحسنی و ما به یخافت ویرجی اسالک ان تصلی علی محمد و آل محمد و تقضی حاجتی
کردار و تمام برود **دیگر** استغاثه بحضرت فاطمه علیها السلام چون خواهی استغاثه
کنی بحضرت فاطمه دو رکعت نماز بگذار و بعد از آن سجده کن و صد بار بگو
یا فاطمه بعد از آن روی راست بر زمین نه و صد بار یا فاطمه و بعد از آن
روی چپ را بر زمین نه و مثل این بگو و بعد از آن پیشانی را بر زمین نه
و صد بار بگو یا فاطمه و بعد از آن بگو امنا من کل شیء و کلفنی شیئا کفایت
حذرا اسالک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعطینی اما یا نفسی و اهلی و مالی
و ولدی حتی لا احاف احدا و لا احذر من شیء ابدا انک علی کل شیء قدیر
دیگر استغاثه چون خواهی که در شب خواب کنی بر بالای سر خود
ظرف پاکی بنه کرده در آب پاک باشد و خرقه پاکه بر سر آن ظرف بپوشان که
بیدار شوی برای نماز در آخر شب پس چهره از آن آب بیاشام و
بعد از آن وضو کن بآنچه مانده باشد از آن آب و متوجه شو قبله را و اذان
و اقامت بگو و دو رکعت نماز بگذار و در هر دو رکعت هر چه میسر شود از قرآن
بخوان چون فارغ شوی از قرائت رکوع کن و در رکوع پنج بار
بگو یا غیاث المستغیثین و بعد از آن سر خود را از رکوع بردار و مثل
این بگو و بعد از آن سجده کن و مثل این بگو و بعد از آن بنشین و مثل این
بگو و بعد از آن رکعت دوم نیز مثل این بجا آر و سلام بده پس تو در این

نماز

نماز پس صد بار بگو یا غیاث المستغیثین و بعد از آن بر دار سر خود را و متوجه آسمان
شو و صد بار بگو من العبد الذلیل الی المولی الجلیل و ذکر کن حاجت خود را
بدرستی که زود بر آورده میشود حاجت تو **نقل** برای فریاد رسیدن
گفت ابو عبد الله علیه السلام که هر گاه شما را مصیبتی رسد باید
که دو رکعت نماز بگذارید و بعد از آن سجده کنید و در سجده بگویید یا محمد یا رسول
الله یا علی ولی الله یا سید المؤمنین و المؤمنات بکما استغیث الی الله یا محمد
یا علی استغیث بکما یا غوثاه بالله و بمحمد و علی و فاطمه و تمام ائمه علیهم السلام
بگویید بکم اتوسل الی الله جل و عز بدرستی که چون چنین کنند در ساعت
بفریاد رس شما میرسند **نقل است** برای دفع فقر و درویشی دو رکعت نماز بگو
بگذار و بعد از آن سجده کن و در سجده بگو یا واجد یا ماجد یا کریم اتوجه
الیک بنبیک نبی الرحمة یا رسول الله انی اتوجه بک الی الله ربی و ربک
و رب کل شیء اسالک یا الله ان تصلی علی محمد و آله و اسالک
نفحة من نفحاتک فتحا یسیرا و رزقا واسعا الم به شعثی و اقضی
به دینی و استعین بها علی عیالی **خاصیت** برای دفع غم گفت
ابو عبد الله علیه السلام که هر کسی که او را غمی و سختی برسد باید که
غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد و بعد از آن بر پهلو بگوید
درودی است خود را بر زمین بنهد و بگوید یا معز کل ذلیل

وبا مذل کل عسیر وحکمک نفذ شیء علی کذا وکذا یعنی نام برد آن
غم و سختی را که بتو رسیده است **فصل** بجهة طلب یاری برای
دشمن گفت امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام که چون خواهی که
دفع دشمن کنی وضو بساز هر وقت که خواهی و بعد از آن
دو رکعت نماز بگذار چون فارغ شوی از نماز روی خود را بر زمین
نه و بگو یا رباه تا آنکه نفس منقطع شود و بعد از آن بگو من اهلک
عادا الاولی وثمود فما ابقی وقوم نوح من قبل انهم کانوا هم
اظلم واطغی والمؤتفکة اهوی فغشیها ما غشی ان کان فلان
بن فلان یعنی نام آنکسی که دشمن است و نام پدر او را بگو ظالما
فیما ارکبتنی به فاجعل علیه منک وعدا ولا تجعل رزق عطاک نصیبنا
من قریب الا قربنا **فصل** مظلوم بجهة دفع ظالمی که بر او ظلم
کرده است چون ظالم ظلم کند بر تو وضو بساز و دو رکعت
نماز بگذار دست خود را بر دار بجانب آسمان و بگو سه بار
خود را و بگو اللهم رب محمد و آل محمد صل علی محمد و آل محمد
واهلک عدوهم اللهم فلان بن فلان یعنی نام آن ظالم را و نام
پدر او را بگو به فظلمنی ولا احد من اصول غیرک فاستوفی
مظلمتی الساعة الساعة بحق من نصلت رحمتک بحق محمد و حکمک

علیهم

علیهم ان فعلت ذلک بحق الاسلام وانا خذه باسم الباطن بالکف العضل **فصل** بجهة
انتقام کشیدن از ظالم گفت ابو عبد الله علیه السلام که هر گاه خواهی که انتقام بکشی از ظالم
بجهت ظلمی که کرده است دعای بد مکن بر ظالم بدرستی که مظلوم هر گاه بسبب ظلم دعای بد کند
ظالم میشود ولیکن هر گاه کسی ظلم کند بر تو غسل کن و دو رکعت نماز بگذار در جائی که میان تو و آسمان حائل نباشد
چون از نماز فارغ شوی بگو اللهم ان فلان بن فلان یعنی نام ظالم و نام پدر او را بگو ظلمنی
ولیس لی احد اصول به غیرک فاستوفی ظلامتی الساعة الساعة بالاسم الذی سألک به المضطر
فکشفت ما به من ضر ومکنت له فی الارض وجعلته خلیفتک علی خلقک فاسألک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تستوفی
ظلامتی الساعة الساعة بدرستی که هر گاه چنین کنی بزودی مقصود تو حاصل شود **فصل** دیگر در
انتقام کشیدن از ظالم گفت یونس بن عمار که شکایت کردم نزد ابی عبد الله علیه السلام از مردی که
ایذا میکرد مرا آنحضرت گفت دعا بکن او را گفتم دعا کردم و اثر نکرد آنحضرت گفت دعای
بد کردن بر ظالم چنین نیست بلکه از گناهان توبه کن و روزه بدار و نماز بگذار و تصدق کن پس چون
آخر شب شود وضو بساز دو رکعت نماز بگذار و در سجده بگو اللهم ان فلان بن فلان
یعنی نام آن و نام پدر او را بگوید قد آذانی اللهم اسقم بدنه واقطع اثره وانقص اجله وعجل له
ذلک فی عامه هذا یونس بن عمار گفت که چنین کردم بزودی کشته شد که آن کس هلاک شد **فصل**
بجهة رفع دشواری **گفت** ابو عبد الله که وقتی دشوار شود بر تو کاری دو رکعت نماز بگذار
و در رکعت اول فاتحه وقل هو الله احد و انا فتحنا بخوان تا ینصرک الله نصرا عزیزا و در رکعت دوم
فاتحه وقل هو الله والم نشرح بخوان و این مجرب است برای رفع دشواری نماز بجهة **گفت** امام حسین

که اگر کسی که چنین بکند به خدای تعالی باد آنچه وعده کرده است با اهل جنت

فصل جهت طلب روزی گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و اصحابه

که جبرئیل علیه السلام گفت بجهة طلب روزی دو رکعت نماز بگذار و در رکعت اول

یکبار فاتحه بخوان و یکبار انا اعطیناک الکوثر و سه بار قل هو الله و در رکعت

دویم یکبار فاتحه بخوان و سه بار قل اعوذ برب الفلق و سه بار قل اعوذ برب

الناس نماز حاجت بجهة دفع درویشی گفت منذر بن عبد العزیز

که بودم نزد ابی عبد الله علیه السلام که در آمد یکی از اصحاب او و گفت یا آن حضرت

که فدا شوم ترا به درستی که من درویش و محتاجم بیاموز بمن چیزی که از درویشی

خلاص شوم آن حضرت گفت که روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه بگیر

چون چاشت جمعه شود زیارت کن رسول خدا صلی الله علیه و آله را بام

در صحرایی که کسی ترا نبیند و بعد از ان دو رکعت نماز بگذار و بعد

زانوهای خود را برهنه کن و بر زمین بنه و متوجه قبله شو و دست راست را

بر بالای دست چپ بنه و بگو اللهم انت انقطع الرجا الا منک و خابت الامال

الا فیک یا ثقة من لا ثقة له لا ثقة لی غیرک اجعل لی من امری

و مخرجا و ارزقنی من حیث احتسب و من حیث لا احتسب بعد از ان روی خود را

بر زمین بنه و بگو یا مغیث اجعل لی رزقا من فضلک پس هرگاه چنین کنی

خدای تعالی روز شنبه تو را روزی دهد به روایت که هرگاه اهل

صلی الله

صلی الله علیه و آله درویش شدند آن حضرت بگفت که ای اهل بیت من

نماز بگذارید و مراد از تکرار ربنا الخ اینست که پدر برای فرزند و این

نماز چهار رکعت است و در رکعت اول یکبار فاتحه بخواند و ده بار

ربنا واجعلنا مسلمین لک و من ذریتنا امة مسلمة لک و ارنا مناسکنا و تب

علینا انک انت التواب الرحیم و در رکعت دویم یکبار فاتحه بخواند و ده

بار رب اجعلنی مقیم الصلوة و من ذریتی ربنا و تقبل دعاء ربنا اغفر لی

و لوالدی و للمؤمنین یوم یقوم الحساب و در رکعت سوم یکبار فاتحه

بخواند و ده بار ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قرة اعین و اجعلنا

للمتقین اماما و در رکعت چهارم یکبار فاتحه بخواند و ده بار رب اوزعنی

ان اشکر نعمتک التی انعمت علی و علی والدی و ان اعمل صالحا ترضیه

و اصلح لی فی ذریتی انی تبت الیک و انی من المسلمین پس وقتی که سلام

دهد ده بار بگوید ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قرة اعین و اجعلنا للمتقین

اماما نماز حاجت برای پدر و مادر دو رکعت در رکعت اول یکبار فاتحه

بخواند و ده بار رب اغفر لی و لوالدی و للمؤمنین یوم یقوم الحساب و در

رکعت دویم یکبار فاتحه بخواند و ده بار رب اغفر لی و لوالدی و لمن دخل

بیتی مؤمنا و للمؤمنین و المؤمنات پس وقتی که سلام بدهد ده بار بگوید

رب ارحمهما کما ربیانی صغیرا نوع دیگر برای پدر و مادر و این نماز در

در هر رکعت یکبار فاتحه بخواند و بیست بار رب ارحمهما کما ربیانی صغیرا
چون فارغ شود از نماز و سجده کند و همین آیت را ده بار در سجده بخواند
نماز بجهت توانگری و این نماز دو رکعت است در هر رکعتی فاتحه یکبار
بخواند و ده بار قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء و تنزع الملک
ممن تشاء و تعز من تشاء و تذل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر چون
سلام دهد ده بار بگوید رب اغفر وارحم و انت ارحم الراحمین و ده بار
بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و بعد از آن سجده کند و در سجده بگوید رب اغفر لی
وهب لی ملکا لا ینبغی لاحد من بعدی انک انت الوهاب نماز دیگر برای
توانگری و این نماز دو رکعت است در هر رکعتی فاتحه یکبار بخواند و پانزده بار
سوره لایلاف و سلام دهد و بعد از سلام ده بار صلوات بفرستد بر
نبی و آل او علیهم السلام و بعد از آن سجده کند و در سجده ده بار بگوید اللهم
اغننی بفضلک من خلقک نماز دیگر بجهت ادای قرض و این نماز چهار رکعت است
در رکعت اول یکبار بخواند فاتحه و ده بار قل اعوذ برب الفلق و ده
بار قل اعوذ برب الناس و ده بار قل هو الله و در رکعت دوم یکبار فاتحه
بخواند و ده بار آیة الکرسی و ده بار قل یا ایها الکافرون و ده بار
این آیتها را که امن الرسول بما انزل الیه من ربه والمؤمنون کل آمن بالله و ملائکته
و کتبه و رسله لا نفرق بین احد من رسله و قالوا سمعنا و اطعنا غفرانک ربنا و الیک المصیر

۱۰

لا یکلف الله نفسا الا وسعها لها ما کسبت و علیها ما اکتسبت ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا
او اخطانا ربنا و لا تحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا و لا تحملنا
ما لا طاقة لنا به و اعف عنا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولانا فانصرنا
علی القوم الکافرین چون سلام دهد ده بار بگوید سبحان الله
الابد الابد سبحان الله الذی الواحد الصمد سبحان الله الذی رفع السموات
بغیر عمد المنفرد بلا صاحبة و لا ولد و در رکعت سیوم فاتحه یکبار و سه بار
الهیکم التکاثر و سه بار سوره والعصر و سه بار انا اعطیناک الکوثر و در
رکعت چهارم یکبار فاتحه بخواند و سه بار انا انزلناه و سه بار اذا زلزلت
الارض چون سلام دهد سجده کند و در سجده ده بار بخواند
اللهم انی اسالک الیسر فی کل عسیر و ان تیسر العسیر علیک یسیر
و بعد از آن سر خود را از سجده بر دارد و بگوید فلله الحمد رب السموات
و رب الارض رب العالمین و له الکبریاء فی السموات و الارض و هو العزیز
الحکیم نماز بجهت رفع گرسنگی حدیث ابو عبدالله علیه السلام
که آنکسی که گرسنه شود باید که دو رکعت نماز بکند و بگوید یا
رب اطعمنی فانی جایع بدرستی که چون چنین کند خدا تعالی در ساعت
او طعام برساند و نیز حدیث که دعا مرد عابد برای برادر مؤمن
زیاده میکند روزی را و دفع میکند بلا را و نیز حدیث که آمد حضرت فاطمه

رضی الله عنها نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم وآله رفت و شکایت کرد از
گرسنگی آنحضرت بحضرت فاطمه گفت که بگو یا مشبع الجوعة ویا رافع
الوضعة لا تجع فاطمة بنت محمد دعا بجهة زیاده شدن روزی
حدیث که آمد مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه وسلم وآله و گفت
یا رسول الله من عیال بسیار دارم و احوال من تغابن بر من است
و سختی میکند دعا بیاموز مرا که چون آن دعا را بخوانم خدای تعالی آن مقدار
چیزی دهد که قرض خود را ادا کنم و معاش عیالان بکنم حضرت فرمود ای
بنده خدا وضو بگیر بساز و بعد از آن دو رکعت نماز بگذار و رکوع و سجود را
نیکو بجا آر و بعد از آن بگو یا ماجد یا واجد یا کریم اتوجه الیک بمحمد نبیک نبی
الرحمة یا محمد یا رسول الله انی اتوجه بک الی الله ربک و ربی ورب کل شیء واسألک
ان تصلی علی محمد واهل بیته واسألک نفحة کریمة من نفحاتک وفتحا یسیرا
ورزقا واسعا الم به شعثی واقضی به دینی واستعین بها علی عیالی
نماز برای حاجت گفت ابو عبدالله علیه السلام که هر کرا حاجتی
داشته باشد چون ثلثی از شب بگذرد برخیزد و دو رکعت نماز بگذارد
و در رکعت اول فاتحه و سوره تبارک بخواند و در رکعت دوم فاتحه
و سوره حم بخواند و بعد از آن دعا کند و بعد از آن بگو یا رب قد نامت
العیون وغارت النجوم وانت الحی القیوم لا تأخذه سنة ولا نوم لا تغ

السموات

السموات لن یواری لیل ساج ولا سماء ذات ابراج ولا ارض ذات مهاد
ولا بحر لجی ولا ظلمات بعضها فوق بعض یا رب الابرار وغیاث المتقین
برحمتک استغیث فصل علی محمد وآله واقض لی حاجتی کذا وکذا
حاجت خود را نام برد و لا تردنی خائبا ولا محروما یا ارحم الراحمین بدرستی
که این نماز بجهة برآوردن حاجت بجای کبریت است که دستگیر مستغیث نقل
بجهة دفع سختی گفت امام موسی علیه السلام که وقتی که ترا سختی پیش آید نماز
بگذار و آنچه میخواهی بخوان چون فارغ شوی از نماز روی خود را بر زمین نه
و سه بار بگو یا عز کل ضعیف یا مذل کل جبار قد وحقک بلغ المجهود
فرج عنی و بعد از آن روی راست بر زمین بنه و سه بار بگو یا مذل کل جبار
وقد وحقک عیل صبری ففرج عنی و بعد از آن روی چپ بر زمین بنه و همه را
سه بار بگو و بعد از آن پیشانی را بر زمین بنه و بعد از آن سه بار بگو شهدا ان
کل معبود من دون عرشک الی قرار ارضک باطل الا وجهک فعلم کبریائک فرج عنی
و بعد از آن بنشین و سه بار آهسته بگو اللهم انت الحی القیوم العلی العظیم الخالق
البارئ المحیی الممیت المبدئ البدیع لک الکرم ولک الحمد ولک المن ولک الجود
وحدک لا شریک لک یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا
احد کذلک الله ربنا و بعد از آن بگو صل علی محمد وآل محمد الصالحین واقض حاجتی
نماز مظلوم برای ظلم چون کسی ظلم کند دو رکعت نماز بگذارد هرچه از قرآن

میخواهی بخوان در این دو رکعت و صلوات بفرست بر محمد و آله علیهم السلام آنقدار
که میتوانی و بعد از آن بگو اللهم انا لک یوم یاخذ فیه المظلوم من الظالم لکن هلعی و جزعی
لا یبقیان لی الصبر علی اناتک و حلمک و قد علمت ان فلان یعنی نام آن ظالم را
بگو بدو ظلمنی و اعتدی علی بقوته علی ضعفی فاسئلک یا رب یا رب العزت السائلة
الساعة [دیگر] برای ظالم گفت حسن بن عفار که شنیدم یکی از ایمه
علیهم السلام که فلان ظالم سلک شده بر من آنحضرت وضو بساز و دو رکعت نماز
بگذار و ثنا گوی خدای تعالی را و صلوات بفرست بر محمد و آل او و بعد از آن بگو
اللهم ان فلان یعنی نام آن ظالم بگو ظلمنی و بغی علی فابله بفقر لا تجبره و بسوء لا
تستره گفت محمد بن صفار که چنین کردم آن ظالم برص پیدا کرد [دیگر]
از یکی از ایمه علیه السلام که هر مومنی که برو ظلم کنند او وضو بساز و دو
رکعت نماز بگذارد و بعد از آن بگوید اللهم انی مظلوم فانتصر و خاموش بنشیند و
زود خدای تعالی او را یاری کند [دیگر] که امام زین العابدین علیه السلام
وقتی که چیزی اندوهگین میساخت با کثرین جامها خود را میپوشید و چون
بیگوزین میساخت و بر بالای سرای خود میرفت و چهار رکعت نماز میگذارد و در
اول فاتحه و اذا زلزلت میخواند و در رکعت دویم فاتحه و اذا جاء نصر الله میخواند
و در رکعت سیوم فاتحه و قل یا ایها الکافرون میخواند و در رکعت چهارم فاتحه و قل
هو الله میخواند و بعد از آن بر میداشت هر دو دست خود را جانب آسمان و میگفت

اللهم انا

اللهم انا اسالک باسمائک التی اذا دعیت بها ابواب السماء انفتحت و اذا دعیت بها علی
ابواب العسر للتیسر تیسرت اسالک التی اذا دعیت بها علی الفرج و انفرجت ان تصلی
علی محمد و آل محمد و اقطع لنقصان حاجتی روا میگردید که بحق خدا امام زین العابدین
علیه السلام از جانب بی نهجی نیست تا آنکه بر او رو میشد حاجت او [دیگر] برای
مهمات گفت امام جعفر صادق علیه السلام که هر گاه مهمی رو دهد ترا در شش رکعت
نماز بگذار و به کیفیت که میخواهی و بعد از نماز بگو اللهم انت رجائی فی کل بلیة واقطع
رجائی سواک حتی لا ارجوا احدا الاک و لا اثق الا بک [دیگر] بجهت طلب فرزند
گفت امیر المومنین علی علیه السلام که هر کس که فرزند میخواهی وضو بگیر بساز و دو رکعت نماز
بگذار و ارکان نماز را نیکو بجا آور و بعد از نماز سجده بکن و در سجده هفتاد بار بگو
استغفر الله و بعد از آن با زن خود جماعت کن و در وقت جماعت بگو اللهم ان
رزقتنی ولدا لا سمیته باسم نبیک صلی الله علیه و آله و گفت امیر المومنین علی علیه السلام
که الکسی که چنین کند خدای تعالی فرموده است باز سید بن مدرس که چنین امر کردم ترا
بو جوب حسن زیرا که خدای تعالی فرموده که و یحب المتطهرین یعنی خدای تعالی دوست
میدارد پاکان را و امر کردم بنماز گذاردن زیرا که شنیدم از رسول خدا صلی الله
علیه و سلم و آله نزدیکی که بنده را بخدای تعالی حاصل میشود وقتی که بنده در رکوع
و سجود باشد و در تسبیح وقتی دیگر میشود و امر کردم ترا باستغفار زیرا که
خدای تعالی گفته است که استغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل السماء علیکم مدرارا

و بعد گفتم یا مولای چنین یعنی امیر بخشش طلب بداز بر دو کار بشو بپرستی که خدا تعالی
آمرزنده و توبه پذیرنده است چون شما توبه و استغفار کنید بیامرزد خدا تعالی
ابر را بر شما بارنده گرداند و مدد کند شما را بمالها و پسران و نیز خدا تعالی گفته
است به پیغمبر خود ان تستغفر لهم سبعین مرة فلن یغفر الله لهم یعنی اگر بخشش طلبی
ایشان را هفتاد بار نیامرزد خدا تعالی ایشان را مگر بس امر کردم ترا که زیاده
از هفتاد بار توبه کنی **فصل** کسی که میترسد از ظالم گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام
که وقتی که بترسی و ترسناک باشی از ظالم غسل کن و دو رکعت نماز بگذار و برهنه کن زانو
خود را و بنه بر زمین جایی که سجده میکنی و صد بار بگو یا حی یا قیوم لا اله الا انت برحمتک استغیث
فصل علی محمد و آل محمد و اغثنی الساعة الساعة و بعد از آن بگو اسالک ان تصلی
علی محمد و آل محمد وان تلطف لی وان تغلب لی وان تمکر لی وان تخدع لی وان تکید لی وان تکفینی
مؤنة فلان بن فلان یعنی نام آن ظالم را بگو بلا مؤنة بدرستی که این دعای حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله در روز احد خوانده است **فصل** نماز حاجت گفت ابو عبد الله
الحسین بن محمد البزوفری که اگر کسی را حاجتی باشد بخدا تعالی باید که غسل کند در شب
جمعه بعد از نصف شب و بیاید بجای نماز خود و دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول
فاتحه بخواند چون بایاک نعبد و ایاک نستعین برسد صد بار بگوید ایاک نعبد و ایاک
نستعین و در مرتبه صدم تا آخر فاتحه بخواند و بعد از آن یکبار قل هو الله بخواند
و بعد از آن رکوع و سجود کند و در هر یک از رکوع و سجود هفت بار تسبیح بگوید و در

دوم را نیز باین کیفیت بجا آورد و بعد از آن این دعا را بخواند البته خدا تعالی حاجت او را
ادا کند و برآورد مگر قطع رحم اللهم ان اطعتک فالمحمدة لک وان عصیتک فالحجة
لک منک الروح ومنک الفرج سبحان من انعم وشکر سبحان من قدر وغفر الهی ان کنت
قد عصیتک فانی قد اطعتک فی احب الاشیاء الیک وهو الایمان بک لم اتخذ لک ولدا
ولم ادع لک شریکا منا منک به علی لا منا منی به علیک وقد عصیتک یا الهی علی غیر وجه
المکابرة ولا الخروج عن عبودیتک ولا الجحود لربوبیتک ولکن اطعت هوای وازلنی الشیطان
فلک الحجة علی والبیان فان تعذبنی فبذنوبی غیر ظالم وان تغفر لی وترحمنی فانک
جواد کریم یا کریم یا کریم چندان بگوید که نفس منقطع شود و بعد از آن بگوید
یا امنا من کل شیء وکل شیء منک خائف حذر اسالک بامنک من کل شیء وخوف
کل شیء منک ان تصلی علی محمد وآله وان تعطینی امانا لنفسی واهلی
وولدی وسائر ما انعمت به علی حتی لا اخاف احدا ولا احذر من شیء ابدا انک
علی کل شیء قدیر وحسبنا الله ونعم الوکیل یا کافی ابراهیم نمرود ویا کافی موسی
فرعون اسالک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تکفینی شر فلان بن فلان
یعنی نام ظالم و نام پدر او را بگوید و شکایت کند از جور و خوف شر او و بعد از آن سجده
کند و طلب نماید حاجت خود را از خدا تعالی و تضرع و زاری کند و طلب نماید
حاجت خود را از خدا تعالی و زاری کند بدرستی که روایت کرده که هر مؤمن و مؤمنه
که این نماز را بگذارد و این دعا را بخواند از روی اخلاص گشاده شود درهای آسمان

بجهت آنکه اجابت دعا او و دعای او مستجاب در همان وقت باز آینده
هرچه بخواهد و این اجابت دعا از فضل خدا است تعالی است بر ما که اهل بیتیم و در وجود مانند
فصل بجهت زیاد شدن فهم و بیشتر شدن حافظه [illegible] کرده است سید را
از امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام که بزعفران بنویسد
فاتحه و آیة الکرسی و سوره انا انزلناه و یس و واقعه و حشر و سبح و تبارک
و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را بر ظرف پاکی و بعد از آن
بشوی با آب زمزم یا آب باران یا آب پاکیزه و بعد از آن در آن آب ده مثقال
شکر بریزد و ده مثقال کندر و ده مثقال عسل و بعد از آن آن ظرف را در زیر آسمان
بنه و آن را بسر بپوشد و بعد از آن در آخر شب دو رکعت نماز بگذارد و در هر
در رکعتی یکبار فاتحه بخوان و پنجاه بار قل هو الله احد چون فارغ شوی از نماز
بیاشامد در شب که این نیکو است و مجرب است برای حفظ فصل بجهت قرآن
چون خواهی که قرآن را حفظ کنی چهار رکعت نماز بگذارد در روز جمعه یا شب جمعه
و در رکعت اول فاتحه و یس بخوان و در رکعت دوم فاتحه و حم دخان
بخوان و در رکعت سیوم فاتحه و حم سجده بخوان و در رکعت چهارم فاتحه
و تبارک بخوان چون سلام دهی حمد و ثنای خدا تعالی را و صلوات بر
پیغمبر و آل او علیهم السلام و بعد از استغفار بکن برای مومنان بعد از آن بگو
که اللهم اغفر للمؤمنین و بعد از آن بگو اللهم ارحمنی بترک المعاصی ابدا ما ابقیتنی

اللهم

وارحمني من ان اتكلف ما لا يعنيني وارزقني حسن النظر فيما يرضيك عني اللهم
بديع السماوات والارض ذا الجلال والاكرام والعزة التي لا ترام يا الله يا رحمن اسألك
بجلالك ونور وجهك ان تلزم قلبي حفظ كتابك القرآن المنزل على
رسولك وترزقني ان اتلوه على النحو الذي يرضيك عني اللهم بديع
السماوات ذا الجلال والعزة التي لا ترام يا الله يا رحمن اسألك بجلالك ونوره
وجهك ان تنور بكتابك بصري وتطلق به لساني وتفرج به عن قلبي وتشرح
به صدري وتستعمل به بدني وتقويني على ذلك وتعينني عليه فانه لا يعين على الخير غيرك
ولا يوفق الا انت لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم فصل بجهت
گم شده دعای آن کعب جابر انصاری که حضرت پیغمبر صلى الله عليه وسلم وآله
آموخت این دعا را بامیرالمؤمنین علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام
و گفت هرگاه شما را مهمی رسد یا بترسید از جور سلطان یا چیزی از شما
گم شده باشد نیکو وضو بسازید و دو رکعت نماز بگذارید و بردارید دستها
خود را بجانب آسمان و بگوئید یا عالم الغیب والسرائر یا مطاع یا علیم
یا الله یا الله یا الله یا هازم الاحزاب لمحمد یا کاید فرعون لموسی یا منجی عیسی
من ایدی الظلمة یا مخلص قوم نوح من الغرق یا راحم عبده یعقوب یا کاشف
ضر ایوب یا منجی ذی النون من الظلمات یا فاعل کل خیر یا هادیا الی کل خیر یا دالا علی کل
خیر یا امرا بکل خیر یا خالق الخیرات انت الله رغبت الیک فیما قد علمت ان

علام الغیوب اسالک ان تصلی علی محمد و آل محمد و بعد از آن طلب کنید
حاجت خود را که مستجاب میشود ان شاء الله تعالی **نقل** عمل کردنی باید
کرد در وقت دیدن ماه چون ماه نو ببینی انگشت شهادت دست راست بر دست
چپ بنویسی محمد علی فاطمه الحسن و الحسین تا آخر دوازده امام بنویسی قبل
هوا تا آخر و بعد از آن بگو اللهم الناس اذ نظروا الی الهلال بعضهم
الی وجوه بعض و تبرک بعضهم ببعض و انی نظرت الی سمائک و اسم نبیک
و ولیک و اولیائک علیهم السلام و الی کتابک فاعطنی کل الذی احب
من الخیر و اصرف عنی کل الذی احب ان تصرفه عنی من الشرور و سلنا
من فضلک ما انت اهله یا اهل الجلال و لا قوة الا بالله العلی العظیم **دعا** آنچه
میباید خواند بر نوشته در رقعه این کلمات را بقلمی که هیچ جزء از حدید
از سیاهی و غیر آن در میان سطرهای کتابت بار رقعه که نخته حاجت
نمیرسد زیر تا انکه فاتح نیست هیچ سطری از آن رقعه از حروف که نخته
حاجت نگیر از آن حروف و کلمات اینست محمد و علی و الخضر علیهما السلام
ابو تراب بسم الله الرحمن الرحیم الملک الحق المبین ان الله وعده العقاب
الصابرین تحرقا علیکم سون و رز ماحق حق حیث لا تحتسبون ان الله
هو السمیع العلیم جعلنا الله و ایاکم من الذین لا خوف علیهم و لا هم یحزنون
اللهم انی اسالک بحق محمد و فاطمه و الحسن و الحسین و محمد بن علی و جعفر بن

محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن و الحجة الخلف
القائم المنتظر صلوات الله علیهم و سلام تسلیما ان تصلی علی محمد و ان تیسر امری
و تسهله و تعلیه بیا و تزد فیه خیره و تصرف عنی شره برحمتک یا ارحم الراحمین
امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امر کرد مرا
که وقت ختم قرآن این دعا بخوان اللهم انی اسالک اخبات المخبتین و اخلاص
الموقنین و مرافقة الابرار و استحقاق حقائق الایمان و الغنیمة من کل بر و
السلامة من کل اثم و وجوب رحمتک و عزائم مغفرتک و الفوز بالجنة و النجاة
من النار **فصل** در بیان دعاها نادر و خاصیت دعاها که میخواند وقت
برداشتن مصحف **روایت** که ابو عبدالله علیه السلام وقتی که میخواست که
قرآن بخواند چون برمیداشت مصحف را این دعا میخواند اللهم انی اشهد ان
هذا کتابک المنزل من عندک علی رسولک محمد بن عبدالله و کلامک الناطق علی
لسان نبیک جعلته هادیا منک الی خلقک و حبلا متصلا فیما بینک و بین عبادک
اللهم انی نشرت عهدک و کتابک اللهم فاجعل نظری فیه عبادة و
قرائتی فیه فکرا و فکری فیه اعتبارا و اجعلنی ممن اتعظ ببیان مواعظک
و اجتنب معاصیک و لا تطبع عند قرائتی علی قلبی و لا علی سمعی و لا تجعل
علی بصری غشاوة و لا تجعل قرائتی قراءة لا تدبر فیها بل اجعلنی اتدبر
آیاته و احکامه آخذا بشرائع دینک و لا تجعل نظری فیه غفلة و لا قرائتی هذرا

الله الرؤف الرحیم حاجت دعائی که بیا باید خواند وقت فارغ شدن
از قرائت قرآن بگو اللهم انی قد قرأت ما قضیت من کتابک الذی نزلت علی
نبیک الصادق علیه السلام فلک الحمد ربنا اللهم اجعلنی ممن یحل حلاله ویحرم حرامه
ویؤمن بمحکمه ومتشابهه واجعله انسا فی قبری وانسا فی حشری واجعلنی ممن ترقیه
بکل آیة قراها درجة فی اعلی علیین آمین ورب العالمین و در فقرهٔ دیگر
چیزی از عزائم قرآن که در او سجده واجبست بر تو باد که سجده کنی بی
تکبیر و در آن سجده سنت است که بگوئی لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا
ایمانا وتصدیقا لا اله الا الله عبودیة ورقا لا مستنکفا ولا مستکبرا بل انا عبد ذلیل
ضعیف خائف مستجیر و بعد از آن سر خود را بردار و تکبیر بگو گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که هر که صد آیه از قرآن از هر جا که خواهد بخواند و بعد
از آن هفت بار بگوید یا الله اگر دعا کند بر سنگها شکافته حاجت
دعائی که در او اسم اعظم است گفت معاذ بن جبل که فرستاد مرا رسول
خدا صلی الله علیه وآله روزی نزد ابا عبدالله بن سلام که او را طلب کنم
بخدمت و جماعتی از اصحاب نزد آنحضرت بودند عبدالله آمد نزد آنحضرت
گفت آنحضرت یا عبدالله خبر ده مرا که آیا یافتی در توریت آن دعا که
که تعلیم کرد خدا تعالی بحضرت ابراهیم علیه السلام در آن روزی که آتش
را در آتش نهادند گفت عبدالله که یا نبی الله بدر[illegible] دعا در حق خدای

ابا فرود آمد

۱۰

ابا فرود آمد در باب این کلمات بر تو جبرئیل [illegible] که معنی ثواب هشتم این کلمات
در توریت و نیافتم این کلمات را در توریت و این کلمات دعائیست که در او
اسم اعظم است که خدا تعالی گفت این کلمات را در توریت عبدالله گفت که
یا رسول الله کی استطاعت و قدرت دارد که بیان کند ثواب این کلمات را
لیکن گفته باشیم در توریت که هر بنده که بخواند خدا تعالی با او لطف کند
این کلمات را در دل او و بگذارد نور بجوار دلش را و در دل او و بگشاید سینه
او را برای ایمان و بگذارد نوری از [illegible] او تا عرش که بدرخشد
و تفاخر کند باو بر فرشتها هر روز دو بار و جاری گرداند خدا تعالی حکمت را
در زبان او و بدهد او را ثواب خواندن کتابها که نازل شده است اگر چه نخوانده
باشد باد و او را نگه دارد در دین و ببیند از محبت او در دلهای بندگان
خود و ایمن گرداند او را از عذاب قبر و از فتنه دجال و از ترس
و هول روز قیامت و اندوهگین نشود و فرشتگان همراه او اندوهگین نشوند و بعد
او را نزد خدا تعالی صدیق در بهشت که حشر کنند او را در روز قیامت
در دل مطلبی داد و امید باشد و از جمله کسانی شود که بوده باشد خدا تعالی
را با آنحضرت ابراهیم از جلها بهشت و هر چه طلب کند از خدا تعالی
باین کلمات بدهد او را و اگر سؤال کند خود و خدا تعالی روا شود و سؤال کند
از او دوزخ ملک شود و بخدا تعالی در روز الجلال و او را ثواب شهید

باشد که شهید شده باشد از آن زمان که خدا تعالی دنیا را آفریده است
تا قیامت آنحضرت گفت یا ابن سلام دار الجلال کدام است ابن سلام
گفت دار الجلال عبارت است از بهشت عدن و جای عرش حق تعالی است
و آنکس که این کلمات را بخواند در جوار رحمت خدا تعالی خواهد بود ابن سلام
گفت یا رسول الله تعلیم کن این کلمات را بما و منت نه بر ما چنانکه منت نهاده
خدا تعالی بر تو آنحضرت گفت که سجده کنید خدا را پس اصحاب سجده
کردند چون سر از سجده برداشتند آنحضرت گفت بگوئید یا الله
یا الله یا الله انت المرهوب منک جمیع خلقک یا نور النور یا الله یا الله یا الله
انت الذی احتجب دون خلقک فلا یدرک نورک الرفیع الذی ارتفعت
فوق عرشک حتی فوق سمائک فلا یصف عظمتک احد من خلقک یا نور
النور قد استنار بنورک اهل سمائک واستضاء بضوئک اهل
ارضک یا الله یا الله یا الله انت الذی لا اله غیرک تعالیت عن ان یکون لک
شبیه وتجبرت عن ان یکون لک ضد فانت الله المحمود بکل لسان
وانت المعبود فی کل مکان وانت المذکور فی کل اوان و زمان یا نور النور کل
نور خامد لنورک یا ملیک کل ملیک یفنی غیرک یا دائم کل حی یموت
غیرک یا الله یا الله یا الله الرحمن الرحیم ارحمنی رحمة تطفئ بها غضبک وتکف
بها عذابک وترزقنی بها سعادة من عندک وتحلنی دار الذی تسکنها خیرتک من

حلقک

خلقک یا ارحم الراحمین یا من اظهر الجمیل وستر القبیح یا من لا یؤاخذ بالجریرة
ولم یهتک الستر یا عظیم العفو یا حسن التجاوز یا واسع المغفرة یا باسط
الیدین بالرحمة یا صاحب کل نجوی ویا منتهی کل شکوی یا کریم الصفح یا عظیم
المن یا مبتدئ النعم قبل استحقاقها یا ربّاه ویا سیداه ویا املاه ویا
غایة رغبتاه اسالک بک یا الله یا الله یا الله ان لا تشوی خلقی بالنار وان تغفر لی
ولوالدی برحمتک یا ارحم الراحمین وان تعطینی خیر الدنیا والآخرة
انک علی کل شیء قدیر وصلی الله علی محمد وآله اجمعین اسالک بمحمد وعلی وفاطمة
والحسن والحسین والسجاد والباقر والصادق والکاظم والرضا والتقی
والنقی والعسکری ان تصلی علی محمد وآل محمد واسالک یا الله یا الله یا الله
ان لا تشوی خلقی بالنار وان تفعل بی ما انت اهله ولا تفعل بی ما انا
اهله عبدالله بن سلام گفت یا رسول الله چیست ثواب آنکس که این کلمات را
بگوید آنحضرت گفت هیهات هیهات میتوان بیان کرد ثواب آنکس که این
کلمات را بگوید بدرستیکه اگر جمع شوند فرشتهای هفت طبق زمین و هفت
که ثواب این کلمات را بیان کنند از هزار یکی نتوانند نمود تا روز قیامت
و بیان کرده است آنحضرت برای این کلمات ثواب بسیار و در اینجا
مقام ذکر آن نیست بنابرین اختصار کردیم بذکر مقصود که آن عادت تحفه
حرف طریق دیگر حاجت آنکس که خواهد برون رود بگوید بسم الله یا الله یا الله

ولا حول ولا قوة الا بالله توکلت علی الله و سوره فاتحه و قل اعوذ برب الفلق
و قل هو الله بخواند و یکبار آیة الکرسی در پیش خود دمد و یکبار دیگر بخواند
و بجانب راست خود بدمد و یکبار دیگر بخواند بجانب چپ خود بدمد و هرگاه
که خواهد که باز گردد و بجانب خانه خود بیاید در وقتی که در سر آید بخانه خود باید
که بگوید بسم الله و بالله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان
محمدا عبده و رسوله و بعد از آن سلام کند بر اهل خود اگر در خانه کسی باشد و اگر کسی در
خانه نباشد بعد از آن شهادتین بگوید السلام علی محمد بن عبد الله خاتم النبیین و آله
الهادین المهدیین السلام علینا و علی عباد الله الصالحین و در وقتی که بیازار
در آید بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله
قضای حاجت دعای امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه گفت که بجهة حاجتی
باید خواست اینست لا اله الا الله وحده لا شریک له الحلیم الحکیم الکریم لا اله الا الله
وحده لا شریک له العلی العظیم الحمد لله الذی بنعمته تتم الصالحات یا هو یا من هو
لا اله الا هو یا من هو لا هو الا هو نماز دیگر که بجهة حاجتی باید خواند گفت
ابو عبد الله علیه السلام که هرگاه عزیز را حاجتی باشد در مسجد دو رکعت نماز بگزارد و تمام
قراءت و در رکوع و در سجود و بعد از آن بگوید یا ارحم الراحمین
و هر مؤمنی که این کلمات را بگوید حق تعالی بگوید بدو ارحم
الراحمین ام حاجت خود را طلب کن از من تا برآورم حاجت ترا

المؤمن

کرمنقولست حضرت جعفر صلوات الله علیه آنکه امیر المؤمنین علی علیه السلام
گفت که باید وقتی که بیرون برود از منزل خود بجهة حاجتی آیة الکرسی بخواند
حاجت تو برآید انشاء الله تعالی کذا امام جعفر صادق علیه السلام گفت
که بطلب حاجت برود بیا و وضو بیاورد نشود حاجت او باید که بعد از نماز
بکند مگر خود را عمل صحیح است از کتاب عیون الاخبار که روایت
کرده است امام رضا از پدران خود علیهم السلام که گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام
که وقتی که حاجت داشته باشد باید که طلب اجابت کند در صباح روز پنجشنبه
در وقتی که خواهد که بیرون رود بعد از منزل خود آخر سوره آل عمران و آیة الکرسی
و انا انزلناه و فاتحه بخواند بدرستی که در روز پنجشنبه برآورده می‌شود حاجتها
دنیا و آخرة حاجت آنچه باید بجا آورد بجهة برآمدن مهمات
ابو عبد الله علیه السلام که وقتی که بکسی ابتدای کار باید که برهنه کنند هر دو
دست خود تا مرفق و بر زمین بنهند و بعد از آن دعا کنند دعا دیگر
برای مهمات گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام بفرزند خود که وقتی که
آمد ترا کاری بزرگ در پیش باید و بسیار مشکل و بردار هر دو دست را و بگو یا الله
یا الله بدرستی که دعا مستجاب میشود دعا بجهة مهمات گفت
ابو الحسن علیه السلام که انگشتری که یاقوت و الماس داشت در خود را بجانب آسمان
و بعد از آن سه بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم برد و خدا به صفا عزم و الم از

[red: فصل] دعایی که باید خواند بجهت ادای قرض [red: روایت] حسین بن خالد که گفت

سیصد هزار درم قرض داشتم و بغداد و حق نزد مردم چهار هزار درم داشتم

قرض خواهان مرا آزار میکردند و آنکه زر خود از مردم بستانم و بایشان بدهم

و وعدهٔ ادای قرض ایشان رسیده بود و پس حیران شدم از دلیل

خود بطرف [illegible] که بروم بخدمت ابا الحسن علیه السلام نشد

پس نوشتم با حضرت کتابتی و معلوم کردم حال خود را آنکه حق نزد مردم داشتم

و آنچه نزد خود داشتم آنحضرت نوشت در کنار کتابت حسین در عقب نامه

در قطعه بسیار بگو اللهم انی اسألک بلا اله الا انت بحق لا اله الا انت ان

ترحمنی بلا اله الا انت اللهم انی اسألک بلا اله الا انت بحق لا اله الا انت

اللهم انی اسألک بلا اله الا انت ان تفرج عنی بلا اله الا انت هر کسی که بگوید

میسر شود حاجت او ان شاء الله تعالی مداومت کردم باین دعا بحق خدا که

زیاده از چهار ماه نگذشت که آنچه حق نزد مردم داشتم بمن دادند و حق قرض خود

ادا کردم و صد هزار درم برای حق ماند [red: فصل] دعا و بد کفتن بر ظالم [red]

رسول خدا صلی الله علیه و سلم و آله گفت که بپرهیزید از کسی که بغیر از خدا یاری

از هر دو کس طلب یاری کند هر کسی که بر او ظلم و جفا کند بر آن ظالم

[illegible] باید که گر ظالم بد میکند دیگر اول و آخر آن بکن [illegible]

تحلیل [illegible] [illegible] الا اعطاء [illegible] الغرابة اوامامه [illegible]

و له و رقت ضعیفا خاصا بها العسار فاحترقت کذلک سبحان الله

استشارت کن بجانب خانه آنکس از دعای [illegible] نزار و بعد از آن

فاحترقت فاحترقت فاحترقت اللهم [illegible] بالبلاء [illegible] تمار عاد و ارم

تجاره حتی [illegible] الا باسل باعلی العظیم و بعد از آن بخوان چنین و

در شب دوم باید دیگر چنین کن و در شب سوم باید اگر آن ظالم رسید

آنچه میخواهی خوب و اگر نرسید در ماه دوم چنین کن و بعد از ماه سیوم

احتیاج نخواهد بود باین کار کردن خدا تعالی [red: دیگر] بر ظالم [red: روایت] که آمد

مردی نزد امام جعفر صادق علیه السلام و شکایت کرد از کسی که بر وی ظلم کرده

بود آنحضرت گفت که بگو یا ناصر المظلوم المنتصر علی الجان فلان بن فلان

نام ظالم و نام پدر او بگو و قد ظلمنی [illegible] فاسئل بعقر لا کحد [illegible]

و آنکسی که بسیار دعا کند باین دعا بر ظالم که بر وی ظلم کرده است السعة [illegible]

در شب آن ظالم پیدا شود و بعد از آن محتاج شود [red: دیگر] بر ظالم جبار

بر دعای نزد سلطان ظالم جابر بگو [illegible] [illegible] [illegible]

دان السعین بالله [red: دیگر] دیگر بر ظالم [red: روایت] امام رضا علیه

السلام که چون خواهید که دعا کنید بر دشمنی باید که بگوید اللهم اطرقه ببلیة

لا احد لها و آنچه حربه باحی [illegible] علی محمد و آله [illegible]

[red: دیگر] دیگر بر ظالم چون بترسی از کسی بگو حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت

و هو رب العرش العظیم امتنع بحول الله و قوته من حولهم و قوتهم و امتنع
برب الفلق من شر ما خلق ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله [illegible] که گفت امام
امام رضا که حکایت کرد مردی نزد ابی عبدالله علیه السلام از درد پشت او
گفت هر گاه که یکی از شما [illegible] آنگه [illegible] بگوید که چون
چنین کند شفا یابد [illegible] امام جعفر صادق علیه السلام که در طلب
روزی این دعا باید خواند اللهم ان کان رزقی فی السماء و ان کان
فی الارض فاطلعه و ان کان بعیدا فقربه و ان کان قریبا فاعطنیه و ان
کان قد اعطیته فبارک لی و اجننی عن المعاصی [illegible] که بجهت
ترس [illegible] باید خواند [illegible] امام جعفر صادق علیه السلام که در وقتی که
در سفر باشی [illegible] از آدمی بیند دست [illegible]
بر میان سر [illegible] آواز بلند بگو افغیر دین الله یبغون و له اسلم من فی
السموات و الارض طوعا و کرها و الیه ترجعون [illegible] که این آیه
باید خواند در گوش چهارپایی که [illegible] بجام کنند و این دعا
نیز [illegible] باید خواند در گوش او که اللهم [illegible] بارک فیها [illegible] و اگر
و سوره انا انزلناه [illegible] باید خواند [illegible] امیر المؤمنین علی علیه السلام که [illegible]
نباید چهارپایی [illegible] کسی گفت [illegible] آن حضرت گفت [illegible]
خوانده ام [illegible] دعایی که باید خواند کسی را که از [illegible] بیمار شده [illegible]

باد و گوسفند

۱۰

باد و گوسفندان او نرساند [illegible] ابو عبدالله علیه السلام که اگر کسی [illegible]
که [illegible] نرساند باد و گوسفندان او باید که [illegible] بر گرد [illegible] گوسفندان
خود بگوید [illegible] کل [illegible] احفظها [illegible]
[illegible] از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که گفت با امیر المؤمنین علی
علیه السلام که یا علی [illegible] سوار شود [illegible] بگوید
الله اکبر [illegible]
[illegible] از [illegible] نگاه دارد [illegible]
آنچه باید خواند کسی را که از [illegible]
قل للذین آمنوا یغفروا للذین لا یرجون ایام الله [illegible]
و اذا قرأت القرآن جعلنا بینک و بین الذین لا یؤمنون بالآخرة حجابا مستورا
و جعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه و فی آذانهم وقرا [illegible]
[illegible] اذا جاؤک یجادلونک یقول الذین کفروا ان هذا
الا اساطیر الاولین [illegible] که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible] فال نیکو
و کراهت [illegible] فال بد [illegible] رسول خدا صلی الله علیه و آله که [illegible]
[illegible] از آن چیز فال بد [illegible] اللهم لا یأتی بالحسنات الا انت و لا یدفع
السیئات الا انت و لا حول و لا قوة الا بک [illegible] که از امام
جعفر صادق علیه السلام [illegible]

احرسنی بعینک التی لا تنام واکنفنی برکنک الذی لا یرام **فصل** آنچه میباید
خواند کسی را که از دزد و ... بسیار باشد که بخواند بر حلقه و مشغول در خانه خود قل ادعوا الله
او ادعوا الرحمن ایاما تدعوا فله الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلاتک ولا تخافت بها
وابتغ بین ذلک سبیلا وقل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک
ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا **فصل** آنچه تسکین میدهد غضب را
امام جعفر صادق علیه السلام گفت که هر کسی در غضب شود پس اگر ایستاده باشد بنشیند
و اگر نشسته باشد برخیزد که چون چنین کند بر طرف شود وسوسه شیطان و اگر کسی غضب کند بر خویش
خود باید که مس کند او را تا تسکین یابد غضب او و نیز گفته که در وقتی که در غضب
شود بگوید اللهم اذهب عنی غیظ قلبی واغفر لی ذنبی واجرنی من مضلات الفتن
اسالک رضاک واعوذ بک من سخطک واسالک جنتک واعوذ بک من نارک واسالک
الخیر کله واعوذ بک من الشر کله اللهم ثبتنی علی الهدی والصواب واجعلنی راضیا
مرضیا غیر ضال ولا مضل **حدیث** که حق تعالی فرمود که ای فرزند آدم
یاد کن مرا در وقت غضب خود تا یاد کنم ترا در وقت غضب خود و هلاک نگردانم ترا
در میان آنکسی که هلاک میکنم **حدیث** که آنکس که باز دارد غضب خود را از
مردمان باز دارد خدا غضب خود را از او در روز قیامت **حدیث** که چون
تسکین غضب ... آل او علیهم السلام میباید گفت و نیز میباید گفت که ...
غیظ قلبی ... واذهب غیظ قلبی ... من الشیطان الرجیم ولا حول

۱۰

ولا قوة الا بالله العلی العظیم **فصل** آنچه میباید کرد در وقت ابر و
رعد آنحضرت گفت که هرکه بگوید سبحان ربی الملک القدوس رب الملائکة والروح
جلل السموات والارض ذی العزة والجبروت آنکه گفت این کلمات را ...
از رعد و برق ... **فصل** آنچه میباید گفت بجهت رفع غم و اندوه ...
حضرت سید الانبیاء صلی الله علیه وآله که هر کس این دعا بخواند که اللهم انی عبدک وابن عبدک
وابن امتک ناصیتی بیدک ماض فی حکمک عدل فی قضاؤک اسالک بکل اسم
سمیت به نفسک وانزلته فی کتابک او علمته احدا من خلقک او استاثرت
به فی علم الغیب عندک ان تجعل القرآن ربیع قلبی ونور صدری وجلاء حزنی
حق تعالی ... غم و اندوه او را زایل ... کند اندوه او را ...
فصل آنچه میباید خواند در وقت دیدن اهل بلا
که آنکس که ببیند کسی را که به بلائی مبتلا است باید که آهسته بگوید الحمد لله الذی
عافانی مما ابتلاک به ولو شاء فعل **حدیث** امام ابو جعفر علیه السلام که هرکه
به بیند مبتلائی را ... بگوید الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاک به ...
... آنکس این کلمه بگوید ... بلا ... **حدیث** رسول خدا صلی الله
علیه وآله ... اهل بلا را ...
ایشان ... **فصل** ... جنازه
آنچه میباید گفت وقت دیدن جنازه **حدیث** امام زین العابدین علیه السلام

وقتی که جنازه می‌بیند بگوید الحمد لله الذی لم یجعلنی من السواد المخترم و نیز بگوید
الحمد لله الذی تعزز بالقدرة وقهر عباده بالموت فائده آنچه می‌باید کرد
وقتی که او را مشکلی پیش آید حدیث که هرگاه کسی را مشکلی پیش آید و خواهد که
بداند که چه وجه از آن خلاص می‌تواند شد بهتر آن است که در وقتی که بر فراش
برود دو رکعت از سوره والشمس و اللیل را هفت بار بخواند بدرستی که چون چنین
کند در خواب ببیند شخصی را که تعلیم کند با او طریق خلاص شدن از آن
یا ببیند از آن مشکل را از علم دعا که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله تعلیم می‌فرموده‌اند
که اللهم انی اسالک العافیة والشکر علی العافیة وتمام العافیة فی الدنیا والآخرة
حدیث از کتاب روضة الواعظین که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
که هرگاه کسی ببیند مبتلائی به بلائی یا جوری یا کسی را که بر دین اسلام
نباشد بگوید الحمد لله الذی فضلنی علیک بالاسلام دینا و بالقرآن کتابا و بمحمد نبیا و بعلی
اماما و بالمؤمنین اخوانا و بالکعبة قبلة جمع نکنند خدا تعالی میان او و آن کافر
در روز قیامت در بیان طلب چیزی کردن از خدا تعالی و در آن
جزم می‌باید کرد بدرستی که کسی که طلب چیزی میکند و دعا میکند که جزم کند
در طلب کردن زیرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است که لا یقل احدکم
اللهم اغفر لی ان شئت ولیعزم المسئلة فانه لا مکره له یعنی می‌باید که نگوید هیچ یک
از شما که بار خدایا بیامرز مرا اگر خواهی بار خدایا رحم کن بر من اگر خواهی و باید که

جزم کند در طلب کردن از خدا تعالی بدرستی که مکروه است نزد حق تعالی جزم کردن در طلب
چیزی از خدا تعالی و وقتی که مستجاب گشت دعای کسی باید که بگوید الحمد لله الذی بعزته
کل حال مکروه است که بگوید دیر مستجاب شود دعا چه باید که دایم دعا کند
و طلب کند از حق تعالی و ملول نشود از دعا کردن زیرا که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرموده است که یستجاب للعبد ما لم یعجل و یقول قد دعوت و لم یستجب لی
یعنی مستجاب میشود دعای بنده مادامی که تعجیل نکند و نگوید
که دعا کردم مستجاب نشد دعا چه از خدا تعالی حاجتی طلب بکند بگوید اللهم انی اسالک
باسمک الاعلی الاکبر الاجل الاعظم الاکرم ان تفعل بی کذا بدرستی که هرگاه
این کلمات را بگوید حاجت روا میشود فائده آنچه می‌باید بگوید کسی که
در ورطهٔ مهلکه بیفتد حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله با امیرالمؤمنین علی علیه السلام
گفت که وقتی که در ورطه بیفتی بگو بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
اللهم ایاک نعبد و ایاک نستعین بدرستی که هرگاه این کلمات را بگوید
حق تعالی دفع میکند آن بلا را در بیان اسم اعظم خدا تعالی حدیث
امام زین العابدین علیه السلام که چنین طلب میکردم از حق تعالی یکسال
عقب نماز که تعلیم کند بمن اسم اعظم خود را در عقب نماز صبح که از دم و خواب
بر من غلبه کرد و من نشسته بودم چون چشمم بخواب رفت دیدم شخصی را
استاده است میگوید طلب کردی از حق تعالی که اسم اعظم را بتو تعلیم کند

۱۰

کفتم ع الله انی اسالک باسمک اسم الله الذی لا اله الا هو رب العرش العظیم

حدیث امام زین العابدین علیه السلام که بحق خدای که برای حاجتی که با کلمات دعا کردم بر آورده شد آن حاجت دعا آنچه باید کفت از برای رعد و صاعقه کاه که آواز رعد شنوی یا صاعقه ببینی بکو اللهم لا تقتلنا بغضبک ولا تهلکنا بعذابک وعافنا قبل ذلک دعا آنچه باید کفت در وقت وزیدن باد کفت امام جعفر صادق علیه السلام که وقتی که باد بسیار وزد بسیار بکو اللهم انی اسالک خیرها وخیر ما جئت به الریح وخیر ما فیها واعوذ بک من شرها وشر ما فیها اللهم اجعلها علینا رحمة وعلی الکافرین عذابا وصلی الله علی محمد واله دعا آنچه باید کفت در وقت زراعت کردن حدیث ابو جعفر علیه السلام که هر کس که خواهد زراعت کند بکیرد یک مشت از تخم و رو بقبله کند و سه بار بکو افرایتم ما تحرثون ءانتم تزرعونه ام نحن الزارعون بعد از آن بکو اللهم اجعله حبا مبارکا وارزقنا فیه السلامة والتمام واجعله حبا متراکبا ولا تحرمنا خیر ما نبتغی ولا تفتنا بما منعتنا بحق محمد واله الطیبین وبعد از آن بپاشد تخم را تا حاصل بسیار برکت دهد انشاء الله تعالی دعا آنچه باید خواند از برای دفع شر جانوران در مزرعه یا در زمین بکو اعوذ بالله من شر کل شی وشر ما فیها وشر ما خلق فیها ومن شر کل اسد واسود وحیة وعقرب ومن شر ساکن البلد ومن شر والد وما ولد انه ربی الله سبحانه وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها والیه یرجعون

الحمد لله بنعمته تتم الصالحات اللهم صاحبنا فی السفر واخلفنا فی الاهل واولاد الامام وبعد از این سورة الهیکم التکاثر بخواند بعد از سه شب بس حصین کردن از دزد و سباع وبدی و آنچه از نعمت بر او باشد یا مال و اولاد او رسانیده باشد آنچه باید کفت بعد از عطسه کردن حدیث ابو عبد الله علیه السلام که هر که بشنود عطسه پس حمد و ثنا بکوید خدا را و صلوات بفرستد بر محمد و آل او علیهم السلام او درد دندان و درد چشم نشود هرکز و بعد از آن کفت اکر کسی نشنود عطسه باید که هرکاه که شنید حمد و ثنای حق تعالی را و صلوات بر محمد و آل او علیهم السلام و اکر چه میان او و آن کس که عطسه کرده دریا فاصله باشد حدیث امیر المومنین علیه السلام که هر که عطسه کند و بعد از عطسه بکوید الحمد لله رب العالمین علی کل حال هرکز او را درد کوش و درد دندان نباشد حدیث ابو جعفر علیه السلام که در وقتی که بیمار عطسه کند احتیاج دعا کردن نیست حدیث امیر المومنین علی علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که اکر دعا کنید برادر مومن اکر عطسه کند طلب خواهد کرد از برادر مومن در روز قیامت از خدا حق خود را و حکم خواهد کرد حق تعالی که حق آن برادر مومن را ادا کند کفت رسول خدا صلی الله علیه وآله که وقتی که عطسه کند مرد مسلمان بعد از آن بکوید الحمد لله رب العالمین بکوید مرد مومن اکر حاضر باشد و فرشتها میکویند الحمد لله رب العالمین و اکر بکوید الحمد لله رب العالمین یغفر حدیث شنیدم از حسن عسکری علیه السلام که رفتم نزد امام محمد مهدی

صاحب الزمان بعد از آنکه ولادت آنحضرت یک شب گذشته بود عطسه کردم صاحب
الزمان علیه السلام گفت یرحمک الله پس خیلی خوشحال شدم پس صاحب الزمان
علیه السلام گفت بشارت دهم ترا بعطسه گفتم بلی گفت عطسه امانست از مردن تا سه روز
و گفت ابو مریم که عطسه کرد کسی نزد امام جعفر علیه السلام آنحضرت گفت که خوب چیزیست
و در راحت بدنست و سبب یاد میکند حق تعالی را و صلوات میفرستند بر نبی
و آل او علیهم السلام گفتم بدرستی که اهل عراق میگویند که صلوات بر نبی و آل او علیهم السلام
نمی باید فرستاد در سه وقت بعد از عطسه کردن و بعد از ذبح کردن و در
وقت جماع کردن آنحضرت گفت بار خدایا اگر دروغ میگویند باید
که نرسد بایشان شفاعت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و گفت ابو عبد الله
علیه السلام که اگر کسی بگوید وقتی که بشنود عطسه الحمد لله علی کل حال ما کان من
امر الدنیا و الاخرة و صلی الله علی محمد و آله علی [illegible] هرگز [illegible] گفت
که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هرکس که بشنود از عطسه کننده حمد بگوید
[illegible] باید از درد دندان و درد پهلو و نیز گفت که هرگاه کسی عطسه کند
و بعد از آن بگوید [illegible] که [illegible] بگوید رب العالمین [illegible]
لا شریک له و اگر بنده این را بگوید صلوات الله علی محمد و آله و اگر بنده این را [illegible]
[illegible] بگوید و علی محمد و اگر این را هم بگوید [illegible] بگوید یرحمک الله
و گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام در حدیث طویلی که وقتی که کسی عطسه کند

۱۰

دعا کنید برای او پس اگر بگویند یرحمک الله شما بگوئید یغفر الله لکم و یرحمکم بدرستیکه خدا
گفته است و اذا حییتم بتحیة فحیوا باحسن منها او ردوها یعنی وقتی که کسی دعا کند
شما را پس دعا کنید شما او را بهتر از آن یا دعا کنید بهمان دعا و گفت عبد الله
بن ابی یعفور که حاضر بودم در مجلس ابی عبد الله علیه السلام که شخصی عطسه کرد در آن
مجلس آنحضرت گفت یرحمک الله جماعتی که از اصحاب حاضر بودند گفتند آمین
آنحضرت عطسه کرد و اصحاب خاموش شدند و نشنیدم که دعا کنند برای
آنحضرت و بگویند [illegible] و گفت [illegible] ائمه معصومین علیهم السلام که وقتی که
عطسه کنی [illegible] بنه انگشت شهادة بر بینی خود و بگو رغم انفی لله
رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین رغم انفی لله رغما داخرا صاغرا
غیر مستنکف و لا مستحسر و وقتی که عطسه کنند و بگویی یکبار یا دو بار پس یکبار بگو
یرحمک الله پس اگر زیاد از سه بار عطسه کنند بگو شفاک الله [illegible]
[illegible] عطسه کنند بگو یرحمک الله و چون زن عطسه کنند بگو [illegible] و چون
طفل عطسه کنند بگو زرعک الله و چون بیمار عطسه کنند بگو [illegible] و اگر
[illegible] امام عطسه کنند بگو صلی الله علیه و آله و هرگاه کسی عطسه کنند و دیگری دعا کند
برای او باید که کسی که عطسه کرده است [illegible] و بگوید یغفر الله لنا و لکم
و گفت ابو بصیر که ابو عبد الله علیه السلام که بسیار عطسه کردن [illegible]
[illegible] و صاحب عطسه را از هیچ جز جذام و باد [illegible] که در سر [illegible] جدا میشود [illegible]

آمدن آب در چشم سیاه و سفیدی و خارج و بیرون آمدن مو و زیادتی آن در چشم

که شخصی عطسه بسیار میکرد و گفت ابو عبدالله علیه السلام که اگر خواهی کم شود عطسه کردن تو

[illegible] در دعا [illegible] آن شخص گفت که گفتم چه مقدار آنحضرت گفت

بگذار [illegible] پس هیچ روز [illegible] کردم و رفت عطسه‌ها حدیث ابو عبدالله علیه السلام

که اگر کسی عطسه کند در مرض ایمن شود از مردن در آن مرض حدیث که خمیازه

[illegible] از جانب شیطان و عطسه کردن از جانب حق تعالی است [illegible]

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر کس سخن بگوید و در میان سخن

عطسه کند آن عطسه گواه است بر صدق آن سخن حدیث حضرت امام

علیه السلام [illegible] که عطسه کردن بیمار دلیل است بر عافیت و راحت بدن او

علاج خمیازه [illegible] ابو عبدالله علیه السلام فرمود که وقتی که خمیازه

کردن شیطان [illegible] دست [illegible] خود و بگو اللهم

اسالک [illegible] آل محمد [illegible]

در ادب مریض و علاج او و آنچه متعلق است بآن و در این باب اختصار

کرده است از کتاب طب الائمه و از کتابهای که [illegible] جمع کرده است فصل

اول در آداب مریض و عیادت کننده و علاج مریض [illegible]

ثواب مریض حدیث ابو عبدالله علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه

و آله فرمود که تب یک شب کفاره [illegible] گناهان [illegible] حق تعالی

الرب

است و در زمین و شدت حرارت تب از دوزخ و آنچه بر چیزی میرسد از دوزخ

چنین تب است حدیث که رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی که تبی میشد

در بدن خود [illegible] و نفع و درازی [illegible] حق تعالی [illegible]

با [illegible] آنحضرت گفت اگر حق تعالی خواهد چیزی خوب بزرگی [illegible]

و چیزی بزرگ خود میسازد حدیث ابو عبدالله علیه السلام گفت هر مرضی [illegible]

[illegible] که بکسی میرسد بجهت گناهی است که کرده است و اینست قول خدا

تعالی [illegible] در کتاب خود که و ما اصابکم من مصیبة فبما کسبت ایدیکم

و یعفوا عن کثیر یعنی آنچه بشما میرسد بسبب آن چیزیست که کرده است

دستهای شما [illegible] بسبب گناهان شما است و حال آنکه خدا بسیاری عفو میکند

از گناهان شما [illegible] از آنچه [illegible] بسبب آن بشما [illegible]

میرسد حدیث امام زین العابدین علیه السلام [illegible] تب میرساند

بهر عضوی [illegible] که مبتلا میشود به بلای حدیث کرده است [illegible]

احمد از یوسف بن اسمعیل که گفت [illegible] از ابو عبدالله علیه السلام که وقتی که مومن [illegible]

[illegible] گناهان او [illegible]

[illegible] تسبیح است و فریاد [illegible] تهلیل است [illegible]

[illegible] در راه خدای تعالی [illegible]

عبادت خدای تعالی [illegible]

بهره اگر بنده بجا آید و گناه کند و صحت و عافیت دوست تر است نزد ما از بیماری
گفت امام زین العابدین علیه السلام که تب یک شب کفاره گناهان یکساله است بجهت الم
آن تب یکسال در بدن میماند · ابو عبدالله علیه السلام گفت تب یک شب کفاره گناه
هست که پیش از این تب کرده است و بعد از آن تب خواهد کرد و نیز گفت که هر که یک شب
بیمار شود و صبر کند برای بیماری و شکر خدای تعالی بجا آورد شصت ساله گناهان او
آمرزیده میشود گفت امام محمد باقر علیه السلام که بیداری یک شب بجهت بیماری
یا درد بجا آوردن بهتر است و ثوابش بیشتر است از عبادت یک سال و تب یک شب
برابری میکند بعبادت دو ساله و تب سه شب برابری میکند بعبادت هفتاد سال
گفت ابو حمزه که گفتم شاید که آن بیمار بهفتاد سالگی نرسد آن ثوابش که خواهد بود
آن ثوابش بجهت پدر و مادر او خواهد بود گفت از خویشان او · گفت امام رضا علیه السلام
که بیماری مومن را پاک میگرداند از گناهان و در حقیقت کافر را عذاب و لعنت است و ...
... بیماری میکشد که هیچ گناه او نماند · گفت ابو عبدالله علیه السلام که درد
یک شب میبرد جمیع گناهان را مگر گناه کبیره را · گفت ابو ابراهیم علیه السلام
که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که بیماری را چهار خصلت است مبتلا
میشود ... و از بعضی گناهان بر دو میرسند و امر میکند خدای تعالی فرشته را که بنویسد
برای او ثواب هر عملی که میکرد در ایام صحت خود و بیماری هر عضوی میبرد
گناهان آن عضو را و اگر بمیرد و اگر زنده شود · گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که

و چون که بیمار شود مسلمان مینویسد خدای تعالی از ثواب بهتر از آنکه مینوشت در ایام
صحت و میریزد گناهان او را همچنانکه برگ درخت میریزد · گفت ابو عبدالله علیه السلام
خدای تعالی دوست میدارد بنده را نظر میکند باو و هرگاه نظر میکند باو یکی از سه
چیز میدهد باو تب و درد سر و یا درد چشم · گفت امام موسی علیه السلام
که هرگاه مومن بیمار شود وحی میکند خدای تعالی بفرشتگان دست چپ که ننویسید
برای بنده من گناهان او را مادام که بیمار است و وحی میکند بفرشتگان
دست راست که بنویسید برای بنده من حسناتی که بجا میآورد برای او در
ایام صحت او · صبر بر بیماری · گفت ابو جعفر علیه السلام که رسول
خدا صلی الله علیه و آله فرمود که خدای تعالی میگوید هر بنده که مبتلا گردانم
بدردی او صبر کند و شکایت نکند نزد عیادت کنندگان او را
بدل میکنم گوشت او را بگوشتی بهتر و خون او را بخونی بهتر و اگر بمیرد برحمت خود
و اگر صحت یابد هیچ گناه نخواهد ماند باو · گفت امام رضا علیه السلام که بیمار
مومن را پاک میگرداند از گناهان و در حقیقت کافر را عذاب است ...
گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که ... میرسد به بنده تا آنکه هیچ
گناه نماند بر او · گفت ابو عبدالله علیه السلام که عیادت کنندگان
از خویشان طلب دعا کنید ... دعای ایشان برابری میکند بدعای
فرشتگان و اگر کسی بیمار شود و در شب شکایت نکند از آن بیمار

نرسید حق تعالی او ثواب عبادت هفتاد سال دیگر گفت که شکایت از بیمار
نیست که بیمار بگوید که مبتلا شده‌ام بمرضی که هیچکس مبتلا نشده باشد بلکه بد آنست که بگوید هیچ
کس بمرض من نرسیده شکایت نیست که بگوید که شب بیخوابی کشیدم و درد
سر کشیدم و مانند این سخنان گفت امیرالمؤمنین علی علیه السلام که
بیمار را هیچ مزد ثواب ندارد ولیکن میگذارد هیچ گناهی را الا آنکه می‌افکند از زبان
دعای درست و راستی باشد در حق مسلمین و بسبب صدق نیت در عقیده و اعتقاد به
بسیاری از بندگان خود را به بهشت عیادت کردن بیمار
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که حق مسلمان بر مسلمان آنست که چون ملاقات کند
با او سلام کند و گاه بیمار شود عیادت کند و همسایه چون بمیرد در تشییع جنازه
او برود که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله عیادت کرد همسایه خود را
که یهودی بود رسول خدا صلی الله علیه و آله که عیادت کامل نیست
که بنهد دست خود را بر بیمار و به پرسد از که چه حال دارد در چه صباح کرده
بودی و در چه شب چگونه بودی و سلام کردن کامل نیست مگر مصافحه
ابو عبدالله علیه السلام که سزاوار نیست بیمار را که خبر کند برادران خود را
از بیماری خود عیادت کنند او را از ثواب باید کسی گفت که ایشان از ثواب
باشند تا اگر عیادت نکنند بیمار چگونه بیاید آنحضرت گفت بیمار را نمی
بیاید که برای ایشان حسنات حاصل نکنند پس نوشته میشود

برای

۱۱

برای بیمار حسنه ده درجه مرتبه او بلند میشود و رفع میشود ده از گناه
و دیگر گفت که سزاوار نیست که خویشان میت خبر کنند برادران مؤمن
آن میت را از مردن تا ایشان حاضر شوند بجنازه او و نماز گذارند و طلب
آمرزش کنند تا ایشان را ثواب برای آن حاصل شود و برای میت طلب
آمرزش حاصل شود گفت ابوالحسن علیه السلام عیادت کرد صعصعه بن صوحان
را پس گفت ای صعصعه فخر مکن بر برادران و خویشان که عیادت کرد از برای
نفس خود بتحقیق که امر رسیده است بتو و باید که آمید مشغول کرد از هم
از کتاب امیرالمؤمنین علی علیه السلام و از کتاب جابر گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که عیادت نیست در درد چشم و عیادت مکن مگر بعد از
سه روز بیماری یکبار دیگر در روز میان یا دو روز میان عیادت کن و هرگاه بیماری
طول انجامد باید که بیمار را با عیال خود گذارد امیرالمؤمنین علی
علیه السلام فرمود که بزرگترین بندگان از روی ثواب نزد خدا آنکسی
است که وقتی که عیادت برادر مؤمن کند کم نشیند نزد او مگر آنکه بیمار خود خواهد که
او نشیند و دوست دارد او را و التماس کند که بنشیند امیرالمؤمنین علیه
السلام که عیادت کامل نیست مگر آنکه عیادت کامل آنست که بنهی دست خود را
بر دست بیمار و بپرسی از حال او و به پرسی که عیادت از احمقان دشوارتر است
از بیماری امام جعفر صادق علیه السلام که چون روز قیامت شود بیمار

بیمار شود بنده از حق تعالی حساب او کند تا آنکه بیرون آید از این بنده هرچه جرم هست
کرده از عبادت در صحت و تندرستی که بیمار شدم پس آن بنده بگوید بار خدایا تو
پروردگار منی رحمت بفرما از روی رحیمیت خود و مرا برسان بنعیم الم و بیماری
حق تعالی گوید آنکسی که عیادت کند مؤمن را بجهت رضای خدا پس مرا عیادت کرده
است و بعد از آن بگوید حق تعالی با این بنده که ایا فلان را بیماری شناختی آن بنده
بگوید شناختم ای پروردگار حق تعالی بگوید چرا عیادت نکردی او را در آنچه
بیمار بود بدرستی که اگر عیادت میکردی هیچ یافتی مرا نزد او و اگر از حق طلب حاجت
میکردی روا شدی آن وقت حاجت تو بیشتر او را دیدم [گفت] ابو الحسن علیه السلام
که هر کس که بیمار شود باید که مردمان که بعیادت شما آیند اذن کند که نزد
بیمار بنشینند بدرستی که دعای یکی از ایشان مستجاب خواهد بود [گفت] که حضرت
پیغامبر صلی الله علیه و آله عیادت کرد سلمان را رحمة الله علیه چون بیرون آمد گفت
با سلمان کشف الله ضرک و غفر ذنبک و حفظک فی دینک و بدنک الی منتهی
اجلک یعنی ای سلمان بر طرف کند خدا بیماری ترا و بیامرزد گناهان ترا
و نگاه دارد در دین و بدن تو تا وقت رسیدن اجل تو [روایت] از ابان
شیخ ابو جعفر بابویه که گفت امام جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی
الله علیه و سلم را که عیادت کرد سلمان فارسی را پس گفت ای سلمان در بیماری
سه خصلت هست یاد خدا و کسی را بدعا و تو در این حال مستجاب است و نمیگذارد

بیماری تو هیچ گناه را بر خود بخدا تعالی و صحت و عافیت تا وقت رسیدن اجل تو
[گفت] حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که عیادت سه بار باشد و تعزیت زنان
یکبار [گفت] ابو عبدالله علیه السلام که عیادت کند برادر مؤمن را و تب
مشایعت میکنند او را هفتاد هزار فرشته تا وقتی که بنشیند نزد آن
بیمار رحمت حق تعالی بر او رحمت میکنند فرشتگان بر او و استغفار میکنند تا صباح
[گفت] امام محمد باقر علیه السلام که گفت حضرت موسی علیه السلام در
مناجات پروردگار خود که پروردگارا چیست ثواب عیادت بیمار حق تعالی فرمود
که موکل میکنم فرشته را با آنکس که عیادت کند بیمار را که مونس او باشد در قبر او تا روز
حشر [گفت] امام جعفر صادق علیه السلام خدا را صلی الله علیه و سلم را الی
فرمود که آنکس که عیادت بیماران کند میرسد ندا از آسمان و میگوید که ای فلان
خوش باد ترا و خوش باد بهشت تو [گفت] حضرت عیسی صلی الله که بزرگ
کرد بی نماز از روی عجب و ثواب آنکس است که کم نشینند نزد بیمار [گفت]
که وقتی که آیند نزد برادر مؤمن جهت عیادت باید که دعا کنند برای او زیرا که
که دعای شما چون دعای فرشتگان است و نیز [گفت] که آنکس که عیادت کند
بیمار را برای خدا آن بیمار هر چه طلب کند از حق تعالی یابد [روایت] که پرسیدند
امیر المؤمنین علی علیه السلام از بیماری اطفال آن حضرت فرمود که بیماری اطفال
کفاره گناهان است مادر و پدر ایشان است [گفت] که بعضی از خدمتکاران

آنحضرت و با جمعی کس آمد آنحضرت میرفتم بعیادت آنحضرت مرا در میان راه دید و گفت کجا میروید گفتم بعیادت فلان میرویم پس ایستاد گفتم یا نبی الله از شما سی بار به پای ایستید از بوحوش یا دو دست گفت ما پس از اینها ای کسی با عیادت اینکه بیمار چون شفا یابد و بهر صبر برای او شفا برید علاج کردن بیمار گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که دو کسند درستی که حق تعالی در روز که او شفا برای آن درد فرستاد و نیز گفت که مردن آدمی کمتر هیچ از مردن جهل در رنج کالید آدمی مرگی کردن بهتر است که از رنجها او کمتر گفت که هر بیماری عز از گناه و آنچه عفو میکند خدا بسیار بیشتر است که آنچه مواخذه میکند و نیز گفت که دو کس بیمار نبود مگر کسی که خود را از بیماری نگاه دارد و دوام پرهیز کند دویم بیماری که پرهیز نکند و هر چیز را در هم در خود در حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که احتیاط از دعا کردم که بدن او قوه درد کشیدن دارد و بس مرض که قوه درد کشیدن ندارد باشد دوا کن و گفت ابو عبدالله علیه السلام که پیغمبری از پیغمبران بیمار بود و گفت دوا نمیکنم تا آنکه که بیمار صاحب مرا شفا دهد حق تعالی گردانید که شفا نمیدهم تا دوا نکنی بدرستی که شفا از من است و نیز گفت امام رضا علیه السلام که اگر مردمان طعام کم بخورند بیمار نشوند گفت ابو عبدالله علیه السلام نیست پرهیز کردن از چیزی ترک کردن آن چیز ولیکن پرهیز کردن حمل

دوست او کم کردن چیز است گفت امام موسی علیه السلام که پرهیز کردن اصل دوست و معده خانه دوست و حقه و بدن را بآنچه عادت کرده است

از کتاب روضة الواعظین گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله که کسی بمیرد با وصیت کافر مرده است و نیز گفت که سزاوار نیست مسلمانی که شبی بروز آورد و وصیت نامه در زیر سر او نباشد و نیز گفت که آنکسی که نیکو وصیت نکند وقت مردن نقصانی باشد در مروت و عقل او و نیز گفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که آنکسی که وصیت کند و در آن وصیت جور و ستم نکند و ضرر نرساند بکسی چنانست که تصدق کرده باشد آنرا بر دست خود در حال حیات خود گفت امام جعفر صادق علیه السلام که وصیت حقیست بر هر مسلمانی و وصیت بر دادای حق ان و نیز گفت که آنکسی که وصیت نکند و چیزی از مال او به خویشان ندهد که میراث نبرند خاتمه او بمعصیت است

فصل دویم در طلب شفا کردن بقرآن گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که آنکسی که طلب شفا نکند بقرآن شفا نمیدهد خدا او را گفت امام جعفر صادق علیه السلام که آنکسی که صد آیت از قرآن از هر جا که خواهد بخواند بعد از آن هفت بار بگوید پس اگر دعا کند بر سنگ خارا آن سنگ شکافته شود و گفت ابو الحسن علیه السلام که هر که درد رسد او را از چیزی صد آیه از قرآن بخوان از هر جا که خواهی و از آن پس بگو اللهم اکشف عنی البلاء

وکنف ابو ابراهیم که آنکس که طلب کفایت مهمی کند از مشرق تا مغرب باشد از قرآن کفایت میشود آن مهم و قتی که از روی صدق و یقین باشد و منه

وکنف امام موسی علیه السلام بفرمود مشاهده از هر دردی سوره

خاص صورتها قرآن کفایت میشود از مهم آمده است درباب آن کنف

امام موسی علیه السلام که آنکس که حاجتی و علتی داشته باشد باید که هفت

روز فاتحه بخواند و در گریبان خود کند پس اگر تسکین نیابد هفتاد بار بخواند

در استی که تسکین پیدا باید حضرت ابو عبدالله علیه اکر کرد خواند

فاتحه هفتاد بار شفاست از دردی پس اگر بار بخواند بر سینه که تسکین نیابد

باید روح از بدن او مفارقت کرده باز گرداند خدا تعالی بدن او

وکنف ابو عبدالله علیه السلام که اگر فاتحه را هفتاد بار بر مرده بخواند

بعد از آن روح باز کرد و بدان مرد عجب نیست وکنف امام محمد

باقر علیه السلام که دفتر که تو علتی و بیماری داشته باشی که بترسی از آن

بیماری سوره انعام بخوان بدستی که نمیرسد از آن علت که روی بر

وکنف که آنکس که سوره نحل در ماهی یکشب بخواند او انشود در آن

درد اعضا از هفتاد نوع هلاک آسان ترین آن بلاها دیوانگی و جذام

و برص است وکنف که بجهت اعتراض شیطان و لشکر او اتباع او

صورة نحل را باید خواند وکنف امام محمد باقر علیه السلام که آنکس

کم سوره

که سوره لقمان در شب بخواند حق تعالی و فرشتهها را در آن شب که

نگاهدارند او را از شیطان و لشکر او تا صباح و اگر در روز بخواند نگاه دارند

او را از شیطان و لشکر او تا شب وکنف ابو عبدالله علیه السلام که هر

چیزی را دلی است و دل قرآن یس است پس آنکس که در شب یس را

پیش از آنکه خواب کند موکل سازد حق تعالی با و هزار فرشته را که نگاه دارند

او را از شیطان و از جمیع آفتها و آنکس که در روز بخواند پیش از آنکه

از خانه خود بیرون رود بجای حق تعالی او را اهلی . دارد در روزی دیگر تا شب

و میرد و خدا تعالی او را بهشت برد و کنف که یس را باید خواند برای

شرف دنیا و آخرت و برای حفظ نفس خود و اهل بیت و مال از جمیع آفتها

و بلاها و کنف آنکس که دیوانه یا مبتلا به وسوسه شود پس برو بخوانند یا بنویسند

و بشویند و بدهند که بیاشامد صحت یابد و اگر آب به عنوان نبویسند از شیشه

بهتر است وکنف ابو عبدالله علیه السلام که آنکس که سوره الصافات در

هر روز جمعه بخواند محفوظ باشد از جمیع آفتها و دفع شود از و هر بلیل که

در دنیاست و از و وسیع از کشاده شود در دنیا و نگاهدارد خدا تعالی او را و

عزیز او را از شیطان رجیم و سلطان ظالم وکنف که صورت

صافات باید خواند برای شرف و عزت کرد و جاه و عزت در دنیا و آخرت وکنف

ابو عبدالله علیه السلام که آنکس که سوره ص در هر جمعه در روز یا در شب حق تعالی

عطا کند باد بزرگی دنیا و آخرت و عزیز کرده اند او را اگر چه مال و جاه نیز نباشد
باشد و اگر کسی سوره و الطور بخواند جمع کند حق تعالی برای او دنیا و آخرت
و اگر کسی سوره و النجم بخواند در هر شب جمعه دوست دارد او را حق تعالی
او را و همه مردمان او را دوست گردانند و نه بیند در دنیا هیچ بد و سختی و فقر
و درویشی و آمن از ایشان باد و این سوره در شان امیرالمؤمنین علی علیهم السلام
نازل شده است و اگر کسی ملازمت نماید بخواندن سوره حدید در [illegible]
در نماز فریضه ایمن شود او از عذاب [illegible] او و اهل او [illegible]
و گفت امام زین العابدین علیه السلام که اگر کسی سوره ممتحنه در نماز واجب
و سنت امتحان کند خدا تعالی دل او را با ایمان [illegible] دل او را [illegible]
بد بود در دشمن و بر نور کرده اند چشم او را و خوشنود او [illegible]
به بهشت برد او را و گفت اگر کسی سوره جمعه بخواند در نماز فریضه عزیز و مکرم شود
در میان مردمان و ستایش کنند او را و گفت ابو عبدالله علیه السلام که اگر کسی
سوره الرحمن بسیار بخواند رشد در دنیا باد بی از جن و اگر کسی سوره یا ایها
بخواند در نماز صبحش یاد در آخر شب کرامی دهند شب و روز [illegible]
آن دور دور خدا تعالی یاد زنده [illegible] بدهد و او [illegible] که اگر کسی سوره
النازعات بخواند در او در [illegible] او را بهشت ببرد [illegible]
در دنیا [illegible] و گفت اگر کسی [illegible]

باشد سوره الشمس و السماء ذات البروج در آب بخوانند و بدیشان دهند که بیاشامد فرزندی [illegible]
انشاء الله تعالی و اگر کسی سوره [illegible] در نماز فریضه بخواند ندا کنند که ای بنده
خدا امرزیده شد گناهان گذشته تو از سر بگیر عمل را و اگر کسی که سوره اذا زلزلت
الارض بخواند در نماز نافله ایمن باشد از زلزله و مرگ [illegible] و زلزله
و صاعقه و هیچ آفتی از آفتهای دنیا باز نرسد و اگر کسی سوره ویل بخواند
در نمازهای فریضه درویشی نبیند و روزی او زیاده شود و ایمن شود از
مردان و اگر کسی قل یا ایها الکافرون بخواند و قل هو الله در نماز [illegible]
بیامرزد خدا تعالی او را و فرزندان او را و اگر شقی و بدبخت باشد نام او محو
شود از دیوان بدبختان و بنویسد در دیوان نیکبختان و نیکبخت گرداند
خدای تعالی او را در دنیا و شهید بمیرد او را و شهید برانگیزانند او را
در روز و گفت امام رضا علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود
که چون شما را درد سر شود یا درد دیگر بگشایید هر دو دست خود را و فاتحه
قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخوانید و بمالید
هر دو دست بر روی خود بدرستی که چون چنین کنید برود آن درد از شما
و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که خدای تعالی [illegible] را
تابع و فرمان بردار حضرت فاطمه ساخت پس هر کسی که دوست دارد حضرت
فاطمه فرزندان او را پس او را بس شود با صد هزار بار قل هو الله بخواند

و بعد از ان بگوید بحق فاطمه علیها السلام که شفا ده مرا بدرستی که چون چنین کنند
برطرف شود با تجربه رسیده و المکی گر از اجابت خواسته در نماز و دست بر دار نماز و اجابت خواند
نفرت بعد خدا شفا ادراد شمنان [illegible] ابو عبدالله علیه السلام که المکی
بیمار شود یا باد و تجربه رسیده و قل هو الله بخوانند در ان جام پس بسیار
در ان بجام پس او از امالت و رنج است بهتر [illegible] که المکی که حاکم
کرده در ... پس قل هو الله محفوظ شود خاصه او ... که در قول
اوست [illegible] طلب شفا با اینها قرآن [illegible] در اینها که مشتمل
بر تهلیل شفاست از جمله مرضها و اینها تهلیلات آیت است بسم الله الرحمن الرحیم
و الهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه
سنة و لا نوم له ما ... آخره هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء لا اله الا هو العزیز الحکیم
شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکة و اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز
الحکیم ان الدین عند الله الاسلام و ما اختلف الذین اوتوا الکتاب الا من بعد ما
جاءهم العلم بغیا بینهم و من یکفر بآیات الله فان الله سریع الحساب ...
فحیوا باحسن منها او ردوها ان الله علی کل شیء حسیبا الله لا اله الا هو
لیجمعنکم الی یوم القیامة لا ریب فیه و من اصدق من الله حدیثا ذلکم الله
ربکم لا اله الا هو خالق کل شیء فاعبدوه و هو علی کل شیء قدیر و کیل اتبع ما اوحی
الیک من ربک لا اله الا هو و اعرض عن المشرکین قل یا ایها الناس انی رسول الله

الیکم جمیعا الذی له ملک السموات و الارض لا اله الا هو یحیی و یمیت فآمنوا بالله و رسوله
النبی الامی الذی یؤمن بالله و کلماته و اتبعوه لعلکم تهتدون و ما امروا الا لیعبدوا الله
لا اله الا هو سبحانه عما یشرکون فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت
و هو رب العرش العظیم حتی اذا ادرکه الغرق قال آمنت انه لا اله الا الذی آمنت
به بنوا اسرائیل و انا من المسلمین فان لم یستجیبوا لکم فاعلموا انما انزل بعلم الله و ان لا
اله الا هو فهل انتم مسلمون قل هو ربی لا اله الا هو علیه توکلت و الیه متاب ینزل
الملائکة بالروح من امره علی من یشاء من عباده ان انذروا انه لا اله الا انا فاتقون
و ان تجهر بالقول فانه یعلم السر و اخفی الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی انک بالواد المقدس
طوی فان اخترتک فاستمع لما یوحی انی انا الله لا اله الا انا فاعبدنی و اقم الصلاة
لذکری ان الساعة آتیة اکاد اخفیها لتجزی کل نفس بما تسعی انما الهکم الله الذی لا اله
الا هو وسع کل شیء علما و ما ارسلنا من قبلک من رسول الا نوحی الیه انه لا اله
الا انا فاعبدون و ذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی
الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فتعالی الله الملک الحق
لا اله الا هو رب العرش الکریم و یعلم ما تخفون و ما تعلنون الله لا اله الا
هو رب العرش العظیم و هو الله لا اله الا هو له الحمد فی الاولی و الآخرة و له الحکم و الیه
قل یا ایها الناس اذکروا نعمت الله علیکم هل من خالق غیر الله یرزقکم من
السماء و الارض لا اله الا هو فانی تؤفکون انا کذلک نفعل بالمجرمین

انهم كانوا اذا قيل لهم لا اله الا الله يستكبرون ويقولون ائنا لتاركوا
آلهتنا لشاعر مجنون بل جاء بالحق وصدق المرسلين غافر الذنب وقابل التوب
شديد العقاب ذي الطول لا اله الا هو فادعوه مخلصين له الدين الحمد لله
رب العالمين رب السموات والارض وما بينهما ان كنتم موقنين لا اله الا
هو يحيي ويميت ربكم ورب آبائكم الاولين فانى لهم اذا جاءتهم ذكريهم فاعلم
انه لا اله الا هو واستغفر لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات والله يعلم
متقلبكم ومثواكم لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرايته خاشعا متصدعا من خشية الله
وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو
عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس
السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله
الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات والارض
وهو العزيز الحكيم انما على رسولنا البلاغ المبين لا اله الا هو فليتوكل
المؤمنون رب المشرق والمغرب لا اله الا هو فاتخذه وكيلا [illegible]
امام جعفر صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه وسلم را گفت
بامیرالمؤمنین علی علیه السلام که ایمنی منزل از سرقت وقتی که بگویی سبحان
ربک لا اله الا انت علیک توکلت وانت رب العرش العظیم یا علی
ایمنی منزل از سرقت وقتی که بگویی واذا قرأت القرآن جعلنا بینک

وبین الذین لا یؤمنون بالآخرة حجابا مستورا وجعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه
وفی آذانهم وقرا واذا ذکرت ربک فی القرآن وحده ولوا علی ادبارهم نفورا
یا علی ایمنی منزل از کسی که میخواهد سرقت کند که بگویی ما شاء الله کان وما لم یشأ لم
یکن اشهد ان الله علی کل شیء قدیر وان الله قد احاط بکل شیء علما واحصی کل شیء
عددا ولا حول ولا قوة الا بالله [illegible] درد سر حدیث ابو عبد الله
علیه السلام که جهت درد سر بنویس بر کاغذ وبه بند بر بازو راست کسی که
تب ودرد سر داشته باشد فاتحه وقل هو الله وقل اعوذ برب الفلق وقل
اعوذ برب الناس واین کلمات را بنویس بسم الله الرحمن الرحیم رب الناس
واشفه یا شافی فانه لا شفاء الا شفاؤک شفاء لا یغادر سقما بیدک
الخیر انک علی کل شیء قدیر وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین بسم الله
الرحمن الرحیم قلنا یا نار کونی بردا وسلاما علی ابراهیم کذلک صاحب کتابا
هذا برحمتک یا ارحم الراحمین بسم الله الرحمن الرحیم وله ما سکن فی اللیل
والنهار وهو السمیع العلیم اسکن ایها الصداع والالم بعزة الله اسکن
بقدرة الله اسکن بجلال الله اسکن بعظمة الله اسکن بلا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم وذا النون اذ ذهب مغاضبا
فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت
سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک

سمی المؤمنین و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم حسبنا الله و نعم الوکیل
و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین تسلیما کثیرا بجهت بیرون
آمدن آب از بجار ریها که شکایت کرد یکی از اصحاب نزد ابا عبدالله علیه
السلام از حرارت تب آنحضرت گفت بکشا بند گریبان پیراهن را و سر خود را
در گریبان کن و اذان و اقامت بگو هفت بار فاتحه بخوان ابن کثیر گفت
چنین کردم و از تب خلاص شدم و تب بجهت تب ابو عبدالله
علیه السلام که هر کرا تب شود سر خود را در گریبان کن و اذان و اقامت
بگو و فاتحه و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخوان
و قل هو الله سه بار بخوان و بگو بعد نفس بعزة الله و قدرة الله و عظمة الله
و سلطان الله و بجلال الله و بجمع الله و برب الرسول الله و بنبیه صلی الله
علیهم و ولاة امر الله من شر ما اخاف و احذر و اشهد ان الله علی کل
شیء قدیر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی خیر خلقه
محمد و آله اجمعین اللهم اشفنی بشفائک و داونی بدوائک و عافنی من بلائک
ابو عبدالله علیه السلام که سر خود را در گریبان کن و اذان
و اقامت بگو و فاتحه و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس سه بار
و قل هو الله بخوان و این آیه را نیز سه بار بخوان و لو انزلنا هذا القرآن
علی جبل لرأیته خاشعا متصدعا من خشیة الله و تلک الامثال نضربها للناس

لعلهم

لعلهم یتفکرون هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة هو الرحمن الرحیم
هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر
سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنی یسبح
له ما فی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم و بعد از ان بگو بدا عید نفسی بقوة
الله تا آخر آن دعا که گذشت حماد بن عثمان که گفت شکایت
کرد مردی نزد ابا عبدالله علیه السلام از تبی که بسیار مانده بود در وی فرمود
بنشیند آنحضرت گفت بنویس آیة الکرسی را بر ظرفی و بشوی آنرا بآب که
آنجا و بیاشامد و دفع تب ازبرای تب که منقول از ائمه معصوم
علیهم السلام گفت که بکرات دیگر از تربت امام حسین علیه السلام و نرگس
از آب تب و بنویس بر ظرفی از شیشه بقلم فولاد این آیه ها را ان و
سلام قولا من رب رحیم حسبی الله و نعم الوکیل طه ما انزلنا علیک القرآن لتشقی
الا تذکرة لمن یخشی ان الله یمسک السموات و الارض ان تزولا و لئن زالتا
ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا یرید الله ان یخفف عنکم
قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم اردد عن فلان بن فلان
نام بیمار و نام پدر او را بنویس الحر و البرد و الحلیلة و جمیع الالام
و الاسقام و الاعراض و الامراض و الاوجاع و الصداع طسم طس یاسین
حم عسق کذلک یوحی الیک و الی الذین من قبلک الله العزیز الحکیم و الاول

ولا قوة الا بالله العلی العظیم والحمد لله رب العالمین وصلواة علی سیدنا محمد النبی
وآله الطاهرین بالحق نزول بحیاله علی محمد وانزل ما نقبلان بن مرض
و ناگیرا در ابنوس حرم رضی و سقم والم الک علی کل شئ قدیر حسبنا الله
وحده وصلواة علی سیدنا محمد النبی وآله اجمعین وبنویس این نوشته را و بدو که
بچار بیاشامد از بابت بنویس این اسمها را بر کاغذ و بر بند
بر کسی که تب داشته باشد آیت وبالحق انزلناه وبالحق نزل وما
ارسلناک الا مبشرا ونذیرا وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین
ولا یزید الظالمین الا خسارا وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان
او قتل انقلبتم علی اعقابکم ومن ینقلب علی عقبیه وآمنوا بما انزل علی محمد
وهو الحق من ربهم کفر عنهم سیئاتهم واصلح بالهم ما کان محمد ابا احد من رجالکم
ولکن رسول الله وخاتم النبیین وکان الله بکل شئ علیما محمد رسول
الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تریهم رکعا سجدا یبتغون
فضلا من الله ورضوانا سیماهم فی وجوههم من اثر السجود ذلک مثلهم
فی التورات ومثلهم فی الانجیل ومبشرا برسول یاتی من بعدی اسمه
احمد فلما جاءهم بالبینات قالوا هذا سحر مبین ولو ان قرآنا
سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا
الملک لله الواحد القهار بعد از آن بگو بسم الله الرحمن الرحیم

علی ساق العرش نوع چهار یک تب ربع و تب ربع آنست که
یکروز میگیرد و سه روز دیگر نمیگیرد و در روز چهارم باز میگیرد بنویس از بند
بازوی راست بچار بسم الله الرحمن الرحیم ولو ان قرآنا سیرت به
الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا باسط یا
کافی یا معافی وبالحق انزلناه وبالحق نزل و بنویس بر کتف کسی که تب
ربع دارد سوره الم نشرح و این دعا که لا باس رب الناس اذهب الباس
اشف وانت الشافی لا شفاء الا شفاؤک شفاء لا یغادر سقما
اللهم اشغل الراس شفاء ولم اکن بدعائک شقیا باسم
فلان بن فلان یعنی نام او و نام مادر او بنویس نوع تب لرزه
بخوان این اسمها را که بسم الله مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ لا یبغیان
وحجرا محجورا قلنا یا نار کونی بردا وسلاما علی ابراهیم الا ان حزب الله هم
الغالبون ولقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین انهم لهم المنصورون
وان جندنا لهم الغالبون از بابت تب ربع کتف امام حسین
رضی الله علیه السلام بنویس بر ورق قلنا یا نار کونی بردا وسلاما علی ابراهیم
و به بند این نوشته را بر کسی که تب میکند و قتی که او را تب میگیرد
دفع تب واقع است که بنویس این آیه را که قل
ذالکم لم علی الله یفترون بر کاغذ و به بند بر بازوی او و بنویس

این آیه را که نمل سوره است اذا کلم ام علی اسم بنفسی دن بر کاغذ نوشته بر بازو او
بندد پس یطلط یطلطا و بنده بر ساق او و دیگر عقده علی اسم الله من جان
یعنی بنام خدا بستم بت فلان ابن فلان تا آنکس را نکوید [illegible] از برای
[illegible] الله [illegible] کیف مد الظل و لو شاء لجعله ساکنا ثم جعلنا
الشمس علیه دلیلا [illegible] در درد شقیقه بگو و من کان منکم [illegible]
اذا [illegible] فقد [illegible] من صیام او صدقة او نسک ید الله فوق ایدیهم
فمن نکث فانما ینکث علی نفسه اسکن سکنتک بالذی سکن
له ما فی اللیل والنهار و هو السمیع العلیم [illegible] از برای درد شقیقه
[illegible] که شکایت کرد مردی نزد امام جعفر صادق علیه السلام از درد
سر آنحضرت گفت که بنه دست خود را بر جایی که درد کند آیت الکرسی و فاتحه
بخوان و بگو الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر اجل و اکبر مما اخاف و احذر
اعوذ بالله من عرق [illegible] و اعوذ بالله من حر النار [illegible] در درد سر
[illegible] عمر بن حنظله که شکایت کردم نزد امام جعفر علیه السلام از درد
سر آنحضرت گفت [illegible] دست خود را بر میان سر
خود بگو لو کان معه آلهة کما یقولون اذا لابتغوا الی ذی العرش
سبیلا و اذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل الله و الی الرسول رایت المنافقین
یصدون عنک صدودا [illegible] در درد شقیقه گفت امام رضا علیه السلام

که ام ملدم بسم الله الرحمن الرحیم ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک
رحمة انک انت الوهاب ربنا انک جامع الناس لیوم لا ریب فیه ان الله لا
یخلف المیعاد و بنویسد این دعا را و کسی که درد شقیقه دارد و یا درد [illegible]
دارد [illegible] لا رب [illegible] کرد [illegible]
من احد [illegible] لا اله الا انت وحدک لا شریک لک [illegible] فلان
بن فلان که کسی که درد شقیقه دارد باید نوشت صلی الله علی محمد و اهل بیته
[illegible] در درد سر و عرق آن از درد ها [illegible] امام جعفر صادق علیه السلام
که آنکس که درد سر یا درد دیگر داشته باشد باید که دست خود بر آنجا که درد میکند بنهد
و بگوید اسکن سکنتک بالذی سکن له ما فی اللیل والنهار و هو السمیع العلیم و
[illegible] که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله هر گاه که کسالت و [illegible] عارض
میشد دست خود را میکشید و فاتحه و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب
الناس میخواند و بعد از آن میمالید دست خود را بر روی خود پس برطرف میشد
از آنحضرت آن [illegible] [illegible] محمد بن ابراهیم که شکایت کردم نزد
امام رضا علیه السلام که صفرا غالب شده است بر من و به سبب این غالب میشود
مرا مثل جنون و درد سر غالب میشود آنحضرت گفت [illegible]
را که [illegible] که از [illegible]
[illegible] بر سر طفلان خود [illegible] باذن خدا [illegible]

ابو بصیر گوید که چنین کردم و شفا یافتم و درد سر بنشست دیگر امام رضا
علیه السلام گوید که بجهة درد سر چنان بنویسد بر سر بیمار باید نهاد دیگر بجهة درد شقیقه
بسم الله الرحمن الرحیم ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من
لدنک رحمة انک انت الوهاب پس اگر بخواند این آیه را در درد شقیقه ظن
شود دیگر یک نخود از نخود اسفید و نرم بکوب و شکر در قلیل سوا بر آن
بخوان و باب بیامیزد و بدهد بانگشتی که درد شقیقه دارد که بخورد دیگر
که شکایت کرد مردی از اهل مرو نزد ابا عبد الله علیه السلام از درد سر
آنحضرت گفت با مرد که نزدیک من بیا آمد نزد و یک آنحضرت آمد آنحضرت دست
خود را بر سر او نهاد و دعا کرد و بعد از آن گفت ان الله یمسک السموات والارض
ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا دیگر
معاویة بن عمار که شکایت کردم نزد ابا عبد الله علیه السلام از بادی که
در شقیقه من پیدا شده بود آنحضرت گفت که وقتی که فارغ شوی از نماز دو
انگشت بنهاد و دست راست را به میان هر دو چشم خود هفت بار بگو یا حنان
اشفنی هر بار بگذار انگشت خود را بر روی دست خود و بعد از آن
آن انگشت بگذاران برابر روی جیب خود و بگو یا من سکن له ما فی اللیل والنهار
وما فی السموات وما فی الارض صل علی محمد و آل محمد و سکن ما بی دیگر درد چشم
امیر المؤمنین علی علیه السلام که وقتی که چشم شما درد کند

بخوا

باید که بخوانید بر چشم خود آیة الکرسی را و در دل خود بگذرانید که شفا خواهد
یافت بدرستی که این اسباب شفا خواهد داد انشاء الله تعالی و دیگر که ذکر کرد
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله سلمان رحمة الله علیه و دید که چشم او درد میکند
گفت ای سلمان مخور در شب خواب مکن دیگر از برای سه بار بر آب
بخوان این آیه را لقد کنت فی غفلة من هذا فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید و لو نشاء
لطمسنا علی اعینهم فاستبقوا الصراط فانی یبصرون و بعد از آن روی خود را
با آن بشوی و نیز دیگر از برای ضعف در چشم این آیه را که الله نور
السموات والارض مثل نوره کمشکوة فیها مصباح المصباح فی زجاجة الزجاجة
کانها کوکب دری یوقد من شجرة مبارکة زیتونة لا شرقیة ولا غربیة
یکاد زیتها یضیء ولو لم تمسسه نار نور علی نور یهدی الله لنوره من یشاء
ویضرب الله الامثال للناس والله بکل شیء علیم بنویس بتربت امام حسین
علیه السلام و بآب زمزم بر جامه و بعد از آن بشوی در شیشه کن و میل در
چشم بکش دیگر از برای درد چشم بخوان این آیه را که وان یکاد
الذین کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر ویقولون انه لمجنون وما هو
الا ذکر للعالمین دیگر علاج شب کوری گفت ابو یوسف المنتقب که شکایت
کردم نزد ابا الحسن اول علیه السلام از شبکوری گفت بیاور تو علاجی از برای
شبکوری آنحضرت گفت که این آیه که الله نور السموات والارض مثل نوره کمشکوة

۱۱

در درد چشم

فيها مصباح المصباح في زجاجة الزجاجة كأنها كوكب دري يوقد من شجرة
مباركة زيتونة لا شرقية ولا غربية يكاد زيتها يضيء ولو لم تمسسه نار نور على نور
يهدي الله لنوره من يشاء ويضرب الله الامثال للناس والله بكل شيء عليم
بنویسد بر جام چند نوبت و بعد از آن بشوید از آن اصل در چشم کن ابو بکر
گفت از آن آب در چشم کشیده بودم که صحیح شدم و شکر بر ظرف
دیگر درد گوش هفت بار بخوان بر روغن یاسمین و با نفس این دو آیه
کان لم يسمعها كأن في اذنيه وقرا ان السمع والبصر والفؤاد كل اولئك كان عنه
مسؤولا و بر آن روغن را در گوش چکد دیگر درد دندان سه بار فاتحه
بخوان و سه بار قل هو الله و دیگر تا آخر سوره یا الله اسکن ایها الباردة سکینی
بسم الله سکن ایها السکن سکنتک بالذی سکن له ما في السموات وما في الارض وهو السميع
العليم قال من يحيي العظام وهي رميم قل يحييها الذي انشأها اول مرة
وهو بكل شيء عليم حرج منها فانك تخرج ولنخرجنهم منها اذلة وهم صاغرون
فخرج منها خائفا يترقب دیگر برای درد دندان بنویسد این آیتها را بر
سنگ و بنه بر دندان که درد میکند آیتها اینست بسم الله الرحمن الرحيم لكل نبأ
مستقر وسوف تعلمون اتى امر الله فلا تستعجلوه سبحانه وتعالى عما يشركون فقلنا
اضربوه ببعضها كذلك يحيي الله الموتى ويريكم آياته لعلكم تعقلون من يحيي
العظام وهي رميم قل يحييها الذي انشأها اول مرة وهو بكل خلق عليم

۱۱

دیگر بسنجد درد دندان بگیرد میخی از آهن و فاتحه و قل هو الله و قل
اعوذ برب الناس هر یک را سه بار بخوان و بعد از آن این آیه را بخوان من
يحيي العظام وهي رميم قل يحييها الذي انشأها اول مرة وهو بكل خلق عليم
و بعد از آن بگوید یا حرس فلان بن فلان یعنی نام آنکس که دندان او
درد میکند و نام پدر او را بگو اکلت الحار والبارد افنیا الحار اسکنی ایها البارد
تسکنی و بعد از آن این آیه را بخوان وله ما سكن في الليل والنهار وهو السميع
العليم و بعد از آن بگو بسم الله العظيم و بعد از آن میخ را بر دیوار بکوبد
و بگو اسم الله و تسمیه از برای درد دندان بگیر برگ سبز و بنویس
بر آن برگ سبز این آیه را که الذي جعل لكم من الشجر الاخضر نارا فاذا
انتم منه توقدون و بعد از آن بنه برگ سبز بر دندانی که درد میکند
و قدری چند بر دو آن برگ سبز را [illegible]
چون چنین کنی درد دندان تو ساکن شود انشاء الله تعالی دیگر
از برای درد دندان بخوان این آیتها را که الله نور السموات وما في الارض
وان تبدوا ما في انفسكم او تخفوه يحاسبكم به الله فيغفر لمن يشاء ويعذب
من يشاء والله على كل شيء قدير آمن الرسول بما انزل اليه من ربه والمؤمنون
كل آمن بالله وملائكته وكتبه ورسله لا نفرق بين احد من رسله وقالوا
سمعنا واطعنا غفرانك ربنا واليك المصير لا يكلف الله نفسا الا

لا وسعها لها ما کسبت وعلیها ما اکتسبت ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطانا
ربنا ولا تحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة
لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولانا فانصرنا علی القوم
الکافرین وبدست ترید وای بقبضه لا تاکله و نه باید که انگشتی میخواند
این آیتها را و فسون میکند با وضو باشد و در اندرون خانه نزدیک در
باستند و انگشت کمر در دیدار درون دارد و بیرون در باستند در صحیحه
که درد نشکین نه باید **دیگر** حزن آمدن از زمین بخوان این آیتها را که
منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخری یومئذ یتبعون
الداعی لا عوج له وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا یا ارض
ابلعی ماءک ویا سماء اقلعی وغیض الماء وقضی الامر واستوت علی
الجودی وقیل بعدا للقوم الظالمین ومن یتق الله یجعل له مخرجا ویرزقه
من حیث لا یحتسب ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ
امره قد جعل الله لکل شیء قدرا وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن
خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون **دیگر**
از برای حزن آمدن از شب بنویسد بر پیشانی
کسی که حزن از زمین او را آید بهمان حزن باز عمران
این آیه را که قل یا ارض ابلعی ماءک یا سماء اقلعی

وغیض الماء وقضی الامر واستوت علی الجودی وقیل بعدا للقوم الظالمین
چه سستی که تسکین می یابد انشاء الله **دیگر** زکام گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم که
زکام و شکر نیست از شکرهای خدای تعالی که میفرستد خدای تعالی او را برد دفع بیس
میبرد و دوا را **روایت** ابو عبدالله علیه السلام که گفته زکام که پیدا کند دفع
[illegible] وقت خواب [illegible] بر دارد و بدرستی که [illegible]
زکام را انشاء الله تعالی **تعویذ** وسوسه دل بگو فاذا قرات القران فاستعذ
بالله وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس بخوان **گفت** امیر المومنین علی
علیه الصلوة والسلام که وقتی که وسوسه کند شیطان شما را باید که پناه جوید بخدای
و بگوید بزبان خود آمنت بالله ورسوله مخلصا له الدین **تعویذ** درد دل
بخوان این آیتها را برآب و بیاشام [illegible]
سیهزم الجمع ویولون الدبر بل الساعة موعدهم والساعة ادهی وامر ان الله
یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من
بعده انه کان حلیما غفورا **دیگر** درد دل بخوان این آیتها را برآب
و بده که بیاشامد کسی که درد دل دارد و بنویسد همین آیتها را و بر بندد در
گردن آن کس آیتها اینست بسم الله الرحمن الرحیم
ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک
انت الوهاب ربنا انک جامع الناس لیوم لا ریب فیه ان الله لا یخلف

المیتی والذین امنوا وعملوا الصالحات طوبی لهم وحسن مآب لئن انجیتنا
من هذه لنکونن من الشاکرین از برای تنگی دل هفده روز هر روز
الم نشرح یکبار صباح و یکبار شام بخواند حکایت کرد مردی نزد
ابی عبدالله علیه السلام از درد سینه آنحضرت گفت که طلب شفا کن از قرآن که
خدا تعالی میگوید شفاء لما فی الصدور و بعضی در قرآن شفاست از امر حق که در سینها
شفاست از برای درد سینه بخواند این آیها را که واذ قتلتم نفسا فادارأتم
فیها والله مخرج ما کنتم تکتمون فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله
الموتی ویریکم آیاته لعلکم تعقلون ونیز از برای درد شکم
بنویسد سوره اخلاص و این آیها را که بسم الله الرحمن الرحیم
قل یحییها الذی انشاها اول مرة وهو بکل شیء علیم ولو ان قرآنا
سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر
جمیعا و به سینه آنکس که درد شکم دارد و این آیها را بخوان بر آنکس که بشود
بسم الله الرحمن الرحیم وما اصابکم من مصیبة فی الارض
ولا فی انفسکم الا فی کتاب من قبل ان نبرأها ذلک علی الله یسیر
هذان خصمان اختصموا فی ربهم فالذین کفروا قطعت لهم ثیاب
من نار یصب من فوق رؤسهم الحمیم یصهر به ما فی بطونهم
والجلود تعالی الله الملک الحق لا اله الا هو رب العرش الکریم

۱۱

لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت
بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر ونیز از برای درد شکم بخواند این
آیها را که وذا النون اذ ذهب مغاضبا فنادی فی الظلمات ان لا اله
الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم
وکذلک ننجی المؤمنین هفت بار بخواند درستی که مجرب است برای درد شکم
ونیز از برای درد شکم بخواند این آیها را که لئن انجیتنا من هذه لنکونن
من الشاکرین ان الله بالناس لرؤف رحیم وننزل من القرآن ما هو شفاء
ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا از برای درد پشت
بخواند این آیت را که شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة واولو العلم
قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام
وما اختلف الذین اوتوا الکتاب الا من بعد ما جاءهم
العلم بغیا بینهم ومن یکفر بآیات الله فان الله سریع الحساب
برای حبس بول نشود هر دو پای از او که حبس بول دشوار نیست بر ساق پای او
این آیها را که ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عیونا فالتقی
الماء علی امر قد قدر وحملناه علی ذات الواح ودسر تجری باعیننا
جزاء لمن کان کفر گفت عمران که نوشتم بابوالحسن سیوم علیه السلام که
فدا شوم گردم نزد من مردی از دوستان است که او را حبس بول التماس میکند دعا

کنی برای او که خدا تعالی او را صحت و عافیت کرامت کند و نام او نفس خادم است
آنحضرت در جواب نوشت که کشف کند خدای تعالی از تو ضرر را
و دفع کند از تو مکاره دنیا و آخرت را و مبالغه کن آنکس را که قرآن
بخواند و طلب شفا کند بقرآن مجید سنی کرشفا یابد انشاء الله تعالی دیگر
برای درد رحم بسم الله الرحمن الرحیم و بالله الذی
باذنه قامت السموات والارض فان مریم بنت عمران لم یبقر اوجیع
الارحام کذلک یشفی الله فلانة بنت فلانة یعنی نام آنکس که درد رحم
دارد و نام مادر او را بنویسد حزوجع الارحام ومن وجع عرق الارحام
اسلم اسکن بسم الله الحی القیوم بسم الله المستعان
بالله علی ما هو کاین و علی ما قد کان اشهد ان الله علی کل شیء قدیر وان الله
قد احاط بکل شیء علما ک مه مه که

بسم الله الرحمن الرحیم محمد رسول الله
والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تریهم رکعا
سجدا یبتغون فضلا من الله و رضوانا سیماهم فی وجوههم من اثر
السجود ذلک مثلهم فی التوریة ومثلهم فی الانجیل کزرع
اخرج شطأه فآزره فاستغلظ فاستوی علی سوقه یعجب

الزراع

۱۱

الزراع لیغیظ بهم الکفار وعد الله الذین امنوا و عملوا الصالحات
منهم مغفرة و اجرا عظیما اجیبوا انزمت علی سامع الکلام
الاجابت بهذا الخاتم بعزایم الله الشداد التی ترهق الارواح
والاجساد ولا یبقی روح ولا فواد یا بسم الله الذی قال
للسموات والارض ائتیا طوعا او کرها قالتا اتینا طائعین صل
علی محمد النبی و آله الطاهرین بنویسد این تعویذ را و ببندد بر گردن
کسی که درد رحم داشته باشد ایضا برای علاج آنکسی که بول کند در خواب
روایت کرده اند معصومین علیهم الصلوة والسلام فرمودند که از برای کسی که
بول میکند در خواب یک مقداری از زعفران و دو مقدار از آن سعد و سعد
چیزیست خوشبوی هر کدام را علاحده بکوب و سعد را در سر تجربه که
تنک بافته باشند و بعد از آن هر دو را با یکدیگر بیامیز و معجون سازد بعسل که
کف او را گرفته باشند آن اجزا را باز برابر فندق و بنویس در جام فولاد
بزعفران این آیت را که بسم الله الرحمن الرحیم
ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما
من احد من بعده انه کان حلیما غفورا و چندان بنویس این آیه را که
جام پر شود و بعد از آن با آب خنک بشوی و بریز در ظرف پاکی و نگاه دارد
و بگیر کاغذی و بنویس در آن کاغذ بیاض سوره فاتحه و قل هو الله احد سه بار

و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی را و آخر سوره حشر را
که لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعا متصدعا من خشیة الله
و تلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون هو الله الذی
لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة هو الرحمن الرحیم هو الله الذی
لا اله الا هو الملک القدوس المؤمن المهیمن العزیز الجبار
المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق الباری المصور له الاسماء
الحسنی یسبح له ما فی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم و آخر
سوره بنی اسرائیل را نیز بخوان که قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایاما تدعوا
فله الاسماء الحسنی و لا تجهر بصلاتک و لا تخافت بها و ابتغ بین ذلک
سبیلا و قل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک
و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا و بعد از آن بنویسی این آیه را که
بسم الله الرحمن الرحیم یمسک السموات و الارض ان تزولا و لئن
زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا و بنویسی
این کلمات را یا من هو هکذا الا هکذا اجزه امسک عن فلان بن فلان یعنی
نام آنکس و نام مادر او را بنویسی الحدی من علیه البول و به بند این تعویذ را بر
بازوی آنکس اگر زن باشد و اگر پسر باشد به بندد بر شلوار و بر بالای ذکر او و بگیرید
حب انار چهار وجه کن بیاری که در ظرف نگاه داشته باشی و بده با آنکس تا بخورد

وقت خواب و باید که آنکس آب که بخورد بدستی که چون چنین کند میرود و از غلبه بول
باذن خدا تعالی و یکبار تعویذ را از بعد از آنکه نشوید بر حرف شود تا آنکس
بول نشود از برای دشوار زائیدن بنویس این را که بسم الله و بالله
محمد رسول الله کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها
اذا السماء انشقت و اذنت لربها و حقت و اذا الارض مدت و القت
ما فیها و تخلت و لبثوا فی کهفهم ثلثمایة سنین و ازدادوا تسعا
اخرج باذن الله من البطن الطیبة منها خلقناکم و فیها نعیدکم و
منها نخرجکم تارة اخری باذن الله و قدرته و اسم الذی لا یضر
مع اسمه شیء فی الارض و لا فی السماء و هو السمیع العزیز الوهاب کانهم
یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل یهلک الا القوم
الفاسقین او لم یر الذین کفروا ان السموات و الارض کانتا رتقا
ففتقناهما و جعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون انما امره
اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون فسبحان الذی بیده
ملکوت کل شیء و الیه ترجعون بسم الله الرحمن الرحیم
اذا جاء نصر الله و الفتح و رأیت الناس یدخلون فی دین الله
افواجا فسبح بحمد ربک و استغفره انه کان توابا و اولات
الاحمال اجلهن ان یضعن حملهن دیگر از برای دشوار زائیدن صفت با

بنویسد بر ورقی این آیه را که فان مع العسر یسرا و دیگر بنویسد این آیه را
که بسم الله الرحمن الرحیم یا ایها الناس اتقوا
ربکم ان زلزلة الساعة شیء عظیم یوم ترونها تذهل کل مرضعة عما
ارضعت وتضع کل ذات حمل حملها و ببندد آن ورق را بر ران
آن زن دیگر از برای دشوار زائیدن بنویسد بر پوست آهو بسم الله الرحمن الرحیم
و بالساخر باذن الله منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم
تارة اخری و صلوات فرستد بر نبی و آل او علیهم الصلوات
والسلام دیگر از برای دشوار زائیدن بنویسد این آیه‌ها را و ببندد
بر ران آن زن بسم الله الرحمن الرحیم فان مع العسر یسرا
ان مع العسر یسرا یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر ویهیئ لکم من امرکم
مرفقا ویهیئ لکم من امرکم رشدا و علی الله قصد السبیل اولم یر الذین
کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء
کل شیء حی افلا یؤمنون نقلست که بنویسد انا انزلناه و بشوید به
آن آب را بآن زن که بیاشامد و از ان آب بپاشد بر فرج آن زن
دیگر از برای دشوار زائیدن بنویسد بر کاغذی این آیه‌ها را که اولم
یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من
الماء کل شیء حی افلا یؤمنون و آیة لهم اللیل نسلخ منه النهار فاذا هم

مظلمون

مظلمون ونفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ینسلون کأنهم
یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار و ببندد بر
میان آن زن پس وقتی که فرزند متولد شود جدا کنند آن تعویذ
از وی دیگر باید که بخواند ان زن سوره انا انزلناه دیگر در شیر
بخوانند بر درد کسی که شیر زداد و سه بار سوره اذا جاء نصر الله بعد از ان
سه بار بخوان این آیه را که ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم
الملائکة الا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة التی کنتم توعدون
و بعد از ان کال هر دو دست را بر شیر او صفت باد افزون دیگر برای دردسر
بنویسد این آیه و ببندد بر ان موضع ان الله یمسک السموات والارض
ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما
غفورا و این آیت را که انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم
دیگر قولنج دیگر دعا است ابراهیم بن یحیی که گفت یکی از ائمه معصومین
علیهم الصلوة والسلام که برای قولنج بنویسد بر لوحی یا بر شانه سوره فاتحة و
قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بعد از ان بنویسد اللهم انی
اعوذ بوجهک الکریم و بعزتک التی لا ترام و بقدرتک التی لا یمتنع منها شیء من
شر هذا الوجع و من شر ما فیه و من شر ما احذر و بشوید بآب باران
و بدهد که بیاشامد کسی که قولنج دارد در ناشتا وقت خواب کردن بدرستی که نفع

و مبارک است انشاء الله تعالی دیگر بجهت ناف و درد افزودن بخوان
این آیها را که بسم الله الرحمن الرحیم ففتحنا ابواب
السماء بماء منهمر و فجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر و حملناه
علی ذات الواح و دسر ففتحنا علیهم ابواب کل شیء باسم فلان بن فلان
یعنی نام آنکس که بجهت ناف دارد و نام پدر او را بگو و بعد از ان بخوان این آیه را
که اولم یر الذین کفروا ان السموات و الارض کانتا رتقا ففتقناهما
و جعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون و بمال آن روغن زرد بر شکم آنکس
از برای بجهت ناف گفت ابو عبد الله علیه السلام که بنویس این را برای بجهت
ناف بسم الله المتقلبون الذین لا یعلمون و الذین یعلمون قاعدون
فوق علیین ما کلون لو ناظر بالسیارن صاحبهم من السور العلویه
کذلک یشفی فلان بن فلان یعنی بنویس نام کسی که بجهت ناف دارد و نام
مادر او و بعد از ان بنویس این آیه را که اولم یر الذین کفروا ان السموات
و الارض کانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون
و آنچه مذکور شد هفت بار بر آب بخوان و بعد از ان روغن را در آب
بریز وقتی که آن آب سفیدی پیدا کند بمال بر شکم کسی که بجهت ناف دارد
و بده از ان آب بار که بیاشامد که شفا می یابد انشاء الله تعالی دیگر از برای
بجهت ناف گفت ابو عبد الله علیه السلام که یکبار بخوان بر کسی که بجهت ناف

دارد این آیها را که اذا السماء انشقت و اذنت لربها و حقت و اذا الارض
مدت و القت ما فیها و تخلت و اذ قالت امرأة عمران رب انی
نذرت لک ما فی بطنی محررا فتقبل منی انک انت السمیع العلیم و ننزل
من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین دیگر از برای بجهت ناف گفت که
ائمه معصومین علیهم الصلوة و السلام گفته اند که بخوان این آیها که مذکور میشود در آن
و بده آن آب را بکسی که بجهت ناف دارد که بیاشامد و بعد از ان بمال دست
خود را بر شکم او و بگو یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر ثم السبیل یسره
ان السموات و الارض کانتا رتقا ففتقناهما فاجاءها المخاض الی جذع النخلة
و الله اخرجکم من بطون امهاتکم لا تعلمون شیئا کذلک اخرج الموتی
باذن الله عز و جل دیگر از برای بواسیر روایت که شکایت کرد مردی
نزد امام رضا علیه السلام از بواسیر آنحضرت گفت که بنویس سوره یس
بعسل و باب بشوی و بده که بیاشامد کسی که بواسیر دارد دیگر از برای فالج و نزلات
روایت که گفت مردی با بی جعفر علیه السلام که من دختری دارم که گاه
بازوها او گرفت میشود تا آنکه می افتد آنحضرت گفت که در وقتی که آن
دختر حایض میشود شوت تخته و عسل سه روز با و بده که بخورد گفت ابو جعفر
علیه السلام که بخوان بر کسی که فالج دارد یا قولنج دارد یا بادی که بواسطه
درد پیدا شود سوره فاتحه و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس

وبعد از ان بنویس بر شانه یا لوحی این دعا را که اعوذ بوجه الله العظیم
وعزته لا ترام التی لا تمتنع منها شئ من شر هذا الوجع ومن شر ما فیه ومن
شر ما احذر منه وبشوی آن را با آب باران وبده بآنکس که باشد در بهار
وقت خوابیدن بدرستی که صحت می یابد انشاء الله تعالی وایر دو علتیست
که از سردی ورطوبت پیدا شود **از برای** جرب ودنبل وکر بوده بخواند برجرب
ودمل وکر بوده وبنویسند بر آنها این را که بسم الله الرحمن الرحیم
ومثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها من
قرار منها خلقناکم ومنها نخرجکم تارة اخری الله اکبر وانت لا یکبر الله
شئ وانت لا یبقی والله علی کل شئ قدیر **روایت** که آنکسی که در ساق او علتی
ماسنکی بوده باشد باید که بنویسد بر ساق او این آیه را که ولقد خلقنا
السموات والارض وما بینهما فی ستة ایام وما مسنا من لغوب
از برای سبق بنویسند بر موضعی که سبق دارد این آیه را که وان من شئ الا عندنا
وما ننزله الا بقدر معلوم قل یسمعون اذ تدعون او ینفعونکم او یضرون
روایت امام رضا علیه السلام که خوربزه خوردن بر ناشتا فالج می آورد
از برای برص وجذام بخواند بر آنکس وبنویسد وبه بنده بر آنکس که
بسم الله الرحمن الرحیم یمحوا الله ما یشاء ویثبت وعنده
ام الکتاب الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل الملائکة رسلا

یضرون

اولی اجنحة مثنی وثلاث ورباع باسم فلان بن فلان بن فلان یعنی
نام آنکس ونام مادر او را بنویسد **نقلست** که شکایت کرد مردی
نزد ابی عبد الله علیه السلام از برص آنحضرت فرمود بگیر تربت امام
حسین را علیه السلام وبآب باران بیامیز وبخور آنمرد چنین کرد خلاص
شد از آن مرض **نقلست** که مردی اندکی برص داشت ابو عبد الله علیه السلام
فرمود آنمرد که بنویس سورة یس را بعسل بر جامی وبشوی وبیاشام آنمرد گفت
که چنین کردم وآن مرض برطرف شد **گفت** امام موسی علیه السلام که
شوربای گوشت گاو با ثلجان خشک می برد برص را **نقلست** که شکایت کرد
یونس بن عمار نزد امام موسی علیه السلام از برص که در بدن او پیدا شده بود
آنحضرت گفت مویز را در آب کن ویکشب بگذار وبعد از ان بیاشام چنین
کرد برطرف شد ان مرض **از برای** ثولول وآن زخم گویند بکیر اندک نمکی وبمال بر
ثولول وسه بار بر او بخوان این آیه را که لو انزلنا هذا القرآن علی جبل
لرأیته خاشعا متصدعا من خشیة الله وتلک الامثال نضربها
للناس لعلهم یتفکرون هو الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة
هو الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام
المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما
یشرکون هو الله الخالق الباری المصور له الاسماء الحسنی یسبح

له ما فی السموات وما فی الارض وهو العزیز الحکیم وبعد از ان سه بار

در تنوری که آتش داشته باشد و زود برگرد بدرستی که تولول بر

طرف میشود انشاء الله تعالی دیگر از برای تولول بر سر دانه جو بخوان

این آیها را که مثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها

من قرار و بگردان سه دانه جو را بر تولول و بعد از ان دفن کن آن سه دانه

جو را در جایی که نمی داشته باشد در دو روز آخر ماه هر گاه منعفن شد آن

دانها برطرف میشود تولول و نیز از تولول [illegible] که گفت مردی

بامام رضا علیه السلام که بیاموز مرا چیزی که برطرف کند تولول را آنحضرت

گفت که بگیر بعدد هر تولول هفت دانه جو و بر سر دانه هفت بار بخوان آیها را

که بسم الله الرحمن الرحیم اذا وقعت الواقعة

لیس لوقعتها کاذبة خافضة رافعة اذا رجت الارض رجا و

بست الجبال بسا فکانت هباء منبثا فیذرها قاعا صفصفا لا ترى

فیها عوجا ولا امتا یومئذ یتبعون الداعی لا عوج له وخشعت الاصوات

للرحمن همسا و بعد از ان بمال هر دانه جو را بر تولول و به بندان دانها جو را

در خرقه نو و سنگی بران خرقه به بند و بعد از ان بینداز ان خرقه را در

ته بیر فلاکن در روز هفتم یا هشتم و سزاوار انست که در روز آخر

ماه این کار بکنند دیگر از برای رگ بجا انداختن بخوانند این را که او لم یر الذین

ویسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها

کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما و بگیر دو انگشتی از انگشتهای

خود را و بجنباند چنانکه آواز کند و در ان حال بگوید رگ فلان را انداختم

از برای مرض رشته بنویسد بموضعی که رشته بیرون در وقت خارج بدن

پیش از انکه بیرون اید این آیه را که ویسئلونک عن الجبال فقل ینسفها

ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا ترى فیها عوجا ولا امتا و بنویسد

بالای ان موضع و نیز بنویسد این آیه که او کالذی مر علی قریة وهی

خاویة علی عروشها قال انی یحیی هذه الله بعد موتها فاماته الله مائة عام

ثم بعثه از برای صرع بخواند این آیه را بر کسی که صرع دارد و ما لنا

الا نتوکل علی الله وقد هدینا سبلنا ولنصبرن علی ما اذیتمونا وعلی الله

فلیتوکل المتوکلون از برای دفع ترسیدن طفلان بخوانند بر طفل سوره اذا

زلزلت و این آیها را که فضربنا علی آذانهم فی الکهف سنین عددا ثم بعثناهم

لنعلم ای الحزبین احصی لما لبثوا امدا شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة

و اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین عند الله

الاسلام وما اختلف الذین اوتوا الکتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم

ومن یکفر بآیات الله فان الله سریع الحساب قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن

ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلوتک ولا تخافت بها وابتغ بین ذلک سبیلا

وقل الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة ولا ولدا ولم یکن له شریک فی

الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا لقد جاءکم رسول من
انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف الرحیم
فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب
العرش العظیم و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله
لکل شیء قدرا **از برای** چشم زخم **گفت** سعد بن خلاد در خراسان در خدمت
امام علیه السلام می بودم آنحضرت فرمود که از برای تو بوی خوشی بیاورم
چون آورد در عقب او رد آنحضرت آن بوی خوش و متوجه آن بوی خوش شد
وگفت بمن کسای سعد چشم زخم می باشد بنویس در رقعه سوره فاتحه و قل هو الله احد و قل
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی را بنه در بند ظرفها
شیشه بوی خوش **و چیز** از برای چشم زخم گفت ابو عبد الله علیه السلام چشم زخم
می باشد ایمن مباش از برای چشم زخم بر نفس خود و از چشم خود بر دیگری
پس هرگاه بترسی از چشم زخم کردن خود را یا دیگری را سه بار بگو ما شاء الله
لا قوة الا بالله العلی العظیم **گفت** ابو عبد الله علیه السلام که وقتی مهیا
شوید بجهة بیرون رفتن از منزل قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
بخوانید بدرستی که چشم زخم نمی رسد شما را مگر باذن خدای تعالی و نیز گفت که
آنکس که در عقب آورد او را چیزی از برای در مومن باید که دعا بخیر و برکت
کند برای او بدرستی که چشم زخم می باشد **وگفت** حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم

۱۱

که چشم کردن داخل میگرداند مرد را در قبر و شتر را در دیگ یعنی چشم کردن این
مقدار اثر دارد که میمیراند آدمی را و سبب کشتن شتر میشود و نیز
وگفت که افسون نمی باشد مگر بجهة دو چیز گزیدن و چشم کردن **از برای**
دفع خواب بخوان بر آب این آیت که و لما جاء موسی لمیقاتنا
و کلمه ربه قال رب ارنی انظر الیک قال لن ترانی و لکن
انظر الی الجبل فان استقر مکانه فسوف ترانی فلما تجلی ربه
للجبل جعله دکا و خر موسی صعقا فلما افاق قال سبحانک تبت
الیک و انا اول المؤمنین و بمال آن آب را بر سر در دو شقیقها
خود تا بر فوق **از برای** گریخته و گم شده گفت امام رضا علیه السلام که
وقتی که بگریزد بنده از تو و گم شود حیوانی یا متاعی از تو بگو و عنده مفاتح
الغیب لا یعلمها الا هو و یعلم ما فی البر و البحر و ما تسقط من ورقة
الا یعلمها و لا حبة فی ظلمات الارض و لا رطب و لا یابس الا
فی کتاب مبین و بعد از آن بگو اللهم انک تهدی من الضلالة
و تنجی من العمی و ترد الضالة صل علی محمد و آله و اغفرلی و رد ضالتی
و صل علی محمد و آله و سلم **از برای** شفا از هر دردی گفت رسول خدا صلی الله
علیه و آله و سلم که تعلیم کرد مرا جبرئیل علیه السلام دوائی که با وجود آن
دو احتیاج بهیچ دوائی نیست یکی از اصحاب گفت یا رسول الله آن دو

کرام است آنحضرت فرمود که بگیر آب باران را پیش از آنکه بزمین رسد
و آن آب را در ظرف پاکی بکن و هفتاد بار و بعد از آن بیاشام
از آن آب صباح یک قدح و شام یک قدح و گفت آنحضرت که بحق آنکسی که
فرستاد مرا بحق چون این کار کنی بیرون میبرد خدا تعالی دردها را از بدن
و استخوانها و مغزها و رگهای تو و نیز از برای شفا از هر دردی بگیر
عدد سیاه دانه و برابر عدد سی از تربت امام حسین علیه الصلوة والسلام و هفت
قطره عسل و دو آب کن آنها را با در روغن و بخوان بر آب یا روغن سوره
فاتحه و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی را
و اول سورهٔ حدید را که بسم الله الرحمن الرحیم
سبح لله ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم له ملک السموات
والارض یحیی و یمیت وهو علی کل شیء قدیر هو الاول والآخر
والظاهر والباطن وهو بکل شیء علیم هو الذی خلق السموات
والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یعلم ما یلج فی الارض وما
ینزل من السماء وما یعرج فیها وهو معکم اینما کنتم والله بما تعملون بصیر
له ملک السموات والارض والی الله ترجع الامور و آخر سوره حشر را
که لو انزلنا هذا القران علی جبل لرأیته خاشعا متصدعا من خشیة الله
و تلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون هو الله

الذی

الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم هو الله الذی
لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار
المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق البارئ
المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض وهو العزیز
الحکیم و گفت ابو جعفر علیه السلام که در آنچه که مذکور شد
شفاست از هر دردی زیرا که خدا تعالی گفته است و ننزل من القرآن ما
هو شفاء و رحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا یعنی فرو میفرستیم
از قرآن آن چیزی که او شفاست بیماریها را و بخشایش است مؤمنان را که
بدان نفع میگیرند و نیز گفته است که یخرج من بطونها شراب مختلف
الوانه فیه شفاء للناس یعنی بیرون می آید از شکمهای زنبوران بطریق قی آب
عسل که خلاف یکدیگرند رنگهای او و در آن عسل شفاست مردمان را و گفته است
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که الحبة السوداء شفاء من کل داء الا السام
یعنی سیاه دانه شفاست از هر دردی مگر مرگ و ما که منم که در بیرون کوفه
قبریست که نیاید مهمومی یا کسی که بیماری و تشویشی داشته باشد مگر آنکه خدا تعالی
او را شفا میدهد و آن قبر امام حسین است علیه الصلوة والسلام باب
در طلب شفا کردن بصدقه و دعا و نماز و غیر آن فصل از برای
شفا کردن بصدقه روایت کرده است امام جعفر علیه السلام از پدران خود

علیهم الصلوة والسلام که گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که صدقه دادن
دفع میکند مردن بد را و نیز گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که صدقه دادن
وصله رحم بجا آوردن معمور میسازد شهرها و زیاده میکند عمرها را گفت امام جعفر صادق
علیه السلام که آنکسی که صدقه بدهد در روز یا در شب ایمن شود از افتادن خانه
یا دیوار بر سر او و از ضرر رسانیدن درندها و از مردن بد در آن روز که صدقه
داده است در آن شب که صدقه داده است و گفت ابو جعفر علیه السلام که
نیکویی کردن و صدقه دادن بپیر و درویشی را و زیادت میکند عمر را و دفع
میکند هفتاد نوع مردن بد را و گفت معاذ بن مسلم که بودم نزد ابی عبد الله
علیه السلام پس ذکر کردند بیماری را آنحضرت گفت که دوا کنید بیماران خود را
باکی نیست اگر شما تصدق کنید قوت روز خود را بدرستی که اگر خدا تعالی حکم
کرده باشد ملک الموت که قبض روح بنده من کن چون آن بنده تصدق
کند حکم کند خدا تعالی ملک الموت علیه الصلوة والسلام که تاخیر کن در قبض
کردن روح آن بنده و گفت ابو عبد الله علیه السلام که دوا کنید بیماران خود را
بصدقه و نگاه دارید مالهای خود را بزکوة و من ضامنم از تلف شدن مالی که زکوة
داده باشند خواه آن مال در دریا باشد خواه در خشکی گفت امام موسی علیه الصلوة والسلام
که صدقه دفع میکند قضای بد را از آسمان در بیان شفا کردن بصدقه و دعا
گفت داود بن زربی که بیمار شدم در مدینه بیماری صعبی ابو عبد الله علیه السلام

واقف

واقف شد از بیماری من و نوشت بمن که رسیده خبر بیماری تو بمن بخر یک صاع
گندم و به پشت بخواب و بریز گندم را بر سینه خود بر کیفیتی که میخواهی و بگو اللهم
انی اسألک باسمک الذی اذا سألک به المضطر کشفت ما به من ضر ومکنت
له فی الارض وجعلته خلیفتک علی خلقک ان تصلی علی محمد وان تعافینی
من علتی و بعد از آن راست بنشین و جمع کن آن گندم را از گرد
خود و همین دعا را بخوان و قسمت کن این گندم را بمسکینان هر مسکینی یک
مد بده و همین دعا را بخوان در حال قسمت کردن گفت داود که چنین کردم
و خلاص شدم از آن مرض و بسیار کسان این کار کردند و فایده یافتند در بیان
شفا کردن بدعا گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که قضا را دفع نمیکند مگر
دعا و گفت امام جعفر صادق علیه السلام که دعا رد میکند قضا را بعد از آنکه حکم
شده باشد و گفت امام موسی علیه الصلوة والسلام که بر شما باد که دعا کنید بدرستی که دعا
طلب از خدا تعالی رد میکند بلا را اگرچه آن بلا مقدر شده باشد و حکم شده
باشد بنزول آن بلا و موقوف باشد نزول آن بلا مگر بدعا جواب آن حکم
پس هر گاه دعا کند و طلب کند از خدا تعالی رد آن بلا را رد میکند خدا
تعالی آن بلا را و گفت سلمان رحمة الله علیه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
وسلم فرمود که زیاده نمیکند عمر را مگر نیکویی و رد نمیکند قضا را مگر دعا و گفت
امام محمد باقر یا امام جعفر صادق علیهم الصلوة والسلام که ای فرزند آدم اگر کسی بنهان

میکند از مردمان بلایی را که بدان مبتلا شده است شکایت کند نزد خدا تعالی
از آن بلا واجبست بر خدا تعالی که او را عافیت دهد از آن بلا و گفت ابو عبد الله
علیه السلام که آنکسی که پیش از نزول بلا دعا کند مستجاب میشود دعای او وقتی که
بلا نازل شود فرشتها میگویند که او از آشناست و دعا او محجوب نمیشود از آسمان
و آنکسی که پیش از نزول بلا دعا نکند مستجاب نمیشود دعای او وقتی که بلا نازل
شود و فرشتها میگویند که این آواز را نمی شناسیم و گفت امام موسی
علیه الصلوة والسلام که هر دردی را دوا هست کسی پرسید که دوای هر درد کدام است
آنحضرت گفت دوای هر درد دعاست و هر درد را دعا شفاست پس وقتی که مشتعل شود
بیمار به دعا کردن خدا تعالی شفا میدهد او را و نیز گفت فاضلترین دعاها
صلوات بر محمد و آل اوست علیهم الصلوة والسلام و بعد از آن دعا برادران
مومن و بعد از آن دعا برای خود با آنچه میخواهی و نزدیکی که بنده را بخدا تعالی حاصل
میشود در وقت سجده کردن در هیچ وقت دیگر حاصل نمیشود و نیز گفت که دعا
کردن فاضلترست از قران خواندن زیرا که خدا تعالی فرموده است قل
ما یعبأ بکم ربی لولا دعاؤکم یعنی بگو ای محمد با امتان که قدری نمی باشد شما را
نزد پروردگار من اگر دعا نکنید و هستی که خدا تعالی تاخیر میکند اجابت
دعای مومن را بجهت آنکه میخواهد دعا کردن او را و میگوید که آواز مومن را دوست
میدارم که بشنوم و زود اجابت میکنند دعای منافق را و میگوید که میخواهم که

اواز او

۱۶

آواز او نشنوم و گفت ابو عبد الله علیه السلام که آنکسی که بترسد از بلایی
و پیش از آنکه آن بلا با وبرسد دعا کند نرساند خدا تعالی بلا را بوی هرگز و نیز
دعای بیمار از برای خود سنتست که کسی بیمار شود این دعا بخواند لا اله الا
الله یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و سبحان الله رب العباد
والبلاد والحمد لله کثیرا طیبا مبارکا فیه علی کل حال الله اکبر
کبیرا کبریاء ربنا و جلاله و قدرته بکل مکان اللهم ان کنت
امرضتنی لتقبض روحی فی مرضی هذا فاجعل روحی فی ارواح من سبقت
لهم منک الحسنی و باعدنی من النار کما باعدت اولئک الذین سبقت
لهم منک الحسنی دعای دیگر بیمار را برای خود و گفت ابو عبد الله علیه السلام که
چون بیمار شوی بنه هر دو دست خود را بر جایی که درد میکند و سه بار
بگو الله الله الله ربی حقا لا اشرک به شیئا اللهم انت لها ولکل عظیمة ففرجها
عنی دعای دیگر بیمار را برای خود گفت ابو عبد الله علیه السلام که چون
بیمار شوی بنه دست خود را بر جایی که درد میکند و سه بار بگو اللهم انی
اسئلک بحق القران العظیم الذی نزل به الروح الامین و هو عندک فی
ام الکتاب علی حکیم ان تشفینی بشفائک و تداوینی بدوائک و تعافنی
من بلائک وصلی الله علی محمد و آل بیته دعای دیگر بیمار را برای خود گفت
امام جعفر صادق علیه السلام که چون بیمار شوی بگو بسم الله و بالله و

من نعمة عزوجل فی عرق ساکن وغیر ساکن علی عبد شاکر وبگیر ریش خود را
بدست راست خود بعد از ادای نماز فریضه بار بگو اللهم یا فارج کربی
وعجل عافیتی واکشف ضری وسعی کن در وقتی که این دعا میخوانی از چشم تو
اشک ساید **دعای دیگر** بیمار را برای خود نقلست که شکایت کرد مردی نزد ابو
عبد الله علیه السلام از دردی آنحضرت گفت بآنجه که بگو بسم الله الرحمن الرحیم
وبعد از آن دست خود را بمال برجایی که درد میکند و هفت بار بگو اعوذ بعزة الله
اعوذ بجلال الله واعوذ بعظمة الله واعوذ بجمع الله واعوذ برسول الله
واعوذ باسماء الله من شر ما احذر ومن شر ما اخاف علی نفسی آنمرد گفت چنین
کردم و شفا یافتم **دعای دیگر** بیمار را برای خود گفت ابو عبد الله علیه السلام که
چون بیمار شوی بنه دست خود را برجایی درد و بگو که بسم الله وبالله
ومحمد رسول الله علیه الصلوة والسلام لا حول ولا قوة الا بالله اللهم امسح
عنی ما اجد و سه بار بمال دست خود را بر موضعی که درد میکند **دعای دیگر** بر
بیمار باید خواند گفت ابو عبد الله علیه السلام که بنه دست خود را بر سر بیمار
و بگو بسم الله وبالله ومن الله والی الله وما شاء الله ولا حول ولا قوة
الا بالله ابراهیم خلیل الله وموسی نجی الله وعیسی روح الله ومحمد رسول الله
صلی الله علیه وآله وسلم من الاوجاع والاوجاع بسم الله وبالله
وعزائم من الله لفلان بن فلانه یعنی نام بیمار و نام مادر او و بگو لا تقربه

الا کل

۱۱

الا کل مسلم و اعیذه بکلمات الله التامات کلها التی الذی سال بها آدم
فتاب علیه انه هو التواب الرحیم الا رحلت ایتها الارواح والاوجاع
باذن الله عزوجل لا اله الا الله الا له الخلق والامر تبارک الله رب
العالمین و بعد از آن آیة الکرسی و سوره فاتحه بخوان و قل هو الله و قل اعوذ
برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیه از سوره یس بخوان
و بعد از آن بگو اللهم اشفه بشفائک وداوه بدوائک وعافه
من بلائک و بنائه بحق محمد وآل محمد صلوات الله علیه وآله علیهم اجمعین
دعای دیگر بگو بر بیماری باید خواند **گفت** امام جعفر صادق علیه السلام بعیادت
آنحضرت آمد و گفت بسم الله ارقیک وبسم الله اشفیک وبسم الله
من کل داء یعنیک بسم الله والله شافیک بسم الله خذها فلتهنئک
بسم الله الرحمن الرحیم فلا اقسم بمواقع النجوم لتبرأن باذن
الله منقولست از مسموعات سید ناصر الدین ابی البرکات المشهدی که
گفت امام جعفر علیه السلام که تربت امام حسین علیه الصلوة والسلام شفاست
از هر دردی پس هرگاه خواهی که تربت امام حسین علیه السلام بخوری بگو بسم الله
وبالله اللهم اجعله رزقا واسعا وعلما نافعا وشفاء من کل داء انک
علی کل شیء قدیر و نیز گفت که هرکه بیمار شود و در اول بیماری تربت
امام حسین علیه الصلوة والسلام بخورد شفا دهد خدا تعالی از بیماری

[illegible]

مگر اگر آن مرض مرض موت باشد دعای دیگر بر بیماری باید خواند گفت
ابو جعفر علیه السلام که چون کسی بیمار شود باید که از اهل آن بیمار آنکسی که
مشفق‌تر است باو بنهد دست خود را بر دهان خود و سه بار بگوید که
بسم الله و سه بار بجلال الله و سه بار بکلمات الله التامات بعد از آن بمالد
دست خود را بر سر و روی آن بیمار دعای دیگر که بر بیمار باید خواند گفت
زراره که گفت امام محمد باقر یا امام جعفر صادق علیهما السلام که وقتی که بعیادة بیمار
بروی هفت بار بگوید اعیذک بالله العظیم رب العرش العظیم من کل
عرق نعار و من شر حر النار دعای دیگر که می باید خواند بر فرزند را وقتی که
فرزند بیمار شود گفت حسین بن نعیم که شکایت کرد یکی از فرزندان ابی عبدالله
نزد آنحضرت از بیماری آنحضرت گفت ای فرزند من بگو اللهم اشفنی بشفائک
و داونی بدوائک و عافنی من بلائک فانی عبدک و ابن عبدک و نیز
از برای غیر فرزند گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم تعلیم کرد بعضی
از اصحاب خود را بر جایی که درد میکند بگوید بسم الله اعوذ بعزة الله
و قدرته من شر ما اجد گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که آنکسی که
عیادت کند بیمار را او را باید که بگوید اللهم اشف عبدک ینکی عدوا او
یمشی لک الی الصلوة و روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
وقتی که بعیادت بیماری میرفت میگفت اذهب الباس رب الناس و اشف انت الشفاء

وانت الشافی لا شفاء لا یغادر سقما اللهم اصلح القلب و الجسم
واکشف السقم و اجب الدعوة و گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که
آنکسی که عیادت کند بیماری را که اجل او نرسیده باشد و بگوید اسال الله العظیم
رب العرش العظیم ان یشفیک شفا می یابد از آن مرض و روایت است که
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفت بعیادة بعضی از اصحاب و آنکس شکایت
کرد نزد آنحضرت از بیماری آنحضرت تعلیم کرد با آنکس افسونی که جبرئیل علیه الصلوة
و السلام با آنحضرت آموخته بود و آن افسون اینست بسم الله ارقیک
بسم الله اشفیک من کل داء یؤذیک و من شر النفاثات فی العقد
و من شر حاسد اذا حسد دعای دیگر بنه دست خود را بر دهان خود سه بار
بگو بسم الله الرحمن الرحیم بجلال الله بعظمة الله بکلمات الله
التامات باسماء الحسنی و بعد از آن بنه دست خود را بر جایی که درد میکند
بسم الله بسم الله بسم الله و بعد از آن هفت بار بگوید اللهم امسح
بای و چون خدا تعالی شفا دهد بگو الحمد لله الذی خلقنی فهدانی و اطعمنی و
سقانی و صحح جسمی و شفانی له الحمد و له الشکر و نیز دعای علت
خنازیر گفت امام رضا علیه السلام که از گردن کسی پاره‌ای بیرون آید
کسی آمد و گفت یا علی بگو آن کسی را که بسیار بگوید یا رؤف یا رحیم یا سید
آن کس که بسیار گفت این کلمات را شفا یافت ادب درد چشم گفت

محمد بن جعفر که پدرم گفت که اکثر اوقات چشمم درد میکرد و شکایت کردم
نزد ابی عبد الله علیه السلام از درد چشم آنحضرت گفت آیا میخواهی ترا دعا
که فایده دهد ترا در دنیا و آخرت و درد چشم را ببرد گفتم بلی آنحضرت گفت که
در عقب نماز صبح و شام بگو اللهم انی اسالک بحق محمد و آل محمد ان
تجعل النور فی بصری و البصیرة فی دینی و الیقین فی قلبی و الاخلاص
فی عملی و السلامة فی نفسی و فی رزقی و الشکر لک ابدا ما ابقیتنی دیگر
واقع است که گفت که هفت بار بخوان این دعا را که مذکور شد
در عقب نماز صبح پیش از آنکه برخیزی از جای نماز ابرای دشوار زاییدن
اگر زنی دشوار زاید سه بار بخوانند این دعا را بر کوزه پر آبی و بدهند که
بیاشامد و پاره از آن در میان دو شانه آن زن بریزند چون چنین کنند بآسانی
آن فرزند متولد شود باذن خدای تعالی دعای این است بسم الله الذی لا اله الا هو
الحلیم الکریم سبحان الله رب العرش العظیم الحمد لله رب العالمین
بسم الله الکریم سبحان الله رب السموات السبع و رب العرش العظیم الحمد لله رب
العالمین کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها کانهم یوم یرون
ما یوعدون دیگر بجهت دشوار ادرار بول قلت که چون بول
کسی دشوار آید این دعا را بخوانند که ربنا الله الذی فی السماء تقدس
اسمک فی السماء و الارض اللهم کما رحمتک فی السماء اجعل رحمتک

فی الارض

فی الارض اغفر لنا ذنوبنا حوبنا و خطایانا انت رب المطیبین انزل رحمة
من رحمتک و شفاء من شفائک علی هذا الوجع شفا یابد دیگر
ازبرای درد دندان گفت ابوحمزه که درد دندان داشتم پس شکایت کردم نزد ابی
جعفر علیه السلام از آن درد آنحضرت گفت که چون نماز بگذاری بعد از نماز بگو یا
اجود من اعطی یا خیر من سئل و یا ارحم من استرحم ارحم ضعفی و قلة حیلتی
و اعفنی من وجعی ابوحمزه گفت که چنین کردم و شفا یافتم از آن مرض دیگر
برای سنگ مثانه و فالج گفت امام جعفر صادق علیه السلام که بجهت
سنگ مثانه و فالج وقتی که نماز شب بگذاری سجده کن و در سجده بگو
اللهم انی ادعوک دعاء الذلیل الفقیر العلیل ادعوک دعاء من اشتدت
فاقته و قلت حیلته و ضعف عمله و الح علیه البلاء دعاء مکروب ان لم
تدرکه هلکت ان لم تستنقذه فلا حیلة له فلا تحیط بی مکرک و لا تثبت
علی غضبک و لا تضطرنی الی الیأس من روحک و القنوط من
رحمتک و طول الصبر علی البلاء اللهم انه لا طاقة لی ببلائک و لا غنی
بی عن رحمتک و هذا ابن حبیبک اتوجه الیک به فانه جعلته مفزعا
للخائف و استودعته و خاصتی من هذه البلیة و اعذنی ما اعوذ به
من رحمتک و عافیتک یا هو یا هو یا هو انقطع الرجاء الا منک دیگر
طلب شفا کردن بنماز نیز برای شفا از هر دردی و علتی خصوصا سلسله

کو صحبت که در بدن پیدا میشود مانند خنازیر و دمل و سعفه و غیره روز دوشنبه پیکر دو در روز
نزدیک زوال غسل کن و چهار رکعت نماز بگذار و در هر رکعت بخوان از قرآن
آنچه میسر شود و جهد کن در خضوع و خشوع چون فارغ شوی از نماز جامهای
خود را بکن و بیفکن خرقه پاکی را در روی دست خود را بر زمین بنه و بگو یا
واجد یا ماجد یا کریم یا حنان یا منان یا قریب یا مجیب یا ارحم الراحمین
صل علی محمد و آل محمد واکشف لی من ضره و سقمه و البسنی العافیه
فی الدنیا والآخرة وامنن علی بتمام النعمة واذهب ما بی فانه قد اذانی
وغمنی **گفت** امام جعفر صادق علیه السلام که دفتی که این نماز بکند ارب
نفع میدهد تر او خلاص میشوی از آن علت که یقین کنی که این نماز نفع میدهد
دیگر برای جمیع بیماریها گفت ابو امامه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود
که بنویس بزعفران بر ظرف پاکی این کلمات را که اعوذ بکلمات الله التامات والاسماء
کلها عامة من شر السامة والهامة والعین اللامة ومن شر حاسد اذا حسد
و بنویس سوره فاتحه و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
و این چند آیت از سوره البقره که و الهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم
ان فی خلق السموات والارض واختلاف اللیل والنهار والفلک
التی تجری فی البحر بما ینفع الناس و ما انزل الله من السماء من ماء فاحیا
به الارض بعد موتها وبث فیها من کل دابة و تصریف الریاح والسحاب

المسخر بین السماء والارض لآیات لقوم یعقلون و بنویس آیة الکرسی
و این چند آیه را از آخر سوره البقره که امن الرسول بما انزل
الیه من ربه والمؤمنون کل آمن بالله وملائکته وکتبه ورسله
قالوا سمعنا واطعنا غفرانک ربنا والیک المصیر لا یکلف الله
نفسا الا وسعها لها ما کسبت وعلیها ما اکتسبت ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا
او اخطأنا ربنا ولا تحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین من قبلنا
ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت
مولانا فانصرنا علی القوم الکافرین و بنویس دو آیه از
اول سوره آل عمران که بسم الله الرحمن الرحیم
الم الله لا اله الا هو الحی القیوم نزل علیک الکتاب بالحق مصدقا
لما بین یدیه وانزل التوریة والانجیل من قبل هدی للناس وانزل
الفرقان ان الذین کفروا بآیات الله لهم عذاب شدید والله عزیز
ذو انتقام ان الله لا یخفی علیه شیء فی الارض ولا فی السماء هو الذی
یصورکم فی الارحام کیف یشاء لا اله الا هو العزیز الحکیم هو الذی
انزل علیک الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب واخر
متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء
الفتنة وابتغاء تاویله وما یعلم تاویله الا الله والراسخون فی

العلم يقولون آمنا به كل من عند ربنا وما يذكر الا اولوا الالباب
ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك
رحمة انك انت الوهاب ربنا انك جامع الناس ليوم لا
ريب فيه ان الله لا يخلف الميعاد ان الذين كفروا لن تغنى عنهم
ولا اولادهم من الله شيئا واولئك هم وقود النار كداب
آل فرعون والذين من قبلهم كذبوا باياتنا فاخذهم الله بذنوبهم
والله شديد العقاب و بنویس این چند آیه را از آخر سورت
آل عمران که ان فی خلق السموات والارض واختلاف اللیل والنهار لآیات
لاولی الالباب الذین یذکرون الله قیاما وقعودا وعلی جنوبهم
ویتفکرون فی خلق السموات والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک
فقنا عذاب النار ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته وما للظالمین
من انصار ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا
بربکم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا مع الابرار
ربنا وآتنا ما وعدتنا علی رسلک ولا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد
فاستجاب لهم ربهم انی لا اضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من
بعض فالذین هاجروا واخرجوا من دیارهم واوذوا فی سبیلی وقاتلوا
وقتلوا لاکفرن عنهم سیئاتهم ولادخلنهم جنات تجری من تحتها الانهار

ثوابا من عند الله والله عنده حسن الثواب لا یغرنک تقلب الذین کفروا
فی البلاد متاع قلیل ثم ماویهم جهنم وبئس المهاد لکن الذین اتقوا ربهم
لهم جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها نزلا من عند الله وما
عند الله خیر للابرار وان من اهل الکتاب لمن یؤمن بالله وما انزل الیکم
وما انزل الیهم خاشعین لله لا یشترون بآیات الله ثمنا قلیلا اولئک
لهم اجرهم عند ربهم ان الله سریع الحساب یا ایها الذین آمنوا اصبروا
وصابروا ورابطوا واتقوا الله لعلکم تفلحون و بنویس است اول از
سورة نسا که بسم الله الرحمن الرحیم یا ایها الناس اتقوا ربکم
الذی خلقکم من نفس واحدة وخلق منها زوجها وبث منهما رجالا کثیرا
ونساء واتقوا الله الذی تساءلون به والارحام ان الله کان علیکم رقیبا
و آیه اول از سورة مائده بسم الله الرحمن الرحیم یا ایها الذین آمنوا
اوفوا بالعقود احلت لکم بهیمة الانعام الا ما یتلی علیکم غیر محلی الصید وانتم
حرم ان الله یحکم ما یرید و آیه اول از سورة اعراف که بسم الله الرحمن الرحیم
المص کتاب انزل الیک فلا یکن فی صدرک حرج منه لتنذر به وذکری للمؤمنین
و این آیه که ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام
ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا والشمس والقمر
والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین ادعوا

اية كه قال موسى ما جئتم به السحر ان الله سيبطله ان الله لا يصلح عمل المفسدين
واين آية را كه والق ما في يمينك تلقف ما صنعوا انما صنعوا كيد ساحر ولا يفلح
الساحر حيث اتى و ده ايت از اول سورة والصافات كه بسم الله الرحمن الرحيم
والصافات صفا فالزاجرات زجرا فالتاليات ذكرا ان الهكم لواحد رب
السموات والارض وما بينهما ورب المشارق انا زينا السماء الدنيا بزينة الكواكب
وحفظا من كل شيطان مارد لا يسمعون الى الملاء الاعلى ويقذفون من كل
جانب دحورا ولهم عذاب واصب الا من خطف الخطفة فاتبعه شهاب

خطف م

ثاقب وبعد از ان آن ظرف را سه بار بشوى وبآن اب وضو بساز وسه دفعه از ان
آب بياشام وبقيه از ان آب بر سر و روى خود و باقى اعضا وبعد از ان دو ركعت
نماز بگذار وطلب شفا كن از خدا تعالى و بايد كه سه روز اين كار بكنى حسان
گفت كه تجربه كردم اين را و نفع و فايده بسيار يافتم باذن خدا تعالى **حسن**
كرده است اسمعيل بن محمد كه گفت عبد الله بن علي بن الحسين عليهما الصلوة
والسلام كه بيمارى صعب عارض شد مرا تا انكه نا اميد شدند از من پس اعلام نمودم
ابو عبد الله عليه السلام را ديد كه مادر من جزع بسيار مى كند گفت بمادرم كه وضو بساز
دو ركعت نماز بگذار وسجده كن و در سجده بگو اللهم انت وهبت لي ولم يك
بي شيئا فهب لي هبة جديدة پس مادر من چنين كرد وصحت يافتم
مادر من هريسه پخته بود ومن صباح از ان هريسه خوردم با قوم خود و نيز

بطن

بحيت تب **تب** محمد بن حسن الصفار كه رفتم نزد ابى عبد الله عليه السلام
و تب داشتم آنحضرت گفت كه چرا مقبوض گفتم فدا ايت گردم تب كردم
گفت وقتى كه تب كند بايد كه در آيد بخانه كه در ان خانه هيچكس نباشد
و دو ركعت نماز بگذارد و روى راست خود را بر زمين نهد و ده بار بگويد
يا فاطمة بنت محمد اشفعي بك الى الله فى ما نزل به پس تب صحت مى يابد
ان شاء الله تعالى **نوع ديگر** بحيت تب دو ركعت نماز بگذارد و در هر ركعتى سه
بار سوره فاتحه بخواند وبعد از ان بگويد الا له الخلق والامر تبارك الله
رب العالمين وبعد از ان اين دعا را بخواند كه بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم اشفع منك محمد صلى الله عليه وآله وسلم يا محمد استشفع بك على ربك
فى قضاء حاجتى وهو شفاء هذا المريض يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحيم
يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والاكرام برحمتك استغيث الان خفف الله
عنكم يريد الله ان يخفف عنكم ذلك تخفيف من ربكم ورحمة بنويسد و بشويد
و بياشامد كسى كه تب دارد **تب** بحيت درد سر دو ركعت نماز بگذارد و در هر
ركعتى يكبار فاتحه بخواند وسه بار قل هو الله و اين آية را بخواند رب انى وهن
العظم مني واشتعل الراس شيبا ولم اكن بدعائك رب شقيا **نوع ديگر** بجهت
درد چشم دو ركعت نماز بگذارد و در هر ركعتى يكبار فاتحه وسه بار قل هو الله بخواند
واين آية را بخواند كه وعنده مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو ويعلم ما في البر والبحر

وما یسقط من ورقة الا یعلمها ولا حبة فی ظلمات الارض ولا رطب ولا یابس الا
فی کتاب مبین ونیز بجهت دفع شدن شبکوری گفت ابوحمزه ثمالی
ابوجعفر علیه السلام فرمود که شب کوری کذشت از پیش حضرت پیغمبر صلی الله علیه
آنحضرت کفت آن کور را که آرزو داری که بینا کند ترا خدا تعالی آن کور کفت
بلی یا رسول الله آنحضرت کفت بانکور که وضو کامل بساز وبعد از آن دو رکعت
نماز بکذار وبکو اللهم انی اسالک وارغب الیک واتوجه بنبیک نبی الرحمة
انی اتوجه بک الی الله ربی وربک ان یرد علی بصری ان ما بها فقام و
کار کرد هنوز آنحضرت از مجلس برنخاسته بود که آن شخص آمد چشم او بینا شده
ونیز بجهت درد کردن دو رکعت نماز بکذارد و در هر رکعتی یکبار فاتحه و
سه بار اذا زلزلت بخواند ونیز بجهت درد سینه چهار رکعت نماز بکذارد در رکعت
اول یکبار فاتحه بخواند ویکبار سوره الم نشرح و در رکعت دوم یکبار فاتحه
بخواند وسه بار قل هو الله و در رکعت سیوم یکبار فاتحه ویکبار سوره والضحی
و در رکعت چهارم یکبار فاتحه بخواند وبعد از فاتحه بکوید فتحت ابواب السماء بهم
ونیز بجهت بازکشتن بنده که کریخته باشد دو رکعت نماز بکذارد و در هر رکعتی
یکبار فاتحه بخواند وچهار آیت از اول سوره حدید که بسم الله الرحمن الرحیم
سبح لله ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم له ملک السموات والارض
یحیی ویمیت وهو علی کل شیء قدیر هو الاول والآخر والظاهر والباطن وهو

بکل

بکل شیء علیم هو الذی خلق السموات والارض وما یخرج منها وما ینزل من السماء
وما یعرج فیها وهو معکم اینما کنتم والله بما تعملون بصیر و آخر سوره حشر را
بخواند که لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرایته خاشعا متصدعا من خشیة الله و
تلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب
والشهادة هو الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس
السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله
الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات وما فی الارض
وهو العزیز الحکیم وبعد از ان بکوید یا من هو هکذا غیره اجعل الدنیا علی فلان
یعنی نام کریخته را بکوید اضیق من مسک جمل حتی یرده ونیز بجهت درد پهلو دو
رکعت نماز بکذارد و در هر رکعتی یکبار فاتحه بخواند واین آیتها که آمن الرسول بما
انزل الیه من ربه والمؤمنون کل آمن بالله وملائکته وکتبه ورسله لا نفرق بین
احد من رسله وقالوا سمعنا واطعنا غفرانک ربنا والیک المصیر لا یکلف الله نفسا
الا وسعها لها ما کسبت وعلیها ما اکتسبت ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطانا
ربنا ولا تحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا
به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولینا فانصرنا علی القوم
الکافرین ونیز بجهت سود دو رکعت نماز بکذارد و بنهد دست خود را بر رو
خود و حضرت پیغمبر را صلی الله علیه واله وسلم شفیع خود سازد

وبعد از ان سه بار بگوید بسم الله احرج علیک یا وجع من عین الانس او عین جن احرج علیک بالذی اتخذ ابراهیم خلیلا وکلم الله موسی تکلیما او خلق عیسی من روح القدس الماهدات وطفیت کما طفیت نار ابراهیم باذن الله **وایضا** بجهة باز گشتن گم شده **وگفت** امیر المومنین علی علیه الصلوة والسلام که دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی سوره فاتحه ویس بخوان چون فارغ شوی از نماز دست خود را بجانب آسمان دبگو اللهم راد الضالة والهادی من الضلالة صلی علی محمد وال محمد واحفظ علی ضالتی واردد ها الی سالمة یا ارحم الراحمین فانها من فضلک وعطایک یا عباد الله فی الارض وسیاره فی الارض ردوا علی ضالتی فانها من فضل الله وعطایه **وایضا** از برای گم شده گفت امیر المومنین علی علیه الصلوة والسلام که این دعا را می باید خواند که اللهم لا اله الا انت لک السموات والارض وما بینهما فاجعل الارض کذا یعنی نام گم شده را بگوید اضیق من جلد جمل حتی تکشف منه انک علی کل شیء قدیر **وگفت** امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام که از برای بنده که گریخته باشد بخوان این دعا را که اللهم اسماء الک والارض لک وما بینهما لک فاجعل ما بینهما اضیق علی فلان یعنی نام گریخته را بگو من جلد جمل حتی یرده و بنظرف سه بنویس همین دعا را بر کاغذ سه و بر کرد این نوشته آیة الکرسی بنویس و بعد از ان ان کاغذ را در زمین

کن

کن در جای گردان شده و میخواهید و بر بالای او حجر گرانی بنه **وایضا** از برای گریخته و گم شده بنویسد یا بخوان این دعا را که اللهم انت جار فی السماء و اله فی الارض وملک فی الارض ترد الضالة وتهدی الضالة علی فلان یعنی نام آنکس که حجر او شده است بگو یا بنویسد ضالة واحفظ **وایضا** کسی که تب داشته باشد بنویس این دعا را بر سه پاره کاغذ خط باریک بر وجهی که ممکن نباشد خواندن و هر پاره را در هم بپیچ و مدور کن مانند فندق و بده که بخورد آنکس که تب میکند به بیمار هر روز یکپاره از ان کاغذ را دعا اینست بسم الله ذی العزة والکبریاء والنور و این نسخه مجربت و شیخ حسن سمرقندی اعتبار میکرد این نسخه را و مداومت می نمود **نوعی دیگر** بجهت تب بنویس بر سه پاره کشکر بر پاره اول عقدت باذن الله و در پاره دوم سدوت باذن الله و در پاره سیوم سکنت باذن الله و بده که در سه صباح بر بیمار بخورد کسی که تب میکند هر روز یکپاره را **نوعی دیگر** برای تب بنویس بر پشت پای راست کسی که تب دارد این دعا را که بسم الله یا حی الماحیة المستغیثة بالذی فی السماء عرشه و بالذی کلم موسی تکلیما واتخذ ابراهیم خلیلا وبعث محمد بالحق نبیا کما خرجت من العظم الی اللحم ومن اللحم الی الجلد الی الارض فیسکن فیها ولا حول ولا قوة

الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله وسلم کثیرا دیگر بجهت
برای تب این آیتها و این دعا را بر کاغذی و بنید وان کاغذ را بر ریسمان
و هفت گره بزنند آن ریسمان را و بر هر گرهی سوره فاتحه بخوانند
و بعد از ان به بندد آن تعویذ را بر کسی که تب دارد و الحال
مانده نوشته اینست بسم الله الرحمن الرحیم وبالحق
انزلناه وبالحق نزل وننزل من القران ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین
یا نار کونی بردا وسلاما علی ابراهیم واراد وا به کیدا فجعلناهم
الاخسرین یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحمن اسکن بقدرتک
الجبار العظیم بقدرت السلطان الکریم و سوره قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس را نیز بنویسد دیگر بجهت تب
گفت امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام که تب کرد رسول
خدا صلی الله علیه وآله وسلم و جبرئیل آمد و خواند این دعا را بر آنحضرت
بسم الله رقیک یا محمد بسم الله اشفیک بسم الله من کل داء یعییک
بسم الله والله شافیک بسم الله خذها فلتهنیک بسم الله الرحمن الرحیم
فلا اقسم بمواقع النجوم و چون کسی تب کند بنویس این تعویذ را
و به بندد بر گردن او بدرستی که خلاص میشود از ان تب باذن خدا
تعالی و گفت امام رضا علیه السلام که شکایت کرد کنیزکی من از

تب

۱۱

تب و آن کنیزک قدر و منزلتی بود و کسی بجواب من آمد و گفت که بفرما آن کنیزک را
که بگوید یا رب ساه یا رب ماه یا سیداه صل علی محمد و آل بیت و اکشف
عنی ما اجد فلان بن فلانه یعنی من النساء بحق هذه الدعوت
برای تب گفت امام رضا علیه السلام که بجهت تب سه روز
بنویس در کاغذی روز اول بسم الله الرحمن الرحیم
لا تخف نجوت من القوم الظالمین و در روز دوم لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
و در روز سیوم بسم الله الرحمن الرحیم الا له الخلق والامر تبارک
الله رب العالمین و کسی که تب میکند سه روز بخورد این
سه کاغذ هر روز یکی را دیگر از برای تب بنویس این شکل را
بر کاغذی و به بندد بر کسی که تب داشته باشد و شکل اینست

فصل در بیان افسونها و تعویذها
برای جمیع بیماریها حدیث که ائمه
معصومین علیهم السلام گفتند که بنویسد این دعا را

بذکر الرحمن یا نار کونی بردا
وسلاما علی ابراهیم وآل ابراهیم
و علی محمد و علی فلان ابن فلانه
یعنی نام آنکس و نام مادر او بنویسد

بر کاغذی و به بندد بر کسی که تب دارد دعا اینست اللهم انی اسالک
بعزتک و قدرتک و سلطانک و ما احاط به علمک ان تصلی علی محمد
وآل محمد وان لا تسلط علی فلان بن فلان یعنی نام آنکس که تب دارد
و نام مادر او را بنویسد شیئا مما خلقت بسوء وارحم جلده الرقیق

من نورة الحاء خرجني باام ملدم ما اكلة اللحم و شاربة الدم
حرها و بردها جهنم ان كنت امنت بالله العظيم ان تاكلي
لفلان بن فلان بنت يعني نام کسی که تب میکند و نام مادر او را
ولا تمصي دما ولا تنهكي له عظما ولا تفوري عليه حرا ولا تهيجي عليه
صداعا واشتغلي عن شعره وبشره ولحمه ودمه الى من زعم ان مع الله
الها آخر لا اله الا الله سبحانه وتعالى عما يشركون و بنویسید نام
کافران کاغذ **نوعی دیگر** برای تبها خصوصا تبی که گاهی می آید وگاهی
نمی آید بنویس بر کاغذی این دعا را که اعیذ کما استعاذ به موسی
وابراهیم ومحمد صلی الله علیهما وسلم من الحمی وان فض والغب والعتیق
والربع والصداع اللهم کما تلم مریم بنت عمران عن عیسی فلا تدرسه علی
هذا الانسان رسول کریم اقسمت علیه کما خلقه ولا تأخذه و ببندید
آن کاغذ را بر پیشانی وچهار گره بزنید بر آن طرف ریسمان که بجانب راست
وسه گره بزنید این طرف را که بجانب چپ اوست و سورة قل
هو الله وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس بخوان
وبعد از آن بگو اللهم اشف فلان بن فلان بنت یعنی نام
آنکس که تب می کند و نام مادر او را بگو من حمی یوم و یومین و ثلثة
ایام وحمی ربع فانک تفعل ما ترید وتحکم ما تشاء و انت

علی کل شیء قدیر بسم الله کتبت وبسم الله ختمت و
علیه توکلت وهو رب العرش العظیم ولا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم وبعد از آن ببندید آن تعویذ را بر گردن کسی که تب
دارد **نوع دیگر** برای تب بگیر هفت نخ ریسمانی که از پنبه رشته
باشد وبخوان بر آن ریسمان سورة فاتحه وقل هو الله وقل اعوذ
برب الفلق وقل اعوذ برب الناس وهفت گره بزن
آن ریسمان را وبعد از آن آن ریسمان را ببند بر گردن کسی که
تب میکند وبعضی گفته اند که بر هر گرهی این سوره را می باید خواند
نوع دیگر بجهت تب حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده آنکسی که او را
تب شود باید که سه روز پی در پی غسل کند ودر وقت غسل کردن
بگوید بسم الله اللهم انی اغتسلت التماس شفائک وتصدیق
نبیک چون چنین کند خدای تعالی شفا دهد او را **نوع دیگر** برای
تب **گفت** ابن عباس که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم
تعلیم کرد ما را بجهت تمام دردها و تب و درد سر این دعا را و گفت که
دست خود را بنهید بر آن موضع که درد میکند وبگویید بسم الله
الکبیر اعوذ بالله العظیم من شر کل عرق نعار ومن شر حر النار
وچون بر داری دست خود را از آن موضع که بسم الله وبسم الله

محمد رسول الله اعوذ بالله وقدرته علی ما یشاء من شر ما
اجد گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم برای حضرت
فاطمه بجهت تب این حرز مخصوص حضرت فاطمه است و جمعی
که اقرار داشته اند بحق شیعیان گفت که هر موت که
او را تب شود بنویسد این حرز را و با خود نگاه دارد شفا
یابد حرز این است وله ما سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع
العلیم یا ام ملدم ان کنت امنت بالله العظیم ورسوله الکریم
فلا تهشمی العظم ولا تاکلی اللحم ولا تشربی الدم اخرجی من حامل
کتابی هذا الی من لا یومن بالله العظیم ورسوله الکریم
وآله محمد وعلی وفاطمه والحسن والحسین ازبرای تب ربع
گفت وشا که آمد مردی نزد امام رضا علیه الصلوة والسلام آن
حضرت گفت با آن مرد که چیست ترا که رنگ رویت زرد شده است
آن مرد با آنحضرت گفت که تب ربع چنین ساخت مرا آنحضرت دوات
وقلم طلبید ونوشت که بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله وبالله ابجد هوز حطی عن فلان بن فلان یعنی نام
آن مرد ونام مادر او را نوشت باذن الله وبعد از آن در پایین آن
نوشته صورت خاتم سلیمان را صفت با نوشت وبعد از آن درهم

بچه

بپیچید آن کاغذ را وگفت که ریسمانی بیارید که آب باو نرسیده باشد
وآب دهن بشر باو نرسیده باشد آن چنان ریسمانی را
آوردند آنحضرت آن کاغذ را با آن ریسمان بست وبعد از آن گره
زد آن ریسمان را نزدیک دهن خود او برد و بر یک جانب آن ریسمان
چهار گره زد و بر جانب دیگر سه گره زد و بر هر گرهی سوره فاتحه
وقل هو الله وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس
وآیة الکرسی خواند و داد این تعویذ با آن شخص که تب ربع داشت
وگفت باو که بر بازوی راست خود ببند این تعویذ را در وقت بستن
آیة الکرسی بخوان و پرهیز کن و جماع مکن با این تعویذ کتابت واقع است
که بعد از آن درهم بپیچید آن کاغذ را و ریسمانی طلبید ریسمانی ترسی
آوردند پس میان آن را گره زد و بر جانب راست آن ریسمان
چهار گره زد و بر جانب چپ آن ریسمان سه گره زد و بر هر گرهی
سوره فاتحه وقل هو الله بخواند وقل اعوذ برب الفلق وقل
اعوذ برب الناس وآیة الکرسی خواند وبعد از آن گفت که بکش این تعویذ را
و بر بازوی راست خود ببند و جماع مکن با این تعویذ نوع دیگر برای تب
ربع وا نیست که ابوذکریا حضرمی تب ربع میکرد ابوالحسن علیه السلام
نوشت باو که بنویس بر دست راست خود بسم الله جبرئیل بسم الله

میکائیل و بر پای راست خود بسم الله اسرافیل و بر پای چپ خود بسم الله
لا یرون فیها شمسا ولا زمهریرا و در میان هر دو شانه خود بسم الله
العزیز الجبار دیگر برای تب تعویذی که بنویسند بر شانه راست
آنکسی که تب میکند بسم الله جبرئیل و بر شانه چپ او بسم الله میکائیل و
بر شانه راست او بنویسید بسم الله اسرافیل و بر شانه چپ او لا یرون فیها شمسا
ولا زمهریرا دیگر برای تب غب و تب غب آنست که یک روز می آید و یک روز نمی آید
یک سه برگ درخت توت و بنویسید بر آن برگها نام کسی که تب دارد و بر یک برگ
طسوما بنویسید و بر برگ دیگر او حوما بنویسید و بر برگ دیگر ارسوما بنویسید و بعد
از آن این برگها را در آب بیندازد بسه دفعه دیگر واقع است که بنویسد
بر یک برگ از آن برگها حوما و بر برگ دیگر طسوما و بر برگ دیگر ارسوما
بجهت تب بنویسد سوره فاتحه و این دعا را که مذکور میشود و به بندد بر بازوی
راست کسی که تب میکند دعا اینست بسم الله و بالله اعوذ بکلمات الله التامات
کلها التی لا یجاوزهن بر ولا فاجر من شر ما خلق و ذرأ و برأ و من شر السامة
والهامة والعامة واللامة ومن شر طوارق اللیل والنهار ومن شر فساق العرب
والعجم ومن شر فسقة الجن والانس ومن شر الشیطان وشرکه ومن شر کل ذی شر
ومن کل دابة هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم ربنا علیک توکلت والیک
انبنا والیک المصیر یا نار کونی بردا و سلاما علی فلان بن فلانه یعنی نام آنکسی که

بتب کند

تب میکند و نام مادر او را بنویسید و این آیتها را نیز بنویسد که ربنا لا تؤاخذنا
ان نسینا او اخطأنا ربنا ولا تحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا
ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولانا فانصرنا علی القوم
الکافرین حسبی الله لا اله الا الله فاتخذه وکیلا وتوکل علی الحی الذی
لا یموت وسبح بحمده وکفی به بذنوب عباده خبیرا بصیرا و این دعا را نیز بنویسد که
لا اله الا الله وحده لا شریک له صدق وعده ونصر عبده وهزم الاحزاب وحده
ما شاء الله لا قوة الا بالله کتب الله لاغلبن انا ورسلی ان الله قوی عزیز
الا ان حزب الله هم الغالبون ومن یعتصم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم
صلی الله علیه وآله وسلم وآله الطاهرین دیگر از برای جمیع دردها و بعضی گفته اند که برای
افسون مخصوص درد دندانست بنویسید و بخوانند این دعا را که بسم الله وبالله
وصلی الله علی محمد وآله الطیبین وتصنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون
اسکن ایها الوجع سکنتک بالذی سکن له ما فی السموات وما فی الارض وهو العلی
العظیم عزمت علیک ایها الوجع بالله الذی اتخذ ابراهیم خلیلا وکلم موسی
تکلیما وخلق عیسی القدوس وبعث محمدا بالحق نبیا اذهبت فلان بن فلانه
یعنی نام کسی که تب دارد و نام مادر او را بگوید و بنویسید الی مدت حیوته ولا تعود
الیه دیگر خلیفه گفت که ملک نجاشی را درد سر بود کتابتی نوشت بحضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم وطلب علاج کرد آنحضرت فرستاد این حرز را که

بجانبی دو وقت این حرز را بر طاقیه خود در درد سر او برفت حرز اینست
بسم الله الحق المبین شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة واولوا العلم قائما
بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم بعد نور و حکمة و عز و قوت و برهان و قدرت
و سلطان و رحمت یا من لم یکن لا اله الا الله ابراهیم خلیل الله لا اله الا الله موسی
کلیم الله لا اله الا الله عیسی روح الله و کلمته لا اله الا الله محمد رسول الله و صفوته
صلی الله علیه و آله اسکن سکنتک بما سکن له ما فی السموات والارض ومن
سکن له ما فی اللیل والنهار و هو السمیع العلیم رحاحت اصابت السلاطین الا الی الله
تصیر الامور نوع دیگر برای درد سر بنویسد این آیتها را بر ورق و ریفا و به بندان
بر پیشانی و به بندد بر سر آنکس که درد سر دارد آیتها اینست بسم الله الرحمن الرحیم
الم الله لا اله الا هو الحی القیوم نزل علیک الکتاب بالحق مصدقا لما بین یدیه
وانزل التوریة والانجیل من قبل هدی للناس وانزل الفرقان ان الذین کفروا
بآیات الله لهم عذاب شدید والله عزیز ذو انتقام ان الله لا یخفی علیه شیء
فی الارض ولا فی السماء هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء لا اله الا هو
العزیز الحکیم هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب واخر
متشابهات [illegible] دیگر از برای درد گفت ابو جعفر علیه السلام
که جهت درد سر بنویسد این دعا را بر کاغذی و به بندد آن کاغذ را بر آن
جانب سر که درد میکند دعا اینست اللهم انک لست باله استحدثناه ولا رب

بیده

یبید ذکره ولا معک شرکاء یقضون معک ولا کان قبلک اله یعبد فنعوذ
و نتضرع الیه و ندعک ولا اعانک علی خلقنا احد فنشک فیک لا اله الا انت
وحدک لا شریک لک عاف فلانا یعنی نام کسی که درد سر دارد و بنویسد بعدها عافه محمد
و اهل بیته نوع دیگر که از برای درد سر بنویسد این دعا را که اسالک یا من کان ازلی
قادر به عزتک علی المار ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تشفی فلان بن فلان
یعنی نام آنکس که درد سر دارد و نام مادر او را بنویسد من الصداع و الشقیقه
فقد شاع علی او انهم فی الکهف سنین عددا و اسالک یا من کان الذی [illegible]
اثرت خلفاء ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تشفی فلانا یعنی نام کسی که درد سر
دارد بنویسد دیگر درد شقیقه بنویسد این کلمات را بر ورق لیس الا کسی که
درد شقیقه دارد و مرد باشد آن ورق را بر سر خود به بندد و اگر زن باشد
در میان موی خود به بندد و کلمات اینست بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله من الارض الی السماء کان مسلط جبرئیل فاستقبله الاجوع فقال این
ترید قال اذهب الی الانسان فاکل لحم عینیه ولا تمس ... الا الرأس
والله والله ان شاء فی و صلی الله علی محمد و اهل بیته و سلم دیگر در چشم کسی
اگر چشمه را او بنویسد بر چشمی که درد میکند و بگوید عین الشمس ... و سلطانا
علی ابراهیم نوع دیگر برای درد چشم گفت سلیمان بن عیسی که رفتم بر دانی عبدالله
علیه السلام دیدم که آنحضرت درد چشم صعبی دارد غمگین شدم و بیرون آمدم

روزی دیگر رفتم نزد آن حضرت دیدم که چشم آنحضرت هیچ درد نمی‌دارد
گفتم فدایت گردم دی روز در خدمت تو بودم تو درد چشم داشتی بچه چیز علاج کردی
شدم و امروز نزد تو آمدم و هیچ اثری از آن درد چشم باقی نیست آیا بچه چیز
علاج کردی آنحضرت گفت که نزد من تعویذی بود بآن علاج کردم گفتم آن
تعویذ را بمن بیاموز پس نوشت این دعا را که اعوذ بقوة الله اعوذ بقدرة الله
اعوذ بمغفرة الله اعوذ بعظمة الله اعوذ بجلال الله اعوذ بجمال الله اعوذ بجمع الله
اعوذ برسول الله علی ما اجد و احاذر علی نفسی و اجده من وجع عینی اللهم رب الطیبین
خلقتنا عنک عطاءک فخیرک الیوم جدید فنظر نظرة فی النجوم فقال انی سقیم
وصورکم فاحسن صورکم ورزقکم من الطیبات فتبارک الله رب العالمین یا عظیم یا علی
یا کبیر یا منیع یا وتر رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین و ان کنت الوجه
الصلوة فی قبرها فی حاجت امین رب العالمین **از برای** خون آمدن از بینی
بگیرد و ببینی کسی را که خون می‌آید و بخواند و بنویسد بر بینی او این کلمات را که یا مسک
الفیل من حبیک والزام اسکن دم فلان بن فلان یعنی نام آنکس که از بینی او خون آید
و نام پدر او را بگوید بآب خشک بریزد بر سر و پیشانی او بند شود که بیشتر
خدای تعالی **ایضا** درد دندان روایت کرده است سکونی که گفت ابو عبد الله علیه السلام
که امیر المؤمنین علیه الصلوة و السلام فرمود که کسی که درد دندان داشته باشد
باید که بگیرد اندک خاکی از موضع سجود خود و بمالد آن خاک بر آن موضع

که درد میکند و بگوید بسم الله الرحمن الکافی و لا حول و لا قوة الا بالله و نیز
ایضا درد دندان بگیرد کارد با برگ درخت خرما و بمالد آنرا برای جایی که درد
میکند و هفت بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله و محمد رسول الله
و ابراهیم خلیل الله اسکن بالذی سکن له ما فی اللیل و النهار باذنه و هو
علی کل شیء قدیر **گفت** ابن عباس که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود
که هر کسی که درد دندان داشته باشد باید که بنهد انگشت خود را بر آن دندان که
درد میکند و هفت بار این آیه را بخواند که هو الذی انشأکم و جعل لکم السمع والابصار
والافئدة قلیلا ما تشکرون **نوع دیگر** برای درد دندان **روایت** که افسون کرد
جبرئیل علیه الصلوة و السلام امام حسین را علیه الصلوة و السلام وقتی که
دندان آنحضرت درد میکرد باین طریق که بنهاد چوبی یا آهنی بر دندان آنحضرت و هفت
بار خواند این را که بسم الله الرحمن الرحیم العجب کل العجب دودة تکون فی الفم تأکل
العظم و تنزل الدم انا الراقی و الله الشافی و الکافی لا اله الا الله و الحمد لله رب العالمین
و اذ قتلتم نفسا فادارأتم فیها والله مخرج ما کنتم تکتمون فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله
الموتی و یریکم آیاته لعلکم تعقلون **نوع دیگر** از برای درد دندان گفت مفضل بن
عمر که رفتم نزد ابی عبد الله علیه السلام و دندان من درد میکرد پس شکایت
کردم نزد آنحضرت از درد دندان آنحضرت گفت که نزدیک من بیا رفتم نزدیک آن
حضرت رفتم آنحضرت انگشت شهادت خود را نهاد بر آن دندان که درد می

کرد و آهسته چیزی خواند در حال درد تسکین یافت گفتم یا بن رسول الله می
خواهم که این افسون را بمن بیاموزی آنحضرت گفت که فاطمه علیها الصلوة والسلام
نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم آمد و شکایت کرد از درد دندان
حضرت انگشت شهادت راست خود را نهاد بر آن دندان حضرت فاطمه گذارد
میکرد و گفت که بسم الله وبالله اسالک بعزة الله وجلالک و
قدرتک علی کل شیء فان مریم لم تلد غیر عیسی روحک وکلمتک ان تکشف ما
تلقی فاطمة بنت خدیجة من الضر کله پس تسکین یافت درد دندان حضرت فاطمه
همچنانکه تسکین یافت درد دندان تو و فرزندان ده کردم چیزی بر این دعا و نیز
دیگر درد دندان گفت عطا که شکایت کردم نزد امام جعفر صادق علیه الصلوة
والسلام از درد دندان آنحضرت گفت بر آن دندان که درد میکند بخوان
این دعا را که بسم الله الرحمن الرحیم اسکن بقدرة الله الذی خلقک فانه
قادر مقتدر علیک وعلی الجبال اثبتها واثبتک فقر حتی یاتی فیک امره وصلی
الله علی محمد وآله دیگر از برای درد شکم حضرت که امرد دی نزد امیر المومنین علی
علیه الصلوة والسلام و گفت یا امیر المومنین شکم این درد میکند آن حضرت گفت
ایا زنی داری گفت بلی فرمود بخواه آن حضرت گفت از مال زن خود چیزی بطلب که زن
بان خوشحال شود و با کرهی عسل بگردان عسل را با آب باران بیامیز و بیاشام درد شکم
خدا بفضل شفا میدهد زیرا که فرموده است در کتاب خود که ونزلنا من السماء

ماء مبارکا یعنی فرو فرستادیم از جانب آسمان آبی یعنی آب بسیار
منفعت و گفته است که یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فیه
شفاء للناس یعنی بیرون می آید از شکمهای زنبوران عسل مختلف
است رنگهای آن عسل شفاست مردمان را و گفته است فان طبن لکم عن شیء منه نفسا
فکلوه هنیئا مریئا یعنی پس اگر ببخشند زنان شما چیزی از کابین شما بطیب
نفس و خوشدلی پس بخورید آن چیز را که گوارنده است و سازگار و خوش عاقبت است
شما را پس هرگاه جمع شود برکت و شفا و گوارندگی شفا میدهد خدا
انشاء الله تعالی و گفت که انجا امیر المومنین علیه الصلوة والسلام فرمود
بجا آوردم و شفا یافتم دیگر برای درد پهلو گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه
وآله وسلم که وقتی که پهلوی شما درد کند سزاوار آنست که دست
خود را بر پهلوی خود بمالید و هر بار بگوید اعوذ بالله وبقدرته علی ما
یشاء من شر ما اجد دیگر گفت امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام که
وقتی که پهلو شما درد کند بمال دست خود را بر پهلوی که درد میکند و بگو بسم الله
وبالله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم امسح عنی ما اجد فی قرنی
و بعد از آن سه بار دست خود را بر پهلوی خود بمال و بگو بسم الله
دیگر بجهة نفخ که در شکم بهم رسد گفت یونس بن یعقوب که گفتم
بابی عبد الله علیه السلام که فدایت شوم کردم در شکم نفخی بهم رسیده است و درد

میکند ان حضرت گفت بیگانگی یاد کن خدای تعالی را گفتم چگونه یاد
کنم گفت یا الله یا ربی یا رحمن یا رب الارباب و سید السادات اغثنی
و عافنی من کل داء و سقم فانی عبدک و ابن عبدک اتقلب و انا
فی قبضتک **دیگر** جهت بچه شکم و نفخی که در اندرون آدمی پیدا میشود
و چون شکم تو درد کند و بچه پیدا کند بگو بسم الله الخدا ابراهیم
خلیلا و کلم الله موسی تکلیما و بعث محمدا بالحق نبیا و بعد از آن سه
بار بگو یا ریح اخرجی باذن الله **دیگر** برای علتی که در شکم آدمی
پیدا شود **گفت** امام موسی کاظم علیه السلام که بخواند سوره فاتحه
و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و بعد از آن این دعا را
بخواند که اعوذ بوجه العظیم و عزته التی لا ترام و قدرته التی لا یمتنع منها شیء من شر هذا الوجع
و من شر ما احذر منه **دیگر** برای درد شکم و غیر آن از دردها بنهد دست خود را
بران موضع که درد میکند و هفت بار بگوید اعوذ بعزة الله و جلاله من شر ما اجد
و دست راست خود را بر همان موضع بنهد سه بار بگوید بسم الله **دیگر**
برای درد شکم **گفت** عثمان بن عیسی که شکایت کرد مردی نزد ابی الحسن
علیه السلام و گفت که اسهال دارم هر چند سعی میکنم نمی ایستد آن حضرت گفت
که چون فارغ شوی از نماز شب بگو اللهم ما کان لی من خیر فمنک لا حمد لی فیه و ما
عملت من سوء فقد حذرته لا عذر لی فیه اللهم انی اعوذ بک ان اتکل علی ما لا حمد لی فیه او

ما لا

11

ما لا عذر لی فیه **دیگر** برای درد رحم نقلست که زنی درد رحم داشت با نجو اندر این دعا را
چنانچه کسی بشنود و بنویسد و با خود نگاه دارد شفا یابد ان شاء الله بسم الله
و بالله و بنعمات السموات و الارض فاخرج مریم بنت عمران لم یبخر و وجع الارحام
و من وجع عرق الارحام اسکن بسم الله الحی القیوم بسم الله المستعان
بالله علی ما هو کائن و علی ما قد کان اشهد ان الله علی کل شیء قدیر و ان الله
قد احاط بکل شیء علما [red talismanic signs]
[red talismanic signs] بسم الله الرحمن الرحیم
محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تریهم رکعا سجدا
یبتغون فضلا من الله و رضوانا سیماهم فی وجوههم من اثر السجود ذلک
مثلهم فی التوریة و مثلهم فی الانجیل کزرع اخرج شطأه فآزره فاستغلظ
فاستوی علی سوقه یعجب الزراع لیغیظ بهم الکفار وعد الله الذین آمنوا و عملوا
الصالحات منهم مغفرة و اجرا عظیما [illegible] الکلام [illegible]
[illegible] الارواح و الاجساد [illegible]
باسم الله الذی قال للسموات و الارض ائتیا طوعا او کرها قالتا اتینا طوعا او کرها
قالتا اتینا طائعین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین **دیگر** **گفت** بجهت
[illegible] گفت امام رضا علیه السلام که اگر کنیزی [illegible] بیرون آید [illegible] الله
گفت یا علی [illegible] کنیز خود را که بگوید یا رئوف یا رحیم یا رب یا سیدی بگو

دیگر

مریم پس آن کنیز این کلمات را گفت و شفا یافت دیگر جهت بول کردن
خواب بنویسد این را بر ورق و بنهد در بالش حف حف بد بد بدف اب
اب اما کهف کهف صفت صفت صفت صفت منهم مستقر لو قل الله
احد الغالب من السحر العدو ابلیس شیخ لبنی آدم کالذی یسجد لادم الملائکه یا دین
کریه وولد فلان بن فلان ە ە ە ە ە شدت شدت بسورة بسورة صمد صمد
ختمت بخاتم سلیمان بن داود لله رب العالمین دیگر جهت بول کردن
در خواب و ترسیدن در خواب بنویسد و نگاه دارد و بخواند این دعا را که
بسم الله الرحمن الرحیم من محمد رسول الله النبی العربی الامی الهاشمی المدنی
الابطحی التهامی صلی الله علیه الی جعفر الدرد من الغار اما بعد فان لنا و لکم فی الحق
سعة فان یکن تاجرا مقتحما او داعی حقا مبطلا او من یؤذی الوالدان و یفزع الصبیان
و سکنهم و سولهم فلیمضوا الی الاصحاب الاصنام والی عبدة الاوثان و یجاوروا
القرآن فی جوار الرحمن و مجاری الشیطان و عن ایمانهم القرار و صلی الله علی
محمد و آله علیهم السلام دیگر ترسیدن در خواب بنویسد و بخواند این آیتها را که
شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین
عند الله الاسلام وما اختلف الذین اوتوا الکتاب من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم
ومن یکفر بآیات الله فان الله سریع الحساب الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تأخذه سنة
ولا نوم له ما فی السموات وما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه یعلم ما بین

ایدیهم وما خلفهم ولا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء وسع کرسیه السموات والارض
ولا یؤده حفظهما وهو العلی العظیم قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا
فله الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلاتک ولا تخافت بها وابتغ بین ذلک سبیلا
وقل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من
الذل وکبره تکبیرا ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی ستة
ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا والشمس والقمر والنجوم
مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین لقد جاءکم رسول
من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم فان تولوا فقل
حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم قل من یکلؤکم
باللیل والنهار من الصباح والسحر قل الله الواحد القهار الیوم تجزی کل نفس
بما کسبت لا ظلم الیوم ان الله سریع الحساب لمن الملک الیوم لله الواحد القهار
دیگر از برای دشوار زائیدن گفت امام جعفر صادق علیه السلام که چون
زنی دشوار زاید بنویسد این دعا را بر ورق و به بندید بر ران زن فرزند بآسانی
متولد شود دعا اینست اللهم یا فارج الهم و کاشف الغم و رحمن الدنیا والآخرة
ورحیمهما ارحم فلانه بنت فلانه یعنی نام آن زن و نام مادر او بنویسد رحمة تغنیها
بها عن رحمة جمیع خلقک تفرج بها کربتها و تکشف بها غمها و تیسر ولادتها و
قضی بینهم بالحق وهم لا یظلمون وقیل الحمد لله رب العالمین دیگر جهت دشوار

زائیدن هرگاه زنی یا چهارپایی دشوار زاید باید که بخوانید بر دریا خالق النفس
من النفس خلصها کوک و ثوک **وایضا** جهت دشوار زائیدن بنویسد این شکل را
بر دو سفالی که آب با و نرسیده باشد و بیندازد سفالها را در زیر پایهای
آن زن که میرسیستی که در حال متولد شود **و دیگر که** واقع است که بنویسد این شکل را
و به بندد بر ران راست آن زن شکل اینست

ح	ج	د
له	ه	ط
و	ز	ر

و بنویسد بر کاغذی این دعا را و به بندد
بر ران چپ آن زن دعا اینست که منها خلقنا
کم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة اخری
یا خالق النفس و مخلص النفس من النفس
فرج عنها پس آن فرزند بی عیب

اخرج خزینه المجالس

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

و تمام اعضا متولد شود ان شاء الله تعالی **وایضا** از برای دشوار زائیدن
بنویسد بر پیت کیل این صورت را و نشیند بر بالای آن کیل زنی که دشوار
میزاید هر دستی که چون چنین کند و فرزند کاز زودی و آسانی متولد شود
ان شاء الله تعالی و قاعده نوشتن این صورت اینست که در سطر اول
اثنین را اول بنویسد و بعد از ان ثلثه را بنویسد و بعد از ان اربعه را بنویسد تا
خاصیت بهم رساند و صورت اینست

اربعه	ثلثه	اثنین
ثلثه	اثنین	اربعه

و نیز برای رشته کند
اندک بنخی از شتر لی الله بگذارد بالمرافق

دازان

۱۱

وازان پشم ریسمانی بتابد و هفت گره زند بران ریسمان و بر هر گره
هفت بار سوره فاتحه بخواند و بعد از ان هفت بار این دعا را بر او بخواند که بسم الله الله
الابد المحصی العدد الفرد الوتر ما بعد الطاهر عن الولد العالی عن ان یولد المنزه لما وعده الغرور
یا فرد القوی یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد یا خالق الخلیقه یا عالم البیت و الخفیه
یا من السموات بقدرته مرجاة یا من الارض بعزته مدحوة یا من الجبال بارادته
مرساة یا من نجی به صاحب الغرق من کل آفة و بلیة صلی الله علی محمد
خیر خلقک واشف اللهم فلان بن فلانه یعنی نام کسی که رشته دارد و نام مادر او
بگوید بشفایک و داوه بدوایک و عافه من کل بلا یاک انک قادر علی من
یشاء و انت ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد النبی و آله و نیز بجهت ورم و جراحت
منقولست از بعضی از ائمه معصومین علیهم السلام که بگیرد کاردی و حاله بر
موضعی که ورم و جراحت دارد و بگوید بسم الله ارقیک من الحد و الحدید و من العود
من الحجر الملبود و من العرق العاند و من الورم الآخر و من الطعام و من الشراب
و ببرد بسم الله فتحت و بسم الله ختمت و بعد ازان فرو برد آن کارد را بر زمین
از برای ثؤلول و آنرا زخ گویند **گفت** امام رضا علیه السلام که نظر کن اول
که وقت ماه ستاره پیدا شود بردار اندک خاک و بمال بر ثؤلول و بگو بسم الله
و بالله رایتی و الم ارک سوایظرک الله یخفی اثرک ارفع ثالیلی و سعک بهم
که نظر کنی دران ستاره **وایضا** از برای کلف و کلف بزرگی و سیاهی است که در رو

آدمی پیدا میشود و خط مدوری گرد خط بکشد و بعد از آن درمیان خط بنویسد
این کلمات را که یوما یوما ربا ما اوعنی اصوآما وهی تمر مر السحاب صنع الله الذی
اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون **و نیز** از برای کلف بنویسد در صباح
بر موضعی که کلف دارد در وقتی که آن کس بر ناشتا باشد این کلمات را که هر بقیه
مرلعیت حتی تحت الطرابقه **و نیز** جهت کلف بنویسد در صباح بر ناشتا این
کلمات را بر موضعی که کلف دارد قد بید قد انید کبیره من کردهن سالیار
خشک باد بحق الملک **و نیز** برای آبله اطفال بنویسد این صورة
و ببندد بر بازوی کسی که آبله دارد و بعد رستی که آبله بیرون نمی آید و اگر بیرون
آمده باشد زیاده از آن بیرون نیاید **و نیز** از برای آبله بنویسد این شکل
چهار در چهار را و ببندد بر کسی که آبله دارد شکل این است

١٣	٢	٣	١۶
٧	١١	١٠	[illegible]
١٢	٧	۶	٩
١	١۴	١۵	۴

و نیز از برای عقرب دعا **گفت** امام جعفر صادق
علیه السلام که هر که در وقت شام این دعا را بخواند
عقرب و مار نگزد او را بسم الله و بالله صلی الله علی محمد و آله اخذت العقارب
والحیات کلها باذن الله تبارک و تعالی بافواهها و اذنابها و اسماعها و قوائمها
عنی و عمن احببت الی ضحوة النهار **افسون دیگر** برای عقرب از امام جعفر صادق
علیه السلام که آن کسی که این دعا را بخواند مار و عقرب او را نگزد بسم الله
و بالله و توکلت علی الله و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره اللهم فاحفظنی

فی کنفک

۱۱

فی کنفک و فی جوارک و اجعلنی فی حفظک فی امنک **و نیز** برای عقرب دعا
گفت امام جعفر صادق علیه السلام که آمد جماعتی بخدمت حضرت جعفر صلی الله علیه
و آله و شکایت کردند از عقرب آن حضرت گفت که هفت بار در صباح و هفت بار
در شام بخوانید این دعا را که اعوذ بکلمات الله التامات کلها التی لا یجاوزهن
بر و لا فاجر الذی لا یخفر جاره من شر ما ذرا و من شر ما برا و من شر الشیطان
و شرکه و من شر کل دابة هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم **و نیز**
امام جعفر صادق علیه السلام که هر که این دعا را بخواند در وقت شام بگزد او را
عقرب و هیچ گزنده تا صباح **و نیز** حضرت سلیمان علیه السلام برای گزیدن مار
بسم الله الرحمن الرحیم خاتم سلیمان بن داود اخ اخ و ماسک ملائکه
[illegible] مریم [illegible] بسم الله خاتم و بالله الخاتم
چون این افسون را سه بار بر مار بخوانند مار بایستد پس اگر خواهی تواند گرفتن
او را در آن وقت و هر گاه خواهی که مار در خانه نیاید به منزل تو بنویس این افسون را
که بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] بنویسد بر چهار رقعه و دفن کن
آن رقعها را در چهار کنج منزل **و نیز** برای عقرب **گفته** اسحاق بن عمار از ابی
عبدالله علیه السلام که فرار از عقرب بیشتر است آن حضرت گفت نظر کن به بنات النعش
و آن سه ستاره است و در پهلوی ستاره خرد است که عرب آن را سها
میگویند و ما که اهل بیتیم آن را اسلم میگوییم پس هر شب نظر کن در آن ستاره

و بحق بازیکوا اللهم رب اسلم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و سلم اسحق بن عمار
گفت که ترک نکردم خواندن این دعا را در مدت عمر یکبار و دو مار شب عقرب
گزندم مرا نوع دیگر برای عقرب بنویسد این افسون را صباح روز پنجم اسفندارمذ
در حالیکه ناشتا باشد و سخن نکند تا آنکه فارغ شود از نوشتن آن و بچسپاند
آن نوشته را با خود بدرستی که چون چنین کند عقرب او را نگزد افسون
اینست بسم الله تحته قرنیة بزسه ملحة بحر اقطار قطار قطط و این افسون را
برای مار نیز روایت کرده اند گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که اگر کسی بنویسد این
افسون را و بچسباند در دیوار خانه آن دیوار دو پاره شود و شیخ گفت ابراهیم جعفی
که گزند کردن مار را ماری پس افسون کرد مار را اسود بن زید هامن افسون و من خلاص
شدم نوع دیگر نقلست که جماعتی آمدند بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
و سلم و شکایت کردند از کیک آنحضرت فرمود که وقتی که جا گیرید در فراش خود
بجهت خواب بگوئید ایها الاسود الوثاب الذی لا یبالی غلقا و لا بابا عزمت علیک
بام الکتاب ان لا تؤذینی و لا اصحابی الی ان ینقضی اللیل و یجی الصبح بما جاء
والذی نعرفه الی ان یئوب الصبح بما آب نوع برای بنده که گریخته باشد گفت امام جعفر
صادق علیه السلام که چون بنده گریخته باشد بنویس بر ورقی این دعا را بسم الله
الرحمن الرحیم فلان بن فلانة یعنی نام آن بنده را بنویس مغلولة الی
عنقه اذا اخرج یده لم یکد یریها و من لم یجعل الله له نورا فما له من نور بعد از آن در میان بپیچ

این

این ورق را و بپیچید در میان دو چوب و بعد از آن بپیچید آن نوشته را در طاق
خانه تاریکی که آن بنده در آنجا می بود نوع برای علتی که در سم چهار پایه پیدا شود
یکی پاره پشمی که آب با او رسیده باشد بتاب او را و صفت گره بزن و بر گره که بزنی
بگو جرح عیسی بن مریم علی حماره فلم یدحس و لم یرهص ارنا اریکک و الله عز و جل
تشفی و ببندان ریسمان را بر سمی که علت دارد نوع برای سحر گفت محمد بن عیسی که پرسیدم
از امام رضا علیه السلام که آیا سحر می باشد و اثری دارد آنحضرت گفت
بلی می باشد و ساحران ضرر می رسانند باذن خدای تعالی پس وقتی که سحر کنند کسی را
دست خود را بر روی خود و بخوان بر دست خود این کلمات را که بسم الله العظیم
رب العرش العظیم الا ذهبت و انقرضت گفت جردی که پرسیدم از امام رضا
علیه السلام که آیا چشم زخم می باشد آنحضرت گفت بلی می باشد پس هرگاه چشم
زخمی رسد بردار دست خود را برابر روی خود و سوره فاتحه و قل هو الله و قل اعوذ
برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخوان و بمال هر دو دست خود را بر
خود بدرستی که نفع بخشد باذن خدای تعالی گفت که کسی پرسید از ابی عبدالله علیه السلام
از خاصیت سوره قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس پس آن
حضرت گفت لبید بن اعصم الیهودی سحر کرد رسول خدا را صلی الله علیه و آله و سلم
پس جبرئیل علیه السلام بخدمت آنحضرت آمد این دو سوره را آورد آنحضرت ریسمانی
طلبید و دوازده گره زد بر آن ریسمان و طلبید امیر المؤمنین علی را علیه السلام

داد با میر المومنین علی ریسمانی که آنحضرت بر او دوازده گره زده بود وگفت برو در چاه
زردان واین دو سورت را بخوان و بعد هر آیتی گرهی بگشا این ریسمان پس
امیر المومنین علی کرم الله وجهه رفت واین کار کرد وبیرون آورد از چاه آنرا
که سحر کرده بود لبید پس سحر او باطل شد **گفت** ابن عباس که لبید بن اعصم الیهود
سحر کرد رسول خدا را صلی الله علیه وآله وسلم وپنهان کرد او را در چاه بنی زریق
آنحضرت بجا رسید پس آنحضرت در خواب بود که دو فرشته آمدند یکی بر بالای سر
آنحضرت نشست و دیگری بر پایین پس خبر دادند آنحضرت را در خواب که
لبید ترا سحر کرده است در چاه زردان در پوست شکوفه است و در زیر سنگی
است که در ته چاه است پس بیدار شد آنحضرت و فرستاد امیر المومنین علی را
علیه السلام و زبیر وعمار را پس ایشان رفتند وکشیدند آب آن چاه را و آن
سنگ را برداشتند وبیرون آوردند آن پوست شکوفه را پس در وی موی سر
آنحضرت بود و دندانه چند از شانه آنحضرت نیز بود و آن موها را تار کرده
بودند وسوزنها در آن گرهها فرو برده بود پس برداشتند آنها را و بخدمت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم آوردند پس جبرئیل علیه السلام فرود آمد وسوره
قل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس آورد و خواند این دو سوره را و
هر آیتی که میخواند ازین سوره گرهی گشوده میشد چون گرهها تمام گشوده شد رسول
خدا صلی الله علیه وآله در خود سبکی وخفتی یافت و برخاست وجبرئیل علیه السلام

میگفت

میگفت بسم الله ارقیک من کل شیء یوذیک من حاسد وعین والله یشفیک **گفت**
برای سحر بنویسد این آیات را بر ورقی و بر بندد بر آنکس که سحر کرده اند او را وقال
موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین فوقع
الحق وبطل ما کانوا یعملون فغلبوا هنالک وانقلبوا صاغرین **ونیز** برای سحر هفت
بار بخواند این آیت را که سنشد عضدک باخیک ونجعل لکما سلطانا فلا یصلون
الیکما بآیاتنا انتما ومن اتبعکما الغالبون **گفت** امام جعفر صادق علیه السلام
که زنی گفت بحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم که من شوهری دارم و دوست
نمیدارد مرا و من سحر کردم که دوست دارد مرا آنحضرت گفت که وای بر تو که کار
کردی که لعنت میکنند فرشتهای آسمان و زمین ترا آن زن چون این سخن شنید از آن
حضرت روزها روزه میداشت وشب بعبادت مشغول می کرد وسر خود را تراشید
و پلاسی پوشید بجهت عملی که کرده بود پس خبر رسید به رسول خدا صلی الله علیه وآله
وسلم که آن زن این کارها کرد آنحضرت فرمود اینها قبول نیست کسی گفت یا رسول الله
چرا قبول نیست آنحضرت گفت بجهت آنکه سحر وشرک نزدیک یکدیگرند و خدا
و خدای تعالی شرک را نمی آمرزد پس سحر با شرک نزد **نشره** برای چشم زخم گفت
زراره که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که کسی را که چشم رسیده باشد
می باید دمید در سوراخ جانب راست بینی او چهار بار و در سوراخ جانب چپ
سه بار و بعد از آن می باید گفت که بسم الله لا باس اذهب الباس رب الناس

واشف انت الشافی لا یکشف البأس الا انت کفت امام جعفر صادق
علیه السلام که اگر چیزی سبقت می گرفت بر چیزی که مقدر شده است چشم زخم
می بود و نیز برای چشم زخم بخوانید سوره فاتحه را و بنویسید این دعا را بسم الله
اعیذ فلان بن فلان یعنی بنویسند نام آنکس و نام مادر او را بکلمات
الله التامات من شر ما خلق و ذرأ و برأ و من کل عین ناظرة
واذن سامعة ولسان ناطق ان ربی علی صراط مستقیم و من شر الشیطان
وعمل الشیطان وحیله ورجله وقال یا بنی لا تدخلوا من باب واحد وادخلوا
من ابواب متفرقة کفت معمر بن خلاد که در خراسان در خدمت امام رضا
علیه السلام می بودم آنحضرت فرمود مرا که از برای او بوی خوشی بیارم چون
آوردم در جیب او رد او را از آن بوی خوش و متوجه او شد و گفت ببین که
هر چشم زخمی باشد بنویسید در رقعه سوره فاتحه و قل هو الله و قل اعوذ برب
الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی را و بنه غلاف بیشتر او
خوش کفت ابو عبدالله علیه السلام که چشم زخم می باشد و ایمن نیستم از چشم
زخم خود بر خود و بر دیگران پس هر گاه بترسی که چشم زخم کردن خود را یا دیگری را
سه بار بگو ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم و نیز کفت که
وقتی که مهیا شوید بجهت بیرون رفتن از منزل بر وجهی که در جیب آورد او را
چیزی از برادر مومن باشما را باید که در وقت بیرون رفتن منزل سوره

قل اعوذ

قل اعوذ برب الناس بخوانید بدرستی که ضرر نمیرسد شما را از چشم باذن
خدا تعالی و نیز کفت که آن کسی که در جیب او را چیزی از برادر
مومن باید که دعای خیر و برکت کند برای او بدرستی که چشم زخم می باشد و نیز
برای چشم زخم بنویسید این دعا را و با خود نگاه دارد و چشم کار نکند باو
دعا اینست رب مطر حابس و حجر یابس و لیل دامس و رطب و یابس رد العین
عن المعیان علیه فی کبده و لحمه و ماله فارجع البصر هل تری من فطور ثم ارجع
البصر کرتین ینقلب الیک البصر خاسئا و هو حسیر فصل در بیان حرزها
کفت امیر المؤمنین علی علیه السلام که آنکسی که این حرز را بنویسد و با خود
نگاه دارد ایمن شود از سحرها و مانند آن و از صرع و زهر و شر سلطان و جمیع
آنچه آدمی از و میترسد و از شر دزد و درنده و مار و عقرب و جمیع چیزهایی که
آدمی از و میترسد و ایذا میرساند و در کتاب مهج الدعوات مذکور است که
بر بازوی راست می باید بست حرز اینست بسم الله الرحمن الرحیم ای کوس
ای کنوس ارد سس عطیطیط یا مسطرون فرقیون ما و ماسا ماسر
طیطاوس خیطوس مسعس مشاصعوس ازقطیوس نطیفوس هذا و ما کنت
کاف الولی اذ قضینا الی موسی الامر و ما کنت من الشاهدین
اخرج بقوة الله منها ایها اللعین بعزت رب العالمین اخرج منها و الا کنت
المسجون اخرج منها فما یکون لک ان تتکبر فیها فاخرج انک من الصاغرین

اخرج منها مذموما مدحورا ملعونا لعنا اصحاب السبت وكان امر الله مفعولا اخرج
باذن المخزون اخرج ما سوا رما سوار بالاسم المخزون يا طط رون طرطرون اعون
تبارك الله رب العالمين احسن الخالقين يا هيا يا هيا شراهيا هيا قيوما
بالاسم المكتوب على جبهة اسرافيل اطرد اعن صاحب هذا الكتاب كل
جني خبيث شيطان وشيطانية وتابع وتابعة وساحر وساحرة وغول
وغولة وكل متعنت وعات عنيد يا ابن آدم ولا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم وصلى الله على سيدنا محمد وآله اجمعين الطيبين الطاهرين

ححححح حرحر لم لم سرجدا اصل
وسرجدا اصل **آخر** امام زين العابدين عليه السلام در کتاب منهج الدعوات
مذکورست که آنحضرت هر صباح وشام میخواند این حرز را بسم الله
الرحمن الرحيم بسم الله وبالله سددت افواه الجن والانس والشياطين
ومن عودهم بالله العزيز الاعز وبالله الكبير الاكبر بسم الله الظاهر الباطن
المكنون المخزون اقام به السموات والارض ثم استوى على العرش بسم الله الرحمن الرحيم
ووقع القول عليهم بما ظلموا فهم لا ينطقون قال اخسؤا فيها ولا تكلمون وعنت الوجوه
للحي القيوم وقد خاب من حمل ظلما وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا
جعلنا على قلوبهم اكنة ان يفقهوه وفي اذانهم وقرا واذا ذكرت ربك في القرآن

وحده ولوا على ادبارهم نفورا واذا قرأت القرآن جعلنا بينك وبين الذين
لا يؤمنون حجابا مستورا وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم
فهم لا يبصرون اليوم نختم على افواههم وتكلمنا ايديهم وتشهد ارجلهم بما كانوا يكسبون
ولو انفقت ما في الارض جميعا ما الفت بين قلوبهم ولكن الله الف
قلوبهم انه عزيز حكيم وصلى الله على خير خلقه محمد وآله الطاهرين **دیگر** از امام رضا
عليه السلام واین حرز را رقعة الجیب گویند **صفت** امام رضا علیه السلام که
رقعة الجیب تعویذیست برای هر چیز وهر کس که این تعویذ را بنویسد ونگاه دارد
در گریبان جامه خود بلاها از و دفع شود وایمن شود از شر شیطان رجیم
بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالرحمن منك ان كنت تقيا قال اخسؤا
فيها ولا تكلمون اخذت بسمعك وبصرك بسمع الله وبصره واخذت قوتك
وسلطانك بقوة الله وسلطانه الى خرجني وبينك بالحجب او لباده وسرادق
تترحم من القراءة وسطواتهم جبرئيل عن يميني وميكائيل عن يساري
ومحمد امامي والله محيط بك حجرك عني بحوله وبينك بحوله وقوته وحسبي الله
ونعم الوكيل ماشاء الله كان وما لم يشا لم يكن وآية الكرسی را نیز
بنویسد واین کلمه را نیز بنویسد که لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
نوع دیگر از امیر المؤمنین علی علیه السلام بسم الله وبالله رب اقترب
ربك وتوكلت عليك وفوضت امري اليك رب اني رأيت ضعف ربك

الی قوة رکنک مستظهر لک مستغنیا بک ذوی المترضی علی والقدرة والقوة
علی ضمی والاقدام علی ظلمی یا رب انی فی جوارک فانه لا ضیم علی جارک رب فاقهر
علی قاهری بقوتک واوهن عنی مستوهنی بقدرتک واقصم عنی صاحب
حیفتک رب فاعذنی بعیاذک بک استمنع عائذک رب فادخل علی ذلک کله
سترک ومن یستر فهو الآمن المحفوظ لا حول ولا قوة الا بالله الذی لم یتخذ ولد
ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا فی کل واحمده
فی نفسه او حول فی تعلد او قوت امره فی شی سوی الله عز وجل فان حولی وقوتی
وکل حسبی بالله الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا
احد کل ذی ملک مملوک لله وکل مقتدر قواه القدرة لله وکل ظالم مخصوص له
من عدل الله کل مستسطیها ما سطوت الله کل شی فی قبضة الله صغر کل جبار
فی عظمة الله ذلک کل عنید استتطرت کل عدد ودرات فی کل بحر عمات بامیه
طرت باذن الله مبنی وبینک مترف ذی سطوة وجبار ذی نخوة ومتسلط
ذی قدرت دعات ذی مهلة ووال ذی امره وحاسد ذی ضیغة ومأکر ذی مسکدة
وکل جان او معین علی بغاته او مغریة او حیلة موذیة او سعایة مشلیة او علیة
مردیة وکل طاع ذی کبریاء او معجب ذی خیلاء علی کل مذهب واعددت لنفسی
وذریتی منهم حجابا بما انزلت فی کتابک واحکمت من وحیک الذی لا یوتی
بسورت من مثله وهو الکتاب العدل العزیز الجلیل الذی لا یاتیه الباطل من بین

یدیه

یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم حمید ختم الله علی قلوبهم وعلی ابصارهم غشاوة
ولهم عذاب عظیم وصلی الله علی محمد واله وسلم تسلیما کثیرا کثیرا
نوع دیگر نقلست که این حرز را الحیت تب می باید نوشت بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله النور بسم الله نور علی نور بسم الله هو مدبر الامور بسم الله الذی
خلق النور من النور علی الطور فی کتاب مسطور بقدر مقدور علی نبی محمود
الحمد لله الذی بالعز مذکور وبالفخر مشهور وعلی السراء والضراء مشکور و
صلی الله علی محمد واله الطیبین این حرزیست که تعلیم کرده است حضرت فاطمه
سلمان فارسی رحمة الله علیه وگفت سلمان که آموختم بزیاده از هزار کس از اهل مکه و
مدینه که تب می کردند پس ایشان شفا یافتند ببرکت این حرز باذن الله تعالی
وچون این کتاب محل ذکر حرزهای طویل نبود اختصار کردیم باین حرزهای
مختصر دوازدهم در بیان چیزهای که در وی کتابیست در این باب
مفصل فصل اول در بیان حقوقی که امام زین العابدین علیه السلام بیان
فرموده است نقل کرده است اسمعیل فضل از ثابت بن دینار واو
روایت کرده است از سید عابدین علی بن الحسین علیهما السلام که گفت که خدای تعالی
تو آنست که پرستی اورا و شریک نگردانی بدو چیزی را پس چون تو این کار را خالص
کنی خدای تعالی کفایت می کند کار دنیا و آخرة تو را وحق نفس بر تو آنست که
مشغول گردانی اورا طاعت خدای تعالی وحق زبان بر تو آنست که نگاه

داری او را از فحش گفتن و عادت دهی او را بگفتن سخنان خیر و ترک کردن
سخنان بیفایده و نیکوی کردن به برادران و سخنان خوش گفتن با ایشان و حق
گوش آنست که نگاه داری او را از شنیدن غیبت و از شنیدن چیزی که
حرام است شنیدن آن و حق چشم آنست که نظر نکنی بچیزی که حرام است بر تو
دیدن او و بنظر عبرت نگاه کنی بچیزها و حق دست آنست که بچیزی که حلال نباشد
نگیری و حق پا آنست که نروی بسوی آنچه حلال نباشد از ظلم او تا بآسانی طور
دنیا بیتو و دزد و دوزخ نیفتی خوردن حق شکم بر تو آنست که حرام نخوری و از حلال
زیاده از آنچه سیر میشوی نخوری ای برادر فرج آنست که نگاه داری او را از زنا و
از آنکه نظر نامحرم بروی نیفتد ای برادر نماز آنست که در وقت نماز نزد خدا ایتعالی
ایستاده پس فهمی که دانستی این را در نماز میایستی در نماز مناجات میکنی کسی که خود را
خوار و حقیر و ترسنده و امیدوار باشد و فروتنی و تضرع و زاری نماید و بزرگ
داند آنکسی را که پیش او ایستاده است بسکون و وقار و توجه میکنی بنماز بدل
خود و ادا میکنی نماز را بشرایط و حقوق او ای برادر حج آنست که بدانی
که میروی نزد پروردگار خود و میگریزی بسوی او و پناه میجوئی باو از گناه
خود و بدانی که در حج قبول میشود توبه تو و عمل میکنی که خدا ایتعالی واجب
گردانیده است ای برادر روزه آنست که بدانی که در روزه نگاه میداشتی باید
زبان خود را و گوش و چشم و فرج خود را از زنا و از نامشروعات تا آنکه روزه

نگاه دارد ترا از آتش دوزخ روزه نداری حق تعالی ترا بدوزخ میبرد ای برادر
صدقه آنست که بدانی که صدقه ذخیره تست نزد پروردگار تو و امانت تست
نزد خدا ایتعالی که احتیاج بگواه نیست و بدانی که در پنهان دادن تو ثواب
بیشتر است از آشکارا دادن و بدانی که دفع میشود از آتش دوزخ در آخرت
ای برادر هدیه دادن آنست که از برای خدا بدهی و عوض تو آن باشد که برحمت خدا
برسی و نجات یابی در روزی که ملاقات میکنی به پروردگار خود یعنی در
روز قیامت ای برادر سلطان آنست که بدانی که تو عاجزی در دست او و سیاستی
که خواهد بتو میتواند کرد و حجت بر تو کرد انکار نکنی که سلطان خشم گیرد بر تو و خود را
در هلاکت بیندازی و شریک باشی از بدی که از سلطان بتو میرسد ای برادر
معلم بر تو آنست که تعظیم کنی او را و با ادب باشی در مجلس او و متوجه
باشی باو و نیکو گوش کنی سخنان او را و نزد او آواز بلند نکنی و اگر کسی چیزی از او
سوال کند تو جواب نگوئی تا او جواب بگوید و در مجلس او آهسته سخن بکنی
بکسی و نزد او کسی را غیبت نکنی و وقتی که بدی او را نزد تو ذکر کنند منع کنی و
بپوشی عیبهای او را و ظاهر کنی نیکوئیهای او را و نه نشینی با دشمن او و دشمنی نکنی
با دوست او پس وقتی که چنین کنی گواهی میدهند برای تو فرشتها که قصد تو
طلب علم رضای خدمت نه رضای خلق ای برادر آنکسی که سیاست میکند ترا حجت مالک
آنست که فرمان برداری او کنی و نافرمانی او نکنی مگر در چیزی که موجب نافرمانی

غافل شود اما بدانک رعیت بر سلطان که بدانی که ایشان رعیت تو اند بجهت ضعف ایشان
و قوت تو پس واجبست که عدل کنی با ایشان و مهربان و مشفق باشی و شتاب
نکنی در عقوبت ایشان و شکر خدا تعالی بگویی که ترا حاکم گردانیده است
برای ایشان اما حق آنها که تعلیم علم میکنند از تو آنست که بدانی که
بدانی که حق تعالی گردانیده است ترا معلم ایشان و داده است ایشان
علم بتو از خزانه خود پس اگر نیکو تعلیم کنی مردمان را و دروغ نگویی با ایشان و درشتی
نکنی با ایشان در وقت تعلیم زیاده کرداند حق تعالی علم و دانش ترا از فضل
و کرم خود و اگر منع کنی مردمان را از علم خود و دروغ بگویی با ایشان در
وقت تعلیم واجبست بر خدای که ببرد علم و دانش ترا و رونق او را از تو
و بی اعتبار و خوار کرداند ترا در نظر مردمان اما حق زن بر تو آنست که بدانی
که حق تعالی گردانیده است او را مونس تو و مصاحب تو و بدانی که این نعمتیست که
حق تعالی بتو داده است اما واجبست که رحم کنی بر وی و طعام و پوشش بدهی او را
زیرا که او اسیر تست و اگر از روی نادانی کاری کند عفو کنی از وی اما حق بنده تو
آنست که بدانی که آفریده است او را پروردگار تو او نیز فرزند آدم است و بدانی
که مالک بودن تو او را چنانست که تو آفریدی نه خدای تعالی و بدانستی که
تو نیافریدی او را و هیچ عضوی از اعضای او را و بدانی که تو روزی نمیدهی
او را و لیکن حق تعالی آفریده است او را و روزی می‌دهد او را و مسخر تو شده

تو گردانیده

تو گردانیده و امین گردانیده است بر وی بامانت گذاشته است ترا نزد او تا
نیکویی کند بتو پس نیکویی کن با وی چنانکه خدا تعالی نیکویی کرده است بتو
و اگر او را نخواهی بفروش و دیگر فرا بخر و عذاب مکن او را چه او نیز بنده حق است
اما حق مادر بر تو آنست که بدانی که نگاه داشته است ترا در شکم خود بر وجهی که
کسی نگاه نمیدارد بآن وجه کسی را و داده است بتو از میوه دل خود چیزی که
کسی بکسی نمیدهد یعنی شیر داده است ترا و نگاه داشته است ترا بتمام اعضا
خود و باکی نداشت از برهنگی و گرسنگی خود و طعام و آب می داد بتو و می پوشانید
ترا و در آفتاب می نشست و سایه می کرد و خواب نمیکرد بجهت تو و نگاه میداشت
ترا از گرما و سرما تا مونس و غمخوار او باشی پس در رستی که نمیتوانستی شکر او
را بجای آوردن مگر بتوفیق و یاری حق تعالی اما حق پدر بر تو آنست که بدانی
که او اصل تست و اگر نبود او تو موجود نمیشدی پس هرگاه ببینی در نفس خود چیزی
خوبی که در عجب آورد ترا بدان اصل و سبب این نعمت پدر تست پس حمد و شکر بگو
حق تعالی را بقدر این نعمت اما حق فرزند بر تو آنست که بدانی که او از تو حاصل شده
است و خیر و شری که از وی در دنیا بوجود می آید بتو نسبت می کنند و از تو سوال میکنند
از حسن ادب و خدا شناسی او و یاری دادن تو او را بر طاعت و عبادت
پس در حق او کاری بکن همچو کار کسی که میداند که ثواب می یابد بسبب احسان
و نیکویی کردن و عذاب می یابد بسبب بدی کردن اما حق برادر بر تو آنست که

بدانی که مدد کار تست و قوت تو سبب اوست پس مگردان او را معصیت
خدای تعالی و بر خلق خدا او مگذار او را باید شتم و یاری و نصیحت کن او را
پس اگر اطاعت و فرمان برداری خدای تعالی بکند نهی سعادت او و اگر نکند
خدای تعالی اکرام میکند ترا بجهت نصیحتی که کردی حق مولای که
ترا آزاد کرده است بر تو آنست که بدانی که صرف کرده است مال خود را برای
تو بیرون آوردن ترا از خواری و اندوه بندگی و رسانیده
است ترا بعزت و حرمت آزادی پس آزاد کردانیده است ترا از قید
بندگی و خلاص کرده است ترا از زندان عبودیت و ترا مالک نفس تو کردانیده
است و فارغ ساخته است ترا تا عبادت پروردگار خود کنی و بدانکه
او سزاوارترین خلق است بتو در حال حیات و ممات و واجبست بر تو که یاری
کنی او را بنفس خود و با آنچه محتاج است بتو حق مولایی که تو او را آزاد
کرده آنست که بدانی که حق تعالی کردانیده است آزادی او را وسیله قرب
بخود و پناه تو از آتش دوزخ و مزد تو در دنیا میراث بردن است از او
وقتی که نباشد او را میراث خواری و این عوض نفقه ایست که داده باو
از مال خود و مزد تو در آخرت بهشتست حق کسی که نیکویی کرده باشد
بتو آنست که شکر کویی و ذکر کنی نیکویی او را و سعی کنی که نکویی او بکویی
و از روی اخلاص در خلوت برای او دعا کنی پس وقتی که چنین کنی شکر او کرده

آورده

آورده پنهان و آشکارا و اگر روزی قدرة بیابی و توانی که عوض کنی نیکویی او را
بکنی حق مؤذن بر تو آنست که بدانی که او بیاد تو میدهد پروردگار ترا و ترا میخواند
بسوی بهره تو و یاری میکند ترا بر ادا کردن آنچه واجب کردانیده است حق تعالی بر تو حق
امام پیش نماز بر تو آنست که بدانی که او سعی میکند در اصلاح میان تو و
میان خدای تعالی و قرات میکند از قبل تو و تو قرات نمیکنی و او دعا
میکند برای تو و تو دعا نمیکنی برای او و در روز قیامت صحت و فساد نمازی که
با او کرده از وی می پرسند نه از تو پس اگر نقصان در نماز واقع شده باشد
او معاقب خواهد بود نه تو و اگر نماز صحیح باشد تو شریک او خواهی بود در ثواب
آن نماز و او را زیاده از ثواب تو نخواهند داد بجهت نماز پس او نگاه میدارد نفس
ترا بنفس خود و نماز ترا بنماز خود پس شکر کن او را بقدر این حق همنشین بر تو
آنست که ملایمت کنی با او و رعایت و انصاف کنی در سخن گفتن و برنخیزی از مجلس
مگر باذن او و همنشین تو میتواند که بی اذن تو برخیزد و فراموش کنی عیبهای
او را و نگاه داری نیکوییهای او را و نکویی با او مگر سخن خیر حق
همسایه بر تو آنست که جانب او را نگاه داری وقتی که کسی بر او ظلم کند و بپوشی عیب
او گفتی پس اگر مطلع بر عیب و بدی او باشی بپوشانی آنرا و اگر بدانی که نصیحت
قبول میکند در خلوت نصیحت کنی او را و گذاری او را در سختی و عفو کنی گناه
او را و معاشرت نیک کنی با او حق مصاحب بر تو آنست که مصاحب

با او نیکویی و انعام و اکرام کنی و او را هیچ نکنی او اکرام میکند ترا و گذاری که
اکرام و تعظیم کند ترا و اگر او بیشتر اکرام کند ترا تو عوض کنی آنرا و دوست داری
او را هیچ نکنی او دوست میدارد ترا و منع کنی او را از کینه کردن و دوان
باشی با او و عذاب نکنی او را حق نزدیک بر تو آنست که اگر غایب باشد
کفایت کنی مهمات او را و اگر حاضر باشد رعایت جانب او بکنی و حکم نکنی
بحکم او و کاری نکنی برای خود بی مشورت او و حفظ مال او کنی و خیانت
نکنی با او در جمیع امور خواه کم خواه بسیار در رستی که برکت با شریکان است
مادامی که با یکدیگر خیانت نکنند حق مال تو بر تو آنست که او را حاصل کنی
از وجه حلال و صرف نکنی آنرا مگر بوجه حلال و مال خود را ندهی بکسی که ترا ستایش
نمیکنند و در راه خدای تعالی صرف کنی و بخیلی نکنی که در آخرت حسرت بسیار خواهی
خورد و پشیمان خواهی شد حق آنکس که چیزی دارد بر ذمه تو آنست که اگر مال
داشته باشی بدهی حق او را و اگر چیزی نداشته باشی راضی کنی او را بسخن خوش
و لطف و نیکویی کنی با او حق آنکس که اختلاط دارد با تو آنست که فریب ندهی
او را و راستی کنی با او و از حق تعالی بترسی در کار او حق کسی که دعوی میکند بر تو
آنست که اگر دعوی حق باشد تو خود گواه باشی بر نفس خود و ظلم نکنی بر وی و تمام بدهی
حق او را و اگر دعوی او باطل باشد ملایمت کنی با او و کاری نکنی که موجب
خشم برو زیاده شود حق کسی که دعوی میکنی بر او آنست که اگر حق با

تو باشد طلب نمایی آن دعوی را و در رسم هیچ و انکار حق او نکنی و اگر دعوی
باطل باشد بترسی از خدای تعالی و توبه کنی و ترک کنی دعوی را حق آنکسی که
بتو مشورت میکند آنست که اگر میدانی رای نیکو بگویی با او و اگر ندانسته
راه نمایی او را بکسی که رای نیکو داشته باشد حق آنکسی که تو با او مشورت
میکنی آنست که اگر او چیزی بگوید که موافق رای تو نباشد متهم نسازی او را و اگر
موافق رای تو باشد حمد بگویی خدای تعالی را حق آنکسی که طلب نصیحت میکند از تو
آنست که نصیحت کنی او را از روی رحمت و مهربانی و ملایمت حق آنکسی که ترا نصیحت
میکند آنست که ملایمت و تواضع کنی با او و گوش کنی سخن او را پس اگر آنچه میگوید صحیح است
و صلاح تو در آن باشد حمد بگویی حق تعالی را و اگر صواب نباشد مهربانی کنی
با او و متهم نسازی او را و بدانی که او خطا کرده است و مواخذه نکنی
او را باین خطا مگر آنکه مستحق تهمت باشد پس اعتبار مکن او را در هیچ حال
حق آنکسی که بسال از تو بزرگتر باشد آنست که تعظیم کنی او را بجهة آنکه بسال
از تو بزرگتر است و بزرگی داری او را بجهة آنکه پیش از تو مسلمان بوده است
و اگر او با تو خصومت و نزاع کند بردباری با او و تحمل کنی و در راه رفتن بر وی سبقت
نگیری و در مجلس مقدم بنشینی بر وی و او را نادان نگویی و اگر او ترا نادان گوید
تحمل کنی و اکرام و تعظیم کنی او را بجهة حق اسلام و حرمت اسلام حق آنکسی که
بسال از تو خوردتر است آنست که رحمت و مهربانی کنی با او و تعلیم فرمودن

و عفو کنی بی ادبی او را و بپوشانی بدی او را و مدارا کنی با او و یاری کنی او را
حق آنکسی که از تو چیزی میطلبد آنست که چیزی بدهی با و بقدر حاجت او و
حق کسی که تو چیزی میطلبی از و آنست که هرچه بدهد قبول کنی و شکر بگوئی او را
و بدانی قدر نعمت را و اگر چیزی ندهد و عذر بگوید قبول کنی عذر او را حق آنکسی که
خوشحال گرداند ترا بسبب او آنست که حمد و ثنا بگوئی اول حق تعالی را و بعد
از آن شکرگذاری کنی از و حق کسی که بدی کند بتو آنست که عفو کنی از و و اگر میدانی
که عفو کردن ضرر میکند انتقام بکشی از و زیرا که حق تعالی فرموده است
ولمن انتصر بعد ظلمه فاولئک ما علیهم من سبیل یعنی و هر که کشد انتقام از ظالمی که
ستم کرده باشد بر و پس آن گروه کینه کشندگان را گناهی نیست حق
آنکسانی که با تو هم مذهب باشند آنست که خیر رسانی بایشان و مهربانی
باشی بایشان و رحمت نمائی و ملایمت کنی بیدان ایشان و الفت گیری و اصلاح
حال ایشان کنی و شکر بگوئی نیکان ایشان را و بازداری ایذا را از ایشان
و دوست داری برای ایشان آن چیز را که دوست میداری برای خود و
مکروه داری برای ایشان آنچیز را که مکروه میداری برای خود و پیران ایشانرا
بمنزلهٔ پدر خود بدانی و جوانان ایشان را بمنزلهٔ خود بدانی و پیرزنان ایشانرا
بمنزلهٔ مادر خود و فرزندان ایشان را بمنزلهٔ طفلان خود بدانی حق کافر ذمی
بر تو آنست که قبول کنی از ایشان آنچه حق تعالی قبول کرده است از ایشان و

ظلم نکنی

ظلم نکنی برایشان هرگاه وفا کنند بعهد خود فصل دوم در ذکر چیزهائی که منع فرموده
اند حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم از آن حدیث کرده است امام جعفر
صادق علیه السلام از پدران خود علیهم السلام که گفت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
که منع کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از چیزی خوردن وقتی که کسی
جنب باشد و گفت که چیزی خوردن در آن وقت درویشی می آورد و منع کرد از چیدن
ناخن بدندان و از مسواک کردن در حمام و از آب دهن انداختن
در مسجد و از خوردن پس ماندهٔ موش گفت که گرانند مسجد را از
رو و اگر خواهید که از مسجد بگذرید دو رکعت نماز بگذارید و بروید منع از
بول کردن در زیر درخت میوه دار و در میان راه و از چیزی خوردن بدست
چپ و تکیه کرده چیزی خوردن و از گچ کاری قبرها و از نماز گذاردن در
گورستان و گفت که وقتی که غسل کنید در جائی که فضائی داشته باشد
خالی باشد میان شما و آسمان باید که بپوشید عورت خود را و باید که آب
نخورند از نزدیک دستهٔ کوزه و در سینی که نزدیک دستهٔ کوزه محل جمع
شدن چرک است منع کرد از بول کردن در آب ایستاده بدرستی که دیوانگی
می آورد منع کرد که راه رود کسی در یک پای نعلین پوشیده باشد و دیگری پوشیده نباشد
منع کرده است از ایستاده ازار پوشیدن و بول کردن در برابر آفتاب
و ماه و فرج او برهنه باشد منع کرد که هرگاه که بخلا روید که غایط کنید

کیند از انکه روی شما یا پشت شما بقبله باشد منع کرد از فریاد کردن وقت
مصیبت واز نوحه کردن واز گوش کردن نوحه و از رفتن زنان در عقب جنازه
واز محو کردن چیزی از قرآن بآب دهن واز نوشتن از قرآن واز خواب دروغ
بستن وگفت که آنکسی که خواب دروغ به بندد حق تعالی تکلیف
کند او را در روز قیامت که دانه جو را گره زند وحال آنکه محالست
گره زدن دانه جو را منع کرد از صورت حیوان ساختن
وگفت که آنکسی که چنین کند خدا تعالی تکلیف کند او را
در روز قیامت که روح بدهد وحال آنکه نمیتواند این کار
کردن ومنع کرد از سوختن حیوانات بآتش واز دشنام
دادن خروس بدرستی که خروس بیدار میکند
کسی را برای نماز ومنع کرد که دخل کند کسی
در چیز خریدن برادر مومن وخواهد که آن چیز را
برای خود بخرد واز بسیار سخن کردن در وقت
جماع وگفت ازین جهة فرزند گنگ میشود وگفت که
شب مگذارید خاکروبه را در خانه بدرستی که
آن محل شیطانست وگفت که آنکسی که شب
گذراند ودست او چرب باشد وبرسد باو دیوانگی از شیاطین پس ملامت

نکند مگر خود را ومنع کرد از استنجا کردن بسرگین واستخوان واز بیرون رفتن
زن از خانه بی اذن شوهر پس اگر بیرون رود بی اذن شوهر لعنت میکند
او را هر فرشته که در آسمانست وهر چیزی که آن زن برو بگذرد از جن وآدمی
تا وقتی که باز گردد بخانه خود ومنع کرد ازین که زن زینت کند برای غیر شوهر خود
پس اگر چنین کند واجبست بر خدا تعالی که بسوزاند او را بآتش دوزخ
ومنع کرد که سخن کند زن نزد غیر شوهر خود وغیر محرمان خود بیشتر از پنج کلمه از
سخنان ضروری ومنع کرد که زن برهنه بخوابد با زن برهنه دیگر در یک لحاف
ومنع کرد که خبر دهد زنی بزن دیگر چیزی را که در خلوت میان او وشوهر او گذشته
است ومنع کرد از جماع کردن بزن خود رو بقبله ودر میان راهی که مردمان آمد شد
میکنند پس آنکسی که چنین کند لعنت خدا وفرشتها وجمیع مردمان برو باد
ومنع کرد که مردی بگوید بمردی که خواهر خود را بمن نکاح کن تا من خواهر خود را
بتو نکاح کنم ومنع کرد از رفتن نزد منجم وگفت که آنکسی که نزد منجم رود وتصدیق
کند سخنان او را بتحقیق کافر شده بآنچه حق تعالی فرستاده است بر پیغمبر ومنع کرد از
باختن نرد وشطرنج واز نواختن عود وطنبور وشنیدن آن واز غیبت
کردن وگوش کردن آن واز سخن چینی وگوش کردن بآن وگفت که ببهشت
نمیرود سخن چین ومنع کرد که کسی بمهمانی فاسقان رود ومنع کرد از سوگند
دروغ خوردن وگفت که هر که سوگند دروغ بخورد ومحبت آنکه مال مسلمانی

ملک شود حق تعالی بر و غضب کند مگر آنکه توبه کند و باز گردد از آن منع کرد
از نشستن در مجلس شراب منع کرد که کسی با حلال خود بحمام رود و هر دو برهنه
باشند و گفت که بحمام مروید بی لنگ منع کرد از گفتن سخنی که در میان فایده
نباشد و از دست بر و زدن و از چیزی خوردن در ظرف طلا و نقره منع کرد مردان را
از پوشیدن جامه ابریشمی و دیبا و حلیه اما پوشیدن اینها زنان را باکی
نیست منع کرد از فروختن خرما پیش از آنکه زرد یا سرخ شود و از سر آب
دادن و ساقی بودن و گفت که لعنت کرده است خدای تعالی شراب را و آنرا
که تاک می نشاند بقصد شراب و آنکسی را که انگور افشرد بجهت شراب و آن را
که شراب میخورد و آنکسی را که ساقی میشود و آنکسی را که شراب میفروشد
و آنکسی را که بهای آنرا میخورد و آنکسی را که بر میدارد شراب را و می برد برای
مردم و آنکسی را که برای او میبرند و گفت که آنکسی که شراب بخورد حق تعالی
قبول نکند نماز او را تا چهل روز پس اگر در میان بمیرد و در شکم او چیزی از
شراب باشد واجبست بر خدای تعالی که بخوراند او را بدبو زرداب اهل دوزخ را
و آنچیزی که بیرون آید از فرج زناکنندگان و جمع سے شود که جمع میشود
در دوزخ و میخورند او را اهل دوزخ و گداخته میشود گوشت تن ایشان از آنچه
در شکمهای ایشان است منع کرد از سود خوردن و نوشتن قباله و گواهی
دادن و گفت که خدای تعالی لعنت کرده است کسی را که سود میخورد و کسی را که

وکیل

وکیل میشود در سود گرفتن و کسی را که چیزی می نویسد بجهت سود و کسی را که گواهی
میدهد برای سود منع کرد که کسی بگوید که میفروشم این متاع را بمبلغ
معین و بنسیه زیاده از آن مبلغ منع کرد که کسی بگوید که میفروشم این
متاع را بمبلغ معین بشرط آنکه تو متاع خود را بمبلغ کمتر از آن بمن بفروشی
منع کرد از فروختن چیزی که در تصرف او نباشد و از مصافحه کردن با کافر
ذمی و از شعر خواندن در مسجد و از منادی کردن برای گم شده در مسجد و از
بیرون آوردن شمشیر از غلاف در مسجد و از زدن بر روی چهارپا و از نظر کردن
بفرج برادر مومن و گفت که آنکسی که نظر کند بفرج برادر مسلمان لعنت کنند او را هفتاد
هزار فرشته منع کرد از نظر کردن زن بفرج زن دیگر و از پا دراز کردن بسوی طعام
و آب و از پا دراز کردن بسوی موضع سجود را و از نماز گزاردن در گورستان
و در میان راه و بر بالای شتر و در رود خانه و در جای که شتر می بندند و بر بالای
خانه کعبه و از کشتن زنبور و از داغ نهادن بر روی چهارپا و از سوگند خوردن
بغیر خدای تعالی و گفت که آنکسی که سوگند خورد بغیر خدای تعالی حق تعالی از او بیزار
است منع کرد از سوگند خوردن بسوره از سورههای قرآن و گفت که آنکسی که سوگند
بخورد بسوره از قرآن واجبست بر او که بعدد هر آیتی از آن سوره کفارت سوگند
بدهد پس اگر آن کفارت بدهد نیکوکار باشد و اگر ندهد فاسق باشد منع
کرد که سود خورد و کسی بندگانی و از نشستن جنب در مسجد و از برهنه شدن کسی

و در شب یا در روز و از حجامت کردن در روز چهارشنبه و جمعه و از سخن گفتن در روز
جمعه در وقتی که امام خطبه میخواند پس الکسی که در آن وقت سخن کند نماز جمعه او از
دست رفت و نهی کرد از انگشتری روی یا آهن در انگشت کردن و از نقش
کردن صورت حیوانی بر انگشتری و از نماز گزاردن وقت بر آمدن و فرو رفتن
آفتاب و وقت استوی و روزه داشتن و نهی روزه روز عید رمضان و عید
قربان و سه روز بعد از عید قربان و وقتی که در منی باشند و از آب خوردن
ایستاده مانند چهارپایان آب می خورند و گفت که بیاشامید آب بدست خود
که دست شما بهترین ظرفهاست و نهی کرد از آب دهن انداختن در چاهی
که از آن آب میخورند و از کار فرمودن مزدور پیش از آنکه مزد او را تعیین کنند
و نهی کرد از آنکه روی بگردانند از برادران مومن یک دیگر را زیاده از سه روز پس
الکسی که ملاقات نکند برادر مومن را سه روز بگذرد روزه و دوزخ اولی است
با او و نهی کرد از خرید و فروخت کردن طلا بطلا بشرط آنکه یکی زیاده باشد
در وزن و همچنین نقره و از مدح گفتن اهل دنیا را و گفت که خاک بپاشید
بر روی مداحان و گفت الکسی که قیام نماید بطلبی از قبل ظالمی یا آنکه
یاری کند ظالم را بر ظلم در وقت مردن ملک الموت بشارت دهد او را
بلعنت خدا تعالی و بآتش دوزخ و گفت که الکسی که مدح کند سلطان
ظالمی را و خوار سازد خود را بجهت طمعی که از او داشته است با آن ظالم در دوزخ

12

خواهد بود و گفت که خدای تعالی فرموده است و لا ترکنوا الی الذین ظلموا
فتمسکم النار یعنی میل مکنید بسوی کسانی که ستم کردند یعنی فرمان ایشان
مبرید و معاونت مکنید ایشان را به بیداد ایشان که برسد شما را آتش دوزخ
و گفت که الکسی که عمل و کار ظالمی را والی گرداند او با آن ظالم در دوزخ
خواهد بود و الکسی که بنائی کند از روی ریا و از برای شنیدن مردم حق تعالی
حکم کند که بر دارد آن بنا را در روز قیامت از هفتم طبقه زمین و آن را آتشی
مشتعل زنند و بعد از آن طوق شود و در گردن او افتد و او را بیندازند در دوزخ
و هیچ چیزی نگاه ندارد او را از آنکه بدوزخ رود مگر آنکه توبه کند گفتند یا رسول الله
بنا بجهت ریا و سمعه چگونه می باشد آنحضرت گفت که بنائی که بنا کند
زیاده بر آنچه کفایت او است یا بجهت آنکه تفوق جوید بر همسایها و تفاخر نماید
کند برادران مومن و گفت که الکسی که ظلم کند بر مزدوری در مزد او حق تعالی عمل او را
حبط کند و او را حرام گرداند بر وی بوی بهشت را که از پانصد ساله راه شنیده شود و الکسی
که خیانت کند همسایهای خود مقدار یک شبر زمین بگرداند خدای تعالی
زمینی را که خیانت کرده است طوقی در گردن او از هفتم طبقه زمین تا آنکه
ملاقات کند خدای تعالی را در روز قیامت و آن طوق در گردن او باشد مگر
آنکه توبه کند و آن زمین را بصاحب باز دهد و الکسی که بیاموزد قرآن را و بعد از آن
فراموش کند ملاقات کند خدا را در روز قیامت و دستهای او بر گردن او

او بسته باشند و مسلط کرداند خدای تعالی بعدد هر آیتی ماری که باو
باشد در دوزخ مگر آنکه توبه کند و اگر بی توبه بمیرد قرآن با او خصومت
کند در روز قیامت و حجت گیرد و در بسته دارد تا آنکه غالب شود
و اگر کسی زنا کند بزنی که مسلمان باشد یا یهود یا نصرانی یا گبر باشد خواه آن زن آزاد
باشد و خواه بنده و مصر باشد بر این کار و توبه نکند و بمیرد بگشاید حق تعالی
در قبر او سیصد دروازه دوزخ که بیرون آیند از آن ماران و کژدمان و مار بر او [illegible]
آتش سوخته باشد تا روز قیامت و چون روز قیامت شود و بیرون آید از قبر متأذی
شوند از بوی بد او و اهل محشر شناسند او را ببوی بد که زنا کرده است در دنیا
و امر کند حق تعالی که او را در دوزخ برند و بدانید که حق تعالی حرام کرده است
بعضی چیزها را و تعیین کرده است برای مجرمان حدی و نیست غیرت هیچکس را
زیاده باشد از غیرت حق تعالی و از غیرت حق تعالی است که حرام کرده است
کارهای بد را خبر که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم از نگاه کردن
در خانه همسایه بی اذن او و گفت که اگر کسی که از [illegible] مسلمان را به
غیر حلال خود عمداً داخل کرداند خدای تعالی او را با منافقان که تفحص عیوب مردمان
میکنند و بیرون رود از دنیا تا آنکه حق او را رسوا کند مگر آنکه توبه کند [illegible]
آنکسی که بشنود [illegible] بر روزی که حق تعالی با او داده است و شکایت
کند و صبر نکند و طلب ثواب نکند هیچ حسنه ثوابی او را حاصل نشود در روز قیامت

هیچ [illegible]

۱۲

حق تعالی او در غضب خواهد بود مگر آنکه توبه کند خبر که دادیم که گردن کرده
رفتن و گفت که آنکس که جاه بسر شده و تکبر کند در آنجا فرود آید خدای تعالی
او را بجهنم دانستی که خدای تعالی است بر عاقبت آنکس و مهر نهاد بر گوش او
که سخن حق نشنود و مهر نهاد بر دل او که تعقل آیات حق نکند و نهاد بر چشم او
تا بنظر عبرت نگرد پس گفت که رد نمایند این کس بعد از فرد که آتش خدای تعالی
او را باید میکرد یعنی باید و بسته شود حدیث آنکس که منافقی کرده
دین خود را از زردی خود خدای خود را شکم خود یعنی پروری
از دوست شکم کند همچنانکه مردی خدای تعالی دین می باید کرد و هر چیزی
که آورده دارد از حلال و حرام باز نمی ایستند از آنچه حق تعالی در شان ایشان
فرموده است که و فرحوا بالحیوة الدنیا و ما الحیوة الدنیا فی الاخرة الا متاع یعنی شادمان شده اند
بحیات دنیا و [illegible] متاع دنیا ایشان داده اند و نیست زندگانی دنیا در جنب
آخرت مگر متاعی که بقا و روایی ندارد حدیث [illegible] ایشان را
ایشان [illegible] و شرف و بزرگی ایشان بطلا و نقره و همگی همت ایشان
مصروف این خواهد بود که شکم خود را پر کنند از طعام [illegible]
و فتنه از ایشان خواهد بود و با ایشان باز خواهد گردید و نیز خدای تعالی فرموده
که افرأیت ان متعناهم سنین ثم جاءهم ما کانوا یوعدون ما اغنی عنهم ما کانوا
یمتعون یعنی آیا دانستی که اگر برخوردار کنیم ایشان را سالها و زندگانی

بحکم پس چنانچه ایشان الحمد وعده داده شده اند از عذاب ایمن بوده [illegible]
شوند از ایشان عذاب را الحمد از خورد داری یافته بودند یعنی [illegible]
و نعیم آن و انواع عذاب و مانع نخواهد بود [illegible] ایشان [illegible]
دو نهای ایشان [illegible] اسلام در اول غریب بود یعنی مسلمانان در
اسلام کم بود و [illegible] غریب شود چنانکه در اول بود [illegible]
آنکسانی که مسلمان بودند در اول زمان اسلام و مسلمان خواهند بود در آخر
زمان پس آنکسی که مسلمان بودند در اول زمان اسلام و مسلمان خواهند بود
در آخر زمان پس آنکسی که در یابد او زمان [illegible] باید که سلام بکنند
منافقان اگر در آن زمان باشند و حاضر شود [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] ایشان بظاهر [illegible] و افعال
ایشان مخالف احوال شما خواهد بود پس ایشان [illegible]
[illegible]
[illegible] حق تعالی فرموده است که [illegible] ادرککم الموت ولو کنتم
فی بروج مشیدة یعنی هر جا که باشید در یابد شما را مرگ و اگرچه باشید در حصار
محکم و در کوشک بلند یوم یقول المنافقون والمنافقات للذین آمنوا انظرونا
نقتبس من نورکم قیل ارجعوا وراءکم فالتمسوا نورا فضرب بینهم بسور له باب باطنه فیه
الرحمة وظاهره من قبله العذاب ینادونهم الم نکن معکم قالوا بلی ولکنکم فتنتم انفسکم

بالله الغرور فالیوم لا یؤخذ منکم فدیة ولا من الذین کفروا مأواکم النار هی
مولیکم وبئس المصیر یعنی یاد کن آن روز را که مردان منافق و زنان منافقه گویند
مر کسانی را که ایمان آورده اند که نظر کنید با ما تا بگیریم از نور شما [illegible]
باز گردید باز پس خویش یعنی بدنیا روید [illegible] زیرا که در حشر
نتوانید کرد و از دنیا با خود باید آورد [illegible]
در عقب ایشان روی باز پس کنند پس فرشتها [illegible] میان منافقان
و مومنان [illegible] دیوار [illegible]
و بیرون آن دیوار که طرف منافقانست عذاب باشد زیرا که نزدیک
دوزخ است اما منافقان چون باز پس نگرند و نور نه بینند باز [illegible]
شوند و دیواری بینند میان خود و ایشان از آن [illegible]
ما با شما در دنیا که در نماز میگذاردیم و بودیم [illegible]
گوئی بظاهر با ما بودید و لیکن در فتنه افکندید نفسهای خود را [illegible]
و لذت معاصی [illegible] عقوبت [illegible] حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible]
حق تعالی قبض روح شما [illegible] دنیا [illegible]
در فرا گرفته [illegible] عذاب [illegible]
و فدا نگیرند [illegible] ایشان [illegible]

داشتن سزاوار نیست با ایشان و نگاه باز گشتنی است آنکس [illegible] هم
ایشان باو لعنت حق تعالی و از فرزند جمیع پیغامبران هم رسیدی و فریب
و بر ایشان باد غضب خدای تعالی و بدی و عذاب در دنیا و آخرت بسببی
که گفته است حق تعالی که لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی
ابن مریم ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون کانوا لا یتناهون عن منکر
فعلوه لبئس ما کانوا یفعلون تری کثیرا منهم یتولون الذین کفروا لبئس ما قدمت لهم
انفسهم ان سخط الله علیهم و فی العذاب هم خالدون و لو کانوا یؤمنون بالله
والنبی و ما انزل الیه ما اتخذوهم اولیاء و لکن کثیرا منهم فاسقون یعنی لعنت
کرده است خدای تعالی کافران را از بنی اسرائیل در زبور ایشان داود و در انجیل
بلسان عیسی و این لعنت مر ایشان را از آن بود که نافرمانی کردند و از حد
در میگذشتند و منع میکردند بعضی از ایشان بعضی را از عمل زشت که
میکردند که بد رسمی که بد چیزیست آنچه ایشان میکردند می بینی بسیاری
از اهل کتاب را که غایت حد مسلمانان دوستی میکنند با کافران بد آنچه
بد چیزیست آنچه از پیش فرستاده برای ایشان نفسهای ایشان و آنچه
خشم گرفت خدای تعالی است بر ایشان و ایشان جاوید باشند در
عذاب و اگر بوده ایمان می آوردند بخدا و پیغمبر خدا و بآنچه فرستاده
شده است بآن پیغمبر آینه نمیگرفتند کافران را دوستی لیکن بسیاری از

ایشان:

۱۲

بیرون رفته اند از دایرهٔ نصیحت ظاهر میکنند منافقان خویش و حسد را
و قطع میکنند صلهٔ رحم را و ترک میکنند خیرات را و گفته است حق تعالی
در شان ایشان که والذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه و یقطعون ما
امر الله به ان یوصل و یفسدون فی الارض اولئک لهم اللعنة و لهم سوء الدار
یعنی آنانکه بشکنند عهد خدا را که از ایشان گرفته است پس از استواری
آن عهد و قطع کنند آنچه خدای تعالی فرموده است که آنرا به پیوندند که آن
صلهٔ رحم است و فساد کنند در زمین بمخالفت حق و متابعت
نفس آن گروه مر ایشان راست لعنت و مر ایشان راست بدی عاقبت
در دنیا و آخرت نیز فرموده است که مثل الذین حملوا التورات ثم لم یحملوها
کمثل الحمار یحمل اسفارا یعنی مثل آنانکه حق بر ایشان که بار تکلیف احکام توریه را او بر
پس بر نداشتند آن بار را و بجا نیاوردند توریت قناعت نمودند بمجرد
در ویه و عمل نکردند همچو مثل دراز گوشی است که بر دارد کتابها از علم یعنی سخن
می برد و برداشتن آن و از آن نفعی ندارد [illegible] بباید بر جهت مردم دانا که
آنکسی که صبر کند بر دین خود و نگاه دارد دین خود را در آن مثل آنکسی است که بگیرد
آتش را بدست خود [illegible] عالمان و فقیهان آنزمان خاین و فاسق و بزرگ
خلق خدا خواهند بود و آنکسی که تابع ایشان شوند و بیایند نزد ایشان
و از ایشان چیزی یاد گیرند و دور دارد از پیش آن را و بشنید با ایشان

و مشورت کنند با ایشان و ایشان بدترین خلق خدا باشند پس حق تعالی
ایشان را بدوزخ خواهد برد و ایشان کور و گنگ و کر خواهند بود و جای
ایشان دوزخ است هرگاه پاک شود زبانه آتش تیز کنند و هرگاه
سوخته شود و ریخته شود پوستهای بدن ایشان بدل کند حق تعالی پوستها را
به پوستهای دیگر تا بچشند عذاب را و چون در افکنده شوند در دوزخ بشنوند
از دوزخ آوازی بلند آواز دردناک [illegible] ایشان از دوزخ باشد و دوزخ
آید و بجوشد و ایشان را در جوش آورد و نزدیک باشد که پاره پاره شود [illegible]
و ایشان را که بچشند عذاب آتش سوزنده و هر ایشان را است در دوزخ ناله
در دوزخ می سوزند سخنی که جواب شنوده شوند [illegible] ایشان دعوی
خواهند کرد که بر دین شریعت و سنت نبند دروغ میگویند [illegible]
از امت من نباشند و منم از ایشان بیزارم [illegible] بنشیند با ایشان
و خرید و فروخت بکنید با ایشان در بازار و در راه سر دهید و در راه [illegible] با ایشان
و آب بدهید با ایشان بدرستی که خدای تعالی فرموده است که من کان
یرید الحیوة الدنیا و زینتها نوف الیهم اعمالهم فیها لا یبخسون اولئک الذین
لیس لهم فی الآخرة الا النار وحبط ما صنعوا فیها و باطلا ما کانوا یعملون
یعنی آنکه از بسی است خواهند زندگانی دنیا و زینت
در آتش آن را در مقابل عمل خود بتمام بازگذاریم تا ایشان

و الی

جزای عملهای ایشان را در دنیا از صحت بدن و دولت
و بسیاری مال و اولاد و در دنیا از جزای اعمال ایشان چیزی کم نشود
آن گروه مانند که نباشد ایشان را در آخرت مگر آتش دوزخ تمام
آن کارهای که کرده اند در دنیا و نیز فرموده است که من کان یرید حرث الدنیا
نؤته منها و ما له فی الآخرة من نصیب یعنی آنکسی که خواهد بعمل خود و سعی دنیا
در حصول متاع دنیا میدهیم او را دنیا آنچه نصیب اوست و نیست مر او را در آخرت
نصیب و بهره [illegible] آنچه روی باشد مرا از جماعت که گفته شد و شیخی
و جدا است و این جماعت ذلیل و خوار خواهند شد در دنیا تا آنکسی که
فرستاد مرا بحق که خوار خواهد کرد خدای تعالی ایشان را و بصورت بوزنه
و خوک خواهد ساخت ایشان را گفت ابن مسعود که در گریستم رسول خدا
و سلم [illegible] گریستم بجهة گریه آنحضرت و گفتم یا رسول الله چه چیز ترا
گریه آورد آنحضرت گفت که رحم بر این بدبختان باعث گریه من شد بدرستی که
حق تعالی فرموده است که ولو تری اذ فزعوا فلا فوت و اخذوا من مکان
قریب یعنی اگر ببینی ایشان را وقت فزع و ترس ایشان [illegible]
فوت نشود و گرفته شوند از جای نزدیک از روی زمین یعنی [illegible]
آنکسی که علم بیاموزد بجهة دنیا و اختیار کند دنیا زینت او [illegible]
لعنه شود و جای او در ته دوزخ باشد [illegible]

بدرستی که حق تعالی فرموده است که فلما جاءهم ما عرفوا کفروا به فلعنة الله
علی الکافرین پس آن وقت که آمد ایشان را آنکسی که شناخته بودند که
آن محمد است صلی الله علیه و آله و سلم کافر شدند به او و ایمان نیاوردند بجهت آنکه
گمان ایشان آن بود که از بنی اسرائیل خواهد بود چون از بنی اسمعیل بود
ایمان نیاوردند بجهت دنیا و زینت او [illegible] کردند حق تعالی لعنت را بر او [illegible] آنکه
که علم بیاموزد و بدان عمل نکند حشر کند خدای تعالی او را در روز قیامت
نابینا و آنکسی که علم بیاموزد بجهت ریا و آنکه مردم بشنوند و قصد او از
علم آن باشد که مال دنیا حاصل شود او را برکت حق تعالی او را [illegible] که
شود بدرستی که حق تعالی فرموده است که فمن کان یرجو لقاء ربه فلیعمل
عملا صالحا و لا یشرک بعبادة ربه احدا یعنی هر که امید میدارد لقای پروردگار
خود را در آخرت پس باید که عمل صالح بسیار بکند و شریک نسازد
در پرستش پروردگار خود احدی را [illegible] باید که دوستان تو کسانی
باشند برادران تو پرهیزکاران و زاهدان باشند بجهت آنکه حق
فرموده است که الاخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدو الا المتقین
یعنی دوستان در روز قیامت بعضی دشمن بعضی باشند
مگر متقیان و پرهیزکاران یعنی آنهایی که دوستی
ایشان برای دنیا باشد و برای معاونت بر فسق و معصیت

بلکه

١٢

با هم دشمن شوند که محبت ایشان برای خدا نبوده باشد و دوستی
ایشان بجا باشد [illegible] بدانکه آشنایی که نیک را میدارد آخر
و بد را نیک میدانند پس بجهت هر چیزی [illegible] ایشان
پس نخواهد بود در میان ایشان کسی که گواهی بحق بدهد و قیام
نماید بعدل بدرستی که حق تعالی گفته است که کونوا قوامین بالقسط
شهداء لله ولو علی انفسکم او الوالدین والاقربین یعنی ای گروه
مومنان قیام نمایید بجزای شهادت کنید [illegible] و اگر چه بر نفس
شما باشد و پدر و مادر شما و خویشان نزدیک شما باشد و گواهی بر نفس خود
آنست که اقرار کند بحقی که در ذمه او است [illegible] اجتناب نمائید از
گروه بدکردار و با جماعتی که بد [illegible] کنند بدرستی که حق تعالی فرموده است
که ما لاحد عنده من نعمة تجزی الا ابتغاء وجه ربه الاعلی و لسوف یرضی
یعنی و نبود هیچکس را نزد وی نعمتی که مکافات کرده لیکن این کار
برای رضای پروردگار خود [illegible] و زود باشد که خشنود شود [illegible] ثواب او
[illegible] از حق تعالی [illegible] الجنة [illegible]
بدرستی که خدای تعالی فرموده است که هو اهل التقوی و اهل المغفرة یعنی
خدای تعالی سزاوار آنست که از او بترسند و سزاوار آمرزیدن [illegible] و بیشتر
گفته است رضی الله عنهم و رضوا عنه ذلک لمن خشی ربه یعنی خشنود [illegible]

حذای از صالحان و طاعت ایشان را قبول کند و خشنود باشد از ایشان
از خدای بجهت دادن ثواب و بهشت ایشان را لو ثواب و بهشت و راضی است
که بترسد از عقوبت بروز دیگر خود … بگذار چیزی را که از ان چیز
بتو خیر رسد کاری کن که از و فایده بتو رسد بدرستی که حق تعالی فرموده
لکل امری منهم یومئذ شأن یغنیه یعنی در وی را از اهل قیامت
ان روز کاریست که مشغول میکرداند او را از همه دیگران …
به پرهیز از انکه ترک کنی طاعت حق تعالی را قصد و عمد کنی [illegible]
بر اهل بیت خود زیرا که حق تعالی فرموده است که یا ایها الناس اتقوا ربکم
واخشوا یوما لا یجزی والد عن ولده ولا مولود هو جاز عن والده شیئا
ان وعد الله حق فلا تغرنکم الحیوة الدنیا ولا یغرنکم بالله الغرور یعنی ای مردمان
بترسید از عقوبت پروردگار خود و بترسید از روزی که دفع نبود از پدر خود
و نه فرزند باز دارد از پدر خود چیزی را که بدرستی که وعده خدا بثواب و عقاب
حق است و در ان خلاف نخواهد بود پس باید که فریب ندهد شما را زندگانی
دنیا و باید که مغرور نسازد شما را … شیطان فریبنده … [illegible]
دنیا و لذتهای او و از زیادتیهای او از حرام خوردن و از پوشیدن و از [illegible]
اسبها و طلا و زنان و نقره و ظرفها طلا و نقره و اسبهای خوب و دیگر چیزها
واگذشت زاد را چنانکه یاد کرده شد زندگانی دنیا مست و نزد حق تعالی است
نیکویی

نیکویی بازگشت و حق تعالی فرموده است که بگو ای محمد باصحاب خود که آیا خبر
دهم شما را بهتر از اینها که گفته شد برای انکسانی که تقوی و پرهیزکاری کردند [illegible] بهشتی
که نزد پروردگار ایشان بوستانهاست که اندک از ان بهتر است از دنیا و [illegible]
[illegible] و میرود در زیر قصرها و درختان ان بوستانها جویهای آب جاوید
باشند مستقیمان در ان بوستانها و مر ایشان راست جفتان از حور و آدمی که پاکیزه اند
از انکه زنان اهل دنیا مر ایشان راست خشنودی از خدای و این نیست
و نعیم او بهتر است و خدای بینا است به بندگان و احوال ایشان … فرزند
مشغول بانکه حق تعالی رحیم است و مغرور مشو بعمل صالح و نیکویی و عبادت خود
… و وقتی که قران میخوانی چون برسی بآیتی از آنها که در ذکر رحمت باشد
مگر بخوانی ان آیه را و فکر کن در عقوبت بگیرد غافل مشو از آن آیت و بگو
که بدرستی که … حق تعالی دلالت میکند بر نیکویی و عمل صالح بجا آوردن
بدرستی که حق تعالی فرموده است فکیف اذا جمعناهم لیوم لا ریب فیه ووفیت
کل نفس ما کسبت وهم لا یظلمون یعنی پس چگونه باشد حال ایشان آن هنگام
که جمع کنیم ایشان را از برای حساب روزی که هیچ شک نیست در وی و تمام داده
و جزا داده شود هر نفسی تمام آنچه کسب کرده است و ایشان ستم کرده
نشوند بنقصان حسنات و زیاد سیئات …
هیچ گناه را حقیر مدان و اجتناب کن از گناهان کبیره و بدرستی

که چون نظر کند در روز [illegible] بجائی آن خود بریزد و از جهتهای آن [illegible]
و جهت بدرستی حق تعالی فرموده است که یوم تجد کل نفس ما عملت
من خیر محضرا و ما عملت من سوء تود لو ان بینها و بینه امدا بعیدا یعنی روز
که بیابد هر کسی از عمل کننده کان انچه کرده است از نیکوییها حاضر کرده شده
نزدیک خود و انچه کرده باشد از بدی دوست دارد که میان او و میان
آن عمل بد اندازه دور یعنی نخواهد که مطالعه عمل خود را بیند و چون کسی
بگوید که بترس از خدای تعالی در غضب میشود بدرستی که حق فرموده است
که و اذا قیل له اتق الله اخذته العزة بالاثم فحسبه جهنم یعنی چون بگویند
هر منافق را که بترس از خدا در حمیت جاهلیت باز [illegible] گناه کند
بسنده است مرا او جهنم کوتاه کن امید خود را از دنیا [illegible]
شود و بگو امشب نخواهم رسید و چون شب شود و بگو صباح نخواهم رسید
باشی بر مفارقت دنیا دوست و از لقای حق تعالی او مکروه میدار لقای
غیر حق تعالی را در ختها نشاندن و جویها جاری [illegible]
خانهای خود را عمارتها بنا کن و بوستانها [illegible] بدرستی که حق تعالی
فرموده است که الهیکم التکاثر حتی زرتم المقابر یعنی مشغول کرد
و بسیاری از اسباب دنیا از کار آخرت [illegible]
کند گور را غافل میشوند از حق تعالی و از عبادت [illegible]

هر الحق البته خواهد بر امت من زمانی که حلال دانند شراب و طنبور نام کنند
بر ایشان باد لعنت خدای و فرشتگان و جمیع آدمیان و من از ایشان بیزارم
و ایشان از امت من نیستند [illegible] سود گرفتن و اگرچه برابر یک جو باشد بدتر است
نزد حق تعالی از زنا کردن با مادر خود و خوردن اندک که بدتر است از سود خوردن
بجهت آنکه شراب کلید همه بدیهاست [illegible] این گروه در آخر زمان خواهند
بود ظلم خواهند کرد در نیکان و [illegible] خواهند کرد فاسقان و اقرار [illegible] حق
ایشان باطل خواهد بود و باطل نزد ایشان حق ایشان همه از برای دنیا
و ایشان میدانند که بر حق نیستند ولیکن بیاراست شیطان برای ایشان
عملهای ایشان را و باز داشت ایشان را از راه راست [illegible]
حق را ایشان خشنود [illegible] کافی [illegible]
[illegible] حق فرموده است [illegible] ایشان
[illegible] حق تعالی فرموده است [illegible]
[illegible] و از عقاب [illegible] رحمت [illegible]
[illegible] شیطان [illegible]
او باشد در دنیا [illegible] استقبال [illegible] بدرستی که [illegible]
باز میدارند [illegible] حق [illegible]
شیطان میگردند که سبب [illegible] شیطان [illegible]

نزد ما در محشر پس بگویند بشیطان الکفار که مصاحب شیطان [illegible]
مصاحب ایشان بود که کاشکی میان ما و تو دوری بود مثل دوری میان
مشرق و مغرب پس بد همنشینی تو [illegible] منافقان عیب میکنند آنکس را که بردی [illegible]
میکند و آنچه واجب گردانیده است حق تعالی بجای آورد پس بدرستی
که خدای تعالی فرموده است فاتخذتموهم سخریا حتی انسوکم ذکری
وکنتم منهم تضحکون انی جزیتهم الیوم بما صبروا انهم هم الفائزون یعنی فرا گرفتید
شما آنکسانی را که بردی حق میکنند باستهزا یعنی با ایشان استهزا
کردید تا وقتی که فراموش گردانید شما را مشغولی سخریت ایشان
از یاد کردن من و بودید شما که بر ایشان میخندید از روی تعظیم تکبر و تحقیر ایشان
بدرستی که من جزا میدهم ایشان را بر آنچه صبر کردند از ایذا و آزار
که از شما با ایشان رسید بدرستی که ایشان رسیدند کامند بمراد [illegible]
[illegible] از هستی گناه بدرستی که گناه را هستی هست بدرستی هستی نزد [illegible]
گناه زیاده است از مستی شراب بدرستی که حق [illegible] گفته است که صم بکم عمی فهم لا
یرجعون یعنی منافقان کر و گنگ و کور اند پس ایشان باز نمیگردند از این
صفتها و بر وجه این وجه [illegible] ایشان را و نیز فرموده است که
انا جعلنا ما علی الارض زینة لها لنبلوهم ایهم احسن عملا وانا لجاعلون ما علیها
صعیدا جرزا یعنی بدرستی که ما گردانیدیم آنچه را که بر زمین هست از معدنیات

و نباتات

و نباتات و حیوانات زینت و آرایش مر اهل زمین را تا بیازمائیم که کدام
از ایشان نیکوتر است از جهت عمل بدرستی که ما خواهیم گردانید آنچه را که بر روی
زمین است از کوه و درخت و شاخهای زمین هامون بی گیاه یعنی عمارتها را ویران
خواهیم ساخت پس دل بر او منهید در زینتها باید [illegible] نشود [illegible]
ملوث آنکس که از دوام [illegible] و نیکسی که طالب دنیا کند [illegible]
دنیا را نیز ملوث و مصداق این سخن این آیه است که کل من علیها فان
ویبقی وجه ربک ذو الجلال والاکرام یعنی هر کسی که بر روی زمین است از صاحب
روح فانی نیست خواهد شد و باقی میماند ذات پروردگار تو که خداوند بزرگی
و عظمت است و خداوند گرامی ساختن بفضل و کرم خود مر آنکه مستحق
آن باشد و این آیه نیز مصداق این سخن است که کل شیء هالک الا وجهه
یعنی همه چیز هالک و فانی است مگر ذات حق سبحانه و تعالی و [illegible] عملی که میکنی از روی
اخلاص بکن بجهت آنکه حق تعالی قبول میکند از بندگان خود که عمل صالح [illegible]
اخلاص باشد بدرستی که حق تعالی فرموده است که وما لاحد عنده من نعمة تجزی
الا ابتغاء وجه ربه الاعلی ولسوف یرضی یعنی نشود هیچکس را نعمتی که مکافات
کرده شود این کار کرد برای رضای پروردگار خود که بزرگتر است
از همه چیز و زود باشد که خشنود گردد بر ثوابی که خدای تعالی وعده داده
است [illegible] از نعمتهای دنیا و خود را از آن [illegible] نهاد [illegible]

خولت از دنیا و لازم کردن بر نفس خود صبر کردن را از بهر آنکه هر کسی که
در آخرت از تو سوال خواهند از نعمتها همه چنانچه حق تعالی فرموده است
ثم لتسألن یومئذ عن النعیم یعنی هر آینه پرسیده شود روز قیامت (مجلس) و نعمت
از نعمتها که بدان شدند باید که مشغول نکرد لذت دنیا و از دنیا از
طاعت و عبادت بدرستی که حق تعالی فرموده است که افحسبتم انما خلقناکم
عبثا و انکم الینا لا ترجعون یعنی آیا گمان می برید ای شما که خلقت
کردن شما را آفریدیم برای بازی و گمان بردید که بسوی ما باز گردید برای جزای
اعمال یعنی شما را برای عبادت آفریدیم و جزای اعمال شما مقرر کردیم (ثواب)
وقتی که عمل چیزی کنی و نه از آن آفریدیم و این عمل قربة الی الله باشد پس امید
دار از آن عمل از خدای تعالی بدرستی که حق تعالی فرموده است فلا نقیم لهم
یوم القیمة وزنا یعنی نخواهیم کرد برای اعمال کسانی که عمل ایشان بصورت
نیکو نماید و از برای خدای نباشد روز قیامت ترازوی که به آن بسنجند
عملها را و تحقیق که ... که تو زنده داری
وقت عبادت مشغول ... و حالی که تو این کار کنی خوشحال مشو زیرا که
خدای تعالی فرموده است ولا تحسبن الذین یفرحون بما اتوا و یحبون ان
ان یحمدوا بما لم یفعلوا فلا تحسبنهم بمفازة من العذاب و لهم عذاب الیم
یعنی مپندار ای محمد آنان را که شادمان می باشند بانچه کرده اند و دوست دارند

نعت

عمر نعت از دنیا و لازم کردان بر نفس خود صبر کردن را از بهر آنکه هر کسی که
در آخرت از تو سوال خواهند کرد از نعمتها همه چنانکه حق تعالی فرموده است که
لتسألن یومئذ عن النعیم یعنی هر آینه پرسیده شود روز قیامت محاسبه
از نعمتها پشیمان خواهد بود در روز قیامت اما نیکوکار خواهد گفت که کاشکی
بیشتر از نیکوئی میکردم و اما بدکار خواهد گفت که تقصیر کردم که نیکوئی نکردم و (مفسدان)
آیت قول خدای تعالی و لا اقسم بالنفس اللوامة یعنی سوگند یاد میکنم
بنفسی که سرزنش خواهد کرد خود را البته بتقصیر در نیکوئی کردن
و پرهیز کند و دیگر پیش مفرست گناه را و تاخیر مکن در توبه و لیکن پیش مفرست
توبه را و تاخیر مکن در گناه یعنی گناه مکن و اگر کنی چنان مکن که گناه را بیان ...
فرموده است بل یرید الانسان لیفجر امامه یسئل ایان یوم القیمة یعنی ...
خواهد که دروغ گوید بانچه از پیش دست از عذاب آخرت ...
از توبه یعنی تمام بدرستی که کسی از توبه یعنی نماید بانچه آید گناه ...
عمل کند تا آن بهشت زیرا که حق تعالی فرموده است که و نکتب ما قدموا و آثارهم
یعنی می نویسیم آنچه از پیش فرستاده اند از عملهای نیک و بد خود
آثاری که از ایشان مانده است و نیز گفت ینبؤا الانسان یومئذ بما قدم
و اخر یعنی خبر کرده شود آدمی در روز قیامت بانچه فرستاده است
از اعمال و آنچه باز پس داشته است از اموال ...

بعد بخانه آرام مگیر با دولت اگر زود مفارقت خواهی کرد از دنیا بدرستی که حق
تعالی فرموده است واخرجناهم من جنات وعیون وزروع ونخل طلعها
هضیم یعنی بیرون می آوردیم ما ایشان را از بوستانها و از چشمه سارها و کشت
زارها و خرماستانها که شکوفه درختان وی نازک و لطیف است
بیت یاد کن قرنها و پاشاهان ظالمی را چه بشنیدن بودند بدرستی که حق
تعالی فرموده است وعادا وثمودا واصحاب الرس وقرونا بین ذلک
کثیرا یعنی هلاک گردانیدیم قوم عاد را بسبب انکار ایمان بهود و قوم ثمود
را بجهة انکار ایمان بیاوردند بصالح علیه السلام واصحاب الرس
را که پیغمبر خود را در چاه انداختند و کشتند و رس نام چاهست
و اهل قریهای ثمود را و بودند میان قوم عاد و ثمود و اصحاب رس که
جز خدای کسی ایشان را نداند بیت کن و مکن پنهان و آشکاره
صغیره و کبیره بدرستی که حق تعالی می بیند ترا هر جا که باشی و خدای
تو بد با قدرت نیکو حساب کن از گناه بیت بترس از خدای تعالی
پنهان و آشکار او در صبح او در پاس شب و روز بدرستی که حق تعالی
فرموده است که ما یکون من نجوی ثلثة الا هو رابعهم ولا خمسة
الا هو سادسهم ولا ادنی من ذلک ولا اکثر الا هو معهم اینما کانوا
یعنی نباشد سه تن را که آهسته با هم گویند مگر که خدا با ایشانست هر جا که
باشند در آسمان با و زمین بیت بند شیطان را دشمن خود بدان

بدان بدرستی که خدای تعالی فرموده است که ان الشیطان لکم عدو فاتخذوه عدوا
یعنی بدرستی که حق تعالی فرموده است که بدرستی که شیطان مر شما را
دشمنیست قدیمی میراثی پس فرا گیرید شما هم او را بدشمنی و از وی حذر نموده
در کارهای بد اعتماد منمائید و نیز درین آیت حکایت کرده است از شیطان
ثم لآتینهم من بین ایدیهم ومن خلفهم وعن ایمانهم ولا تجد اکثرهم شاکرین
یعنی گفت شیطان که پس بیایم از پیش ایشان یعنی از جانب
دنیا و آنرا در چشم ایشان بیارایم و بیایم از جانب راست ایشان یعنی
از جهة حسنات و ایشان را در عجب و ریا اندازم و در آیم از جانب
چپ ایشان یعنی از جهة سیئات و آنرا در دل ایشان تزیین گردانم
و نیابی تو که از خداوندی بیشتر فرزندان آدم را شکر گوینده خدای تعالی
گفته است بشیطان که قال فالحق والحق اقول لأملأن جهنم منک وممن تبعک منهم
اجمعین یعنی خدای تعالی که راستی از منست و راست میگویم که پر کنم
دوزخ را از تو و از هر که پیروی تو کند از اولاد آدم در دیوان ثبت است
باید که حرام نخوری و حرام ننوشی و مال حرام نگیری و گناه نکنی و عاصی
نشوی درگاه حق تو که خدای تعالی گفته است بشیطان و استفزز
من استطعت منهم بصوتک واجلب علیهم بخیلک ورجلک وشارکهم فی الاموال
والاولاد وعدهم وما یعدهم الشیطان الا غرورا یعنی بلرزان و از راه ببر فرزندان آدم را ای
شیطان هر کرا توانی تو ایشانرا از فرزندان آدم با آواز خود یعنی خوانندگی

الف او برانگیز ان برایشان سواران و پیادگان خود را یعنی دیو بهلی
که یاری جسته نزد او و وسوسه همه را جمع کن و تسلط کن بر ایشان و شرکت
کن با ایشان در مال ناحرام جمع کنند و بمعصیت صرف نمایند و در فرزندان
نیز شریک شو تا از زنان حاصل کنند و وعده ده ایشان را بچیزهای باطل چون
انکار حشر و بهشت و دوزخ و وعده نمیدهد شیطان ایشان را مگر فریب یعنی
خطای او در صورت صواب مینماید و نیز فرموده که ولا تغرنکم بالله الغرور
یعنی باید که فریب ندهد شمار از زندگانی دنیا یعنی بمخ عنبهای ولذات و
شهوتهای فریفته مشوید و باید که مغرور نسازد شما را بکرم و عفو خدا شیطان
نزدیک مکن بچیزی که از حرام باشد از مال و زنا بدرستی که حق تعالی فرموده
است ولمن خاف مقام ربه جنتان یعنی برای کسی که بترسد از ایستادن پیش خدا
دو بهشت عدن و بهشت نعیم بنفس را اختیار مکن دنیا
را بر آخرت بسبب لذتها و شهوتها بدرستی که حق تعالی فرموده است فاما
من طغی و اثر الحیوة الدنیا فان الجحیم هی الماوی یعنی پس هر کس که گناه از حد
برده باشد و مرتکب معاصی شده باشد و برگزیده باشد زندگانی دنیا را
فراموش کرده باشد آخرت بدرستی که دوزخ جای اوست
این آیت ثابت کرد باد که در دست ملول است مگر آنکه برای خدا باشد
خیانت کن بمال کسی و خیانت مکن بامانت که حق تعالی فرموده است

ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها یعنی بدرستی که حق تعالی امر کرده است
شما را که برسانید امانتها را بصاحبان امانت چیزی که ندیده و نشنیده
مگوی بدرستی که حق تعالی فرموده است ولا تقف ما لیس لک به علم ان
السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولا یعنی از پی و الحری را که
ترا دانای بان نیست تا ندانی مگو دانستم و نا شنوده مگو که شنیدم زبان مستی
مگردیم بدرستی که گوش و چشم و دل از هر یک ازینها سوال خواهند کرد که چه شنیدی
و چه دیدی و چه دانستی و نیز گفته است که ستکتب شهادتهم ویسئلون
یعنی زود باشد که نوشته شود گواهی ایشان و پرسیده شود در روز قیامت
ازین و نیز گفته است و اذ یتلقی المتلقیان عن الیمین وعن الشمال قعید ما
یلفظ من قول الا لدیه رقیب عتید یعنی چون فرا گرفت دو فرشته که از راست
و از چپ نشسته اند سخن را از او نمی‌شنود از آن دو فرشته که بر جانب راست و چپ
نشسته اند نگوید بنده هیچ سخنی مگر آنکه نزد او نگاهبانی بود آماده که بنویسد
و نیز گفته است که نحن اقرب الیه من حبل الورید یعنی نزدیکتریم
باو از رگ جان وی یعنی و آن آنکه باقوال و افعال تمام کرده است روزی مخور
بدرستی که حق تعالی فرموده است و ما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها
یعنی جنبنده ای در زمین مگر آنکه بر خداست روزی آن و نیز گفته است
و فی السماء رزقکم و ما توعدون یعنی روزی شما اگر کار او علم

و نیز گفته است کرام یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو و ان یمسسک
بخیر فهو علی کل شیء قدیر ترجمه یعنی اگر رساند خدای تعالی بتو سختی چنانچه
مرضی و درویشی پس هیچ بازدارنده و برنده نیست او را مگر او و اگر رساند بتو
نیکوئی چون توانگری و صحت پس او بر همه چیزها از نیکوئی تواناست ترجمه ای کسی که
فرستاد مرا الخلقان بحق انکه انکسی که مگذارد تجارت دنیا را و غرق
آخرت شود و بدرستی که حق تعالی نیز تجارت کند برای او و نیز تجارت آخرت را
نفع بسیار باد بدرستی که حق تعالی فرموده است که رجال لا تلهیهم تجارة
ولا بیع عن ذکر الله واقام الصلوة وایتاء الزکوة یخافون یوما تتقلب فیه
القلوب والابصار یعنی تسبیح گویان خداوند که از غایت استغراق در
در تسبیح و ذکر مشغول نمی سازد و باز نمی دارد ایشان را بازرگانان
یعنی خرید و فروختن متاعی که از آن سودی یابند و خرید آن از یاد کردن حق
و از برپای داشتن نماز و دادن زکوة می ترسند این مردمان
با وجود این توجه از روزی که بگردد در آن روز دلها یعنی از دل متحیر و
مضطرب شود و بگردد در آن روز دیدها و از هر طرف ببینند تا بنگرند که چند
گناه او از کجا در آید گفت ابن مسعود بود ما در خدمت حضرت
یا رسول الله چگونه است تجارت آن حضرت فرمود که ذکر گفتن خدای تعالی
دایم باین طریق که سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر

[illegible]

یرجون تجارة لن تبور لیوفیهم اجورهم و یزیدهم من فضله یعنی امید دارند
بتجارتی که زیان نمی رسد در روز قیامت و این علما
کردند ما عند الله او تمام ایشان مزد بارزد ایشان و زیاده
کرد حسنات ایشان از فضل و بخشش خود ترجمه هر چیزی که بدنیا دوست
دوست دارد پس صرف کنی از او در راه خدا است تجارت آخرت زیرا که خدای
گفته است ما عندکم ینفد و ما عند الله باق یعنی آنچه نزد شماست از اسباب دنیوی
بر طرف شود و منقضی گردد و آنچه نزد خداست از ثواب رحمت حقیقت است
ترجمه وقتی که بگوئی لا اله الا الله در الی الحق این کلمه را حق تعالی قبول
و گفتن لا اله الا الله برد و میکند غضب حق تعالی از بندگان اگرچه دنیای
ایشان سالم باشد مادام که کاری که موجب نقصان دین ایشان
نباشد نکنند و اگر کاری کنند که موجب نقصان دین باشد و کلمه لا اله الا الله
نمی گفته باشند حق تعالی میگوید که دروغ میگویند صادق نیستند
قول بدرستی که حق تعالی گفته است الیه یصعد الکلم الطیب والعمل الصالح یرفعه
یعنی هر کار و قول او بالا میرود و سخنان پاک را عمل قبول میرساند زیرا که
قبول ای عمل صالح قبول نیست ترجمه دوست دار صالحان را بدرستی که
در آخرت با کسی باشند که دوست داشته باشند او را در دنیا پس اگر
نباشی عمل نکو دوست دار علما را بدرستی که حق تعالی فرموده است که

یعنی اگر راضی از خدا باشی از طالمان جنید اختیار مکن برو کرحق تعالی حیرا
جدا سپس که حق تعالی فرموده است ولذکر الله اکبر یعنی ذکر خدا تعالی بزرگتر
ارعبه و نیز گفته است فاذکرونی اذکرکم واشکروا لی ولا تکفرون یعنی مرا یاد کنید
بعبادت تا من شما را یاد کنم بمغفرت وشکر کنید نعمتهای مرا و ناسپاسی
نیز گفته است که واذا سألک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع
اذا دعان فلیستجیبوا لی ولیؤمنوا بی یعنی چون بپرسند از تو بندگان من مسائل
من ایشان را در وقت دعا ایشان من نزدیکم اجابت میکنم دعای خواهند
ورا او حاجت او را روا میسازم و وقتی که بخوانند مرا و نیز گفته است ادعونی استجب
لکم یعنی بخوانید مرا تا اجابت کنم دعای شما را [illegible] برتو باد که ما [illegible]
خلق وملایم و پرهیزکار و مسلمان و متقی و پاکیزه و نیکوکار و پاک و راست که
وخالص و بی غش و بی عیب و درست و عاقل و صالح و صابر و شاکر و مومن
و عابد و زاهد و رحیم و عالم و فقیه باشی که حق تعالی فرموده است ان ابراهیم
لاواه منیب یعنی بدرستی که حضرت ابراهیم علیه السلام بردبار بود و اواه
بنده و تاسف خورنده بر امت و رجوع کننده بحضرت عزت و نیز گفته است
که وعباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هونا واذا خاطبهم الجاهلون
قالوا سلاما والذین یبیتون لربهم سجدا وقیاما یعنی بندگان خدای که
[illegible] میروند بر روی زمین از روی تواضع و مسکنت و وقار و بردباری و نیکوکا

یطیع الله ورسوله فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین والصدیقین
والشهداء والصالحین وحسن اولئک رفیقا یعنی آنکسانی که
فرمان خدای تعالی برند و فرمانبرداری رسول کنند پس او در قیامت با کسانی
باشند که انعام کرده است خدای بر ایشان از پیغمبران و صدیقان و شهیدان
و صالحان چه نیکو این جماعت همنشینان جنید پرهیز از آنکه ترک اوراد
بحق تعالی یک چشم زدن و اگرچه اعضای ترا از یکدیگر جدا کنند باره باره
و در دنیا بسوزانند با آتش پس حق تو فرموده است که والذین امنوا
بالله ورسله اولئک هم الصدیقون یعنی آنکه ایمان آوردند بخدا ایشان
او و پیغمبران او ایشان گروه صدیقانند جنید صبر کن و با کسانی
باش که ذکر و تسبیح و تهلیل و حمد میگویند حق تعالی عبادت و طاعت
حق تعالی میکنند و میخوانند او را صباح و شام هر ساعتی که خدای تعالی
گفته است واصبر نفسک مع الذین یدعون ربهم بالغداة والعشی
یریدون وجهه ولا تعد عیناک عنهم یعنی شکیبائی کن با آنکسانی که میپرستند پروردگار
خود را بامداد و شبانگاه و میخواهند رضای پروردگار خود را باید که در
مگذرد چشمهای تو از ایشان یعنی نظر از ایشان برنداری و بغیر ایشان
التفات مکن و نیز گفته است که ما علیک من حسابهم من شیء یعنی هیچ نیست
من الظالمین یعنی نیست بر تو از حساب عمل تو بر ایشان چیزی تا تو را ایشان را

خطاب کنند با ایشان نادان و سخنانی که او باشد نسبت با ایشان بگویند
ایشان جواب سخنی بگویند سالم از تعرض و اعراض کنند از مجادله و ایشانند
که شب بروز می آورند برای پروردگار خود سجده کنندگان و بر پای ایستادگان و نیز
گفته است و الذین یقولون ربنا اصرف عنا عذاب جهنم یعنی و میگویند هر عاشر و ما ز آنچه که سپل بر حوزی
دیگر گفته است و اذا مروا باللغو مروا کراما یعنی و چون بگذرند و خبری با سیر بد
بگذرند بر وجه اهل خیر و پرهیزکاران و نیز گفته است که و الذین یقولون
ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قرة اعین و اجعلنا للمتقین اماما اولئک
یجزون الغرفة بما صبروا و یلقون فیها تحیة و سلاما خالدین فیها حسنت مستقرا
و مقاما یعنی الملائکة میگویند ای پروردگار ما ببخش ما را از زنان و فرزندان
آنکسی که روشنی دیدها بود که آن فرزند صالح است و بگردان ما را برای پرهیزکاران
پیشوا یعنی ما را چندان پرهیزکاری ده که شایسته امامت متقیان شویم ایشان
کرده که مذکور شد پاداش داده شوند بغرفه بهشت که آن طبقه ز موضعی است از آن
آنچه پاداش داده شود بصبر کرده اند بر مشقت دنیا و ترک لذت دنیا و
در بهشت زنده گانی یابند و سلامت از آفات در حالی که جاودان باشند
در بهشت و جای نیکو و نیز گفته است قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلوتهم
خاشعون و الذین هم عن اللغو معرضون و الذین هم للزکوة فاعلون و الذین
هم لفروجهم حافظون الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم غیر ملومین فمن

هم

۱۲

هم العادون و الذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون و الذین هم علی صلوتهم
یحافظون اولئک هم الوارثون الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون
یعنی بدرستی که رستگار شدند بمقصود رسیدند مومنان آنانکه در
نماز خود ترسکارند و آنانکه ایشان از سخن باطل و کردکار ناشایسته اعراض کنند
و آنانکه زکوة واجب را از مال خود ادا کنند آنانکه ایشان فرجهای خود را نگاه
ملامت کرده شده نیستند پس آنانکه طلب کنند برای مباشرت غیر زنان و کنیزان
خود پس آن گروه در گذرندگانند از حلال و مرتکب حلال میشوند و آنانکه امانتهای که نزد
ایشان بنهند و هر عهد با راه بندند رعایت کنند و نگاه دارند و آنانکه بر نمازها
محافظت و مداومت نمایند این گروه از مانند و آنانکه از روی میراث
برند و وارث باشند که بلندترین درجات بهشت است ایشان در بهشت جاوید
خواهند بود و گفته است که اولئک فی جنات مکرمون یعنی گروه گرامی
صفتها دارند در بوستانهاند روز قیامت و گرامی کرده شوند بثواب الهی
و خوای سرمدی و نیز گفته است انما المؤمنون الذین اذا ذکر الله وجلت قلوبهم و اذا
تلیت علیهم آیاته زادتهم ایمانا و علی ربهم یتوکلون الذین یقیمون الصلوة
و مما رزقناهم ینفقون اولئک هم المؤمنون حقا لهم درجات عند ربهم و مغفرة
و رزق کریم یعنی بحز این نیست که مومنان آنانند که چون یاد کرده شود
خدای تعالی نزد ایشان بترسد دلهای ایشان از هیبت جلال خدا و از بزرگی عظمت او

حدود جنب اعمال و افضال او و چون خوانده شود بر ایشان آیتهای حق تعالی
زیاده کرده اند آن آیتها ایمان ایشان را و بر پروردگار خود توکل کنند [illegible]
و این مومنان آنانند که از روی اخلاص بپای دارند نماز را [illegible]
و از آنچه روزی داده ام ایشان را انفاق می کنند آن گروه که [illegible]
ایشانند [illegible] ایشان را و روزی بزرگ [illegible]
[illegible] باعث نشود که گناه و خلل [illegible] درستی که حق تعالی
فرموده است که یوم لا ینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم یعنی
روز قیامت روزیست که نفع ندهد بکار نیاید مال و پسران [illegible]
مگر کسی را [illegible] نزد خدا بدل خالص از کفر و معصیت [illegible] بر تو باد که [illegible]
و عمل صالح کنی درستی که حق فرموده است که الباقیات الصالحات
خیر عند ربک ثوابا و خیر املا یعنی و کارهای شایسته [illegible]
[illegible] بهتر است نزد پروردگار از جهت پاداش و بهتر است از جهت
امید [illegible] از کسانی که [illegible]
[illegible] که حق تعالی فرموده است که
تامرون الناس بالبر و تنسون انفسکم یعنی آیا می فرمایید مردمان را
بنیکویی و فراموش می کنید نفسهای خود را یعنی باید که چنین نکنید
بر تو باد که نگاه داری زبان خود را [illegible] که حق فرموده که الیوم نختم علی افواههم

دیگر

و تکلمنا ایدیهم و تشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون یعنی امروز مهر می نهیم بر دهانهای
ایشان و سخن گویند با دستهای ایشان و گواهی دهند پاهای ایشان [illegible]
در دنیا کسب کردند [illegible] بر تو باد که عبادت و نیکویی [illegible]
بکنی درستی که خدا تعالی فرموده است که یوم تبلی السرائر فما له من قوة
و لا ناصر یعنی روزی که آشکارا شود [illegible]
از عذاب خود [illegible]
که پراکنده شود نامهای اعمال بندگان و آشکارا شود [illegible] درستی که حق
تعالی فرموده است که و نضع الموازین القسط لیوم القیامة فلا تظلم نفس
شیئا و ان کان مثقال حبة من خردل اتینا بها و کفی بنا حاسبین یعنی [illegible]
ترازوهای برای [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

این روز روز بقای جاوید نیست زیرا که درین روز که بیاید زنهار
ده مرد و باز از نفس خود و نصیحت کن فردا ما زاد و رحم کن بر بندگان
چنین باشی و اهل شهری متوجب غضب حق تو شوند و تو در ایشان نگاه
و خواهی حق تو که برایشان عذاب بفرستند نظر کند بسوی تو و رحم کند
برایشان بجهت غضب نکند بدرستی که حق تو فرموده است که وما کان ربک لیهلک
القری بظلم واهلها مصلحون یعنی نیست پروردگار تو که هلاک کند شهرها را
بظلم و حال آنکه اهل آن مواضع را صلاح آورنده باشند در میان یکدیگر کار
بپرهیز از آنکه ظاهر کنی ترس حق تعالی و تواضع را در نظر مردم و حال آنکه
تو در اینها مصر باشی بر گناه کردن بدرستی که حق تعالی فرموده است که یعلم خائنة
الاعین وما تخفی الصدور یعنی میداند خدای خیانت چشمها را و میداند آنچه
پوشیده ساخته است سینها یعنی حق تعالی مطلع است بر ضمائر
و سرائر همه کس باید که نباشی از آنکسان که دشوار میسازند کارها را
بر مردمان و آسان میکنند بر نفس خود یعنی چیزها میگویند بمردمان
و خود را عمل نمیکنند بدرستی که حق تعالی فرموده است که لم تقولون
ما لا تفعلون یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید چرا میگویید آنچه را که نمیکنند
و بپرهیز از آنکه کاری کنی بی تدبیر و دانش بدرستی که حق تعالی فرموده است
بپرهیز از آنکه عملی کنی که آن عمل از روی دانش و عقل

بمخالفت و بیان کن در پیمان خود ما بعد از رسیده خود را بعد از استحکام آن
که پیمان را تاب داده است و قوی و محکم شده است پند بر تو باد که راست
بگویی و هرگز دروغ نگویی و انصاف مردمان از نفس خود و نیکویی کنی و بخوانی
به نیکویی و صله رحم بجا آوری و مکر نکنی بر مردمان و وفا کنی بعهد که با مردمان
باشی بدرستی که حق تعالی فرموده است که ان الله یامرکم بالعدل والاحسان وایتاء
ذی القربی وینهی عن الفحشاء والمنکر والبغی یعظکم لعلکم تذکرون یعنی بدرستی
که خدای تعالی میفرماید به راستی و به نیکویی کردن و چیزی دادن بخویشاوندان
نزدیک و رسانیدن بدیشان آنچه بدان محتاج باشند و نهی میکند از عمل زشت و از فعلی که
انکار کنند بر مباشران و از ستمکاری پند میدهد خدای شما را باور و نیکی کنید
فصل در وصیت رسول خدا صلی الله علیه وسلم اباذر غفاری را رحمة الله مصنف کتاب
میگوید که گفته است پدرم فضل بن الحسن که این وصیت کرده است رسول الله صلی الله
علیه و آله وسلم اباذر غفاری را خبر داده است مرا باین وصیت شیخ ابوالوفاء عبدالجبار
بن عبدالله المقری الرازی و شیخ اجل حسن بن حسین بن حسن بابویه رضی الله عنهما
ایشان هر دو گفتند که نوشت برای ما این وصیت را شیخ اجل ابوجعفر محمد بن حسن
الطوسی قدس الله روحه و این خبر داد باین وصیت شیخ عالم حسین بن فتح
الواعظ الجرجانی در مشهد امام رضا علیه السلام و گفت شیخ جرجانی خبر داد مرا
شیخ ابوعلی حسن بن محمد الطوسی و گفت که خبر داد مرا پدرم شیخ ابوجعفر طوسی

روصه و شیخ ابو جعفر طوسی گفت که خبر داد مرا جماعتی از ابی المفضل محمد الشیبانی
و او گفت که خبر داد مرا ابو الحسن رجاء بن یحیی العبرتائی الکاتب در سال
سیصد و چهارده از هجرت و او گفت که خبر داد محمد بن حسن بن
میمون و او گفت که خبر داد مرا عبد الله بن عبد الرحمن الاصم از فضل بن یسار
وصیت کرده است از وهب بن عبد الله الهنائی و او گفت که خبر داد
مرا حرب بن ابی الاسود الدولی و او خبر داد از پدر خود ابی الاسود که
گفت در آمدم بشهر ربذه و رفتم نزد ابی ذر جندب بن جناده رضی الله عنه پس
خبر داد مرا ابو ذر و گفت که روزی رفتم نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آن
حضرت در مسجد نشسته بود بغیر آن حضرت و امیر المؤمنین علی علیه السلام در
پهلوی آنحضرت نشسته بود پس غنیمت دانستم خلوت را و گفتم یا رسول الله پدر و مادرم
فدای تو باد وصیتی کن مرا که نفع دهد خدا تعالی مرا بآن وصیت آنحضرت فرمود
کنم ای اباذر گرامی میدارم ترا بدرستی که تو از اهل بیت مایی و من ترا وصیتی
میکنم یاد گیر این وصیت را بدرستی که این وصیت جامع چیزهاست پس اگر حفظ
کنی این وصیت را خصلتی کاملی باشند و کافی باشد ترا وصیت عبادت کن حق
تعالی را چنانکه گویا تو می بینی او را بدرستی که اگر تو نمی بینی او را او ترا می بیند
و بدانکه اول چیزی که وصیت شناختن حق تعالی است باین طریق که پیش از
همه بوده و هیچ چیز پیش از او نبوده و یگانه است و شریکی ندارد و همیشه خواهد بود

آفریننده

۱۲

آفریننده زمین و آسمانست و نیکوکار و داناست و بر همه چیز قادر و تواناست
و بعد از آن وصیت ایمان آوردن بمن و اقرار کردن باینکه خدا تعالی بپیغمبری
فرستاده مرا بتمام خلقان که بشارت دهم مومنان و مطیعان را ببهشت و رحمت
خدا تعالی و بیم کنم کافران و عاصیان را از دوزخ و عذاب خدا تعالی و بخوانم بندگان را
بپرستش حق تعالی بفرمان و توفیق او و دلیل ظاهر بر وجود او و بعد از آن واجب است
دوستی اهل بیت من آنچنان اهل بیتی که دور گردانیده است حق تعالی از ایشان
هر چیز را که منکر و ناشایسته است و معصوم و پاک گردانیده است
ایشان را از جمیع گناهان و بدان ای اباذر که حق تعالی گردانیده است اهل بیت مرا
در میان امت من همچو کشتی نوح علیه السلام هر که در آن کشتی نشست از
طوفان نجات یافت و هر که از آن کشتی تخلف کرد غرق شد یعنی هر که پیروی
اهل بیت من کرد از ظلمت و تاریکی ضلالت و گمراهی نجات یافت و هر که
پیروی ایشان نکرد در وادی ضلالت و گمراهی ماند و هلاک شد و گردانیده
است حق تعالی اهل بیت مرا همچو باب حطه در بنی اسرائیل که هر کسی که داخل شود
درین باب ایمن شود و حطه کلمه استغفار بنی اسرائیل بود و هر گاه این کلمه را
میگفتند گناهان ایشان آمرزیده و معنی این کلمه اینست که بیفکن از ما گناهان
وصیت حفظ کن آنچه وصیت کردم بتو تا سعادت یابی در دنیا و آخرت
وصیت دو نعمت که بسیاری از مردمان زیان دارند در آن یکی آنکه قدر

بیت م

بیان م

آن را بیدا نستدان و نعمت صحت و سلامت و فراغت یعنی قیمت دان پنج
چیز را پیش از پنج چیز جوانی را پیش از پیری و صحت را پیش از بیماری و توانگری را
پیش از درویشی و فراغت را پیش از مشغولی و زندگانی را پیش از مردن یعنی
پیری را تاخیر کردن در کار خود بامید آنکه زنده خواهم بود و خواهم کرد از اعمار سستی
که زندگانی امروز بجهت آنست که امروز کار خود را بکنی و بجهت آن نیست که کار
خود را بعقب چند اندازی پس اگر روز دیگر زنده باشی همچنان باشی که امروز بوده
و اگر روز دیگر زنده نباشی پشیمان نخواهی بود از آن کار که کردی یعنی بسا کسانی که
دریافتند اول روز را و باخر روز نرسیدند و بسا کسان انتظار فردا
بردند و بفردا نرسیدند یعنی اگر نظر کنی باجل و رسیدن او هر آینه دشمن داری
امید دنیا و فریفته ساختن او را یعنی همچنان باش در دنیا که گویا غریبی و یا ره گذر
و بشمر خود را از مردگان یعنی وقتی که دریابی صباح را مگو نفس خود را که
شام خواهم بود و چون دریابی شام را مگو که تا صباح خواهم بود و غنیمت دان
صحت را پیش از آنکه بیمار شوی و غنیمت دان زندگانی را پیش از مردن بدرستی
که نمیدانی که فردا چه خواهی داشت و چه نام و نمیدانی که زنده خواهی بود یا
یعنی آنکسانی که بمانند بعد از تو ستایش نخواهند کرد ترا بجهت آنکه گذاشتی
برای ایشان و معذور نخواهد داشت ترا حق تعالی بجهت مشغولی دنیا از تقصیر
در عمل تو واقع شده باشد یعنی صرف کردن در عمر بیشتری باید از صرف کردن در درهم و دینار

یعنی

۱۲

یعنی عمر خود را بعبث صرف نمی باید کرد چنانکه درهم و دینار را بعبث صرف نمیکنی
یعنی انتظار نمی برید شما توانگری را که موجب نافرمانی میشود و درویشی را
که موجب فراموشی میشود و بیماری را که موجب فساد میشود و پیری را که موجب ضعیفی میشود
و مردن را که موجب سفر کردن آخرت میشود و دجال را که بدترین دجال بدعاست
که انتظار او می برید و انتظار می برید قیامت را پس قیامت سخت تر و تلخ تر و ناخوشتر
است و بدترین مردمان نزد خدای تعالی در روز قیامت عالمیست که نفع نبرده باشد
بعلم خود یعنی بعمل خود عمل نکرده باشد و آنکسی که طلب علم کند بجهت آنکه مردمان متوجه او
شوند در دنیا بوی بهشت یعنی آنکسی که طلب علم کند و یا موزد بجهت آنکه غرض
دنیا و مال او دنیا به بوی بهشت یعنی وقتی که بپرسند ترا از چیزی که نمیدانی بگو نمیدانم
و فتوی مده با آنچه نمیدانی تا نجات یابی از عذاب حق تعالی در روز قیامت
خواهند دید جماعتی از اهل بهشت جماعتی از اهل دوزخ را پس خواهند گفت با ایشان
که شما چه کار کردید که مستحق دوزخ شدید و حال آنکه ما بجهت مستحق بهشت شده ایم بجهت
ادب و علمی است که از شما فرا گرفته ایم پس آن جماعت بگویند که ما بجهت آن مستحق دوزخ شده ایم
امر میکردیم شما را بچیزی و خود بآن عمل نمیکردیم یعنی بدرستی که حقوق حق تعالی بزرگتر
از آنکه بندگان بزبان قیام توانند نمود و نعمتهای حق تعالی بیشتر از آنست که آنرا بندگان
توانند شمرد و لیکن صبح و شام توبه کنید یعنی بدرستی که در دنیا [illegible]
کوتاه است و ملکان تمامی نویسند و نگاه میدارند و مرگ ناگاه می آید و آنکسی که تخم [illegible]

بدی بکار رود ندامت و پشیمانی حاصل شود هر که زراعت کند بدرود آنچه کشته است
و کسی که حرص ندارد بحظ خود میرسد و کسی که حرص دارد در تعب بیابد چیزیرا که مقرر شده است
از برای او و آنکسی که نیکوئی کند حق تعالی با او نیکوئی کند و آنکسی که نگاه دارد خود را از
بدی کردن حق تعالی نگاه دارد او را از بدیها حدیث متقیان و پرهیزکاران بهترین
مردمانند و عالمان ملاذ ایشانند و نشستن با ایشان زیاده میکند عبادت را بدرستی که
مومن می بیند گناه را همچو کسی که نشسته بر بیخ کوهی و بیمی باک ندارد از گناه کردن
حدیث بدرستی که حق تعالی وقتی که خواهد که به بنده خود خیر
بکند گناهان او را در نظر او گران و دشوار کند و هر گاه خواهد به بنده شر
کند انظار او گناه و دوستی اعمال بد را حدیث نظر مکن بخوردی گناه لیکن
نظر کن که بکی عاصی میشوی و نافرمانی میکنی حدیث
وقتی که مومن گناه کند اضطراب بیشتر میکند از گنجشکی که در دام افتاده باشد
و آنکسی که موافق باشد قول او با فعل او پس او نیکبخت است و آنکسی که موافق نباشد
با قول او با فعل او سرزنش کرده شود نفس او حدیث بدرستی که محروم میشوند مردمان
از روزی بجهت گناه کردن حدیث بگذار چیزیرا که بکار نیاید و مگوی چیزیرا که فایده
بتو نرسد و محافظت کن زبان خود را همچنانکه محافظت زر خود را حدیث بدرستی که حق تعالی
خواهد برد قومی را به بهشت و انقدار خیر را از نعمتهای بهشت با ایشان خواهد داد که
تنگ آید بالا تا ایشان قومی باشند در درجات بلند از بهشت چون نظر

کنند

کنند انجماعت باین قوم که در درجات بلندترند ببینند ایشانرا پس بگویند که
خدایا اینها برادران ما اند که در دنیا با ما بودند بچه چیز تفضیل کردی ایشانرا بر ما و مرتبه
ایشان بلند کردانیدی از مرتبه ما پس در جواب ایشان بگویند هیهات هیهات ایشان
در دنیا گرسنه بودند وقتی که شما سیراب بودید و شب برمیخاستند وقتی که شما در خواب
بودید و بحج و جهاد میرفتند و شما در آسایش بودید حدیث گردانید حق تعالی
چشم مرا در نماز و دوست میدارم نماز را همچنانکه دوست میدارد گرسنه طعام را و تشنه آب را
و گرسنه چون طعام خورد سیر میشود و تشنه چون آب خورد سیر میشود و من سیر نمیشوم از نماز
حدیث آنکسی که در شبانه روزی دوازده رکعت نماز سنتی بگذارد البته به بهشت میرود
حدیث مادام که تو در نمازی میکوبی در خانه جبار پادشاه را و آنکسی که بسیار کوبد
در خانه پادشاه را گشوده شود از برای او حدیث هر مومنی که برخیزد و مشغول شود بنماز
ریخته شود بر او ثواب از آسمان پر از ثواب شود و موکل شود باو فرشته ندا
کند و بگوید ای فرزند آدم اگر بدانی که چه مقدار ثواب است ترا در نماز که مناجات میکنی
بگردی از نماز و ترک نکنی نماز کردن را حدیث خوشحال آنکسی که عمل خواهند دید در
روز قیامت و پیش از مردمان دیگر به بهشت خواهند رفت و این جماعت آن
کسانند که بیشتر از مردم دیگر سجده کنند در سحرها حدیث نماز ستون دین است و
دین باو قایم است و صدقه محو میکند گناه او را و روزه سپری است که نگاه میدارد از
آتش دوزخ حدیث تفاوت میان درجات بهشت در بلندی و پستی بقدر

می باشند که تفاوت میان آسمان و زمین است که بنده در بهشت بگشاید چشم خود را و نظر
کند بمنزلهٔ بلندتر از درجهٔ خود پس بدرخشد نوری که ببرد روشنی چشم را پس بترسد از آن بنده
بجهت این و بگوید چه چیز است این حق تعالی بگوید که این نور بنده برادر تست فلان
پس آن بنده بگوید که ما هر دو عمل میکردیم در دنیا پس چرا مرتبه او زیادتر از
مرتبهٔ من است پس گوید عمل او بیشتر بود از عمل تو حدیث دنیا زندان مومن است و بهشت
کافر و مومن صبح در دنیا بد مرد و شب بیدار گردانند و همچنین باشند و چگونه مومن اندوهگین
نباشند و حال آنکه حق تعالی وعده داده است و ترسانیده است مومن را و گفته است که
هر کس که هست از دوزخ خواهد گذشت و نگفته است که مومن نخواهد گذشت از دوزخ
و میرسد به مومن بیماریها و مصیبتها و کارهای درخشم آورنده او را و ظلم بر وی
کنند و او انتقام نمیکشد بجهت آنکه ثواب می خواهد از حق تعالی پس مومن همیشه
در دنیا حزین و اندوهناک است تا وقتی که دنیا برود پس وقتی که مفارقت
نماید از دنیا راحت می یابد و بکرامت میرسد خبر ثواب همهٔ عبادت
نزد حق تعالی برابر ثواب بسیار گریستن نیست حدیث آنکسی که علمی داشته باشد
که در گریه بیاورد او را از ترس خدا آن علم نفع ندهد او را بدرستی که حق تعالی ستایش
کرده است علما را باین طریق و گفته که ان الذین اوتوا العلم من قبله اذا یتلی
علیهم یخرون للاذقان سجدا و یقولون سبحان ربنا ان کان وعد ربنا
لمفعولا و یخرون للاذقان یبکون و یزیدهم خشوعا یعنی بدرستی که آنکسانی که داده

شنیده

شده است بایشان علم پیش از نزول قرآن چون خوانده شود برایشان قرآن
میافتند بر روی رخسار خود بر رو میافتند در حالتی که سجده کنندگانند از برای تعظیم
امر خدا و میگویند پاکست پروردگار ما از خلاف وعده بدرستی که هست وعده
آفریدگار کرده شده است یعنی واقع است و میافتند بر رویهای خود یعنی سجده
کنند بجهت متاثر شدن از مواعظ قرآنی بگریند و زیاده کند شنیدن قرآن
خضوع و فروتنی و ترس ایشان را حدیث آنکسی که قدرت نداشته باشد
بر گریستن باید که خود را اندوهگین سازد و بر گریه دارد بدرستی که دل سخت دور است
از حق تعالی و لیکن نمیدانند خبر حق تعالی میگوید که در بنده جمع نمیکنم دو
ترس دنیا و آخرت و جمع میکنم در بنده دو ایمنی را ایمنی دنیا و ایمنی آخرت پس وقتی
که ایمن باشد از من در دنیا و ترسان میسازم او را در آخرت و وقتی که بترسد از
من در دنیا ایمن گردانم او را در آخرت و نیز اگر کسی را نفعی باشد مثل عمل هفتاد
پیغمبر هر آینه خواهد شمرد عمل خود را روز قیامت و خواهد ترسید که نجات نیابد از شر
روز قیامت خبر عرض کنند بر بنده گناهان او را در روز قیامت در میان
جاهایی که آن گناه کرده باشند پس آن بنده بگوید که در وقت کردن این گناهان
ترسیدم از حق تعالی آمرزیده شود خبر بنده که عمل نیکو کند و اعتماد کند بر عمل خود
گناه صغیره کند تا وقت مردن حق تعالی بر وی غضب کند در روز قیامت خبر بدرستی که
بنده باشد که گناه کند و بسبب آن گناه به بهشت رود ابوذر میگوید که گفتم که یا رسول الله

فدای تو باد یا رسول الله چگونه تواند بود که بسبب گناه بهشت رود آنحضرت
گفت که باین طریق که گناهی کند بعد از آن پشیمان شود و اشک بریزد چشمهای او
و توبه کند از آن گناه و پناه جوید بحق تعالی پس خدای تعالی او را بهشت برد خبر
عاقل آنکسیست که خوار شمرد نفس خود را برای آخرت و بیعقل آنکسیست که پیروی
از آرزوی نفس کند و تمنا کند از حق تعالی مرادات نفس را خبر اول چیزی که
فراق میشود از امت من امانت و ترس خدمت تا آنکه نزدیک شود که پیش کسی ترس
خداوند نباشد خبر بحق آنکسی که نفس محمد بید قدرت اوست که اگر دنیا برابر پر پشه
مگسی یعنی میبودی نزدیک حق تعالی هرگز هیچ کافری شربت آبی از
دنیا نمیداد خبر دنیا ملعونست و آنچه در دنیاست نیز ملعونست مگر آن چیزی
که صرف شود بجهت رضای خدا و نیست چیزی دشمن‌تر نزد خدای تعالی از دنیا
آفرید دنیا را و نظر نکرد بدنیا و نخواهد کرد تا قیامت و نیست چیزی نزد حق تعالی
دوست‌تر از ایمان آوردن بخدا و ترک کردن آن چیزی را که امر کرده بترک
آن خبر بدرستی که وحی کرده است حق تعالی عیسی را و گفته است
ای عیسی دوست مدار دنیا را بدرستی که من دوست نمیدارم دنیا را و دوست دار
آخرت را بدرستی که آخرت سرای بازگشت است و بازگشت همه با من خواهد
بود خبر بدرستی که جبرئیل علیه السلام آورد نزد من خزینهای دنیا را
بر استر سفیدی و گفت بمن که ای محمد این خزینهای دنیاست و نقصانی نمیشود

از

در قرب و منزلت تو نزد حق تعالی اگر قبول کنی این را گفتم من بجبرئیل علیه السلام
که ای دوست حاجتی نیست مرا بدنیا میخواهم که گاهی سیر باشم و شکر گویم حق تعالی را
و هر گاه گرسنه باشم از حق تعالی چیزی بخواهم خبر وقتی که حق تعالی بخواهد به بنده
خود چیزی دانش میدهد او را در دین میباید او را زاهد بدنیا و بینا میگرداند او را
بعیبهای خود نفس خبر هر بنده که ترک کند دنیا را ثابت گرداند حق تعالی علم و حکمت را
در دل او و ناطق سازد زبان او را بعلم حکمت و بینا گرداند او را بعیبهای دنیا و دردها
و دوای دنیا و برد او را از دنیا بسلامت به بهشت خبر وقتی که ببینی مردی را که
زاهد است در دنیا یعنی ترک دنیا کرده است پس کوشش کن از و آنچه میگوید بدرستی که
هر چه میگوید حق است ابوذر میگوید که گفتم یا رسول الله زاهدترین مردمان کیست گفت آنکس است که
فراموش نکند اهل قبور را و در یاد مردن باشد و ترک کند زینت دنیا را و اختیار کند
آن چیزی را که باقی ماند که آن آخرتست بر آن چیزی که فانی شود که آن دنیاست و نشمرد
فردا را از ایام عمر خود و جزم نکند که فردا زنده خواهد بود و بشمرد خود را از مردگان
خبر حق تعالی وحی کرده است که مال جمع کنم ولیکن وحی کرده است بمن و گفته است
و سبح بحمد ربک وکن من الساجدین واعبد ربک حتی یاتیک الیقین یعنی تسبیح بگو
پروردگار خود را تسبیح مقرون بحمد یعنی بگو سبحان الله و بحمده و باش از نماز گزارندگان
و عبادت و پرستش کن پروردگار خود را تا وقتی که برسد بتو مرگ خبر لباس
درشت می پوشم و بر روی زمین می نشینم و بعد از طعام خوردن انگشتانم را

می‌ایستم و بر دراز گوش برهنه سوار میشوم و کسی را ردیف خود می‌سازم پس آن کسی که سنت
مرا بجا نمی‌آورد از امت من نیست ای ابوذر دوستی مال و بزرگی بیشتر می‌برد دین مرد را
از دو گرگ که عادت کرده باشد بردن گوسفند از جایی که گوسفند نباشد شبی
برده باشد گوسفند را چون صباح شود هیچ چیز باقی نماند از آن گوسفند گفت ابوذر
که گفتم یا رسول الله آنکسانی که بیشتر ترسند از حق تعالی و فروتنی و تواضع دارند و بسیار
ذکر میکنند آیا ایشان پیشتر به بهشت خواهند رفت آنحضرت گفت نی ولیکن درویشانی
که مسلمان باشند پیشتر خواهند رفت به بهشت بدرستی که درویشان قدم خواهند نهاد
بر گردن مردم و خواهند رفت چون به بهشت برسند ایشان بگویند که چگونه حساب ما
بکنند بحق خدای که ما پادشاهی نبودیم که ظلم و عدل کرده باشیم و مالی نداشتیم که
داشته باشیم و صرف کرده باشیم ولیکن عبادت و پرستش حق میکردیم تا اینکه اجل
ما رسید و حضرت پروردگار خواند ما را پس اجابت کردیم و قبول نمودیم دعوت
پروردگار خود را ای ابوذر دنیا مشغول میگرداند دلها و بدنها را بخود و حق تعالی
سوال خواهد کرد از آنکسانی که فراغتها کرده باشند از وجه حلال پس چگونه
خواهد بود حال آنکسانی که فراغتها کرده باشند از وجه حرام ای ابوذر بدرستی که من
طلب کردم از حق تعالی که بگرداند روزی آنکسی که دوست میدارد مرا بقدر کفاف [illegible]
او را دهد و بآنکسی که دشمن میدارد مرا مال و فرزند بسیار ای ابوذر خوشحال آنکسانی که
ترک کرده اند دنیا را و رغبت کرده اند بآخرت و بساط ایشان زمین است

وفراش ایشان خاکست و بوی خوش ایشان آبست و مشغول اند بکتاب
حق تعالی و بآن عمل میکنند و ترک کرده اند دنیا را ای ابوذر کشت آخرت عمل صالح است
و کشت دنیا مال است ای ابوذر بدرستی که پروردگار خبر داد مرا و گفت که بعزت
و جلال من که در نمی‌یابند عابدان مرتبه گریه کنندگان را بدرستی که من جا کرده ام
برای گریه کنندگان قصری در اعلی علیین که شریک نیست با ایشان در آن قصر [illegible]
گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله کدام از مومنان عاقل‌تر است آنحضرت گفت که
آنکسی است که بیشتر یاد مردن کند و بهتر مهیا باشد برای مردن ای ابوذر وقتی که [illegible]
نور از دل مومن داخل او گشاده میشود گفت ابوذر که گفتم پدر و مادرم فدای تو باد
یا رسول الله علامت این کدام است آنحضرت گفت که علامت این [illegible]
کارهای بد و متوجه شدن بآخرت و دور شدن از دنیا که از دولت دنیا [illegible]
برای مردن پیش از رسیدن اجل ای ابوذر بترس از حق تعالی چنین که گویا [illegible]
دل تو از خدای تعالی و حیای مردم که بیشتر ترسی از خدا تعالی بجهت آنکه مردمان
ترا اکرام کنند ای ابوذر باید که هر کاری که کنی نیت کنی بجهت خواب کردن و چیز
خوردن ای ابوذر باید که بزرگ باشد عظمت و جلال حق تعالی در دل تو ای ابوذر
بدرستی حق تعالی فرشته‌هاست که ایستاده اند از ترس خدا تعالی
و سر خود را از ترس خدا تعالی در زیر انداخته اند و سر بالا نکنند [illegible]
صور بدمد در آخرت بگویند که آن فرشته‌ها که بار خدایا پرستش کردیم ترا آنچه [illegible]

یاد مردن هم

تو نزاورانی ✱ اگر کسی اعمل ... باشد آنکه شرم و خجل خود را در
روز از سختی آنچه بیند دران روز و اگر دل وی از خوف و بیم که از اندرون
دوزخیان بیرون می آید بریزند و بر شرق هاربه در جوش انداز ان کاسمان
سر انگشتانی کرد مضطرب اند چون آواز کنند دوزخ در روز قیامت ✱ فرشته مقرب
و پیغمبری مرسلی نماند که نترسد و بر زانو در افتند و بگویند که یا رب نفسی نگاه دار
هیچکسی یاد کسی نکند و همه کس بخود درمانند دران روز تا آنکه فراموش کند
حضرت ابراهیم اسحق را و بگوید که یا رب ... منم خلیل ابراهیم تو فراموش مکن چرا
✱ اگر زنی از زنان بهشت نمایان شود در آسمان در شب تاریک [illegible]
روشن شود زمین از جهت او بیشتر از روشن شدن زمین بآفتاب در چهارده
پیاپند بوی خوشش او تمام اهل زمین و اگر چادر از جاهای اهل بهشت را
در دنیا پوشش شود و آنکه کسی نظر کند در آن جامه تاب دیدن آن ندارد ✱ بلند
آواز خود را در وقت حضور جنازه و در وقت جنگ کردن با کافران و در وقتی
که قرآن میخوانند ✱ هرگاه در عقب جنازه روی باید که در ذکر آخرت باشی
و بدانی که تو هم بآن راه خواهی رفت ✱ بدانکه در شمار دو خاصیت است خنده
کردن بی تعجب و گاهی کردن بی سهو ✱ دو رکعت نماز که کسی بگذارد از روی
تفکر بهترست از عبادت شبی که دل او غافل باشد ✱ سخنان حق بر دل کافران
تلخست و سخنان باطل سبکست و شیرین ✱ بیا رست که بر دل نفس یکساعة

بس

سبب اندوه بسیار میشود ✱ کسی کمال دانش وقتی پیدا میکند که حقیر داند
در جنب حق تعالی خود را از همه حقیرتر داند ✱ بپرس کسی حقیقت ایمان تا زمینی
مرد ما را نادان در دین و عاقل در کار دنیا ✱ حساب کن که کتاب خود را نفس
از آنکه در قیامت حساب کنند کن ... که این سبب آسانی حساب
شود در روز قیامت و معاش از برای روز قیامت و طاعت و عبادت کن
که روز قیامت اعمال بندگان را تمام عرض خواهند کرد و هیچ چیز پوشیده نخواهد ماند
بر حق تعالی ✱ شرم دار از خدایتعالی بحق آنکسی که نفس من در قبض قدرت اوست
که وقتی که بیرون بقضا حاجت کردن میروم سر و بدن خود را بجامه می پوشم شرم میدارم از آن
دو فرشته که با منند ✱ آیا میخواهی که به بهشت روی گفت ابو ذر که گفتم بلی
یا رسول الله آنحضرت گفت که کوتاه کن امید را در دنیا و مرگ را برابر خود ببین و
شرم دار از خدایتعالی آنچنان که حق شرمست گفتم یا رسول الله ما شرم میداریم از
حق تعالی آنحضرت گفت که شرم داشتن چنین نیست ولیکن شرم داشتن از حق تعالی
آنست که فراموش نکنی اهل قبور را و نوسیدن ایشان را فراموش نکنی شکم را و آنچه
میخوری از طعام و آب و بدانکه حلالست یا حرام و آنکسی که خواهد بزرگی آخرت را
باید که بگذارد زینت دنیا را پس وقتی که چنین باشی نزدیک میشوی بحق تعالی
✱ کسی که نیکوکارست اندک دعا کافیست او را چون نمک طعام را اندک نمک کافیست
✱ مثل آنکسی که دعا کند و عمل نیکو نداشته باشد مثل کمانیست که تیر اندازد

وکان او زنده داشته باشد خبر بدرستی که باصلاح درفتی او ورو سبب صلاح بنده
فرزندان او وفرزند او رانگاه میدارد در خانه او وخانه او وخانهای که
که در حوالی اوست مادام که آن بنده صالح در میان ایشان باشد خبر پروردگار
تو مباهات میکند بر فرشتها بکسی یکی بمردی که در بیابانی که هیچکس نباشد
اذان واقامت بگوید وبعد از آن نماز بگذارد پس بگوید حق تعالی فرشتهها که نظر
کنید به بنده که نماز میگذارد در جایی که هیچکس او را نمی بیند غیر از من پس فرود آیند
هفتاد هزار فرشته ونماز بگذارند در عقب او واستغفار کنند برای او از آن روز
تا روز دیگر ودیگر مباهات میکند بمردی که برخیزد در شب ونماز گذارد تنها و
بعد از نماز سجده کند وبخواب رود در سجده وپس بگوید حق تعالی فرشتهها که
نظر کنید به بنده من که روح او نزدیک منست وبدن او در سجده است ودیگر
مباهات میکند بمردی که در میان گروهی بوده باشد که جهاد کنند با کافران
پس آن گروه دیگر بگریزند وا ایستاده باشد وجنگ کند تا آنکه کشته شود حدیث
هر مردی که سجده کند بر موضعی از زمین گواهی دهد آن زمین برای او در روز قیامت
وهر منزلی که فرود آیند قومی وشب در آنجا باشند چون صباح شود آن منزل صلوات
فرستد برایشان اگر عبادت کرده باشند واگر عبادت نکرده باشند لعنت کند برایشان
حدیث صباح وشامی نیست مگر آنکه مواضع زمین ندا میکنند بعضی بعضی را میگویند
که ای همسایه ایا گذشته است بتو کسی که ذکر گفته باشد حق تعالی را یا بنده که

پیشانی

پیشانی خود را بر تو نهاده باشد وسجده کند حق تعالی را بعضی بگویند بلی پس وقتی که
بگوید الموضع که بلی بخشش در این الموضع که چه رسیده است وشکافته شود
بر بیند که الموضع را فضیلت وزیادتی هست بر مواضع دیگر خبر بدرستی که
حق تعالی از زمین واز درخت است از درختها نفع میرسانید زمین واز درختها بود
از درختها تا آنکه گفتند فاسقان بنی آدم که اتخذ الله ولدا یعنی گرفت حق تعالی
فرزندان را عزیر ومسیح چون گفتند این کلمه را زمین در لرزه آمد وآن منفعت وفائده
رفت خبر چون مومنی بمیرد زمین چهل صباح بروی گرید خبر وقتی که باشد بنده در
بیابانی که هیچکس نباشد پس وضو سازد یا تیمم کند وبعد از آن اذان واقامت بگوید
نماز بگذارد امر کند حق تعالی بفرشتهها که در عقب او نماز بگذارند پس صف کشند فرشتهها
در عقب او که یک صفی که پیدا نیست اطراف آن تا پایان نباشد رکوع کنند وقتی که او
آن فرشتهها که آن بنده رکوع کند وسجده کنند وقتی که او سجده کند وآمین کنند وقتی که
او دعا کند خبر آنکسی که اقامت بگوید واذان نگوید نماز گذارد باو از فرشتهها کران دو
فرشته که موکل اویند حدیث هر جوانی که ترک کند دنیا وزینت او را برای خدا وبگذارد
جوانی را در طاعت وعبادت بدهد خدا تعالی او را ثواب هفتاد ودو صدیق
خبر آنکسی که ذکر گوید در میان غافلان مثل آنکسیست که جنگ کند با کافران
ودیگران او تمام گریخته باشند خبر نشستن با کسی که صالح باشد بهترست از
تنهایی وتنهایی بهترست از نشستن با کسی که بد باشد وسخن خیر گفتن بهترست

از خاموشی و خاموشی بهترست از سخن بد گفتن خبر مصاحبت مکن مگر با مؤمن
و طعام خود مگر اینکه پرهیزکار بود و طعام فاسقان مخور خبر بده طعام خود را بکسی که دوست
میداری او را برای خدا و بخور طعام کسی را که دوست میدارد ترا برای خدا خبر بدرستی
که حق تعالی عالم است بخیال همه کس پس باید که بترسد از حق تعالی و بداند که چه
میگوید خبر سخن زیادتی مگو و اکتفا مکن بانچه حاجت تو برآورده شود خبر
همین بس است برای آنکسی را دروغ گوی گویند که هرچه بشنود بگوید خبر
نیست چیزی سزاوارتر به بند زبان خبر از جمله اکرام کردن خدای تعالی است
اکرام کردن پیری که مسلمان باشد و اکرام کسی که حافظ قرآن باشد و بآن عمل کند
و اکرام کردن پیری که مسلمان باشد و سلطان عادل خبر عمل حرص است کسی اگر زبان خود را
نگاه ندارد خبر عیب مکن مردمان را و مدح مکو و طعنه مکن و سخن چین مباش [illegible]
خبر همیشه روی بنده از خدای تعالی زیاده میشود مادام که در باشد خلق او
خبر سخن نیکو گفتن صدقه است و هر قدمی که می نهد برای نماز صدقه است اگر کسی
اجابت کند و قبول نماید سخن کسی را که بخواند او را بحق تعالی و عمارت مسجد کن که
ثواب و جزای او از حق تعالی بهشت است ابو ذر میگوید که گفتم یا رسول الله من
فدای تو باد یا رسول الله چگونه عمارت مساجد کنند آنحضرت گفت که آواز بلند نکنند
در مساجد و شروع کنند در کار باطل در مساجد و چیزی نخرند و نفروشند در مساجد
ترک کنند کار بیفایده را مادامی که در مسجد باشند پس اگر چنین نکنند که گفت

۱۲

نشده و عقاب گشته او را در روز قیامت باید که ملامت نکند مگر خود را خبر
مادام که نشسته در مسجد حق تعالی میدهد ترا بعدد هر نفس درجه در بهشت و صلوات
میفرستند بر تو فرشتگان و نوشته میشود برای تو بعدد هر نفسی که میزنی ده حسنه
و محو میشود از نامه اعمال تو ده گناه خبر میدانی که درست از چه کسان فرود آمده است
این آیه که اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون گفت ابو ذر که گفتم یا
رسول خدا فدای تو باد آنحضرت گفت که این آیه فرود آمده است در شان کسانی
که انتظار نماز برنده در عقب نماز معنی این آیه آنست که ای گروه مومنان صبر کنید
در ادای فرایض و شکیبائی نمائید و آماده باشید و بترسید از حق تعالی به پرهیزکاری
که شاید که شما رستگار شوید خبر آنکسی که وضوی کامل بسازد در روشنی که مشغول
باشد موجب کفارت گناهان اوست و بسیار رفتن بمسجد حکم جهاد دارد
حق تعالی فرموده است که دوسترین بندگان نزد من آنگروه اند که دوست دارند
یکدیگر را برای من و متوجه شود دل ایشان بمساجد و استغفار کنند در سحرها و
گروه اند که وقتی میخواهم که اهل زمین را عقوبت کنم یاد میکنم ایشان را و
عقوبت نمیکنم اهل زمین را یا با ذر هر نشستن در مسجد بیفایده است مگر
از برای قرآن خواندن و ذکر گفتن حق تعالی و پرسیدن مسائل
علم خبر اهتمام تو بی باید که پرهیزکاری زیاده باشد از اهتمام تو بعمل [illegible] که
حق تعالی فرموده است انما یتقبل الله من المتقین یعنی جز این نیست که قبول

میکند حق تعالی عمل پرهیزکاران را خبر بشنو وازمنقباح مکر وقتی که حساب
طلبید از نفس خود سخت تر از حساب طلبیدن شریک از شریک خود پس
بداند که از کجاست خوردن وآشامیدن وپوشیدن او یا از وجه حلالست یا از حرام
خبر آنکسی که باک نداشته باشد که کسب مال کند از وجه حلال یا حرام باکی ندارد
حق تعالی از بردن او بدوزخ خبر کسی که خواهد که بزرگترین مردمان باشد باید که
پرهیزکاری نماید خبر دوسترین شما نزد حق تعالی آنکسی است که بسیار ذکر کوید حق تعالی را
ویاد حق تعالی کند وکرامی ترین شماست وآنکسی که خواهد نجات او از عذاب خدای تعالی
بیشتر باشد باید که ترسش از حق تعالی بیشتر باشد خبر بدرستی که متقیان
آنکسانند که پرهیز نمایند از چیزی که پرهیز کردن او لازم نباشد از ترس این که مبادا
در شبهه افتند خبر آنکسی که فرمان برداری حق تعالی کند پس بتحقیق که یاد
حق تعالی است واگرچه نماز سنتی کم بگذارد وروزه سنتی کم بدارد وکم قرآن
بخواند خبر اصل دین ورع وپرهیزکاری است وسر دین طاعت وفرمان برداری است
خبر پرهیزکار باش تا عابدترین مردمان باشی وبهترین کارهای شما پرهیزکاری است
خبر فضیلت علم بیشتر است از فضیلت عبادت وبدانکه اگر شما نماز بگذارید تا آنکه
پشت شما مانند کمان خم شود وروزه بدارید تا آنکه بدن شما مانند کمان باریک
شود فایده نبخشد شما را این نماز وروزه بی پرهیزکاری خبر بدرستی که اهل ورع و
زهد در دنیا اولیا وخاصان خدا اند البته خبر هرکسی که پرهیزکار باشد در روز قیامت زبانش کارگر است

کفت

۱۳

کفت ابوذر که کفتم پدر ومادرم فدای تو باد یا رسول الله سه چیز کدام است آنحضرت
کفت که پرهیزکاری که منع کند او را از آن چیزی که حرام کردانیده است حضرت حق تعالی
آنرا وحلمی که تحمل کند ودر کذراند از جاهلان بی ادبی را وخلقی که مدارا کند با آن مردمان
خبر اگر خواهی که باشی که قوی ترین مردمان توکل کن بر حق تعالی واگر میخواهی که
بزرگترین مردمان باشی پرهیزکاری کن واگر خواهی که غنی ترین مردمان باشی باید که اعتماد
تو بچیزی که در دست تصرف حق تعالی است بیشتر باشد از اعتماد تو بر چیزی که در
تحت تصرف تست خبر اگر همه مردمان عمل کنند بمضمون این آیه کافیست ایشان را
واین آیه است که ومن یتق الله یجعل له مخرجا ویرزقه من حیث لا یحتسب ومن یتوکل
علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا یعنی هرکه بترسد از
حق تعالی وترک معاصی کند بکرداند خدای تعالی برای او بیرون شدنی وخلاصی
باید از اندوه دنیا وآخرت وروزی دهد او را از جایی که کمان نبرد وبشمار در نیاید که
توکل کند بر خدای وکار خود را بخدا کذارد پس کافیست خدای او را از کفایت
ومهمات بدرستی که خدای تعالی رساننده است کار را هر جا که خواهد خبر
حق تعالی کفته است که بعزت وجلال من که آنکسی که اختیار کند آن چیزی را که
من میخواهم وترک کند آرزوی خود را غنی کردانم او را وغنای او را در دل او در فکر
آخرت باشد وحفظ من روزی او کردانم آسمان وزمین را بر او طرف کردانم
تنکی معاش او را بر وجهی که احتیاج تجارت هیچ تاجری نداشته باشد خبر

اگر بنی ادم بگریزند از روزی خود همچنانکه میگریزند از مردن هر اینه روزی
ایشان با ایشان میرسد بیاموزم ترا کلماتی چند که فایده دهد ترا حق تعالی بان
گفت ابوذر که گفتم بلی یا رسول الله آنحضرت فرمود که محافظت کن رضای حق تعالی را
تا محافظت کند خدای تعالی ترا و یاد حق تعالی کن در وقت خوشحالی تا آنکه
حق تعالی متوجه تو شود در حالت سختی هرگاه چیزی خواهی از حق تعالی طلب کن و اگر خواهی
که طلب یاری کنی طلب کن از خدای تعالی بدرستی که حق آنچه واقع خواهد شد
تا روز قیامت نوشته شده است در لوح محفوظ پس اگر تمام خلق جهد کنند که نفع
رسانند بتو چیزی نوشته شده است قادر نشوند بران پس اگر استطاعت
و قدرت داری که عمل کنی که رضای حق تعالی در ان باشد و اگر قدرت نداری پس
صبر کن بدرستی که در صبر کردن بر چیزهایی نکره داشت خیر بسیار است بدرستی که نصرت
با صبر است و خوشحالی با اندوه است و با هر دشواری آسانی پند طلب غنا کن
از حق تعالی تا غنی گرداند حق تعالی ترا گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله غنای
حق تعالی چیست آنحضرت فرمود که آن مقدار چیزیست صباح و شام بخوری پس
پس آنکسی که قناعت کند بآنچه حق تعالی روزی او کرده است او غنی ترین
مردمانست پند حق تعالی فرموده است که قبول نمیکنم سخن کسی را اما
باشد ولیکن نظر در نیت و قصد او پس اگر نیت او موافق رضای
منست میگردانم خاموشی او را حمد و ثنا و اگرچه بزبان حمد نگوید پند حق تعالی فرزند

صورتها

۱۲

صورتها و مالهای شما نمی‌نگرد ولیکن نظر به اعمال و دلهای شما میکند پند تقوی اینجاست
و اشارت کرد بجانب سینهٔ مبارک خود پند چهار خصلت است که نمی‌یابد
مگر در مومن خاموشی و این بهترین عبادات است و تواضع برای خدا و ذکر حق تعالی
در همه حال و مال اندک داشتن و قصد نیکویی کن اگرچه نیکویی نکنی تا آنکه نوشته شود
ز ازغافلان و نیز آنکسی که نگاه دارد فرج خود را از فسق و دو فک زبان خود را جزا
بهشت رود گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله مواخذه خواهیم شد بچیزی که بگوییم آنحضرت
ای ابوذر در نمی اندازد مردمان را در دوزخ مگر زبان ایشان بدرستی که همیشه سلامتی
مادام که خاموشی هرگاه سخن گفتی پس اگر سخن نیکو گفتی ثواب می نویسند برای
تو و اگر سخن بد گفتی گناه می نویسند برای تو پند بدرستی که آنکسی که سخن بگوید
در مجلس بجهت آنکه مردمان بخندند بیندازند او را در جهنم پند وای بر کسی که دروغ
بگوید بجهت آنکه مردمان بخندند وای بر او وای بر او پند آنکسی که خاموش باشد
نجات می یابد پس اگر سخن کنی بر تو باد که راست بگویی و آنکسی که دروغ بگوید بیرون
نمیرود از عقوبت دروغ گفتن هرگز گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله چیست توبه
کسی که دروغ گفته است آنحضرت گفت که استغفار و نماز پنجگانه میشوید گناه
او را پند پرهیز از غیبت کردن بدرستی که غیبت کردن بدتر است از زنا گفت
ابوذر که گفتم یا رسول الله پدر و مادرم فدای تو باد غیبت چرا بدتر است از
زنا آنحضرت گفت بجهت آنکه اگر کسی زنا کرده باشد و توبه کند حق تعالی

توبهٔ او را قبول میکند و اگر کسی غیبت کند حق تعالی آمرزد گناه او را تا آنکسی که او غیبت
کرده است حل نکند او را پند دشنام دادن مسلمان فسق است و کشتن ایشان
کفرست و غیبت کردن معصیت و گرفتن مال ایشان حرامست همچنانکه
کشتن ایشان حرامست گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله غیبت کدام است
آنحضرت فرمود که ذکر کردن برادر مؤمن بر وجهی که خوشش نیاید او را گفتم
یا رسول الله اگر آن چیز در وی باشد غیبت است آنحضرت فرمود که ای اباذر
که وقتی که بگوئی چیزی را که در مسلمان باشد و او را از گفتن آن بد آید غیبت است
و اگر بگوئی چیزی را که در وی نباشد تهمت است پند آنکسی که منع کند
کسی را از غیبت کردن برادر مسلمان واجب است بر خدای تعالی که آزاد کند
او را از آتش دوزخ پند آنکسی که غیبت کنند نزد او برادر مسلمان را و قدرت
داشته باشد که یاری کند آن برادر مسلمان را و منع کند از غیبت کردن او و این کار
بکند حق تعالی یاری کند او را در دنیا و آخرت و اگر یاری نکند و فرو گذارد و قدرت
داشته باشد بر یاری کردن فرو گذارد خدای تعالی او را در دنیا و آخرت پند
پند سخن چین بهشت نیرود و نیابد کسی که سخن چین خلاصی نیابد
از عذاب حق تعالی در آخرت پند آنکسی که دو رو و دو زبان باشد
در دنیا او دو زبان خواهد بود در آتش دوزخ یعنی عذاب او بیشتر خواهد بود
پند در مجالس امانت باشی یعنی سخنان که در مجلس گفته شود در جای

دیگر

دیگر نباید گفت و بگو پند فاش کردن برادر مؤمن خیانت است پس اجتناب
از دو واجب است از رفتن مجالس پند عرض کرده میشود عملهای اهل دنیا
بر حق تعالی در هفته دو روز دوشنبه و پنجشنبه پس آمرزیده شود گناهان مؤمنان
مگر گناه مؤمنی که میان او و میان مؤمنی دیگر دشمنی باشد پس بگویند فرشتگان
که بگذارید عمل این دو کس را تا وقتی که یکدیگر صلح کنند پند بپرهیزید از دوری
برادر مؤمن و اگر دوری ناچار و ضروری باشد دوری مکن بیش از سه روز تمام پس
آنکسی که دوری کند از برادر مؤمن بیش از سه روز تمام و بمیرد در این سه روز دوزخ سزاوار
ترست باو پند آنکسی که بمیرد و در دل او ذره از کبر باشد در نیابد بوی بهشت را
مگر آنکه توبه کند مردی گفت یا رسول الله خوشش می آید مرا که با زینت باشم
تا آنکه دوست میدارم که علاقهٔ تازیانه من و بند نعلین نیکو باشد آیا این تکبر است
آنحضرت فرمود که چگونه می باشی دل خود را شناسائی حق وارسیده و مایل حق
آنحضرت گفت که این تکبر نیست تکبر آنست که ترک کنی حق را و تکبر بسیار از
حق و متوجه غیر حق شوی و نظر کنی بمردمان و عرض ناموس خود را حقیرتر از حق
مردمان دانی و حرمت خون خود را زیاده از حرمت خون دیگران دانی پند
اکثر اهل دوزخ متکبران خواهند بود و مردی خواهد بود مردی گفت یا رسول الله
بر طرف میشود این تکبر را آنحضرت گفت بلی بسبب پوشیدن پشمینه و سوار شدن
خر و از گوشت دوشیدن گوسفند و نشستن با مسکینان تکبر بر طرف میشود

پند آنکس که بردارد متاع خود را که از بازار خریده است بردارد و ببرد بخانهٔ
خود از تکبر خلاص میشود پند آنکس که بکشد جامهٔ خود را بر زمین از روی تکبر
نظر نکند حق تعالی باو در روز قیامت پند لنگ مومن می باید که تا نصف ساق
او باشد و باکی نیست زیاده ازین کاهی که از کعبین در نگذرد پند
آنکس که جامهٔ کوتاه بپوشد و بدوزد کفش خود را و روی خود را بر خاک نهد وقت
سجده و بدرستی که خلاص میشود از تکبر پند آنکس که او را دو پیرهن باشد باید که
یکی را بپوشد و دیگری را ببرادر مومن دهد پند و زود باشد که فردا پیدا شوند از
امت من گروهی که مستور شوند در میان نعمتها و غذای ایشان الوان نعمتها باشد و همت ایشان
خوردن طعامها از رنگ برنگ و شربت گوناگون باشد و تعریف میکرده باشند طعامها و
شربتها را این گروه بدترین امت منند پند آنکس که قدرت داشته باشد که لباسهای
نیکو بپوشد و نپوشد بجهت تواضع حق تعالی ذلیل و خوار گرداند نفس خود را و صرف کند
در غیر معصیت مالی را که جمع کند برانهایی که خوار و مسکینند و مصاحب کنند
با اهل علم و حکمت حق تعالی ببرد او را در بهشت پند خوشا حال کسی که با صلاح
باشد باطن او و نیکو باشد ظاهر او و دور گرداند از مردمان شر خود را پند
خوشا حال کسی که عمل کند بعلم خود و صرف کند
مال را که زیاده باشد از معیشت و او نگاه دارد زبان
خود را از سخنان بیفایده پند کاهی جامهٔ درشت بپوشد

وکاهی جامهٔ نازک تا تکبر [illegible] پند در آخر زمان قومی پیدا شوند که پشمینه
بپوشند در تابستان و زمستان بجهت آنکه مردمان بایشان اعتقاد بهم رسانند
این گروهی اند که لعنت می کنند بر ایشان فرشتهای آسمانها و زمین پند خبر دهم ترا
که اهل بهشت کیست گفتم بلی یا رسول الله آنحضرت گفت اهل بهشت کسی است که
ژولیده موی و گرد آلوده باشد و جامهای کهنه پوشیده باشد بجهت آنکه اهمیت
غفلت نداشته باشد و نظر در مردم و اگر سوگند خورد بخدا تعالی راست گرداند سوگند
خود را گفت ابوذر رحمة الله علیه روزی رفتم نزد رسول صلی الله علیه و آله و سلم
آنحضرت در مسجد تنها نشسته بود خلوت را غنیمت دانستم پس آنحضرت گفت یا
اباذر بدرستی که مسجد را تحیتی است گفتم یا رسول الله تحیت مسجد کدام است
آنحضرت گفت که تحیت مسجد دو رکعت نماز است بعد از آن متوجه آنحضرت شدم
و گفتم یا رسول الله امر کردی مرا بنماز چیست نماز آنحضرت گفت که نماز بهترین چیزیست
که خدا تعالی وضع کرده است پس آنکس که میخواهد کم میگذارد و آنکس که میخواهد بسیار
میگذارد و گفتم یا رسول الله کدام عمل از عملهای بنی آدم بهتر است نزد خدا تعالی
آنحضرت گفت که ایمان آوردن بحق تعالی و بعد از آن جهاد کردن در راه خدا
گفتم یا رسول الله ایمان کدام مومن کاملتر است آنحضرت گفت ایمان کسی کاملتر است
که خلق او بهتر است گفتم کدام مومن فاضلتر است آنحضرت گفت آنکس که سالم باشند
خلق از دست و زبان او گفتم دور بودن از چه فاضلتر است آنحضرت گفت آن

کسی که سالم باشد خلق از دست و زبان او گفتم دور بودن از چه فاضلتر است
آنحضرت گفت از بدی گفتم کدام وقت از شب فاضلتر است آنحضرت گفت نصف
از شب گفتم کدام نماز فاضلتر است آنحضرت گفت نمازی که قنوت او بیشتر
باشد گفتم کدام صدقه فاضلتر است آنحضرت گفت که پنهانی صدقه دادن کسی که مال اندک داشته
باشد گفتم که کدام روزه فاضلتر است آن حضرت گفت که روزه که واجب باشد
گفتم کدام زکوة واجب است آنحضرت گفت که آنکه بهای او بیشتر باشد و
نفیس‌تر باشد گفتم کدام جهاد فاضلتر است آنحضرت گفت که جهاد آنکسی که اسب
او را پی کنند و خون او ریخته شود گفتم کدام آیت از آیتهای قرآن بزرگتر است
آنحضرت گفت آیة الکرسی گفتم یا رسول الله در صحف ابراهیم چه چیز بود
آنحضرت گفت مثلها بود از جملهٔ آن مثلها اینست که ای پادشاه مبتلا شده
بپادشاهی بدرستی که نفرستادیم ترا که رد کنی از من دعای مظلوم را و اگرچه مظلوم
کافر یا فاسق باشد و مثل دیگر اینست که واجبست بر عاقل که در هر شبانروزی ساعتی
مناجات کند بپروردگار خود و ساعتی فکر کند در مصنوعات حق تعالی
و ساعتی حساب نفس خود کند در آنچه گذشته است و در آنچه می‌آید و ساعتی مشغول
شود بخوردن و آشامیدن از وجه حلال و نیز بر عاقل واجبست که سفر نکند مگر
بجهت سه چیز برای توشهٔ آخرت برای معاش و برای لذتی که حرام نباشد و نیز واجبست
بر عاقل که بینا باشد بزمان یعنی اوقات خود را بعبث صرف نکند متوجه بکار خود شود

ونگا

ونگاه دارد زبان خود را و کسی که سخن کردن را از جملهٔ اعمال داند سخن نگوید مگر در چیزی
ضرورت باشد گفتم یا رسول الله صحف موسی علیه السلام چه چیز بود آنحضرت
گفت که تمام چیزها آن بود که مردمان از آن عبرت میگرفتند و از جملهٔ آنها اینست که
عجبست از کسی که یقین میداند که دوزخ هست و میخندد و عجبست از کسی که میداند که مرگ حق است
و خوشحالی میکند و عجبست از کسی که می‌بیند دنیا و گردیدن او را با اهل دنیا و تغیرات
او را آرام و قرار میگیرد در دنیا و عجبست از کسی که یقین میداند که حساب
خواهد بود در روز قیامت و عمل نیکو نمیکند گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله آیا از چیزها که
حق تعالی بر تو فرستاده است در صحف ابراهیم و موسی علیهما السلام که مضمون آن
آیتهاست قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربه فصلی بل تؤثرون الحیوة الدنیا
والاخرة خیر و ابقی ان هذا لفی الصحف الاولی صحف ابراهیم و موسی یعنی بدرستی که
رستگاری یافت آنکه پاک شد از کفر و معصیت و یاد کرد نام پروردگار خود را
بزبان پس نماز گذارد بلکه شما اختیار میکنید زندگانی دنیا را و آخرت بهتر و پاینده
تراست بدرستی که این سخن در صحیفهای پیش هست که پیش از قرآن نازل شده که آن صحف
ابراهیم و موسی است گفت ابوذر که گفتم یا رسول الله وصیتی کن مرا آنحضرت گفت که وصیت
ترا میکنم بپرهیزکاری بدرستی که تقوی بهترین همه نیکوییهاست گفتم یا رسول الله
زیاده کن وصیت را آنحضرت گفت بر تو باد که قرآن بخوانی و ذکر حق تعالی
بگویی بدرستی که قرآن خواندن و ذکر گفتن موجب ذکر تست در آسمان

و نوریست در زمین گفتم یا رسول الله زیاده کن آنحضرت گفت بر تو باد که جهاد
کنی بدرستی که جهاد رهبانیت امت منست گفتم یا رسول الله زیاده کن
آنحضرت گفت بر تو باد که خاموش باشی مگر از سخن خیر بدرستی که خاموشی دور میکند
شیطان را از تو و یاری میدهد ترا در امور دنیا و دین گفتم یا رسول الله زیاده کن
آنحضرت گفت پرهیز از خنده کردن بسیار بدرستی که میمیراند دل را و میبرد نور
صفا را گفتم یا رسول الله زیاده کن آنحضرت گفت که نظر کن بآنکسی که از تو درویش
ترست و نظر مکن بکسی که از تو غنی ترست بدرستی که این موجب آنست که
نشکر گوئی نعمتی را که حق تعالی بتو داده است و چون حق تعالی را شکر گوئی
نعمت خود را از تو باز نگیرد گفتم یا رسول الله زیاده کن آنحضرت صله رحم بجا آر
با خویشان خود اگرچه ایشان صله رحم بجا نیارند و دوست دار درویشان را
بسیار با ایشان بنشین گفتم یا رسول الله زیاده کن آنحضرت گفت سخن حق
بگو اگرچه تلخ باشد گفتم یا رسول الله زیاده کن آنحضرت گفت مترس در راه
خدا تعالی از ملامت کردن مردمان گفتم یا رسول الله زیاده کن آنحضرت
گفت باید که عیب نکنی مردمان را بچیزی که آن چیز در تو باشد و همین بس است ترا
ما دانی کسی که عیب مردمان را میداند و عیب خود را نمیداند گفت
ابوذر که بعد از آن آنحضرت دست بر سینه من زد و گفت یا اباذر نیست
عقلی مانند تدبیر و نیست پرهیزکاری مانند باز ایستادن از حرام و نیست حسبی

مانند

مانند خوش خلقی [illegible] در اختیارات ایام برای کارها منقولست از
امام جعفر صادق علیه السلام و از آبای او علیهم الصلوة والسلام روز اول
از ماه نیکوست برای دیدن امرا و طلب کردن حاجتها و خرید و فروخت و زراعت
و سفر روز دوم ماه نیکوست برای سفر و طلب کردن حاجتها روز سیوم ماه بدست
و برای هیچ کاری نیک نیست روز چهارم برای نکاح کردن نیکوست و مکروه است
سفر کردن در آن روز روز پنجم ماه نحس است و بدست برای جمیع کارها روز ششم
ماه مبارکست و نیکوست برای نکاح کردن و طلب حاجت روز هفتم ماه روز
مبارکست و نیکوست برای کار هرچه خواهد روز هشتم ماه نیکوست برای هر حاجت بغیر
سفر که مکروه است درین روز روز نهم ماه روز مبارکست و نیکوست برای هرچه
اراده کند و آنکسی که سفر کند درین روز مال بسیار حق تعالی روزی او کند و در سفر خود
چیزی بسیار که خیر ببیند روز دهم نیکوست برای حاجتها بغیر رفتن نزد سلطان
و آنکسی که بگریزد درین روز از سلطان گرفتار شود و آنکسی که گم شود از او درین
روز حیوانی بیابد نیکوست درین روز خرید و فروخت کردن و آنکسی که بیمار
شود زود صحت یابد روز یازدهم نیکوست برای خرید و فروخت و برای
جمیع حاجتها بغیر رفتن نزد سلطان و پنهان شدن درین روز نیکوست
روز دوازدهم روز مبارکست پس طلب کنید درین روز حاجتها و سعی نمائید در
حاجتهای خود بدرستی که درین روز حاجتها بر آورده میشود روز سیزدهم

نحست و هیچ کار را نشاید پس بپرهیزید درین روز از جمیع کارها روز چهارم
نیکوست برای حاجتها و برای همه کارها روز پنجم نیکوست برای هر حاجتی پس
طلب کنید درین روز حاجتهای خود را هر آینه درستی که درین روز حاجتها برآورده
میشود روز ششم نحست و بدست برای جمیع کارها روز هفتم ماه نیکوست
پس طلب کنید درین روز آنچه میخواهید و نیکوست درین روز نکاح کردن
و خرید و فروخت و زراعت کردن و بنا نهادن و نزد سلطان رفتن
بجهة حاجت هر آینه درستی که درین روز حاجت برآورده میشود روز هشتم
مبارکست برای سفر کردن نیکوست و طلب حاجت و آنکسی که حرب کند با
دشمن درین روز غالب شود و ظفر یابد بر او بقدرت حق تعالی روز نهم
ماه روز خوبیست و نیکوست برای جمیع کارها و فرزندی که درین روز
متولد شود مبارک باشد روز دهم ماه نیکوست و خوبست برای طلب حاجت
و سفر کردن و بنا نهادن و عروسی کردن و نزد سلطان رفتن روز یازدهم
روز نحسیست هیچ کار را نشاید روز دوازدهم ماه مبارکست و نیکوست
برای خرید و فروخت و ملاقات سلطان و صدقه دادن و سفر
کردن روز سیزدهم ماه نیکوست خاصه برای نکاح و تجارت و رفتن نزد
سلطان روز چهاردهم ماه نحست و شوم هیچ کار را نشاید روز پانزدهم
روز بدیست حذر باید کرد درین روز از همه کارها روز شانزدهم نیکوست برای

هر حاجتی بغیر نکاح و سفر و بر شما باد که صدقه بدهید درین روز بدرستی
که نفع و فایده وی بیابید روز هفدهم نیکوست برای جمیع حاجتها و
کارها و ملاقات سلطان روز هیجدهم میانه است روز نوزدهم مبارکست
و نیکوست برای جمیع کارها بغیر از کتابت و مکروه است و آنکسی که
بیمار شود درین روز زود صحت یابد و آنکسی که سفر کند درین روز مال بسیار
باو رسد و آنکسی که بنده او بگریزد درین روز بازیافت شود روز بیستم
از ماه خوبست و نیکوست برای هر کاری و هر حاجتی از خرید و فروخت و عمارت
و نکاح و آنکسی که بیمار شود زود صحت یابد و فرزندی که درین روز متولد شود
حلیم و مبارک و راست گو و وفادار باشد [illegible] آنچه می باید گفت در عقب نمازها
وقتی که مضطر شود آدمی ضرورت باشد او را توجه بکاری یکی ازین روزها
که منع کرده است امام جعفر صادق از شروع کردن در کاری و این دعا را [illegible]
دعای افرجیت دعا اینست لاحول ولاقوة الا بالله افرج بها کل کرب لاحول ولا
قوة الا بالله احل بها کل عقدة ولاحول ولاقوة الا بالله اجل بها ظلمة لاحول ولا
قوة الا بالله افتح بها کل باب لاحول ولاقوة الا بالله استعین بها علی کل امر
لاحول ولاقوة الا بالله اعتصم بها من کل محذور احاذره لاحول ولاقوة الا بالله
استوجب بها العفو والعافیة والرضا من الله لاحول ولاقوة الا بالله نفرق بها
اعداء الله وغلبت حجة ولیی وحجة الله لاحول ولاقوة الا بالله العلی العظیم الفاتحة

المنعظم

رب الاحبار البالية ورب الشهور المنقطعة ورب الجلود المتمزقة ورب العظام
النخرة ورب الساعة العالية اسالك يا رب ان تصلي على محمد وآل محمد وعلى
آل بيت الطاهرين وافعل بي ذلك بحق بعفوك يا ذا الجلال والاكرام آمين آمين
آمين رب العالمين فصل در خاتم كتاب چون ابتدا كردم اين كتاب را
بخطبه امير المومنين علي عليه السلام بجهت تيمن وتبرك وبجهت آنكه آن خطبه مشتمل
بود بر جميع آداب واخلاص خواستم كه ختم كنم اين كتاب را بخطبه ديگر از
امير المومنين عليه السلام كه روش مومنان وصفات متقيان وپرهيزكاران
از او معلوم ميشود وبجهت آنكه اين خطبه بهترين پيشوايانست براى آنكس كه پيروى
او كند وبليغ ترين موعظها وپندهاست براى كسانى كه پندپذيرند وختم كردم
كتاب خود را باين خطبه پس گردد ختم كتاب بمشك فصل روايت
است كه يكى از اصحاب امير المومنين على عليه السلام نام او همام بود مردى عابد
عابد گفت روزى با امير المومنين على عليه السلام كه صفت كن براى من متقيان
وپرهيزكاران را بر وجهى كه خود ظاهر شود احوال ايشان بر من آنحضرت مكث كرد
در جواب دادن او وبعد از ساعتى گفت اى همام پرهيزكارى ونيكوكارى كن
بدرستى كه حق تعالى با كسانيست كه پرهيزكار ونيكوكارانند همام قناعت نكرد
باين سخن وسوگند داد آنحضرت كه صفت كند متقيان را براى او پس آنحضرت حمد
وثنا گفت حق تعالى را وصلوات بر پيغمبر صلى الله عليه وآله وسلم وبعد از آن گفت

اما بعد حمد خدا وصلوات بر رسول بدرستى كه حق تعالى آفريد خلق را وبى نياز بود
از معصيت ايشان بجهت آنكه ضرر نميرسد بحق تعالى از معصيت آنكسى كه نافرمانى
كند ونفع نميرسد بحق تعالى از طاعت آنكسى كه فرمانبردارى كند پس قسمت كرد ميان
معيشت ايشان را وتعيين كرد از دنيا جاى ايشان را متقيان در اين دنيا
اهل فضل اند سخن ايشان راست وصواب است ولباس ايشان ميانه است
ونه خوب ونه بد وراه رفتن ايشان بطريق تواضع است وپوشيده اند
چشمهاى خود را از آنچه حرام گردانيده است حق تعالى بر ايشان ووا داشته اند گوشها
مگر عملى را كه نافع باشد ايشان را وسختى وفراخ حالى پيش ايشان يكسانست
واگر نبودى اجلى كه حق تعالى مقرر كرده است براى ايشان قرار نگرفتى روحهاى
بدن ايشان يك چشم زدن بجهت شوق بثواب وترس از عقاب بزرگست
حق تعالى نزد ايشان پس خرد است آنچه غير خداست در نظر ايشان
گويا بهشت را مى بينند ودر بهشت تنعم ميكنند ودر دوزخ معذب اند دلها
ايشان اندوهگين است ومردمان از بديهاى ايشان ايمن اند وبدنها
ايشان ضعيف ولاغر است وحاجتهاى ايشان اندك است ونفسهاى ايشان
پاك است از معصيت وبارى كردن ايشان در اسلام بسيار راست و
صبر كرده اند مشقت روزهاى دنيا كه اندك است تا راحت بسيار بخاطر ايشان
در آخرت ميسر گردانيده است حق تعالى براى ايشان تجارتى كه سودكننده است

میخواهد دنیا ایشان را و ایشان نمیخواهند دنیا را میطلبد ایشان را و ایشان عاجز
کردانیده‌اند دنیا را و دنیا اسیر کرده است ایشان را و ایشان بازخریده‌اند نفسهای
خود را از دنیا اما در شب قرار نمیخواهند ایستادنی و حسرت و حزین و اندوهگین میسازند بقرائت
خواندن و حاصل میکنند باین جهت از قرآن خواندن دوای درد خود را چون برسند بآیتی
که در آن شوقی باشد میل کنند بآن جهت طمع رحمت و نزدیکست که برآید جانهای ایشان
از شوق آن رحمت و کمان برند که آن رحمت پیش چشم ایشان است
پس ایشان دوتا شوند و بزرگی یاد کنند پروردگار را و بر زمین نهند
پیشانی و دستها و زانوها و انگشتان پایهای خود را و طلب کنند از حق تعالی
خلاصی خود را از آتش دوزخ و اما در روز حلیمان و دانایان و نیکوکاران
و پرهیزکاران باشند و ضعیف ساخته باشد ایشان را ترس حق تعالی کسی که
نظر کند بایشان کمان برد که ایشان بیمارند و حال آنکه ایشان بیمار نباشند
و آنکسی که نظر کند بایشان بگوید که ایشان دیوانه‌اند و حال آنکه دیوانه ساخته است ایشان را
امری عظیم که فکر آخرت و راضی نباشند از عملهای خود باندکی و بسیار چیزی
عمل کنند در نظر ایشان بیاید و ایشان نفس خود را متهم سازند و کویند
عمل نیک نکردی و از عملهای خود بترسند و چون مدح کویند ایشان را بترسند
از آنچه گفته شود در حق ایشان و بگویند که ما داناتریم بنفس خود از غیر و پروردگار
ما داناتر است از ما بنفس ما بار خدایا مگیر ما را بدانچه میکویند در حق ما و بگردان

ما را

ما را بهتر از آنچه گمان میبرند و بیامرز گناهان ما را که ایشان نمیدانند پس تویی که
دانای عیبها پوشنده عیبها تویی پس از علامات ایشان آنست
که می‌بینی ایشان را که قوتی داشته باشند در دین و علم و دانش و حلم و میانه‌روی
کنند در توانگری و توانگری ترس داشته باشند و در عبادت توانگر باشند خود را
در درویشی و صبر کنند در سختی و طلب حلال کنند و شادی کنند بجهت یافتن
راه راست و پرهیز نمایند از طمع و عملهای نیکو کنند و ایشان ترس داشته باشند تمام
قصد ایشان شکر باشد شب بروز آرند ترسناک و صباح فرحناک داشته باشند
ترس ایشان در شب بجهت غفلت است و فرح ایشان در صباح بجهت فضل
و رحمتی است که بایشان رسیده است و اگر صعب شمرد بر ایشان نفس چیزی را
مکروه میدارند فرمان برداری نفس نکنند در آنچه دوست میدارد نفس تمام
روشنی چشم ایشان در عملهاییست که برای آخرت و رغبت ندارند در
چیزی که باقی نمی‌ماند که آن امور دنیویست و جمع کرده‌اند حلم را
با علم و قول را با عمل می‌بینی ایشان را که نزدیکست
با امید خود و کم است لغزیدن و گناهان ایشان را و ترسناکست
دل ایشان و قانع است نفس ایشان اندکست خورش ایشان
و سهلست مهر ایشان و صادقست قول ایشان و امیدوارند مردمان
از خیر ایشان و ایمنند از شر ایشان اگر در میان غافلان باشند نیز

ذکر میکویند و نوشته میشوند از زمرهٔ ذاکران و اگر در میان غافلان باشند ایشان
نیز ذکر میکویند و نوشته نمیشوند از جملهٔ غافلان عفو کنند از انکسی که ظلم کند بر
ایشان و چیزی بدهند بکسی که بایشان چیزی ندهد و صله رحم بجا آورند نسبت
بکسی که قطع صله رحم کند از ایشان دور باشد از سخنان فحش و ملایم باشد گفتار ایشان
کارهای ناشایسته نکنند و نیکوئی کنند متوجه خیر شوند و از شر احتراز کنند در چیزهای
که موجب اضطراب شود آرمیده و باوقار باشند در مشقتها متحمل و صبور باشند
و در آسایش شاکر باشند ظلم نکنند بر کسی که دشمن کند بایشان و بدی نکنند
بکسی که دوست دارد ایشانرا اعتراف کنند بحق پیش از آنکه گواه گذرانیده
شود برایشان ضایع نکنند آنچیز را که نگاه می باید داشت و فراموش نکنند
پندی را که بایشان میدهند و نخوانند مردم را بلقبهای بد و ضرر نرسانند
بهمسایهٔ خود شادی نکنند بمصیبتهای دشمنان سعی کنند که در اول وقت
نماز را بجا آورند و ادای امانت کنند و دور دارند خود را از چیزهای بد و امر
معروف و نهی منکر بجا آورند و در نیایند بچیزهای باطل و بیرون روند از حق
اگر خاموش باشند اندوهگین نسازند ایشانرا خاموشی و اگر سخنی گویند
خطا و ناصواب نگویند و اگر بخندند بلند نشود آواز ایشان گوش ایشان
قانع است بشنیدن چیزی که برای شنیدن آن مخلوقست سرکشی نکنند
در حالت خشم و آواز نا نفس و بخل بر ایشان غالب نشود و مصاحبت کنند بلو

بجهت

بجهت آنکه بسلامت باشند و چیزها پرسند از مردمان بجهت آنکه دانا شوند
و تجارت اخرت کنند بجهت آنکه ثواب حاصل شود ایشانرا و نیکوئی نکنند
بجهت آنکه فخر کنند بر مردمان بلکه بجهت رضای خدا نیکوئی کنند تکلم ایشان
بسخنان نیکو بجهت آن نیست که تکبر کنند بر مردمان و اگر ظلم کنند بر ایشان
صبر کنند تا حق تعالی انتقام کشد برای ایشان نفس ایشان در مشقت باشند
از ایشان و مردمان از ایشان در راحت باشند در مشقت انداخته اند خود را
برای اخرت و در راحت انداخته اند مردمانرا از نفس خود دوری کنند از انکس که
پاکیزگی ندارد و نزدیکی جویند بانکس که نزدیک باشد به ملایمت و به رحم نباشند
دوری کردن ایشان از آن جماعه بجهت تکبر و بزرگی نیست و نزدیکی نمودن ایشان
با این جماعه از روی مکر و فریب نیست راوی میکوید که چون امیر المؤمنین علی علیه السلام
این سخنان را بپایان فرمود همام بیهوش شد و در آن بیهوشی جان را
بحق تسلیم کرد امیر المؤمنین علی علیه السلام گفت که بحق خدا است که از این
میترسیدم که در اول وصف نکردم متقیان را برای همام و بعد از آن
آنحضرت گفت اینچنین میکنند پندهای کامل با اهل آن پند شخصی گفت که
چیست حال تو یا امیر المؤمنین علی علیه السلام گفت بآن شخص که وای
بر تو بدرستی که هر اجلی را وقتیست که در نمیگذرد از آن وقت و سببیست

کتابخانه مجلس شورای ملی
۷۸۱

پس مثل این سخنان بگوید بستی که شیطان این سخنان را
بزبان تو میدهد مصنف کتاب میگوید که اینست آنچه اراده کردیم که
جمع کنیم از سیرت حضرت پناهی صلی الله علیه وآله وسلم واداب که روایت
کرده شده است از آنحضرت بدرستی که وفا کردیم بانچه شرط کرده
بودیم و سوال میکنیم از حق تعالی که توفیق دهد بعمل کردن باین اداب
بجهة رضای خدا و خشنودی و مغفرت او رسیدن به بهشت و کرامت
او بفضل وجود و رحمت او و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت والیه انیب

تمام شد بعون عنایت الهی و روحانیت حضرت
رسالت پناهی صلی الله علیه و اله و سلم
و ارواح حضرت ایمه معصومین و اهل بیت طیبین و طاهرین
صلوات الله علیهم اجمعین و بیمن دولت خان عالیشان
مظهر آثار خیرات و حسنات منبع جود و عطا ناظم مسطور انظار
ملک منان محمد خان اللهم اجعل رایات دولته منصورة
مرفوعة الی ابد اباد حشمته محفوظا عن الخلل بمحمد و اله اجمعین
امین رب العالمین مامول با هو مرجو
از کرم الهی و فضل نامتناهی انکه توفیق
کرامت کند خواص و عوام را
سنه ۱۳۳
کتبه عبد الاسلام اسمعیل علی
صفی شیرازی

حسب الفرموده نواب عالی

[illegible]

